

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_228542

UNIVERSAL
LIBRARY

~~DUF 67-11-1-68-3,000~~

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No.

Accession No.

Author

Title

This book should be returned on or before the date last marked below.



بسم الله الرحمن الرحيم
هست کلید در گنج حکیم

محمد و ثنای لا تعد حکیمی راست علم با نظم و سیاس بقیاس علمی را علم الانسان مالم یعلم حکیمی که زبان
کرو بیان را بکلمه سچانک لا علم لنا الا ما علمتنا گویا ساخته و علمی که دل انسان ضعیف البنیان را
تبدیل کار ما و یقین من العلم الاقلیلا تسلیه داده بتعلیم رب زوئی علما پر داخته تقاضای شانه و لایزال
سلطان از بارود و دو سلام روح مشام نثار بارگابی باد که کوس نبوتش غیو العلماء ورثه الانبیاء
بزرده افلاک و حیث انما یدیه العلم بگوش الماک رسانیده صلی الله علیه و علی آله و اصحابه لطیبین
الطاهرون الهادین المهدیین سپس آن پوشیده مباد بحر زبوم هندوستان که جز و اولش هم پله جهان
است از بدو شیوع اسلام تا این ایام بسیاری از علمای عظام و فضلاء کرام گذشتند و ثنای
از خود گذشتند بقول مولانا که جامی قدس سره اسامی زندانایان بود این نکته مشهوره
که دانش در کتب دانا است در گور به احصای اسامی گرامی شان بجز عالم الغیب که داند که بچشم
تحریر در آرد مگر طبع حریص که مجبول مالاید رک کله لایترک کله است و بقضای کار دنیا کسی
تمام نکرده آنچه گیرید محقر گیرید بهر چه دریافت نمی گذارد پس تراجم برخه ازان طائفه عالی که از کتب
سلف و تحریرات دالقه معاونین با غر و شرف بمن پیچیدان پیوسته درین دبیره موسوسه
مذکره علمای هند ملقب به تحفه الفضلاء فی تراجم الکمل و یدری نگارم و از
اخلاق حسنه ناظرین باتمکین چشمی دارم که بعثرات و زلات قلم تولید رقم این فاقد الاستعداد
و دستگیری فرموده بذیل اصلاح عیب پوشی را کار فرمایند و الله المستعان و علیه التکلان

فاین کتاب مرتب است بہ ترتیب حروف ہجاء تا نظر کتاب را بتلاش ترجمہ عالمی وقت رونمایید
و ذکر ماخذ و معاونین در خاتمہ خواهد آمد انشاء اللہ تعالیٰ

حرف الالف

مولانا ابو حفص ربیع محدث بصری ابن صبیح السعدی البصری بر طالبان اخبار ثقی
و مستتر نیست کہ اولاً شیوع ملت اسلامیہ بمالک ہند از دست محمد بن قاسم ابن عقیل ثقفی کہ
ابن عم و داماد حجاج ابن یوسف ثقفی بود در عہد خلافت ولید بن عبدالملک بظہور آمدہ یعنی
محمد بن قاسم بچہ ہفدہ سالگی بالشکر مجاہدین یزد و پنجشنبہ دہم رمضان سال نود و سہ و بقولے
سال نود و نہ ہجری ملک سندہ را از دہان بنج مرزبان سندہ مفتوح نمودہ رایات اسلامی
وران دیار مرتفع فرمود و دابہ بند کور در ناورد گاہ کشتہ شد همان زمان یا پس ازان صاحب
ترجمہ دران دیار قدم آورده با جملہ وی از تبع تابعین و کلمای محدثین است از حسن بصری و
عطار روایت مے کند از وسفیان ثوری و کعبہ ابن ہندی را وی اندوی رحمۃ اللہ علیہ
صدوق و عابد و مجاہد بود گویند کہ وی اول مصنفین در امت اسلامیہ است کہ بسال یک صد و
شصت ہجری بمالک سندہ رحلت فرمود رضوان اللہ علیہ

مولوی ابوالحسن فرنگی محلی ابن مولوی عبدالحامد ابن مولوی محمد نافع ابن مولوی عبدعلی
بحر العلوم بعد حفظ قرآن مجید تحصیل علوم در سیہ خدمت مولوی عبدالحکیم نمودہ و بیعت
از مولوی حافظ عبد الوالی کردہ ہفتدہم ذی الحجہ سال دوازده صد و ہشتاد و دو ہجری بعالم
جوانی ازین جہان فانی در گذشت

مولوی ابوالحسن نصیر آبادی ساکن قصبہ نصیر آباد مضاف کنوئ عالم عامل صاحب
درع و تقوی بود بیعت و خلافت سلسلہ نقشبندیہ از مولوی مراد اللہ فاروقی نسبا و المجدوی
المظہری مشرآ و تہا نیسری موطن مرید و خلیفہ مولوی نعیم اللہ ہراچی مرید و خلیفہ حضرت مرزا مظہر
جان جاناں قدس اللہ تعالیٰ اسم را ہم داشت علمے را از ظلمات شرک و بدعت نجات بخشید
و باتباع سنت سنیہ مے کوشید دوم شعبان سن دوازده صد و ہشتاد و دو ہجری

رحلت فرموده بخت آرمید

شاه ابوسعید عمری دهلوی تلمیذ مفتی شرف الدین لاهیوری و مولانا رفیع الدین دهلوی
و اجازت عامه از مولانا عبد الغفر دهلوی حاصل کرده و بیعت طریق نقشبندی از شاه غلام علی
دهلوی داشت بروز عید الفطر وقت صبح سال دوازده صد و چهل و نه هجری در لوناک
وفات یافته غفر الله له

میر ابو الغیث بخاری در عهد جلال الدین محمد اکبر شاه عالمی متصوف آیت بود و آیات
آنی در مجلس لطیف او بجز قال الله و قال الرسول و اذکار مشایخ هرگز ذکر دیگر نبود در سال
نصد و نود و پنج هجری بعارضه قونج بمقام لکنه وفات یافته نفس او بدلی آورده مدفون کردند
و میر ستوده سیر تاریخ فوتش یافته اند

شیخ ابوالفیض فیضی خلف اکبر شاگرد شیخ مبارک ناگوری در سن نهصد و پنجاه و چهار هجری
متولد شده ذهن ثاقب و فکر صائب داشت بعمر چهارده سالگی قرغ علمی حاصل نمود در قسام علوم
همچو شعر و معاد عروض و قافیه و تفسیر و تاریخ و لغت و طب و خط و انشاء عجم النظم بود و او اکل تخلص فیضی
شعری گفت و در او از تقریب برادر خود ابوالفضل که وے را علمای نداشتند بغرض تعلی
انسان وزن تخلص قیاضی اختیار نموده در سن نهصد و هفتاد و چهار هجری به بارگاه اکبر شاه
رسیده بخطاب ملک شعر ممتاز شد و او را تصدیه است طویل و در مدح اکبر بادشاه موارد نظم
در علم اخلاق بعبارت عربی بحدود مملعه و سواطع الالهام تفسیر تر آن بصنعت
اهمال با تمام رسیده و صله آن ده هزار روپیه اکبر شاه و میراداده میر حیدر معای تاریخ تمام آن در
سوره اخلاص یافته و ترجمه فارسی لیلاداتی مصنفه پنڈت بهاسکر بیدری که در سن ششصد و
بست و دو هجری تصنیف کرده بود و ترجمه را مان منظم فارسی و مثنوی نلدمن و دیوان
فارسی که در آن پانزده هزار ابیات انداز تصانیف مشهوره فیضی اند تاریخ و هم صفر سن
یک هزار و چهار هجری بمقام اکبر آباد فوت شده مدفون گشت بنابر مشهوره فیضی بمذاهبی
مقیم نبود

ابوالفضل علامی پسر و دم شیخ مبارک ناگوری است در سن نهصد و پنجاه و شست

ہجری متولہ شدہ بحر یازدہ سالگی از علوم معقول و منقول فراغ حاصل کردہ تجرود و عزت پیش نظر داشت مگر باصرار احباب در سال نوزدہم جلوس اکبری ملازمت بادشاہ اکبر حاصل نمودہ تفسیر آیہ الکرسی موسومہ تفسیر اکبری کہ از ان تاریخ تالیف برے آید نوشتہ پیشکش بادشاہ کردہ با لطائف خسروی مخصوص گشتہ اول بخدمت منشی گری نان بعد بعدہ وزارت سرفراز گشت و در اندک زمانے بخاطر بادشاہ آن چنان جا گرفت کہ محسود مراد شاہ ہزاگان شد و تخلص خود علامی می کرد بروقت مراجعت اندکن باشارہ شاہزادہ سلیم یعنی جہانگیر راجہ ہر سنگھ دیوبندیلہ تاریخ چہارم بیج الاول سنن یک ہزار و یازدہ ہجری ابو الفضل ماقول کردہ و سرش بریدہ نزد شاہزادہ سلیم کہ در آگاہ آباد مقیم بود فرستاد شاہزادہ بغایت خوش شد و اکبر شاہ تاسع خورد تحویرات وفات کہ کتاب ابو الفضل داین اکبری و اکبر نامہ و عیار دانش و رسالہ اخلاق و غیرہ یادگار قابلیت دے ہستند او ہم حسب شہرت مقید بمذہبے نبود۔

حافظ شاہ ابواسحاق خلف و خلیفہ شاہ ابوالغوث گرم دیوان فاروقی بہیروی کہ بسال یازدہ صد و ہفتاد و ہشت ہجری رحلت فرمود دے را گرم دیوان از ان گویند کہ جسم مبارکش در بعض اوقات بخرق عادت بدرجہ غایت گرم می شد کہ نان گندم بران توان بخت دے را و خلیفہ نامور بودند یکے شاہ معشوق علی غازی پوری دوم فرزند ارجمندش منظر محاسن اخلاق شاہ ابواسحاق ذات شریفش نادر روزگار مذکر ششم صحابہ کبار بود رہد و تقوی شعارش و احراز اسرار شریعت و تارش افتادہ در تصحیح و تنقید احادیث نبویہ علیہ الصلوٰۃ و التحیۃ ملکہ و ہبی داشت و بتعلیم علوم ظاہر و باطن مے پرداخت و در مواظبت سنت سنہ اندکے تغافل نمی ورزید در امر معروف و نہی منکر ہر صغیر و کبیر و غنی و فقیر را یکسان مے دید بسال دوازدہ صد و سی و چہار ہجری بریاض رضوان آرمد بہیروی نسبت بموضع بہیل بابائے مکسورہ موحده مخلوط ہا و بای مشناتہ تحماتیہ معروف در اے مملہ بعدش الف قریہ است بقلع عظم گڑھ از چڑیا کوٹ جانب شمال ششش کردہ فاصلہ دارد

حکیم ابوالفتح گیلانی ولد مولانا عبد الرزاق جامع کمالات از ملازمان اکبر شاہ بروز پنجشنبہ نوزدہم شوال ۹۱۰ سال ۹۱۰ و دو ہفتم از صدی دہم ہجرت رحلت نمود

شیخ ابوالفتح علّامی قریشی کالپومی مرید و خلیفہ سید محمد گیسو دراز جامع علوم ظاہر و باطن بود
بزیارت حرمین شریفین مشرف شد و کتاب عوارف المعارف پیش حضرت سید گیسو دراز
گنجانیدہ و مثال خلافت و اقتدایافتہ او را مصنفات است مثل تکمیل در نحو و مشاہدہ و تصوف
قبرش بکالپی است برو اللہ مضجعہ

قاضی ابوالفتح بلگرامی عرف قاضی کمال در عہد جلال الدین محمد اکبر بادشاہ خدمت
قضای بلگرام داشت در علوم فقہ علم بے مثالی مے افراخت بعمر ہشتاد و چہار سالگی در سن یکہزار
و یک ہجری رحلت کرد

خواجہ ابوالفتح کشمیری دانشمند محقق و عالم مدقّق خصوصاً در علم کلام ید طولی داشت وی
شاگرد خواجہ حیدر چرخمی است در استخراج مسائل فقیہی بے انبار بود کتاب سیف السابّین در رد
عقائد اہل تشیع از تصنیفات اوست در صدی یازدہم ہجری بدر بقا رحلت کرد جزاہ المذخر ۵
رفت اندر ہزار و یکصد سال بہ تاریخ وفات اوست

شیخ ابوالفتح تہانسیری از فحول علمای روزگار و از اعیان متجربین عالی مقدار بودند
حدیث از سید رفیع الدین محدث داشت و پنجاہ سال در اکبر آباد درس علوم عقلی و نقلی فرمودہ
و بسی مستعدان چالاک از دامن افادہ او برخاستہ اند مولوی عبدالقادر بدایونی مصنف
منتخب التواریخ از تلامذہ اوست

مخدوم ابوالقاسم سندی ابن مفتی داد و طالب علم صاحب مدرسہ سرآمد روزگار بود
بسیاری طلبہ علوم را بغیض وافی رسانیدہ اورنگ نریب عالمگیری را از طرف خود وکیل شرعی
قرار دادہ بود بسال ہزار و صد و سیزدہ ہجری فوت شد مخدوم رحمت اللہ سندی در ذہب العلم
من السند تاریخ فوتش یافتہ

قاضی ابوالمعالی ساکن اگرہ شاگرد و خلیفہ دانا و عزیزان بخارا است او در فقہ چنان
دستگاہی داشت کہ اگر بالفرض و التقذیر جمیع کتب فقہ حنفی از عالم بر افتاد مے ادا نہ سرنو
مے توانست نوشت در سن نصد و شصت و نہ ہجری از توران بنہ آمدہ در اگرہ مقیم شد و
ہما بخا وفات یافتہ سال وفاتش بدریافت نرسید ملا عبدالقادر بدایونی مؤلف منتخب التواریخ

و میرغیاث الدین الملقب به نقیب خان انو مستفید شده اند

شیخ ابوالکلام سمعیل ابن شیخ صفی الدین ردولوی دوازدهم ربیع الثانی سال هفتصد و هشتاد و نه هجرت ولادت یافته چهل روزه بود که پدرش ویراپاے سید اشرف جهانگیر سمنانی پیر خود انداخت سید موصوف فرمود این هم مرید من است بالجملة شیخ ابوالکلام در سایه عاطفت پدر بزرگوار خود تربیت یافته بشانزده سالگی از جمیع علوم متعارفه فلرغ حاصل کرده و شب و روز بر درس تدیس و ذکر و فکر بسر می برد و رحمة الله علیه بسیزدهم ربیع الاول روز چهارشنبه وقت عصر سال ششصد و شصت هجرت از دارفانی بعالم جاودانی رحلت فرمود و در چهار فرزند بودند عبدالصمد عزیز الله عبد القدوس حبیب الله عرف مخدوم مثنی عبدالصمد و عزیز الله و حبیب الله فیض تویت پدر بزرگوار ارادت و خلافت خاندان چشتیه نظامیه حاصل کردند و شیخ عبد القدوس بخاندان چشتیه صابریه فیضیاب شده تصبه گنگوه را محط انوار و هدایت و ارشاد ساخت -

حاجی ابراهیم محدث اکبر آبادی بزهد و تقوی و درع و درس علوم دینی خصوصاً علم حدیث قیام داشت تفقید بشرع و توسع و یرافع اختلاط و ارتباط مردم بود و همواره امر معروف و نهی منکر می نمود هرگاه حسب طلب در عبادتخانه اکبر بادشاهی آمد بمجلسم تلفعات و آداب بلوک مقید نمی شد و پیوسته و عظ و نصیحت می گفت و سال وفاتش بدریافت نرسید رحمة الله علیه

سید ابراهیم ایرچی ابن معین بن عبدالقادر حسینی دانشمند کامل بر سایر علوم عقلی و نقلی و سمعی و تحقیقی عبور نموده کتب بسیار از هر علوم مطالعه کرده و تصحیح فرموده و مشکلات آنرا چندان حل کرده که هرگز ادنی مناسبتی باشد نظر در کتاب او کافی بود و احتیاج استاد نداشت و الحقی که در دهلی در زمان او هیچ کس بدانش را و نبود و بوجه ناحق شناسی اهل روزگار در زاویه خود بطالع و تصحیح کتب مشغول بود و در رس کم گفتی یا این همه نسبت او بسلسله علیه قادریه بر همه غائب بود و مرید شیخ بهاء الدین قادری شطاری است در سن نهصد و بیست هجری بهدلی در اواخر عهد سلطان سکندر لودے آمده شیخ عبداللہ دهلوی و میان لاون مولانا عبد القادر صابون گردید که کار آلمان نامور به بزرگی او گردیدند و در عهد اسلام شاه در سن نهصد و پنجاه و سه هجری وفات یافته در مقبره سلطان المشائخ مدفون است ایرچی

نسب است بہ ایرج ہمزہ مکسورہ و یای تختانی ثناۃ مجہول و رای مملہ مفتوحہ و جیم فارسی نصبہ
ایست بملک مالوہ اکنون بصلع جالون تعلق دارد و از شرقاے مشلخ و سادات آباد
معلم ابراہیم با عکظہ ساکن سورت و دانشمند شیخ و فقیہ اشہر ثانی المذہب خلیف
مسجد جامع بندر بمبئی بود ہمارہ بدس و تدریس تفسیر و حدیث و فقہ مشغول بودی مفتی عبدالمطہ
و مولوی سید عبدالفتاح عرف مولوی اشرف علی گلشن آبادی و سید عماد الدین از ارشد تلامذہ
وے ہستند بست و ہفتم رجب سن دوازده صد و ہشتاد و دو ہجری رحلت فرمودہ

مرقدش در بندر سورت است و گلشن آباد نامش مشہور ناسک است
مولوی احسان لغنی ساکن رملو مصنف لکھنؤ عالم عامل کہ درع و تقوی و تبارش بود
بماہ رجب سال دوازده صد و ہشتاد و یک ہجری رحلت فرمود

حکیم احسان علی ساکن لہند آباد نارہ خلف حکیم شیر علی متوطن احمد آباد نارہ برادر کلان
سوف کتاب تاریخ بستم شعبان دوازده صد و بست و نہ ہجری بقصبہ سلون متولد شدہ علوم
سی و متعارفہ بخدمت قاضی عبدالکریم قدس سرہ بمقام ساس بریلی و علم طب از والد خود حاصل کردہ
در طبابت مہارتی کامل داشتند و تمام عمر بعدہ و کالت سرکار انگریزی با جلال و فتح پور و باندہ ممتاز
بودند بمقام باندہ تائیک ہفتہ علیل ماندہ تاریخ تہم ذی الحجہ اخیر شب جمعہ سال دوازده صد و نو
و چہار ہجری رحلت فرمودہ بروز جمعہ بمقام باندہ اندرون احاطہ دیوان محمد علی مرحوم متصل قبر

شیخ محمد شفیع الزمان مدفون شدند قطو تاریخ وفات آن مرحوم از متلج طبع شیخ نجم الدین الزمان
ساکن سندیلہ است **۵** حکیم احسان علی رحلت نمودند بچوار حق کم از دو قوس بادا ب

نہیم از در دول سالتش رقم زدہ بمقامش جنت الفردوس بادا ب **۶** از نشی نعمت حسن
افسون تخلص بیس باندہ **۷** احسان علی وکیل نے رحلت جہان سے کی بچہ ذات شریف پاک
تھی ہر ایک عیب سے بے افسون کو فکر جو ہوئی سال وفات کی بچہ داخل ہوئے بجلدند آلی غیب سے
تصانیفہ۔ طب احسانی۔ معالجات احسانی۔ مفردات احسانی۔ مرکبات احسانی۔ اوراد

احسانی۔ نکات احسانی۔ و دیگر کتب مفیدہ نیز یاد گارند

قاضی احمد مجد تار نولی ابن قاضی عبدالدین بن قاضی تاج الافاضل ابن قاضی

شمس الدین شیبانی از اولاد امام محمد شیبانی صاحب امام اعظم ابو حنیفہ بود مولدش تار نول و
منشے او جمہر و مرقدا و ناگوریست تلمذ و ارادت بخدمت خواجہ حسین ناگوری داشت در سن
ہیژدہ سالگی فراغ حاصل کردہ انولع علوم و ادب سے گفت قاضی مجد الدین پدرش را ہفت سہر
بودند ہمہ دانشمند و متقی و متدین و بزرگترین ایشان احمد مجد در علم و عمل بر ہمہ فائق و جامع علوم
شرعیہ و طریقت و ورع و تقوی و ذوق و حالت بود و در امر معروف و نہی منکر بجانب از
مجد یکہ پیش دے غنی و فقیر و خویش و بیگانہ درین باب مساوی بودند گاہے ماہنشست را
بجوہر ماہی داد و در باب دینار از دوش قدرے نبود در آوان طالب علمی با دانشمندان بحث
کردی و بزبان عربی و فارسی تقریر نمودی و در مجالس ملوک قاصر در آمدی و بحث کردی ہمہ عنفوان
شباب مرید خواجہ حسین ناگوری شد و از بحث و جدل و در آمدن بخانہ ملوک توبہ کرد و علم طریقت
پیش پیر خود خواندہ در سن ہیژدہ سالگی از تار نول با جمہر آمد و ہفتاد سال در ان بقعہ شریعت
برزہ و ورع در باخت و با نواع خیرات عمر بسر برد و در جمہر روش او این بود کہ نیم شب
بر وضع خواجہ بزرگ سے آمد و نماز تہجد سے گزارد و تا نماز چاشت تکلم کئے کرد بعد فراغ
دریں علوم دینیہ سے گفت و بعد قیل و لہ قلیلہ بر سے خاست و تا عصر با و را مشغول بودے
و بعد ازان تفسیر مدارک میان اہل مجلس بیان فرمودی چنانکہ مسلوک طریق مشایخ و سے بود
نقل است کہ و سے گفت و تھے ہمراہ اتر باے خود برای مدد معاش بہ بند و رفتم و من در ان ایام
خرد سال بودم شیخ محمود دہلوی شیخ الاسلام در مند بود و صدارت علما با و سے تعلق داشت
در نماز پیش از امام تحریمہ بست چون از نماز فارغ شد ہیچ کس از دانشمندان کہ دہشت اول ہیلوی
او بودند بوسے چیزے نگفت چون دیدم کہ ہمہ ماہنشست سے کنند من پیشتر آدم و شیخ الاسلام گفتم
کہ این نماز تو درست نیست کہ تحریمہ پیش از امام بستی شیخ الاسلام منفعیل شدہ اعادہ نماز کرد
منقول است کہ رسم سلاطین مند و چنان بود کہ مردم با ایشان پشت خم کردہ و سبابہ بر زمین نہادہ
سلام سے کردند قاضی احمد مجد و قاضی ادریس دہلوی کہ دانشمندان بودند باکن وضع سلام
نکونند کہ بدعت است السلام علیکم گفتند و برابر بادشاہ نشستند بادشاہ انصاف
با ایشان داد و قاضی ادریس را قاضی جمہر ساخت و چہار دیہ بوسے داد و ا مر فتو سے

ف مندرنا شهرست بلکه ملو پیش ازین دارالحکومت سلطان علی خان در
ن دربار است

کہ موروثی قاضی احمد مجد بود بونے مسلم داشت قاضی احمد مجد را بدرجہ غایت محبت باولا در سالت
پناہ معلوم بود و در عموم احوال جامہ خیس و کم شو پوشیدی و اکثر اوقات صرف کلاہ بر سرش
بودی و جز نماز دستار بر سر کمتر بستی و شیروار در مجلس تذکیر نشستی و اما قال اللہ و قال رسول ہدیت و
عظمت تمام گفتی چنانکہ زہرہ ملک آب شدی و تقطیم خود از کس نمی پسندید بعد مدت متوجہ ناگور شد
کہ مسکن پیروی است و بتاریخ بست و پنجم صفر سال نصد و بست و ہفت ہجری اللہ اکبر گویان
جان بحق تسلیم کرد و در روضہ مخدوم بزرگ سلطان التارکین در پایان پیر خود مدفون گشت
لما محمد نازونی کہ مردے صالح و مقبول و مرید قاضی احمد مجد و مورخ وقت بود تاریخ فوتش چنین یافتہ
نظر بستہ بود احمد مجد شیبان بہ زردون خطہ مجوزا ہد ز شاہ بہ نہ کہ تاریخ آن پیر خود نازونی

بآورد از محلہ شیخ زاہد بہ رحمۃ اللہ علیہ جمعین

مولانا شیخ احمد سرہندی مجد و الف ثانی ابن مولانا شیخ عبدالاحد فاروقی
نسب آنحضرت بہ بست و ہشت واسطہ بجناب امیر المومنین سیدنا عمر بن الخطاب رضی اللہ
عنہ سے پیوند دوی رحمہ اللہ از بزرگان سرہند بلکہ باعث فخر اہل ہند عالم ربانی و مجد و الف
ثانی جامع بود میان علوم ظاہر و باطن و دلیلی بود ساطع بر شرافت نوع انسانی در سال ہفتاد و
ویکم از صدی دہم ہجرت بساحت وجود قدم رنجہ فرمود و بصغر سنی از حفظ قرآن مجید فراغت یافتہ
پہ تحصیل علوم متداولہ و آردہ اولاد از والد ماجد خود بعض علوم استفادہ نمودہ بسیا لکوث
رفت و از مولانا کمال الدین کشمیری نزیل سیالکوٹ کتب معقول بہ تحقیق و تدقیق تمام خواندہ و
علم حدیث از مولانا یعقوب کشمیری اخذ کردہ باز خدمت مولانا عبدالرحمن محدث کازکبرا
محدثین ہندوستان بودند حدیث مسلسل بواسطہ واحد و اجازت تفسیر و صحاح ستہ
و دیگر مفردات یافتہ بموفقتہ سالگی از تحصیل علوم ظاہر فراغ حاصل کردہ بدرس و تصنیف
مشغول شد خلافت سلسلہ چشتیہ از والدہ خود داشت و اجازت بیعت قادریہ وغیرہ
از شیخ سکندرتیلی یافتہ بہاے حجاز محل شوق بستہ بدہلی رسید در انجا با حضرت خواجہ محمد
باقی ہامدا مکنی قدس سرہ دولت ملاقات دست داد بطریقہ علیہ نقشبندیہ خدمت شان
بیعت کردند و در دو ماہ و چند روز نسبت حضور سلسلہ نقشبندیہ حاصل نمودند چنانچہ ہمداران

ایام حضرت خواجہ بیکی از مخلصان خود رقم فرمودند کہ شیخ احمد نام مردے از سر ہند کثیر العلم
توی العمل ہوزی چند با حقیر نشست و برخاست کردہ بسیار از روزگار اوقات خود مشاہدہ نمود
بأن مے ماند کہ آنتابی شود کہ عالم از روشن شود انتی و بہمان زمان آوازہ آنحضرت بلند شدہ
استان شان محط رحال و جمع اصحاب کمال گشت علمائے دور و نزدیک و امرائے ترک و
تاجیک بشرف حضور برہرہ و گردیدند و مشایخ ارادت آوردند و سلسلہ شان از ہند تا ماوراء النہر و
روم و شام و مغرب رسیدہ ذات بابرکات شان آیتے بود از آیات ربانی و نصیحتے بود از نصائح
یزدانی نزاعی کہ در میان علمائے کرام و صوفیہ عظام از ہزار سال بود ایشان برداشتند و مورد
و مصداق حدیث صلہ شدند چہ ایشان در میان علمائے ظاہر و صوفیہ صلہ بودند کہ اختلاف
فریقین را در وحدت وجود بلفظ راجع داشتند صبر و رضا و تسلیم و شفقت بر خلق و صلہ رحم و رعایت
ارباب حقوق و سبقت در سلام و نیت در کلام شیمہ کریمہ ایشان بود با این ہمہ تمسک بہ
کتاب و سنت ہمین یک نفیست مقاوم ہزار فضاہل تواند بود منقول است کہ علمائے ظاہرین
پیش سلطان جہانگیر ابن اکبر شاہ شکایت کردند کہ شیخ احمد دعوے مے کند کہ مقام دے
بالائے مقام صدیق اکبر است چون سلطان شیخ را طلبیدہ از حقیقت حال استفسار کرد و شیخ
جواب داد کہ شما برائے خدمتی ادنی خادم خود را پیش خود مے طلبید و براہ مہربانی بوی سخنی
پوشیدہ مے گوید ضرور است کہ آن خادم ادنی بعد طی کردن مقامات امرائے عالی درجہ بشما می
رسد و با آن خادم مراجعت کردہ بمقام خود ایستادہ مے شود پس بدین آمد و رفت لازم مے آید
کہ مرتبہ خادم ادنی بالای امرای نامدار باشد پادشاہ خاموش ماندہ روز عتاب گردانید ہمدین وقت
مردے از حصار بارگاہ شاہی بشاہ معروض داشت کہ تکبر شیخ بہرینیکہ سجدہ بشما کردہ حال آنکہ شما
نخل اللہ و خلیفہ اوستند پادشاہ پر غضب شدہ وے را در قلعہ گوالیار محبوس کرد شاہجہان پسر
جہانگیر کہ بشیخ خلوصی داشت قبل از آمدنش بارگاہ شاہی افضل خان و خواجہ عبدالرحمن بفتی را
مع بعض کتب نقد نزد شیخ فرستادہ پیغام دادہ بود کہ علما سجدہ تحیت جہت سلاطین جائزہ
دہشتہ اند شما ملایکہ وقت ملاقات پادشاہ را سجدہ کنید و من ضامن مے شوم کہ از سلطان
بشما فری نخواہد رسید شیخ راجع بجوابش گفت کہ اہادت سجدہ رخصت است و غیرت

آنست کہ بجز خداے عزوجل دیگری را سجدہ نکرده شود القصہ شیخ تاسہ سال در حبس مانده بعدہ
 بجاتگیر بادشاہ دی را بدین شرط از قید برآورد کہ دی بلغرک سلطانی بودہ ہمراہش گشت کند چنانچہ
 شیخ چندی بہ لشکر سلطانی حاضر فائدہ پس انان آباد شاہ رخصت وطن یافتہ بسر ہند
 رونق افروز شدہ بر دوسہ شنبہ بست و ہشتم صفر سال سی و چہارم از صدی یازدہم ہجرت
 بچار رحمت ایزدی پیوست و بسر ہند دفن گشت تاریخ وفاتش رفیع المراتب یافتہ اند
 نور اللہ مغبوضہ تصانیفہ الامیر رسالہ تہلیلہ رسالہ اثبات نبوت بد رسالہ مہید و معاد و
 رسالہ مکاشفات غیبیہ بد رسالہ آداب المریدین بد رسالہ معارف لدنیہ بد رسالہ رد الشیعہ
 تعلیقات العوارف بد شرح رباعیات خواجہ باقی باللہ شرح بد بکتوبات و رسہ مجلد بد تذکیر
 حدیث شریف ان اللہ یبعث لہذہ الامۃ علی راس کل مائۃ سنۃ من یجد لہما امر دنیما کہ در سنن
 ابی داؤد و غیرہ کتب معتبرہ مروی است مراد از راس مائۃ باتفاق اہل حدیث آخر صدیست و
 علامات و شروط مجددانست کہ دی عالم باشد بعلوم ظاہر و باطن و نفع از تدریس و تالیف و تذکیر
 او شائع باشد و در احیای سنن و محو بدعات سرگرم بود و در آخر یک صدی و اول صدی
 دیگر اشتہار علوم و شیوع انتفاع از وہ باشد پس فضائل و اوصاف مولانا شیخ احمد باعلی صوت
 ندای کند کہ دی رحمۃ اللہ علیہ مجدد است نہ مجددائے بل مجددائے ثانی و از صد تا ہزار فرق بین
 است سہرورد بکسر سین مہملہ و سکون ہائے ہوز و کسر راء مہملہ و سکون نون در افتادال مہملہ
 شہریت در میان دہلی و لاہور بر شائع عام کذا ذکرہ حسان المدنفی سبجہ المرجان
 مولانا احمد احمد آبادی ابن مولانا سلیمان قدس سرہما اصل زاو بوم ایشان گروست مولانا
 سلیمان مذکور دارد احمد آباد گجرات گردید و از خدمت شیخ عبدالحق دہلوی کسب فیوض نمودہ
 فاضل متبحر گشت تصانیف عالیہ از ویادگار اند پسرش مولانا احمد کہ یگانہ روزگار بود و ہمہ
 علوم دست رس داشت و در اکثر علوم تصانیف نادرہ دارد و علم معقول بدیار گجرات
 از ورماج یافتہ بنجلہ مصنفاتش فیوض القدس نام کتابست در علم کلام کہ آن ملازالمہامات
 مدسیہ توان گفت اکثر تحصیل وے پیش مولانا محمد شریعت بودہ شرح مواقف و اکثر علوم
 عقلیہ از مولانا دلی محمد خان و تصوف از میسان شیخ فرید اخذ کردہ و ریاضے پیش ۳۳

شاہ تبا و مخاطب بہ دیانت خان گذرانید و اجازت حدیث و بعض علوم از والد خود مولانا سلیمان
گرفته بتاریخ بست و یکم جمادی الثانی سال یازده صد و دوازدہ ہجری بعالم قدس شتافت
مولانا نور الدین گجراتی شاگردش تاریخ وصال وی درین مصرعہ یافتہ **شمعی کہ بود بہ انجمن**
علم گل شدہ **ہ** مرقد پدر و پسر و را حمد آبا و گجرات ہست

ملا احمد رام پوری کہ بولایتی شہرت داشت شاگرد مولوی برکت الہ آبادی بعلم و درسیہ
خود و استاد فلسفہ ماہر بود سلسلہ تلمذ اکثر علمای رامپور بدو منتہی می شود

ملا احمد عبد الحق فرنگی محلی ابن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین الشہید السہاوی تحصیل
علوم بخدمت عم خود ملا نظام الدین نمود و در جنب دے بتدریس مشغول گشت و اعتبار تمام
درارباب و اراکین شہر لکھنؤ پیدا کردہ در امور خانہ داری عم خود را سبکدوش سے داشت تصانیف
شرح سلم و حواشی زواید ثلثہ یادگار اند

ملا احمد حسین فرنگی محلی ابن ملا محمد رضا پسر چهارم ملا قطب الدین الشہید السہاوی سے
کتب درسیہ متعارفہ بخدمت عم خود ملا نظام الدین تحصیل نمودہ فاضل کامل گشت و بتدریس
علوم عمر گرانمایہ خود بسر برد و اواخر عمر اورا سفر فیض آباد پیش آمد و در آنجا بیمار شدہ بوطن می آمد و در اثنا
سہ وفات یافتہ ملا حبیب اللہ فرنگی محلی از تلامذہ اوست

ملا احمد انوار الحق فرنگی محلی ابن ملا احمد عبد الحق بن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین السہاوی
چون در فطرت ازلی محبت الہی و دولش ریختہ بود مذکور عالم طفولیت بخدمت والد خود سے
نشست و از برکات القاس طیبہ او استفادہ سے برو کتب درسیہ بخدمت مولوی احمد حسین
و ملا محمد حسن خواندہ تکمیل علوم ظاہر بخدمت مولوی عبدالحی بجزالعلوم نمودہ بعمر ہفتہ سالگی بخدمت
والد خود فائز بہ بیعت گشتہ توجہ خاطر بمقولات نہاشت کتب منقول البتہ منظور نظرش بودند
الغرض اوقات شریفش بعبادت الہی بسر مے برد و نفسی بدون ذکر و شغل برباد نمی داد
حالات شریفش از خوارق عادات مفصلاً در اغصان اربعہ مذکور مست بست و ششم
شعبان رود سہ شنبہ یک پاس روزماندہ سال دوازدہ صد و سی و شش ہجری روح مبارکش
از حجرہ قالب برآمدہ بر رفیق اسے علی پو ست مدبارغ خود واقع لکھنؤ مدفون شد

شاعری مادہ تاریخ قوتش در مصرعہ - رحمت حق بروح انور باد بنیافتہ

شیخ احمد لاہوری بن عبداللہ بن علی محمد بن محمد جمال الدین دوانی دے الہیچہ مولوی محمد اشرف لکھنوی بود اسلافش از دوان کہ قریہ ایست در شیراز بودند و قتیکہ اہل تشیع بر ایران زمین استیلا یافتند و قتل و تہیب اہل سنت از دست شان بظہور آمدہ جدش بہ پشاور رسید ہما بخا شیخ احمد متولد شد و علوم عقلیہ و نقلیہ اکتساب کرد و از پشاور بموضع نہ اقامت گزیدہ طیبہ حاذق بود و بہ اداۃ فقر و غریبہ پر داخت و با غنیا ملتفت نمی شد و ہموارہ بر ریاضات و بدرس علوم اشتغال داشت و سن یکہزار و ہفتاد و ہفت ہجری وفات یافتہ در نہ مدفون گشت نہ دیہی است از دیہات سیالکوٹ مضاف لاہور

مولوی احمد حسن قنوجی فرزند کلان مولوی سید آل حسن قنوجی جامع علوم عقلیہ و نقلیہ بتاریخ نوہم رمضان یوم شنبہ وقت اشراق سال دوازده صد و چہل و شش ہجری متولد شد علوم مردجہ ببلاد سمرقند خدمت اساتذہ چند آموخت شاعری توے الحافظہ حبیب الدین بود و در آخر جلقہ تلمذ مولوی عبدالجلیل کوئی و آمد و اجازت حدیث از شاہ عبدالغنی مجددی دہلوی یافتہ در سال دوازده صد و ہفتاد و شش ہجری بارادہ حج بیت اللہ از وطن روانہ شدہ بمقام بروہہ ملک گجرات رسید نزد مولوی غلام حسین قنوجی مقیم شد و در آنجا برض تب بیمار گشتہ نوم کاوی الاوے بروز جمعہ سال دوازده صد و ہفتاد و ہفت ہجری رحلت فرمودہ بعد نماز جمعہ در تکیہ ماتریدیہ مدفون گشت طالب اللہ شراہ

مولوی احمد اللہ پانی پتی فرزند تلمیذ قاضی ثناء اللہ پانی پتی و مرید مرزا مظہر جان جیلان دہلوی مہر فقہ و حدیث صاحب ورع و تقوی بود و سال یازده صد و نو و ہشت ہجری بعالم جوانی سوے عالم جادوانی شتافت

شیخ احمد فیاض ایٹھوی از فحول علمای کبار صاحب تقوی و ریاضت و مجاہدہ بود بحالت بیماری صعب قرآن مجید را در یک سال یا کردہ اکثر کتب متداولہ بر زبان داشت اگر شاگردی در خانہ غلط کردی صحت آن بیا و گفتی تفسیر و حدیث و سیر و تاریخ خوب میدانست قرأت فساتحہ عقب امام روا داشتی ہم عصر شیخ نظام الدین ایٹھوی بود و شیخ

نظام الدین مذکور در سال ہشتاد و یک ہجری وفات یافتہ تاریخ وفات شیخ احمد معلوم نہ شد

قاضی احمد اللہ بلگرامی عرف محمد عثمان ابن قاضی محمد احسان وی بعلیہ علوم آراستہ بود خصوصاً بفقہ وحدیث در بلگرام نظیری نداشت تا سال نود و ششم صدی دوازدهم ہر سند قضای بلگرام متکون بود بلگرام سادہ در زمان پیشین سرے نگر می گفتند بالجلہ آن قصبہ عمدہ خیر و عدل علمائے و فضلاء نامدار بود از قنوج بسمت شمال مائل بمشرق بفاصلہ پنج کردہ واقع است دور وسط آن ہر دو شہر دریای گنگ بفاصلہ دو نیم کردہ می گذرد

مفتی احمد ابو الرحمہ فرنگی محلی ابن مفتی محمد یعقوب بعد تحصیل کتب در سیہ بدرس اشتغال داشت و فراغت کتب نفیہ بسیار نموده مفتی متدین مشہور بود مدتی عدالت فوجداری در عمد نواب سعادت علی خان لکھنوی با و تفویض نامہ نواب موصوف بروایت وامانت و اعتمادی داشت بقضای الہی بیمار شدہ وفات یافت رحمۃ اللہ علیہ **مولوی احمد رضا خان بریلوی** سلمہ اللہ تعالیٰ ابن مولوی نقی علی خان بن مولوی رضا علی خان متوطن بریلی رویہ لکھنؤ تاریخ دہم ماہ دہم یوم السبت سال ہفتاد و دوم از صدی سیزدہم بعرضہ دینا قدم نہاد جد شریفیش بروز عقیقہ وے بشر شدہ گفت خوابی دیدم کہ تعبیر آن فاضل و عارف شدن این فرزند است بالجلہ صاحب ترجمہ بعمر چہار سالہ از خواندن قرآن مجید فراغت یافتہ بعمر شش سالگی ماہ ربیع الاول بر سر منبر حضور مجمع کثیر سالہ میلاد شریف خواندہ تمامی علوم درسیہ از معقول و منقول بخدمت والد ماجد خود تحصیل نمودہ بتاریخ چہار دہم شہر ششم سال ہشتاد و ششم از صدی سیزدہم فاتحہ فراغ خواند و همان تاریخ جواب استفتاءے رضاعت نوشتہ والد ماجد وی کار فتاویٰ نویسی با و سپردہ و در سال نود و چہارم صدی مذکور بخدمت سید شاہ آل رسول مارہروے شرف بیعت حاصل نمودہ شال خلافت و اجازت جمیع سلاسل و سند حدیث یافتہ و در سال نود و پنجم صدے مذکور بہ معیت والد ماجد خود بزیارت حرمین شریفین نہاد ہما اللہ شرفا مشرف شدہ از اکابر علمای آن دیار اعنی سید احمد حلان مفتی شافعیہ و عبد الرحمان سراج مفتی حنفیہ سند

حدیث دفعہ و اصول و تفسیر و دیگر علوم یافتہ۔ روزی نماز مغرب بمقام ابراہیم علیہ السلام خواند
 بعد نماز امام شافعیہ حسین بن صالح حمل اللیل بالتعارف سابق دست صاحب ترجمہ گرفته
 بخسانہ خود برود تا دیر پیشانی دی گرفته فرمودانی لاجہ نور اللہ من ہذا الجہین سپس سند صحاح
 ستہ و اجازت سلسلہ تقادیریہ بدستخط خاص دادہ فرمودند کہ نام توضیحا الدین احمد ست در
 سند مذکور تا امام بخاری علیہ الرحمۃ یازدہ واسطہ اندوہم در مکہ معظمہ بایامی شیخ حمل اللیل موصوف
 شیخ رسالہ جہرہ مضیہ در بیان مناسک حج مذہب شافعیہ کہ از تصانیف شیخ سابق الوصف
 است اندر دیوم نوشتہ و نام آن النیرۃ الوضیۃ فی شرح الجہرۃ المضیۃ مقرر کردہ پیش
 شیخ برد شیخ پتھمین و آفرین دے لب کشاد در مدینہ طیبہ مفتی شافعیہ یعنی صاحبزادہ
 مولانا محمد بن محمد عرب ضیافت صاحب ترجمہ کردہ باشتاء اکل طعام مسئلہ انضلیت
 مدفونین بقیع پیش کردید صاحب ترجمہ گفت کہ امیر المؤمنین عثمان رض افضل اند و مولانا می فرمود
 کہ حضرت ابراہیم ابن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فضیلت دارند جانبین لائل خود ہا
 بیان سے کردند آخر مولانا فرمود کہ ہر دو قول صحیح و موجبہ اند صاحب ترجمہ گفت و کل وجہت
 ہو مولیہا آن وقت بانگ نماز عصر از حرم شریف برخاست مولانا فرمودنا سنبقوا الخیرات آن
 جلسہ برخاستہ نماز شریک شد شب یعنی بعد نماز عشا صاحب ترجمہ در مسجد خیف تنہا توقف
 نمود و راجحاً بشارت مغفرت یافتہ دے سلمہ ربہ تصانیف بسیار دارد و از ان جملہ اینند
 ما تعلق بالنبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بتجلی البقین بان نبینا سید المرسلین علیہ السلام القیامہ
 علی طاعن القیامہ نبی تمامہ ۱۶۹۹ سلطنتہ المصطفیٰ فی کل النوری ۱۶۹۹ فی النبی عنہ ۱۶۹۹ بحورہ انار کل
 شی لقب بر تمام فی نفی النظم عن سید الانام مہدی الخیران فی نفی النبی عن شمس لا کوان ۱۶۹۹
 سمع و طامہ لاحادیث الشفاعۃ ۱۶۹۹ الا فلک بحال حدیث لولاک ۱۶۹۹ القیامہ المستعود تنقیح
 المقام المحمود ۱۶۹۹ جہول لجلہ خادما للہو الجلیل من سماع الاربعین ۱۶۹۸ فی شفاعت
 سید المحبوبین ۱۶۹۸ البحث الفاحص عن طرق حدیث الخصال ۱۶۹۸ تفضیل الشیخین
 ۱۶۹۸ تنقیح التفضیل بحث التفضیل ۱۶۹۸ مطلع القمیرین فی ابانہ سبۃ العزمین ۱۶۹۸ الزلال الالاقی من بحر
 سبۃ الالاقی ۱۶۹۸ الکلام البہی فی تشبہ الصدیق بالنبی ۱۶۹۸ و جلد المشوق بحلۃ اسماء الصدیق

والفارق مما يتعلق بأهل بيت النبوة والصحابہؓ أحياء القلب الميت بشر
 مناقب أهل البيتؓ اظلال السحاب في اجمال الصحابةؓ بملء فم العرش الخاوية من ادب الامير
 معاويةؓ الاحاديث الرأوية لمناقب الصحابي معاويةؓ مما يتعلق بالاولياء الكرام
 الامثال بفيض الاولياء بعد الوصالؓ انوار الانوار من يم صلوة الاسرارؓ انوار الانوار
 من ضياء صلوة الاسرارؓ طالع النور في حكم السراج على القبورؓ جبر معظم شرح قصيدة كبير المصنفين
 مما يتعلق بالمسائل النزاعيةؓ حياة المواتؓ في سماع الامواتؓ في تفسير العين
 حكم تقبيل الابهامينؓ نسيم الصبا في ان الاذان تحول الوابلؓ البارة الشارقة على
 مارة المشارقة مما يتعلق بفضائل الحديثؓ النجوم الثواقب في تخرير احاديث الكواكب
 نور عيني في الانتصار للامام العينيؓ الروض البهي في آداب التخرج والكرامات ازين كتاب
 درين فن يافته نشود پس مصنف را موجد تصنيف بنامه توان گفت مما يتعلق بالفيقيات
 عقب مرتضى حسانؓ في اجابة الماذانؓ حسن البراعة في تنفيذ حكم الجاهلؓ انكس الامثال في
 كمال ما حدث الناس في امر الامالؓ الاحلى من السكر طلبته سكر وتمر بفتح راس مملو
 سكون ما دوسين مفتوحه و آخر راس مملو ساكنه نام جماعت تجار انكس بخت كه در شاخها بنور
 كارخانه شكرو قند اجرا كرده اند و استخوان حيوانات سوخته بزرگال آن تصفيه شكرو غيره مے نمايند
 اجد القري من يطلب الصحة في اجابة القريؓ النيرة الوضية في شرح الجوهرة المصنفة
 جل جليلة في ان المكره سمومها ليس بمصنفة بسلام باحترام المقابرؓ البارة المعاصي
 طالع نطن بكفر طالع المقالة المسفرة عن احكام الهدية المكفرةؓ احكام الاحكام في
 التناول من بين ماله حرامؓ فصل القضا في رسم الاقنانه العطايا النبوية في الفتاوى
 الرضوية من ابواب شمس مقام الخديو على هذا المنطق المجديؓ اعتبار الطاهر
 بمبحث ابى طالبؓ السعي المشكور في ابداء الحق بالمجربؓ فور الامال في الادفاق
 الاعمال بنما قل وكفى من ادعية المصطفىؓ بماه جمادى الآخرة من سيرة صدر مجرى
 برغ من مفصلين بطل و بدايون و سمنعل و سام پيرد وغيره كه سر خيل شان مولوى محمد حسن
 بسنعل پيرد در بلده بر طي فراهم شده خاستند كه بصاحب ترجمه در باب تفصيل باب

مناظرہ کشائند صاحب ترجمہ باوجود علمت طبع و استعمال منفعیات اولاً سی سوال نوشتہ پیش سرگروہ آن طائفہ فرستاد مجرم و معانیہ اسولہ مذکورہ سرگروہ مناظرین بسوارے مجملہ دغانی بعجلت تمام جانب وطن تشریف فرما شدند و دیگر معاونین شان بزاویہ من سکت سلم پناہ برآ چنانچہ قدرے تفصیل این واقعہ در رسالہ فتح خیر مطبوع شدہ است زان بعد اعلان مناظرہ بحث مذکور بجانب صاحب ترجمہ عموماً مطبوع شدہ شائع گشت تا اے یو مناہذا از جاے صدائے برخاست ذلک فضل اللہ یوتیہ من یشاء و اللہ ذو الفضل العظیم تصانیف دے تا این زمان قریب ہفتاد و پنج مجلد رسیدہ اند سلمہ اللہ تعالیٰ

ملا احمد زین جوہر می عالم تبحر و عامل و متوکل و متورع و متبرک مرید شیخ معروف جوہری بود و شیخ معروف مرید مولانا آکھ داد شارح کافیہ و ہایہ و بزودی و مدارک است و وی مرید راجہ حامد شہ مانک پوری بود

مولانا احمد تہا نسیری مرید شیخ نصیر الدین اودھے دہلوی در فضائل و علوم ظاہری بسیار می ماہر بود و بعد معاودت امیر تیمور گورگانی مولانا از دہلی بکابل آیدہ متوطن شد و ہمان وفات یافتہ اندرون قلعہ کابل مدفون گرویدہ اورا قصیدہ ایست دالیہ در لغت کرد و داد نصاحت و بلاغت دادہ چند بیت از ان شیخ المحدثین دہلوی در اخبار الاخیار نقل کردہ قابل دیدست

قاضی احمد غفاری قزوینی انا و لا و امام نجم الدین عبدالغفار است کہ صاحب کتاب حاوی در مذہب شافعی گذشت فاضل و منشی و مورخ و خوش طبع بے عدیل بود کتاب نگارستان در عجائب حالات و غرائب واقعات و کتاب سنخ جہان آرا کہ تامل تاریخی است و در محل تواریخ عالم از زمان آدم تا حضرت خاتم صلح از تالیفات اوست در آخر حال دست از وزارت ہا و شاہزادگان عراق بازداشتہ متوجہ زیارت بیت الحرام گردیدہ و آن سعادت را دریافتہ از ہند و اہل ہند وستان مے آمد ناگاہ دست قضا در رخت ہستی دے خلل انداختہ در سال نہصد و ہفتاد و پنج ہجری بجام بقا کشید

یفعل اللہ ما یشاء و بحکم مایرید

مولوی احمد بخش سندیلی ابن مولوی سید عبد اللہ شاکن سندیلہ اخذ علوم از والد ماجد خود
 و نیز مولوی اغزال دین سندیلی و مولوی حیدر علی سندیلی کردہ مرید و خلیفہ پدر خود بود و طلبہ
 ظاہر و باطن را از وفیضی مزیدے رسید کمتر درس میداد و مریدے کرد سال و فائش معلوم
 نہ شدہ در باغ امر ہرہ واقع قصبہ سندیلہ پائین والد خود خجاک آسود علیہ رحمتہ اللہود و
 شیخ احمد عرب مینی شروانی ابن شیخ محمودی شروانی مداد آخر صدے دوازدهم
 یا ہا و ائل صدی سیزدهم ہجری ہندوستان آمدہ و سیاحت شہر ہائے کلان نمودہ اکثر مکتبہ مقیم
 بودے در فن ادب عرب ہمارے کامل دشت از تصانیف وے نفیہ الیمین فیما یزول بذکرہ
 الشجن کہ پیاس خاطر متی فردن صدر المدرسین مکتبہ تالیف نمودہ و مناقب حیدریہ کہ لطیف
 خاطر غازی الدین حیدر فرمانرناے لکھنؤ تصنیف کردہ و شمس الاقبال نے مناقب
 ملک بھوپال و انشاے عجب العجائب مشہور اند و اخبار لیاقت علی وے کے کنند
 سال و فائش دریافت نہ رسیدہ

مولوی احمد علی عباسی چریا کوٹی انا کا بر و مشاہیر علماء ہندوستان ہست
 بجمیع فنون متداولہ ہمارے تمام داشت علی الخصوص در اصول فقہ و فلسفہ اولی علم سر بلندی
 مے افراشت بسال یک ہزار و دوصد ہجری از قلم عدم بمنصبہ شہود قدم وجود ہند سادہ و در
 عنفوان شباب در وطن مالوٹ خود بہ تحصیل علوم کہ کومت بستہ طرفے از صرف و نحو بخدمت مولوی
 حافظ غلام علی عباسی کہ از گرامی ناموران مرزوم چریا کوٹ پو و ماخذ فرمودہ بعد از ان چون دعوت
 تحصیل کمال در دوشس با رخ بود بے بر نیامد کہ سدائے رہ نوردی برزیلہ اہل بستہ و خار
 عنادر پایے جہد و طلب شکستہ بخدمت مشاہیر علماء ہند بریوستہ انا خجاک طبع صافی
 دوائے ثاقب داشت بچہ دورے از در ہائے علم نمود کہ برو کشادہ و شہد فنون ریاضیہ را
 از مولوے غلام جیلانے بہرہے مولوی حیدر علی رام پوری و نیز بتعلیم ایشان تکمیل
 آوردہ و فلسفہ و فقہ و اصول و بلاغت را از بلاد بعیدہ حاصل کردہ و تحصیل علم
 و تہذیب زمام تعلم بدست قاری نسیم رام پوری سپردہ و آن را با انجام رسانیدہ
 و اعمال سلوکہ درویشان از برگزیدہ آفتاق حضرت حافظ ابواسحاق سوح

ساکن بہار گزشتہ و در ایام تحصیل داد سیاحت دادہ و بجد تمام در پے ہر ہنری قنادہ بحر سی
ساکنی از جمیع فنون در سببہ و غیرہ در سببہ طرف بستہ بوطن باز آمد و برسم از دواج و مناہکست
بہ طاقت و زمان بعد بمسند افادہ فنون و درس علوم نشستہ جمعے کثیر از فنون مختلفہ
برہ مندر گردانید و تعلیم دے را طریقہ خاصہ بود کہ سچ متعلم بے برہ دانی نمی ماند علماء معاصرش
از طرز تسلیم دے معرفت بکمالش بودند بتصانیف کمتر متوجہ بے شد مگر با تفریح بعض
احباب بہ تسوید اجزائے چند بعض علوم پرداختہ کہ بعضی از ان نام تمام ماندہ و بر خے دا
کمل رسانندہ ہجو انوار احمدی حاشیہ قال اقول و کمرح سلم العلوم با کجام نرسیدہ دورا نواظر در علم
مناظرہ با تمام رسانیدہ و ہمچنین رسائل او در فنون مختلفہ فی الجملہ موجود اند و از ارشد و اشہر
ملاذہ دے علماء الذیل ہستند مولوی نصر اللہ خان خویشتی خوجوی و مولوے
علی عباس چریاکوٹے و مولوی نجم الدین چریاکوٹے و مولوی عنایت رسول چریاکوٹے صاحب ترجمہ
علیہ الرحمۃ ماہ ذی الحجہ سال دوازده صد و ہفتاد و دو ہجری رخت ہستی ہر وقتہ رضوان بہرست
علیہ الرحمۃ دا انفران چریاکوٹ **تصہ ایست** مردم خرد سواد اعظم گدھہ ہمیرا بہرہای
موجودہ کسورہ مخطوط ہماے قمتقی دیانے شتاہ محتما فیہ معروف در اے مملہ مفتوحہ بخورشلف
تصہ ایست بسواد اعظم گدھہ مسکن مشلخ عظام

قاضی محمد علی سندیلی ابن سید فتح محمد ساکن سندیلہ شاگرد داما و مولانا محمد ابندہ سندیلی
داشتند تہذیب الدرس و التصانیف ذکی و فہمین و دوازہ بیگاہ سلاطین دہلی بعدہ قضاے تصبہ
سندیلہ غارتیاز داشت مولوی حیدر علی ابن مولانا محمد احمد ہم از دستفہ شدہ حاشیہ میرزا بہر
رسالہ و حاشیہ میرزا بہر ملا جلال و حاشیہ میرزا بہر شرح مواقف و شرح سلم العلوم و حاشیہ
منیبہ بر شرح سلم و رسالہ فرائض حنفی از تصنیف انیق ادیا و گاراندہ او آخر صدی دوازہم ہجری
رحلت فرمودہ بقصبہ سندیلہ در محن امام ہارثہ سید غلام حسین مدفن گشت طالب اللہ
شراہ و جعل الجنۃ فواء

خواجہ اختیار الدین عمر اہری ابا و اجداد او از کبرائے خطہ اہرج بودند و بمنصب
عمدہ داری ستین و منصوب آخر الامر او را جنزبہ دست داد و بکلی ترک حطام دنیا و دے نمودہ

انچہ انادارات والغات متعین داشت ہمد بطور و رغبت گذشتہ و طلب علم و طریقہ
 نہ مقدم صدق نہاد و در خدمت قاضی محمد سادی کہ از اساتذہ عمد و صلحاے روزگار و مرید و خلیفہ
 شیخ نصیر الدین محمود بود تحصیل علم کرد و بہ نعمت خلافت و اجازت مشرف گشت و فائز
 چہار ہ ہم محرم سن ہشت صد و نہ ہجری واقع شدہ بمقام ایرج مدفون گشت علیہ الرحمہ از صلوان
 حکیم ارزانی دہلوی تاش محمد اکبر بن حاجی محمد مقیم در عصر فیض اثر بادشاہ حجازہ ابوال مظفر
 محی الدین اورنگ زیب عالمگیر غازی طبیبی حافق مرید خاندان قادریہ بود بہ طب مرضی تالیف
 کتب طبیہ بسری برواز تصانیف او کتب ذیل مشہور اند میزان الطب - حدود الامراض
 منتخب اکبری - مجربات اکبری - مفرح القلوب - شرح قالونجہ - قریب الدین قادری طب اکبر کہ در سال یازدہ
 صد و ہشت ہجری ترجمہ کتاب شرح اسباب و علامات تالیف نمودہ تاریخ تالیف آن در لفظ شرح اسباب
 و علامات بعد حذف اعداد حروف علت کہ چہار الف و یک واد است مؤلف موصوف خود یافت
قاضی ارتضاعلی خان گویا موی ابن مصطفی علی خان در سال یازدہ صد و نو و
 ہشت ہجری متولد شدہ بخدمت مولوی حیدر علی سندیلی علوم عقلی و نقلی اخذ کردہ و فن ہادب
 از مولوی محمد ابراہیم بلگرامی آموختہ جامع شریعت و طریقت بود در سن دوازدہ صد و بیست
 و پنج ہجری نزد والد خود بہد راس رسیدہ در آن وقت والد وے قاضی مدراس بود بعد
 وفات پدر خود ہم بران منصب ممتاز شدہ با فادہ علوم ے پرداخت بر صدر اوسیز راہ
 ملا جلال و غیرہ حواشی و شروح نوشتہ کہ مطرح انظار علما ے کرام اند نفایس ارتضائیہ و
 نقود الحساب در سالہ فرائض و شرح تصدیہ بردہ نیز از تصانیف مشہورہ وے اند و در سال
 دوازدہ صد و پنجاہ و یک ہجری وفات فرمودہ

مولوی ازہار الحق فرنلی محلی ابن ملا احمد عبدالحق دہرادینی ملا احمد فارحی تاشیح حاجی
 بخدمت مولانا عبدالعلی بجر العلوم خواندہ بسبب روانگی مولانا موصوف جانب سلطنت
 کتب متوسطہ اکثر ے از مخطوطات منقول بخدمت ملا احمد حسین تحصیل نمودہ کتب
 معقول پیش ملا محمد حسن استفادہ کرد زان بعد بنا بر درس و تکمیل بہ شاہ جہان پور نزد مولانا
 بجر العلوم رفت و از انجا معاودت نمودہ مدتی در وطن خود گفتہ بہد رس

معروف ماند پس بتلاش معاش بطرف راسے بریلی روانہ شد شاہ لال مرحوم اورا غنیمت
شمردہ بخانہ خود جایش دادند و بخدمت دے طلبہ علم براسے تدریس هجوم کردند و مسجد شاہ
مذکور درس میداد و از شاہ موصوف بسلسلہ نقشبندیہ بیعت کردہ و از انجا ہمراہ مولانا بکر العلوم
روانہ بہار شد و در انجا درس بطلبہ میداد و باندا پس بوطن آمد و بکار درس مشغول ماند و بجز مہنتاد
ساگی از عالم فانی بملک جاودانی خرامید

شیخ اسحاق لاہوری ابن شیخ کاکو دانشمند تبحر و متوکل و متوہد و دایم درس می گفت
جامع جمیع علوم و صوفی مشرب و ہمیشہ بحق مشغول می بود تا غمی بر سیدہ مخفی نمی گفت شیخ
سعادت و شیخ نور از تلامذہ او مشہور اند سن شریفش از صد تجاوز شدہ بسال نہصد و دود
شش ہجرت رحلت فرمود

مفتی محمد اسد اللہ آلہ آبادی ابن مفتی کریم قلی بزرگی خاندان ایشان بھنگان ظاہر و
ہویدا است دانشمند ذکی و متقی باوصاف حمیدہ و اخلاق پسندیدہ آراستہ و پیراستہ بود نسبت
تلمذ بہ مولانا فضل رسول بدایونی داشت ہنگامیکہ در فتح پور مفتی عدالت بودہ فقیر جامع الاوراق
شرح عقائد نسفی و مشکوٰۃ شریف در خدمت بابرکت شان سبقاً خوانندہ باز قاضی القضاہ تہ
اگرہ و در اخیر صدر الصد و جو پور شدہ بتاریخ یکم جمادی الاول یوم دوشنبہ سال سیزدہ
صد ہجری لا آلہ الا انت گویان جان بجان آخرین سپردہ بجلہ چتر ساری منحلالت جو پور
مدفون شدند طالب اللہ شراہ

مولوی اسد علی سندیلی پدروے شیخ صادق علی از فیض آباد آمدہ مرید دربان شاہ
سندیلی شدہ ہما نجا سکونت اختیار کردہ اسد علی بقصبہ مذکور ولادت یافت از علمای وقت
کتب درسیہ بانجام رسانیدہ و تمام عمر ملازم درس و تعلیم بودہ بہست و ہشتم ربیع الثانی سال
دوازده صد و نود و ہشت ہجری روز جمعہ رحلت فرمودہ بسندیلہ مدفون گشت
مولوی اسلمی مدراسی نام دے محمد سعید است دانشمندی تبحر از تلامذہ ار شد
ملک العلمای مدراس بود کتاب تھہ اثنا عشریہ مصنفہ مولانا شاہ عبد الغفر زید بلوی را از
فارسی بحرئی ترجمہ نمودہ کتاب سفینۃ النجاست ہم از تصانیف اوست علیہ الرحمۃ

سید اسماعیل بلگرامی دانشمند متبحر بود بہ سال یازدہ صدہ شصت و چہار ہجری وفات یافتہ
 شیخ اسماعیل لاہوری از عظامہ محدثین و مفسرین بودہ و اول کسی است کہ علم حدیث
 و تفسیر بہ لاہور آوردہ و ہزار ہا مردم در مجلس و عظمت مشرف باسلام مے شدند در سال چہار
 صد و چہل و ہشت ہجری بہ لاہور رگدشت

اسماعیل عرب از اقران شیخ حسین تبریزی در ہیأت و حکمت و طب بے نظیر بود و بدرس
 شرکت مکانی با شیخ حسین داشت و طلبہ را از مین صحبت شریف الی شان ابواب فیض ہر دو مے
 مے کشود و وجہ اثاث البیتی کہ داشت شے اورا ندوان شہر محمد جلال الدین
 محمد اکبر شاہ کشتند

سید اشرف سمنانی دی را سید اشرف جہانگیر گویند ادا کا بر علمائے ربانی و کمالان صاحب
 کرامت و تصرفات است در سیاحت با امیر کبیر سید علی ہمدانی قدس سرہ رفیق بود و عاقبت
 بجانب ہندوستان افتاد و در حلقہ ارادت شیخ ملا مال دین در آمد و را پیش از ارادت
 مقامات عالیہ کشف و کرامت حاصل بود و در حقائق و توحید سخنان عالی دارا و اراکتوبات
 است شتمل بزہ تحقیقات عنریہ و با قاضی شہاب الدین دولت آبادی معاشر بود و غالباً
 قاضی ازو مے تحقیق بحث ایمان و نہ عہد کہ در خصوص الحکم اشارتی بدان واقع شدہ است
 کردہ بود و درین باب بوسے مکتوبے نوشت کہ در اخبار لاخیا را شیخ المحدثین دہلوی نقل کردہ
 فرار سید اشرف در کچھوچھ است نام مبارکش ملا در دفع جن بغایت موثر می ماند و اورا محفوظات
 است مسمی بہ لطائف اشرفی کہ یکے از مریدان او جمع کردہ

شیخ عظیم ثانی لکھنوی ابن شیخ ابوالعباس شیخ موسیٰ بن شیخ ضیاء الدین کوانی از علمای
 فحول و دانشمند متبحر جامع بود میان علوم ظاہری و باطنی و ارادت بہ شیخ ابوالفتح جوہر پوری
 داشت شیخ ضیاء لکھنوی و شیخ سعد الدین خیر آبادی از ارشد تلامذہ ویند و با شیخ سعد الدین
 کف در مے فراز معاشرت و محنتی تام داشت گویند و مے را در علم فقہ مرتبہ بلند و پایہ
 ارجمند بود و در تقریر مسئلہ فقہیہ بیاتے صافے و تقریر مے مے مے را در علم فقہ رسائل
 متعددہ اند شیخ ضیاء الدین اب الجودی در عہد ہلاکو خان از کرمان بہ ہندوستان آمدہ

جست ملاقات شاہ سمرقندی بہ لکھنور سیدہ و بہ سبب علاقہ محبت اوشان دران بلوہ وطن
اختیار کرد شیخ اعظم ثانی سر عقب ذیل گذاشته وفات یافتہ سال وفاتش معلوم نہ شد
شیخ محمد عرف شیخ قاضی سیّد شیخ احمد فیاض سیّد شیخ نصیر الدین اولاد ہر یک از انہا در لکھنؤ و
دیوہ و انام موجود اند

مولوی افہام اللہ سندیلی ابن مولوی سید فتح اللہ بن سید شاہ غلام علاء الدین مخدوم
زادہ سندیلہ اکتساب علوم متداولہ از والد خود مولوی عبداللہ و مولوی احمد بخش سندیلیان
مولوی انوار الحق و مولوی سر راج الحق لکھنویان و علم طب از حکیم مرزا محمد علی لکھنوی طبیب
شاہی کردہ احسان حسین خان و مظفر حسین خان فرزند ان سبحان علی خان کمبہ و مولوی
محمد علی خان لکھنوی از تلامذہ صاحب ترجمہ ہوند بجز شری مختصر بریزان اہمرف تالیفہ اود
یافتہ نشد بمقام نان پارہ ضلع بہرائچ وقتیکہ ملازم راجہ منور علی خان بود ازین جہان بی میان
رحلت ہستی بر بستہ ہماچا ند فون گشت علیہ الرحمۃ والغفران

مولوی اکبر علی سندیلی ابن مولانا محمد اللہ سندیلی شارح سلم العلوم و برابر کلاں مولوی
حیدر علی سندیلی اکتساب علوم ظاہر از والد ماجد خود نمودہ عالم متبحر و مکر مدرس و تدریس
بوجہ افکار و اوراد و چلہ نشینی اتقائے کئے کرد اومرید شاہ قدرت اللہ مرحوم صفی پوری بوجہ
و شرح بیض بر حزب البحر و تصانیف شریفہ ادیادگار روزگار است تا بیخ بست و
ہفتم شعبان سال دوازده صد و بست خواہ بست و پنج ہجری ازین دار فانی بعالم جاودانی
شتافت و بمقام بر قدیم صاحبان سندیلہ واقع موسی پور بجاکش سپردند علیہ رضوان اللہ العلی الاکبر
مولوی آل حسن قنوجی ابن اولاد علی از سادات حسینی بخاری بلوہ قنوج در سال
دعازدہ صد و دہ ہجری متولد شدہ اولگ علوم درسیہ از مولوی عبدالہا سبط قنوجی تحصیل کردہ
پس بہ لکھنؤ رفتہ بمذمت علمائے آغا مثل مولوی محمد نور وغیرہ مستفید گشت و در سال
دعازدہ صد و سی و ہجری بہرہی رفتہ بگر تلامذہ مولانا عبدالغفر و مولانا رفیع الدین منسلک
شدہ اجازت کتب تفسیر وحدیث ہست آورد و مرید و خلیفہ سید احمد مجاہد بریلوی و
شریک جماد بادی بچھریز شش بدرس و افادہ و موعظہ بسر برہہ موکاتش زبان ہندی

و فارسی و عربی بسیار اند از انجمله راه سنت و هدایت المؤمنین و نور الوفا من مائة الصفاء و سال
در معنی کلمه طیب و سال و تحریر و سال آداب تذکیر و سال آداب دعوت و سال الاختصاص
فی الحدود و الاختصاص و تقویتة الیقین فی روایات المؤمنین و غیره از مؤلفات مفیده وی اند
بسال دوازده عدد بنجاه و سه هجری رحلت فرمود تاریخ وفاتش ^{۱۲۵۳} سنه ۱۲۵۳ هجری یافته اند
از اعقاب او مولوی سید صدیق حسن خان بهادر زوج ثانی رئیس بھوپال اند فکر شان
در حرف صا و بیاید الشاد الله تعالی

مولانا آله داد چونوری از اکابر علامت جو پور بیک واسطه شاگرد قاضی شهاب الدین
دولت آبادی و مرید حاجی حله شمس مانک پوری بود عم سر عزیزش در افتاده علوم و تصانیف صرف
کرده در تحریر و تقریر و تنقیح مطالب علمی قدرتی تمام و خطی وافر داشت تصانیف عمده
و معتبره دارد از انجمله شرح های در فقه یحیی مجلدات ضخیمه و شرح بزودے و حاشیه بر حاشیه هندی
و حاشیه تفسیر مدارک انویادگار روزگار اند شیخ عبدالحق محدث دہلوی و ماخبارا لالاخیا نقل کرده
که شیخ حسن بن طاهر و مولانا آله داد صاحب ترجمه در سلوک طریق علم رفیق یکدیگری بودند
در میان ایشان مودتی عظیم بود چون شیخ حسن بن طاهر در سلسله راجی حاکم پوری
در آمد مولانا آله داد گفت که میان حسن شما حرث طالب علمان بر باد دادید وی فرمود شما
نیز بجزئی بخدمت ایشان برسید امتحان کنید تا ما را معذور دارید و ندیدید و بپای قصه طاعت راجی
حاکم پور شد که مولانا آله داد مسئله چند از هایه و بزودی که بسبب اشکال موسوم بودند تصور
کرده با خود راست کرد چون بخدمت سید رسید وی رحمة الله علیه بهمان عبادت خود از
سر گذشت احوال خود حکایت کرد که رفع اشکال مولانا آله داد اندو گردید پس مولانا نیز مرید وی
شد و بسوگ طریق مجاهده و ریاضت مشغول گشت و در سال نهصد و سی و دو هجری
وفات یافتہ نو ما شد مرقدہ

میان آله داد لکهنوی مولوی عبد القادر بھابونی در منتخب التواریخ تحریر نموده که
میان آله داد از دانشمندان مستجد صاحب تصرف بود طبعی و قادی داشت و ذهن نقاد و رفقه
ماصول نقه و غریبیت نظرش نه بود در نحو سال موسومہ قطعی یا ایراد مثال در عبارت کو شسته

از تصنیفات او دو چیز غریب دیدیم اول رسالہ کہ از طول چہارہ سطر و از عرض نیز همان قدر
سطور بجدول نوشته بودند و احکام و مسائل چہارہ علوم ازین استخراج یافت دوم رسالہ
قبطون نام بر پنج مقالہ کہ عبارت بر بردش مقامات حریری داشت و تصنیفات دیگر ہم دارد اتھی
لمخصاحال و فالتش جائی یافتہ نشد

مولانا آکہ داد سلطانپوری اصل می از قریہ نبودہ توابع سندیلہ است تلمذ نزد عبد اللہ
مخدوم الملک نمودہ بشارت حسب و نسب ممتاز از اعظم علماء اکابر فقہری ہند بود در عہد اکبر و شاہ
چند گاہ بصدارت صوبہ پنجاب بعدہ بقضائے آکہ آباد منصوب گردید و بجزوے معاش کہ
داشت قانع بود اورا تصانیف بسیار است کتاب کشف الغمہ و منهاج الدین از تالیفات
وے مشہور اند در سال یکہزار و شش ہجری رحلت کرد طالب اللہ تعالیٰ تر ۱۰۰ -

مولانا آکہ داد لنگرخانی لاہوری منسوب بہ محلہ لنگرخان از محلات لاہور در اکثر علوم
متداولہ ماہر و تبحر نمودہ تشریع و تفسیر و تقوی و صلاح بغایت داشت و پیوستہ بدرس مشغول
سے بود ہرگز بخانہ ارباب دنیا زنتہ و از ملوک زمانہ حاجتی نخواستہ و مدد معاش نکرنتہ غفر اللہ لہ

مولانا آکہ داد امرہوی ہلا مستعد و خوش طبع شیرین سخن خوش صحبت ندیم پیشہ بود مطابقہ
یہ داشت در ملازمت اکبر بادشاہ در سلک سپاہیان انتظام یافتہ و در سال نہصد و نوہ ہجری

در دوحی سیالکوٹ و دیعت حیات سپردہ بنواح امرہ بہ مدفون گشت نور اللہ مرقدہ
شیخ اللہ یار خیر آبادی از علماء شجر بود و را ابتدای احوال سالما بدرس و افادہ گذر نہ

کہ بسیار دانشمندان صاحب کمال از دودارث ماندہ اند آخر الامر بالکل رجوع بطریقہ صوفیہ نمودہ
خط ارشاد از شیخ صفی خلیفہ شیخ سعد الدین حاصل کرد ذوق سماع و حالت وجد بر غالب آمد

قدم از ابواب اہل دنیا گواہ گردانید تا نیکم استماع ضیافت کسے ہم قبول نکرد وے
در سال نہصد و نوہ و سہ ہجری وفات یافتہ نور اللہ مرقدہ

حکیم امام بخش تاش احمد اللہ ساکن قصبہ کیرت پور ماہر علوم عقلی و نقلی طبیب حاذق
از تلامذہ حکیم محمد اسحاق دہلوی ملازم راہہ ملکیت راے مارا ملہام نواب آصف الدولہ بہادر

رئیس ملک اودہ بود کتاب آداب الاطباء و سرشش موسوم بہ حرکت الارا ہر دو بزبان عربی

در سال خلاصه الطب در بیان سته ضروریه بزبان فارسی از تصانیف اوست والد ماجد
مسود اوراق حکیم شیر علی مرحوم نسبت تلمذ و دوستی دارند سال وفاتش بدریافت نرسید

علیه الرحمه والغفران

حافظ امان الله بنارسی ابن نور الله ابن حسین بنارسی حافظ قرآن مجید جامع معقول و
منقول حاوی فروع و اصول در عهد اورنگ زیب عالمگیر عمده صدارت لکهنو کامیاب بود
در سن یازده صد و سی و سه هجری بمقام بنارس وفات یافت بهمدرا بخاندن شاد کتب
مرقومه ذیل از تصانیف او یادگار اند مفسر در اصول فقه بحکم الاصول شرح مفسر مذکور و
حواشی بر تفسیر پنهانی و عضدی و تلویح و حاشیه قدیمه و شرح موافق و حکمت العین و شرح
حقایق دوانی و رشیدی و بر مباحثه میرزا قری علی استرآبادی و ملا محمود جوهری در مسئله
حدوث دهری محاکمه تحریر کرده و با قاضی محب الله بهاری مصنف سلم العلوم هنگامی که
ملا محب الله قاضی لکهنو بودند آکره علی میداشت

شیخ امان الله یانی شی نانش عبد الملک بن عبد الغفور از علمای صوفیه موحیدین
شاکر و شیخ مودود لاری و مرید شیخ محمد حسن بن شیخ حسن ابن طاهر جوهری بود او در علم
توحید و تصوف کتب و رسائل بسیار اندازان جمله رساله موسومه اثبات الاحدیه و شرح
الروح الهی قدس سوالی از تصانیف اوست تاریخ دوازدهم بهج الآخر سال بنصد و
پنجاه و هفت هجری ازین دار فنا بدار بقا شتافت مدفنش یانی بیت است سقی الله ثراه
مولوی امان الله دهلوی بن مولوی خیر الدین عالم فاضل و متبحر کامل در صغیر سن
از علوم درسیه فراغت یافته محمد اقران گشت در حسن اخلاق و علوم اشتیاق آشنا و یگانگی نزد
سادری بودند تصانیف رائقه و تالیف فائده از یادگار اند امیر الامرا نواب خان و مدان خان
وزیر محمد شاه بادشاه مملی یوسه خلوصی داشت و از حضور بادشاه به منصب شیخ الاسلام
سر بلندی یافته در جنگ نادر شاه درانی میازده صد و پنجاه و یک هجری مقتول شد
مولوی امان علی احمد آبادی خلف حکیم شیر علی متوطن احمد آباد ناره و ببلو در کلان
مؤلف کتاب علوم متعارفه و الاختصرات از مولوی ثابت علی ساکن بکامضلع آله آباد

خواندہ و کتب مطولات پیش مولوی محمد سعید رام پوری داماد مفتی شہرت الدین گذرانیدند و
علم طب انفعالیہ خود کتب مشہور و تقویٰ شعار و آثارشان بود حسب الطلب ہمارا
بشناختہ سنگہ فرمان رعای ریوان از قہر آمدہ بتاریخ ہست و چہارم ربیع الاول سال دوازده
صد و نجاہ و ہفت ہجری بمنصب طبابت بمشاہدہ یک صد و بیست روپیہ ملازم شدند
و مان وقت مسلمانان سکنہ خاص ریوان و مضائق آن بہ لاطعلی و صحبت ہنود و مانند آن ہا
از پابندی صوم و صلوات بہر حل و در بودند بلکہ بر خہ ہماے ہنود موسوم بودند پیرین و خدم
شان بسیاری از مسلمانان پابند صوم و صایہ پیچگاہ شدند از عوام مرضی پیچہائی گرفتند و ہا از نزد خود
ے دادند پانزدہم غوال روز شنبہ وقت عصر بمقام احمد آباد تارہ سال دوازده صد و نجاہ و
ہشت ہجری بمحبت مولانا عبداللہادی فتح پوری خلیفہ رفیع الدین عرف مولوی ذوالفقار علی
بیعت بسلسلہ قادریہ و نقشبندیہ مجددیہ کردہ خلافت ہر دو سلسلہ حاصل نمودند و اکثر مردم
این دیار را بکلمہ ارادت خود آوردند و ہم ذی الحجہ روز جمعہ سال دوازده صد و ہفتاد
و دو ہجری بمقام پرست کل ریاست سپرد گردیدہ و تاحیات بر عمدہ منتظم پرست مقرر
مانند بتاریخ ہست و چہارم ربیع الاول سال دوازده صد و ہفتاد و ہفت ہجری بمقام
ریوان رحلت فرمودہ ہم در آنجا مدفون شدند حکیم ابو خان دہلوی تاریخ فوٹش چنین بنظم
آورده **ص** مدافسوس حضرت امان علی بہ بہنت شدند از جان متقل بہ کنن سال رحلت
چہ گویم بنوہ سر ہوش رفت از غم در دول **ج** اصناف شہزادی پنجہ غور شہید
بنیان آورد حسن البیان نے تفسیر الالبان - موصع الہدایات تیسرا تعمیر نے تراکیب
الاکاسیر رسالہ لذرع الکلب - در سالہ خواص سور قرآنی بنظم آورد و فارسی - ترجمہ منظوم چہل
حدیث - روایثیہ در مذہب نصاریٰ عجائب التماہیر نے علاج البواسیر والنواسیر
مجموعات شین - قرابادین متین ناقام
مولانا حاجی امداد اللہ سلمہ اللہ ساکن **ت** محلہ بھول جامع علوم ظاہر و باطن بیعت و
خلافت سلاسل چشتیہ صابریہ قدوسیہ و چشتیہ نظامیہ قدوسیہ و قادریہ قدوسیہ و نقشبندیہ
مجددیہ قدوسیہ و سہروردیہ قدوسیہ و کمرودیہ قدوسیہ از جناب فیض مآب قبلہ حقیقت

و کتبہ معرفت حضرت میان جیو شاہ نور محمد جمہانوی دارند بے از علماء اعلام پنج مولوی رشید احمد
گنگوہی و مولوی محمد قاسم نانوتوی و مولانا فریدنا خان قاضی محمد حسین محب اللہی العسری
الاکہ آبادی بجلہ امداد حضرت ایشان در آمدند و برادر دلی خود با فیضیاب شدند چنانچہ
حضرت ایشان در ضیاء القلوب تحت وصایای خود ارشاد فرمودہ اند و نیز ہر کس کہ ازین فقیر
محبت و عقیدت و امداد دارد مولوی رشید احمد و مولوی محمد قاسم را کہ چار معراج کمالات
علوم ظاہری و باطنی اند بجلہ من فقیر بلکہ بدارج فوق ازین شمارند اگرچہ بظاہر معالہ
برعکس شد کہ ایشان بجای من و بن بمقام ایشان شدم و محبت ایشان را غنیمت دانند
کہ این چنین کسان دین زمان نایاب اند و از خدمت ایشان فیضیاب بودہ باشند
فقط الخ کہ ذات ستودہ صفات حضرت ایشان فی زمانہ یادگار سلف است بزمانہ قدر
بعد حصول برادر خود از مخص بہ مکہ معظمہ ہجرت فرمودہ و مقیم اندیار برکت آثار و مرجع صفار
و کبار اند و ہموارہ بحرم شریف درس شنوی مولانا روم سے دہند غذاے روح و ضیاء القلوب
و تحفہ العشاق و جماد اکبر و ارشاد مرشد دورد غمناک از تصانیف حضرت ایشان
مشہور اند مولوی محمد یعقوب نانوتوی و حافظ محمد یوسف تھانوی و مولوی کرامت علی انبالوی
و مولوی محمد ابراہیم ابراہیمی از حلقائے مجاز حضرت ایشانند فقیر حقیر مسودہ اوراق نیز جو سطو تگری
مولانا و مرشد نا حافظ محمد حسین اکہ آبادی پڑمردہ خدمت حضرت ایشان در آمدہ اجازت
و بیعت بہر سلاسل یافتہ اللہم و نقضے لما تحب و ترضے و اجل آخرتے
غیرہ من الاولے

مولوی امیر الدین علی ایٹھوی ہر گاہ کہ فرمود سجد عالمگیری واقع ہنومان گنجی متعلق
اودہ را کہ از معابد شہرہ ہنودست شیبہ کونہ دمان ہمر کہ شاہ غلام حسین بہ حیثیت
اسلام تاریخ سیزدہم ذیقعدہ سال ہفتاد و یکم بعد صدی و دوازدهم ہجری شہید گردید مولوی
امیر الدین علی مرحوم ہمت انتقام خون شاہ غلام حسین و جہاد و تقابلہ ہر گمان
ہنومان گنجی پے پیر و جمع کثیر از غازیان جان سپاردست بدستش دادند علماے سنی
و شیعہ بہ پس و پیش افتادند کسے بفقدان شہداء و فضیلت جہاد لب کشادہ دیگرے

شرطاً ماست پیش نمادہ واجد علی شاہ فرمان روای لکھنؤ وعدہ تصفیہ منازعت سے کزود انجانب
 رزیدنت جہت اسداد قتال وجدال قدغن شدید بشاہ وزیر ستر درین قیل وقال چندنی
 توقف رونود چون بمقابلہ دولتمندان ہنود قطع امید رونود امیرالجاہدین غرم بالجرم بسوے
 مقصود کردہ روانہ شد بار لوفنگی انسرفوج فرمان رواے لکھنؤ بحکم حاکم وقت سدہ شدہ
 بمقام شجاع گنج فوج بار لوفازیان را محاصرہ کردہ از طرفین نوبت بمقابلہ رسیدہ بتاریخ
 بست و ششم صفر روز چہار شنبہ سال ہفتاد و دوم از صدی سیزدہم ہجری امیرالجاہدین شہرت
 شہادت چشیدہ بروضہ رضوان شتافت شکر اللہ سعیدہ در عین معرکہ بعض را دوت مندان
 اود عرض کردند کہ اکنون موقع دیگر گون است اگر فرمائید شمارا بجائے محفوظ بریم بجوابش بی ساختہ
 از زبان حق ترجمانش این مصرعہ برآمد غ سر میدان کفن پردوش دارم ہا لبان تاسخ بعد
 شہادتش چون غور کردند اعداد مصرعہ برجستہ مطابق سال شہادت برآمد نہ نشی ظہیر الدین خلف
 نشی مسعود بلگرامی تھمین آن کردہ وہو ہذا قطعہ بتاریخ شہیدان کفن پوشش بہ
 چہ حاجت تاسخ من بر نگارم کہ خود فرمود آن میر شہیدان ہ سر میدان کفن پردوش دارم
 مولوی امین اللہ فرنگی محلی ابن مولوی محمد کبر ابن مفتی ابوالرحم ابن مفتی محمد یعقوب
 حاکم و فاضل درس بطلبہ میدادیک پیر سہمی مولوی عبد الحلیم گذاشتہ بتاریخ بست و نہم
 جمادی الثانی سال دوازده صد و پنجاہ و سہ ہجری بعارضہ دق جان گذران را پدید نمود
 مولوی اوصالدین بلگرامی عالم وحید العصر و فرید الدہر و علم ادب و النشائے عرب
 تلمیذ شیخ احمد عرب مینی شروانی مؤلف لغتہ الیمین بود از تصانیف او کتاب نفائس اللغات است
 کہ زمان زبان آندوے ہندوستانی را کہ مرکب از فارسی و عربی و ترکی و ہندی است اصل
 لغت قرار دادہ عربی و فارسی آن را بیان کردہ الحق ایجاد سے نمودہ کہ پیش از ان ہچو کتابے
 از کفن عدم بمنصہ وجود شاید جلوہ گر شدہ باشد تاہم آن بعہد محمد علی شاہ بادشاہ اودہ تاریخ
 ہفتم رجب سال دوازده صد و پنجاہ و سہ ہجری بطویہ چہستہ سال وفات صاحب ترجمہ
 معلوم نگردید شکر اللہ سعیدہ

اور نسیں گواہیاری دانشمندی مناظر و مجاہدوں و عہد اکبر بادشاہ بود و در دوا

اصول و فروع بے نظیر روزگار جو دت طبع بمشاہد داشت کہ در وقت بحث چون کار بنقل مے افتاد صفحہ صفحہ و ورق ورق عبارت را بیاد مے خواند و مے گفت کہ این عبارت فلان کتاب است در اینجا ہ بینید و خصم را الزام مے داد چون تفصیل مے کردند اثر مے اذان در کتاب مے یافتند

حرف الباء الموحده

مولانا بدرالدین اسحاق دہلوی ابن علی بن اسحاق دہلوی در ادب اعلیٰ حال بیہی تحصیل علم مے کرد و در طلبہ علوم نجومش طبعی وحدت ذہن ممتاز بود و بعد اتمام تحصیل علوم مردم متوجہ بخارا شدہ باجوہن رسید آوازہ کمال حضرت شیخ فرید الدین گنج شکر شنیدہ مشتاق خدمت او شدہ بملازمتش رسید شیخ چون او را قابل دید بخاد مے داد و ماد مے خود مخصوص گردانید و غرہ خلافت بخشید وی را سالہ ایست سسی با سارا لادلیا کہ در ان ملفوظات گنج شکر جمع کردہ و در علم تہریف کتاب مے نظم کردہ و غایت تجرد و نصاحت را در اینجا کار فرمودہ قبرش در صحن مسجد جامع قدیم احمد بہن ہست

شیخ بدہ بہاری دانشمندی را سخ و طبیعی حادث بود کہ شیر شاہ سور از غایت اعتقاد کشف پیش پای او می نہاد وی بہر شاد و قاضی شہاب الدین دولت آبادی شرعی معتبر ہوشیار مولوی برہان الدین ساکن دیوہ دانشمند فقہی و محدث کہ ظاہر و باطنش بصلاح و تقویٰ آماستہ بود تمام عمر خود بتذکرہ و موعظہ خلایق بسر بردہ ہزار ہا مردم ہدایت و ارشادش عادات قبیحہ غیر مشرورہ را ترک کردند و براہ راست آمدن از تصانیف او چند رسائل کہ بنظر سوغا و اراق گذشتہ ہمہ مفید و بذیل مذکور اند مؤلف صلیب از ویدیا پراوارش مشرف شدہ بود مثال مبارک وی ہنوز کہ بہ شخصت و یک سال رسیدم از خیال مے نرفتہ تصانیف تاریخ بہت و نظم ریح الثانی روز سہ شنبہ سال و دوازده صد و چہل ہجری مباحثہ بمسائل مختلف فیہا در میان علماء دہلی واقع شدہ سرگروہ فریق اول حامی السنہ مولانا رشید الدین خان و سرخیل فریق ثانی حاجی الہدۃ مولانا عبدالحی بودند چون مباحثہ باختتام و تقریر تحریری ہر دو فریق بنظر صاحب ترجمہ درآمد و مے رحمۃ اللہ علیہ رسالہ بطور محاکمہ

تحریر فرمودہ کہ بر سالہ محاکمہ مشہور و قابل دیدہ است۔ رسالہ تحقیق الاوزان بکام صدقہ و ذکر و دہم
 بسال دوازده صد و چهل و هفت نوشته۔ رسالہ احکام عید الفطر در سالہ احکام علیہ لا ضعی
 حسب استدعاے بعض صلحاے احمد آباد تارہ در سال دوازده صد و پنجاه و ہجری تحریر کردہ۔
 رسالہ نکاح رسالہ منع اشارہ تشہد۔ رسالہ نذہ و ذبیحہ۔ رسالہ تحقیق بجا و ربح رسالہ
 کفارہ بیت۔ از تصانیف وے اند رحمۃ اللہ علیہ و علی ہلالہ

شیخ برہان الدین نسفی دانشمندے کامل حال ہوا اگر شاگردے بخدمت او آمدے
 تا چیزی بخواند گفتی کہ او کل برین سہ شرط بکن تا چیزی ترا بیا موزم ازان جملہ شرط او کل اینست
 کہ طعام یک وقت خوری تا وعاے علم خالی ماند دوم آنکہ ناغہ نہ کنی اگر یک روز ناغہ کنی دوم
 روز ترا سبق نگویم سوم آنکہ چون مراد را ہی پیش آئی ہمین کہ سلام کنی زود بگذری و دست
 دیا افتادن و تعظیم زیادت در میان راہ نہ کنی

شیخ برہان الدین محمود بلخی بن ابی الخیر اسعد البلخی رح انا کا بر علم و دقت سلطان
 غیاث الدین بلبن متصف بوفور علم و دانش و وجد و سماع جامع بود میان علوم شریعت و طریقت
 در علم صبی بہ صحبت مولانا برہان الدین مرغینانی صاحب ہدایہ رسیدہ و بشارت
 علم یافتہ بسال ہشت صد و ہشتاد و ہفت ہجری وفات یافتہ قبرش جانب شرقی حوض شمس
 واقع دہلی است کہ آن راتختہ گویند مردم آن دیار خاک قبرش با اعتقاد فتح باب علم اطفال ہوا
 سے خوانند رحمۃ اللہ علیہ

بہاء الدین زکریا ملتانی خلیفہ شیخ شہاب الدین سہروردی نام تا پیش زکریا کنیت
 رے ابو محمد بقیش بہاء الدین اقرشی الاسدی ثم الملتانی شیخ الاسلام دانا کا بر اولیائے ہند
 صاحب کلمات ظاہرہ و مقامات باہرہ جامع بود بعلوم ظاہری و باطنی از ہندو کلمات شرف
 و مردم اندانی فرمودہ اکابران بلدہ بروے سہ ہند و کاسہ بہار شیر محمد قش فرستادند
 شیر یا یکہ دین شہر گنجایش دیگرے نیست شیخ الاسلام این سخن را در یافتہ
 اگلی بر شیر کاسہ ہنادرہ پیش آن حمادہ فرستاد موی بر آنکہ درین شہر جاے ما بچو گل بر سر خواہد بود
 اکابر بلتان از حسن لطافتش حیران ماندند و از افساسے شاگردوہ وی را تصانیف عدیدہ

خامد بعلم سلوک ہستند تاریخ ہفتم صفر سال ششصد و شصت و یک ہجری رحلت فرمودہ

مقدس بلقان است رحمۃ اللہ علیہ و علی اسلام

شیخ بہاء الدین مفتی اگرہ بغایت مدی بزرگ عالم و عامل و محرم تبرک و متدین بود
و در سخاوت و اعانت مسلمانان یگانہ عصر از اولاد شیخ الاسلام بہاء الدین زکریا در سال ہفتصد و
شصت و شش ہجری وفات یافت تغمذہ اللہ بفرمانہ

شیخ بہکھاری کا کوری تامل نظام الدین ابن امیر سیف الدین است بسال شصت

صد و نو ہجری ولادت یافتہ جامع علوم ظاہر و باطن بود در علوم ظاہریہ مولانا ضیاء الدین
مدنی محدث و قاضی عبداللطیف ہرانی نسبت تلمذ داشت و در ادب کتب درسیہ
متعارفہ از والدہ خود تحصیل کردہ و در کتاب علم باطن مدد سید ابراہیم اچھی است کہ
نبیرہ سید عبدالرزاق ابن غوث الثقلین شیخ عبدالقادر جیلانی بود کتاب منہج و اصول حدیث
و معارف در تصوف و ترجمہ رسالہ ملہات قادری مصنفہ سید عبدالرزاق از تصانیف
شریفہ او یادگارند ہم نو و یک سال بسال ہصد و ہشتاد و یک ہجری وفات
یافتہ در قصبہ کا کوری مدفون شد مظلہ مخدوم نادگان کا کوری از اولاد مجاد او ہستند
از ان جملہ شاہ محمد کاظم شاہ تواب علی سندس اللہ سر ہاشمہ آفاق بودند و مولوی
محمد حسن نیز از اولاد دیند کہ در نظم و مثر نظیر خود ندارند قصائد نفیہ و سرائیے رسول اکرم صلعم و
ثنوی صبح تجلی در میلاد مبارک وغیرہ اند کہ از بسیار و مثنی نمونہ از خردار تصنیف
بدیع اوشان است سلمہ اللہ تعالیٰ

شیخ بہکھاری جوہپوری ابن شیخ آکہ داد جوہپوری یکی از علمائے فحول عمد دولت

سلطان سکندر لودی بود مشہور است کہ سلطان روزی علمائے دیار خویش را جمع کردہ بیک
جانب شیخ عبداللہ تلبنی و شیخ عزیز اللہ تلبنی و جانب دیگر شیخ آکہ داد جوہپوری و پسرش
شیخ بہکھاری را در بحث معارض ساختہ آخر چنان معلوم شد کہ آن دو بزرگوار مد تقریر دامن

و عزیز و تحمید فائق اند اللہ اعلم

شیخ بہلول دہلوی علم حدیث را خوب ورزیدہ و صحبت اہل فقر و فاقہ رسیدہ

باہل دنیا کارے نہاشت در عہد اکبر شاہ باقاوہ و افاضہ طلب شہ نول بود
شاہ ہلول جالندہری عالم عامل و فاضل کامل شاگرد سید عبدالرشید و فتح قلندر نامہ
 داشت مرید شاہ بھیکچہ چشتی لاہوری بود و کتاب بعلوم مختلفہ تصنیف کردہ انانجملہ فوائد الاسرار
 و شرح دیوان حافظ شیراز و احوال نامہ از مصنفات دوست در سال یک ہزار و یک صد و
 ہفتاد و ہجری سہ گراے علیین شد و در اشد مرقدہ

شیخ بہار لکھنوی ابن محمد شریف از اولاد شیخ سعد اللہ کنوری فرزند جامع بود میان
 شریعت و طریقت اول فطرت بر نشاء تقوی و صلاح برآمد و عصمت ذاتی نشود نمایافت
 بعد تحصیل علوم دینی بہ تہذیب خلاق و تبدیل صفات موفقی شدہ از زہاد و وقت گردید سن و
 عمر و تبرک بود و باقاوہ علم اشتغال داشت و افضل ترین اعمالش این بود کہ کتب بسیار
 جمع کردہ و تصحیح فرمودہ و مشکلات آن را چنان حل نمودہ کہ ہر کراوے مناسبتی با شدہ
 نظر در کتاب او کافی بود حاجت او ستا و نہاشت و با وجود این لطافت کتب و ہرے او را زاد
 طلبہ مشہور وقت بود سال فوتش بدریافت نرسید شکر اللہ سعیمہ

علامہ میکس غزنوی یکی تخلص می کرد و نور فضا کل و عنون کمالات اتصاف داشتہ
 و بنیارت حرمین شریفین رسیدہ ہندوستان آمد یعنی کتب احادیث مثل مشکوٰۃ المصابیح و در
 عرب و شمال النبی عم ہمیر مرتضی شریفی و غیرہ گدما نیدہ بجت استیلاے ضعف پیرے متوجہ
 وطن ماوت غزنین شدہ بمنزل پشاور ندای ارحمی از پیک اجل شنیدہ در سال ہصد و ہفتاد و
 دستہ ہجری بجوار رحمت ایندوی پیوست

بیر محمد شروانی ملا خوش فہم اعلیٰ اوراک بود مجلسی شگفتہ داشت از شروان بقندہار
 بخدمت خانخانان ہم خان آمدہ نشود نمایافت و بعد از فتح ہند خطاب خانے بعدہ
 خطاب ناصر الملکی یافتہ در ملک نالوہ باب زبداغی شدہ ہلاک گشت

شیخ پیر محمد لکھنوی دانشمند می بود بعلوم ظاہری و باطنی صاحب التصانیف الراقیہ
 و التالیفات اللانفہ آباہی کراش از سادات مندی یا ہون سواد جو نور بود نہ کتب در سیمہ
 در جو نور و حرمین شریفین و در ملی و اجمیر و قنوج تحصیل کردہ بہ لکھنؤ آمدہ مدے بمقام شاہ

یہ تاقدر سرہ بودہ ریاضات و مجاہدات می کشید و فائز شد بعد فراغ بندت مولو سے قاضی
عبد القادر لکھنوی خواندہ در باطن از روح پر فتوح حضرت شاہ مینا اہام الشفیضہ فینا ترسیت
مے یافت بعدہ بندت شاہ عبداللہ سیاح چشتی پیوست و در رقیہ اولی نبعت ارادت و خلافت
وے کامیاب شد و اجازت سکونت لکھنؤ یافت و حسب وصیت پیر خود مدام بدرس افادہ
علوم مشغول بود وے انچہ از فتوحات یافتہ براہ خدا صرف مے کردی و بحسب زحمت
یک روزہ برای خود نگہبختی اکثرے از علمائے نامدار فائز شد فراغ اند خواندند بعد وفاتش کہ در سال
ہشتادم از صدے یازدہم بوقوع آمدہ شیخ محمد آفاق کہ سر حلقہ میران وے بود بجا پیش منصوب گردید
مرقد شیخ پیر محمد بر بلندی لب دریاے گوتمی در شہر لکھنؤ زیارت گاہ است و بہ طیلہ شاہ
پیر محمد شہرت دارد

حرف التار المثنیۃ

شیخ تاج الدین دہلوی ولد شیخ نکر یا احمد بنی دہلوی از علمای عمدا کبر شاہے شاگرد
رشید شیخ امان بانی تہی بود از تصانیف او شرح لوائح و شرح نوامیۃ الارواح است گویند وے
ہم باعث بر رفتن افتقاد اکبر شاہ بود
مولوی تراب علی لکھنوی ابن شیخ شجاعت علی بن مفتی نقیہ الدین بن مفتی محمد دولت
بن مفتی ابوالبرکات مصنف فتاوی جامع البرکات نامش رکن الدین محمد و کنیت دی ابوالبرکات
ست سلسلہ نسبتش بہ مصعب بن زبیر مے پیوندد و بزرگانیش با شندہ دہلی اندر سال
دوازده صد و سیزده ہجری تولد یافتہ لفظ بر خوردار مادہ تاریخ ولادت او ست آنحضرت وی
بخدمت مولوی سید مخدوم لکھنوی و مولوی عمدا اسمعیل لدنی و مولوی مظہر علی لکھنوی و مولوی
ظہور اللہ لکھنوی اکتساب علوم نمودہ فائز الاقران گشت و بدرس و افادہ طلبہ عمر خود
بسرودہ تاریخ دوازدهم صفر سال دوازده صد و ہشتاد و یک ہجری بمقام قصبہ
عمدا با وضع اعظم گذر رحلت فرمودہ ہمدرا بخاندن شد در لفظ فارغ مادہ فوت او یافتہ اند
اورا تصانیف بسیار اند از ان جملہ بر خیزد ذیل مذکور مے شوند شمس الضحی لا الہ الا
الحکمۃ علی اللو الہدے - اقراضۃ الغالبۃ - مصفاۃ الاذہان - فی تحقیق السبحان -

العشرۃ الکاملۃ منیۃ مصفاۃ الاذبان۔ التحقیقات البدلیۃ الشکیۃ فی توہین المفوات السعیدیۃ۔
 التحقیقات الزکیۃ فی الترتیبات السعیدیۃ۔ حاشیہ شرح ملائے جامی ناتمام۔ اناۃ العضل عن
 اشعار المطول۔ التریخ الجلی فی مسائل المورام المصلی۔ بقول الصواب فی مسائل الخصاب
 البحالہ الدقیقۃ فی مسائل الحقیقۃ۔ سبیل النجاح الی تحصیل الفلاح۔ التعلیق المرضی علی
 شرح القاضی۔ التعلیق الاحسن علی شرح ملاحسن۔ حاشیہ شرح سلم مولوی محمد اللہ سندہلی۔
 شوکہ الحاشی لازالۃ الفواشی حاشیہ صدر۔ بحجۃ الردایات فی وجوبہ الواقعات ناتمام۔ الجلائین
 علی الجلائین ناتمام۔ شرح فارسی قصیدہ بردہ۔ ترجمہ فارسی قصیدہ تنترنی تحصیل الخیر۔
 بآداب العمیرہ۔ شرح فارسی تحصیل الخیر۔ مسالک السداد فی مسائل الامیرہ۔
 ہدایۃ النام فی آداب الاحرام۔ تحصیل التخصع بآداب التمتع۔ الفوز المبین بآداب البلد الایں ہر دو
 نامتسام اند۔ موائد القرب فی آداب الاکل والشرب۔ مدک المآرب فی آداب اللہی و
 الشوارب۔ شرح شمس بازغہ ناتمام۔ التحقیقات الکمالیہ فی المطال ارتدادات الکالیہ
 البحالہ للبکیہ سواد الطوق لابطال قول الزمینی۔ ہدایۃ النجیدین اسے مسائل العیدین ویتہ
 العینین فی ابطال مسح الرجلین۔ رسالہ در فضائل حضرت صدیق رض۔ رسالہ در فضائل

حضرت عثمان رض۔ رسالہ معراجیہ و غیرہا

شاہ تراب علی کا گوروی ابن شاہ محمد کافم قلندر از دانشمندان صوفیہ در علم تصوف
 دستگاہی کامل داشت وی رامعدن تہذیب خلاق می توان گفت مطالب رشیدی و
 اصول مفسرہ و دیوان اشعار و غیرہ از تصانیف وے مشہور اند اور او فرزند ارجمند بیٹے
 مولوے شاہ حیدر علی و مولوی شاہ تقی علی بودند کہ ہر دو کمال ظاہر و باطن داشتند۔
مولوی تفضل حسین خان کشمیری معروف بخان علامہ کہ بذات خود شیعی مذہب شدہ
 مولد ش سیالکوٹ و نشاے او شاہجان آباد ست و علوم عقلیہ و نقلیہ بہرہ دانی داشت
 و ہنرمند علوم ریاضیہ شہرہ آفاق بود در شاہ جہان آباد از مولوی وجیہ تلمیذ لانظام الدین
 سہاوی دکتب معقول در ریاضیات از مرزا محمد علی ابن میرزا خیر اللہ مہندس استفادہ
 نمودہ و بہ لکھنؤ از ملا حسن نرنکی محلی میرزا اہد شرح سواقف سبق گرفتہ

دو دیگر کتب حکمیہ بھیچو شفا وغیرہ بطور خود مطالعہ کردہ در محافل بخاریہ علم انی اعلم مالا تعلمون برافراشت
 و ہنگامیکہ تالیق ناب سعادت علی ظن بود در آہ آباد بمولوی قلام حسین دکنی شاگرد مولوی
 برکت آہ آبادی بموسط مولوی ولد ار علی طرح مباحثہ منطق انداخت و در بنارس از شیخ
 محمد علی حزمین نیز استفادہ علوم نمود و دعوہ دانشمندان فرنگ اعزازی نام داشت
 زبان عربی و فارسی و انگریزی و لائٹنی نیکو میدان است بغایت سادہ روش بود چند
 ہرکالت آصف الدولہ ممتاز بودہ بازیہ نیابت نواب موصوف ممتاز گشت آن زمان ہم سادہ
 روئے را از دست ندادہ در بان بدر خود مقہر نگردہ ہر کس باو می رسید بعد
 فوت آصف الدولہ در عہد نواب سعادت علی خان لکھنوی از نیابت مستعفی شد و بمطالعہ
 کتب اقادہ طلبہ علوم می گذرانید از تصانیف معتبرہ او کتابے در فن بیست حکماے فرنگ و
 مدنی و دیگر در جبر و مقابلہ وغیرہ اند بمقام کلکتہ بمعارضہ فایز و مایہ تجو لیا مبتلا شدہ جست تبدیل آب ہوا
 بہ لکھنؤ میرفت کہ مابین کلکتہ و مرشد آباد بتاریخ ہیجہم شوال سال یک ہزار و دوصد و
 پانزدہ ہجری در گذشت غفر اللہ عنہ

ملا تقی الدین شستری در عہد جلال الدین محمد اکبر بادشاہ علوم عقلی و نقلی نیکو میدانست
 و طبع نظم داشت بحکم اکبر شاہنامہ مزدوسی بعبارت نثر نوظہ قبول ملا عبد القادر بجا یونی قماش
 پلاس در یسمان را پنبہ کردہ

مولوی تقی علی کا کوری ابن شاہ تراب علی قلندر بن شاہ محمد کاظم قلندر ساکن قصبہ
 کا کوری مضاف لکھنؤ تلمیذ مولوی محمد ستعان کا کوری بود ہموارہ بدرس و افادہ طلباب
 مشغول بودی کتاب روض الازہر نے آثار قلندر ساز و یادگار است عمر و راز یافتہ
 بتاریخ ہفتہم رجب سن دوازدہ صد و نو ہجری بروز چار شنبہ بعد ساعتی بالائے
 دوازدہ ساعت ہماری رحلت فرمود

حرف الثاء المثلثہ

مولوی ثابت علی ساکن بہکا ابن شیخ جمال الدین صدیقی ساکن موضع بہکا متصل
 پورہ مفتی پگنہ چائل ضلع آہ آباد شاگرد شید مولانا محمد اشرف لکھنوی بکتاب منطقہ

سارقتی کامل داشت اکثر درس و تدریس شان بذریعہ ملازمے امراے وقت بود ہنگامے کہ جناب شان جت تعلیم مولوی محمد عمر برادرناوہ مولوی محمد محمود نجہلی شہرے بمقام غازی پور ملازم بودند مؤلف اوراق شرح جامی بخدست شان تحصیل کردہ وفات تفرش ہفتم ربیع الاول روز دوشنبہ سال دوازدہ صد و ہشتاد و دو ہجری بموضع بہکا مسکن

الف اتفاق افتاد

قاضی محمد شہناو اللہ یانی پتی از اولاد شیخ جلال الدین کبیر الاولیا پانی پتی قدس سرہ اند زبدہ علمای پربہر کار و عمدہ اقلیائے روزگار بودند بعمہ ہفت سالگی حفظ قرآن شریف نمودہ نانان شانزہ سالگی از تحصیل علوم فراغ یافتند و در ایام تحصیل صد و پنجاہ کتاب سوائے کتب درسیہ بطالعہ خود را آوردند نخستین بیعت بخدست شاہ محمد عابد سنائی قدس سرہ نمودند بعد وفات حضرت ممدوح بخدست مرزا مظہر جان جاناں شہید قدس سرہ حمید کسب کمالات کردند و بر زبان حضرت ایشان بہ لقب علم المدے سر فراز گشتند و مولانا شاہ عبدالغفور قدس سرہ العزیز بہ لقب بہیقی وقت یادے فرمودند مدت العمر در افاضہ فیض ظاہر و باطن و اشاعت علوم و فصل خصوصیات و افتائے سوالات و حل معضلات مصروفے بودند و در علم تفسیر و فقہ و کلام و تصوف یدِ طولیے داشتند خصوصاً نقاہت و سبب بر تہ رسیدہ بود کہ چندین کتب در سائل درین علوم تصنیف فرمودہ و مکاتیب بسیار در جواب اسولہ مشککہ تحریر فرمودہ اند تفسیر مظہرے کتابت بس ضخیم دیہفت مجلد کلان الدیفت المسلول کائن را شمشیر بہنہ ہمے گویند و در دہشتہ و وار شاہ الطالبین و رسالہ مالابدمنہ و تذکرۃ الموتی و القبور و تذکرۃ المعاد و حقوق الاسلام کہ بحقیقتہ الاسلام شہرت دارد و رسالہ در حرمت و اباحت سر و دور سالہ حرمت متعہ و رسالہ شہاب ثاقب و دیگر کتب و رسالہ کہ از سنی عدد و تجاوز خواہند بود از تصانیف حضرت ایشان ہست وفات شریف قاضی موصوف الترمذی غمرہ رجب سال دوازدہ صد و بیست و پنج ہجری بوقوع آمد مولوی حافظ محب اللہ یانی پتی زادہ رحلتش در آیہ کریمہ فہم کمرون فی جنت النعیم یافتہ علیہ الرحمۃ والمغفرۃ من الغفور الرحیم

حرف ابجد

شیخ جان محمد لاہوری دشمند ماہر شریعت و طریقت مقتدای زمانہ بجلہ بر وزیر آباد
 کہ بیرون لاہور است سکونت داشت در صغر سن بخدمت شیخ عبدالحمد خلیفہ شیخ اسمعیل
 عرف میان کلان لاہوری تحصیل علم کر در روز ہمراہ استاد بخدمت میان موصوف
 حاضر بود کہ میان سابق الذکر کو فرمود کہ اگر عالم شوے بن تکرارا حدیث خواہی کہ شیخ جان محمد
 بچا و ادب ساکت ماند بانہا شارت استاد عرض کر کہ اگر توجہ شریف فائز المرام خواہم شد
 بالضرور بخدمت خواہم رسید میان موصوف دست برداشتہ بحق وی دعا نمود کہ
 استجاب شد و در چند ماہ استعدادی بہر سانید کہ شیخ عبدالحمد از تعلیمش خود را
 قاصر یافتہ اورا بشیخ تیمور لاہوری سپردا بخدمت شیخ تیمور بسے نگذشت کہ فاعل
 فراغ بر خواند روزے باز بہ قلبی میان کلان وی را بخود کشید چون جان محمد بخدمتش حاضر آمد
 میان کلان باو معانقہ کردہ نعمت باطن عطا فرمود و گفت کہ حسب وعدہ ہر روز
 دو شنبہ و جمعہ نزد مکرارا حدیث کردہ باشند چنانچہ تاحیات میان موصوف ہایام معینہ
 حاضر آمدہ تکرارا حدیث مے کرد و بہر حدیث کہ شبہہ علید مے شد میان کلان بتوسط مراتبہ
 از حضور بہ نور رسالت پناہی صلی اللہ علیہ واکہ وسلم نصیحت آن مے کرد و رحمتہ اللہ علیہ
 بسال یازدہ صد و بیست ہجری رحلت فرمودہ در پر ویزا آباد مدفون گشت مے گویند کہ بعد
 چند سال بمقدم محلہ مذکور در منام گفت کہ نقش مرا بر آورده متصل مرقہ میان کلان مرحوم
 مدفون کن ورنہ محلہ تو بلاے سخت نازل خواہد شد صلیح آن مقدم مذکور نقش مبارک
 دی را از مدفن بر آورده قریب میان کلان مدفون ساخت رحمۃ اللہ علیہ

سید جان محمد بلگرامی ابن سید معین الدین در سال ہزار و ہشتاد و سہ ہجری ولادت
 یافتہ اولاً قرآن مجید حفظ نمودہ بمجھل علوم متعارفہ قدم نهاد و در جمیع علوم لائق و فائز گشت
 و خط نسخ خوب مے نوشت بشوق زیارات از بخدا و سرمن راے و بخت و کمالات
 بہ بیت الحرام رسیدہ بعد اداے مناسک حج بمدینہ منورہ بمناے موت رخت
 اقامت انداخت و در مسجد نبوی بہ تصحیح مصاحف مے پرداخت و ہمداران بقعہ کریمہ

در سال یازده صد و چهل و نہ ہجری رحلت فرمودہ در بقیع مدفون شد
مولوی جان محمد لاہوری از اعظم مشایخ و اکابر علماء لاہور بود و بر جمیع و غظ
 نے گفت خلق خدا از دور و نزدیک بخدمت وے حاضر شدہ بہرہ وافی و حظ کافی از علم و
 عمل حاصل نے کردند و رسد و از دہ صد و شصت و ہشت ہجری بلاہور در گذشت۔
شیخ چاہن میواتی ساکن سمنہ و آن تصبیہ است در ملک میوات ہیزہ کردہ از دہلی از
 علمائے صوفیہ صافیہ و مشاہیر خلفائے شیخ عبدالعزیز دہلوی بود بر جادہ فقر استقامت
 تام داشت و کتب تصوف مثل فصوص الحکم و نقد النصوص و غیرہ رابطا لبان اہل استحقاق
 درس می گفت در آخر عمر جلال الدین محمد اکبر شاہ را نسبت وے اعتقاد می عظیم پیدا شدہ
 و بعضی مہمات استمداد از دی نمود و در عبادت خانہ قریب محل شاہی جاے از برائے او
 معین ساعتہ شبہا خلوت باوی می داشت بادشاہ چون نماز معلوس را از و مشاہدہ نمود نسبت
 معکوس شد شیخ در سال ہنصد و یود و ہشت ہجری در گذشت

مولوی جعفر ساکن دلمو مضاف لکنو عالم صاحب و برع و تقوی بود در سال دوازده صد و
 نہ ہجری وفات یافتہ

سید جلال کشمیری ابن سید جمال عالم و عامل حافظ کتب فقہ و حدیث و تصوف بود
 متصل مقابر آب و اجداد خود خانقاہے ساختہ با ثقات تمام بسرے برد و دوازده صد و
 ہفتہ ہجری رحلت کرد

شیخ جلال تہانگیری خلیفہ عبدالقدوس گنگوہی قدس سرہا جامع علوم ظاہری و باطنی
 بود با فاضلہ علوم دینیہ و نشر معارف یقینیہ اشتغال داشت آخر حال از علوم رسمییہ اعراض نمودہ
 از جلوت بجلوت آمدہ اوقات شریفش بحکم قرآن مجید و نوافل و درود و دعا مرطوب بود
 سنین عمرش نبود سہ رسیدہ و بغایت ضعیف و نحیف گشتہ پستی و استخوانی
 ماندہ بود با آنکہ قوت نشست و برخاست نہ داشت و ہمہ وقت از کم قوتی و بے
 قوتی تکیہ زدہ خفتہ بودے ہمین کہ استماع اذان فرمودی بے مدد دیگرے برخاستہ
 و غلین پوشیدہ و عصا بدست گرفتہ بودے خود با آب طہارت و صلاوۃ قیام نمودے

وہاں برہم معبود پر بشر خفے دین منصف و ہشتاد و نہ ہجری عالم قانی سا پد سو کر و در نقطہ شیخ الاولیا
تاریخ حلتش یافتہ اند

مولانا جلال الدین مانکیپوری جد مولانا حسام الدین مانکیپوریست مردی بزرگ
و عالم معابد و صابر و متقی بودے بعد از نماز خفتن تا زمانیکہ دم بیدارے بودند بخواب می رفت
بعد از آنکہ مردم بخوابے رفتند برے خاست تا با سلا و نماز کردے و ہر روز چیل و یک باہ
سورہ یس بخواندی و بعد نماز چاشت تعلیم علم دین می کرد و خورون ادا و کسب کتابت بود مصحف
مے نوشت و بدہلی مے فرستاد و پانصد تنگہ ہدیہ مے شدی و ہر گوبے وضو قلم نگرفتے و
اگر در ملک وقتے بر غبت غارت گوی شدی در ان ایام گوشت خوردی شاید کہ گوشت از
مواشی مفوتہ باشد و مے ارادت بہ شیخ محمد حنیفہ نظام الدین اولیا قدس سرہ داشت
مولوی جلال الدین احمد بنارسی بن مولوی عبدالاعلی بنارسی بسال دوازده صد
بست و یک ہجری متولد شدہ بخدمت والدہ خود و نیز مولوی احمد اللہ بنارسی علوم متعارفہ
اکتساب نمودہ سند حدیث از مولوی عبدالحی محدث بنارسی یافتہ عامل الحدیث و تتبع
سنت نبوی و قانع و متقی بود و جید الحافظ آن چنان بود کہ در یک روز یک پارہ کلام مجید حفظ نمود
وقت شب بامہ رمضان بتراویج مے خواند فرہنگ افغان الصفا و فائزۃ الصواب مے
قرأۃ فائزۃ الکتاب و زبدۃ القوانين در صرف و نحو و شرح کافیہ نا تمام و قواعد اردو نا تمام از
تصانیف اوست بکامج بنارس بعدہ مدرسہ اول مغرز بود بسال دوازده صد و ہفتاد و
نہ ہجری بمیرغاہ و ہشت سال انتقال فرمود

مولانا جلال الدین رومی کہ بس استاد مے متفنن بود و انما در منصب افسادہ
سبق علوم دینی در مدرسہ فیروز شاہی واقع دہلی در عہد فیروز شاہ پادشاہ مے داد و متعلمان ما
بمعارفہ تفسیر و حدیث و فقہ تعلیم مے کرد

قاضی جلال الدین ملتانی دانشمند متبحر حق گو و حق پسند بود و ساہتہ اے حال تھارت
کردی و در اواسط ہر س مشغول شد و چند سال در اکبر آباد اقامت فرمود و بعد عزل قاضی
یعقوب بام اکبر پادشاہ بعدہ تاسنے ہند مباہی گشت و در ریاست دامانت

بنفس نفیس خود بہترین قضاۃ بود اما بشومی پس بنا خلف بید یانت بجانب دکن اخراج یافت
حکام آن دیار کہ آوازہ رسوخ و دروین اسلام و اظہار کلمۃ الحق شنیدہ بودند در تعظیم و تکریم
او باقصی الغایہ کوشیدند از انجا زیارت بیت اللہ الحرام مشرف شد و ہما نجا داعی اجل را
لبیک اجابت فرمود علیہ الرحمۃ والرضوان

سلطان جلال الدین قریشی دانشمندی تجرود و روشی صاحب حالت مجذوب شکل
بود اکثر احوال سر و پا برہنہ بود و در ریاضانہا گشتہ و از پوشش بر مقدار ستر عورت اکتفا کردی
و علوم عقلی و نقلی در سہ و حقیقہ ہمہ بر زبان داشت و گاہت کہ در تفسیر آن افتادی بیانی
داغی کردی و ہر چیز بیج کس تعلق نہ داشت بزبان عربی و فارسی و ہندی سخن گفتی مشرب
قلندر یہ داشت از عبادات بر فرائض و سنن اقتصار کردی فصوص الحکم و سائر کتب
تصوف یادداشت چند گاہ در دہلی تشریف داشت و در بیانہ و اگرہ و نواحی آن نیز می بود
عمدہ اوست و پنج سال بود در سن ہصد و چہل و ہشت ہجری وفات یافتہ در بعض
قریات منڈو مد فون شد رحمۃ اللہ علیہ

سید جلال الدین حمید عالم بن سید محمد ابو الجہ محبوب عالم احمد آبادی گجراتی دوم
جمادی الاول بسال ہزار و شصت و دو ہجری ولادت یافتہ علم ظاہر و باطن از پدر
بزرگوار خود آموختہ بر تہ کمال رسیدہ رسالہ مرآت الریاء در تعبیر خواب و رسالہ مفتاح الحاجات
در اعمال و اشغال از او شان یادگار اند شب بستم ذی الحجہ سال ہزار و صد و چہارم ہجری
جہان فانی را پدر و فرمود و در احمد آباد گجرات برآسود

مولوی سید جلال الدین برہانپوری عن اللہ واسے صاحب شاگرد مولانا شاہ
عبدالغفریز دہلوی عارف وقت زاہد و عابد و محدث بود در سال دو و از دہ صد و ہفتاد و سہ
ہجری در برہان پور وفات یافتہ

شیخ جمال الدین احمد بالنسوی الخطیب انتساب و بانام عظیم ابو حنیفہ کوفی است
از عالم خلقای شیخ فرید الدین گنج شکر قدس سرہا جامع کمالات ظاہر و باطن بود صاحب ترجمہ
رسائل و اشعار دارد کہ در میان مردم یافتہ می شوند از ان جملہ رسالہ ملہمات بزبان عربی

جامع کمالات متفرقہ است کہ در اوصاف فقر بیان فرمودہ قبرش در قصبہ ہانسی است
بیزار و تیرک بہ

ملا جمال الدین کشمیری برادر ملا کمال الدین دانشمند متبحر و مرید بابا فتح اللہ حقانی بود
شب و روز شغل بہ درس و تعلیم داشت ابو الفقراء شیخ نصیر الدین دہا بال فیسب الدین و شیخ
اسمعیل چشتی از ملائذہ وی اندوہیے لکلفانہ بیک قمیص و بوریاسری بر دم قدس بہ کشمیر است
مولوی جمال الدین فرنگی محلی ابن ملا علار الدین شاح فصول اکبری از کتب درسیہ
فراغت حاصل کردہ بملک مدراس رفتہ بنا بر تعلیم نواب غلام غوث خان رئیس کرناٹک بشاہرہ
دو صد و پنجاہ ملازم شد ہمدرا بخا بتاریخ ہشتم ربیع الثانی سال دوازده صد و ہفتاد و شش ہجری
وفات یافتہ مدفون گشت

مولانا جمال لاہوری ساکن محلہ تلہ منحلات شہر لاہور اعلم علمای وقت جامع جمیع علوم
شاگرد ملا اسماعیل اچھی خوش تقریر و منفہ گوی در عہد اکبر بادشاہ مدرس مدرسہ لاہور بود می گویند
از عمر ہشت سالگی با فادہ طلبہ مشغول شدہ مباحث دقیقہ معقول و منقول با سانس
خاطر نشان شاگردان مے ساخت صاحب صلاح و تقوی و متخلق باخلاق حمیدہ بود تفسیر
شیخ فیضی را کثری اذ اصلا ح دادہ او چھی نسبت با و بیج بضم اول و سکون داو و بیج نارسہ
شدہ و قریہ ایست مشہور از توابع ملتان داو بیج بزبان پنجابی بلند را گویند چون آبادی آن تہتر
برزمین بلند واقع شدہ لہذا آن را با و بیج نامیدند

شیخ جمال دہلوی فاضل خردمند متخلص بجلالی مرید شیخ سماء الدین رح دہلوی بود از ہند
بخراسان رفتہ و بعد فوت سلطان حسین مرزا از خراسان بہ ہند آمدہ بمصاحبت سلطان سکند
لودی دہا بر شاہ دہلیون شاہ بسرمدہ و ہریکے از شاہان صدر الذکر احترامش مے کردند
کتاب سیر العارفین از تصانیف مشہورہ اوست در سال ہند و چل و دو ہجری رحلت نمود
خسرو ہند و امی تا بیخ فوت اوست

مفتی جمال خان دہلوی ابن شیخ نصیر الدین و برادر میان لاون تلمیذ پد رغود
از طائفہ کنبوہ اعلم العلماء از زمان خود در علوم عقلیہ و نقلیہ خصوصاً فقہ و کلام و عربیت

و تفسیری نظیر بود بر شرحین مفتح محاکمه کرده و کتاب عضدی را چهل مرتبه از اول تا آخر
درس داده و همیشه درس گفتی و افاده علوم دینی فرمودی و بجان ملک و سلاطین زلفی و بهیوسته
نزد حکام معزز و محترم بودی اکثر شاگردانش دانشمند شده اند و عمرش از پلو گذشت بود که
درس نهند و بهشتاد و چهار هجری بدایه البقار علی فرمود تصانیف شرح عضدی
شرح مفتح شرح الزارقه و غیره

جواد سا باط مردی بود از عرب اصل نام وی جواد سا باط لطفی بن ابراهیم سا باط الساباطی
و بعد از مرگ او از ملت محمدیه بملت مسیحیه بنام نائیل سا باط شهرت یافته بمسال دوازده صد و
هشت و دهم هجری در کلکته بشیخ احمد عرب شروانی طاقی شده و در طرافت سخن
و نقل نوادر و غرایب و ایراد مضحکات و عجایب یکتای روزگار بود در علوم مختلفه
تصانیف دارد مصنفات القواعد الفکریه فی العربی و الفحو بالفارسیه - ضروریات
العرب - ربط الحمار فی رد الاستغفار و آن کتابیه است از تصنیف مولوی باقر مد راسی در
اثبات اجتماع امیر معاویه - مقدمه العلوم و منطق - الموجز النافع در عروض -
مختصر در قوافی - الاموزج الساباطی در عروض و قوافی - التحفه الباقشیری در صنایع و
بدائع - شراب الصوفیه در اصول تصوف - السهام الساباطیه در تجربات خود و بالو غلات
الساباطیه در ادویه که براسه خدا نشانموده - موجب الزل - خرقاته الزل -
و بما که ساباطیه در صرف و نحو هندی و غیره کتب و رسائل بزبان عرب و فارس
تالیف نموده و نیز قصاید غیر او دارد

جو ہر نامہ کشمیری از علمای نامدار کشمیر است محدث و جامع علوم عقلیہ بود اکثر علوم
بمدرسہ سلطان قطب الدین کشمیری تحصیل کردہ پھر بین شریفین رفتہ بعد اداے مناسک حج
بیت اللہ تحصیل حدیث متوجہ شد و از اکابر علما واجلہ محدثین آن دیار اجازت حدیث
حاصل نمود و از ملا علی قاری ہروی و ابن حجر مکی اجازت حدیث پسند معنعن یافتہ و بہ کشمیر
معاودت کردہ بگوشہ انزو و اعبادت خالق مشغول گشت و بفرض استر زاق حلال پیشہ
ریسیدن پشتم کہ از ان دو سالہ مے سازند احتیاج رکودہ و درس علوم دینیہ ہم مے کرد

از تلامذہ اشہر و ملا محمد ثوبیگر و محشی شرح جامی است صاحب ترجمہ بسال ہزار و بست و شش ہجری وفات یافتہ در کشمیر جانب شرقی مرقد ملا حسین خبازند فون شد

ملا جیون امیٹھوی نام او شیخ احمد بن ابی سعید بن عبداللہ بن عبدالرزاق بن خاصہ الصدیقی نسباً الحنفی مذہباً مالکی اصلاً الصالحی بطنا الامیٹھوی مولداً قوت حافظہ بغایت داشت کہ قصیدہ بشنیدن یکبار یاد سے گرفت و عبارت کتب درسیہ بلا معاینہ کتاب زبانی سے خواند و لا قرآن مجید حفظ کردہ کتب درسیہ از علماء عصر خود تحصیل نمودہ فاتحہ فرارغ بخدمت ملا لطف اللہ ساکن کوثرہ جہان آباد خواند پس ازان بحضور محی الدین اورنگ زیب بادشاہ باریاب شدہ بادشاہ موصوف بتعظیم و توقیر تمام پیش آمدہ بکلمہ تلامذہ و سے درآمد و تازندگی پا از جادہ ادبش بیرون نہ نہاد و همچنین اولاد بادشاہ موصوف مراغی آدابش بودند ملا ممدوح الذکر عمر عزیزش را با افادہ درس و تصنیف صرف نمودہ بزیارت حرمین شریفین مشرف شدہ از غرہ بہج الاول سن یازدہ صد و پنج ہجری تسوید نورالانوار شرح منار آغاز کردہ بہ ہفتم جمادی الاول سال مذکور در حرم شریف مدینہ منورہ بلا اعانت کتابے با ختام رسانیدہ و نیز تفسیر احمدی در شرح آیات احکامی از تصانیف شہیرہ اوست در یازدہ صد و سی ہجری بدلی وفات یافتہ لعش و دبا میٹھی آورده دفن کردند

طاب اللہ ثراہ و جعل الجنة مثواہ

احرف الحاء والمہملۃ

میان حاتم سنہیلی شاگرد و مرید شیخ عزیز اللہ تلبلی سنبلی در عمد خود من حیث الجامعیۃ خصوصاً و علم کلام و اصول و عربیت و فقہ بی ہمتا و مراضا و صلح و متقی بودے گویند شرح مقتل و مطول را از بابے بسم اللہ تا تائے تمت چہل مرتبہ درس گفتہ همچنین حال کتب دیگر قیاس باید کرد چون ملا علاء الدین لاری حاشیہ عقائد لنفی مصنف خود را بدعوی تمام نزد میان پیش کرد وی بعد از مطالعہ چندان تدقیق فرمود کہ ملار ایچ جواب نمادہ بالجللہ تا ہفتاد سال پر مسند افادہ دار شد و متکلم بود در سال نہصد و شصت و ہشت یا نہ ہجری از دار دنیا در گذشت

حافظ کوہلی مشہور کما قضا شگندی وانشمند تبحر بود خصوصاً در عہدیت در خدمت ملا عصام الدین
اسفرینی تلمذ نموده جمیع علوم نیک میدانست و بسیار افادہ منہمود سپاہی وضع بود در سن
نصہد و ہفتاد و ہفت ہجری بمند آمدہ بلا زمت اکبر شاہ مشرف شدہ تفسیر سورہ محمد صلی اللہ
علیہ وآلہ وسلم بحضور شاہ گذرانیدہ قریب چہل ہزار روپیہ صلہ یافتہ براہ کجرات متوجہ
حرمین شریفین شد

حاجی محمد کشمیری صلش از ہمدان است یکی از بزرگان شش ہمراہ سید علی ہمدانی بکشمیر آمدہ
رخت اقامت انداخت حاجی محمد در آنجا متولد شدہ و بدہلی رسیدہ کسب فضائل نمود و در اکثر
علوم بہ مرتبہ کمال رسیدہ بفقر و عبادت بسر برد و با دور و نیوی ملوث نمی شد و غیبی بہ
نوزدہم صفر سال ہزار و شش ہجری وفات یافتہ ریح نوزدہم بود از شہر صفریہ مادہ
تاریخ فوت اوست

شیخ حبیب اللہ قنوجی از مشائخ کبار بلدہ قنوج عالم علوم درسیہ مروجہ معاصر مولوی
علی صفر قنوجی در سلوک و تصوف توغلی عظیم داشت و ہمگی ہمیش ہدایت و ارشاد حلق اللہ
مصروف بود جوہر خمسہ و تذکرۃ الاولیاء و روضۃ النبی دانیس العارفین و الفاضل فی الفقہ
از تصانیف لطیفہ اوست و او از شاہ عبدالجلیل اکہ آبادی بیعت و ارادت داشت
و رسالہ یازدہ صد و چہل ہجری در قنوج وفات یافتہ بباغ خودش مدفون گشت
ملا حبیب اللہ فرنگی محلی ابن ملاعب اللہ بن ملا احمد عبدالحق بن ملا محمد سعید بن ملا
قطب الدین الشہید السہالوی اکثر کتب درسیہ بخد مت برادر کلان خود ملا محمد بین تحصیل
نمودہ و بعضی ازان بخد مت عسم خود ملا ازہا را الحق اکساب کرد و کتب مطولہ از ملا احمد حسین
و معقولات در خدمت ملا محمد حسن خواند بوجہ فقدان معاش متوجہ بدرس نہ شد شب شانزہم
ذی قعدہ سال دوازدہ و صد و بہشت شمس ہجری وفات یافتہ ریح شد بر ش

برین حبیب اللہ مادہ تاریخ رحلت اوست

مولانا حسام الدین مانک پوری ابن مولانا خواجہ ابن مولانا جلال الدین مریدی
خلیفہ شیخ نور قطب عالم نپڑوا از اعیان مشائخ وقت خود عالم بود بعلوم شریعت

دریقت اور لفظاتی است رفیق العارفین نام کر سیکے از مریدانش جمع کردہ -
حکیم حسن کیلانی بخداقت شہرت داشت و علمش نہ چنان بود اما بہ مکارم احسلاق و
 مجاہد اوصاف موصوف بود سوم محرم سال یک ہزار و چہار ہجری وفات فرمودہ -
شیخ حسن بن طاہر جوئیوری والد او شیخ طاہر از ملتان بطلب علم باین دیار افتاد
 مدت در بلدہ بہار سکونت کرد و پیش شیخ برہ حقانی تحصیل علم نمود و ہم در بہار شیخ
 حسن بہر ش متولد شد و از عنفوان شباب وراثت علم طلب حق دامگیر حال او
 گردید کہ مرید راہی حامد شہ مانگپوری گشت و در اساتذہ در سلوک و علم توحید اندان جملہ
 کتاب مفتاح الفیض است در علم سلوک وی از مشایخ جوئیور است در زمان سلطان سکندر
 لودی از جوئیور باستدعای او پہلی قدم آوردہ در کوشک بجی منڈل کہ نام برج حصار
 سلطان محمد تغلق است باہل و عمیال سکونت و زید و ہم در انجا بتاریخ بست و چہارم
 ربیع الاول سن ہصد و نہ ہجری وفات یافتہ قبرش و نیز قبر اکثر اولاد و
 در انجا است علیہ الرحمۃ

حسن علی موصلی شاگرد رشید شاہ فتح اللہ در سال فتح کابل بلازمست اکبر بادشاہ
 رسیدہ نامور بتعلیم شاہزادہ بزرگ گشت و چند گاہ شیخ ابوالفضل نیز خفیہ از و تسلیم
 فن ریاضی و طبیعی و سایر اقسام حکمت گرفت و دقائق و غوامض علوم را از و کسب کرد
 و بعد چندی ترک وظیفہ کردہ عازم گجرات شد در انجا مرزا نظام الدین احمد و پسرش
 محمد شریف از و استفادہ علوم عربیہ عقلیہ نمودہ بدرجہ کمال رسیدند بعد زمانے ابوالفضل
 و غیرہ مقرران شئمہ از فضائل و کمالات او در مجلس شاہی مذکور ساختند کہ فرمان بہ طلب او
 رفت صاحب ترجمہ بلاہور آمد وقت کورنش اورا تکلیف سجدہ نمودند و ازین معنی
 آزار یافتہ در سن ہصد و نو و ہشت ہجری عازم وطن گردید

مرزا حسن علی صغیر محدث لکھنوی ساکن محلہ عیلے گنج منجملات لکھنو ملقب بپیکر
 جمال الدین المعروف بہ مرزا از سادات علوی است خود را ہاشمی مے نوشت سند
 حدیث از مولانا شاہ عبدالغفور دہلوی یافتہ صد ہا مردم علم حدیث از و استفادہ نمودند

سیدی مولوی ابوالخیر محمد عین الدین المشہدی الکڑوی سند حدیث از ایشان داشتند
سال تحفۃ المشتاق فی النکاح والصداق از تصانیف مشہورہ ویست و نیز کتابے موسوم
بہ برہان الخلاقۃ و فتاویٰ بزبان فارسی بدو منسوب ہے کنند و بعضے نے گویند کہ مذہب
شافعی سے داشت منشی خادم علی سندیلہ مؤلف تاریخ جدولیہ بہ سال دوازده صدر و بست و شش
ہجری بمقام باندا مستفیض خدمت او شدہ و بعد ازاں سلطنت نصیر الدین حیدر شاہ اودھ
بمقام لکھنؤ بمحض استقرار حلیت من مودہ ہم در انجا مدفون شد سقی اللہ ثراہ
مرزا حسن علی کبیر محدث لکھنوی ساکن محمود نگر منجملات لکھنؤ شاگرد مولوی
حیدر علی سندیلہ بود

مولانا حسن صفائی لاہوری ابن محمد بن حسن بن حیدر صفائی صفان بصاد
مملہ مفتوحہ وغینہ عجمہ شہر یست از شہر ہائے ماوراء النہر عرب چنان بزرگان نش از انجا آمدہ
بلاہور رخت اقامت انداختند مولانا حسن بتاریخ پانزدہم صفر سن پانصد و ہفتاد و ہفت
ہجری در لاہور متولد شدہ نشود نمایانست و از پدر خود تحصیل علوم کردہ مولانا موصوف
فقیہ کامل و محدث عامل و عالم ربانی واقف احکام و معانی بود و در سن ششصد و
پانزدہ ہجری بہ بغداد رفتہ مقیم شد و بعالم عدیدہ کتب فائقہ تصنیف کردہ و ہما نجا قبل تکمیل
تصنیف کتاب العباب در لغت و در سن ششصد و پنجاہ ہجری وفات یافتہ
حسب وصیت خود ہمان سال بلکہ معظمہ مدفون شد منجملہ تصانیف مشہورہ او
کتب ذیل متداول اند شوار و در لغت شرح القلاوہ السمیطیہ فی
توضیح الدریدیہ۔ کتاب الافتعال۔ کتاب العروض۔ مشارق الانوار۔
مصلح الدجی۔ الشمس المنیرۃ۔ شرح البخاری۔ درۃ السحابۃ و شرح درۃ السحابۃ و علم
حدیث۔ کتاب الفرائض۔ کتاب العباب نا تمام۔ وغیرہ۔

امیر حسن بن علاء ہجری دہلوی اولاد در میان فضلاء عمر غزنی و مکانی
و دیگر دود در میان مریدان شیخ نظام الدین اولیا بقرابت و عنایت شیخ امتیازی داشت
در حسن معاملات و صفائے سریرت و سایر صفات حمیدہ یگانہ روزگار بود

باوصاف تصوف موصوف و بامیر خسرو مصاحبت و معاشرت داشت اور ایمان
غیاث الدین بلین تصاید است دور کلام امیر خسرو مدح سلطان مذکور کتر امیر حسن را
کتابست مسمی بقوائد الفوائد و ان ملفوظات شیخ نظام الدین قدس سره جمع کرده در
غایت ثنات الفاظ و لطافت معانی و کتاب مذکور در میان خلفاء مریدان شیخ نظام الدین
قدس سره منجود دستور است

مولوی حسین علی سندیل ولد غلام مرتضی واصل باشندہ قصبہ صفی پور از اولاد
ہمشیرہ مخدوم عبدالصمد عرف شاہ صفی پوری ہستند سلسلہ نسب شان بہ عبداللہ
بن عمر رضی اللہ عنہما میر سدا چہار پشت بواسطہ مادری بہ قصبہ سندیلہ تمام پذیر اند مولوی
حسین علی بسال دوازده صد و چہل بہ سندیلہ تولد شدند و بخدمت پدر خود و نیز غلام
فرنگی محل کتب فارسی و عربی تحصیل نموده مشہور حاصل کردہ باقادہ طلبہ
اشتغال داد و دیوان اشعار فارسی و شرح جہل کاف و آمد نامہ منظوم از تصانیف اوست
بخدمت سید شاہ محمد احسن سرہندی بختیار نگری بسلسلہ قادریہ اہل اہل و ات دانند
و نیز مجاز اخذ بیت بسلسلہ قادریہ و چشتیہ و سرور دیہ از شاہ خادم صفی پوری
ہستند سلمہ اللہ و ابشاہ

سید حسین شاہ تخلص بحقیقت کہ فی الحقیقہ در فضائل و کمال بجاے خود شاہی بود
و بہ منصب میرنشی رئیس مدارس سر بلندے داشت و تصانیف بسیار اند
ازجملہ کتاب خزینۃ الامثال است کہ در ان امثال عربی و فارسی و ہندی بسال دوازده
صد و پانزہ ہجری جمع آورده بخاتمہ کتاب مذکور نے نگار کہ چون درین خزینہ عامرہ نقود
امثال عربیہ و فارسیہ و ہندیہ بہ است بناؤ علیہ دیباچہ اش در ہر سہ السنہ حسن اقام
پذیرفت و بہ اختتام خامہ دوز با تم اشعار تاریخیش نیز در ہر سہ زبان گفت
حین اتحت ہذہ الشجرہ مستقینا بر بے المتعال ۳ سال تاریخ خواستم کہ کہم بہ ہم زمانش
میان بر اہل کمال بہ کہ خزینہ سے تخریج شامٹو مدد بہ بولا بافت خزینۃ الامثال ۳
خواجہ حسین ناگوری از اولاد شیخ حمید الدین ناگوریست جامع میان شریعت

و طریقت و حقیقت و مرید شیخ کبیر بود و در ولایت گجرات مدتی خدمت پیر خود بود و تحصیل علوم کبیر و وہی نموده بوطن اصل رجوع فرمود از تصانیف او تفسیر لولہ النبی است کہ ہر جزوے از قرآن مجلدی جدا نوشته و محل ترکیب و بیان معنی قرآن از انجہ در تفسیر ہا مے باشد بہ تفصیل و تسبیل تمام تر بیان فرمودہ و بر قسم ثالث مفتاح شرحی پوشتہ رسائل و مکتوبات دیگر نیز دارد و گویند کہ سوانح شیخ احمد غزالی را نیز شرحی کردہ است دوی اول کہے است کہ بر بالائے قبر خواجہ معین الدین ہشتی اجمیری عمارت روحانہ بنیاد نہاد و مے بہ تعلیم علوم دین و تلقین طریق ارباب یقین مشغول و بغایت مولع محبت حضرت سرور کائنات صلعم بود و ہر چہ از خانہ و بلوغ و چاہ داشت ہمہ را با آن حضرت نسبت کردہ وقف نمودہ بود و در سن ہنصد و یک ہجری وفات یافتہ و رحمتہ اللہ علیہ **ملا حسین ہروی** از فرزندان شیخ رکن الدین علاؤ الدولہ سمنانی است در علوم مقبول شاگرد مولانا عصام الدین و ملا حنفی بود و در شرعیات تلمذ نزد خاتم العلماء و المحدثین شیخ ابن حجر ثانی نمودہ و در وادی سلامت شعرو انشاء و صنائع و بدائع و حسن تقریر و فصاحت و بلاغت و ظرائف و لطائف بے نظیر بود و دیوان اشعار فارسی با تمام رسانیدہ از بیش گاہ اکبر شاہ بنظم نمودن سنگھاسن بیسی نامور شدہ بود و لکھا انجام نز سید مے در سال ہنصد و ہفتاد و نہ ہجری از ہندوستان رخصت و وطن حاصل کردہ شیخ فیضی کہ تہذیب یافتہ او بود و در لفظ دام ظلہ تاریخ آن یافت ہمدان نزدیک بے کابل ازین عالم گزشتہ

مولوی حسین علی قنوجی ابن مولوی عبدالہاسط قنوجی شاگرد پیر خود بود و بحیات پیر خود مدرس و افادہ طلبہ علوم مے پرداخت ثمرین المتعلم در بیان صیغ مشککہ از و یادگار است بعد پنج ماہ از فوت والد خود بمصر ہجرت و چہار سالگی در سال و ہانودہ صد و بیست و نہ ہجری ازین جہان بعالم جاودان رفت و آواہ اللہ فی دار النعیم **مولوی حسین احمد بیلیج آبادی** ابن شاہ علی احمد بن شاہ علی امجد والدی از سرزمین لکنؤ تشریف آوردہ از انجا بقصبہ بیلیج آباد مضاف لکنؤ رخت اقامت

انماخت صاحب ترجمہ بتایک بست و پنجم صفر سال دوازده صد و یک ہجری بہ طبع آباد متولم
 شدہ مجتہد مولوی ظہور اللہ لکھنوی و مولوی عبد الرحیم ساکن کلکتہ و مرزا حسن علی محدث
 صغیر ساکن لکھنؤ محلہ بیچے گنج و مولوی سید محمد و مولوی لکھنوی و مولوی نور الحق لکھنوی و مولانا شاہ
 عبد العزیز دہلوی و شیخ عمر محدث مکی و حکیم محمد صادق فیض آبادی و مولوی حیدر علی
 سندیل کتاب علوم متداولہ نمودہ ہمارہ مدرس و عبادت دارشاد طالبان مشغول بودہ
 بہ تصنیف کتر متوجہ بود رسالہ جواز قرأت فاتحہ خلف امام و رسالہ در بیان بیعت و
 شرح رسالہ مولوی رفیع الدین دہلوی دہیان وجود و چند رسائل در تصوف و حلیم
 نبوی صلح از تصانیفش بر صفحہ روزگار یادگار اند چہارم رمضان سن دوازده صد و
 ہفتاد و پنج ہجری وفات یافتہ بجاوہر خالد خود در مقابر موضع دوو صیا متصل طبع آباد

مدفون شد

مولوی حفیظ اللہ فرنگی محلی ابن ملا حبیب اللہ ابن ملا عبد اللہ فرنگی محلی برادر
 خود مولوی ولی اللہ ذہین و ذکی بودہ باستعداد تمام کتب و درسیہ تحصیل کردہ خدمت شہزاد علی
 عدالت فیض آباد و سرکار شاہ لکھنؤ داشت ہمدان حالت مدرس طلبہ می بردخت
 بہ ترمیم اثنائے سال دوازده صد و ہفتاد و نہ ہجری رحلت فرمودہ
حکیم الملک گیلانی نامش شمس الدین در حکمت و طب جالینوس زمان و مسیح دوران ملایم
 اکبر شاہ و غیر خواہ ہنگام خدا و آشنا پرورد و بیوستہ طلبہ را درس گفتی و بے ایشان طعام
 نخوردی و بجانہای مردم کم رفتی بسال ہصد و ہشتاد و ہشت ہجری بزیارت حرمین
 شریفین رفتہ ہما بجا سفر آخرت پیغل آمد

حکیم دانا سیالکوٹی نامش ملا محمد صادق ابن مولانا کمال الدین سیالکوٹی است جامع علوم
 عقلیہ و نقلیہ بود و نور الدین محمد جہانگیر بادشاہ شہرہ کمالش شنیدہ اوراہ محفل خاص بلکہ دادہ
 ہر گاہ مباحثہ علمائے اہل تسنن و تشیع پیش آمدے دے از اہل سنت
 مناظر و معیب بودے و ملا حبیب اللہ شیعہ را خاموش کردے بعد وفات بخانہ غور
 واقع محلہ جمالت مدفون گردید

مولوی محمد اللہ سندیللی ولد حکیم شکر اللہ ولد شیخ فانیال ولد پیر محمد صدیقی ازاں شد
 تلامذہ ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین شمس سہالوی عالم عامل و طبیب حاذق بود و در
 قصبہ سندیلہ منصفیات لکھنؤ مدرسہ کلاں بنانہ و مجبیت مصارف مدرسہ چند و پیرانہ
 پیشگاہ بادشاہ وقت معاف یافتہ عمر گرامی خود بدین اقامہ طلبہ علوم نے گزانیہ از پیشگاہ
 شاہ دہلی مخاطب بفضل اللہ خان بود و نواب ابوالمنصور خان صوبہ دار اودھ پورے دستار
 بہل برادرانہ داشت بسیاری علمای و فضلاء نامدار از سایہ دامن تربیتش سر بر آورده اند
 کہ نام نامی شان درج ذیل است قاضی احمد علی سندیللی داماد صاحب ترجمہ
 مولوی احمد حسین لکھنوی - ملا بابا اللہ جویندہ ری - مولوی محمد اعظم قاضی زادہ
 سندیلہ - مولوی عبداللہ ابن مولوی زین العابدین محمد دوم زادہ سندیلہ و از مولوی
 محمد اللہ مرقوم الترجمة تصانیف ذیل مشہور و متعدد اول اللہ شرح تصدیقات
 سلم العلوم معروف بحمد اللہ و حاشیہ شمس بازغ و حاشیہ صدر او شرح زبدۃ الاصول
 عاملی و فوات اوبہقام دہلی در سال یازدہ صد و شصت ہجری بوقوع آمدہ جانب غرب
 و جنوب از مزار حضرت قطب الدین اوشی قدس سرہ مدفون گشت غفر اللہ لہ
 قاضی حمید الدین ناگوری در عمدہ شمس الدین التمش بادشاہ ہونام شریفش محمد ابن
 عطاست از مشائخ متقدمین ہند و ستان جامع بود میان علم ظاہر و باطن مرید و خلیفہ
 شیخ شہاب الدین سہروردی اما بر مشرب اود وجد و سماع غالب آمد کہ در ان موقع و متوغل
 بود اورا تصانیف بسیار است بزبان عشق و دولہ سخن مے کند انان جملہ طواریح شہوس
 در اسماء حسنی وے بسال ششصد و پنچ ہجری بجوار رحمت حق پیوست
 شیخ حمید الدین الصوفی السعیدی الناکوری السوالی کیتیش ابوالحمد و لقب وے
 سلطان التارکین است از اعظم خلفائے خواجہ بزرگ معین الدین سنہری اجمیری و اکابر
 علمائے صوفیہ صافیہ رضوان اللہ علیہم اجمعین از اولاد سعید بن زید بمثلہ عشرہ مبشرہ
 رضی اللہ عنہم بود عمرے دراز یافتہ و اول مولودیت کہ بعد فتح دہلی بمجنانہ
 مسلمانان پیدا شدہ از زمان حضرت خواجہ معین الدین تا اوایل وقت

شیخ نظام الدین اولیا باقی بود اور اتصانیف بسیار اند ازان جملہ نسخہ اصول الطریقہ مشہور تر
است و فائش بست و نهم ربیع الثانی سال ششصد و ہفتاد و سہ ہجری وقوع یافتہ مرتقدش
در ناگور است یزید تیرک یہ سوائے موضعی است از مواضع ناگور کہ شہرست بسر

زمین ماژوارٹ

مولانا حمید قلمند دہلوی قاضی شاعری بود مرید شیخ نظام الدین اولیا است و در
صحت بعضی خلفائے شیخ انچہ مقتضی قابلیت و استعداد باشند استفادہ کردہ اول در خدمت
مولانا برہان الدین غریب بود و جملہ ملفوظات او جمع آدرودہ بعد ازان در ملازمت شیخ نصیر الدین
محمود افتادہ و از ملفوظات او نیز جمع نمود آن را اخیر المجالس نام کرد ابتدا سے تالیف آن در سن
ہفت صد و پنجاہ و بیج ہجری بود و انجام آن در سال ہفت صد و پنجاہ و شش
ہجری صورت یافت

شیخ حمید سنبھلی علامہ زمان یکتا دوران بہ تفسیر دانی قرآن مجید معروف و دقیقہ
رسی نوران حمید موصوف بود ہمایون بادشاہ بوس عقیدہ راسخ داشت مے گویند کہ
وے مدین تخی ہندوستان بہ لوہٹ ثانی جہت استقبال ہمایون شاہ
بکابل رفت و از بسکہ بادشاہ را با د اعتقاد بود روزے برآشت و گفت کہ پادشاہم تمام
لشکر شمارا قاضی دیدم پادشاہ پر سید شیخ چرا چین مے گوید گفت و بہر جا نام لشکریان
شمار علی و کفش علی و حیدر علی یا فتم و ایچ کس را ندیدم کہ بنام یاران و یگیلودہ
باشد بادشاہ ہم برآمد و قلم کہ برستش بود بر زمین زدہ گفت نام پدر کلام خود عمر
شیخ است دیگر مے دانم و بر خاستہ بحر سراسر شد و باز آمدہ بکلامت و رفیق شیخ را بر حسن
عقیدہ خویش اطلاع داد نتیجہ این حکایت عصوبت شیخ حمید بر تسنن و خوش عقیدگی و
حسن خلقی ہمایون بادشاہ است رحمہما اللہ تعالیٰ

قاضی حمید الدین دہلوی عمدة العلامۃ الفضلاء مر خود را بدرس صرف کردہ شرح
ہدایۃ الفقہ از تصنیفات مشہورہ اوست بسال ہفت صد و شصت و چہار ہجری
برابر البقا رحلت فرمود

حمید الدین نازنولی عالم متصوف بود تیسارکات شرح دلائل الخیرات از تالیف
ادست کہ در ان اختلافات نسخ متن بیان کرده

ملاحیدر کشمیری ابن خواجه فیروز بھرہفت سالگی قرآن مجید حفظ نموده از علماء وقت
ہجوبہا باقطب الدین وجوہر ناہنہ اولاً استفادہ کردہ از ان بعد از کشمیر بہ ہلی رسید و
بخدمت شیخ المحدثین دہلوی فقہ وحدیث وتفسیر تکمیل نمود و بہ کشمیر واپس آمد حاکم
آنجا ہر چند برائے قضاء آن بلدہ گفتہ وے از ان منصب ابا کرد و فائش در سال ہزار
و پنجاہ و ہفت ہجری بظہور پیوستہ

قاضی حیدر کشمیری المحاطب بقاضی خان از علماء کبار وقہمائے ناما کشمیر شاگرد
ملا عبد الرشید زرگر بود و چون عسرت معاش از وطن مالوف بہ لشکر محمدی الدین محمد اورنگ دیب
عالمگیر بادشاہ پیوست و بتوسط سیادت خان صدر الصدور بخدمت بادشاہ
رسیدہ اولاً بتعلیم شاہزادگان مامور شد باز بقضاء دہلی سر بلندی یافتہ
بدیانت و عدالت وے بادشاہ بغایت رضامند شدہ وے را بخطاب
قاضی خان ممتاز فرمودہ در سال یازدہ صد و بست و یک ہجری بعارضہ اسماعیل ملک
و کن وفات یافتہ نقش وے بہ کشمیر آورده بیرون شہر در باغ ہجے پورہ زیر زمین سپردند
مولوی حیدر علی سندیلی ابن مولوی حمد اللہ سندیلی تلمیذ والدہ ماجد خود و قاضی احمد علی
سندیلی بود و تکمیل از ملا باب اللہ جوہنورے شاگرد پدر خود کردہ عالم متبحر و طیب حاذق
و شاعر بود از تلامذہ مشاہیرش قاضی رضا علی خان گویا مومے و مولوے
دلدار علی لکھنوی مجتہد شیعہ و مولوے سید محمد پیر مولوے دلدار علی مرقوم و مولوی
نور اللہ فرنگی محلی و حافظ عیلام میر سندیلی و مولوے احمد بخش سندیلی و مولوے
بخش علی و قاضی جلال الدین آسیونی و مولوے محمد علی بدایونی و حاجی امین الدین کاکوردی
و مولوے اعظم الدین سندیلی و مولوے حسین احمد طبع آبادی و مرزا حسن علی
محدث کبیر ساکن لکھنؤ محلہ محمود نگر و مولوے رجب علی چریا کوٹی اند حاشیہ میرزا ہر سالہ و
تعلیقات میرزا ہد ملا جلال و تعلیقات شرح سلم مولوے حمد اللہ و تکملہ ناقام شرح سلم

مولوی محمد اللہ از تصانیف مشہورہ او ہستند بتاریخ ششم رجب سال دوازدہ صد
بست و پنج ہجری وفات یافتہ درصحن مدسہ پدر خود بہ سندیلہ مدفون شد علیہ
الرحمۃ والنفوس

مولوی حیدر علی رامپوری اولاً از مولوی عبدالرحمن قستانی و کھنی و ثانیاً از مولوی
محمد جیلانی رامپوری اکتساب علوم کردہ تکمیل تحصیل نمود و بدختر مولوی محمد جیلانی مذکور کتخدا
گشت در علم طب ید طولی داشت با و اخر عمد نواب احمد علی خان بہ ٹونک رفتہ در انجا
عزے و شانے یافتے گویند ستہ علم حدیث از مولانا عبدالغفریہ دہلوی یافتہ در ٹونک
درس و طبابت مے کرد ہما نجا وفات یافت تماریح و فائش معلوم نیست از مولفات وی
صیانۃ الناس عن وسوسۃ الخناس بزبان اردو و رسالہ رفع الیدین بفار سے
مشہور اند

مولوی حافظ حیدر علی فیض آبادی در علم مناظرہ و کلام فایق الاقران بود خصوصاً
در فن مناظرہ ہاشیہ نے زماننا نظیرے نہاشت مطالعہ کتب خصم زیادہ تر بد نظرش
بود عمر شریفش از ہفتاد و پنج متجاوز شدہ قریب پنج سال مے گذرد کہ در حیدر آباد دکن
ہمازمت فرمان رواے آن ویاد و صدر رویہ شاہرہ مے یافت ہما نجا رحلت فرمودہ
مدفون گشت اکنون پسرانش در انجا ملازم و موجود اند علاوہ کتب مذکورہ ذیل دیگر مصنفاتش
تمام و نا تمام در مناظرہ شیعہ ہستند تصانیفہ المشہورہ منتہی الکلام - رسالہ در نکاح
ام کلثوم - نصارة العینین عن شہادۃ الحنین - کاشف البشام عن تدلیس المجتہد - مقام
ازالۃ العین عن بصارة العین در سہ جلد - الدایمۃ الحاطمہ علی عین اخرج من اہل
بیت الفاطمہ - رویۃ الثعالیب والفرابیہ فی انشاء المکاتیب - رسالہ
در بیعت مرتضوی

حرف الخار لمعجم

خانخانان دہلوی نانش عبدالرحیم پسر محمد بیرم خان خانخانان است بچار و ہم صفر
سال تہجد و شصت و پچار ہجری در لاہور متولد شدہ در قابلیت و استعداد

ممتاز و یکتاے روزگار بود و زبان فارسی و ہندی و سنسکرت اشعار نیکوئے گفت و اقعات
بابری از تصانیف دے است بعر ہفتاد و دو سالگی در سال ہزار و سی و دو و بحسب
برداشت یافتہ در دہلی مدفون گشت

مولوی خادم احمد فرنگی محلی بن مولوی محمد حیدر بن مولوی محمد حسین کہ محفل و عظمیٰ و مسجد
فرنگی محل بر طریق آبائے خود دے آراستہ و از و عظمیٰ وے رذقی فرنگی محل بود و بیعت از
پدر خود مولوی محمد حیدر مرحوم داشت دے گویند ہنگامیکہ مولوی امیر الدین علی امیٹھوی
بجمیعت اسلامی جہت مقابلہ بیراگیان ہنومان گڑھی بسال ہفتاد و یکم بعد صدے
دوازدهم کمرہمت ہستہ بود و دے ہم بشمول دیگر علماء زخواہ حسب اشارہ نواب
نقی علی خان بقوالیش مولوی امیر الدین علی سابق الوصف سب کشادہ ہمدان زمان
بتاریخ دہم ذی الحجہ سال مذکور مولوی خادم احمد بجارضہ فرد آمدن رودہ مبتلا شدہ واقع
دوازدهم وقت خلط طائر روح پر فحوش بعالم بالا پرواز نمود و نشی الطاف حسین نشی
خزانہ سلطانی تاریخ رحلتش فی البدیہہ چین بسکک نظم کشیدہ دے درین مقام سرای
قانی نہ کعبہ دے کنشت باشد نہ طفل باشد نہ پیر باشد نہ خوب باشد نہ زشت باشد نہ
نہ تخت باشد نہ تلج باشد نہ ملکیت نے خراج باشد نہ غلامان بیج قصر و ایوان نہ در نہ دیوار
خشت باشد نہ پست باشد نہ اوج باشد نہ بحر باشد نہ موج باشد نہ بماند البتہ
نام الگس ہر آنگہ نیکو سرشت باشد نہ بعین حسرت شدہ نہ چہ خادم احمد ازین زمانہ نہ
رقم رد الطاف بہر سالش آئی اودر بہشت باشد نہ فاعل و یا اولی الابصار بجمیعت
کہ در ہمان قرب زمان بگھٹو و مر زبان آن از دست انگشیاں چہا بر روے کار ظہور
یافتہ تصانیف دور سالہ عربی و فارسی در بیان دائرہ ہندیہ - تعلیقات متفرقہ
بر شرح وقایہ - رسالہ حاصل و محصل متعلقہ فوائد ضیائیہ

مولوی خرم علی بھوری از شاہیر فقہائے بھوشاگر و خاندان مولانا شاہ عبدالغفر
دہلوی بود و ہمارہ در قلع بدعت و احیائے سنت دے کوشید چنانچہ رسائل مؤلفہ
دوسے بران ولالت دے کنندہ دے رمتہ اللہ علیہ در سال دوازده صد و پنجاہ و

ہشت ہجری حسب الامر نواب ذوالفقار بہادر رئیس ہاندا ترجمہ در مختار شرح تنویر الابصار
از کتاب النکاح بزبان اردو آغاز کردہ بمادہ ربیع سن دوازده صد و ہفتاد و ہجری تا آخر
کتاب با تمام رسانید پس ازان بہادہ شرم بسال دوازده صد و ہفتاد و یک ہجری
ترجمہ کتاب الحج مکمل نموده از شروع کتاب تا باب الاذان ترجمہ نوشتہ بودند کہ ہمہ این
سال داعی اجل را لبیک اجابت گفتہ رہلرے عالم بقا شدہ بعد وفات شان
مولوی محمد حسن نانوتوی حق تالیف ترجمہ مذکور از ورثہ مولوی غلام علی مرحوم خرید فرمودہ
آنرا مکمل کردہ نامش غایۃ الاوطار نہادند کہ عدد دوی دوازده صد و شصت و چہارے
برآید کہ آن زمانہ در میان مشعلہ و شعلہ ہجری است رسالہ مع قرأت فائزہ خلعت الامام و ترجمہ
مشارق الافکار و ادب الحرمین و نصیحة المسلمین از ویادگار ماند

امیر خسرو دہلوی خسرو شاہان نامدار و مراد متصوفان معرفت شعراء جامع علوم ظاہر
و باطن بود و سے سلطان الشعراء بربان الفضل است نام شریفش ابوالحسن بن امیر
سیف الدین محمود از امیر زادہ ہاس ہزارہ بلج بود و منصبہ مومن آباد عرفت بیتالی تولد یافتہ
اشعار آبدارش از چہار صد ہزار نہاند و مشہور است کہ دو نہ کتاب در سنگ نظم کشیدہ
انان جملہ تعلق نامہ و کتاب مستمران السعیدین در بیان داستان ملاقات نامہ امیر
بغراخان حاکم بنگالہ بالپرش مزار الدین کیٹا و بادشاہ دہلی است و سے نسبت فنا
فے الشیخ بامرشد خود مولانا شیخ نظام الدین ادنیٰ قدس سرہ داشت بعد شہادہ از فوت
پیر خود شب جمعہ بیزدہم شوال سال ہفتصد و بیست و پنج ہجری بوجار رحمت حق پیوست
پائین مرشد خود در دہلی مدفون گشت رحمۃ اللہ علیہ

مولانا خواجہ مانگیپوری پیر مولانا حسام الدین مانگیپوری دانشمند بختیاری بود و فقر
بسیارے کشید و قے نہ فاقہ شدہ بود کہ شخصے پیش وے براسے استغنا آمد و پارکار نیز
آورد و سے زرد کور بجا حبش باز گردانید مردم خانہ عتاب کردند نماز شام رسید ملک
مبین الدین در مانگیپور فرود آمدہ و دو غامے سے خواند اور لفظے مشکل شد پر سید در خوا
نامے هست گفتہ کہ در دم مولانا خواجہ دانشمند است و دست خط پیدہ آن لفظا حاصل کردہ

ملک عین الدین بہان قدر زر کہ مستفقے آورده بود ہا زیادت جامہ و طعام پیش آورد و بعد ازانان
بابل خانہ گفت چون ہمت کردیم و مال مشکوک باز گردانیدیم خداے تعالیٰ مالا زوجہ
حلال عطا کرد و رحمتہ اللہ علیہ

خواجہ محمد قنوجی بن عبدالرحمن قنوجی عالم عارف و سالک بود از سادات رسول و
اخلاق حمیدہ و فضائل شیعہ داشت بحرین شریفین رفتہ و از مشائخ آن دیار مستفید
شدہ بقنوج مراجعت فرمود از تصانیف او کتابیست در علم تصوف و سلوک موسوم
بہدایۃ السالکین الی مراد رب العالمین و قنوج وفات یافتہ تاریخ فوتش معلوم نہ شد
خواجہ محمد دہلوی ابن مولانا بہار الدین اسحاق از اولاد و نثری شیخ فرید الدین گنج شکر
ہست قدس سرہ جامع علوم و حدادی فنون بود در علم حکمت و موسیقی نیز کمالی داشت و
بکمال ذوق و شوق و عبادت موصوف بود و شیخ نظام الدین اولیاء را در نماز امامت
سے کرد از ملفوظات شیخ نظام الدین کتابے سنی ہانوار الجہاں جمع کردہ رحمۃ اللہ علیہ
مولانا خورشیدی کا لپوئی مرید و خلیفہ شیخ نصیر الدین محمود و شاگرد مولانا معین الدین
عمرانی و استاد قاضی شہاب الدین دولت آبادی بود پیش از آمدن امیر تیمور گورکان از دہلی
بر آمدہ بکاپے شہر شہر شد و در ہماجاں بسر برد قبرش بیرون شہر کاپے است -
خواجہ بہاری لاہوری فقیہ محدث مفسر واقف اسرار حقانی بود اولاً از مسکن محمود
حاجی پور بکصب گودہ پور بہ نیت تحصیل آمدہ بخدمت شیخ جمال الدلیاے خواندہ سپس
بلاہور آمدہ بخدمت ملا محمد فاضل لاہوری دستار فضیلت بست و بخانہ وسے سکونت
اختیار کردہ بالاخر مرید و خلیفہ حضرت میان میر گشت در سال ہزار و شصت و چہری
وفات یافتہ بلاہور مدفون گردید

شاہ خوب اللہ کہ آبادی نامش محمد یحییٰ برادر زادہ و داماد و خلیفہ شیخ محمد افضل
اکہ آبادی بحر امواج علم شریعت و طریقت بود بعبسریزہ ساگی از تحصیل علوم متعارفہ
نہ راغ حاصل فرودہ موافق تربیت و تعلیم پیر خود مدارج سلوک را طے کردہ ہم پہلو و
خود برآمد و بعد مرشد خود تمام عمر امور خلافتش انجام داد کتب و رسائل بسیار

تصنیف کردہ انجملۃ القول الصحیح فی صلوٰۃ التسبیح و الکلام المفید فیما تعلق بالشیخ والمرید والکلمات
الموتلفہ فی المقاصد المختلفہ وبضائع مزجاء دماخذ الاعتقاد فی شان الصحابہ و اہل بیت
الامجاد و سترتیین الاوراق فی محرق الطباق و خلاصۃ الاعمال و ذقیات الاسلام
بہ منطقیات الانس ملا جامی و چہار مجلد مکتوب در انظار حقیقت تصوف مشہور و معروف
امر شہب دو شنبہ یا زود ہم جمادی الاول سال یک ہزار و یک صد و چہل و چہار ہجری بمجار
رحمت حق آسودہ بجنب پیر و مرشد خود و کاکہ آباد مدفون گشت کان الشیخ قطب تارسخ
رحلت اوست

حرف دال مہملہ

و اما گنج بخش لاہوری نام شریف علی محمد غزنوی است تجربہ نسب ادب امام حسن
بن علی رضی اللہ عنہما نشیء شہود از اولیائے متقدمین جامع علوم ظاہر و باطن عابد زاهد متقی
منظر خالق و کرامات حنفی المذہب بو علم او مرشد خود شیخ ابو الفضل بن حسن ختلی
بادگیر مشایخ کبار مجتہد شیخ ابو القاسم گورگانی و ابو سعید دہلوی و ابو القاسم قشیری محدث صحبت
یافتہ فوائد کثیرہ حاصل کردہ و در امر منہج با شاہ مرشد خود از غنہ غنی بلا ہور آمدہ
ہنگامہ فضیلت و شیخت گرم نمود و زہد بر سر و تعلیم و شب بے یلقین بسر منہج نمود
بے علما و صلحا از اہل تربیت او برخاستند تصانیف بسیار از وی نگارند از ان جمیع
کشف المحجوب شہرت دارد و سال چہار صد و شصت و پنج ہجری رحلت منہج نمودہ و در
خاتقاہ خود بلا ہور زہدترین آسودہ

ملا وریزہ پشاورمی جامع علوم ظاہری و باطنی مرید و خلیفہ سید علی خواص بود در دفع
زنا دہ و ملاحدہ و رفضہ بغایت سے کو خید و با کثما مباحثہ کردہ بلام ساختہ خصوصاً
با عیسے ملوکی و ہانیزید محمد کہ خود را پیر و دشمن نام نہادہ بود بخشا کردہ کتب
عزیز الاسلام بزبان پشتو تالیف نمودہ تا تمام ماند پسر شش ملا عبد الکرم و را با تمام رسانید
ہر قدر از تصنیف ملا وریزہ است در ان علاوہ مصارف و محتاقی کہ ذکرہ احکام شہر
شریف بسیار است و انچہ از تکمیل پسر شش عبد الکرم است در ان اکثر حقائق و معارف

مذکور شدہ و محزن الاسلام را نزد شریعی است اسمی بشرح کلمات باقیات مولانا دروینہ در سال یکہزار و چہل و ہشت ہجری وفات یافتہ

حافظ و راز پشاور نامش محمد حسن واعظ ابن حافظ محمد صادق واعظ بن حافظ محمد اشرف خوشالی پشاورمی در فقہ و حدیث و اصول یگانہ روزگار از دو مان علم و فضل بود اکثر علوم از والدہ ماجدہ خود کہ عالمہ و فاضلہ بود تحصیل نمودہ بر مسند افادت و افاضت متکمل شد و تمام عمر گرامی بدرس طلبہ و تالیف کتب صرف کردہ منہج الباری شرح فارسی صحیح بخاری و تفسیر سورہ یوسف و تفسیر الفتح و معراج نامہ و وفات نامہ و حاشیہ شرح قاسمہ مبارک بر سلم و حاشیہ تہمتہ اخونہ یوسف و غیرہ رسائل و کتب از تصانیف اوست بمہر شخصت و یک سالگی بمردود و ازودہ صد و شصت و ستم ہجری رحلت فرمود **بابا داؤد مشکوٰتی کشمیری** از علماء نامدار کشمیر در فقہ و حدیث و تفسیر و حکمت و معانی پیدہ داشت و حافظ مشکوٰۃ المصابیح بود بدین وجہ اورا مشکوٰۃ مے گفتند علوم متداولہ بخدمت خواجہ حیدر چرخئی اکتساب کردہ و علم باطن پیش بابا نصیب الدین و خواجہ محمود نقشبندی حاصل نمود کتاب اسرار الاخبار و حالات سادات و درویشان کشمیر اسرار الاشجار و منطق الطیر منظوم از تصانیف اوست و بسال ہزار و دود و ہفت ہجری وفات یافت در کشمیر متصل عید گاہ مدفون گشت

مولوی سید دلدار علی لکھنوی مجتہد الشیعہ ابن مولوی معین الدین بن عبدالہامی رضوی در سال یکہزار و یک صد و شصت و شش بقصبہ جالیس یا نصیر آباد متولد شدہ و او اول کسی است کہ در اہل تشیع بہ ہندوستان دعوی اجتماع کردہ و جمعہ جماعت بدان مذہب منظور آورده در مبادی احوال علوم عقلیہ و از فضائل ہندوستان مثل سید غلام حسین و کنی اکہ آبادی و مولوی حیدر علی ولد ملا احمد اللہ سندیلہ و مولوی باب اللہ شاگرد ملا احمد اللہ سندیلہ استفادہ نمودہ و بعد فراغ از تعلیمات در کربلائے معلی از آقا ہاشم بہبہانی و سید علی طباطبائی اکتساب علوم فقہ و حدیث و اصول کرد و در مشہد مقدس از سید مہدی بن سید ہدایت اللہ استفادہ و اجازت یافتہ بوطن مالوت رجوع نمود

و یافادہ و تعلیم مطالب مذہبی بے کوشید کتب ذیل از تصانیف وینہ اساس الاصول -
 مواظپ حسنہ - شرح باب الصوم حدیقه المتقین مصنفہ اخوند مجلسی - و شرح باب الزکوۃ
 از کتاب مذکور - و عماد الاسلام در پنج مجلد کلام و شہاب ثاقب و صوارم الالیات و
 حسام الاسلام و احیاء السنہ و رسالہ ذوالفقار و رسالہ غیبت و رسالہ جمعہ و حاشیہ پر شرح
 ہدایہ حکمت ملا صدر اوشتی الافکار و مسکن القلوب و رسالہ ذبیحہ و رسالہ آثارہ الاحسنان
 در عہد سلطنت غازی الدین حیدر بادشاہ او و در بمقام لکھنؤ بشب لوز دہم رجب سن
 یک ہزار و دوصد و سی و پنج ہجری وفات یافتہ در مرقہ حسنیہ واقع لکھنؤ مدفون شد تجاویز الشہ
 عن سیاتہ وے در سال دوازده صد و بست و ہفت ہجری مسجدی تعمیر فرمودہ شاعری
 تاریخ آن گفتہ و ہو ہذا **۵** دبیر ہر او در علی بن کامل اند با جہاد و اتفاق ساخت چون مسجد
 شدہ تاریخ آن پس مسجد قصاص ثلثی شد بنا بہ بالآخر صاحب الترمیمہ در عہد سلطنت
 غازی الدین حیدر بادشاہ او و در بمقام لکھنؤ بشب لوز دہم رجب سن یک ہزار و دوصد و
 سی و پنج ہجری وفات یافتہ در مقبرہ حسنیہ مدفون شد

مولوی دین محمد سندیلی ابن وجہ الدین ابن شیخ عبدالسمیع قاضی زادہ سندیلہ
 دانشمندی محدث و مدرس بود توکل و تقوی شعار خود داشت در اوائل صدی سیزدہم
 جہان فناء را پدید نمود

حرف ذال معجمہ

مولوی ذاکر علی سندیلی ابن مولوی اکبر علی ابن مولوی حمد اللہ سندیلی شارح علم علوم
 جوانے فارغ تحصیل بود از والد ماجد خود و نیز مولوی حیدر علی سندیلی تربیت و تعلیم یافتہ
 بعالم جوانے ازین جہان فانی ہنگام غسل غدیر آبے کہ آن را ہندی تالاب گویند
 رو بروی والد خود غریق بحر شہادت گردید **۵** ابن ماتم سخت است کہ گویند جوان مرثیہ
 مطر اللہ علیہ شایب الرحمتہ والنفسان

حکیم ذکا خان ساکن اگرہ طبیبہ حاذق و در سلک ملازمان مادمجوی سیندھیا والی
 گوالیار نظام داشت در سن دوازده صد و نہ ہجری وفات یافتہ قبرش اندرا حاطہ

درگاہ شاہ علاء الدین واقع اکبر آباد موجود است و آن را از سنگ مرمر ساختہ المہربان تاریخ فوت و مے منقوش است و ہو ہذا ۵ ذکا خان عالم قانون حکمت بذکہ دادے عقل کل ہر دست ادبوس بذشب آدینہ دبستم ز شوال بذہزم کوچ ز دزین کو چکہ کوسس بذ غردگفت از مر افسوس تاریخ بذ شد از دنیا سبوح وقت افسوس

حرف الرا و المملۃ

ساج ابن داؤد احمد آبادی انہم صفراء شہ حضرت صدیق ہفتاد و یک در احمد آباد ولادت یافتہ صرف و نحو و منطق و عروض و غیرہ از محمد بن محمود مقری حنفی درس گرفتہ و علم معانی و بیان از محمود بن بریان الدین و علم ہیئت و کلام بخدمت محمد بن تاج الحنفی اکتساب نمودہ و در علم فنون تجریدہ کرد و طبع ماکل بشعر داشت و اجازت الفیہ حدیث از سخاوی گرفتہ در سال ہنصد و چہار ہجری رحلت فرمود

رحمت اللہ سندی اذاکا بر علمای عالمین بود از سندہ بدریہ طیبہ اقامت گزیدہ در سال ہنصد و نو ہجری بمکہ معظمہ رحلت فرمود

حافظ رحمت اللہ آلہ آبادی اصلش از پنجاب است در صبی ہر دو چشمانش بعارضہ چپک بے بصر شدہ و چون بسن تمیز رسید قرآن مجید باندک زمانے یاد کرد و کتب صرف و نحو از علمائے عصر زبانی خواندہ و مجتہدین کتب اکثر علوم را سائزہ وقت خواند بغایت ذکی الطبع و جید الحافظ بودے گویند کہ از سنہین سہ کرت عبارت کتب در رق و ورق بیامے گرفت تا موس اللہ در شش ماہ یاد کردہ کتب صحاح سہ بزرگان داشت و آلہ آباد متاہل شدہ رخت اقامت انداختہ چہار دہم رمضان المبارک روز سہ شنبہ سال درازہ صد و نو ہجری ازین جہان رحلت فرمود رحمۃ اللہ علیہ

مولوی رحمت اللہ فرنگی محلی پسر دوم مولوی نور اللہ بن ملا محمد علی بن قاضی غلام مصطفیٰ بن ملا محمد اسعد بن ملا قطب الدین سہالوی شاگرد عم خود ملا خلیفہ اللہ از تحصیل علوم دسیہ فراغت یافتہ بمقام غازی پور زمانہ طبع اقامت انگند و در سہ موسومہ چشمہ رحمت ترتیب دادہ تعلیم علوم متداولہ متعارفہ از معقولات و منقولات

بطلمیہ پیدا خلقی انفیض وے کامیاب می شدند بتاریخ شانزدہم جمادی الاول سن سیزده
صد و پنج ہجری بغازی پور رحلت فرمودہ مدفون گشت
شیخ رزق اللہ دہلوی عم کلان شیخ عبدالحق محدث دہلوی تخلص بمشتاقی مروے
فاضل و کامل و عارف از نوادر و دوکار از مردم سلف یادگار جامع فضائل صورت و
معنوی بود و طبع موزون در ہندی و فارسی داشت و سالہاے ہندی او ہم آیین و
حوت نرغین پیش ارباب شوق و ذوق مقبول و مشہور اند تخلص او در ہندی راجن و در فارسی
مشتاقی در سال ہشتصد و نود و ہفت ہجری رحلت فرمود در مشتاق حقم تاریخ وفات
او شیخ المحدثین دہلوی یا قسہ رحمہما اللہ

مولوی رستم علی قنوجی ابن مولوی علی اصغر قنوجی در سال یازده صد و پانزدہ ہجری
متولد شدہ از مختصرات تا مطولات کتب درسیہ خدمت داد و خود تحصیل کردہ بعد وفات
پدر ساقی فراغ در سال یازده صد و چہل ہجری خدمت ملا نظام الدین لکھنوی خواند و بسند
افادہ ما فاضلہ جانشین پدر گردید تفسیر صغیر کہ در ایجاز عبارت بجلالین ہم دوش است و
شرح منار و غایۃ اختصار از تصانیف شہیرہ اوست در سال یادہ صد و
ہفتاد و ہشت ہجری رحلت فرمودہ

مولانا رشید الدین خان دہلوی اذ ارشد تلامذہ مولانا رفیع الدین دہلوی ذہین
و قادر و طبع نقاد و در علم کلام کمالی وافر داشت شوکت عمری بچو اب بارقہ ضیفیہ مقدمہ
متعد و غیرہ رسائل در مذہب اہل تشیع از تصنیفاتش یادگارند در سال دوازده صد و
چہل و نہ ہجری طاری روحش باد ج علیین یروا ز کرد بر و اللہ مضجعہ

مولوی رضا حسن خان کاکوروی ابن امیر حسن خان از مخدوم زادگان
کاکور است سیزدہم ذیقعدہ یوم پنجشنبہ سال دواودہ صد و چہل و شش ہجری ولادت
یافتہ حاجی محمد سعید بغدادی چند کلمہ تاریخ ولادتش بزبان عربی نظم نمودہ ازان جملہ
این است ۵ شرف العصر یو بود و فاق بے و مادہ ثانی معدن الخیر قد نال الوجود واد ذہانت
و فطانت دہی داشت بمرہیزدہ سالگی از تحصیل علوم متعارفہ فراغ یافتہ

خصوصاً دانشای عربی و فارسی نظام و نثر گوئی سبقت از اقران ربوده مشارالیه اہل کمال
گشت مصنفاتش در بنگال مشہور و معروف اند بجلد آن قصیدہ نمودج الکمال ہموزن و
قافیہ قصیدہ برہ در سال دوازده صد و شصت و چہار ہجری تصنیف فرمودہ چنانچہ
بخاتمہ آن مے فراید **ممدوح** تقدیرخت مومنانہ اللہ ازل الایجاز و العظم
و شرح آن بدوازده صد و شصت و پنج ہجری نوشتہ در آن وقت نوزده سالہ بود دیگر
مطالع الاذکیاء در حل غویصات علوم مختلفہ است و این ہر دو کتاب بظہر مؤلف رسیدند
الحق کہ ازان لیاقت علمی مصنف ظاہر مے شود آخر باقتضای کل نفس فائقۃ الموت و عین
شہاب بک بنگالہ سفر آخرت گزید رحمۃ اللہ علیہ

مولوی رضا علی خان بریلوی ابن محمد کاظم علی خان بن محمد اعظم شاہ ابن محمد سعادت
یار خان بہادر ادا جلد علماء بریلی ملک دہلیکنند و از عالمکہ افغنہ بریج است بزرگان
شان پیش سلاطین دہلی بر عمدہ اسے جلیلہ بمنصب شش ہزارے سر نواز و ممتاز
بودند وے بسال بست و چہارم صدی سیر دہم ہجرت متولد شدہ بخدمت مولوی
خلیل الرحمن مرحوم بمقام ٹونک تحصیل علم و رسی کردہ بعد بست و سہ سالگی از کتاب
علوم متداولہ فراغ یافت مشارالیه امثال و اقران گشت خصوصاً در علم فقہ مہارت
کامل داشت تذکرہ تاثیر وے مشہور و معروف است بالجملہ نیست کلام و سبقت سلام
وزہد و قناعت و حلم و تواضع و تجربہ از خصائص وے توان شمرد دوم جمادی الاول سال
ہشتاد و دوم صدی سیر دہم ازین سر اسے بے بود رحلت فرمود رضی اللہ عنہ **بڑ میچ**
بہ اسے موحدہ تازی و اسے ثقیلہ ہندیہ ہر دو مفتوح و اسے تختائی ساکن و تیم فار سے
موقوف گردے از افغنہ اند کہ ایشان را دہیلہ نیز گویند

شاہ رضا لاہوری قادری شطاری از اکابر علماء و کملاے مشائخ لاہور صاحب
فتوی و ارشاد بود فتوحات ظاہر و باطن ہر انچہ بدیہیوستہ در پنجاب بکسی میسر نگشت
بتاریخ دہلزدہم جمادی الاول سال ہینزدہم از صد سے دوازدهم رحلت فرمودہ
مرقدش بلاہورست

شیخ رضا فیضی کشمیری ابن محمد بن مصطفیٰ رفیقہ کسیت دے ابو حمزہ است بسال
دوازدہ صد و پنج ہجری متولد شدہ از پدر بزرگوار و اعظام وجد مادر دے خود شیخ نعمت اللہ
بن اشرف ثوبی و علوم تحصیل کردہ فقیہ و محدث و مفسر کشت و بدرس علوم مذکور اشتغال
داشت و برہر کہ وہ سبقت سلام مے کرد و در بس حلیم و حیم و متواضع بود و ماہ شعبان سنین
دوازدہ صد و ہفتاد و شش ہجری رحلت فرمود

میر رضی الدین از علمائے کشمیر فاضل کامل و شجر بود بزبان تسلط مزاجید رہ محلہ قلعہ پورہ
درس مقرر شدہ با کثر علوم تالیفات حمیدہ وارد و دختر دے بمجالہ کمارح ملا فیروز و رآمد
مولوے فقیر محمد لاہوری در حدائق حنفیہ مطبوعہ مطبع نو کشور لصفہ ۷۷۳ اولاً و فائش
درس نصد و پنجاد و شش ہجری نوشتہ باز بہمان صفحہ در ذیل ترجمہ میر موصوف
وفات او در سن نصد و شصت ہجری عمر مے فرمایند نہا نم کہ صحیح کلام است و وجہ
نگار ترجمہ حبیبیت بخزانیکہ بر مساحت قلم ناسخ محمول شود

مولوی رضی الدین ولد حبیب الدین قاضی کانپور کہ بزور رضا و تسلیم آراستہ بود
بحکم قضاء و رسال دوازدہ صد و شصت و دو ہجری در بلدہ کانپور از دولت سر اے فنا
برار القضاے بقا شتافت مولانا محمد سلامت اللہ کشفی ادام اللہ برکاتہ تاریخ وفاتش
چنین یافتہ ۱۵ نہال بارغ شرف مولوی رضی الدین با تضا نفقہ پنجا کیش چو آفتاب برقع
نہیر عقل چو سال وفات او جسم در غصہ کفیت بمن ہاے ہاے ہاے در لعل چہ -

میر سید رفیع الدین محدث ساکن گاہ آہاے کراش بہم علما و صلحا بودہ اند و او نیز
والشہد و محدث بود و نہایت جو و سخاوت و خلق و لطف داشت در عقولات شاگرد
مولانا جمال الدین دقانی و در حدیث شاگرد شیخ شمس الدین محمد بن عبدالرحمن السخاوی الحافظ
المصری است و ہلش از شیراز بود و لہ او ہم در انجا است در زمان سلطان سکندر لودی بدلی
تشریف آرد و سلطان سکندر لادرجی او و مقتادی عظیم پیدا شد و ی ہاؤن سلطان سکندر و لادگرہ
اقامت فرمود وفات او در سال نصد و پنجاد و چہار ہجری شدہ قبرش در انجا است
کہ خانہ او بود رحمۃ اللہ علیہ

مولانا رفیع الدین دہلوی ابن شاہ ولی اللہ دہلوی از اجلہ علماء وقت بود
مقدمۃ العلم در سالہ ہودھن و کتاب التکلیل در سالہ دفع الباطل و اسرار المجتہ و ترجمہ
قرآن مجید بزبان اردو تحت اللفظ از تصانیف وے ہستند گاہی شعور گفتی چنانچہ
غزل مولانا عبد الرحیم دہلوی را کہ در بیان ماہیتہ نفس بجا اب غزل عربی شیخ الرئیس بود
نمیس نموده بسال دوازدہ صد و چہل و نہ ہجری رحلت فرمود دفع اللہ درجاتہ فی الجنات
مولوی رفیع الدین مراد آبادی ابن فرید الدین علم حدیث بخدمت مولوی
خیر الدین سورتی شاگرد شیخ محمد حیات سندی و نیز بخدمت شاہ ولی اللہ محدث دہلوی
حاصل نموده و با مولانا شاہ عبدالغفر دہلوی مجتہدہای تحقیق و تدقیق داشت مرید و شیخ
محمد غوث لاہوری بود و بحرین شریفین رفتہ بچ و زیارت شرف شدہ و کتبہ در حالات
حرین شریفین تالیف کرد کتاب قصہ الامال بذکر الحال و المال و سلو الکلیب
بذکر الجیب و ترجمہ عین العلم و شرح اربعین نوے و کثر الحساب و تذکرۃ المشائخ
و کتاب الاذکار و تذکرۃ الملوک و شرح غنیۃ الطالبین و تاریخ افغانہ مشہور ترین از
مصنفات وند پانزدہم ذی الحجہ سال دوازدہ صد و ہیزدہ ہجری در مراد آباد ہمد
استقادات یافت -

مولوی روح اللہ لاہوری در سال یازدہ صد و ہفتاد و یک ہجری متولد شدہ
با کتساب علوم پرداخت و در صرف و نحو منطق و معانی و حدیث و تفسیر و انے نظیر خود
نداشت شاگرد رشید مولوی محمد سلیم لاہوری بود حکام ہمدینے ریخت سنگ و غرہ
اوب وے بغایت مے گردن دران زمان کہ سورس سکھان در لاہور ہندجہ غایت
رسیدہ بود اوسے کہ در لاہور آثار شرح جاری داشت فتوای او نزد علماء
عصر مقبول مے شد و ہیکہ مظہ رفتہ بسے روز ماہ رمضان خریف قرآن مجید
حفظ کرد صاحب تصانیف بود و بوقت مراجعت در ممورہ بین بسال دوازدہ صد و چہل
ہا و ہجری وفات یافت

شاہ رؤف احمد مصطفیٰ آبادی نقشبندی ہمدی مصطفیٰ آبادی براہ حالہ زاد

شاہ ابوسعید دہلوی فقیہ و محدث و مفسر و کسب علوم ظاہر از مولانا شاہ عبدالعزیز کرم
 خرقہ خلافت خاندان نقشبندیہ از شاہ غلام علی یافتہ در بھوپال مقیم شدہ تفسیر رؤیے
 بزبان اردو تالیف نمود کہ آغاز آن در دوازده صد و سی و نہ و اختتام آن در دوازده صد و
 چهل و ہشت ہجری بعلوم پیوستہ و نیز دارالمعارف در بیان ملفوظات مرشد
 خود و دیوان رافت در اشعار ہندی و فارسی از تصنیفات دوست و در اشعار رافت
 مخلص سے کرد از بھوپال بعزم زیارت بیت اللہ روانہ شدہ بسوار سے ہماز
 در سال دوازده صد و سہ ہجری انتقال فرمود

حرف زائے معجم

مولانا شاہ زاہد بخاری احمد آبادی محدث و فقیہ حنفی المذہب مرید شاہ عالم
 گجراتی درس علوم سے داد تا بیخ ششم شعبان سال مشیت صد و نو و دسہ ہجری وفات
 یافت وہ احمد آباد گجرات مدفون گشت

ملک زین الدین وزیر الدین ایشان دوہر اور گو در علمائے کرام
 معد و نیستند لکن از انھیائے روزگار و صلحائے است و محب العلم و العباد بودہ بسند
 ذکر شان دین مختصر بمقتضائے المزمع من احب یتمن او تبرکاکر وہ سے آید۔
 ملک زین الدین از دککائے خان جہان کہ از بی اعام سلطان سکندر لودی است
 توفیق بر خیرات و مبرات رفیق خالص بود و بسلامت صلاح و تقویٰ و عہد متکامری اکثر شایخ
 و علمائے وقت را باو مکتبی در جوئے بود و ہمارہ تلاوت قرآن مجید بحالت قیام
 سے کرد و حلی ساختہ کہ تا سینہ و سے بلند بود بران قرآن مجید سے نہاد و استادہ
 تلاوت سے کرد و تمام متعلقان او از خدمتگاران و غیرہ از نصف اخیر شب بلا سے تہجد
 بر سے خاستند و تا وقت چاشت در منزل او جہز با شدت دست در زبان بوجہ
 شغل او را د و غیرہ کاری غمی شد گویند کہ وہی ما شب جہز روح مطہرہ سول اللہ صلعم
 مقدار چند من بر بخ قبول سے پختہ بر ہر ہر بنی کرت قل ہو اللہ احد خواندہ می و میرند
 بعد ایام مولد آنحضرت صلعم ہر روز یک ہزار تنگہ زیادہ سے کرو تا روز دوازده ہجری

دوازدہ ہزار تنگہ خرچے شد تمکک بالحق و کاف عربی یعنی قرص لالچ خواہ اندر باشد
خواہ نقرہ یا مس داین مقرر شد نیکہ است

ملک زبر الدین بخت و ملازمت برادر کہ در گاہ در سلطانے داشت اکتفا کردہ
روزگار بر مجردے گذرانید و قریاتیکہ در حوالی دہلی بودند ملکیت گرفتہ بعلماء و صلحا و صوفیان
خوشے گذرانید چون ہر دو برادران الزاماً ہر دو چہار شنبہ دعائے شہادت خود
مے کرد و بچکان شد کہ ایشان مے خواستند یعنی زین الدین در سنہ ہنصد و بیست و
شش ہجری مسموم وفات یافت و زبر الدین ہمراہ سلطان ابراہیم ابن سلطان سکندر
بودے در سن ہنصد و سی و دو ہجری شہید شد قبر او جانب غربی حوض شمسی
واقع دہلی است

زین العابدین دہلوی عرف شیخ اڈہن دہلوی جد ماری شیخ عبدالحی محدث
و ائمہ کامل متورع و متعبہ و در قایت خشوع و انکسار و تادب و وقار بود بہمان وضع و
آداب کہ در میان مردمے بود و درون خانہ نیز بودے و زبانش دائم بکراشدے رفت
و حلیہ و ر قایت جمال و نورانیت داشت کہ انوار علم و تقویٰ از جبین وی للبح بود
اکثر احوال صائم بودے و در تقمہ احتیاط تمام داشتی سلطان ابراہیم بن سلطان سکندر
بودے وے را بجاہت خویش خواند قبول نکرد وے مرید مولانا اسماء الدین دشاگرد
مولانا عبد اللہ ثقلینی است رحمۃ اللہ علیہم وفات او در سال ہنصد و سی و چہار ہجری بمطہر پیوستہ
قبرش جانب غربی حوض شمسی در دہلی است

شیخ زین الدین خواہے تخلص فائمی صدر مستقل ظہیر الدین محمد بابر شاہ بونور
و ائمہ دی موصوف بود او را مسجد بیست و اگرہ و مدرسہ کہ آن طرف آب جون واقع شدہ و
صاحب کمالات صوری و معنوی و در عماد تاریخ و دبیریہ گوئی و شعر و سائر جنایات
نظم و نثر و انشا بے عدیل زنان خود بودے گویند کہ مجلس اول کہ ہا بر باد شاہ را ملاوت
نمودہ پر سید کہ سن شہا چند باشد وے نے البدیہ گفت کہ قبل ازین بہ پنج سال
چہل سالہ بودم و حالا چہل سالہ ام و بدو سال دیگر چہل سال تمام می شود از دست

قطعہ ہذا سے غم گریبان گیر شد سرد گریبان چون کشمیر شوقی دامنگیر آمد بامان چون کشمیر
اے گریبانم ز شوق تار و دامن چاک چاک ببے کو پا و در دامن و سرد گریبان چون
کشمیر دے تاریخ نوشتہ شمشیر فتح ہند وستان و شرح غرائب آن و داد سخنوری
و ملان دادہ و فائش و جد و چنار گدھ بسال شمس و چل رودادہ و در مدرسہ خود با گره
مدفون گشت

خواجہ زین الدین علی بن تور کشمیری راہنوی از علمائے کشمیر شاگرد شیخ یعقوب
حرفی و ملا غمیس الدین بال و مرید شیخ حمزہ بود و را واسطہ علم بحرین شریفین رفتہ و شیخ ابن حجر مکی
اجازت حدیث یافتہ بکشمیر واپس آمد و تدریس علوم صارت الاوقات بود بعد وفات
بجملہ راہنوارہ کہ مسکن و بیست مدفون گشت

مولوی زین الدین کشمیری ابن خواجہ عبداللطیف دانشمند کامل ذکی الطبع بود طبع
موزون داشت اشعار فصیحی گفت در اکل حلال کمال عطا بود بمرتبہ پنجاہ و دو سال
بسال یازدہ صد و پنجاہ و پنج ہجری وفات یافتہ بجملہ راہنوی منحلالت کشمیر قریب خواجہ
زین الدین علی جد خود مدفون شد

حرف سیم مہملہ

مولوی سخاوت علی عمری جوہنوری ساکن قصبہ منڈیاہون مضاف جوہنور کثیر الدرس
و التذکیر کہ از ذات جامع صفات شان مرطبہ علوم را فیضی عام بود و لا دست
ایشان در سن دوازده صد و بیست و شش ہجری وقوع یافتہ از مولوی قدرت علی
رسو لوے و مولوی عبدالحی دہلوی و مولوی محمد اسمعیل دہلوی و مولوی احمد اللہ
آٹامی اکتساب علوم نقلیہ و عقلیہ فرمودہ بدرس و افتادہ طلبہ ہمہ تن متوجہ بود و مسجد
جامع جوہنور کہ از تعمیرات سلاطین شرقیہ است بقضیہ اہل تشیع مرکز بدعات شیعہ بود و مخلص
نہر مودہ در آنجا مدرسہ ربانیہ قائم کرد و تا حال جاریست و ثمان ہجگانہ و جمعہ
مے شود و صد ہا کسان حافظ قرآن از وی برآیند برائے چندے در باندہ بعد نواب
ذوالفقار بہادر مرحوم مدرس مدرسہ آنجا بود و مسودہ اوراق دو کثرت بہ حضرت ایشان

شرف یاب شد اول و محمد علی شرمیکان استادی مولانا محمد شکور غفر اللہ وہ دوم در فتح پور
بغزو گاہ مفتی محمد اسد اللہ مرحوم ذات پاکش مہربان بجال طلبہ یافتہ و سہ حج زیارت
بیعت اللہ الحرام مشرف شد چہد ہجاشتم شوال سال دوازدہ صد و ہفتاد و چہار و ہجری
جان بجان آفرین کفایض منودہ بحجۃ المعلى مدفون گشت القوم نے احادیث النبی الکریم
در حدیث و رسالہ اسلم در منطق و رسالہ تقویٰ و رد بدعات و عقائد نامہ اردو و رسالہ
کلمات کفر و رسالہ اسرار فقر و جواب سوالات تسعہ از مولوی شیخ محمد محمد علی شہری
وہ سالہ عرض نیک در مناظرہ شیعہ و رسالہ عرفان در اوقات و رسالہ تعداد لغات
و غیرہ از تصانیف مشہورہ او ہستند جسے علمائے نامدار از ذیر دامن تر میتش بر خاستند
انا بجلہ مولوی سید خواجہ احمد نصیر آبادی و مولوی کرامت علی جوہری و مولوی حبیب علی
جوہری و مولوی محمد شریف جوہری و ملا غلام محمد جگدیس پوری اعظم گڑھی و مولوی
شیخ محمد محمد علی شہری و مولوی محمد یعقوب بہاری و مولوی شجاعت حسین و مولوی محمد عمر
غازی پوری و مولوی غلام جیلانی بانیہ پوری غازی پوری و مولوی فیض اللہ مولوی اعظم گڑھی
و مولوی رحیم اللہ ساکن ضلع بستی شہور اندوہی راجہ تعالیٰ چہار فرزند ارجمند عطا فرمودہ یکے
مولوی محمد دوم مولوی حکیم محمد منید سوم مولوی محمد شبلی چہارم مولوی حافظ ابوالخیر محمد علی
ذکر این چہار بہ محل خود خواہد آمد انشاء اللہ تعالیٰ

مولوی سراج الحق بدایونی ابن مولوی فیض احمد بدایونی اند عالم کامل و فاضل مکمل
ذہن نقاد و طبع و قاد و دارند ولادت شان در سال دوازدہ صد و چہل و شش ہجری
بنصہ وجود جلوه ظہور افگند اخبار الحق نام تاریخی او شان است اکثر کتب مروجہ پیش
والد ماجد خود گذرانیدہ و تکمیل تحصیل خدمت خال خود مولوی نور احمد بدایونی نے نمودند
و مشرف بیعت از مولوی شاہ فضل رسول بدایونی یافتہ بافاضہ و اقا و ہمہ تن متوجہ
ہستند درین جزو زمانہ کہ علم در کتاب و علما در گوراند ذات شریفیش را از عقنات
توان شمار در سالہ سراج الحکیمہ و فلسفہ و تشریح رسائل معیات بہاء الدین علی
و تشریح میزان منطق و حاشیہ بر کتاب معتقد شتقد و رسائل طبعیہ و دیوان عربی

وفارسی از تصانیف شان مطرح الظار علمائے وقت اند سلمہ اللہ والہاء ورقاقہ اسے مایہ نامہ
حکیم سراج الدین شاہ جہان آبادی از شاہیر اطباء شاہجہان آباد علمائے
زمانہ ابودردہ تصانیف و کتابت شہرتے داشت چہارخ وین و انتخاب بحر الکلام و علم رموز
عقل افزا و حکمت ایمانی و سراج منیر و سراج ہدایت و لب لباب غودی مولانا شیخ
دوستور العمل علمائے متقدمین و محققان سابقین و مجموعہ گل وریا حین قانون المعالج

از تالیف دوست

سراج الدین علی خان اکبر آبادی آردو تخلص محقق زبان فارسی چہارخ ہدایت و
تذکرہ شعراء موسوم بحج النفایس و تنبیہ الغافلین متضمن خوردہ گیری شیخ علی حنین گاہ فضل
دوست علاوہ فارسی و ریختہ گوئی ہم کماے داشت بروقت برہادے دہلے
حسب الاشارہ نواب سالار جنگ بہ کنوڑ رفتہ ہما بخاور سال یاد دہ صد و شصت و نہ
ہجری وفات یافت

مولوی سید سرفراز علی سندیلی ولد میر محفوظ علی ولد میر محمد صالح کہ سلسلہ نسبش
بہ سید ناموسی کاظم رضی اللہ عنہ میرسد در سال دو از دہ صد و سی و شش ہجری ولادت
یافتہ بخدمت علمائے زمانہ خود اکتساب علوم مروجہ متداولہ نمودہ فراغ حاصل کرد اناجہ اک
تعلیم تاحال اشتغال بہ تعلیم طلبہ دارم و خلیفہ مجاز شاہ غلام رسول کانپوری رحمۃ اللہ علیہ
اند سلمہ اللہ والہاء

شیخ سعد اللہ بنی اسرائیلی لاہوری از شاگردان رشید شیخ اسحاق بن کا کو
لاہور لیست خود را بنی اسرائیلی می گفت اطوار مختلف داشت ابتدا کشتی بود بہ یکبار ترک
تقیہ نمودہ مرتکب جمیع نواہی شدہ با مطر بہ تعلق پیدا کردہ بارش سفید در بازار
ے گذشت ۵۰ دین پیش گرچہ خلق گرفتاری را سابق بہ عشق آمد و نمائد نشانے
نما سبق بہ مردم خاکپای اورا از بس حسن عقیدہ بجای تو تپاے کشیدند و عقیدہ ولایت باو
داشتند و در ان حالت در عین نخاس درسے گفت و از اسباب جمعیت ہرچہ
داشت در عشق آن نگار در باخت شبے باو مشربے نمود کہ جمع از مختبان با اتفاق

طلبہ کہ نسبت تلمذ بادواشتند ہیوم نموده بجهت اصلاح حال اوادراہ دیوار بخانہ او درآمده و
 الکات ملا ہے و منا ہے شکستہ خواستند کہ اورا تغیر نمایند همان سخن را بزبان آورد کہ
 بہ خلیفہ ثانی امیر المؤمنین عمرؓ گفتہ بودند کہ اگر مایک نام شروع کرده ایم شما سہ نام شروع
 را از کتاب نموده اید پس شما بغیر سزاوارترید کہ پنج سبب اذن اندراہ دیوار سرزده
 درین خانہ درآید آن جماعہ منفعل و مجمل شدہ بازگشتند بعد از ان توفیق تو بہ نصوح یافته
 و کتاب احیاء العلوم را دستور خود ساختہ پیوستہ عبادت و ریاضت مے گذرانید
 تصانیف بسیار مفید و عالی نوشتہ آزان جملہ شرحہ بر جواہر القرآن مصنفہ
 امام غزالی است جلال الدین محمد اکبر بادشاہ اورا بجلوت طلبیدہ پرسیدند کہ از کدام قومے
 گفت از جماعہ نویسندہا کہ ایشان را بزبان ہندی کالیستہ مے گویند بادشاہ را این بے
 تکلفی او بسیار خوش آمد محبتی ممد ہوی داشتند او ہرگز سائل را محروم نگذاشتہ باجوہ آنکہ از
 اسباب تجارت و زراعت فارغ بودہ و مدد معاش از جانب بادشاہ ہم نہاشت معلوم
 ہمچیس نمی شد کہ آن ہمہ صرف و بذل و ایثار از کجا بود و خلائی درین امر چہران بودند بعد از آنکہ
 بسن مشتاہ سالگی کم و بیش رسیدہ ازین سرازے مجازی درگذشت و اصاع و اکابر
 بہ تشییع جنازہ او متجاوزان لوف رفتہ نعش پاک را بہ تبرک برسد و دوش مے گرفتند

کہ جای نہادن قدم نبود التائب من الذنب کمن لا ذنب لہ

شیخ سعد اللہ کندوری فراز لکھنوی ابن شیخ سماء الدین لکھنوی جامع بود بمجمیع علوم
 نقلی و رسمی و حقیقی سطوت و شوکت ظاہر و باطن داشت و از اغنیای شاکر و بذل ایثار
 مشہور بود از بسکہ طعام وافر بر فقرا و محتاجان ایثار مے کرد و راکند در مے فراز
 گفتند مے داد زبان فیض ترجمان مخدوم شیخ قیام الدین ملقب بشیخ الاسلام گشت
 ارادت و خلافت خاندان چشت از والد ماجد خود یافتہ طرقتہ سہروردیہ از سید اجل
 جوینوری گرفتہ اورا ہشت پسران بودند بدیع الدین - شہید الدین -
 شیخ بڑی - شیخ جہانگیر - امین الدین - سعد الدین - فخر الدین - رکن الدین -
 صفات و بزرگی وی متجاوز از حد اصحاب است بر شے اذان شیخ رحمت اللہ لکھنوی

در تذکرہ الاصفیاء تحریر کرده این مختصر گنجائش آن ندارد باجمعه وفاتش بسبت و سوم ربیع الثانی سن ہشت صد و بست و نہ ہجری واقع شدہ پائین پدر خود بہ کفنون دفون گشت شیخ رحمت اللہ مولف تذکرۃ الاصفیاء در کلمہ رحمۃ اللہ علیہ تاریخ فوتش یافتہ کند و در
بالفتح و ذال مہملہ مفہوم سفر و دوستار خوان

شیخ سعد اللہ بیانوی در علم نحو نظیر خود نہاشت سائنات الحیا و ملاذ طلبہ علم و اہل سلوک و صاحب الدہر و داز شیر و گیاه و میوہا کے بیابانی افطار کے کردار و صغری سن با سادات شیخ محمد غوث بردوش نہادہ آخر الامر حیرت برد غالب آندہ سکوت و زبید و در حیرت سہائی عرنت گزید کہ فرزندان را ہم بخود راہ نئے داد تا در سال ہشت صد و ہشتاد و نہ ہجری ازین جہان در گذشت و بخانقاہ کے کہ در بیانہ تعمیر کردہ بود دفون گشت بر و اللہ متوجعہ بیانہ بر وزن بہانہ قصیدہ ایست قریب بجزت پور

حافظ سید سعد اللہ بلگرامی فاضل بے عدیل عالم عظیم اشیل شاگرد ملا عبد الرحیم قاضی مراد آباد شاگرد ملا عبدالحکیم سیالکوٹی در سال یک ہزار و یک صد و نوزدہ ہجری وفات یافت مولانا سعد اللہ سلونی ابن عبد الشکور سید شیخ پیر محمد سلونی و صغری سن بانڈک زملے از تحصیل علوم فراغ یافتہ بر سند درس و تعصیف جلوہ افروز شد و بزیارت حسین شریفین قاضی گشت و در مکہ معظمہ تا دوازده سال قیام فرمود اہل حرمین شریفین بدو عقداوی راسخ داشتند شیخ عبد اللہ بصری مکی صاحب ضیاء الساری شرح صحیح بخاری بطریقہ قادریہ مرید او گردید مخدوم ہاشمی سندھی انار شدہ تلامذہ او ست مولانا سعد اللہ از مکہ معظمہ معاودت کردہ بہ بندر سورت رخت اقامت انداشت و مرجع خلایق شد شرح ہایۃ الحکمۃ و رسالہ کشف الحق و شرح مشکوٰۃ مولانا مدوم و رسالہ تحفۃ الرسول از تالیفاتش یادگار اند بتاریخ بست و ہفتم جمادی الاول سال یک ہزار و یکصد و بیست و ہفت ہجری بہ بندر سورت وفات یافتہ ہما بخاندون گشت علیہ الرحمۃ و انظران و فی مراد و دفونہ عبد العلی و عبد الولی بودند پیر ثانی در کمالات علمی ثانی پدر بود و عزت تخلص می کرد مولوی محمد صادق ٹھٹھوی شاگرد او ست

مولوی مفتی سعد اللہ مراد آبادی ولادت شریف اور سال ہزار و دوصد و
 دزدہ ہجری وقوع یافتہ کہ تاریخش از لفظ ظہور حق و میدار بجنت برے آید و اوائل بسن صبی
 از کتب فارسیہ ضروریہ فراغت یافت من بعد شوق طالب علمی در سرافتا و برام پور
 رفتہ شروع در صرت و نحو نمود پس ازان بمقام نجیب آباد شرح جامی و غیرہ از
 مولوی عبدالرحمن قستانے خواندہ استعدادے تام بہر سانیدہ بہنلی تشریف آوردہ
 براخواند شیر محمد ولایتی و مولوی محمد حیات پنجابی و مفتی محمد صدر الدین خان صدر الصدور
 اکثر کتب درسیہ تحصیل کردہ در سال ہزار و دوصد و چهل و سہ ہجری بہ کھنؤ وارد شدہ
 از مولوی محمد اشرف لکھنوی و مولوی محمد اسمعیل مراد آبادی و میرزا حسن علی محدث و
 مفتی ظہور اللہ لکھنوی فرنگی علی رجوع آوردہ بعد فراغ علمی و از دواجر خود او لا بعدہ
 مدتی مدرسہ شاہی و ثانیاً بتالیف بعض مجلدات تاج اللغات ترجمہ قاموس ثالثاً
 بعدہ افتاے کچھری کوتوالی تا مدت بست و نہ سال مامور ماند بعدین ایام
 بسفر حج بیت الاحرام توفیق یافتہ از شیخ جمال بکی سند جدید علم حدیث گرفتہ بلکھنؤ
 مراجعت فرمودہ بانضمام عمدہ افتا مصروف شد بعد غزل واجد علی شاہ حسب ^{الطلب}
 نواب یوسف علی خان کہ تمکیندے بود براپہور رسیدہ خدمت تقنا و افتا و مراحہ
 و غیرہ بدو تفویض یافت و تا عمدہ نواب کلب علی خان رئیس راپہور بدستور بعدہ
 مفوضہ مامور بود واقع چہار و ہم بر رمضان روز یکشنبہ سال ہزار و دوصد و نو و چہار ہجری
 بمقام رام پور دے اہل را البیک گفتہ رحلت فرمود و ہما تھا مدفون گشت طالب اللہ
 شہادہ دو فرزند از جنہد مسمیان لطف اللہ و بشارت اللہ عقب خود گذاشت ہر دو
 براپہور قیام پذیر ماند حکیم لطف اللہ در تاریخش چند اشعار عربیہ گفتہ مقلع آن کہ
 شامل مادہ تاریخ است اینست ۛ فانا اللطف خضت تاریخا لسنی موتہ و ما احتاک
 قبورہ الجلیل یا بشری یا قیل مشاہد طالب طیب شہادہ ۛ مولوی محمد علی تاریخش چنین گفتہ
 ۛ تاریخ وفات گفت یحییٰ ۛ گنجینہ علم و فضل صد آہ ۛ مسودہ اوراق در دستگاہ
 بمقام لکھنؤ خدمت طلب علم در انجا دار دیو و صاحب ترجمہ را دیدہ خشک

مخرج یافت و با اصاغر کم تو جی سے نمودار تصانیف رائقہ او کتب ذیل یادگار اند مقید
الطلاب فی خاصیات الالبواب القول الفضل فی ہمزۃ الوصل یعقود والاجیباد
فی بحول اختیار و انقاد نوادر الاصول فی شرح الفصول و در علم صرف غایۃ البیان فی
تحقیق السبحان - رسالہ ترکیب بسم اللہ و نحو خلاصۃ النوادر نوادر البیان فی علم القرآن
رسالہ منہ فی وجود الفتنہ و قرأت - القول المانوس فی صفات القاموس -
نور الصباح فی اغلاط الصراح ترجمہ بعض مجلدات قاموس در علم لغت ترجمہ فقہ اکبر و
رحمیت نامہ امام ابو حنیفہ و ترجمہ حقیقۃ الاسلام و ہدایۃ النور فیما يتعلق بالاطفار
والشعور - و زاد السبیل الی دار الخلیل و حواشی ما لا بد منہ و رسالہ طر متخلل در دینیات -
حاشیہ بر شرح سلم مولوی حمد اللہ سندیل و شرح ضابطۃ التہذیب و شرح خطبہ قطبی -
در منطق - رسالہ قوس قزح و رسالہ تناسخ و رسالہ تحقیق علم واجب در حکمت و
رسالہ سبع عرض شیوہ موسومہ مفید البصیرہ در حساب - حاشیہ بر شرح جمعینہ در ریاضت -
رسالہ تشبیہ و استعارہ در علم بیان رسالہ عروض باقانیہ و میزان الافکار شرح معیار الاشعار
و تصفیہ لامیہ فارسیہ و غیرہ

شیخ سعد الدین لکھنوی بن شیخ الاسلام شیخ سعد اللہ کندوری فزا لکھنوی جامع ہمدان
علم ظاہر و باطن و ملام بدرس و افادہ علوم دینیہ اشتغال داشت و در مدرسہ وی طلبہ
مستعد رجوع مے کردند طبع شریفش بآل بشعرو و تخلص اوسعدی است از تالیفات
فکرا و ست ۵ چوداری مونس چون قل ہوا متذہب خطی در کش بگرد ماسوی اللہ بدولہ
چون دوست موافق است سعدی بہ سہل است جہای ہر دو عالم بدولہ گمہ برعیوب
کس نکنی بدخندہ برعیوب دیگران چہ زنی بدست و نہم جہادی الاول سال شست صد و شستاد
و یک ہجری رحلت پدار البقا فرمودہ اعداد محمد قطب الاولیاء موافق سال و قاتلش اند
شیخ سعد الدین خیر آبادی پدرش قاضی خیر آباد بود شیخ اولاً از حفظ قرآن حمید فراغ
نمودہ بجلقہ تلمذ مولانا اعظم لکھنوی در آمد تکمیل تحصیل علوم کردہ مرید شیخ مینا لکھنوی گشت
بعد وفات پیر خود بخیر آباد وطن مالوف خود رفتہ بدرس و ارشاد صارت الاوقات ماند

تاکہ در سال ہشت صد و ہشتاد و دو ہجری وفات یافت تشریح مصباح و تشریح کافیہ
و تشریح جامی و بزودی و تشریح رسالہ مکیہ مسمیٰ بجمع السلوک کہ بسی از ملفوظات و حالات
شیخ میناردی درج کرده از دست قنبرش در خیر آباد است یزار و تبرک بہ۔
ملا سعد الدین ہلوی کنیتش ابو الفضائل بود تشریح کنز الدقائق و متاراز ممدہ
تصانیف دوست در سن ہفت صد و نو و یک ہجری بخوار رحمت ایزدی پیوست
طاب ثراہ و جمل الجنة مشواہ

مولوی سعد الدین صادق دہلوی ابن مولوی امان اللہ شہید بہال یازدہ
صد و بیست و ہفت ہجری متولد شدہ از والد ماجد خود علوم تحصیل کردہ بر سند انادہ
تمکین گشت و در اکثر مباحثات بر معاصرون غالب مے آمد تاریخ بیست و سوم ذی الحجہ
سال یازدہ صد و پنجاہ و یک ہجری وفات یافتہ و قریب بدفن والد خود مدفون گردید
مولانا سعید محمد قندی اعلم العلاب روزگار بودہ اکتساب علوم از ملا احمد جندو
ملا محمود سرخ و ملا عصام الدین ابراہیم نمودہ در سال ہفت و شصت و شش ہجری بہ
ہندوستان آمد و ملازمت اکبر بادشاہ ممتاز شدہ کیفیت درویشی و انکسار غالب
داشت خوش طبع و فصیح و بلیغ و شفیق بر تلامذہ بود صحبت او بادشاہ را خوش مے آمد
در سال ہفت و ہفتاد ہجری بخوار رحمت ایزدی پیوست

مولوی سلام اللہ محدث رام پوری بن شیخ الاسلام بن حافظ فخر الدین ناواوا
انجاد شیخ عبدالحق محدث دہلوی فقیہ و محدث و مفسر و علوم متداولہ از والد ماجد خود شیخ
الاسلام مصنف تشریح فارسی صحیح بخاری و رسالہ طرد الاویہام عن اثر الامام الہمام
و کشف الغطا عما ازم للموتی عن الاحیاء حاصل کرد و سند اجازت حدیث و غیرہ یافت
جدا محمد او حافظ فخر الدین نیز علامہ مختصر بود از تصانیف حافظ مذکور شرح فارسی
صحیح مسلم و تشریح فارسی عین العلم و تشریح حصن حصین یادگار روزگار اند با جملہ صاحب ترجمہ
بعد اکتساب علوم بچو اسلاف خود بر سند افادت و افاضت تمکین ہودہ در نشر علوم
مے کشید باہام جمادی الثانی وقت شام سال و وارزہ صد و بیست و نہ و بقوے

دوازدہ صد و سہ ہجری رحلت کرد تصانیفہ المشہورہ کمالین حاشیہ جلالین - محلی
شرح موطا کہ آنرا در سن دوازدہ صد و پانزدہ ہجری تصنیف نمود تاریخ آن ہوا فوز الکبیر
ترجمہ فارسی سے صحیح بخارے - ترجمہ فارسی شمائل ترمذی - رسالہ اصول حدیث

بزبان عربی

مولانا محمد سلامت اللہ بدایونی کانپوسی ابن شیخ برکت اللہ صدیقی رئیس
ہدایون عالم العلوم کالشمس بین النجوم فائز بایر کائنات مستغنی از توصیف و تعریف است
مؤلف اوراق نیز چند دی خوشہ چینی خرمن فیض آن بزرگوار نموده رسالہ الاسناد کہ
وقت اعطائے سند بہ محمدی مولوے شاہ محمد عادل ارشد تلامذہ خود جناب موصوف
بزبان فارسی تصنیف فرمودہ اند بنا بر بیان ترجمہ شریف کافی است ازان رسالہ
ترجمہ عالیہ بر سبیل اختصار حوالہ قلم نموده آید و ہو ہذا

بسم اللہ الرحمن الرحیم

مے گوید سلامت اللہ بدایونی مولد صدیقی نسب تنفی مذہب قادری مشرب کہ فقیر
تحصیل کتب درسیہ متداولہ از خدمت چند فضلاء عصر نموده آگاہ در حدیث سن
از خدمت مولانا ابوالمعالی بن مولانا عبد الغنی بدایونی کہ سلسلہ درس ایشان بہ ملا
جلال الدین دوانی میرسد استفادہ کردہ در عرض مدت دو سال از میزان صرف تا شرح جامی
بر کافیہ و شرح تہذیب یزدی خواندم بعد ازان از خدمت مولوے ولی اللہ
رحمۃ اللہ لہ از تلامذہ مولانا باب اللہ جوہوری بودند تحصیل قطبی و دیبذی
در شیعہ یہ مناظرہ بعمل آمد بعد ازین ہمینکہ مولوے صاحب بدایع ضرورت
مراجعت بوطن خود فرمودند حسب ارشاد ہدایت بنیاد حضرت پیر و مرشد برحق سید
شاہ آل احمد مارہروی قدس سرہ الغریزہ بخدمت شریف مولانا محمد عبد الدین عسکری
مولوے مدن صاحب کہ در ان زمان از کلکتہ مراجعت فرمودہ عزت افزائے سکنت
بریلی بودند حاضر شدہ تکمیل تحقیق و تدقیق کتب درسیہ متعارفہ از دواہد ثلاثہ و قاضی
مبارک و محمد اللہ شرح سلم و مطول لغت افغانی و صدر او شمس بازغہ و شرح عقائد جلالی

با ملا یوسف و عاشق ملا کمال الدین و ہدایہ فقہ حنفی و مسلم الثبوت و بیضاوی و غیر ان
 اتفاق افتاد و جناب مولانا بفرط عنایت در اندک فرصت ہر قدر ہا کما ز ذخیرہ مبلغ معلوم
 بہ تحویل خود بدولت داشتند تفویض بہ بیچ کارہ نہ نمودند و حق اینست کہ جل تحقیقات
 حقیقات کہ معارف و احوال امتداد علم و فضلا است ازین ارشاد جناب مدوح
 در کیسہ استعداد فراہم شد و اللہ بیضا عفت من یشاء و بعد طی مرحلہ تحقیق و تدقیق کتب
 در سیہ بطبق فرمان واجب الاذعان جناب پیر و مرشد برحق قدس سترہ ذخیرہ اندوز
 سعادت تہا از خدمت سراپا موبہبت مولانا شاہ عبدالغنی دہلوی انار اللہ و ہنرمند
 گردیدہ در صد و تحقیق و تنقیح و سند کتب احادیث و تفاسیر افتادہ فائدہ ازین مادہ
 عائدہ گرفتہ چنانچہ صحاح ستہ و کتب تفاسیر را از حضور مولانا مدوح و مولانا
 رفیع الدین برادر کوچک مدوح کہ تبحر تام در جملہ علوم خاصہ علم حدیث و تفسیر داشتند
 بمعرض سند رسانیدیم تا آنکہ از فیض مجالست و خدمت این ہر دو بزرگ
 فہم معانی احادیث و ادراک حقائق و دقائق تفسیر مذاق طبع حاصل شد آخر کار جناب
 مولانا مدوح نفقہ کوخانہ بحال این خاکسار فرمودہ بہ اجازت صحاح ستہ و مشکوٰۃ
 المصابیح و حصن حصین و کتاب المسلسلات و دیگر کتب احادیث و تفاسیر و رسائل
 مصنفہ خود و نیز کتب مؤلفہ والد ماجد خود سرفراز فرمودہ رخصت فرمودند مجملہ
 فقیر سند کتب در سیہ تمام و کمال از خدمت مولانا مجد الدین شاہ جہان پوری دارد
 و سند کتب احادیث و تفاسیر فراہ و سماعہ و درایۃ و اجازۃ از ذرۃ الحمد ثین و
 اسوۃ المفسرین مولانا شاہ عبدالغنی دہلوی و برادر ایشان مولانا رفیع الدین دارد و
 حضرت ایشان از والد ماجد خود شان مولانا شاہ ولی اللہ محدث دہلوی دارند و
 حضرت ایشان حال اسانید تنومہ خود را در کتاب الارشاد الی مہمات الاسناد
 بہ تمامہ تفصیل نوشتہ اند انتہی لمخصصا مولانا صاحب الترجمہ حین حیات خود مسجد
 بمقام کانپور وطن خود در سال یک ہزار و دصد و شصت و ہفت ہجری تعمیر فرمودند
 کہ تا بنح بنکے از فقر ہائے - ان ہذا لا بیت اللہ - و ما ہذا الا مسجد الفردوس - و اللہ

ہوا لفظی الحمید نے بکریہ چونکہ نفس قدسی آنحضرت مفید عام و مفیض اتمام بود صد ہا علمنا و
 فضلای نامی زیر سایہ دامان تلمذ و درس آن خاتم العلما بر خاصہ اند با این ہمہ کتب مصنفہ
 حضرت معز الیہ دال بر ذخیرہ علمی شان موجود اند از انجملہ کتب ذیل مستند تحفہ الاحباب
 و معرکہ الارادہ برق حافظہ و مناظرہ اہل سنت و شیعہ و تحریر الشہادتین شرح
 الشہادتین در بیان شہادت سید الشہداء رضی اللہ عنہ و خدا کی رحمت خرد و کلام
 در بیان میلاد و رکائات علیہ الصلوٰۃ والتحمیات و رسالہ شہاب ثاقب و در
 سقوط کواکب و حقائق احمدیہ و در علم حقائق و بحر التوحید در بیان شطیحات اولیاء اللہ
 و اسرار العاشقین و در حل احوال و اشعار عربیہ و فارسیہ بطریق صوفیہ کلام و رسالہ کشفیہ
 بحراب ایرادات بعض جملہ کہ بوجہ ناواقفیت از اصطلاحات حافظ شیراز بر چند اشعار
 حاطیہ وارد نمودہ اند و ترجمہ دو تار سالہ شیخ محی الدین بن العربی در بیان لطائف
 موسومہ معانیات صوفیہ و مکاشفات قدسیہ و رسالہ لغات حالات و رسالہ
 اشباع الکلام فی اثبات المولد و التقیام و رفعات کشفی و شرح ثنوی گل کشتی و رسالہ الوان
 در بیان جواز و عدم جواز الوان و رسالہ در تحقیق جواز مصافحہ و معاقلہ عیدین و رسالہ مجموعہ
 استفہام کہ اجوبہ ہر یک خود تحریر فرمودہ اند و رسالہ الاسناد در بیان کیفیت تحصیل علوم
 مختلفہ متداولہ و استحصا لاسناد علوم از اساتذہ - مولانا را طبع شعر گوئی ہم بود بنا بر ان
 تخلص خود کشفی مے کردند و دیوان کشفی کہ مجموعہ اشعار ابدال فارسی است شش
 نمونہ از خردارے بہ میزان فہم باید سنجید چند اشعار از دیوان مذکور بطور اتم و فوج نوشتہ
 مے شوند **۱** آنانکہ بر خیال تو جان را مندا کنند بہ بیند اگر ندیدہ جمالت چہا
 کنند بہ نحو نظارہ رخ خوب تو دیدہ ہاست چہ آنے کہ خاکیل ترا تو تیا کنند بہ رسم کہ رفتہ
 رفتہ قد طشت من زہام بہ یاران اگر کلافہ عشق تو دا کنند بہ غیر از جفا ندید دل من
 زہموشان بہ این ہم حکایتی است کہ خوبان وفا کنند بہ یلہ عشق بہ نشو و نہم مسیح
 میہودگی نگہ کہ طیبان و دا کنند بہ تنہا نہ من سبکو و گھرا و حسد تم نہ زندان تمام تکیہ
 بدوش صبا کنند بہ آئینہ را بدست نگہ زند زینہار بہ خوبان اگر معایت یار ما کنند بہ

شاہ توحی شتاس تہ راہ خود بگیر خاصان حق ہمیشہ میں اقتدا کنند و ترو انہم چنانکہ ملائکت آسمان
 نام مرا وظیفہ بجای دعا کنند و حرف حزن بگفتہ حافظہ میں رسد و کشفی تو کیستی کہ تیرا مر جہا کنند
 بالجلہ ہر کلمے را ز دالی است و کل نفس ذائقہ الموت مسکن دل ہر صاحب خیالے
 آہا ہم آہا کہ آن آفتاب فلک تحقیق و تدقیق واقع سوم رجب یوم شنبہ سال یک ہزار و
 دویست و ہشتاد و یک ہجری ز یزافق عدم پنهان شدہ در کانپو پیش مسجد خودش بزمین سپردند
 طاب اللہ ثراہ و جعل الجنۃ مثواہ قطعہ تاریخ وفات آن مرجع العلوم برسنگ بالین
 مزارش چنیں کنندہ اند **۵** مظهر کشف و کرامات جناب کشفی و ہادی راہ خدا کاشف راز
 عرفان و شدہ برخاستہ خاطر حوزین گلشن دہر و رفت و چشم رون جانب باغ عنوان
 سال تاریخ قلب بند نمود و ارشدہ یوم ہفتہ سوم از ماہ رجب شد و رجوان و
حاجی سلطان تہانی سری بزیارت مکہ معظمہ مدینہ طیبہ مشرف شدہ و علوم نقلیہ
 خوب در زیدہ و مدتی مدید در خدمت اکبر بادشاہ بودہ حسب الحکم بادشاہ موصوف
 چہار سال بہ ترجمہ کتاب مہا بہارت موسوم بر زم نامہ بطریق افراد و استقلال
 اشتغال داشتہ بنے کہ از نقیب خان شروع شدہ بود و اذ وہا تا ہم رسید ہنگام ترجمہ
 نویسی مہا بہارت یکے ازوے پرسید کہ این چیست کہ مے نویسد گفت کہ حرف دہ ہزار
 رسالہ را بزبان حال موافق مے سازم

قاضی سہا الدین الملقب بقلب خان وزیر سلطان حسین شرعی کہ اعلم العلماء
 وقت بود در سال ہشت صد و ہشتاد و چہار ہجری بدست سلطان بہلول لودے اسیر
 شدہ بزندان رفت و از مجلس مومنان رہائی یافت

مولانا سہا الدین دہلوی جامع بود میان علوم رسمی و حقیقی و تقوی و ورع از
 دنیا زیادہ بر ما محتاج اختیار نکرودہ و پیش مولانا سہا الدین شاگرد میر سید شریف
 جرجانی تلمذ کردہ و از ملتان بسبب بعضی دقائل برآمدہ و تہا در تیمور و بیانہ وغیرہ
 گذرانیدہ بدہلی آمد و وطن کرد و مرید شیخ کبیر است و سن ہم کبیر داشت در آخر عمر
 حاسہ بصرش رفتہ بود حق سبحانہ تعالی بے واسطہ علاج بصارت را بوسے رد کرد

برایات شیخ فخر الدین عراقی حاشی نوشتہ کہ بجل معانی آن کافی دوانی است و رسالہ مفتاح الاسرار ہم از تصانیف اوست تاریخ ہفتہ ہم جمادی الاول سن ہند و یک صد وفات یافتہ قبر اور دہلی بالاس حوض شمس است رحمہ اللہ و مولانا تراب علی لکھنوی از اولاد انجا و نشان استند

مولوی سنا الدین احمد بدایونی ابن مولانا محمد شفیع بن مولانا عبد الحمید ابن مولانا محمد سعید ابن مولانا محمد شریف ابن مولانا محمد شفیع بدایونی ولادت وے در سال دوازده صد و نوزده ہجری بظہور بیوسمہ چنانچہ ظہور حق نام تاریخی و بیست اکثرے از علوم در سیہ بخدمت مولانا فضل امام خیر آبادی و علم حدیث و تفسیر بخدمت مولانا شاہ عبدالعزیز دہلوی تحصیل نموده فوائد معتدہ در نحو و حاشیہ قاموس در لغت و دیگر مسودات عربیہ از تالیفاتش یادگار اند وے رحمۃ اللہ علیہ بیعت بخدمت عم خود مولانا عبد الحمید عین الحق داشت آجہ محرم سال دوازده صد و ہفتاد و ہشت ہجری رحلت فرمودہ

سید احمد گیسو دراز کا پیوی جامع علوم ظاہر و باطن مرید پیر خود سید محمد کالپیوی بود گیسو دراز کرونش بمطابقت سید محمد گیسو دراز بود کہ ورد کن آسودہ اند کتاب جوامع الکلم عبارت عربی در شرح اسمائے حسنی و مشاہدات بزبان فارسی در حقائق و معارف از تصنیفات اوست در سال یک ہزار و پنجاہ و ہشت رحلت فرمای عالم بقا شد قدس اللہ سرہ

سید احمد مجاہد رامی بریلوی گو بظاہر ہجر کہ علمائے ظاہر معدود نبود مگر باطن او ہنوز علم الہی معمور بودہ وے از خاندان سادات تمکیہ رامی بریلی است کہ در ان خاندان عالی پیش ازین بسیاری از اولیاء اللہ گذشتہ اند محمد شاہ علیم اللہ کہ وفاتش در سال ہزار و نود و شش ہجری و شاہ محمد عدل عرف شاہ لال متونی سن یازده صد و نود و دو ہجری سید احمد قدس سرہ مرید و ظیفہ مولانا شاہ عبدالعزیز مرحوم بود در سال دوازده صد و سی و ہفت ہجری بزیارت بیت اللہ مشرف شدہ بسال دوازده

صدوسی ہشت ہجری مراجعت نموده بسکن خود رسیدہ ہنقم جمادی الثانی سال دوازدہ
صد و چیل دیک ہجری روز دوشنبہ وقت عصر از تکیہ رای بریلی بعزم جہاد فی
سبیل اللہ ہجرت فرمودہ بتاریخ بست و چہارم ذیقعدہ سال دوازدہ صد و چیل و شش
ہجری متصل بالا کوٹ واقع ملک پنجاب شربت شہادت چشید۔ شکر اللہ سعیم
سید محمد دہلوی بن سید مبارک بن سید محمد بن سید محمود کرمانی جامع کتاب سیرالاولیا کہ
دران احوال مشائخ چشتیہ جمع نمودہ وے بصفر سن ہشت بیست شیخ نظام الدین اولیا
قدس سرہ مشرف شدہ و بعد از دہجدست خلفائے او بودہ از شیخ نصیر الدین محمود
کہ اجل خلفائے شیخ موصوف بود تربیت یافتہ رحمۃ اللہ علیہ

سید محمد گیسو دراز ساکن گلبرگہ ابن یوسف الحسنی الدہلوی خلیفہ راستین شیخ
نصیر الدین محمود چراغ دہلی جامع بود میان سیادت و علم و ولایت و شانے رفیع و ربوبیتی
منیع و کلام عالی داشت در او اہل حال بہرلی تشریف داشت بعد رحلت فرمودہ پیر خود
ہدیار دکن رفت و قبولی عظیم یافت و ہما بخار حلت فرمودہ اورا گیسو و مازانان گویند کہ
روزے او باچندے دیگر از مریدان پالکی شیخ نصیر الدین محمود ہشتاد و شش بودہ وقت
برداشتن گیسوے او بسبب درازی در پایہ پالکی بند شد و او بسبب رعایت ادب
استغراق بہر آوردن گیسو مقید نہ شد و ہمہ بران وضع کہ واقع شد ساقبت بعیدہ
قطع کرد چون شیخ برین معنی اطلاع یافت خوشحال شدہ این بیت انشا فرمود
ہر کو مرید سید گیسو دراز شدہ و اللہ خلاف نیست کہ او عشق باز شدہ بعض مریدانش
کہ محمد نام داشت ملفوظاتش موسوم بجوامع الکلم جمع کردہ و از تصنیفات خاص وے
کتاب اسماء است کہ حقائق و معارف بزبان کہ فرود یاد الفاظ و اشارات بیان فرمودہ
مفتی سید محمد لاہوری بن مفتی غلام محمد لاہوری صاحب علم و عمل بود کتاب
خلاصۃ المدارج و فقہ محمدی و مخزن الفرائض از تالیفات اوست بارادہ زیارت
حرمین شریفین قدم براہ سفر نہادہ کہ ناگاہ متصل شصن کوٹ سفر آخرتش پیش آمد و دان
دار البقا گردید

سید محمد قنوجی از فرقہ سادات رسول دارا و استاد اورنگ زیب عالمگیر بادشاہ
ماہر علوم ریاضیہ و ادبیہ بود حاشیہ مطول از تصانیف اوست

مولوی سید محمد بہار پوری ابن شاہ فضل اللہ تائب رسول اللہ دانشمند بزرگ و
عارف سترگ بعد وفات پدر و سادہ آرای افادہ علوم در برہان پور شد از تصانیفش کتاب
تختہ المسلہ مشہور و معروف است

سید محمد علی الدہلوی ابن سید جعفر الملکی تاجر دانشمند خلیفہ شیخ نصیر الدین محمود
چرخ دہلی در توحید و تقدیر مقام عالی داشت کتاب بحر المعانی و دستائق المعانی و
حقائق المعانی و رسالہ اسرار روح و رسالہ عجکات و بحر الانساب در بیان
نسب اہل بیت از تصانیف اوست بعد سلطان بہلول لودے در سن ہشت
صد و نو و یک ہجری رحلت فرمود

میر سید محمد امروہی عالم با عمل صاحب صلاح و تقوی و ورع بود از سید جلال
الہیہ سید رفیع الدین در بدایون تحصیل علوم کردہ بعد از تحصیل کمالات بدرس و افتادہ
مشغول شد در اواخر در سلک ملازمان در گاہ باوشاہی بمرتبہ اختصا ص رسیدہ
بمنصب میر عدلی عزت یافت و درین منصب جلیل القدر طریق عدالت و انصاف و
صدق و امانت سلوک داشتہ تازمانیکہ او بدر بار اکبرے بود ہیچ ہمتی و ملحدی را
قدرت رخنہ انداختن و دین اسلام نبود بعد از و نام میر عدلی بر سائر مردم مجازی
و عاریتی گشت در سن صد و شتاد و چہار ہجری بکومت بہکمر فائز شدہ ہما نجا در سن
صد و شتاد و شش ہجری بچار رحمت حق پیوست

سید محمد بلگرامی ابن سید عبد الجلیل الحسینی الواسطی بلگرامی در علم ادب کمالی داشت
تاگرد سید طفیل محمد اترو لوی بود و استفادہ فنون عربیہ و فروع ادبیہ از والد خود کردہ
کتاب الجزء الاشراف من المستطرف منتخب کتاب مستطرف از مؤلفات اوست کہ
در سال یک ہزار و یک صد و پنجاہ و پنچ ہجری انتخاب کردہ ہشتم شعبان شب ششم
سال یک ہزار و یک صد و شتاد و پنچ ہجری وفات یافتہ در بلگرام مدفون شد طالب فہم و بچہ

شیخ سیف الدین سرهندی ابن شیخ محمد معصوم ابن شیخ احمد مجدد قدس سرهم جامع علوم عقلیه و نقلیه بود کتاب علوم ازل و الابد خود کرده و هم در طریقت مرید و در لقب محی السنه مشهور بود و بارها ب دنیا تعلق نداشت بچو شنیدن نام الله تعالی حالتی بر وی طاری می شد در سال هزار و نود و هشت بجمعی وفات یافته قدس سره

حرف الشین المعجزه

شاه احمد شرعی ساکن چندیری دانشمندی بجز در دینی کامل کمال رس جامع جمیع علوم عقلیه و نقلیه در سیمیه و حقیقه بود و در دیار چندیری ملک مالوه توطن داشت وی در جواب ابیات صاحب کشف که در طعن اهل سنت و جماعت دارد اشعار بهمان وزن و قافیه گفته است اشعار صاحب کشف و جماعه ستمو اها هم ستمه جماعه حمر عمری موکفه به قد شموه بخلقه تخرؤا به شفع الوری فلتسردا بالیلکفه به جواب شاه احمد شرعی عجا بقوم ظالمین تاقبوا بالعدل ما ینم لمری معرفه به قد جلا هم من حیث لایدر و نه به تعطیل ذات الله مع نفی الصفه به وفات او در سن نهصد و بیست و هشت هجری بوقوع پیوسته شیخ عبدلغنی سنیتی که دانشمند بتشریع و معتبد بود شاگرد او است -

شیخ شاه محمد فاروقی انا کا بر علمای جو پوری پورع و تقوی موصوف و همواره با فاده و درس علوم معروف بود ملا محمود جو پوری بنیه او است شیخ موصوف در سال هزار و سی و دو هجری وفات یافته روح الله روحه

شرف الدین احمد منیری ابن محیی المنیری دی از مشایخ مشایخ هندوستان است چه احتیاج که کسی ذکر مناقب وی کند او را تصانیف عالییه است از جمله تصانیف او مکتوبات مشهور و لطیف ترین تصانیف او است بسیار از آداب طریقت و اسرار حقیقت و سان اندراج یافته و بر آداب المریدین نیز شریعت دارد و در مرید خواجه نجیب الدین فردوسی است قبر شیخ شرف الدین در بهارست یزار و یتبرک وی رحمه الله علیه در سال نهصد و هشتاد و دو هجری وفات یافته

مفتی شرف الدین رام پوری ما بر علوم فلسفه و منطق مشهور است و اما د

ملا احمد ولایتی بود در سال دوازده صد و پنجاه و شش هجری ہنگامیکہ از کلکتہ برام پور میرفت
در اثنا کے راہ بہ فتح پور ہنسوہ بنا بر فاتح خوانی قبر مولوی محمد سعید دادا خودش کہ بدرگاہ سید شاہ
راجی قدس سرہ مدفون اند بسکن برادر کلانم حکیم احسان علی خان فردو آورہ و دان وقت
را قم پچران صغیر السن بود لکن ہنوز حلیہ اولیٰ صغیرہ خیالم مرتم است کہ دے میانہ قد سیاہ
رنگ سفید ریش نحیف الجثہ ضعیف القوی بود از تصانیف او سراج المیزان و منطق
و شرح سلم تالایچہ دلائل تصور و بعض فتاویٰ فقیہہ مشہور اند

حکیم شریف خان دہلوی طبیب مشہور و معروف است عجلالہ نافعہ و تالیف شریقی
و علاج الامراض و دستور الفصد و حاشیہ نفیسی و حاشیہ شرح اسباب غیرہ از تصانیف او است
و فائش در سال دوازده صد و سی و یک ہجری واقع شدہ شاعری تاریخ فوٹش این چین یافتہ
دریغ ازین دار فانی گذشت بہ حکیم و طبیب و لطیف و ظریف بہ حسن و کفایت
سال و فائش من بہ صد افسوس مرزا محمد شریف

مولانا شعیب دہلوی پدرش ملا منہاج و مفسرین از لاہور قصد تحصیل علم در دہلی آمد
و در تحصیل علوم ریاضات شافہ کشید بعدہ در عمد دولت سلطان بجلول لودی مفتی شہر شد
و ہمین جاسکوت و زید مولانا شعیب عالم و عامل در صورت و سیرت ملک تمثال بود و
در وعظ و تذکیر بے نظیر زمان خود و قتیکہ وعظ گفتی و ستر آن خواندی بہیچ کس را مجال
عبور از ان راہ نبود کہ اگرچہ خود بارگراں بر سر داشتی ایستادہ شدی و استماع نمودی
و اورا در وعظ بحسب اختلاف مقامات و عمد و وعید حالات عارض شدہ
جمع اکابر و علمائے شہر دہلی در پایہ وعظ او حاضر شدند و اکثر از موالی و آہالے شہر
در ابتدا شاگردا و بودند سال ہند و سی و شش ہجری وفات یافتہ قبرش در دہلی
برہالائے حوضی شمسی است نور اللہ مرقدہ

قاضی شمس الدین شیبانی دانشمند متبحر بود از دہلی در زمان افلق شاہ بنار نول فیت
ہد بہایت حال کہ ہنوز سنت نکاح در دست او نیامدہ بود بقصد زیارت خانہ کعبہ برآمد
و چون بکجرات رسید در مسجد درآمد و اعظمی مقبرے مذہب بر منبر آمد و تقریر مذہب

الہ عزوجل کہ مساوہ خلق افعال عباد است کرو گشت این دست نست اگر کشیم من بکشیم و اگر
بر بندم من بر بندم هیچ کس را از حاضران قوت مجاہدہ او نبود قاضی شمس الدین گفت اگر قدرت
بدست نست چہ دست بر پشت بر نہ بندے حاکم گجرات را این دخل وے خوش آمد
جاریہ کہ از دارا الحرب آوردہ بودند پیش کش او کرد و از وے اولاد شد حتی سمانہ در اولاد
او برکت داد و علم بخشید رحمۃ اللہ علیہم اجمعین یکے از اولاد او بنام تاج الافاضل بود از
وے پنج پسر شد نہ ہمہ دانشمند و متقی یکے از پسران او قاضی مجد بود پدر شیخ احمد مجد کہ
ذکر او در حرف الف گذشت داود اہفت پسر ہمہ عالم و عامل بودند

مولانا شمس الدین بکلی اودھی دی از تلامذہ مولانا فرید الدین شافعی است کہ شیخ
الاسلام اودہ بود از اودہ بنا بر تحصیل علم بہرہلی قدم آوردہ و بخدمت مولانا ظہیر الدین بہکری
تلمذ نمودہ از شاہیر علمائے شہر دہلی گشت بیشتر مردم شہر در تلمذ وے انتساب مے کردند
بآن نسبت مظفر و مشہور بودند گویند اور اثر شری است بر مشارق الانوار و بدان نقل کردہ کہ ناٹکاؤ
نبی قطوے روزے با مولانا صد الدین ناوے بخدمت شیخ نظام الدین اولیا
قدس سرہ آمد شیخ پرسید در شہر مے باشند چیزے تعلیم کنید گفت آری بخدمت مولانا
ظہیر الدین بہکری اصول ہندوی می خوانیم شیخ ایشان را از بعضی مواضع کہ با فکال مشہور بود
پرسید گفت کہ سبق مانا ہمین جا رسیدہ است این حرف بر مانیز شکل ماندہ است شیخ آنرا
حل کرد ایشان را اعتقاد در حق شیخ راسخ شد بعد از مدت مولانا شمس الدین بکلی مرید شد
و بہر تہ کمال رسید و از اعظم خلفائے شیخ گشت و میان یاران اعلیٰ شیخ معظم و مکرم و صاحب
صدر شد و از تکلفات و مراعات رسم و عادات مبرا و از تعلق و ترویج مصلحت و کثرے بلکہ
گرتی شیخ نصیر الدین محمود کہ از تلامذہ او ست در مدح وے گفتہ شعر سألک العلم من
احیاک حقاً فقال العلم شمس الدین بکلی پتہ مانیکہ سلطان محمد تغلق شاہ دہلی تیغ قہر و سیاست
بر خلایق خصوصاً باطنہ مشائخ آختہ بود مولانا شمس الدین بکلی را طلبیدہ گفت مثل تو دانشمندی
و نجا چکند بکشمیر برو و در تہانماے آن دیار بنشین و خلق خدا را با سلام دعوت کن مولانا از پیش
سلطان برائے تہیہ اسباب سفر آمد و گفت کہ من شیخ را بجا آید دیدہ ام کہ مرای طلبہ مردم

چهارم گویند بن محمد دست فوج خود میر و مایشان مرا کجای فریست فرداے آن روز بر سینا او تلی
بر آمد و بیمار افتاد این خبر سلطان رسید حکم کرد که او را بدرگاه ما بیاورند مباد که همانه میکرده باشد
و ماهین اثنا و سال به قصد و چهل و هفت هجری ازین عالم رحلت فرمود و قبر او در یاران
چو تره در مدلی است رحمة الله علیه

مولوی حافظ محمد شوکت علی صدیقی سندیلی ابن چودھری سند علی بن چودھری
منصب علی تاریخ نوزدهم محرم الحرام یوم انیس سال دوازده صد و سی و چهار هجری ولادت
یافتند جدشان چودھری منصب علی بخشی بنیرہ اولین خود ہزار ہاروپہ صرف فرمودہ گاہ
عمہ شریفش قریب بہ سال رسید و بنجلہ زیر کمر برآمد کہ از صدمہ آن اعصاب پانچ
شدہ ہر دو پالا غرد کوتاہ گشتند دماغ رفتار شدہ با وجود نما وے اطباء عمر از ان
آفت غلبہ دست نداد بچہ چار سال و چار ماہ و چار روز کہ معمول شرفای مسلمانان
ہندوستان است رسم تسمیہ خوانی بطور بیوست حفظ قرآن مجید از سید فتح اللہ سندیلی
و حافظ محمد ابراہیم خجرا بادی نمودہ بچہ چار سال فراغت یافتہ در خدمت مولوی سید
فقیہ اللہ سندیلی و ملا اسرار قل بخاری قدری استفادہ شدہ بعدہ والد ماجدشان یعنی چودھری
سند علی مولوی تراب علی ابن شیخ شجاعت علی لکھنوی را کہ دانشمند متبحر بودند بمشاہدہ بچہ روپہ
نقد با ضائدہ خوراک و پوشاک و صرفہ چند طلبہ بنا بر تعلیم صاحب ترجمہ ملازم کردند کہ در دست
قلیل از کتب درسیہ بخدست مولوی مغزے الیہ فراغ حاصل کردند لیکن والد ماجد
شان چودھری سند علی قبل از فراغ داعی اجل را اجابت لبیک گفتہ رہگرای عالم بقا شدند
اعمام شان چودھری شمس علی و چودھری عظمت علی کہ موجود بودند تقریب فراغ بکشادہ
پیشانی تمام بعرف پانزدہ ہزار روپہ با ختام رسانیدند جناب ہم اللہ ذخیرہ دین تقریب بسیاری
از علما و صلحا و طلبہ و حفاظ و اطبا و حجاج و مشائخ مدعو بودند صاحب ترجمہ بعد نماز جمعہ
و عطا یہ کریمہ و علم آدم الاسماء الایۃ گفتند بوردہ سورہ فاتحہ و حدیث انما الاعمال بالنیات
خوانند و علماء موجودین از دست خاص دستار فضیلت بفرق مبارکش بستند و
مولوی تراب علی را یک ہزار روپہ نقد و دو شالہ و دو مال و غیرہ اعمام صاحب ترجمہ

تذکرہ کو نہ علیٰ ہذا اقیاس دیگر علماء صاحب حال بدل نمودند مشارالیه پدرس و تربیت طلبہ علوم معروف اند و از مولوی سید حسین علی مدنی آبادی و شاہ غلام صفی پوری و سید شاہ نواز شمس احمد صفی پوری و شاہ محمد علی صفی پوری بیعت و خلافت سلاسل قادریہ و حشمتیہ و مہروردیہ حاصل نموده و صد ہا مردم مریدانش ہستند مؤلف بہیچدان را در تالیف این تذکرہ از حضرتش امداد کے کامل رسید کہ ادا کے شکرش بہ سزا زبان ہم نمی تواند کرد سلمہ اللہ و بقا و وصلہ الے مایمنہ **تصانیف الشہیرہ حاشیہ شرح جامع الاستقصاء فی الاستفتاء** و علم الیقین فی مسائل الاربعین ثمرات الانظار فیما مضی من الآثار غایۃ الادراک فی مسائل السواک الآثار الہدی فی تحقیق الصلوۃ الوسطی کشف المستور عن وجہ السحر کتب زیر تالیف ختمہا اللہ بالآخر رسالہ در باب طہارت مصلے - رسالہ الشرح الصدربلیلۃ القدر - رسالہ عجوب بطلان خلافت خلفای ثلاثہ - آفاقۃ المنافع بمسائل اختلاف المطالع و تحقیق رویت ہلال - عقد اللؤلؤ المسحور فی کلمۃ کشف المستور - افہام

السائل بجواب مایہ مسائل - انشاء و خروا فزا - تاسیخ مسندیلہ

قاضی شہاب الدین دولت آبادی ابن شمس الدین بن عمر الزاوی در دولت آباد متولد شدہ از قاضی عبدالمقتدر دہلوی و مولانا خواجہ علی تلمیذ مولانا معین الدین عمرانی اکتساب علوم کردہ ہر گاہ شکر امیر تیمور متوجہ دہلی شد قبل رسیدنش بدہلی قاضی شہاب الدین ہمراہ او ستاد خود مولانا خواجہ علی باز دہلی پہلے شتافت مولانا خواجہ علی بکلمی خست اقامت انداخت و قاضی بجنپور رفت سلطان ابراہیم شرقی قدم قاضی مقیم شہرہ باعزاز و تعلیم تمام پیش آمدش و اورا بملک العلماء لقب کرد قاضی و سادہ افادہ و درس بچون پور مزین فرمود و تصنیف کتب معروف گردید از انجملہ بحر مواج تفسیر قرآن مجید بزبان فارسی و حاشیہ کافیہ و کتاب ارشاد در نحو کہ در ان تمثیل ہر مسئلہ در ضمن عبارات ادا کردہ فقیر کتاب مذکور بہ کتب خانہ مولانا مفتی علی کبیر محللی شہری دیدہ بود و بہائج البیان در فن بلاغت و شرح بزوی در اصول فقہ و شرح قصیدہ بانہ سعاد و رسالہ در تقسیم علوم بعبارت فارسی و مناقب سادات و فتاوی ابراہیم شاہی و غیرہ

از تصانیف وی مشہور اند تاریخ بست و پنجم رجب سال ہشت صد و چهل و نہ ہجری رحلت فرمود
 بجنوب پور جانب جنوب مسجد سلطان ابراہیم کہ بنام مسجد امانہ شہرت دارد و فون شد مکتف
 اوراق در سال شصت و یکم صدی سیزدہم ہجری و قشیکہ از بچلی شہر بخانی پورے رفت
 مرقدش از زیارت کردہ نور اللہ مرقدہ صاحب تاریخ فرشتہ نوشتہ کہ اصل او از غزنین است
 در دولت آباد کن نشو و نمایانہ سلطان ابراہیم شہر تی در تعظیم و توقیر او بسیاری کوشید
 و بروز ہاے متبرک در مجلس سلطان ابراہیم بر کرسی نقرہ نشست گویند
 وقتے قاضی رام رنے طارے شد سلطان بعیادت اورفتہ بعد از تفتیش احوال
 و اظہار لوازم مہربانی قدح پرانا آب کردہ گرد سر مولانا گردانیدہ بنوشید و گفت بار خدایا
 ہر بلاے کہ در راہ او باشد نصیب من گردان فاو را شفا بخش ازینجا عقیدہ آن صاحب
 تخت و تاج نسبت علمائے شریعت محمدی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم معلوم میتوان کرد
 کہ تا چہ غایت بود۔

شہاب الدین معالی در فن معاکوئی مہارت کاملہ داشت ہمراہ بابر شاہ ہند آمدہ
 در سلک ندماے مقرب او انتظام داشت رسالہ در تمیین و توضیح علم معما از تصنیفات
 اوست سال نصد و چهل و دو ہجری بعد ہمایون شاہ فوت شدہ شہاب الثاقب
 تاریخ فوت اوست

ملا شکر کشمیری از احفاد بابا عثمان گنائی و علمائے نامدار کشمیر محدث و فقیہ
 جامع علوم عقلی و نقلی بود ملا فیروز مفتی برادر زادہ اوست پیش علمائے شہر خود کتب درسیہ
 گذرانیدہ بحرمین شریفین رفتہ و از ابن حجر مکی اجازت حدیث یافت باز بہ کشمیر آمدہ با فادہ
 طلبہ علوم ے پرداخت کہ اجلاس در رسید بجلہ قلاش پورہ مد فون گشت۔

حکیم شیر علی احمد آبادی بن حکیم محی الدین صدیقی والد ماجد این مسود اوراق اولاً
 کتب درسیہ طلبیہ بحضرت والد خود تحصیل فرمودہ بعد از ان بمقام لکھنؤ پیش حکیم امام بخش
 مرحوم تلمیذ حکیم محمد اسحاق خان دہلوی مغفور مطب نمودہ فن طبابت را بجا دقت رسانید
 و بہر کار نواب اکھف الدولہ بہادر بہمد ہاے معزز مثل تحصیلدارے و فوجدارے

ملازمت کردہ ہر شیخ و خات خانہ نشین شدہ بہ معالجہ مرضیے پرداخت و اوستی خواہان مزد
نے شد و اوقات شہار روزی بتلاوت قرآن مجید و درود لائیل الخیرات و صلوة پنجگانہ صرف
مے نمود و غفران شد کہ بعد فراغ نماز چاشت و اشراق بر سر میکہ نشین گاہ او پوزشت
ہر پیش احوال مرضیہ کہ موجود بودند مے پرداخت و ہر یک مے علاج مناسب تجویز میفرمود
حتی الامکان نسخہ تلیل لاجز و کثیر المنفعت تجویز مے کرد و بجانہ کسے نے رفت و اناہل برادری
و مردم مفلوک احوال چیزے نے گرفت انجہ از اغنیای بیرونی بدو مے رسید ہمہ بدادات
عسر با صرف مے نمود و ی راطریق معالجہ عجیے بود کہ تعلق بدید و شنید ندارد و روزی طفلی را
پیش وے آوردند کہ بدر گوش بیہوش بود و مے گفت کہ چیزے دو گوش مے کا و والد
مرحوم فرمود کہ مے حقہ بیارید چہاں نے آوردند و انکار کرد کہ در قلندانش بود بچہ قلم تراشیدہ
در گوش ماؤت طفل نہاد و بطرف دیگر فیتلہ سوزان نہاد بے بر نیامد کہ طفل متبسم گردید
ہر گاہ نے رازین زدند بچہ ہزار پاکہ آواز کھنکھورہ گویند بہ آمد مردمان ششدر شدند و مے
خمیازہ کردہ ہر دو دست بالائے سر برد و چہان دستماش کشیدہ مانند بہ بیج تدبیر فرود
مے آمدند والد مرحوم فرمود کہے کہ این زن رشتہ مضحکہ داشتہ باشد دفعہ دست خود
زیر ناف زن برد و پچنین کہوند زن ماؤت ہر دو دست دفعہ فرود آورد و با دلائلہ شعیان معظم
سال دوازہ صد و پنجاہ و شش ہجری حضرت قبلہ گاہے بعارضہ تپ و اسہال کبھی
بتلا شدند حکیم مردان علی و حکیم احسان علی مؤلف طب احسانی اخلاص حضرت
شان کہ از مؤلف ایچہان کلان تر و دوران وقت موجود بودند ہر یک طبیب حافظ بود
بمداوے کو شیدند لکن مع قضاے نبشتہ نہاید سترونہ تدبیرے کار گر شد بتاریخ
چہار دہم رمضان المبارک سال مذکور وقت نماز عشا کلمہ طیبہ گویان ہر ہفتاد و پنج سالگی جان
بحق تسلیم فرمودہ بمقابلہ آباے واقع آمد آہ و مد فون شد نہ ہفت پسرینے حکیم
مردان علی و حکیم علی رضا و حکیم احسان علی و مولوی حکیم ہمان علی و حافظ قربان علی و حکیم فرمان علی
و بندہ رحمان علی مؤلف و پنج دختر اعقاب خود گنناشتند و جملہ اولاد پسری و دختری
از ذکور و اناث خرد و کلان شخصت کس وقت دقات آن جناب زندہ و موجود

بودند یک روز قبل از وفات همه را پیش خود طلبیدہ یگان یگان را پیش فرمودہ وخصت
 نمودند مؤلف اوراق دران وقت از سال یازدہم ماہی چند تجا و ذکر کردہ بود شعرا
 وقت تاریخ وفات آن مہرور کہ لوک ریز خامہ منمودند ثبت ذیل اندازان جملہ
 از شیخ نیا محی الدین سلونی شیر علی بغن طبابت بہ ملک ہند بن بودہست بی مبالغہ
 باو علی سیم در حلت جلد کردہ از شفای دہرہ و در خانہ باغ خلد برضوان بودندیم بہ تاریخ
 آن بدیہہ در طبع صحیح ریخت بہ افسوس یے علاج طبابت شدہ سقیم از مہرور
 کفایت علی کافی مراد آبادی جو شیر علی نے کیا انتقال بہ تو کا نے مناسب ہی بہر
 ثواب ہی سال تاریخ لکھد بھیجے بہ لوح محمد خادم پو تراب از صنعت مراد آبادی
 حکیم شیر علی ثانی قلاطون تھے بہ یہ چاہا آپنے اب سیرت کچھ جنت کی نہیں ہے سال وفات
 ان کا صنعت از سر آہ بہ ہزار حیف مسیح زمان نے رحلت کی بہ از شاعری لکھنوی
 جو رفت از جہان شیخ عالی نسب بہ کہ راز خفی بود بروے جلی بہ خرد از سر جہد تاریخ گفت بہ
 بود با علی حشر شیر علی بہ

حرف الصاد والمملۃ

لما صادق حلوائی سمرقندی علامہ زمان رتبہ ادا زین عالی ترست کہ در شمار شعرا
 در آورده شد ملاے خوش فہم و خوش بیان بہ مادہ بود بعد از تردد بسیار بہت و ستان آمدہ
 و کشان کشان توفیق رفیق اوشدہ بزیارت بیت اللہ و اما کن شریفہ آن دیار سرد و در سن
 منصہ و ہفتاد و ہشت ہجری مراجعت نمودہ قصد وطن مالوت کردہ را شتای راہ مرزا محمد حکیم
 وے را ہکا مل تکلیف توقف فرمودہ سبق شروع کرد وے در شعر گوئی سلیقہ خوب و
 فطرتی عالی داشت صاحب دیوانست از نتیجہ طبع اوست ے دل گم شد و نے
 دہم کس نشان از و بہ در خندہ است لعل نو دارم گمان از و بہ ولہ ضمیر دوست چو آئین
 ورمقابل ماست بہ در و معاینہ پیدا است انچہ در دل ماست بہ ولہ و در عشقت کز تو
 پیمان در دل و جان داشتم بہ شد عیان از چہرہ ام ہر چند نہان داشتم بہ
 سید صبغۃ اللہ بروچی انامش سید محمد الدین بن سید روح اللہ حسینی شاگرد

شیخ وحید الدین گجراتی و خلیفہ او بود زمانے حسب اشارہ پیر خود بدرس دارشاد مشغول ماند
 و گروہی عظیم از خلائق بحلقہ تلمذ و ارادت او درآمد نان بعد بحرین شریفین رفتہ شرف زیارت
 حاصل کردہ بوطن خود باز آمد و در سال ہنصد و نود و نہ ہجری بمالوہ قدم آوردہ و انا نجا
 باحمد نگر آمدہ تا سائے پایماے برہان الملک مر زبان مالوہ مقیم بودہ بارادہ حسین
 شریفین بگرے بجا پرگشت سلطان ابراہیم بجا پوری بخدمات لائقہ پیش آمدہ
 سامان سفر میا کرد و ہر جہاز خاص سوار کردہ سمت حرمین روانہ نمود سید موصوف
 مع توابع و خدام بحرین رسیدہ بعد شرف یابی زیارت در جبل احد قریب مدینہ منورہ
 رخت اقامت انداخت و جواہر خمسہ محمد غوث گویارے رامرب نمود کتاب الوحیدۃ
 و رسالہ ارادۃ الدقائق فی شرح مراۃ الحقائق و مالا یسع للمربا مصنفات دوست احمد
 شنادی و حسن قرائی و حبیب اللہ و عبد العظیم از تلامذہ وے اند و در سال ہزار و پانزدہ ہجری
 بمدینہ طیبہ علی صاحبہما الصلوٰۃ و التحیۃ رحلت فرمود رضی اللہ عنہ پروج بقعہ بای
 موحیدہ و سکون رائے مہملہ فتح داود جیم بروزن جعفر شہر یست بصوبہ گجرات
 صدر جہان پھانومی ساکن پھانی کہ دیہی است از توابع قنوج سیدی فاضل خوش
 طبع بود و کسب کمالات در خدمت شیخ عبد البنی صدر الصدور گنگوہی کردہ بسی شیخ
 موصوف چندین سال مفتی ممالک محروسہ بود و از بعد ہمراہ حکیم ہمام بالیچگیری نزد حاکم
 توران زمین رفتہ و باز آمدہ بصدارت سرفراز شد

قاضی صدر الدین جالندھری ثم اللہاوری در عہد اکبر بادشاہ قاضی
 بندر ہرودج ملک گجرات و انشمنہ شہر از تلامذہ مخدوم الملک عبد اللہ سلطان پوری دوست
 بود در تحقیقات از وفائق بودہ اعتقاد باہل تصوف و طبع خوش داشت باین ہمہ بسادہ
 روسے خود آن چنان مغلوب حسن ظن بود کہ اگر کسے را بشیوہ تجرید یافتی گو آنکس بتو بوی
 بلا زتش رفتی و دست بستہ ایستادی روزے یکے از بستہ عان عیار باو گفت کہ خضر
 علیہ السلام دایم ہمراہ منے باشد قلضے در پایش اقتادہ گفت کہ مرا بنام و عیار گفت
 الحال مرا فکر کہ خدائی دختر و سنگی بہت و آن موقوف بہ ہفت صد تنگہ است

بعد از فراغ خاطر ازین کار ترا بخضر ملاقی سازم قاضی نے الحال ہیفت صد تنگہ باود او احمد
از دو روز ناگس پیش قاضی آمدہ گفت بیا کہ خضر را بتو نمایم قاضی را بدربار بدعیار طویل القامتہ و
قاضی کوتاہ قد بود و در آبی کہ تا بجلق بود رفتہ است و گفت کہ بیا این جا خضر است قاضی
گفت من شناسوری نمی دانم چگونه بیایم مرگفت ترا بجای خضر دلالت کروم اگر تو متوانی آمد گناہ من
صدر الدین حکیم دہلوی عمرہ ترین اطباء وقت دی را در صنعت طب مہارت
تامہ بود از اجلہ خلفائے شیخ نصیر الدین محمود است و طفولیت منظور نظر شیخ نظام الدین
اولیاء نیز شدہ قصہ پیدائش وی بدعاے سلطان المشایخ در بودن پر یان وی را بنا بر عالجہ
بیمار در اخبار الاخبار مذکور است از تصانیف وے صحائف است بس فصیح و متین
مشتمل بر معارف و حقائق رحمۃ اللہ علیہ

مفتی صدر الدین دہلوی اصلش از کشمیر است وی در وہلی متولد شدہ اکتساب
علوم نقلیہ بخدمت مولانا شاہ عبدالعزیز و مولانا عبدالقادر و مولانا محمد اسحاق منوہ و علوم
عقلیہ از مولوے فضل امام خیر آبادی اخذ کردہ فائق الاقران شد از سرکار انگلیشیہ بعدہ
صدر الصدور وے و افتاء دہلی ہر بلندی داشت بامروت و احسان بود اکثر طلبہ
مدرسہ دارالبقا کہ زیر جامع مسجد ملی بود طعام دلہاس مے و ادبسال دوازده صد و ہفتاد
وسہ ہجری کہ زمان قدر بود با تمام فتوای جماد منصب و جائداد منقولہ و غیر منقولہ از دست
رفت و تا چند ماہ نظر بند بود بعد تحقیقات رہا شدہ جائداد غیر منقولہ با زیات جائداد منقولہ
کہ در معرض البیع من یزید در آمدہ واپس نشدند ان بعد ہم بدرس مے پرداخت طبع
مہزون داشت اشعار عربی و فارسی واردومی گفت و آذرہ تخلص وی بود و بسیارے
مردم از بلاد و امصار بعدہ آمدہ از مستفیدی شدند بوجہ کثرت درس و افتاب تصانیف
کم تو جہی داشت رسالہ مفتی المقال فی شرح حدیث لا تشدد الرجال و در المنصود فی حکم
امراة المفقود و اجوبہ کثیرہ استفتاها و دیادگار انداد و سال برض فالج مبتلا بودہ بعمر ہشتاد و
یک سالگی بروز پنجشنبہ بست و چہارم ربیع الاول سال دوازده صد و ہشتاد و پنج
ہجری وفات فرمود و مولوے نور علی الخاطب بہ شمس اشرف تاریخ و فائش

چہنیں یافتہ ہے چہ مولانا صدرالدین کہ در عصر امام اعظم آخر زمان بود و زبے صدر
الصدور نیک عمر و بعدل و داد چون نوشیدان بود و بر درخشندہ کرد جلست و کاین عالم نہ
جائے چادوان بود و بیع الاول و بیست و چهارم و دوا و ادسوسے دار الجنان بود و ظهور
الفسوس آن استاد ذی قدر و پدروارم ہمیشہ مہربان بود و چراغش بہست تاریخ ولادت
کنون گفتم چراغ دو جہان بود

مفتی صدرالدین لکھنوی (۱) الاولاد شیخ محمد عرف شیخ قاضی پسر اکبر شیخ اعظم ثانی بود
عالم سن و بزرگ طبع شعر گوئی داشت در زمانیکہ ارادت خان فوجدار لکھنؤ بہ بیت اقامت
خود محلہ ارادت نگر آباد کرد و عمارت عالی ترتیب داد صاحب ترجمہ در مدح خان مذکور
و تعریف عمارت قصائد و غزلیات نوشتہ از آن جملہ اینست **۵** ہمہ آفاق چون
جسم و جہان راجان ارادت خان بہ صفات عالیاتش گوہر بہست و کان ارادت خان بہ
شود آباد ہر جائے کہ افتد یک نگاہ او بہ خراب آباد گیتی را سر و سامان ارادت خان بہ
ولہ ایضاً ہر سوختہ مکان بہ ارادت نگاہ او بہ گریو یک خشک است کہ بابرگ تہ آید بجای
است مصفا کہ اگر دیدہ یعقوب بہ اندر نظر آرد غم یوسف بسر آید بہ وفاتش در سال ہزار و
ہفتاد و پنج ہجری واقع شدہ پسرش محمد صادق تاریخ وفاتش و تاریخ بنای مقبرہ کہ در سن
یازدہ صد و نہ تعمیر شدہ این چنین یافتہ **۵** شدہ تاریخ وصال و تاریخ بنیاد

کہ بود خانہ جنت ربی دوست خدا

مولوی سید صدیق حسن خان بہادر ابن مولوی سید آل حسن نقوی کنیت
شان الباطیب است بسال دوازده صد و چهل و ہشت ہجری بقنوج متولد شدہ علوم
درسیہ مروجہ مدت مفتی صدرالدین خان دہلوی و علوم تفسیر و حدیث و غیرہ از علمائے
ہند و بہند شل قاضی حسین بن عمن انصاری و شیخ عبدالحق بن فضل اللہ ہند و
شیخ محمد یعقوب دہلوی ہما جہر برادر مولوی محمد اسحاق دہلوی اکتساب فرمود از ہر یک
اجازت علمانہ نامہ یافتہ بطالعہ کتب تنوعہ علوم متعددہ پرداخت تا اینکہ مطیع سفرش
بر یاست بھوپال کہ از مالک مالوہ است رجل اقامت انداخت دران بلدہ ترقیات

سوز افزون استقبالش کردوزارت و نیابت چہ گفتہ آید بزوجیت رئیسہ بھوپال در سال
 دوازده صد و ہشتاد و ہشت ہجری رسیدہ بخطاب نوابی و خانی کامیاب گردید و نشان
 مجیدی درجہ ثانیہ از سلطان عبدالحمید خان عثمانی یافتہ دو فرزند از جنہ از بطن زوجہ دیگر
 و اسدیکے میر نور الحسن خان طیب دوم میر علی حسن خان ظاہر ہر دو صاحب علم و ثروت
 مثل پدر اند کتب مؤلفہ صاحب ترجمہ بزبان ہندی و فارسی و عربی کہ در مطالع بھوپال
 و مصر و قسطنطنیہ و غیرہ مطبوع شدند اسمائے آنها بذیل مذکور اند آبجد العلوم -
 اتحاف النبلاء - الاحقار - الادراک - الاذاعہ - جمل حدیث - افادۃ الشیوخ - اکسیری
 اصول التفسیر - اکلیل الکرامہ فی بیان مقاصد الایمان و الانتقاد الرجیح فی شرح الاعتقاد
 الصحیح - بدور الابلہ - بغیۃ الرائد فی شرح العقائد البہانۃ - اصول اللغہ - بلوغ السؤل من
 اقصیۃ الرسول - تہمتہ العصبی - ثمار تنکیت فی شرح ابیات التثبیت - الحجۃ فی
 الاسوۃ الحسنۃ بالسنۃ - حج الکرامہ فی آثار النبیامہ - الحزب الملکون من لفظ المعصوم لہامول
 حصول المامول من علم الاصول - المحطہ بذکر الصحاح السنۃ - حل الاسئلۃ المشکلۃ حقیقۃ
 الاکوان - دلیل الطالب الی ارجح المطالب - ذخیر المحتج من آداب المفتی - حیلۃ
 الصدیق الی البیت العتیق - الروضۃ الندیہ فی شرح الدرۃ البیہ - ریاض الجنۃ
 فی تراجم اہل السنۃ - السحاب المروم - سلسلۃ العسجد فی ذکر مشائخ السند - شمع الجن -
 صافیہ شرح شافیہ مضالۃ الناشد - ظفر الاضی بما یجب فی القضاء علی القاضی - العیرۃ
 مما حار فی الفرد الشہادۃ والہجرۃ - العلم الحقائق من علم الاشتقاق - عون البارکے محل
 ادلۃ البخارے - غصن البان غنیۃ القارے - فتح البیان فی مقاصد القساکن -
 فتح المغیث بفقہ الحدیث - الفرع التامی من الاصل السامی قصد سبیل قضا و الارب -
 قطف الثمر - کشف الالتباس روشیہ - لف القاطہ - لقطۃ الجمالان مشیر ساکن الغرام -
 مرائع الغزلان - مشک الختام شرح بلوغ المرام - منہج الوصول - الموعظۃ الحسنہ - نشوۃ
 السکران - نیل المرام من تفسیر آیات الاحکام - الوشی المرقوم - ہدایۃ السائل ليقظہ
 اوے الاعتبار - جمادی الثانی شب پنجشنبہ سال سیزدہ صد و ہفت ہجری

وفات یافتہ بجاک بھوپال مدفون گشت

صفی بن نصیر اسم شریف صفی الدین بن نصیر الدین بن نظام الدین است سلسلہ نسبش بچند واسطہ بامام ابو حنیفہ کوئی سے پیوند و امام ہمام رحمۃ اللہ علیہ از اولاد نوشیروان عادل شاہ علم بود با جملہ شیخ نظام الدین جد صاحب ترجمہ بالپسر خود نصیر الدین از مرزبوم غزنین بابتے چند حادثہ ہما کو خان بعد دولت علاء الدین خلجی رو بہندوستان نہادہ دستہ درویش قیام ورزید و در قضاوت مذکور قاضی شہاب الدین بن شمس الدین دولت آبادی ہم الزمان دیار فارودہ لی گشت و بزمرہ تلامذہ قاضی عبدالمقصد مباہمی گردید چون حادثہ مغل در دہلی رونودہ بعد سلطان ابراہیم شرقی قاضی شہاب الدین و شیخ نظام الدین جد صاحب ترجمہ از دہلی بچونہ نور قدوم آوردند قاضی و دخترے داشت ادرا بشیخ نصیر الدین بن نظام الدین منکوح فرمود از وسعہ پسر بوجود آمدند صفی الدین فخر الدین رضی الدین و ہر یک بخدمت قاضی شہاب الدین جد مادرے خود با کتساب علوم متداولہ دانشمند متبحر شدند شیخ صفی الدین بعد فراغ بدرس علوم متعارفہ پرداخت و بسیاری کتب عربیہ و فارسیہ از شروح و متون تصنیف فرمودہ آنان جملہ دستور المبتدے و حل التریب کافیہ وغایۃ التحقیق شرح کافیہ مشہور اند شیخ صفی الدین مدتے بدرس و تدریس گذرانیدہ بالاخر بتلاش شیخ دار و ردولی گشت ہمدان زمان سید اشرف جمانگیر کہ مرقدش در کچھوچھہ است دران بلکہ ردونق افروز بود چون شیخ صفی الدین بخدمتش رسید سید اشرف قدس سرہ بمجد دیدنش برخاست و قریب خود نشانید و ہمان ساعت وے را بسلسلہ چشتیہ نظامیہ مرید گرفتہ حترقہ خلافت عطا فرمود برادر خروشن شیخ رضی الدین دران ہنگام بردولی عمدہ قضا داشت شیخ صفی الدین ہم در انجا رخت اقامت انلاخت پسرش شیخ ابوالکلام اسمعیل است کہ رسالہ دستور المبتدے ہیجت تعلیم او تایید فرمودہ و نیز شیخ ابوالکلام را خرقہ خلافت خانلان چشتیہ نظامیہ پوشانیدہ بتاریخ سیزدہم ذیقعدہ سال ششت صد و نوزدہ ہجری بریاض رضوان خرامید

مولانا صفی الدین سرہندی مشہور بصفی القدر بن عزیز القدر بن محمد عیسیٰ بن

سیف الدین بن محمد معصوم الملقب بعبقۃ الوثقی بن مولانا شیخ احمد مجدد الف ثانی سرہندی
 دانشمند متبحر و محدث معتبر جامع علوم ظاہر و باطن تارک دنیا زاہد طالب المولے بود
 نواب نصیر اللہ خان مرزبان رامپور ہر چند جہت بخشی گری فوج خود ملتی شد و قبول
 نہ فرمودہ دوام بطلان کتب حدیث و تفسیر و اوراد اشتغال داشت بروز پنجشنبہ
 بست و بیستم شعبان سال دوازده صد و بست و شش ہجری بدلا بقاشتاقت

احرف الضاد المعجمۃ

خواجہ ضیاء الدین برنی مؤلف تاریخ فیروز شاہی کہ سال پنجاہ و ششم صدی ہجری
 اتمام یافتہ مسان کتاب تواریخ ہشت نفر شاہان کہ در مدت کود و بیست سال سلطنت
 کردہ اند و غیاث الدین بلبن تا فیروز شاہ ذکر نمودہ و قے مرید شیخ نظام الدین اولیا
 است مجموعہ لطافت و ظرائف بود و از ہر گونہ کلمات و حکایات یادداشت دور آخر
 واسطہ لطائف طبع و فن ندیکے کہ داشت خدمت سلطان محمد تغلق ممکن و مستقل گشت
 و بعد از دور دولت فیروز شاہ بپایان کفایت کرد و گوشہ گرفت کتاب حسرت نامہ
 و در تصوف ہم از تصانیف اوست و بعد وفات در جوار وضعہ شیخ نظام الدین
 اولیا مدفون گشت رحمتہ اللہ علیہ می گنیدہ زبان شیخ نظام الدین اولیا قدس سرہ
 سہ گس بنام ضیاء الدین بودند یکے قاضی ضیاء الدین سنائی کہ منکر شیخ بود و دوم خواجہ
 ضیاء الدین برنی صاحب ترجمہ کہ معتقد و مرید شیخ علیہ الرحمہ بود سوم خواجہ
 ضیاء الدین بخشبی کہ نہ منکر بود و نہ معتقد

خواجہ ضیاء الدین بخشبی بدایونی مرید شیخ فرید کہ نبیرہ و خلیفہ شیخ حمید الدین ناگوری
 است اورا تصنیفات بسیار است اناجملہ سلاک السلوک عشرہ بشرہ حکایات و جزئیات
 طوطی نامہ و غیرہ کتاب سلاک السلوک در شیرین بیانی و رنگین زبانی مشہور است و مشتعل
 حکایات لطیفہ کثرے تمامہ مدقے رحمتہ اللہ در سال ہفت و شصت و یک ہجری
 وفات یافتہ اورا اللہ در دست شدہ

قاضی ضیاء الدین سنائی دانشمند متبحر و دیانت و تقویٰ سے دست فہم

شیخ نظام الدین اولیا قدس سرہ بود و بر پائے شریعت بغایت قدم راسخ داشت و دائم بر شیخ
از جهت سماع احتساب کردی و شیخ باوے جز معذرت و انقیاد پیش نہ آمدی و در تعظیم صاحب
ترجمہ علیہ الرحمۃ دقیقہ نامری نگذاشتی اور کتابی است مسمی بہ لغصاب الاحتساب حاوے
برہ قائل و آداب احتساب و انواع بدعت و احکام سنت کے گویند کہ شیخ نظام الدین اولیا
در مرض موت قاضی ضیاء الدین بیادات دے رفت قاضی دستار چھ در پائے انداز
شیخ انداخت شیخ دستار چھ بر چید و بر چشم نہاد شیخ ناگہ پیش دے بہ نشست
قاضی چشم باوے دو چار نکو و چون برخاست و بیرون آمد آواز فوٹش برخاست شیخ
می گریست و تاسف میکرد کہ یک فائز حامی شریعت بود حیف کہ آن یزید رحمۃ اللہ علیہما
در تذکیر ضیاء الدین سنائی ناند از سہ ہزار مردم حاضر می شنید نقل است کہ وقتی شوارب
شیخ شرف الدین ابوعلی قلندر پانی پتی بغایت دراز شدہ بود کہ کسی را مجال آن نبود کہ بوے
امریض آنہا کند مولانا ضیاء الدین سنائی کہ جو ش شریعت در برداشت مقرض بر گرفت
و محاسن شریفش در دست گرفتہ قص شوارب کرد گویند کہ بعد از آن شیخ ابوعلی قلندر
ہمیشہ محاسن خود باو سپردی و گفتی کہ این در راہ شریعت عمدہ گرفتہ شدہ است قدس سرہ
حافظ ضیاء اللہ بگرامی از سادات و اسطی بگرام و فضلای علیی ان مقام است
و تازی قرآن مجید و عالم کامل بود و ہوارہ بدین طلبہ اشتغال داشت مد تشر و نظم عربی و فارسی
بلند پایہ بود و نشانیش بعد فوت او بدو دفتر ترتیب یافتہ و میر عبد الجلیل بگرامی بیان
در باب چہ نوشت دے بسال ہزار و یک صد و نہ ہجری الزوار دنیا با آخرت رحلت فرمود

حرف الطاء المهملة

سید طفیل محمد آترو لوی ابن سید عکرا اللہ الحسینی آمد لوی البگرامی دانشمند فخر
جامع علوم ظاہر و باطن طبع موزون داشت بتاریخ ہنرمند گنجہ سال یک ہزار و ہفتاد و ست ہجری
در قصبہ آترو لی متولد شد و عمر هفت سال بحیث عم خود سید احسن اللہ شاہ جہان بگاد رفت
و بعد از آن کتاب علوم آغاز کرد و بسن ادل میزان صرف از سید حسن عرف رسول ناگہ از
مشاہیر عرفاے دہلی بود و خواہد از اہل تاسخ جامع از علم خود سید احسن اللہ

قرارت کرده بعمر پانزده سالگی مجروح بلگرام آمده دیگر کتب درسیه از سید مرئی بلگرامی و سید
سعد الله بلگرامی و قاضی علیم الله گنجدوی و مولانا قطب الدین شمس آبادی استفاده نموده
و بعد فراغ علمی در بلگرام رخت اقامت انداخته عمر خود در خدمت علوم شریف صرف نمود
و گریه کثیر افاضل از دو کامیاب شدند تاریخ بست و چهارم ذیحجه سال یک هزار و یکصد و پنجاه و
یک هجری وفات یافته در بارغ محمود نگر واقع بلگرام مدفون گردید مشرق الله ضریح - آترولی
بضم حمزه و سکون تاء نو قانیه دفع راء ممل و سکون و او و کسر لام و سکون تحتانیه
تعبیه ایست از توابع اکبر آباد

شیخ طیب رفیقی ابن احمد بن مصطفی بن معین الدین رفیقی کنیت او ابوالمصطفی و در
پانزده صد و نود و یک هجری ولادت یافته فقیه و محدث بود و بعد خواندن قرآن مجید
علوم متعارفه ظاهر و باطن از پدر بزرگوار و عم و بنی عم خواخته نموده و دست ارادت بدست
پدر داده بصحبت اولیاد و مشایخ عظام مستفیض گشت و از میان عبدالحیدر تعلیم طریق
تادریه و کبریه و شطاریه یافت و جمیع غیر از علماء و فضلاء مجدتش مستفید شدند و در آخر
عمر خود بسجده متکلف شده بقیام لیل و صیام نهار سه پر و اخذ و بعلم حدیث و فقه و
سلوک و معرفت کتب متعدد تصنیف کرده حامی مذہب حنفی بود و بروز و دو شنبه
ماه شوال سال دوازده صد و شصت و شش هجری وفات یافته

حرف الظاء المعجمة

مولوی ظہور الحق فرنگی محلی ابن مولوی از بارالحق تحصیل علوم مرسوم متعارفه نموده
قرآن مجید حفظ کرده اشتغال بقراءت آن و تفسیر مبنی و مطالعہ کتب حدیث میداشت
و آنچه به معقولات برگزینے کرد و برائے رفع عسرت سفر کلامه و مدراس و حیدر آباد
اختیار کرد لکن زیادت از نصیب نیافت النصیب نصیب الغرض
تمام عمر به تنگی بسر برد

مولوی ظہور الله فرنگی محلی ابن مولوی محمد ولی بن مفتی غلام مصطفی از سن هزاره
یک صد و هفتاد و چهار هجری ولادت یافته از والد ماجد خود و عم بزرگوار ملا محمد حسن

اکتساب علوم کرده در عهد بین الملک سعادت علی خان نواب کهنه عهد افتامیابی گشت
پس بوجوهی چند که خداوند تعالی داند از عهده افتام عزل شده بر فاق حکیم مهی بعلخان
نائب نواب موصوف رسیده بسفارش دے بست رویه ماهوار از سر کار نواب
دے یافت بعد وفات سعادت علی خان پسرش غازی الدین حیدر ثانیاً اورا
بر عهده مذکور منصوب کرد تعلیقات حاشیه نادر بر شرح تہذیب منطق و حاشیه بر
دعوت شمس یازم از تصانیف اوست و بدرس اشتغال داشت در عصر خود نامی بر آورد و
توے بخدمت او تحصیل علوم کرده و جمعی از فیض و کامیاب گشته

حرف العین المهملة

ملا عالم کابلی عارف مخلص ملائی شیون ادائی خوش طبعی معذون حرکاتی بود زمان بحث
و غیر آن غنمائے گشت که از خنده هلاک بالیتی شد از بیاض خود تقریب و بحث شرح
مقاصد نوشته و اشعاری کرده که این عبارت از کتاب قصد است که از جمله مصنوعات
کاتب است و همچنین تجدید در مقابل شرح تقریب و یک و حاشیه بر مطول نوشته
و گفته که این تقریر نقل از کتاب طول است که در برابر مطول و اطول است و تا بیف در
شرح حال مشایخ هند بنام فونخ الولاية نوشته مصلح الجبرس تدوالات العقول
بحر الجود و عوالم الآثار هم از تالیف اوست بسال نصد و نود و ده و بهری وفات یافت
مولوی عالم علی مراد آبادی ابن سید کفایت علی ابن سید فتح علی ساکن قصبه نگین
صلح بخنور دار در مراد آباد عالم و حافظ و طیب و قاری بود و در خدمت اساتذہ ذیل تلمذ
یافت مولوے فرید الدین سهارن پوری ملا غفران رام پوری حافظ شبراتی رام پوری
مولوے محمد رام پوری مفتی شرف الدین رام پوری مولانا ملک علی نانو ترمی
مولانا محمد اسحاق دهلوی حکیم نصر الله خان تلمیذ حکیم شریف خان دهلوی حکیم
غلام حیدر خان دهلوی مولوے فائز علی نگینوی مولوے تنویر علی نگینوی رساله
فضائل صیام و رساله فضائل رسول مقبول صلعم و رساله قراءت صد و عجم و رساله
تجدید و شرح ضابطه شرح تہذیب بیرونی از تصانیف مشهوره دی اند تا بیخ بستم

رمضان المبارک روزِ پنجشنبہ مابین عصر و مغرب سالِ دواوہ صد و نو و پنج ہجری بمشرقت
 و ہفت سالگی رحلت فرمود بابل و جنان باد مسکن بہ ماوہ تاریخ فوتش یافتہ اند
 حافظ عبداللہ اعظم گدھی ساکن قصبہ مصلح اعظم گدھ مولف رسالہ تسلیل القرائض
 وغیرہ کہ باوصاف حسب آراستہ و بفضائل کسی پیراستہ است اکثر کتب درسیہ از فاضل
 صدوق مولوی محمد فاروق عباسی چرپا کوٹی خواندہ و بعض کتب حدیث از مولوی نذیر حسین
 محدث تزیل دہلی سماعت نمودہ و تے بدر سہ چشمہ رحمت غازی پور بتدریس بسر بردہ
 و صد ہا طلبہ علوم را افادہ داد و لکچرہ عصیت سلک قشربان حدیث از پایہ خویش
 انخطاط پذیرفتہ سلمہ اللہ تعالیٰ

شیخ عبداللہ تبلیبی ابن شیخ اکبر داد عثمانی تبلیبی دے تاج العلماء سراج الفضل و یگانہ عصر
 در معقول و مقول و یکتاے دہر در فرم و حصول بودید تے بوطن خود قصبہ تبلیبنہ مضاف
 ملتان بدیس و افادہ طلباب اشتغال داشت ہنگام خرابی ملتان بعد سلطان سکندر
 لودھی بدے آندہ رخت اقامت انداخت و علم معقول ما دران دیار دواج دادہ
 قبل ازان بغیر از شرح شمس و شرح صحائف از علم منطق و کلام در ہند شایع نبود
 سے گویند زیادہ از چہل عالم غریب و پتھرازیاسے دامن شیخ عبداللہ مثل میان لادن و
 جمال خان دہلوی و میان شیخ بودے و میران سید جمال بدایونی وغیرہ بر جاستہ
 اند چون سلطان سکندر بوقت درس پیش شیخ عبداللہ سے آمد بتقریب آنگہ مہادخل مد
 سبق طلبہ افتد نہان در گوشہ مجلس آہستہ سے نشست و بعد از فراغ درس سلام علیک
 گفتہ بایکدیگر صحبت سے داشتند بدلیح المیزان شرح میزان منطق از تصانیف اوست
 وفات دے در سال بست و دوم ہدی دہم بود اولنگ لم الدرجات العلی تاریخ
 رحلتش یافتہ اند

آنخوند عبداللہ کشمیری ابن خواجہ محمد فاضل ٹوبہ بگردی شاگرد ملا محمد حسن دامان اللہ
 شیخ الاسلام از نقول علمائے کشمیر و مرید و خلیفہ قاضی شاہ بود سیر و سیاحت پشاور و
 لاہور کردہ بہ منصب افتاے کشمیر سر بلندی یافت بالاخر تلک شدہ بعبادت الہی

مشغل گشت بابا محمد عثمان و بابا عبداللہ و ملا عبداللہ و میر محمد الدین قادری و قاضی
محمد حسین و ملا نور الدین و قوام الدین محمد مفتی علماء کشمیر از تلامذہ و چند در منتصف شوال
سال یازدہ صد و ہفتاد و یک ہجری وفات یافت

شیخ عبداللہ مدنی اود شیخ رحمت اللہ مدنی سندھی و عزیز بودند از فقہائے صوفیہ
از مدینہ منورہ بدین دیار کشریف آورده افادہ علم حدیث نبوی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نموده
طلبہ این دیار ایشان را شیخین مے گفتند حاجہ عبدالشہید عبداللہی رح مے فرمودند کہ این
شیخین یاد از ان شیخین مے دهند کہ ابو بکر صدیق و عمر فاروق با شہد رضی اللہ عنہما
ہر کدام آیتہ در علم و عمل و تقوی و ورع بودند نظیر ایشان از ان مقامات شریفہ بدین دیار
کس نیامدہ ایشان از یاران خاص و خلفائے شیخ علی متقی بودند بعضے حکام کا از جانب
سلطان روم بمکہ معظمہ مے آمدند و بہ شیخ اقتقاد و بندگی بسیار داشتند شیخ از برای
اکثر اصحاب و خدام و فقراء خود و وظیفہ از ایشان مے گرفتند الا ایشان را و بندگی شیخ عبدالوہاب
را زیرا کہ وجہ این مال خائے از شبہ نبود والد شیخ رحمۃ اللہ علیہ قاضی عبداللہ
از ولایت سند در بعضے حوادث روزگار بقصد زیارت سید کائنات صلی اللہ
علیہ وآلہ وسلم و توطن مدائن مقامات باہرکات ہا جمعی کثیر از فرزندان و اہل رعایا
برآمدہ چند گاہ در احمد آباد اقامت نمودہ با شیخ علی متقی صحبت داشت و بعد از وصول
بمقامات شریفہ در مدینہ منورہ توطن فرمود و در اندک مدت در گذشت و این شیخ
عبداللہ دیار و مصاحب قاضی عبداللہ بود و نشو و نماے ایشان در مدینہ منورہ بود و سالہا
در ان مقامات شریفہ ہدرس و عبادت گذرانیدہ بجمت بعضے حوادث و بواجث
در حدود سن سبع و سبعین و تسعماتہ درین دیار آمدند بعد از عود چند گاہ در احمد آباد
کہ حکم وطن اصلی ایشان داشت اقامت نمودند و در احسن ہر دو بزرگ بفادات چند
سال در عین مرض کہ فوت حس و حرکت مفقود بود از احمد آباد برآمدہ غریبت آن مقامات
شریفہ نمودہ برآمدند و تا وصول بمکہ معظمہ فرصت یافتہ عنقریب بدار بقا رحلت
فرمودند رحمۃ اللہ علیہما

سید عبداللہ لاہوری ابن سید عبدالخالق بھاکری از سادات عظام و مشائخ کرام
سلسلہ قادریہ جامع علوم عقلیہ و نقلیہ بود تمام عمر شریف خود در تعلیم و تدریس فقہ و حدیث و
تفسیر بسر بردہ و سائلانی را از در فیض مظهر خود و نکلودہ در سال نصد و چهل و دسہ ہجری رحلت
فرمودہ بلاہور و در جوار مزار سید جان محمد مدفون گشت

ملا عبداللہ سلطان پوری از قوم انصار آبائے او در سلطان پور سکونت اختیار
کرده بودند از قول علمائے زمان و یگانہ دوران بود خصوصاً در علم فقہ و تعلیمات گوی سبقت
ربودہ در عربیت و اصول و فقہ و تاسیخ و سایر تعلیمات تصانیف لائقہ و
رائقہ دارد از آن جملہ کتاب عصمۃ الانبیاء و شرح شمائل النبی صلعم مشہور انداز ہمایون بادشاہ
بر محمد ام المملک و شیخ الاسلام مخاطب شدہ در ترویج شریعت غرہ ہمیشہ سعی بلغی می نمود
سنی متعصب بود تا اینکه در فرات روضۃ الاحباب را می گفت کہ از میر جمال الدین محمد طحطاوی
درین باب مولوی عبدالقادر بدایونی با او مکالمہ کرہ کہ تفصیلش در منتخب التواریخ مذکور
است ملا موصوف در عمد اکبر شاہ آن چنان تمول شد کہ بعد فروش سر کرد از خانہ او برآمدہ
وے بحدہ و کالت دیوان خانہ عالی سرفراز بود در سال نصد و نو ہجری وقت الفراف
انکہ مغلہ و راجہ آباد گجرات رحلت کرد سلطان پور و حضانات لاہور است

مولوی عبداللہ سنیللی ابن سید زین العابدین مخدوم زادہ قصبہ سندیلہ شاگرد مولوی
محمد عبداللہ سنیللی و مرید شاہ عبدالہاسطیٹھی بود و اجازت خاندان چشت از شاہ قدرت اللہ
قدوائی صنفی پوری حاصل نمودہ در علوم ظاہری و باطنی مہارت کامل داشت بر وزن پنجشنبہ
بعد نماز عصر و بروز جمعہ وقت نماز جمعہ حالت مجذوبانہ بروی طاری مے شد سوے
این دور و در بقیہ ایام سالکانہ بسری بروزارش در مقابر بلخ امرہ قصبہ سندیلہ است
عبداللہ شطاری ابن شیخ ہلول سنیللی دشمن متصوف صاحب تصانیف
ایق بود کتاب سراج السالکین انیس المسافرین و اسرار الدعوات و کنز الاسرار و فکال الشطار
و شرح رسالہ غوثیہ وغیرہ از تصانیف اوست واقع بہست و سوم حمادی الاول سن ہزار
دہ ہجری در بلدہ اگرہ رحلت فرمود رضی اللہ عنہ

شیخ عبد اللہ بدایونی از نواحی سامانہ کہ مسکن آبا و اجداد وے بود بجانب دیلی سفر اختیار
 کردہ بقراءت قرآن و طلب علم مشغول شد بالآخر جمعی از علمائے نامدار و مشائخ کبار امد یافتہ
 از فحول دانشمندان عهد گشت دست ارادت بشیخ عبد الباقی چشتی بدایونی روح اللہ رحمہ دادہ
 و نیز بخدمت شیخ صفی قدس سرہ پیوستہ تکمیل رسیدہ و نعمت علم ظاہر از اکثر مقتدایان وقت
 خویش یافت خصوصاً از شیخ لادن دہلوی و سید جلال بدایونی و بعد وفات سید جلال
 قائم مقام او شدہ سالہا در بدایون بدرس افتادہ فرمود و خیل از دانشمندان نامی از دامن ادب برخاستہ
 و بروش سلف اشیای ضروری و مایحتاج از بازار خانہ خود برداشتہ مے آورد و در آشنائی
 راہ جماع طلبہ را سبق نیز مے فرمود ہر چند طلبہ منع تصدیع مے نمودند و می گفتند کہ این خدمت
 مایان ہما آریم قبول نمی داشت و با وجود اجازت از بزرگواران معید بشیخی و مریدی نبود بلکہ
 احتراز تمام از ان وادی داشت ملا عبد القادر بدایونی شرح صحیفہ در علوم کلام و تحقیق مد علم
 اصول فقہ بخدمت وے استفادہ نمودہ دے در تحفہ التواریخ مے نویسد کہ مہترشدان
 افکالات دقیق بی آوردند ہرگز ندیدم کہ او را در اقلادہ و افتادہ و حل آن باجاث شریفہ و نکات
 غاصدہ احتیاج بمطالعہ کتب افتادہ ہاشمیانہ کتبہ جمع نظریات پیش از ویدہی بودند بالجملہ تاسن
 نو سالگی زندہ بود و تاریخ وفاتش جاسے بغیر مولات نرسید

مولوی حافظ عبد اللہ بلگرامی حنفی مذہب قادری مشرب ابن سید آل احمد و سلمی
 بلگرامی بتاریخ بست و یکم جمادی الاول سال دوازده صد و چهل و ہشت ہجری بقصبہ بلگرام لاؤ
 یافت سلسلہ نسبش بحضرت زید بن زین العابدین بن سیدنا حسین بن سیدنا علی کرم اللہ
 وجہہ مے پیوند و بعضے بزرگانہ از مدینہ منورہ بشہر واسط آمدہ رخت اقامت انداختند
 و از اولاد انجادش سید محمد صفری در سال شصت و چہار و ہجری بقصبہ بلگرام کہ سابق بقان
 تاش سرے لگو و آمدہ توطن گشت و از چند قبائل متفرع و تشعب شدند انا جملہ پنج بیتا
 یعنی اولاد برادران پنجگانہ اند و ہمان قبیلہ پنج بیتا صاحب ترجمہ منسوب است بالحمد مولوی
 عبد اللہ بھر دوازده سالگی بعد ختم قرآن مجید و کتب مروجہ فارسی از وطن خود ہجرا می والد ماجد نیز
 خال خود سید فرزند حسین عرف گھوڑے سیان بکا پور آمدہ تحصیل کتب عربیہ صرف شدہ

در ضمن آن از حفظ قرآن مجید فراغت یافت کتب مرث و نحو و مختصرات منطق بخدمت بعض
 تلامذہ جناب مولانا محمد سلامت اللہ بایونی کانپوری خواندہ بعد از قطعی تا شرح سلم محمد اللہ
 خاص بخدمت مغز الیہ اکتساب نموده و بقیہ کتب منطق و فلسفہ و قصائد عربیہ بخدمت
 مولانا فضل حق خیر آبادی بمقام رامپور و لکھنؤ استفادہ کرد و آن بعد دیگر کتب درسیہ فقہ و حدیث
 و تفسیر و غیرہ بریاست الہد از مولوی نور الحسن کاندھلی کہ در معقولات تلمیذ مولانا فضل حق
 خیر آبادی و در حدیث شاگرد مولانا محمد اسحاق دہلوی بودند با تمام رسانیدہ بکانپور معاودت
 نمودہ باز بخدمت مولانا محمد سلامت اللہ مرحوم بیضاوی شریف خواندہ بگاہ شوال سال اواند
 صد و ہفتاد و شش ہجری پس فراغ حاصل فرمود و نیز از سید احمد دحلان مفتی شافعیہ و مدرس
 مسجد بیت اللہ الحرم سند فقہ و حدیث و تفسیر یافتہ و بخدمت حافظ عبد الغفر دہلوی فلیفہ سید شاہ
 آل احمد نادرہروی عرف ابی محمد میان صاحب بسلسلہ قادریہ شرفیعت شدہ و سنہ خلعت یافتہ
 بمصحب مدنی مدرسہ عربیہ بنارس در سرکار انگریزی عزائمندان داشت تصانیف را نقلہ یادگار
 گشتہ بتاریخ یکم رمضان روز یکشنبہ سال سیزدہ صد و پنجم ہجری از دارقانی بجام جادو اساتذہ
 رحلت فرمود شاعری تاریخ و نقش چنین یافتہ قطعہ نکو سیرت جو عبد اللہ حافظ بن سوی ملک تھا
 ناگاہ رفتہ بہ سال رحلتش ہاتھ نداد و بیعت پاک عبد اللہ رفتہ تصانیف فقہ رسالہ عین اللغات
 فی کشف الاحناف و در بیان اضافت بہ عمالہ ہادیہ در حرمت شطرنج و گنجینہ و غیرہ بہ حاشیہ ہادیہ فقہ
 از کتاب البیوع تا کتاب الشفعہ بہ تحفہ علیہ حاشیہ ہدیہ سعیدیہ در علم حکمت طبعی بہ فیض فارسی
 در قواعد فارسی بہ تشریح النورینی و قواعد نحو بزبان اردو کہ در حلقہ آن از سرکار انگریزی دوسہ
 روپیہ عطا شدہ فیض الصرف قواعد صرف عربی بزبان اردو بہ دفتر عصمت تذکرہ زبان
 شاعرات بہ تشریح الانشارب شاہد نظر شرح گلہ شدہ انش و حل غوامض شرح اشعار اردو
 علاوہ آن رسائل برفوت و ہابیہ و تصانیف مکاتیب عربیہ و قطعات و اوریخ عربیہ و
 فارسی از بیستان یادگار اند۔

مولوی عبد الاعلیٰ فرنگی علیٰ خلف اکبر طاعہ العلیٰ بحر العلوم بن طانظام الدین بن ملا
 قطب الدین الشہید السہاوی تحصیل کتب درسیہ بخدمت پیر بزرگوار خود نمودہ چند سہ

اشتغال بتدریس داشت در مدراس چنانکه یاس از حیات او روداد از والد خود و خصیت
 وطن خواست هر چند والد ماجد شان ملغ شد که درین بیماری مسافت بعید و چگونگی خواهد
 از اراده خود باز نه آمد و خصیت شده روانه کهنه گردید و در اثنای راه در سال دوازده صد و
 هفت هجری وفات یافته شاعری تاریخ و تلش چنین گفته **هـ** زین جهان رفت چو عبدالاعلی
 یافت در خلد مقام اعلیٰ بدست و شتم زنده شعبان بوده رحلت از عالم اجسام نموده گفت
 تاریخ وفاتش رضوان بکرو آرا گله خود بچنان بـ

مولوی عبدالاعلی بنارسی ابن حاجی شاه کریم الله الصدیقی النقشبندی از نوح فاریبی
 زمانیه آمده در بنارس سکونت پذیر شد صاحب ترجمه علیه الرحمه سال دوازده صد و چهار هجری
 ولادت یافته علوم ظاهریه متعارفه از والد ماجد خود و نیز علمای عصر تحصیل فرموده فائق الاقران
 گشت و علم باطن از والد خود شاه کریم الله تعلیم و تلقین یافته بدرس و افاده طلبه شاغل قانع و
 صاحب درج و تقوی بود کتاب هدایه المسلمین و تهذیب المنطق منظوم فارسی و غیره از تصانیف
 وی یادگار اند بمقام بنارس در مدرسه موسوم به جی نرائن کلج بعده مدرس اول عربی ممتاز بود
 از آن مستغنی شد و لعبادت الهی اوقات شریفش صرف می نمود که در سال دوازده صد و
 هفتاد و چهار هجری بمصر هفتاد و سالگی ازین جهان فانی بعالم جادوانی شتافت و در قاطان بلخ
 شاهزادگان بنارس مدفون گردید روح الله روحه الاشی

سید عبدالاول زید پوری بن علاء الدین حسینی آبا و اجداد زید پور بوده اند که قصبه اسپت
 از مضائق جوینور بعد از آن ولایت دکن رفتند و لاوتش بهمدان جاشد و بهانجا تحصیل
 علوم نمود و اداوت به بعضی ادا و لا و سید محمد گیسو در از داشت جامع جمیع علوم عقلی و نقلی و رسمی و
 حقیقی بود در اکثر علوم تصنیفات دارد فیض الهامی شرح صحیح بخاری رساله فرائض منظوم رساله
 فارسی در تحقیق نفس و تنقب کتاب سفر السعاده الزمینی و مے مشهور اند و علاوه آن
 بر اکثر کتب حاشی و شروح و تعلیقات داد و در آخر عمر بطلب خانقاان محمد میر خان بهلی آمده

در سال نهصد و شصت و هشت هجری بر حمت حق پیوست

خواجہ عبدالباقی باقی بابتد و بلوی نقشبندی امام وقت و مقتدای زمانه جامع کمال است

ظاهر و باطن زاهد و متقی متصف بخصائل حمیده مخزن سجایای پسندیده بود و در احوال انکامل بسر فرمود
 اقدام آورده و بعد تحصیل علوم فقه و حدیث و تفسیر و غیره دست ارادت بخواجه محمد انکلی خلیفه خواجه
 مددیش محمد داده مرید وی شد و بعد تکمیل کمالات باطن غرقه خلافت یافته رونق افروز و بی گشت
 و بدس و ملقین خلایق بسر می برد وی رحمة الله علیه نهایت کم گو کم خور و کم خواب بود و بعد از
 عشا تا نماز تہجد روزانه دو مرتبه قرآن شریف ختم نمودی از اجله خلفای دی مولانا شیخ احمد
 سرزندی محمد دالت ثانی است بست و پنجم جمادی الاخری سال یک هزار و دوازده هجری بدری رحلت
 فرموده متصل قدم رسول به محله کجشک گیران مدفون شد

مولوی عبدالباسط بن مولوی رستم علی قنوجی در حدیث و تفسیر و اصول و فروع
 بطریق داشت تفسیر و الفکار خانی می نوشت که کمال از اتمام تفسیر عمرش در سال دوازده صد و
 بست و سه هجری تمام شده بجز از رحمت حق پیوست غفر الله له رساله عجیب البیان فی
 علوم القرآن هم از تصنیفات اوست

مولوی عبدالباسط ذرنگی محلی ابن مولوی عبدالرزاق بن مولوی جمال الدین احمد کتب
 مدسیه بخدمت والد خود خوانده فارغ التحصیل گشته حنط قرآن مجید بنود جوان صالح و عابد بود و
 بهجت بمولوی عبدالوالی داشته بسرکار نواب نظام حیدر آباد بمشاهره چهار صد و دویست و بیست و یک ملازم شده
 بتاریخ بست و دوم ذیحجه سال دوازده صد و نود و پنج هجری در عین شهاب به گلگشت
 رمضان خرامید رحمه الله تعالی

مولوی عبدالحامد ذرنگی محلی ابن مولوی محمد تافع بن مولانا عبدالحی بن محمد العلوم تحصیل
 کتب مدسیه نموده گویا به معاشی صورت درس بطور نرسیده به حیدر آباد کن رفته
 در آنجا بتاریخ بست و دوم شوال دوازده صد و هفتاد و دو هجری وفات یافته به پهلوس
 قبر مولوی محمد غضنفر مدفون شد

مولوی شیخ عبدالحلیل سنیل ابن حافظ دوزش علی بن شار علی باه ذیحجه سال
 دوازده صد و هفتاد و سه هجری متولد شده اولاً قرآن مجید حفظ کرده مختصرات صرف و نحو بخدمت
 جلاله ماجد خود گذرانده بخدمت مولوی حافظ شوکت علی سنیل و مولوی سید محمد علی

مذکورہ مولوی محمد کمال عظیم آبادی و مولوی حکیم عبدالحمید عظیم آبادی و مولوی مقیم الدین ساکن
لوٹ محمد متعلقہ دیرہ اسماعیل خان و حکیم عبدالعلی لکنوی تکمیل علوم درسیہ نموده فی الحال مدرس
درسیہ شلوکت الاسلام سندیلہ اندازایام تحصیل تالیف وقت اشتغال بشد رئیس طلبہ دارند رسالہ
ہدایۃ الکبریٰ لاقتعال الدوار من درجۃ الی الاخری و رسالہ البرق الحافظ فی علوم النبض و
المعارف و رسالہ الشہاب الثاقب علی منکری ردیۃ اللہ واجب التالیف و سہ اشعار
نظمہ اللہ تعالیٰ بہ و و کوی نسبت بہ دو کہ دان قصدہ ایست از مضامین جالبہ شوقہ
مدرسہ ایست کما ترم مولوی حافظ محمد شلوکت علی رئیس سندیلہ ہذا نموده در کثیر بار بار
اساتذہ و طلبہ صرف سے فرمایہ جزا اللہ خیرا

سید عبدالجلیل بلگرامی ابن سید محمد حسینی و سلمی طوائش بتاریخ سنہ ہجری ۱۲۸۰ سن یکتر
و ہفتاد و یک ہجری مد بلگرام وقوع یافتہ اخذ علوم عقلی و نقلی از مولانا غلام نقشبند لکنوی کردہ
فائق الامثال و الاقران گرویدہ و سند حدیث از سید مبارک محدث بلگرامی شاگرد شیخ قدس حق
حاصل نموده و تفسیر و حدیث و تاریخ و لغت و ادب و شعر گوئی ساداتی بہرمان عربی و فارسی
و ترکی و ہندی طلاقتی و افرواشت و بہر زبانی تصنیفی و تالیفی انبیا از یادگار اند و احمد
اورنگ زیب تازمان فرخ سیراوشاہان دہلی مجددہ بخیرگی و سوانح نگاری باغز اتمام بسودہ
ہر گاہ در سن پانزدہ صد و یازدہ ہجری اورنگ زیب عالمگیر بادشاہ قلعہ ستار فتح نمود و سید عبدالجلیل
و ریک شب یازدہ قطعہ تاریخ آن فتح نظم نموده رسالہ موسومہ گلزار فتح شاہ ہند و طوی نامہ
غیر مندی شاہ عالمگیر ترتیب دادہ و بحضور شاہ گذرانیدہ مورد الطاف خسروانہ شد و طرفہ ایک
ادبہر دو نام رسالہ مذکور تاریخ فتح قلعہ ستارہ برے آید و قطعہ تاریخ ازان رسالہ کہ بطرز استنباط
الغنیہ است بنابر زہد ناظرین حوالہ قلم می شوند قطعہ تاریخ و عربی لما توجہ سلطان الانام
الی رب السموات فی تائید اسلام بہ افرہامہ فی اصل خضرہ بہ بود یا قادر اقبال حاکم ہماضین
افتتاح الکھنقا بہ حصن گلن عبدوالجبار صناعم بہ نظرت فی الفات و بی اربعۃ بہ من
طریق ابہامہ من غیر ابہام بہ وجہ تنہا عام الفتح حنیفہ بہ رقیما علی ستہ من مہابہام بہ اللہ تلک
یدہنا قد ترعت بہ لنا ظہرین فی اللہ العزیز السامی بہ ہذا لہدیع من التاریخ الشاہ بہ عبدالجلیل

بجلی

بنائیدات امام: ایضا بفارسی جو شهر لاهور نیر غفر آید و جو روزیم غفر و شهره بعلوم
 کفر شد مفتوح فی الحال و نتیج او عدد شد پاره پاره و زانگستان شهر بر پیا بهام و جزایا بافت کرم
 شماره و بعینه بود شکل سال هجری و به تاریخ تفسیر شماره و چنین تاریخ گفتن اختراست و شد تا قبل
 این آشکاره: سید جلیل القدر مذکور الصد شنبه تاریخ نسبت و سوم ربیع الآخر سال پانزده
 صد و سی و هشت هجری در بلده شاهجهان آباد رحلت فرموده بمقام بگرام بطن خود مدفون گردید
 نور الله مقصد تنسید غلام علی آزاد حسان الله در آید که به لادین احسنوا الحسنی و زیاده تاریخ و فاش یافته
 مولوی عبدالحق رامپوری خلف ملا محمد عمران رام پوری شاگرد الله خود و در سال پانزده
 صد و نود و دو و هجری بمک و کن رحلت کرد

شیخ عبدالحق دهلوی ابن سیف الدین بن سعد الشافعی الکلب الدهلوی بخاری کنهت او
 ابو الجهد بود یکی از اجدادش از بخارا آمده به بلخی سکونت پذیر شد و بی رحمة الله علیه به ماه محرم سال
 نهصد و پنجاه و هشت هجری ولادت یافته تاریخ ولادت او شیخ اولیا است و از بهر شوق علم و محبت
 بطاعت حق و طلب علم به قریب یلوع اکثر علوم دینی فرا گرفت و بهر محبت و دو سالگی از فضل
 و کمالات فراغ حاصل نموده بقرآن شریف حفظ کرد و با جمله فقیه و محدث بقیه سلف و مجتهد خلف
 جامع علوم ظاهر و باطن بود علم حدیث به محرومه هندوستان از و شروع یافته ویرا قبولیت خدا داد
 حاصل بود که فرموده از افراد انش بزرگواران داد پسند با انکارش لب نکشاده و بی درغ و غش و شاب
 محرمین شریفین تسبیح شده و در آن دیار بر الوار با علما و مشایخ وقت خصوصاً شیخ عبدالوهاب
 متقی خلیفه و جانشین شیخ علی متقی صحبت داشته تکمیل فن حدیث را بدرجای عالی رسانید و باریکات فرائد
 مراجعت بطن مالوف فرموده بشر علوم و افاده خلافت شتغل گشت که گویند که تصنیف فاش
 خود و کلام از عهد تجا و فدا که فی زمانه باعث فخر علما و دستور العمل او نمایان هستند چون طبع
 موزون داشت و شعر تخلص حتی می کرد اشعارش بشمار ابیات تقریباً پانچ لک میرسد مرید سید
 موسی قادری بسلسله قادریه بود و ما اکل یا شیخ احمد سرهنندی مجدد الف ثانی خلافتی داشت که بکفر
 و غیره خیال خود را آید و تصفیة ریاضت و فاش در سال یک هزار و پنجاه و ده و هجری در دہلی
 بمقام آید و مرقدش بمکه و قطب صاحب بر کنایه عرض شمس است و نیز و شیر که به تاریخ فوت او

مدرسه علمای انتسابه از تصانیف الشیخه معات شرح عربی مشکوٰۃ به اشعار المعات شرح فارسی
مشکوٰۃ به شرح سفر السعادت به شرح فتوح اقیس به مدارج النبوة به شرح بحار الرجال بخاری به
بخاری الاخیار به جذب القلوب به زیاده الآثار به جامع البرکات به مرجع البحرین به زاد المتقین به فتح الملکان

فی مناقب النعمان به ما ثبت بالنسبه به علیه سید المرسلین به چهل رساله

مولوی عبدالحق بناسی این مولوی فضل الله باشند تصبیر نوتنی مصنف کتب متوطن
بنارس که نسب وے به حضرت عثمان ابن عفان سے پیوند دهد سال دوازده صد و شش هجری

ولادت یافته چنانچه از لفظ فضل رسول تاریخ ولادت برمی آید چون از ایام صبی شوق حدیث خوانی
حدول حق منزل اور عظیم بودند بنابر ان رخت سفر برداشته کرامت به تجسس و تحقیق آن علم

شریف بستانه بدلی رفت و پیش مولانا عبدالقادر یا مولوی محمد اسماعیل شمسید دهلوی هم سبق گشت
از ان بعد شهر صنعا ملکین رسیده اوقاف حق محمد بن علی ن الشیوکانی سند قرآن حدیث که تعلم آن

اتحاد الاکابر فی استاد الفقارست حاصل کرده مشارالیه امثال و اقرا ان گروید گویند کدی بهفت
رجع بیت الله کوه یکے از ان به مولوی سید احمد ای بریلوی و مولوی محمد اسماعیل دهلوی بود و مرجع اخیر بمقام

بسی سال دوازده صد و شانصد و شش هجری بهر شتاد سالگی رحلت فرموده در سجد الخیر مدفون شد
که از لفظ فضل رسول تاریخ فوت وے برمی آید ذلک فضل الله یوتیه من یشاء و بی تذکره تعلیم بود

از تصانیف آواله در الفرید فی المنع عن التقليد مشهورست و سوار الطریق تصنیف مولانا تارک علی صاحب
گمنامی از نام مولوی عبد القادر سیدی در مدینه الدار الفرید است مولوی جلال الدین احمد

بنارسی مدس اول که خدمت کلج بنارس مولوی حمید الدین احمد مدس کلج مذکور اند ارشد تلامذه و مد
مولوی عبدالحق خیر آبادی شاگرد پدر خود مولوی فضل حق خیر آبادی به علوم عقلیه سکر شد

خود به ریس ریس ریس و عزتانه بر سر بردار تصانیف شان حاشیه غلام محیی و تسمیل الکافی و ترج
تأیید حکمت و حقایق فالیه شرح میزبانها مورد عامه مطبوع و شائع است الله اعلم

ملا عبدالحکیم سیالکوٹی علامه زمان سرآمد قرآن خود شاگرد رشید مولانا مکمل الدین کشمیری غلام شد
حضرت علامه ربانی شیخ احمد سهندی محمد داعت ثانی قدس سره بود ابو حضرت مجدد عقیدت

ساز و داشت و حضرت مجدد اور آفتاب پنجاب میگفت در عهد جاگیر این کبر شاه در سیالکوٹ سکون خود
چ

بدرس علوم افتاده میباد هرگاه شاه جهان ابن جهانگیر سرور آرای سلطنت گردید وصیت و سر
 به قدر دلی علا و فضلا اقطار عالم را گرفت ملاصوت باستانه سلطنت علیا رسیده بیافتن افعام
 و اکرام مهابات حاصل کرد شاه جهان ملا را در مرتبه در ترازو باقره بنجیده بدو بخشید که هر مرتبه
 شش هزار روپیه بوزنش برآمدند و علاوه آن چند دیهات مرفوع اقلوم و اعطاف نمود ملا تمام عمر
 خود بدرس و تصانیف بسر برده مشهور است که یک لک روپیه ماهواری از سلطان وقت بیست
 تارک به تاریخ شانزدهم ربیع الاول سال هزار و شصت و هفت هجری جهان بخت تسلیم کرده در سیاه
 مدفون شد مخله تصانیف او کتب ذیل مشهور اند: حاشیه تفسیر بیضاوی به تکمله حاشیه عبده
 بر فرائد صیائیه به ترجمه فارسی غنیته الطالبین به حاشیه مقدمات اربعه تلویح به حاشیه مطول به
 حاشیه شرح مواقع به حاشیه شرح عقائد نقیضانی به حاشیه شرح عقائد روانی به حاشیه بحاشیه خیالی
 حاشیه شرح شمسیه به حاشیه شرح مطالع به الدرائثینه فی اثبات الواجب تعالی به حاشیه بر جوامع
 شرح حکمة العین به حاشیه بر جوامع هدایه الحکمه سینیدی به حاشیه بر جوامع مراح الارواح
 مولوی عبدالحکیم لکهنوی ابن مولوی جلدرب بن بحر العلوم مولانا عبدالحق بن ملا نظام الدین بن
 قلیب الدین سہالوی تحفیل کتب درسیه مختصرات و متوسطات از والد خود مولوی عبدالرب مولوی
 فایم و مطولات از مولوی نورالحق مرحوم نموده شب و روز بدرس مصروف بود صلاح و تقوی
 شعار و آثار خود گردانیده بشب بیداری و یاد آئی می گذرانید و تا مکی همت خود بخدمت طلبه علوم
 محظوظ داشت و در تاندی بمسافران بعید الوطن مشارالیه بود و آنحضرت که ذات ستوده صفاتش
 جامع ظاهر و باطن بود و بیعت از شاه نجابت الله کرسوی داشت محرر مطهر در سال دوازده
 صد و شصت و چهار هجری به لکهنو بیه یاب بگشتش شده بغایت خلیق و مسافر نور یافت است
 چهارم صفر روز بیست و نهم سال دوازده صد و شصت و هشت هجری جهان بخت تسلیم نموده فقره دان بود
 الا علم موت العالم ما در تاریخ و فائش یافته اند و دو عقب خود گذاشته یکی مولوی عبدالحکیم دوم
 مولوی محمد نعیم هر دو عالم و برجساده آبا می مستقیم اند و شرح کافی زبان فارسی به تفسیر بهم اند
 خلاصی به ترجمه فارسیه دقائق الحقائق به حاشیه شرح مسلم مولوی محمد الله شرح دائر الاصول اے
 علم الاصول به شرح جلدین آخرین هدایه به شرح چهل کات در فارسی به شرح رساله نظامیه

مویان و ضرور رسول مقبول صلعم بخود علم مروت و زبده الفقه و حاشیه تفسیر عیاضی و شرح
رمائل الانکان و حاشیه بر حاشیه نادر بر شرح تنذیب ملا جلال الدین و دانی و حاشیه بر حاشیه
اکمالیه شرح معانی جلالی و جدول الحرف فارسی و جدول الفقه فارسی از تصانیف مایه او یادگار
انقدس الله روحه الاقدس

مولوی عبدالحلیم فرنگی محلی ابن مولوی امین الله بن مولوی محمد اکبر بن مفتی احمد ابوالرحمن
مفتی محمد یعقوب بن ملا عبدالمعز بن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین الشیخ السیالوسه بیا زوتم
شعبان سال دوازده صد و سی و نه بمقام کفایت متولد شده بعد سه سالگی باز حفظ قرآن مجید فراغت یافته
به تحصیل علوم در سیه کرامت بست و بعد مدت دوازده ماه خود مولوی محمد امین الله و مفتی نور الله
و مفتی محمد صفر و مولوی نعمت الله و مفتی محمد یوسف علمای فرنگی محلی بفرستاده سالگی او را کتبا
علوم در سیه متداوله خاندان قطبیه شیعیه فراغ حاصل کرده دانشمند تبحر جامع علوم عقلی و نقلی
حدادی فنون فرعی و اصلی گشته و سکه آرای درس دافاده گوید و بسال دوازده صد و شصت
هجری بشهر باند اصفاف بونیدیل کشته رفته رئیس آنجا و اب و ذوالفقار بهادر که قدر دان علمای فضلا
بود با عزاز واکرامش پیش آمده وی را مدرس مدرسه خود گزینید و در آن کار نامور مانده بوطن خود
گشته و پس آمده یکسال در وطن مالوف متوقف شده بشهر جوینور قدم آورده حاجی انجمش
مرحوم که یکبار از ساسای نو دولت آن شهر بود کمال قدر دانی پیش آمده مدرسه امامیه حنفیه که خود
بانی آن مدرسه بود وی را مدرس مقرر کرد که عالمی از علم دین و دین بقوه بهره اندوز گشت و مانند
سال بطلان منصب معز زوده بسال دوازده صد و هفتاد و شش هجری بوطن مراجعت کرده
دست بیعت بدست مولوی عبدالوالی قادری فرنگی محلی داده در سن هفتاد و هفت هجری
بعد صدی دوازدهم بجیدر آباد دکن تشریف برده سید تراب علی خان سالار جنگ دارالملک آن
مرز بوم که تصف باوصاف حمیده کالشمس بن النجوم بود وی را مدرس مدرسه نظامیه مقرر ساخت
درین سفر بمقام بیان که نشان راه دکن ملق است آن چرخ دودمان قطبیه غربت که جمیع الادواق
از رخ اعزاز تجشیده بود در آنوقت مولوی عبدالحلیم خلف الصدق شان صغیر السن قطبی می خواند
بسال هفتاد و نهم بعد صدی دوازدهم هجری الاحیدر آباد بحصول رخصت عازم زیارت حرمین

شریفین زادہا اللہ تشریفاً و تعظیماً شدہ مجددت علماء و مشائخ آن دیار پر اوار فائز گشتہ مستفید گردیدنا بحملہ
 بکلمہ معظمہ از مولانا محمد جمال حقّی و از مولانا احمد بن زین و حلان شافعی اجازت و سند علم حدیث
 و دیگر علوم معقول و منقول حاصل کردہ در سن دوازده صد و ہشتاد و دو ہجری بزیارت طیبہ علی
 صاحبہا الصلوٰۃ و التحیۃ شرف اندوز شدہ از مولانا علی مدنی شیخ الدلائل سند دلائل الخیرات
 و از مولانا محمد بن محمد بن العرب الشافعی مدرس مسجد نبوی سند حدیث و تفسیر وغیرہ و از مولانا عبد
 ابن مولانا ابو سعید محمد دی و ہلوی نزیل مدینہ منورہ اجازت حدیث و تفسیر و فقہ وغیرہ و
 از مولانا عبد الرشید بن مولانا احمد سعید محمد دی و ہلوی اجازت تصنیف بردہ و
 حزب البحر یافتہ بالامال از فیوض دہرکات مجاز در سن دوازده صد و ہشتاد و دو ہجری بہ حیدر آباد
 رطب درجست بخشیدہ بانصرام حکومت عدالت نظامیہ مشغول گشت پس ازان بہاہ جمادی الثانی
 سال ہشتاد و سوم بعد صدی دوازدم از ہجرت باستحصال رخصت بوطن مالوف شریف آوردہ از
 سنت نکاح خلف خود مولوی عبدالحی مرحوم فراغت یافتہ در سال ہشتاد و چهارم ماہ جمادی الثانی
 از لکھنؤ رخصت سفر حیدر آباد کردہ حقیقت سفر آخرتش توان گفت بر بست و ماہ شعبان
 سال مذکور در ان بلکہ رسیدہ بکار متعلقہ خدمت صرف بود کہ ناگاہ عارضہ سل و دوق ماہ صفر المظفر
 سن ہشتاد و پنجم بعد صدی دوازدم بمحبتہ لطیفش عارض شدہ بتاریخ بہست و نهم شعبان المعظم
 روز و شنبہ سال مذکور طائر روح پر فتوح آواز قفس عنصری پرداز نمودہ بشاخسار جنان نشمن
 گرفت و حسب وصیت در باین قبر شاہ یوسف قادری کہ از کبار اولیائے دکن اند مدفون گشت
 شعرے وقت قطعات مدیدہ متضمن تاریخ رحلتش بسک نغم کشیدند از انجملہ مولوی عبد الرحمن
 صاحب گنجی نجبین گفتہ **العالم والعارف بالله تعالیٰ بہ قدر الی اللہ مجد و ثناء بہ الامت بعالم المتوفی**
یقین بہ قدر شرف اللہ بقصر وقار بہ و دبیری این مصرعہ گفتہ **و اوقف راہ خدا مولوی عبد الحکیم دور**
لفظ قفرہ نیز تاریخ فوتش یافتہ اند تصانیفہ الریقہ التحقیقات المرضیہ حل حاشیہ میرزا ہر سالہ
القول الاسلم حاشیہ شرح سلم ملاحسن کشف المکتوم فی حاشیہ بحر العلوم۔ القول المحیط فیما يتعلق
باجل المکلف والبیض حل لعافد فی شرح العقائد التعلیق الفاضل فی مسئلہ الطہر المتخلل
سین الغافلین فی ردو المفالطین۔ الایضاحات بمبحث المختلطات کشف الاشتباہ فی شرح

المسلم محمد رشید البیان العجیب فی شرح ضابطۃ التہذیب - کاشف الظلمہ فی اقسام الحکمہ - اعرقان
و منطق نظم الدرر فی سلک شوق القمر - التحلیہ شرح التوسیہ مؤلفہ شیخ محب اللہ اکبر آبادی -
نور الایمان فی آثار حبیب الرحمن - برکات الحرمین - ایقا والمصابیح فی صلوۃ الترویج - الالہام فی
تحقیق الدعاء - غایۃ الکلام فی بیان احکام و المحرم و خیر الکلام فی مسائل الصیام - القول الحسن
فیما يتعلق بالنوافل السنن - عمدة التحریر فی مسائل اللون واللباس و الحریر - قرۃ القمار حاشیہ نور الافکار
حاشیہ نفیس شرح موجزہ الآتوال للاربعہ - و دیگر کتب مثل حاشیہ ہدایہ و حاشیہ بدیع المیزان حاشیہ
حاشیہ قدیمیہ ناتمام مانند کہ اجلس و در سید عطر اللہ روحہ

مولوی عبد الحمید خان رام پوری ابن ملا غفران رام پوری از برادر خود ملا محمد عمران
و نیز مولوی ارشاد حسین رام پوری اکتساب علوم نموده مدرس و افادہ طلبہ اشتغال دارد بسال
دوازده صد و نو و ہشت ہجری و قصبہ سندیلہ جیت نقای مولوی حافظ شوکت علی رئیس
سندیلہ قدم آورده بود سلمہ اللہ تعالیٰ

مولوی عبد الحمید بدایونی ابن مولوی محمد سعید بدایونی بسال یازده صد و پنجاہ و دہجری
ولادت یافتہ از مولوی محمد بسیب برادر بزرگوار خود تحصیل علوم متداولہ نموده شرف بیعت از
حضرت شاہ سید آل احمد قادری مارہروی قدس سرہ حاصل ساختہ کامل و مکمل شد بسال
دوازده صد و سی و پنج ہجری رحلت فرمود روح اللہ روحہ

مولوی عبدالحی دہلوی شاگرد امام مولانا شاہ عبدالعزیز قدس سرہ العزیز العجل
سعادۃ نامی سید محمد مجاہد سہیل بود در فقہ حنفی و دستگاہی کامل داشت رسالہ کلل یامی
و فتاویٰ متفرق از تالیف اوست تاریخ ہشتم شعبان روز یکشنبہ سال دوازده صد و چہل و
سہ ہجری بمبارضہ بمجا سیر رحلت فرمود

مولوی عبدالحی فرنگی محلی ابن مولوی عبد کلیم ابن مولوی محمد امین از اولاد امام
قطب الدین سالوی بود کنیت ادب الحسان است بمقام بانہاد عشرہ اخیرہ یقعدہ سال
شصت چہارم از صدی سیزدہم ہجری ولادت یافتہ از عنخ سالکی بحفظ قرآن مجید مشغول شدہ
برہ سالگی ازان فارغ گشت و مجامع مسجد جنوب را ولایت تراویح کردہ در یازدہ سالگی بمذمت

والد خود تحصیل علوم متعارفہ آغاز نموده بختہ ساگی فارغ شدہ باقادر طلبہ مجتنب اور استاد
مے پرداخت و کتب علم ریاضی از مولوی نعمت اللہ فرنگی علی خاں والد خود کو از مہرہ آن علم بود
تحصیل کردہ ۱۰۱۰ھ والد ماجدش ہنگامیکہ محمد بابا میرفت مولف اوراق بمقام ریوان ازدیدارش
سرور شدہ وی دان حال کہ صغیر السن بود و کاوت طبع وجودت حافظہ از جینش ہی درخشید
و کہ رحمۃ اللہ علیہ دو مرتبہ زیارت حریم شریفین زادہما اللہ شرفاً و تعظیماً مشرف و مہابہی
گشتہ اولاً بسال دوازده صد و ہفتاد و نہ ہجری بمحبت والد خود و ثانیاً در سال دوازده صد و
نود و دو ہجری داز سید احمد و حلان شیخ الشافعیہ مکہ معظمہ اجازت جمیع حاصل لہ من الشیوخ
و همچنین از والد خود یافتہ عالم از تعلیم و درس فیضیاب گشت و بسے افاضل نامدار از سایہ
و امن فیضانش برخاستند بالجلہ صاحب ترجمہ علیہ الرحمۃ کثیر الدرس و التصفیفات بدان مرتبہ بود کہ
صیت افاضہ و اشاعت علومش در حیات وی اکناف عالم بامیر گرفت قریب بہ ہجرت رسید
بست و نہم ربیع الاول سال چہارم صدی چہار دہم ہجرت یوم دوشنبہ وقت طب بخاراضہ مصرع
بمقام لکھنؤ این جہان بی بود را پدید و فرمودہا بخامد فون گرویدہ جزو ختر کی بقی نگذاشت آن صبیہ
دو صد و پسیہ ماہ و از نظام حیدر آبادی یا بد سید عبدلعلی شرفی تخلص تاریخ فوتش چنین گفتہ
ہے مولانا محمد عبدجی بشاد و در خلد از میان ما برفت بہ آستانش سجدہ گاہ خلق بودہ قبلہ ہندوستان
برفت بہ گفت شرفی مصرع سال وفات بہ دای او ستاد زمان ما برفت ایضاً از مولوی
محمد سعید عظیم آبادی حسرت تخلص کرد و رحلت جناب عبدالحی بہ فاضل لکھنوی فطین و فاضل
گفت سال وفات او حسرت بہ شد فرنگی علی از علم ہی تصانیفہ الرایقہ عمدۃ الرایہ حاشیہ
شرح دقایقہ بمجموعہ حطب سالتامہ الفلک المشحون فی الاتمقلع بالمرہون بہ تزیینۃ الفکری سجدۃ الذکر
تحفۃ الطلبہ فی تحقیق مسیح الرقبہ بالرقع و التکلیل فی الجرح و التعلیل بہ القول الجازم فی
سقوط الحد بکلح المحارم بہ لفع المفتی و اسائل مجمع متفرقات المسائل بد الفلک الدوار فی رویۃ
الملال بالنارۃ القول المنشور فی ہلال خیال شہورہ آثار فاضل عن شہادہ المراقۃ فی الاصل
تحفۃ البنلا و فی جماعۃ النساء بہ الکلام الجلیل فیما تعلق بالمندیل بہ الآجوبۃ الفاضلہ للاسولۃ
العشرۃ الکاملہ بہ التمسسہ نقض الوضوۃ بالتمسکہ بہ خیالہ الخیر فی اذان خیالہ بشریہ سباحتہ

الفکر فی الجبر بالذکرۃ النافع الكبير لمن يطالع الجامع الصغیر رفع الشرح عن كيفية ادخال الميت
وتوجيه اے القبلة فی القبر طرب النائل فی تراجم الافاضل بترويح الجنان تشیع حکم شرب الدخان
رورع الاخوان عن محدثات آخر جمعة رمضان بآكام النفايس فی اداء الاذکار فی لسان الفانس
زجر الناس علی الکفار اثر ابن عباس بآلاف النفايس فی حکم الاعتکاف بامام الکلام فیما يتعلق بالقرأة
خلف الامام بن غيث الغمام بذات الارطوفة فی الاخبار الموضوعة بدافع الوسواس فی اثر ابن
عباس رساله احکام ضیبت آرد و بنوای البیہ فی تراجم الخفیه بامتحان الطلبة فی تصنیف مشکوٰۃ
التبیان فی شرح المیزان بچهار گل در صرف خیر الکلام فی تصحیح کلام الملوک ملوک الکلام
ازالہ الجحد فی اعرب الحمد بشکل الحمد در نحو بیدایۃ الوری اے لواء المدی تعلیق حاشیہ
غلام یحییٰ بر حاشیہ زاهدیہ قطبیہ بمصباح الدجی فی لواء المدی بآورد المدی لحکمۃ لواء المدی
علم المدی بآورد المدی فی تحقیق المجهول المطلق بآورد المدی فی تحریر البراہین بآورد المدی
بمبحث المثناة بالکیرید الافادة الخطيرة فی بحث نسبة سبع عرض شعيرة بآورد المدی تعلیق العجیب محل
حاشیة الجلال علی التمهید بآورد المدی حاشیة والد خود بر نفسی بآورد المدی المختار فی شرح الرساله المفضیہ
در مناظره القول الاثرت فی الفتح عن المصنف بآورد المدی بآورد المدی بآورد المدی بآورد المدی
القطره فی احکام البسملة بآورد المدی بآورد المدی بآورد المدی بآورد المدی بآورد المدی
در ترجمہ والد خود بآورد المدی بآورد المدی بآورد المدی بآورد المدی بآورد المدی
العجیب فی التنبؤ بآورد المدی بآورد المدی بآورد المدی بآورد المدی بآورد المدی
یس بدقہ الکلام المبرور فی رد القول المنصور بآورد المدی بآورد المدی بآورد المدی
تعلیقات متفرقة بر کتب متعددہ و سینودہ کتب دیگر اند کہ صاحب ترجمہ در رساله نافع کبیر ساری
آہما تحریر فرمودہ اسماء گرامی تلامذہ مولوی عبدالحی فرنگی علی کہ بعد تکمیل و فروع بمحصل
سند متاخذند مولوی عبد العزیز ساکن بھیر ضلع آٹم گٹھ مولوی بدیع الزمان لکھنوی مولوی
وحید الزمان لکھنوی مولوی محمد عبدالاحد آہ آبادی مولوی سید مرتضیٰ شیعی ساکن نونا پارہ
ضلع غازی پور مولوی عبد الباری ساکن نرہنسہ مولوی محمد حسین آہ آبادی مولوی علی حیدر خان
ساکن خالص پور پگنہ بلج آباد مولوی ساکن بھلکیریم نجابے مولوی بشارت کریم

مولوی عبدالغفور سکنتہ رمضان پور مولوی عبدالغنی بہارے مولوی ذرا حسین ساکن محلی المین
نگر مضاف بہار مولوی ابوالحسن مرحوم ترسہی مولوی عین القضاۃ حیدر آبادی مولوی
عبدالغنی فرنگی محلی مولوی نظام الدین فرنگی محلی مولوی عبدالرحمن ساکن صاحب گنج مولوی
حافظ محمد شعیب ولایتی مولوی اکبر خان مرحوم ولایتی مولوی محمد اسحاق ساکن ایٹھے
مولوی سلیمان ساکن چکواڑی ضلع عظیم آباد مولوی عبدالقادر ولایتی مولوی سید امین نصیر آبادے
مولوی محمد ہارون نصیر آبادی مولوی ظہور الاسلام فتحپوری مولوی لطف الرحمن عظیم آبادے
مولوی نظام الحق عظیم آبادی مولوی محمد ابراہیم آہ آبادی مولوی محمد تقی اعظم گڑھی مولوی محمد تیر لکھنوی
مولوی شیر محمد ولایتی مولوی آزاد خان مرحوم مولوی عبدالغنی بہاری مولوی محمد یسین آروے
مولوی قادر بخش ہسرامی مولوی محمد حسین نصیر آبادی عرف صاحب میان مولوی سید محمد
رسان کابلی مولوی عبدلہ ساکن چاند پارہ ضلع اعظم گڑھ مولوی ابوالفضل محمد حفیظ اللہ ساکن بنڈی
ضلع اعظم گڑھ مولوی محمد عثمان ساکن چنارہ ضلع اعظم گڑھ مولوی امداد اللہ فرنگی محلی مولوی
عبدالماجد بہاگل پوری مولوی قاسم یار ساکن کڑوا ضلع آٹھ آباد مولوی سید اعجاز حسین ساکن ہوتی
مولوی محمد عثمان ساکن کہٹھ ضلع اعظم گڑھ کڈائی کنڑ البرکات صنفہ مولوی محمد حفیظ اللہ سابق
الذکر سلمہ اللہ کہ سند علمی در سال اخیر صدی سیزدہم از مولوی عبدالحی مرحوم یافتہ اند۔
مولوی عبدالرب فرنگی محلی سپر خرد مولانا عبدالعلی بجا العلوم از خرد سائے ہمراہ والد خود در
شاہجہان پور و رام پور و بہار و مدراس ماند و مولانا کوشش بلیغ در تعلیم و تدریس او نمود و کتب
درسیہ تمام و کمال باو تعلیم ساخت و شب و روز متکفل امور اومی بود و کلمہ مولانا اودا ہا موال
خطر بفرض کتبی داشتندش بوطن فرستاد و بے لکھنؤ آمدہ از نکاح خود فارغ گردید و نہ کثیر کہ از مدراس
آوردہ بود ہمہ بہ فضوے و سر فری دی بر باد رفت کہ افلاکش رونمود بعد وفات مولانا بجا العلوم
وے و برادر زادہ اش عبدالواحد مجدد اس رفتند چنانچہ تفصیل آن بذیل ترجمہ مولوی
عبدالواحد خواہد آمد آخر کار ترک تدریس کردہ بیاقتن دو صدر دہیہ از سرکار نواب مدراس
و یک صدر متاد و پنج دہیہ از سرکار انگریز معاوضہ جاگیر راضی شدہ تدریس مولوی عبدالواحد
سپردہ بہ لکھنؤ آمد و تاحیات خود علوفہ مذکورہ توسط رزیدنٹ لکھنؤے یافت

کنافۃ الاغصان الاربعہ

مولوی عبدالرب دہلوی جامع معقول و منقول ماہر فریغ و حصول کامل فنون علم و ادب
حاجی اسرار لغت عرب کہ د عظم پد تاثیرش شہرہ آفاق بود مسجد جامع بمقام سہارن پور بصرف زر کشیر
تعمیر فرمودہ بہ ماہ محرم سال نهم صدی چہار دہم ہجری بمقام دہلی رحلت فرمود طالب اللہ شاہ بیدل
سہرانی تاریخ دفا لش جنین گفتہ قطعہ تاسیخ جناب مولوی عبدالرب آن بذکر وقت و غطول
می شد شکارش بذورین ماہ محرم جان بحق شد و نسبت رحمت کہ بار و بر فرازش بذرقم زد سال رحلت

گلکس بیدل بذرو دایزدی بادا اشارش

مولوی عبدالرزاق فرنلی محلی ابن مولوی جمال الدین احمد بن مولوی علاء الدین فرنلی علی
بسال دوازده صدوسی و ہفت ہجری متولد شدہ چون ہشت سالہ گشت پدرش مولوی
جمال الدین بمراس رفت و بمقتضای فطرت تحصیل علوم اشتغال نمود و راہ اول از مولوی
نور کریم دریا باو کتب مختصرہ خواندہ بقیہ کتب بخدمت مفتی محمد صفرو مفتی محمد یوسف فرنلی محلی تکمیل
فرمود و کتب درسیہ حدیث و تفسیر بخدمت مولوی حسین احمد طبع آبادی گذرانیدہ و تمامی کتب حدیث
از ہذا حسن علی محدث لکھنوی قرات نمود زنان بعد جملہ کتب حدیث از حضرت ملا محمد حسن مدنی
قرات نمود کہ مولوی حسین احمد و مرزا حسن علی مع دیگر محدثین سماعتش می فرمودند و کتب عقائد و سلوک
و تصوف از مولوی عبدالوالی مرشد خود استفادہ نمودہ زنان بعد قرآن مجید در یکسال حفظ نمودہ بسال
دوازده صد و پنجاہ و چہار ہجری فرغ کلی حاصل کرد و اجازت بیعت سلسلہ قادریہ و چشتیہ از مولوی
عبدالوالی و نیز پدر خود یافتہ بعد وفات مرشد خود سلسلہ درس و تدریس منقطع فرمودہ اشتغال
بیاد حق شعار و تار خود ساخت درس سیزده صد و ہفت ہجری در او خرابہ صفر انتقال فرمودہ

در باغ مولوی انوار صاحب مدفون شدند

مولوی سید عبدالرحمن لکھنوی عالم متصوف بیعت و خلافت سلسلہ چشتیہ داشت و در
مسجد پٹاٹن واقع بلکہ لکھنؤ مقیم بود و ہذا بتاریخ ششم ذیقعدہ سن دوازده صد و پنجاہ و نہ ہجری
وفات یافتہ در محسن مسی بند کور مدفون گردید روح اللہ روحہ وایشان عالم و خادم سادات و قافل
و متوکل و عزت نشین بودند و رسالہ کلمۃ الحق و رسالہ کاسرۃ الاسنان در توحید از تصانیف

شان ہست و مولع و حریص سرود و غنا بسیار بودند

مولوی عبدالرحمن ساکن قصبہ ہمدوی ضلع مرزا پور عالم شفی و اعظما کرک الوطن کہ موسیٰ ناکھاٹ واقع شہر مرزا پور متوکلا نہ بسر می برد در سال دوازده صد و ہشتاد و پنج ہجری رحلت فرمود
مولانا عبد الرحیم دہلوی عمری نسب حنفی مذہب نقشبندی مشرب جامع فتون عقلی و نقلی حاوی علوم صلی و فرعی محدث بود از اخلاف امجاوش مولانا شاہ ولی اللہ دہلوی و مولانا شاہ اہل اللہ دہلوی ہستند رع این خانہ تمام آفتاب است و دوازدهم صفر در سال یکہزار و یکصد و یک و یک ہجری وقت چاشت رحلت فرمود

مولوی عبد الرحیم صفی پوری ابن عبد الکرم صفی پوری دانشمند بشعور علوم ادبیہ خطی و نثری داشت از تصانیف او شرح قصیدہ سبعہ معلقہ و غایۃ البتیان فی علم اللسان در بیان قواعد صرفیہ و المسالک البسیہ فی القواعد النحویہ و ضرورۃ الادیب فی المونث السامعی و مفتی الارب فی کلام العرب ترجمہ قاموس در چہار جلد مشہور اند تاریخ و فائش معلوم نشد

مولانا عبد الرشید جونپوری ابن شیخ مصطفیٰ ابن عبد الحمید نقب و شمس الحق بود شمسی تخلص مکرہ شاگرد شیخ فضل اللہ جونپوری و مرید پیر خود شیخ مصطفیٰ مرید شیخ محمد بن نظام الدین ایضوی قدس اللہ سرار ہم از اولیای کبار و علمای کرام بود و راو اہل حال بتدریس و افادہ علوم شغل داشتی و ان بعد ترک کردہ بمطالعہ کتب حقائق الکفا کرد و از اختلاط امر و ادغیا اخترازی داشت شاہجہان بادشاہ اوصاف حمیدہ او شنیدہ مشتاق ملاقاتش گشت فرمان بدست و کیلی بطلب و فرستاد مولانا قبول نکرد و از گوشہ عزلت پای خود بیرون نہاد تصانیف مفیدہ دارد و بجلد آن رشیدیہ در منظرہ و زاد السالکین فی شرح اسرار الخلوۃ و رسالہ محکوم مربوط و حاشیہ شرح مختصر عضدی و حاشیہ فارسی بر کافیہ ابن حاجب و مقصود الطالبین و راوارد و دیکان شعر فارسی مشہور اند و حادثہ وفاتش یحییٰ بن مشہور است کہ بعد فراغ سنت فخر چون در قرض با غا نہ کردہ وقت گفتن تحریر طائر و خوش بآشیان جنت بسال کھزار و ہشتاد و سہ ہجری بہماز نمود و اخلافتہ بمجموعۃ الجنان **مولوی محمد عبد السبحان** ابن شیخ محمد حسن سلکن احمد آباد نرہ فاضل علام حاجی بیت اللہ الحرام طبیب حاذق حامل تزلزل از ہر دین شعور بصلاح و تقوی آراستہ بلکہ مولف اوراق میداند

که نابوغ تادقت اخیر صلاوة فریضه انذوقوت لشده باشد آمله علوم ظاهریه و باطنیه و خلافت
ارشاد از مولوی محمد الدین احمد آله آبادی حاصل نمود تمام عمر شریف به هدایت و ارشاد و بدین علوم
مثل استاد و خود بسریده مولوی عبد الحمید خلیف مولوی حمید حسین جوینوری و مولوی محمد
عبد الکاظمی برادرزاده صاحب ترجمه از شاگردان او شان صاحب استقواد و لیاقت موجود اند
منجمله کتب مصنفه شان رساله اسرار الصلوة قصه منظومه حضرت اسمعیل ۲ - قصه منظومه حضرت
سیلمان ۴ - التمدید فی وجوب التقلید - دلائل قاطعه در تحقیق فرقه ناجیه غیر المقله فی ازالة العجالة -
مطبوع شده شائع اند آخر کار بمرخصت و سه سالگی تاریخ بست و یکم محرم الحرام یکم جمعه سال یک هزار
و سه صد و سه هجری بمقام آله آباد از دار فانی بعالم جاودانی رخت زندگی بر بست و در ملکاب باقی
مقره اهلایان و آئره شاه اجل مرحوم است مدفون شد تضرع الله له

ملا عبد السلام لاهوری شاگرد میر فتح الله شیرازی فقیه و مفسر خود از شاگردان وی ملا عبد السلام
ساکن قصبه دیوه معنات گفته مشهور است بر تفسیر بیضاوی حواشی بر حبه داند بسیار و یکی هزار و سی
و هفت هجری وفات یافته

قاضی عبد السلام بدایونی ابن عطاء الحق محدث و مفسر و تفسیر زاد الاخرة منظوم نه
ارد و قریب و ولکه شعر بسیار و دوازده صد و چهل و چهار هجری تصنیف کرده از ناد الاخرة سال
تا بیفش بر می آید در سال دوازده صد و پنجاه و پنج هجری ازین جهان فانی بعالم جاودا نه
شتافت نور الله مرقده

مولوی عبد السلام ساکن مسوه ابن سید شاه الهاقاسم نقشبندی ساکن قصبه مسوه
که متصل فتح پور است در سال دوازده صد و سی و چهار هجری ولادت یافته نام تاریخی او سید
راض الحسن مردی متقی بود که از بدو سن شعور و سع و تقوی را و تار خود کرده بعد حفظ قرآن ابتداء اکثر
کتب و رسیدن خود مولوی سراج الدین احمد خوانده بعده از مولوی معین الدین کروی و
مولوی محمد معین که نوی و غیره تکمیل نموده و سند صحاح سته از مولانا شاه عبد الغنی دهلوی گرفت
در سال دوازده صد و شصت و یک هجری فراغ علمی حاصل نمود و خدمت شاه احمد سعید خجود
بعیت و خلافت سلسله نقشبندیه یافته و در سن دوازده صد و هشتاد و دو هجری مشرف

شیخ اکبر و زیارت روضه منوره شده در آنجا از شیخ احمد و علان کی شافعی تکمیل حدیث نمود با فاده و افان
 خلافت می پرداخت بعارف و بنبل در ماه شوال سال دوازده صد و دود و نه هجری رحلت فرموده
 شیخ محمد علی طلیق تخلص ساکن قصبه بسوه در فخره نور الله ترجمه تاریخ وفاتش یافت
 ملا عبدالشکور تیلو کشمیری از علمای نامدار صاحب درج و تقوی بود پیش فاجه حیدر چرخ
 و غیره علمای وقت نموده بتدریس منقولات اشتغال داشت لکن یک ریب عالمگیر پادشاه
 زرگیر که جهت قوت علمای کشمیر فرستاده بود آنان چیزی قبول نکرده بسال سیزدهم از صد
 دوازدهم هجری رحلت فرمود ملا محمد شرف شاگرد و استاد داده او قصیده عربی در مرثیه او گفت
 در آن قصیده ماده تاریخ وفاتش چنین یافت
 لامات بوفاته علما

قاضی عبدالصمد چیلاکوئی ابن قاضی ابوالحسن بن طاهر ماه بن قاضی منصور عباسی طبعی
 و ذهنی صافی داشت بعد تحصیل علوم از پدر و دانش حصول سند قضای که منصب مورد
 او بود حکم پر بر بر گوار بدلی شافعه در آنجا کجی علم و فضل و کمال امتیاز یافته تا آنکه ارکان شایسته
 ویرادر فقه و اصول و دیگر علوم منقول و معقول یگانه دیدند و حکم محمد شاه فرماندای شاهجهان آباد
 بمنصب قضای برگزید و بچرا کوٹ و دیگر مقامات پسندیدند و گرا و رحمة الله علیه قضای برگزیدند خود که آگاهی
 گراش از عهد قدیم بران مامور بودند قبول فرمود و دیگر مقامات را به مستحقان قدیم ارزانی نمود و از بدلی
 بچرا کوٹ مراجعت کرد و در خوبی فصل خصومات و حسن تعلیم فنون در سیه گنج نیکنامی بدست آورد
 یگانه آفاق حافظ محمد اسحاق از تلامذۀ او است صاحب ترجمه علیه الرحمه در سال هفتاد و یکم از صدی
 دوازدهم هجرت و گذشت قاضی منصف ماده تاریخ وفاتش یافته اند رحمة الله علیه و علی اسلام
 شیخ عبدالعزیز دهلوی ابن حسن بن طاهر چو پوری از مشاییر مشایخ چشتیه و از اکابر علمای
 صوفیه صافیة رضوان الله علیه مظهر معرفت و محبت و به علوم شریعت و طریقت و حقیقت عالم بود
 و بسامع و تواجد و خفیه داشت مرید پر خود شیخ حسن بود همواره معتکف بودی و کجایست روای
 خلائق کوشش بلیغ نمودی و در علوم ظاهری هم کامل بود و تفسیر عرائس و محارفات و نصوص حکم
 و شروحش بتلامذه درس گفتی و صاحب تصانیف مشهوره است از آن جمله رساله عینییه است که در مقابل
 رساله غیره شیخ امان پانی پی نوشته بسیاری از رسائل فاضله و حدت و وجود موافق کشف

امہاب شہود را بخاندان مذکور شدہ ملا عبدالقادر بدایونی مؤلف منتخب التواریخ نیز از بعض کتب و رسائل تصوف استعمال و استفادہ نموده وی رحمۃ اللہ علیہ در جوہر بسال ہشت صد و نو و ہشت ہجری متولد شدہ بعمر یک و نیم سالگی ہمراہ والد خود بدلی تشریف آورده تاریخ ششم جمادی الاخری سن ہند و ہفتاد و پنج ہجری شہباز و خوش باورج بقایہ و از نمود قطب طریقت نامند مادہ تاریخ فوتش یافتہ اند و چون مشارالیمہ در تصانیف و مکاتیب خود را ذرہ ناچیز عبد العزیز بنی نوشت اندر ذرہ ناچیز تاریخ رحلتش یافتہ ہے شود

مولانا عبد العزیز دہلوی ابن مولانا شاہ ولی اللہ محدث دہلوی در سال یازدہ صد و پنجا و نہ ہجری ولادت یافتہ و بہ غلام حلیم اکرم تاریخی موسوم گشت و بعمر یازدہ سالگی خدمت والد ماجد خود از تحصیل علوم عقلیہ و نقلیہ و تکمیل کمالات خفیہ و جلیہ فارغ شدہ بعد پدید بزرگوار شکیاریکہ مدرس دارشاد گردید بالجمہ وی جامع علوم ملکوتی از آیات الہی بود ہر پنجہ در توفیقش خاتمہ و زبان بہتر از دشتی است از خوداری دانمکی است از بسیاری رسالہ سرالشاہدین و لیسان محمدی تہ خطہ اثنا عشریہ و حجابہ نافعہ و فتح العزیز تفسیر سورہ بقرہ و دوبارہ اخیر قرآن مجید از تصانیف شہیرہ و نہ ہفتم شوال سال دوازده صد و سی و نہ ہجری ازین جہان بے بنیان بعالم جاودان رحلت فرمود شاعر تاریخ فوتش چنین گفته ہے سرو پاکشتہ انداز دست بیداد اجل مفضل

دین لطف و کرم فضل و ہنر علم و عمل

ملا عبد علی بکر العلوم لکھنوی ابن ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین الشہید السہلوی دسا و آخر عمر ہر راجہ و آمدہ بمرغبتہ سالگی از جملہ کتب درسیہ و علوم متعارفہ خدمت پدید بزرگوار فطریہ حاصل نموده بعدہ پدیش بہمان سال رخاں فرمود بعد وفات پدید بمطالعہ کتب معقولہ منقولہ مشغول گشت و مطالب عامضہ خدمت ملاکمال الدین کہ تلمیذ خاص پدیش بود پیش می کرد و را و اہل حال صاحب رجب علیہ الرحمۃ را سائخہ عظیم بوطش لکھنوی پیش آمدہ کہ بدان سبب روانہ شاہجہان پور گشت حافظ الملک حافظ رحمت خان رئیس آن شہر قدس را منقعات شمرده باغراں واکرام تمام پیش آمدہ و بہ معقول برای مصارف و سہ و مقر ساخت تاحیات حافظ الملک ہمدانجا مقیم بودہ بتدریس طلبہ اشتغال و ہشت بعد گشتہ شدن حافظ الملک مرحوم نواب

فیض اللہ خان رئیس رامپور ملای موصوف را برامپور برود و راجا نیز بہ تعلیم و تدریس مشغول بود
لیکن بوجہ قلت کفایت مولانا برخواستہ خاطر می بود کہ درین اثنا نشی صدرالدین بہاری و سہ را
برای تدریس مدرسہ خود کہ در بہار بنا نمادہ بود و خرج معتد بہ فرستادہ طلبیدہ چنانچہ ملا عبد العلی
ادراپور جانب بہار روانہ شدہ در اثنای راہ از رای بریلی ملا از ہارالحق را کہ در راجا مقیم بود ہمراہ
خود بہ بہار بردنشی صدرالدین باغ از واکرام پیش آمدہ چہار صدر و پیہ ماہوار برای ذات فاضل
مولانا و یک صدر و پیہ ماہوار برای ملا از ہارالحق علاوہ مصارف طلبہ مقصد رکردہ داد
بدین در راجا رولتی افزودہ سادہ تدریس ماند بعد چندی مقرران وقت در میان وسے و
نشی صدرالدین رنجشی پیدا کرد و ملا ناخام ہم برخواستہ خاطر گردید این خبر بہ نواب دالاجہ محمد علی خان
رئیس کرناٹک و غیرہ رسید خطی بطلب مولانا مع خرج بخدکش فرستاد کہ مولانا روانہ مدرس
شد چون آنجا رسید نواب موصوف مع عزیزان دامیلان استقبالش نمودہ باغ از تمام بہ نعل خود
برد و مدرسہ کلان بنا نمودہ مولانا و سالان مدرسہ بتدریس طلبہ مشغول گشت و از سر کار نواب
موصوف بحر العلوم خطاب یافت بعد وفات نواب محمد علی خان پسرش عمدۃ الامراء بعد از عظیم الدولہ
نمیرۃ محمد علی خان بر سندر یا ست نشستند و مکر مولانا بہ ہشتاد و سہ سالگی رسیدہ بعوارض جسمانی
بتلا گشتہ و دوازدم رجب سال دوازده صد و سی و پنج ہجری رحلت فرمودہ در مداس
مدفون گشت بجایش مولوی علاء الدین کہ شاگرد و دامادش بود مقرر گردید تصانیف الشہیرۃ
ارکان اربعہ و اصول فقہ و حاشیہ بر میرزا ہر سالہ و حاشیہ زاہدہ بر شرح تہذیب
جلالیہ و حاشیہ ثلاثہ بر حاشیہ زاہدہ امور عامہ جدیدہ و قدیمہ و شرح سلم مع حاشیہ منہیہ و مجالہ نامہ
مع شہیہ و قواعد الرحموت فخر مسلم الثبوت و تکملہ بر شرح ملا نظام الدین بر غریب ابن ہمام و تنویر
الابصار شرح فارسی مناد حاشیہ بر شرح صدرای شیرازی و شرح شتوی مولانا روم و
شرح فقہ اکبر و ہایۃ العرف و رسالہ در احوال قیامت و رسالہ توحید و غیرہ

مولوی عبد العلی فرنلی محلی بابو تاپ شہرت داشت پسر چہارم مولوی عبد الجبار بن
مولوی محمد تاج ابن مولوی عبد العلی بحر العلوم است بعد حفظ قرآن مجید جملہ کتب درسیہ تحصیل کردہ
فائز فرخ خواند صاحب استعداد و مرید مولوی عبد الوالی فرنلی محلی بود و درس سے ماہود

مین شباب بجا رخصت سل ودق بتلا شہ بتاریخ دوم جمادی الاول سال دوازدہ صد و نود و دو
ہجری لاولدہ لکھنؤ وفات یافت رحمہ اللہ

مولوی حافظ عبد علی نگرانی در سال دوازدہ صد و سی و دو ہجری بہ قصہ نگرام
مضافات لکھنؤ متولد شدہ در اوائل کتب مروجہ و رسمہ از خال خود مولوی حافظ علیم اللہ نگرانی
تحصیل کردہ پس ازان بہ لکھنؤ رفتہ از چند علمائے وقت مستفید شدہ فاتحہ فارغ علمی پیش مولوی
الور علی لکھنوی خواند و ہجرت حملہ علوم ظاہریہ از حافظ علیم اللہ سابق الذکر عن مرزا حسن علی محدث
لکھنوی عن مولانا شاہ عبد العزیز دہلوی یافتہ مرید قاضی سید عبد الکرم بریلوی بود و از شاہ گلزار
لکھنوی خلیفہ قاضی محمود تلقین و اجازت حملہ خاندانہای طریقت حاصل کردہ آسامی کتب
مؤلفہ صاحب ترجمہ اینست تفسیر آیات الاحکام رد المبتدعین تحقیق الامور فی الفاتحہ والتذکر
التحریر فی الامیر اسکین المسلول علی من انکر کون سح الرقبہ من سنتہ الرسول تحقیق فی المولد و
القیام - تور الایمان فی تائید مذہب النعمان - البواقیت اللطیفہ فی تائید مذہب ابی حنیفہ
رسالہ در باب حفاظ شیعہ - ہدایہ الانام الی ثمرۃ المسلیح العظام - رسالہ تقریر حق - رسالہ مولد شریف
مسعود و ادباق در سن دوازدہ صد و شصت و ہجری بمقام لکھنؤ بہ خدمت صاحب ترجمہ
شرف شد بعدی خلیق و نکسر النفس یافت خدائیش بیادزد واقع شب بخت و ہشتم ماہ شوال
سال ہزار و دو صد و نو و شش ہجری رحلت فرمود بہ نگرام مدفون گشت انا اللہ وانا الیہ باجوت
نگرام بنون مفتوح و کات فارسی ساکن و رای مہملہ مفتوحہ و الف و میم موقوف -

مولوی عبد علی خان رام پوری ابن ملا محمد عمران بن ملا محمد غفران رام پوری شرف
تلمذ بہ خدمت ہماچہ خود یافتہ حافظ و قاضی بود در سن دوازدہ صد و نو و ہفت ہجری رحلت فرمود
مولوی عبد علی قنوجی ابن مولوی علی صغر قنوجی شاگرد برادر خود مولوی رستم علی قنوجی عالم علوم
عقلیہ و نقلیہ بود حاشیہ شرح سنار در اصول فقہ از تصانیف اوست بموضع بندگی متصل کوڑا
جہان آباد ضلع فتح پور مسودہ رحلت فرمود سال فوتش معلوم نہ شد

مولوی عبد علی اسلام آبادی ابن منت علی از شرفای اہل اسلام چاکام بہت برہنہ شہید دشمن
دوازدہ صد و شصت و دو ہجری ولادت یافتہ کتب درسیہ فارسیہ پیش سائندہ وقت گذرانیدہ بعد

چھ ماہ ساکلی میزان الحرف آغاز کردہ مدت نہ ماہ اور درس مجموعہ صرف دو موقوفہ شدہ بکلمتہ ششست
وہر سہ سرکار انگریزی محصور شدہ طرح الکتاب علوم انداخت و بہر سالی از جامعہ جمعی بجاعتی ترقی می شد
و اساتذہ ہر جماعت بر دشتفتہما ارزانی داشتند تا بزجمع مائلان خود گوی بسقت می بلود و بیا فتن انعام
مسابہی می گشت و در اثنای تحصیل علوم متداولہ اہل اسلام بزبان انگریزی ہم مہارت معتد بہ پیدا
کرد و ہمداران مدرسہ بمنصب مدرس زبان فارسی مقرر شد الحال عربی پروفیسر مدرسہ ہوگی است
سملہ اللہ تعالیٰ کتاب صحیفہ الاغمال و درآۃ الاحوال محنفہ او مشتی است از خرواری و طلیست از طوارے
اسلام آبا و نام چاکام مضاف ممالک بنگال است

ملا علیہ الغفور لاہوری لقب اوضی الدین از عمدہ ترین تلامذہ مولانا عبد الرحمن جانی
قدس سرہ السامی بود عاشقہ فائد ضیائیہ بہ متانت تمام نوشتہ کہ تکملات ملا عبد الحکیم سیالکوٹی نمودہ است
در سن نصد و دوازده ہجری جان بجان آفرین سپہر طالب اللہ شاہ -

شیخ عبد الغفور اعظم پوری از علمائے مشاہیر وقت مرید شاہ عبد القدوس حشتی صاحب
کلمات صوری و معنوی بود در متابعت حضرت ختمی پناہ صلعم توفیقی رفیق داشت اکثر اوقات
در علوم دینیہ فرمودی بحسن صورت و خوبی سیرت سرآمد اہل زمان بود مرید گرفتہ خلائق و حافظ
و نصیحت فرمودی در تصوف رسائل متعدده نوشتہ چون عمرش بدایرہ ابناء الثمانین غنقاء اللہ
قدم نہاد بسال نصد و ہشتاد و پنج ہجری بدار البقار حلت فرمودہ باعظم پور مدفون گشت اعظم اللہ
شاہ اعظم پور قصبہ ایست از توالج سنبھل

شیخ عبد الغنی بدایونی از علمائے صوفیہ قدس اللہ اسرارہم در ترک دنیا و ہم وقت دو تجربہ
شہلی روزگار بود با دلائل کہ طلب علم در بدایون میکرد حال بد غالب می آمد و حیا نایک پاس کم و بیش
در عین سبق خوانی از شنیدن نغمہ بے شعوری مانند باجملہ بنا بر بعضی علایق کہ سرورہ طالبان آگاہ میگردد
در راہ خدا کہ رہنراندہ آن راہ زنان ہمین زنانند بہ در طلب کفایت بدہلی رفت و کلامت
تلمارخان حکم آنجا کہ در لباس اہل جاہ اتاہل شد بود رسید و ارادت بشیخ عبد العزیز دہلوی آورد
و تحصیل تمام کتب متعارفہ و متداولہ در خدمتش نمود و سالہا درس گفت بیکبارہ جذبہ عنایت
ازلی گریبانگیر او شد و از ہمہ اشتغال برآمدہ چند گاہ در خانقاہ شیخ خود در سلک درویشان

مقابل انتظام یافتہ بہ مجاہدت دریا صنت اشتغال گرفتہ بعد از تحصیل کمال بیرون از آبادی
بجانب قدما گاہ حضرت رسالت پناہ صلعم در مسجدی کہ مشہور مسجد خان جہان بہت سکونت و در زین
پیوستہ با عسکات سے گذرانید و بانگہ عیال بسیار داشت راہ سلوک را بقدم توکل می سپرد چون درس
یکتر از دوسہ ہجری خانخانان بخدمتش رسیدہ التماس نصیحتی نمود فرمود کہ تا بلع سنت محمد صلی اللہ
علیہ وآلہ وسلم لازم گیر

مولوی عبدالغنی دہلوی ابن ابوسعید العمری ماہ شعبان سال دوازده صد و سی و پنج
ہجری در دہلی متولد شدہ اولاً حفظ قرآن مجید نمود بعد از والد خود مولوی شاہ ابوسعید و مولوی
مخصوص الشاہ ابن مولانا رفیع الدین دہلوی و مولوی محمد اسحاق دختر زادہ مولانا عبدالغفر و شیخ
محمد عابد سندی و شیخ ابوزاہد اسمعیل رومی اخذ علوم کردہ بہ رس حدیث مشغول گشت مرید و خلیفہ
والد خود بود و ذیل بر سنن ابن ماجہ تالیف نمودہ نامش از نجاح الحاجہ بہت علاوہ آن دیگر مؤلفات
دارد بعد بغاوت و تسلط انگلوزان بدہلی بکہ معظمہ رفتہ و از آنجا بہ مدینہ منورہ رخت اقامت انداخت
ہمدان بقعہ تبرکہ ماہ محرم سال دوازده صد و دوشش ہجری رحلت فرمود قطعہ تاریخ وفات
شاہ عبدالغنی و حیدر خان بنیادش علم و عدالت یافتہ سال نقلس شنیدم از اہل فہ بہترین محدثین ای آہ
مولوی سید عبدالفتاح گلشن آبادی ابن سید عبداللہ حسینی مصلوات لقویہ ساکن
گلشن آباد و عت ناسک عالم با عمل فضل اجل خدمات مولی وقت مثل سید میان سورتی و مولوی
شاہ عالم ساکن برودہ و مولوی بشارت اللہ کابلی و ملا عبدالقیوم کابلی مفتی عبدالقادر تھادی
خلیل الرحمن ساکن مصطفی آباد و عرف نامیور و مولوی فضل رسول بایونی و مولوی محمد اکبر
کشمیری و علم ابراہیم با کلمہ تحصیل علوم متعارفہ و متداولہ نمودہ درس دوازده صد و شصت
و چہار ہجری بعد امتحان سندانقا یافتہ در سال دوازده صد و ہفتاد و یک ہجری بہ منصب افتا
عدالت ضلع خاندیس ممتاز گشت و در سال دوازده صد و ہشتاد و چہار ہجری بہ در
انفلسن واقع بندر ممبئی مدرس عربی و فارسی شدہ اکنون از سرکار انگلشیہ پیش یافتہ بوطن
مالوفت خود و مقیم اند و نیز از سرکار سابق الذکر بہ خطاب جسٹس آف پیس و خان بہادر معزز
و مہارہی بہت مام بندر بس و مہمالت و تالیف کتب مفیدہ اوقات عزیزش بسر بردہ

سید محمد تقی مولوی سید نظام الدین و شیخ قطب الدین و قاضی سید یحیی میان خان سیستانی تلمذانده و نیز
 و میراد و فرزندان رجند هستند مولوی سید امام الدین احمد و سید سراج الدین محمد رقاباها تلمذ مروج العلوم
تصانیف **الانسیقه** - تحفه محمدیه فی رد و بایه تأیید الحق جامع الفتاوی در چهار جلد مخزنه العلوم در
 جلد فارسی آموز و حصه - تشریح الحروف فارسی مخزنه دانش کلید دانش فارسی کلید دانش
 اشرف القوانين تصاعد الافعال - تجامع الاسماء تعلیم اللسان - تحفه المقال - اشرف الانشا
 جغرافیة عالم - باقیات الصحاحات - دیوان اشرف الاشعار - رحمة للعالمین - تاریخ روم
 تاریخ اولیا و غیره

مولوی شاه عبدالقادر بدایونی ابن مولوی شاه معین الحق فضل رسول بدایونی ولادت
 شان در هجرتهم رجب سال دوازده صد و پنجاه و سه هجری علی صاحبها الصلوٰه والسلام متوفی
 یافته مظهر حق نام تاریخی و لیست اللهم اجعل کاسمه الشریف اکثر کتب در سی پیش مولوی نور احمد بدایونی
 و بعض کتب همچو تشریح سلم العلوم و تشریح اشارات و محاکمات و غیره بخندست مولانا افضل حق خیر آباد
 گذراننده مشایخه بین الاقران گشت و بشرف بیعت و خلافت انواله خود سعادت اندوز گردید
 و بایامی والد خود هنگام زیارت حسین شریفین زادها اهل تشریفاً بخندست شیخ الفقها و المحققین مولانا
 شیخ جمال عمر کی اخذ حدیث فرموده با فائده علوم دینی و تالیف کتب دینی می پرداختند
 رساله حسن الکلام فی تحقیق عقائد الاسلام بزبان عربی و رساله سیف الاسلام بلسان علمی المنلح
 بعمل مولود و اقیام بزبان فارسی و رساله حقیقه الشفاعه بحمل اهل السنه و الجماعة و شفاعه لیسائل
 بتحقیق المسائل مشتمل بر جواب دو صد سوال در فقه و عقاید و دیوان عربی و در لغت شریف نبوی
 حلیم که در اثباتی راه سفر مدینه طیبه مشتمل بر ذکر آثار خیر الامصار مستوح فاطر عالم شده از تصانیف
 شان مرغوب اهل العلم اند ما سواي مذکور الصد و دیگر کتب و رسائل زیر تالیف اند اللهم تمها با تحفه
 الغرض ذات جامع البرکات حضرت سابق الصفات از غفتمات توان شمر و اللهم زد علی معالیه
 و بارک فی ایامه و لیالیه خصوصاً امدادیکه و تالیف این کتاب بپنجاهان از اجتناب رسید ادای شکر
 آن بقول شخصی **اگر موی تن گودن با نم** ادای شکر او کی می توانم **تا گریه بدین** فقره دعا کنم
 عزم کلام می نمایم عمر الله الوقت بحیاته و افاض علیه بحال سیاته

شیخ عبد القادر پٹنی ثم الملکی بن شیخ ابوبکر مفتی مکہ معظمه از احاد شیخ محمد طاهر پٹنی فصیح و بلیغ
 دانشمند جید و فقیه مستند بود کتاب علوم از شیخ عبدالقادر انصاری یکی شافعی کرده از تصانیف شریفه
 او تقوای در چهار جلد و مجموعه المنشآت مشهور است در یازده صد و هشتاد و سه هجری رحلت فرموده
 شاه عبد القادر و رنگ آبادی تخلص مهربان معروف به فزنی هلس از سادات نقویه
 نیشاپور است بعضی اسلافش از آنجا به قصبه کهنه روضات لکنو آمده و الداجه شرف الدین خان
 به امدنگ آباد وارد شده قاضی بلده روضه گردید و در آنجا صاحب ترجمه در سال یازده صد و چهل
 و سه هجری متولد شده حفظ قرآن مجید و کتاب علوم عقلیه و نقلیه کرده بتدریس می پرداخت و
 خرقه قادریه در برداشت در شاعری شاگرد غلام علی آزاد بگلرامی بوقام عمر شریفش در هدایت ارشاد
 بسر کرد و در آخر صدی دوازدهم بدراس رفت نواب والا جاهد رئیس آن دیار به بزرگی و حسن عقیده
 بوی پیش آمده تا آنجا در سال دوازده صد و چهار هجری وفات یافته و در خانقاه واقع قصبه میلاپور
 مضاف مدراس مدفون گردید

مولوی عبد القادر لکنوی ابن شیخ سلطان از اولاد مولانا قطب الدین محدث ابن موطا
 خضر محدث مدینه بود بزرگ بغایت متقی از دنیا زیاده بر قدر مایحتاج اختیار نکردی و از محاصل خود
 مدد معاش که قریب موضع کسندی برگرفته بطبع آباد بود صرف مایحتاج خود و فقرای ساخت چون در
 نظرش نشاء تقوی و در غلب بود و روانه قدم در ساحت کسب علوم گذاشت و جایجا خصوصاً
 به بلده لاہور تحصیل تکمیل علوم نموده مکرر به مجلس شریعت و کرامت بوطن مالون لکنو معاودت
 فرمودی در زمان خود بفضل و علم مشارالیه اقران بود و عادت معهوده داشت که بعد از معاش تا که
 مردم بیداری بودند می خسبید چون مردم می خفتند او بر خاستی و تا با سادین باز و اشغال باطن مشغول بود
 بعد از آنجا داشت تعلیم و افاده طلبی پرداخت تا چهل سال پسند و رس و افاده جلد داشت شیخ پیر محمد
 لکنوی و اکثر علمای شهر و جوار از تلامذہ و یند صاحب ترجمه چهار خلف الصدق خود گذاشته
 رحلت فرمود سال رحلتش دریافت نشده غالباً در او اسطصدی یا نودم بوده باشد مرقدش در

لکنو بجوار خانه ولیست بر و الله مضجعہ

مولوی عبد القادر سلمی ابن مولوی ابوالنصر محمد ادریس صدر الصمد و ابن مولوی ابوالسعید

محمد محمود ندیم نواب مرشد آباد الملقب بجاقب محمود بن مولوی محمد کلیم خلیفہ مرزا منظر حاجان قدس سرہ
 ابن محمد رفیع بن محمد صالح بن عبد الکریم فاروقی مدنی ثم الہروی ثم النہدی البیہابی السیسی کنیت دکن
 ابو محمد است علوم متعارفہ بخدمت مولوی رمضان اللہ اکسب کردہ وی تلمیذ مولوی فضل الرحمن
 قاضی القضاات شاگرد مولوی غلام سبحان قاضی القضاة بنگال دوی شاگرد مولوی عظیم الدین تلمیذ مولانا عبد علی
 بحر العلوم بود صاحب ترجمہ شام و نگاہ خود بدرس علوم و تصانیف بسرری بر پنج کتب مصنفہ او کہ نظر اقم الحدود
 گذشتہ رسالہ رد المعقول در رد فرقہ دہابیہ و الفوائد القادریہ فی شرح العقائد النسفیۃ الجوامع لقادریہ
 در عقائد اہل سنت و آلہ الزاہری فی شرح الفقہ الاکبر مشہور اند سلمہ اللہ تعالیٰ

شیخ عبد لقادر احمد آبادی بن عبد اللہ العیدروس بن منی حطرمونی ہندی کنیت او ابو بکر لقبش
 محی الدین بود بروز پنجشنبہ بستم بریج الاول سال ہنصد و ہفتاد و ہشت ہجری در احمد آباد ہجرات
 متولہ شدہ بخدمت علمای وقت اکسب علوم نمودہ دانشمندہ بتجربہ گشت و علوم عجیبہ و فنون غریبہ
 بتصانیف و تالیف شائع کرد کہ از ویادگارند و بسال ہزار دسی و ہشت ہجری در احمد آباد رحلت
 فرمود **تصانیفہ** الفتوحات القدسیہ فی الخرقۃ العیدروسیہ الحمدائق الخضرۃ فی سیرۃ النبی و صحابہ
 العشرۃ المنتخب لمصطفیٰ مولد المصطفیٰ الدرامین فی بیان المہم من الدین اتحاف الحضرة الغزنیہ
 بعیون السیرۃ الوجیزہ المنہاج الی معرفۃ المعراج الامموزج اللطیف فی اہل بدر الشریف
 اسباب النجاة و النجاح فی اذکار المساء و الصبح الخواشی الرشیدۃ علی العروۃ الوثیقۃ المنع البارک
 بحکم البخاری تعریف الاحیاء بفضل ال الانبیاء عند اللال بفضل ال لال بقیۃ المستفیہ شرح تحفۃ المرید
 النسخۃ العنبریۃ فی شرح تمسین العنبریۃ غایۃ القرب فی شرح نہایۃ المطلب اتحاف اخوان الصفا بشرح
 تحفۃ الطرف اصدق العرفا بحق الاخاء النور السافر فی اخبار القرن العاشر و غیرہ و غیرہ
 مولانا عبد لقادر دہلوی ابن مولانا شاہ ولی اللہ محدث دہلوی و تفسیر و حدیث و فقہ
 شانی بلند داشت موضع القرآن ترجمہ قرآن مجید بزبان اردو بکمال فصاحت تحریر فرمود کہ بہر
 محاورہ اردو و فنی نیست تنہم رجب سال دوازده صد و چیل و دو ہجری رحلت فرمود

مولوی عبد لقادر سنیدی ابن مولوی شاہ جمیل الدین بن مولوی ظہر علی ابن مولوی صفر علی
 بن مولوی حمد اللہ سنیدی نوزدہم محرم سال دوازده صد و سی و چهار ہجری یوم پنجشنبہ در قصبہ سنیدیہ

مولد شده از حافظ مولوی شوکت علی سندیلی و مولوی سید فقیه الله سندیلی و مولوی عبدالحکیم فرنگی علی
 بود. لوی ترا بعلی لکهنوی اکتساب علوم متعارفه نموده فراغ علمی حاصل ساخت و مرید والد خود بود و بمقامات
 ناگزیر و جهانی و غیره بذریعہ لوکری تعلیم قیام داشت بسیاری از طلبہ اوستفید شدند واقع
 نوزدهم ذیحجه سن دوازده صد و هفتاد و دو هجری وفات یافته قریب مزار والد خود پیش
 دروازه مدفون گشت

ملا عبد القادر بدایونی ابن بلوک شاه اناکار بلبله بدایون شاکر شیخ مبارک گوری بفضل و
 کمال متصف بود بکمال زمان ابر شاه مسلک شده در محفل خلوت بار داشت اکثر انتخاب ترجمه کتب هند
 ناموری شد کتاب را بیان افسر سی ترجمه کرده و تاریخ کشمیر منتخب نموده در تاریخ گوئی مهارتی وافر داشت
 کتاب منتخب تاریخ که از تاریخ بدایونی نیز میگنید بر حق گوئی و فضل و کمال و دلیل است واضح کتاب
 مذکور به تاریخ بست و سوم جمادی الثانی سال یک هزار و چهار هجری اتمام پذیرفته تاریخ اتمامش صاحب
 ترجمه چنین یافته قطعه شکر شده که با تمام سید منتخب از کرم ربانی بیست سال تاریخ زول جسم گفت با انتخابی
 که در روایتی به مراد زمانی و در حرف اندیک یون که ثانی حرف اول است دوم یای شانه تحتانی که ثانی
 حرف آخر است چون اعداد و حرف مذکور که شصت اند از نظر انتخابی خارج شوند سال اتمام کتاب
 بر می آید ترجمه سنگا سن بیسی موسوم بنامه خرد از کالان تاریخ ترجمه می بر آید نیز از صناعت او است
 شیخ عبد القدوس لکهنوی صاحب علم و عمل از اکابر علمای صوفیه صافیه مرید شیخ محمد بن شیخ
 عارف بن شیخ احمد غلبه محقق دلولی بود و اعتقاد کامل بر وحدانیت شیخ احمد عبدالحق دلولی داشت
 کتاب انوار العیون قریب به هفت فن از تصانیف اوست و رسال نهصد و چهل و پنج هجری
 رحلت فرمود رضی الله عنه

مولوی عبد القدوس فرنگی علی پسر اکبر مفتی محمد یعقوب بن ملا عبد العزیز حافظ قرآن بود کتب
 معقول از پدر خود کتب منقول از ملا محمد حسن تحصیل کرده جامع معقول و منقول شد و به تعلیم و
 تدریس می پرداخت و از وفات پسر خود عبد السلام که استعدا ثوب و خط مرغوب داشت
 رنجما کشیده وفات یافت

ملا عبد الحکیم کاکوروی ابن حافظ شهاب الدین ابن شیخ بهکاسی کاکوروی بمؤخره سالگی

از کتب درسیه فراغ یافته بطور سیاحت بدلی رسید و بمزار فاضل الانوار خواجه قطب الدین اوشی
چندی مراتب بوده بجلقه خواجه باقی باشد قدس سره نیز نشست بکاموری تشریف آورده عمر گرانمایه بهدا
دارشاد خلایق و اذکار باطنی بسر می برد تا که بر حمت حق پیوست سال وفاتش بدیافت رسید
حاجی عبدالکریم لاهیوری عالم باطن فاضل بی بدل مرید شیخ نظام الدین بلخی بود شرح فصول حکم
فلسفی و اسرار عجیبه در بیان ذکر و شغل چشمتیه از تصانیف اوست در سال یک هزار و چهل و پنج هجری
ازین جهان رحلت کرد و علیه الرحمة و الغفران

ملا عبدالکریم پشاورى ابن ملا درويزه پشاورى باخوند کریم و او شهرت داشت علوم نظامی و بیان
ازوالد ماجد خود اخذ کرده محقق افغانستان گشت فاضل صوفی مشرب بود و از میر سید علی نقی اول خرقه
خلافت یافته دی صاحب شریعت و طریقت بود کتاب مخزن الاسلام از تصانیف اوست از خواجه
او منقول است که وی هر شب یک جزو کاغذ سفید بچرخه خود می برد و بغیر بدوشنی چراغ و غیره تحریر فرموده
علی الصلاح میسران خود میداد تا آنکه کتاب مذکور با ختم تمام رسید و در سال هزار و هفتاد و دو هجری وفات
یافته بعلامه یوسف زئی مدفون گشت

قاضی سید عبدالکریم رای بریلوی ابن سید محمد مقیم رئیس قدیم رای بریلی که جد ماجدیش قاضی
محمد آصف صوفی نگرانی بود بکلیه علم و عمل آراسته و بصلاح و تقوی پیراسته اولاد بجا اندان نقشبنیه باموال
سید عبدالکریم جوراسی خلیفه شاه لال رای بریلوی بیعت نمود و باشتغال از ذکر و نقشبنیه مستفیض شده
بخدمت مولانا سید عبدالرحمن نذیریل که حضور شده اجازت و خلافت دیگر سلاسل چشمتیه و قادریه
و سهروردیه و او سیه و قلندریه حاصل کرد فیض تام هر داشت و رسائل متعدده تألیف فرموده که تفصیل
آن در ذیل مذکور است و سبله النجاه فی احکام الاموات الکلام المتین فی کشف اسرار الحق و الحقین
رساله در بیان مراتب ولایت و خاتم آن - رساله در محاکمه بحث وجود مطلق و وجود عام - رساله
و تفرق میان بروز و تناسخ بتاریخ بیست و دوم رجب سال یک هزار و دصد و چهل و بیست هجری در
رای بریلی وفات یافته مدفون گشت و در آن مرقده

شیخ عبدالکریم سهارنبوری انصاری سهارنبوری مروی صاحب جد و حال بود در جمیع علوم
و فنون مهارتی کامل داشت بتاریخ چهارم محرم سال هزار و بیست و چهار هجری فوت شد بخونری

شمع ارشاد حق تاریخ فوئش یافته مؤلف حین تالیف کتاب از انظموم ساخته و مهو پنداشته عبدلکریم
انصاری بن بود از خط سهارنپور از حرم چو چاره بگذشت بدشت بر بست سوی رب غفور
شمع ارشاد حق بگفت کسی بد سال نقل و حال آن مبرور

ملا عبد اللطیف سلطان لوری از علمان اورنگ زیب عالمگیر بادشاه بود و معقولات
و منقولات مهارت تمام داشت سال یک هزار و سی و شش هجری وفات یافت رع آفتاب علم
آند کسوف بد ماده تاریخ فوئش یافته اند

میر عبد اللطیف قزوینی از سادات حسنی سیفی است در علوم عقلی و نقلی بهره تمام داشت
و ابابن جد سلسله ایشان تاریخی آمده چونکه سادات سیفی همه سنی متعصب بوده اند لهذا شاه طهماسب
فرمان روای ایران ضیاع و عقار ایشان را کشیده گرفت میر موصوف از ولایت عراق در سال
نصد و شصت و نه هجری متوجه هند شده سعادت خدمت اکبر شاه دریافته بادشاه پیش ایشان
سبقتی چند از دیوان حافظ و غیر آن خوانده اند واقع بنجم رجب سن نصد و هشتاد و یک هجری معمر
جبر فتح پور سیکری بدار الخلد انتقال نموده بالاس قلعہ اجمیر در حواله میر سید حسین خنگ سوار بد فون گشت
قاسم ارسلان فخرالایس تاریخ فوئش یافته

مولوی عبد المجید بدایونی ابن مولوی عبد الحمید ابن مولوی محمد سعید ابن مولوی محمد شریف
ابن مولوی محمد شفیع بدایونی بتاریخ بست و نهم رمضان سال یازده صد و هفتاد و هفت هجری
متولد شده ظهور الله نام تاریخی وی یافتند از صغر سن بخدمت مولانا محمد علی بدایونی تربیت یافته
بر کمال و سع و تقوی و تعلم علم دین مجبول بود و اکثر کتب متداوله در وجه خدمتش تحصیل نموده بعد وفاتش
بقیه کتب در سیه بخدمت مولانا ذوالفقار علی ساکن قصبه دیوه مضاف لکنو که تلمیذ مولانا نظام الدین
ابن ملا قطب الدین سمالوی بودند تکمیل فرمود و بعد فراغ علمی در دادی طلب مرشد کامل پاسبی
استقامت نهاد و بهر جا بتلاش شیخ کامل میرفت چونکه اتباع شرع شریف در بسیاری از شایع وقت
معی یافت متفری ازین طائفه بخاطرش جا گرفت اما اندک آنجا که طالع بیدار داشت بخواب دید که در مجلس
حضرت هادی المضلین سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم جناب محبوب سبحانی غوث صمدانی شیخ عبد القادر
جیلانی و محمد دم الامام کان نمک و گنج شکر شیخ فرید الدین و دیگر اولیاء الله قدس الله تعالی اسرارهم

حاضر اند پس با اشارہ حضرت رسالت پناہی صلعم جناب غوث الاعظم دست صاحب ترجمہ پرست
سید شاہ آل حمد مارہروی دادند چون وی رحمۃ اللہ علیہ بیدار شد راہ مارہرہ گرفتہ بعدست پیر و شگیر
خود رسیدہ کمال ورع و تقوی و اتباع شرع را ہم یافتہ شرف بیعت حاصل نمود و بجلالت ممتاز
گشت و از حضور پیر بلقب عین الحق مباہی شدن ان بعد ہر ہفتاد سالگی بزیارت حسین شریفین
نادہما اللہ شرفا برہ اندوز گردید کتاب مواہب المنان شرح جواہر الحمان کہ عبارت از
ملفوظات غوثیہ است و رسالہ رد ردافض بزبان فارسی و رسالہ ردوہا بیدہ ہندی و دیگر سائل
از تصانیف شان اند و بجلالتانہ ارشدوی شاہ آل رسول مارہروی و مولوی افتخار الدین ہستند
صاحب ترجمہ علیہ الرحمۃ تبارخ ہفتدہم محرم الحرام سال دوازده صد و شصت و سہ ہجری رحلت فرمودہ
علمائے دیار و شعرائے امصار قطعات تاریخ فوتش برشتہ نظم کشیدند انان جملہ مفتی سعد اللہ مراد آبادی
آشفقہ تخلص چنین یافتند جناب مقدس شہ کا ملین با امام ہدی قبلہ اہل دین و بعلم و عمل یادگار سلف
زنیعتش منور دل عارفان و سر اولیا شاہ عبد المجید خدائیش دہد بخت حور عین و بہار محرم شب
ہفتدہم و بسوی جنان شد غریبت گزین و رقم کردہ آشفقہ تاریخ آن کہ گردید و اصل بجلد برین -
قاضی عبدالمقتدر دہلوی ابن قاضی رکن الدین الشریعی الکندی الدہلوی خلیفہ شیخ
نصیر الدین محمود دہلوی دانشمند فیاض و درویش کامل استاد قاضی شہاب الدین ہست بغایت
فصیح و بلیغ بود تصانیف و غلیات دار و قصیدہ او کہ در معارضہ لامیہ العجم بہرح آنحضرت صلعم گفتہ
دلاست دار و بر کمال فصاحت او او دایم درس می گفت و با فادہ علم مشغول بود کہ طریقہ شیخ
نصیر الدین محمود اکثر خلفای ایشان ہمین بود و وصیت ادب طالبان اشتغال علم و حفظ شریعت بود
گفتی فکر و یک مسئلہ شرعی فضل دار و بر ہزار رکعتی کہ مشوب بہ عجب و ریا کنند گویند کردی او ان
طالب علمی پیش شیخ نصیر الدین محمود میرفت و بحث میکرد شیخ او را و بچشمای او ریا کند دوست داشتی
داد را تحریص کردی بر تحصیل علم تا انجام کار مرید شیخ شد و نعمت باطن یا فضیلت ظاہر مقرون گردید
یکے از معتقدان ایشان کتابے نوشتہ است مسمی بہ مناقب اصدیقین در ان می نویسد کہ روزے
قاضی شہاب الدین ندی یافتہ بود با داد خود گفت این زر را در جای گور کنم این بگفت و در مجلس
قاضی عبدالمقتدر رفت و بچو آنکہ نظر بر قاضی شہاب الدین افگند گفت شہا کہ در گور کردن

زیر بید با علم کجا پردانید قاضی شهاب الدین بگفتار خود متنبه شد قاضی عبدالقصد می گفت پیش من طالب علمی می آید که پوست او علم و مغز او علم استخوان او علم است و ازین طالب علم قاضی شهاب الدین راضی خواست بتاریخ بست و ششم محرم سال هفتصد و نود و یک هجری بعمر هشتاد و هشت سال فانیافته قبرش بمقام خواجه قطب الدین مختیار اوشی جانب جنوب حوض شمس است و او را شصت مرده شمس عبدالبنی صدر الصدور و گنگوئی بن شیخ احمد بن عبدالقدوس گنگوئی چند مرتبه بحرین بترغیبین رفته علم حدیث را خواند و بعد از آن که بازگشته آماز روش آبا و اجداد کرام خود سماع و غنای اسنکویه و بروش محدثین سلوک می نمود و بتقوی و طهارت و نزاهت و عبادت ظاهر اشتغال داشت پدرش در اباحت سماع رساله نوشته او نیز در انکار سماع رساله ساخته لاجرم باشت اینها و تکلیف بسیار شده این باعث شهرت او گشت اکبر بادشاه در آن زمان صدری میخواست که بصفت علم و دیانت موصوف باشد توسط بعض وسائل او در سال هفتصد و یک صدر الصدور مقرر ساخت او بر عهده خود کس استقلال زد و و از مال و جاه و اعتبار زائد از آنچه گفته شود نصیب او گردید که در زمان هیچ پادشاهی انجین صدری نگذشته و بادشاه را چندگاه نسبت او انجین اعتقاد پیدا شده بود که کفش پیش پای او می نهاد آخر بوجه مخالفت مخدوم الملک ملا عبداللہ سلطانپوری دیگر علما آن قضیه منعکس شد و مزاج سلطانی بسبب بعضی حوادث از وی منحرف گشته در سال هفتصد و شستاد و شش از منصب صدارت معزول شده آخر بخرانی بسیار او را ملا عبداللہ سلطانپوری را که با هم مخالف بودند بصورت رفیق یکدیگر ساخته بکه معظمه فرستادند تا بهم میان هر دو رفع کدورت صورت نه بست آخر بی صبری کرده از که معظمه هر دو بدیار هند رجوع نمودند مولانا ملا عبداللہ در دیار گجرات بسال هفتصد و نود و یک هجری وفات یافته و شیخ عبدالبنی بد رگاہ بادشاه آمد مدتی در بندی خانہ محبوس ماند هم در آن حبس بسال هفتصد و نود و دو هجری رحلت کرد در ساله بعبارت عربی در رد طعن نام فقال مروزی شافعی که برلنام ابوحنیفه کرده بود از تصانیف او است

عبدالبنی شطاری نامش عماد الدین محمد عارف العثماني الصوفي اشطاری نسبت و ثمره الخنفي مدہباً پیروی شرع و مرید شیخ عبداللہ صوفی شطاری اکبر آبادی از علمای عظام صوفیہ کرام بود تصانیف لائقه از ملام و گاساندا ناظمه فوائد الاور شرح لوائح الاسرار ملا جامی رفیع شرح لوائح مختصر فوائد مذکور

ذریعہ النجاة شرح مشکوٰۃ - شرح الفصوص - شرح ترجمہ فصوص - شقائق اللغات فی شرح اللغات
 شرح خلاصۃ العشق شرح جام جهان نما - شرح اللطیفۃ الغیبہ - شرح نخبۃ الفکر - شرح آکاب حنفی - شرح
 معامی میر حسن - شرح جواہر خمسہ - شرح کلید مخازن - شرح تحفۃ حل الودود - فیض النجیر شرح حاشیہ
 سید شریف بر عضدی - رسالہ در تعریف فقر - رسالہ کشف الجواہر - رسالہ در اسم ذات - رسالہ
 در شرح حدیث غیر الاسماء عبد اللہ و عبد الرحمن - رسالہ کنوز الاسرار فی اشعار الشطار جوامع کلم لہو
 مقامات العارفین - فتوحات المغیبہ - حدائق الانشاء - رسالہ ناسخ و نسخ و نسخ مسمل بدستور مفسرین -
 بحر الکرم شرح عین العلم - حاشیہ شرح جامی از بحث حال مجرورات - سواطع الامام شرح تمذیب
 الکلام - شرح حدیث الصلوٰۃ معراج المؤمنین - شرح حدیث کنت کنز اغنیاء - دستور السعادة فی
 بیان الولایۃ - فیض القدوس منتخب نقد النصوص - مطالع الانوار الخفی شرح اجوبۃ الولی جواہر الاسرار
 شرح الفصوص الفارابی فیض الملک المبین شرح حق الیقین - حاشیہ بر نقد النصوص -
 دواعی الانوار فی مناقب السادات الاطہار - رسالہ سماع - رسالہ در جواب اسولہ فاضل تار قیام
 شرح جواب شیخ ابن سنیا کہ بر مکتوب ابو الخیر مولانا ابوسعید نوشتہ مواہب لکی شرح اصول ابراہیم شاہ
 شرح ارشاد انخو قاضی شہاب الدین - روح الارواح شرح حکمۃ اشراقیہ - رسالہ ایمان فرعون - رسالہ
 خلوات الوجود - رسالہ ناسخ التناسخ شرح حضرات خمس و غیرہ یا سال فوات او دریافتہ شدہ و خاتمہ
 فوات الانوار کہ بتاریخ ہشتم ذیحجہ یوم جمعہ سال ہزار و بست ہجری تصنیف منودہ می نویسد قد وقع
 الفراغ یوم الجمعة ثامن ثانی عشر من عشرین من حادی عشر من الهجرة تجاہ مرقد الشیخ الوالد الواقع ببلد
 آگرہ صانہا اللہ من جمیع ما یکرہ و تاریخ اتمامہ انصال حق انتی بلفظہ ازین عبارت زمانہ حیات صاحب
 ترجمہ چنانکہ مذکور شد دریافت می شود و اللہ اعلم بالصواب

ملا عبد الباقی احمد نگر می ابن قاضی عبدالرسول عثمانی الاحمد نگر می گجراتی علامہ زمان یگانہ
 دوران شاگرد و مرید شاہ وجیہ الدین علوی احمد آبادی بود بسیاری از تصانیف او بر صفحہ روزگار یاد
 از مرتبہ علمی وی می دہند از انجملہ کتاب جامع الغوض منبع الفیوض شرح بسوط کافیہ نحو عبارات
 فارسی است کہ در سال یازدہ صد و چہل و چہار ہجری بمقام احمد نگر مصنف ممالک گجرات و کنایہ
 منودہ و نیز حاشیہ بر شرح تمذیب یزدی نوشتہ شکر اللہ سعید

شیخ عبد الواحد بلگرامی شاہدی مخلص صاحب فاضل کلمات در ریاضت و عبادات بود خلاق
 مرضیہ و صفات رضیہ داشت نام پدرش ابراہیم بن خطیب بود وطن صلیبی بلگرام است مگر بعض اجلادش
 بقصبہ ہاری قیام فرمودند و بہ بلگرام آمدہ زخت اقامت انداخت نسبت را دوشین سید حسین سکندہ میر سید صفقا
 در حقائق و معارف دارد از ان جملہ حقائق ہندی و محل شہادت و شرح کافیہ تا بحث غیر معروف کہ از بطور
 محافی تصوف کشیدہ و شرح نرمہ الاسرار و سبع سابل در تصوف اندکیر شاہ ویر استغیثم تمام طلبید زینی در سیورال
 مرحمت فرمود مؤلف نقائس المائر و الاکارہ قنوج شمرده ہمانا کہ بلگرام سرکار قنوج بود از منظوماتش مناظرہ
 ابنہ و خرپڑہ باہل مذاق شیعی و چاشنی میدہد مرثیہ از حد تجاؤز شدہ و فائش شب جمعہ سوم رمضان سال
 یکہزار و ہفتہ ہجری در بلگرام وقوع یافتہ ہما بخاند فون گردید غزلی تاریخ فوٹش چنین یافتہ چورت
 واحد صوری و معنوی گفتیم نہار و ہفتہ شب جمعہ ماہ صوم سوم در مصرعہ ثانی تاریخ صوری و معنوی است
 بیانش آنکہ بہت عدکہ بحساب جمل در مصرعہ ثانی نایدی شود از بلطافت تخریج کردہ یعنی واحد
 صوری کہ عددش نوزدہ است و واحد معنوی کہ یکی است مجموعہ آن بہت شد از اخراج کردہ یکہزار
 و ہفتہ کہ سال و فائش بود باقی ماند

میر عبد الواحد بلگرامی واحد و ذوقی مخلص داشت شعر بزبان ہندی و فارسی می گفت کتاب
 شکرستان خیال مشتمل بر نظم و نثر در وصف حلویات بدستور دیوان مرتب کردہ دوم محرم یا زودہ صد
 و سی و چہار ہجری روز جمعہ در معرکہ زمیڈاران لاہور بقتل رسید

مولوی عبد الواحد فرنگی محلی سپہر کلان مولوی عبد لعلی بن مولانا عبد العلی بحر العلوم اولاً
 بخدمت ملاز بہار الحق فرنگی محلی تحصیل علوم کردہ بقیہ کتب در سیر پیش جد خود سدرا س گذرانیدہ فراغ
 حاصل نمودہ بارادہ حصول منصب قضا و افتابہ کلکتہ رفتہ باہارنگش حاکم عدالت بنگال ملاقی شد
 مگر حصول مرام صورت نہ بہت بعد فتح دہلی مفتی ضلعہ روہتک بشاہرہ و دود و پنجاہ روپیہ بسفارش
 حاکم مذکور مقرر گردید و از انجا تبدیل شدہ پانی پت رفت و بعد چندی حلت کرد

مولوی عبد الواحد خیر آبادی شاگرد و ہمیشہ زادہ مولوی محمد علم سیدی بود از تلامذہ و
 مولوی فضل نام خیر آبادی صدر الصدور دہلی اس نامور شدہ رحمۃ اللہ علیہما مولوی امام العالم مرحوم
 خیر آبادی شایع قصیدہ بردہ انما احقاد انجادش ہم سبق مؤلف اوراق بدقت طبع و حدت ذہن

مشائلا لیه اتراں بود غفرلہ -

مولوی عبدالواحد فرنگی محلی سپہرہ مولوی عبدالاعلیٰ ابن مولانا عبدالعلیٰ بحر العلوم در صغیر سن
بخدمت جد خود بدراس رفتہ مختصرات از عم خود مولوی عبدالرب و متوسطات از دیگران و مطولات
بخدمت جد خود مولانا عبدالعلیٰ تحصیل نموده بہ لکھنؤ آمد وی دہم خرویش مولوی عبدالرب و لکھنؤ بودند
کہ مولانا عبدالعلیٰ بحر العلوم بدراس رحلت فرمود خبر وفاتش یافتہ مولوی عبدالواحد و عمش مولوی
عبدالرب بدراس رفتہ دستہی جای مولانا مرحوم شدند چون مولوی علاء الدین پیشانین بجایش
مقرر شدہ بود و عزل وی رئیس وقت مناسب ندانست بدین وجہ مدرسہ خاص کہ ملوک مولانا مرحوم
بود بہ مولوی عبدالرب سپہرہ مولانا مرحوم داد مولوی علاء الدین را جای دیگر دادہ مشاہرہ مولانا مرحوم
نصف بمولوی عبدالرب و نصف بہ مولوی علاء الدین مقرر ساخت مولوی عبدالرب برادر زادہ
خود یعنی مولوی عبدالواحد را قائم مقام خود کردہ کنارہ کش گشت ازان وقت مولوی عبدالواحد بدراس
مدرسہ مولانا مرحوم نیابتہ گردید و لا ولد در گذشت

حاجی عبدالولی طرخانی کشمیری دانشمند کامل محدث بود و وطن خود طرخان واقع ترکستان
بحرین شریفین رفتہ و بادای مناسک حج مشرف شدہ در مدرسہ دارالشفای شیخ ابوالحسن سندس
اجازت حدیث و تفسیر حاصل کردہ کشمیر قدم آورد و بہتمہ الحاشی ملا کوں سبغتہ بخدمت شیخ الاسلام
مولانا قوام الدین محمد لایندہ اجازت کتب حدیث و تفسیر بوی دادہ مدتی بکان اہم مقام مامور الا مرام
از دست ظلمہ بسال یا ندہ صد و ہفتاد و یک ہجری شریعت شہادت چشید

مولوی عبدالوالی فرنگی محلی ابن محمد ابوالکرم ابن مفتی محمد یعقوب بعد تکمیل تحصیل علوم بیعت از
جد مادری خود ملا الوالد الحق نمودہ خلیفہ برحق و مجاز مطلق از و گشت و چہ عمر عزیزش بیا و آئی و عبادات
و ریاضات بسر برد شب بست و دوم شعبان سال دوازده صد و ہفتاد و نہ ہجری بمعرود سالگی
بجوار رحمت الہی سوست مولوی عبدالہاسط در گنت کنز الغضایا تاریخ وفاتش یافتہ

مولوی عبدالوحید فرنگی محلی ابن مولوی عبدالواحد سپہرگان مولوی عبدالاعلیٰ بن مولوی
عبدالعلیٰ بحر العلوم کتب درسیہ بخدمت مولوی قدرت علی و مولوی سراج الحق و مولوی ولی اللہ و
عم خود مولوی عبدالواحد سکنہ فرنگی محل تحصیل کردہ بتاریخ نیم شعبان سال دوازده صد و نہ ہجری لا ولد وفات یافت

حاجی سید عبد الوہاب بخاری از اولاد سید جمال بخاری بزرگ است کہ جد سید جمال الدین
مخدوم جہانیاں بود سید جمال مذکور را دو پسر بودند یکے سید احمد دیگر سید محمود مخدوم جہانیاں پسر سید
محمود است و حاجی عبد الوہاب از اولاد سید احمد است وی رحمۃ اللہ علیہ بزرگ بود موصوف بعلم و
عمل حال محبت و راویل حال کہ ہنوز در ملتان وطن داشت روزی در خدمت پیر و استاد و صہر
خود سید صد الدین بخاری نشستہ بود از وی شنید کہ میگفت دو نعمت در عالم بالفعل موجود اند کہ فوق
جمع نعمتہا است ولیکن مردم قدر آن دو نعمت نمی شناسند و ہلان پی نمی برند فائدہ تحصیل آن غافل اند
یکے آنکہ وجود مبارک سیدنا محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بصفہ حیات در مدینہ موجود است و مردم این
سعادت را نمی یابند و دیگر قرآن مجید کہ کلام پروردگار است و وی سبحانہ تعالیٰ بیواسطہ بدان متکلم و خلق
از ان خافندہ سید عبد الوہاب بجز شنیدن این کلام انبیش پیر بر خاست و رخصت زیارت مدینہ
درخواست و براہ خشکی زیارت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بشتافت و این سعادت را دریافتہ باز وطن
اصلی خود نمود بعد از ان بتقریب بعضی سوانح روزگار در عمدہ دولت سلطان سکندر لودی بدہلی آمد
سلطان سکندر را بوی اعتقاد عظیم پیدا شد و آنچه از شرائط تعظیم و تجلیل بود رعایت نمود و بار دیگر کلام از
دہلی قصد زیارت حرمین شریفین کرد و مکرراً باین سعادت عظمیٰ رسید و بہ بشارتہا حضرت خاتم الرسل
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم اشارت یافتہ باز بدہلی خود فرمود ویرا تفسیر نیست کہ اکثر قرآن مجید بلکہ تمام آنرا
ارجاع بہ نعمت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ذکر او کردہ و بسیاری از دقائق عشق و اسرار محبت در ان
درجہ کردہ است غالباً و وقوع آن در غلبہ حال و استغراق وقت بودہ باشد مخفی چند از وی شیخ محمد شین
دہلوی در اخبار اراخیا را تحتاً با درج فرمودہ و آقا و تصنیف تفسیر مذکور شہر بیچ الثانی سال ہصد و پانزودہ ہجری
و اتمام آن بر روز و شنبہ تاریخ ہفتہ ہمہ ماہ شوال سال مذکور بطور پیوستہ وی رحمۃ اللہ علیہ در سال نہ
صد و سی و دو ہجری وفات یافتہ کہ عدد عبارت شہج حاجی موافق آنست و مقبرہ و سہ درجہ
مقبرہ شاہ عبد اللہ در دہلی است و او را بادشاہ عبد اللہ بحالت حیات نسبت محبت و نیاہندہ
بود کہ بچہ میگویند کہ فانی الشیخ می باشد این چنین خواہد بود

سید عبد الوہاب منور آبادی ابن میر با ششم عالم عامل و فقیہ کامل متورع و تقی بود تمام عمر شریف
بذکر قال اللہ و قال الرسول بسر کردہ ہمزشتاد سالگی درس یازدہ صد و پنجاہ و دو ہجری رحلت فرمود (۱۰۰)

شیخ عبد الوهاب قنوجی الخاطب بنواب منعم خان بهادر ساکن محله راجگیر محلات بلده قنوج
فاضل جلیل عالم نبیل و علوم متعارفه بدوولی داشت تصانیف مفیده بعلم درسیه دار و اناجمله مقلح
و بحر المذاهب در علم کلام و کتاب الصوره در عقائد ایشان می دهند

سید عبد الوهاب لوری ابن سید عبد المجید گویند ویر علم و هبی بود بمطالعه کتب تدریس علم
اشتغال داشت در سال نصد و شصت و پنج هجری فوت یافته در سال و صد و نود و شصت

شیخ عبد الوهاب متقی ابن شیخ ولی الله مندوی برهانپوری و فرزند والدین شان درگذشته
از همان زمان قائم الدفین الی رفیق حال ایشان شده در طلب حق براه فقر و تجربه و مسافرت و سیر عالم
کشید غالب سیر ایشان در نواحی گجرات و اکناف ولایت دکن و سیلان و سرندیب بود و زیاده از سه
روز و سیع مقام اقامت نمی کرد و در بعضی بلاد که بجهت تحصیل علم و تقرب صحبت مشایخ و صلحی بمقدار
استیفا فی غرض انقراض حاجت اختیار اقامت ضرورت می افتاد و در عنقوان شبانگاه جمادی الاول
سن نصد و شصت و سه هجری بکلمه معظمه که شیخ علی متقی باستماع خبر گذارش بسابقه تعارف که بوالد نام
شان داشتند پیش ایشان آمد و مهر پانها کردند و استدعای صحبت نمودند و رحمة الله علیه بمقتضای
استغنائی ذاتی او لا گفتند الشاء الله بنیم تا نصیب چیست در آخر بمشاهده فضل کمال شیخ قتی صحبت
نمودند و بکتابت تالیفات شیخ و تصحیح و مقابله آنها مشغول شدند و تا دوازده سال مصاحبت شیخ
در فقه و حدیث و غیره علوم شرعیه مهارت کامل حاصل کرده اراکالین و اولیا الله شدند و بعد وفات
شیخ تاسی و شش سال بکلمه معظمه نشر علوم ظاهر و باطن میکرد در ایام اقامت حمی فوت نشده شیخ عبد الحق
دهلوی بکلمه معظمه از ایشان سند صحاح سه حاصل کرده مرید شان شدند و رحمة الله علیه بسال هزار
و یک هجری زاین دار فانی بعالم جاودانی شتافت منته و سابقا دار خلافت سلطان مالوه بود اکنون
زیر حکومت سیاست و بار است و بمهندو گنده شهرت دارد

شیخ غفر الله تلبنی صاحب ارشاد و هدایت دانشمند متجرب و عمده سلطان سکندر لودی از ملتان
در بنهجل آمده رخت اقامت انداخت طبعی فیاض و استحضاری غریب داشت که متعلم متفطن هر طور
کتابی مشکل منتیان را که می خواند بی مطالعه درس می گفت و میگویند بارها با متحان پیش آمده که اسوله لا
مرفعه را آورده اند و شیخ آنرا در وقت افاده معادل ساخته میان حاتم بنهجل انا رشت تلامذه او بود

انہو تصانیف رایقہ مشہورہ اندانہ نجلہ رسالہ عینیہ است کہ بمقابلہ رسالہ غیرہ شیخ امامان اللہ پانی پتی
 نوشتہ در سن ہند و ہفتاد و پنج ہجری رخت ہستی از نخبان بعالم جاودان بردان اللہ وانا الیہ راجعون
 تلمبہ بغم نامی مشائخہ فوقانی و فتح لام یکون لون و فتح بای موحده باخترای ہوز شہری است و زیلین
 مولوی عسکر علی سنیل خلیف اکبر مولوی محمد اللہ سیدی از والد ماجد خود تحصیل علوم نمودہ فراغ
 حاصل کرد و توسل وی باریاب بارگاہ شاہ دہلی شد و از دربار شاہی بخطاب خیر اللہ خان مہابی گردید
 و چند مواضع بجا گیر یافتہ بنابر تعمیر مدرسہ مامور شد و تعمیر مدرسہ مذکور حسب الحکم شاہی با اتمام ثواب
 ابو المنصور خان صوبہ دار اودہ در سن یازدہ صد و چهل و شش ہجری با تمام رسیدہ مدرسہ منصورہ
 شہرت یافتہ و تاریخ تعمیرش در لفظ خیر المدارس بمناسبت خیر اللہ خان یافتہ اند و مردان مدرسہ مدرس
 و افادہ طلبہ مشغول بود کہ با و از صدی دوازدهم ازین جهان فانی بعالم جاودانی رخت ہستی
 بر بست علیہ الرحمۃ و الغفران

بلا عصمتہ اللہ سہارنپوری از مشاہیر علمای ہندوستان بہت اگرچہ بظاہر ہنوائی نہ داشت اما در
 باطن چشم بصیرتش روشن بود تمام عمر خود در خدمت علم و تدریس بسر کردہ تصانیف رائقہ دار و از انجمل
 شرح خلاصۃ الحساب و حاشیہ فوائد ضیائیہ یعنی شرح ملای جامی است در سن ہزار و سی و نہ ہجری
 بر حمت حق پیوست

مولوی عصمت اللہ لکھنوی خلیف اکبر مولوی عبدالقادر مرید شیخ پیر محمد سلو نے وی
 حافظ قرآن و عالم علوم غریبہ بود و در علم و عمل از برادران خود فوقیت داشت لباس سپاہانہ را
 نشاؤدہ حال خود ساختہ بصورت اغنیاء صحبت بادشاہ وقت دستور بود و دوم رجب سال یکہزار
 و یکصد و سیزدہ ہجری شب شنبہ براہ و کن در موضع بر بندہ وفات یافتہ و ہفتہ ہم شوال سن یکہزار
 بروز جمعہ در موضع بہانودہ متصل بلکہ لکھنؤ مدفون گردیدش خلد اللہ مدار النعمیم تاریخ رحلت و لیست
 مولانا علاء الدین سیلی از علمائے اودہ بود روشنی پاک و صفای تمام داشت پیشین النافذ الکیان
 شافعی کہ شیخ الاسلام اودہ بود تفسیر کشاف می خواند و مولانا شمس الدین عینی اودہی و دیگر علمای اودہ
 سامع بودند زری علما داشت اما باوصاف تصوف موصوف بودی اگرچہ از سلطان المشائخ
 نظام الدین اولیا مجاز مطلق بود اما یک مرید ہم نگرفت اورا بخدمت پیر خود غایت محبت بود

قرش در دہلی نزدیک چوتراہ یار انست رحمۃ اللہ علیہ

ملا علاء الدین لاہوری پسرخ شیخ منصور لاہوری از دانشمندان مشہور مدرس است مدتی
در محبت خانان معز و کرم بود چون بملازمت محمد اکبر شاہ رسید نیز خیلی اعتبار یافت و ہر چند تکلیف
سپاہگری نمودند قبول نکردہ بدرس واقادہ مشغول ماند و ہر چہ از جاگیر حاصل می شد ہمہ صرف
طلبہ می کرد و حاشیہ مشہورہ بر شرح عقاید از تصنیفات معتبرہ اوست بنیات حج مشرف شدہ ہماچا
داعی اجل را بلیک اجابت گفتہ جان بجان آفرین سجد

ملا علاء الدین فرنگی محلی برادر عینی ملا نورالحق ابن ملا احمد انوارالحق بن ملا احمد علی بن تحصیل علم
چند سہ خدمت ملا محمد حسین فرنگی محلی نمودہ زمان بعد از عمر خود ملا احمد از دارالحق در بالنس بریلی افتادہ
برداشتہ ہنگامیکہ ملا عبدالحق بجا العلوم در بہار بہ مدرسہ منشی صدر الدین مدرس بود و ہمراہی علم خود ملا
از ہارالحق در آنجا رفتہ فاتحہ فراغ خواندہ بوطن مراجعت نمود و از والد خود ہیبت حاصل کردہ باشتغال
باطن می کوشید و اندکی مدرس و تدریس نیز می کرد چون مولانا عبدالحق بجا العلوم بمدراس رفت وی ہم
در آنجا بخدمتش پیوست و تاحیات مولانا در حضرتش تکمیل علوم می نمود و بعد وفات مولانا بوجہ دامادیش
بسکار نواب مدراس مدرس مقرر گشت و بخطاب ملک العلماء ممتاز گردید از تصانیف او شرح
فصول اکبری است دہم شوال سال دوازده صد و چہل و دو ہجری در مدراس وفات یافتہ آنجا مدفون
مولانا علاء الدین لاری صاحب حاشیہ بر عقاید نسفی از پیشین زمان باگرہ آمدہ اشتغال بدرس
علوم نمود و مدرسہ از حسن ساخت و مدرسہ حسن تاریخ آن یافتند و در سال نہ صد و شصت و نہ ہجری
بج رفتہ دہم دران سفر رخت سفر آخرت بر بست رحمۃ اللہ علیہ

مولوی علی صغرقنوی ابن مولوی عبد الصمد انارکاہلای قنوج در سال ہزار و پنجاہ و یک ہجری
متولد شدہ از ملا محمد قنوجی و ملا عصمتہ الشہسار پنوری مختصات و متوسطات و مطولات خواندہ فاتحہ
فراغ خدمت ملا محمد زمان کا کوروی خواند جامع علوم عقلیہ و نقلیہ و امام تصوف و سلوک مرید و ظیف
شاہ پیر محمد کنوی بود تا شصت سال عمر شریف خود در تدریس طلبہ گذرانیدہ جم غفیر از علما و فضلا
نیز دامن توبیتش بمرتبہ فضیلت رسیدند تصانیف ذیل از ویادگار انداللطائف العلیہ
فی المعارف الالہیہ بہرۃ المدارس در سلوک القصیدۃ المہیمیۃ فی النظمۃ المحمدیہ شرح قصیدہ

تذکرۃ النفایس علیہ فی کشف اسرار المیمیہ تفسیر ثواب النوریل کہ باختصار و ایجاز ہم پلہ جلالین است
و در علوم ادبیہ و مسائل شرعیہ بر کثافت و بیضاوی تفوق میجو اہد فرج نصوص حکم وے بسال یا زودہ صد
و چہل ہجری رحلت فرمود غلام علی آزاد ہلکاری تاریخ و فائش نظم آورده **۵** مولوی زیان علی صغیر

از وفاتش کمال شد معدوم بہ سال تاریخ او نوشت خود بخشدنمان آفتاب صبح علوم

قاضی علی اکبر حریہ کوٹی ابن قاضی عطار رسول بن قاضی غلام خذیم عباسی دوسال است نویم
صدی سیزدہم متولد شدہ ہر چند سلسلہ تحصیل و ازا و استاد با تمام نرسیدہ و سرایہ اکتسابش ز فوائد ضیاء
جانی متجاوز نگزیدہ مگر از آنجا کہ ہودت دہن و قوت حافظہ اش آیتے بود از آیات الہی و موجی بود از بحر
فیض نامتناہی بذکر بعض حالاتش می پردازم و آیہ کریمہ ذلک فضل اللہ یؤتہ من یشاء و وزیران
سے ساز و والد ماجدش قاضی عطار رسول گو صاحب علم و استعداد بود و در فرائض و فقہ مہارتے معتد بہ
داشت مگر چونکہ از حکومت انگلشیہ گاہی بہ منصب منصفی و گاہی بہمد تحصیل امور بودہ در تعلیم صاحب
ترجمہ علیہ الرحمۃ نظر توجہ نمی گاشت وی بشوق جہلی خود کہ از مبدیاض بدیش و ولعت بود کتاب گلستان
از استاد با تمام رسانیدہ انگاہ استعدادے دقوتے فراہم آورد کہ بدان جملہ کتب متداولہ فارسی یا
بے مداد استاد علی میکرو بعد از آن تحصیل صرف و نحو عربی پرداخت و از مقامات مختلفہ مختصرات
ابتدائی را حاصل کردہ بنا بر قوت مطالعہ را استوار ساخت از ہمسالانش منقول است کہ اورا ہنگام
تحصیل بہ بذل جہد مشغول ندیدیم مگر جواب ہر سوال از وہے تامل می شنیدیم کتاب کافیہ محشی بدیش
افتاد شبہا بمطالعہ آن سپری کرد تا آنکہ کتاب مذکور را بزور حواشی با تمام رسانید پیش آن فوائد ضیاء
از مولوی احمد علی چڑیا کوٹی کہ رابطہ مہابرت یزنہ داشت قریب چہل سبق ازان کتاب اخذ
و بالقی رابطہ خود باخر رسانید همچنین از جاہای عدیدہ ہندی از منطق و کلام خواندہ باین قلت
تحصیل استعداد سخن فہمی را بر تہ رسانید کہ مسائل دقیقہ فلسفہ و کلام از شرح مواقف و صد
و غیرہ می گرفت و از راے نادرہ ماے خود داد و تحقیقات اینقہ میداد و گرہ از مضللات فن می کشاد
ہر بحثے کہ می گرفت گاہے از دست نمی داد و ہر کتابیکہ یکبار از ابتدا تا انتہا مطالعہ کردے
در ہر باب بعد از آن حاجت ہر بحثش ہی افتاد منقول است کہ روزی صاحب ترجمہ با استاد
و مولائے مشہور مولانا محمد شکر مغفور بچلی شہرے در بحث جو ہر فرد و ملاحظہ درآمد مولائے مدوح

با بطل ترکیب جسم انا مثال این اجزاء گفتگو بکشد و وی از جانب متکلمان سلف سنگ منع و مناقضه در راه می نهد با بجله تا پخته درین باب مکالمه فیما بین جاری ماند و گفتگوی طرفین و بطوالت کشید در انجام کار مولای محروح لب به تحسین وی کشاد و داد جوهر شناسی داد که در مسئلہ مختلف فیہا کہ بجانب منع آن تسلیم دلیل بود تقریر بجای رساندی کہ متاخرین متکلمین از ان اغماض کرده اند قاضی مشار الیه صاحب ثروت و مال و ہم مطرح انظار عرو و قار حکام انگلشیہ بود بایام قدر ہندوستان بصلہ خیر سگالی از سرکار انگریزی وظیفہ و انعام و نشور برات اخذ اسلحہ بدست آورده با انہمہ ہمیشہ تحصیل کمال رانی پسندید حصول جاہ و منال را بدیدہ اعتقاد و طلب نمی دید و بفرزدان خود مولو عنایت رسول و مولوے محمد فاروق کہ ہر یگانہ مرآت کمال پیر اند تا کید تحصیل علم و ہنرمی فرمود و گاہی بکمال کتاب سیم و زرغنی نمود بہ تصانیف و تالیف رغبتی نہ داشت دور سالہ از مصنفاتش موجود اندیکے در رد بعض معومات اہل فرنگ یعنی سلسلہ جذب و انجذاب دوم در رد بعض اعتراضات شیعہ و ہیج سال ہشتاد و سوم از صدی سیزدہم رحلت فرمود داخلہ اللہ فی اعلیٰ علیین

مولوی علی احمد دختر زادہ حافظ شاہ ابوالسحاق سجادہ نشین آستانہ بھیر ضلع اعظم گڑھ در ورور و زہ چون جد خود یگانہ روزگار بہت ولادت با سعادت وی در سال دوازده صد و بہست و نہ ہجری بظہور پیوستہ اکثر کتب درسیہ از فاضل ادیب مولوی محمد سلیم علی شہری مرحوم آموختہ و بنندی از ان از مولوی احمد علی عباسی چیرا کوٹی رحمۃ اللہ علیہ گرفتہ فاضلہ قوی الحفظ و الادراک اثقات آن دیار است مولوی محمد فاروق عباسی چیرا کوٹی سلمہ اللہ در ماسلہ مدان زیب رقم فرمودہ کہ راقم سطور پیش از سی سال بخدمت سرایا بکشتش طرف سعادت می بندد تا انہم کلامیکہ دال بر ذم کسی باشد از زبانش نشنید و مجلسش را گاہی خالی اندوختی ندید تا این زمان بہ صلاح حال و مہر و حیث السنہ رجال و بہ التزام و مداومت محاسن اعمال مقرون است ادامہ اللہ برکاتہ

مولوی علی بخش خان بدایونی از علمائے علم اوروسای بلدہ بدایون است تلمذ بخدمت مولو فیض احمد بدایونی و شرف بہیت بخدمت مولوے شاہ عبدالحمید عین الحق بدایونی داشت با وجود تعلق منصب صدر الصدوری کہ از سرکار انگریزی بدان مہاہی بود در تعلیم طلبہ و تالیف کتب و نییہ مشغول می ماند رسالہ شہاب ثاقب رسالہ تاکید لا سلام در رد فرقہ نجیر و رسالہ در رد مذہب شیعہ

از تالیف وی مطبوع شدہ شائع و مطبوع طبع حق پسندان اند نقیہ توالیف مفیدہ اش ہنوز زیر طبع ہیں
 و سال سیزدہ صد و سہ ہجری رحلت فرمودہ بعالم جاودانی شتافت علیہ الرحمۃ والرضوان -
مولوی علی عباس چریاکوٹی ابن شیخ امام علی ابن شیخ غلام حسین ابن شیخ سعد اللہ برادر زادہ
 مولوی احمد علی عباسی است و از جانب مادر با فاضل باب اللہ جو پوری می پیوند دارا فاضل دہرہ
 اذکیای محمولہ کتاب یبندی از مولوی ابوالحسن منطقی گرفتہ و بقیہ کتب درسیہ از عم کرم محمود اصدہر
 آنوقت قوت حافظہ اش بنایت عتیق بود و ذہن و فطنتش بر تہ اعلیٰ باینق بالجلالین فاضل جلیل المنان
 ہم ذکا و جودت داشت و ہم فطانت حدت لاجرم در عمد تحصیل مباحثہ و جدل مدام بر حریف پیچیدہ و در
 میزان بحث کسی با و برابر نمی بخید ہر کتابی کہ میخواند با استاد مجارات فرس مناظر ت میراند تا آنکہ تحصیلش
 بتر بیت نظامی چون کواشی را ہدیہ متعلقہ رسالہ تطبیہ رسید استعدادش بمطالعہ کتاب و تنقید مضامین
 ہر باب نام و کامل گردید پس دست از تحصیل باز کشید و بمطالعہ کتب قدما و ہم متاخرین پیچیدہ کہ شب
 می کشید و شبش بروز میرسید در چند سال بحدوت حافظہ و حسن فطانت بہ مسائل اکثر کتب درسیہ و غیر
 درسیہ حاوی گشتہ و از کتب مشہورہ کمتر بود کہ از نگاہش نگذشتہ اکثر کتب درسیہ را بی مراجعت کواشی
 طالبان را معقنہ می آموخت ہر گاہ بر مسائل درس نظامیہ واقف گردید عنان غریمت بسوی تکمیل
 ادب و حفظ لغات عرب گردانید تا آنکہ بر ادای مضامین ہم نظم و ہم نثر خطی وافی بدست آورد و اکثر
 مسائل منطقہ و نحو یہ را منظوم کرد بحث و جدل طبیعتش غالب بود و ہر سخنی کہ بر زبان آوردی ہر چند
 و ران بر سر خطا بودی مگر خضم باز نہ و جدال ساکت کردی روزی در مثال جئت زیۃ الفظ جئت فعل
 متعدی و زید را مفعول بہ فرمودہ یکے ان اذکیای محصلین دران باب با اوراہ مخالفت پیمودہ و
 دیگر معاصران ہم با محصل مذکور موافقت کردند تا آنکہ سلسلہ جدل درازی کشید و بعدا قضاہ ہم
 زبان نوبت تکمیل کلک بیان رسید پس مولوی ممدوح دران باب رسالہ ترتیب ساختہ آگاہ
 کسے از محصلان بہ تحریر جوابش پیر داخت و مولوی ممدوح در قضیہ شرطیہ کہ انقسامش بتقسیم
 غیر حاضر متصل و منفصلہ مشہورست قسمی جدید پدید آورد و نامش شرطیہ عباسیہ کہ و مثال قام
 زید ثم تعدی و فرمودہ بالجلہ فاضل ممدوح بقوت لقادحہ خود مسائل ہر علم را بمنیان نظرے سنجید و
 و تحقیق نفس الامر حکیمانہ می کشید چنانچہ نفوذ احکام اور مسائل متداولہ بسا را اندامین مختصر

تذکره نامبرتابه از فنون متداوله درین توابع و سیر کامل بود و بطن ادب و دانش و نظم و شربط و عریب
هم مهارتی معتدبه داشت و از علوم دیگر هم بے بهره نبود و در احوال حال برسم سیاحت به حیدرآباد و کن
رفته و بهرج امرای دولت قصائد غزالی را که در مکتب خطی برین داشت و طریقی نه بست انانجا واپس آمده
قصیده مشتمل بر پنجون مرزوم بقلم آورده درین شعر از همان قصیده است **من حیدرآباد و اهلین**
والا ترقم فیما فوادلی المکارم یصد ربه بعلمازان بر ریاست بھوپال شتافته و انجا باطلعات نواب سکنه
والیه ریاست جائزه پذیر داشته و سالی چند در انجا اقامت داشت بسے بر نیامد که بخا الفت بعضی
از کان آن دولت بطن بلند آمد و روزگارے چند در وطن به بیکاری بسر برد و از انجا که شمس
کمالش آفتاب داری بهائی تافته والی حیدرآباد بشاورت در باب دولت و العزت و بهالست
تمام بخوانده و منصب و پایگاه بلندش نشانده روزی چند بجل منصبی خود مقیم بوده بعد از ان ترک
عمل کرده بر دو صد ماهانه وظیفه بلا شرط خدمت قناعت نموده تا آنکه در سن دوم صدی چهارم هجری
بوطن رسیده با و از پنج سال مذکور حلت فرموده و لاوتش بگمان غالب سال سی ام صدے
سینو هم است از اشعار اوست **لو کان ندی فی الزمان** فمات به و اشرع النکان فی میقاته
قصیده در بحر شمس نامر گوید **ولم یکن شمس السما و سیمیه** یا بدمی الخضواته و یزید اشعار اوست
نفورک و الحاحب المحیاه بنهار بلالات شریافته اتی فیر مؤلف بسال و دوازده صد و شصت و
هجری بزمه طلبه علوم فاد بیت السورغان موریه دوران هنگام بفرودگاه مولوی محمد ظفر محلی شری
صدرا الصدور شهرتد کور خدمت صاحب ترجمه که بیاس بقیه مولوی ابوالحسن نظامی سندری انتشار یافت
آورده بود و دریافت در حقیقت همان اوصاف در موجود بود و دیگر با وجود این همه قابلیت بجلست
صدت طبع و قادم وجودت قریحه نقاد و قبولیت نه پیوسته و از مقبولیت اقران و ذواق و فائده و من فاقه
الاستعداد آتومت حاشیه عبدالغفور بر شرح جامی و شرح تمذیب یزدی پیش مولانا مولوی ابوالحسن
منزور میگنارم بھمدان زمان کتاب نبراس انعطافه مصنفه صاحب ترجمه بنظر گذشته الحق که در ان داد

قابلیت داده عاظمه افند طحطه است

مصطفی علی کبیر محلی شری ش اگر سید تنفصل حسین خان کشمیر است مدتی منصب قاضی
و لڑ سار و در کار انکیزی سرفراز بوده هم از ان منصب حق تقاعد حاصل نموده خانه نشین گردید

جامع الادباق ہر گاہ در سن و دوازده صد و شصت ہجری پھر کہ تلامذہ مولانا محمد شکور مرحوم و مغفور
پجھلی شہری کہ ہمیشہ زادہ سی بود پجھلی شہر رسید ویرا دید کہ ضعیف و نحیف شدہ شخص استخوانی و پوستی
داشت و قد شریفش بکثر پشتی و بچہ جسم را کہ گشتہ غالباً بود سالکی و دان زمان رسیدہ باشد گاہی با طلبہ
کہ چند تنش میرفتیم تمامی اخلاق حمیدہ و پرستش حوالہ پیش می آمد کہ ایکمی طلبہ یکم ہیئت کہ داشت
بر خاستہ از امارسی بر آورده می داد و میگفت کہ کتاب میدہم لکن باین شرطہ کہ طبع و بوق قصدش سہلوی
قاضی علی محمد بیایوری انا کار علمای عہد سلطان ابراہیم عادل شاہ محدث و مفسر و فقیہ بود بہ لقب
اوستاد الادبیا شہرت داشت از گجرات بہ جیپور آمدہ دران بلندہ اقتلاح مدرسہ نمود کہ اکثر از طلبہ علوم
از دستفرض شدہ مغل تلامذہ و سہ شاہ برہان و شیخ ابوتراب مدراسی و سید محمد مدراسی و
قاضی ابراہیم زبیری مشہور اند در عہد سلطان سابق الذکر منصب قضاہی بیجاپور امتیازہ داشت
چہارم ماہ ذی الحجہ سن ہزار و ہشتاد ہجری رحلت فرمودہ و دیچارہ مدفون گشت

ملا علی محدث سمرقندی برادر ملا صادق حلوائی علم حدیث در عرب تحصیل کردہ بغایت متقی
و پرہیزگار بود ہندوستان آمدہ در سال ہندو ہشتاد و یک ہجری بجاور رحمت ایزدی پیوست
ملا عالم کاملی این تاریخ یافت قطعہ درینا کہ ناگاہ ملا علی را بدادار میان و متبر و حوادث چہ پی
سال تاریخ او سال دیگرہ بگو مر و ملا علی محدث ہ

شیخ علی متقی برہان پوری ابن حسام الدین بن عبد الملک بن قاضی خان المتقی لقباً
القادری الشاذلی المذنبی البختی مشرباً بالجہنوری و طناً البرہانپوری مولداً الملکی منزلاً و در سال ہشت
صد ہشتاد و پنج ہجری در برہانپور دکن متولد شدہ حالات با برکات شان شیخ عبدالحی محدث
دہلوی در اخبار الاخیان تفصیل تمام تحریر فرمودہ و شخص آن اینست کہ دی رحمۃ اللہ علیہ مادہ ہفت
دہشت سالگی پدرش خدمت شاہ باجن برہانپوری مرید سلسلۃ نقشبندیہ و بسطرت آخرت غرامید و سہ بعد
وفات پدر چندی بصحبت امرا و سلاطین وقت بسر بردہ در عین شباب بہ تحقیقائے ہادئہ ازلی
خدمت شیخ عبدالحکیم بن شاہ باجن رسیدہ خرقہ خلافت سلسلہ چشتیہ پوشیدہ از برہانپور بگلان
مطبعہ سطر نشانیہ خدمت شیخ حسام الدین متقی ملتان رسیدہ تفسیر بیضاوی و صین اعلم را خدمت
ایشان مطالعہ نمود و سلوک طریقہ ربیع و تقوی را با مادہ برکات مجتہدش پیش گرفتہ ہمراہ نادانقوے

محل در قوفیق غریب حرمین شریفین یافته بعد مست شیخ ابوالحسن بکری شرف تلمذ حاصل نموده در مدرسه
 علمای عصر آن دیار را دریافت و استفیذ گشت و از شیخ محمد بن محمد بن محمد بن السخاوی خرقه خلافت
 قادریه و شاذلیه و ربکشیه بکلمه معطر بخت اقامت انماخت و عالمی را با اوار طاعات و عبادات
 و با ثبات افاضات و افادات علوم دینی و فنون یقینی و مستفیذ ساخت و مجمع و تصنیف کتب و
 رسائل علم حدیث و تصوف پرداخت انا بجملة جامع صغیر و جامع کبیر شیخ جلال الدین سیوطی را که در
 بحروف عجاوب و محبوب بابو اب فقیه فرمود و بار دیگر از آن شیخی گرفته انهم لغایت مذهب و شیع آمده و
 رساله تبیین الطرق و مجموعه حکم کبیر و تصوف از تصانیف و نیست و مجموع تصانیف از صغیر و کبیر و
 عربی و فارسی از صد متجاوز از آن تاریخ دوم جمادی الاولی سال مصاد و هشتاد و پنج هجری بکلمه معطر
 رحلت فرمود علیه رحمة ربها و در دو لفظ قضی خبر تاریخ فوتش یافتند

طاعلی مهاجمی ابن شیخ احمد از قوم نوات بر وزن ثوابت از بخاری زمان صاحب عرفان مقرر
 توحید وجودی بود مصنفات متبرکه و مقبوله دارد انا بجملة تفسیر حکانی که از تفسیر مهاجمی نیز گویند و
 تفاوت شرح عبارات المعارف و شرح فصوص الحکم و شرح فصوص الحکم شیخ عبدالدین قنوی
 و اولیة التوحید و رساله در بیان وجوه اعراب و اولیة الحکم و اولیة الحکم که
 دوازده کور و هشتاد و سه لک و چهل و چهار هزار و پانصد و بیست و چهار وجه بیان نموده صورتش
 در هند سه اینست ۲۴۵۲۳۳۲۸ ماه جمادی الاولی سال اشت صد و سی و پنج هجری وفات یافت
 بمقام مدفون شد قدس سره بمقام بر وزن غظام بندریست از بنادر کوکن که نام ملکی است در کوکن
 برکنار سمندر نوات بر وزن ثوابت قویست در بلاد کوکن می گویند که بر گاه حجاج بن یوسف ثقفی
 پنجاه هزار را دلیا و علما و غیره بکشت گروست از قریش بدین طبعیه جهاد وطن شده بساحل بحر هند رسیده
 و سکونت ورزیدند از اولاد آنها فرقه نوات است -

سید علیم الله جالندهری جامع علوم ظاهر و باطن مرید شاه ابوالعالی و خلیفه سید سیکه بود
 انما لا اسر و تنزیه السالکین شرح اخلاق ناصری و زبدة الروایات و نشر الجواهر ترجمه فارسی
 نظم الدرر و المرحان عربی مؤلفه مرزا جان بکر بکشد از تصانیف مشهوره و چند رساله پیکرزار و
 دو صد و دو هجری وفات یافت

مولوی حافظ عظیم اللہ نگرانی صاحب علم و فضل و تقویٰ مولانا شاہ عبدالحق بن تریل لکھنؤ
 بود چون ہفتش ہمارہ بخیر اغتفال داشت بنامان بجز ترجمہ رسالہ رشد خود سماء بجمہ المقلات یعنی
 نکرده در سال ہزار و صد و پنجاہ و بیج ہجری از دار فناء بعالم بقا شافت روح اللہ و روح
 مولوی عظیم اللہ قنوجی ابن مولوی نصیر الدین قنوجی در فضائل بنوہ سلف صالحہ و در عہدیت
 یادگار عرب و بالکلیہ مولوی عبدالحق قنوجی بود و از تصانیف لطیفہ دست کتاب دار الفضائل
 فی شرح الشرائع و چند رسائل در منطق و کتاب مین الہدی شرح قطر اللہ کہ بسال دوازده صد
 یازده ہجری تالیف نمود سال رحلتش معلوم نیست

امیر کبیر سید علی ہمدانی ابن سید شہاب الدین و داد ہم چہ روز و دو شنبہ سال ہفتصد و چہارہ
 ہجری متولد شدہ مخزن علوم و اہل باطن مظهر تجلیات ربانی و مرید علاء الدین سمنانی بود اکثر اہل کتب دنیا
 را سیر کردہ و خدمت ہزار و چہار صد سالہ لیا و اللہ رسیدہ مستفید گشت و در سن ہفتصد و ہشتاد و یک
 ہجری از ہمدان بایہ قصد کس سادات و رفقا بخط کشمیر تشریف آوردہ بچلہ علاء الدین پورہ کہ دماغیا
 مغانقاہ و بیست رخت اقامت انداخت و در لفظ مقدم شریف معانی غ قدوش یافتہ اند قطب الدین
 شاہ دانی کشمیر بکمال ارادت بہ دیوستہ می رحمۃ اللہ علیہ بنایت سرگرمی اشاعت اسلام بخط کشمیر
 فرمود و ہر ہفتاد و سہ سالگی بمیدان کبیر کو نام مقامی است بتاریخ ششم و ہجری سال ہفتصد و ہشتاد و شش
 ہجری وفات فرمودہ نشد و در قتلان دفن کردہ چون کہ وقت انقضاء روح بسم اللہ الرحمن الرحیم
 از زبان سارکش پڑامہ و ہر ہجری کلام اخیر تاریخ دولتش یافتہ اند رحمۃ اللہ علیہ و علی اسلاذہ تصانیف
 شمع الاحادیث شرح اسماعی حنفی ذخیرۃ الملوک شرح فصول حکم مرآۃ التائبین شرح قصیدہ حمزہ
 فارضیہ آداب المریدین - اعداد فقہیہ و غیرہ اند

شیخ علی کشمیری رفیقی بن یحیی بن حسین الدین بروز سہ شنبہ چہارم رمضان سال یازدہ صد
 و پنجاہ و دو ہجری ولادت یافتہ از پدر بزرگوار و مراد گلان خود شیخ اسلام اخذ علوم کردہ فقہیہ و محدث گشت
 ہر سہ پسران خود یعنی عبدالحق و بہاء الدین و شیخ سنا و بلوران عم زاد خود یعنی ابو الطیب احمد
 عبد اللہ و اخوند عبد الرسول را تعلیم علوم نمود و عامل و عارف زہاد و متورع بود بتاریخ دہم محرم
 الحرام سال دوازده صد و چہارہ رحلت فرمود

شیخ علای مہدوی بیانوی بن شیخ حسن از مشائخ کبار بنگالہ بودا و دو برادر خروش شیخ
 نصر اللہ کا از فحول علماء بنگالہ بزیارت مکہ معظمہ رسیدہ و از آنجا بہند آمدہ و خط بیانہ رحل قاسم
 انما ختم بجاء نصر اللہ و القوت تاریخ قدم ایشان یافتند شیخ حسن بارشاد و ہدایت و شیخ نصر اللہ
 بفتویٰ و درس قیام داشت شیخ علای کہ ارشاد داد شیخ حسن و از عہد صبا اثر نجابت و صلاح
 بر لوح پیشانی او عیان بود و ملازمت پذیر خود کسب علوم ظاہری و باطنی و تہذیب اخلاق نمودہ در
 اندک زمانی کتب متداولہ را مطالعہ کردہ بتدریس و افادہ مشغول شد بعد وفات پدر ترک تدریس
 گفتہ بر جاہ طاعت و بیخ ریاضت و سجادہ شجعت استقرار گرفتہ طالبان راہ را تلقین و ارشاد مینمود
 لیکن بہ توبقیہ از آثار نفس امارہ داشت و میخواست کہ بوسہ شیخی دیگر در ان شہر شرکت مکانی
 نہاشتہ باشد آن طریق آبا و اجداد خود ترک دادہ بخدمت عبداللہ نیازی مرید و خلیفہ سید محمد
 جوہوری موجود طریق مہدویہ آمدہ روش دی آموخت و جمعی کثیر با وی شدند و راہ سلوک بقدم
 توکل سپردند و با این ہمہ اسلحہ و آلات حرب برای دفع مخالفان ہمیشہ با خودے داشتند و ہر جا
 در شہر و با دارنا مشرعی دینی کہ میدیدند چیز اذیت آفرینہ احتساب میکردند و خوف حاکم نہاشتند و حکام
 موافق امدادش میکردند ہر گاہ سلیم شاہ پسر شیر شاہ سور بر سر سلطنت ہند جلوس نمود آواز
 شیخ علای بسمع او رسید میر سید رفیع الدین محدث دمیان ابوالفتح تہانگیری و دیگر علماء
 اگرہ بلا احتضار فرمودہ باغوائی مخدوم الملک ملا عبداللہ سلطانپوری شیخ علای را از زیانہ طلب داشتند
 او با جمعی از اصحاب مخصوص کہ ہمہ یکتا پوش و مسلح بودند ہر گاہ آمدہ بر سوسے کہ در مجلس ملوک
 می یافتند مقید نہاشدہ بوجہ مسنون بر ہمہ اہل مجلس سلام کرد و سلیم شاہ جواب بکہو گفتہ بر مقربان او وضع
 شیخ بسیار گران آمد و مخدوم الملک پیش ازین خاطر نشان سلیم ساختہ بود کہ این بہتدع و عوے
 مددیت میکند و سر خروج داد و واجب القتل است آنروز بسفارش عیسی خان نجات الان
 یافتہ سلیم شاہ حکم بر اخراج شیخ علای نمودہ بہند تیرہ رفتہ کہ بسرحد دکن است و اعظم ہمایون
 حاکم آنجا اورا چندی پیش خود داشت در آنجا ہم خلعتی بدو کردیدند مخبران این خبر سلیم شاہ
 رسانیدند تا کہ باز طلب دی حکم صادر فرمود چون وی حاضر کہ سلیم شاہ بوی گفت کہ تو از عقیدہ خود
 تمہید کن شیخ سخن شاہ گوش نکرد و سلیم بطنی تازیانہ حکم فرمود شیخ کا از بیشتر تا توان بود در تازیانہ

سوم جان بجان آفرین سپرد و عرش و پیرای فیل بسته داد و فی علی گردانیدند و حکم کردند که فیرافون بکشند این واقعه
 بسال پنجاه و هفتم صدی دهم بود و داد آرد و و علی بازاریکه پیش دروازه شاهی باشد
 معتمد الملوک سید علویان حکیم دهلوی اصل تاش محمد هاشم بن حکیم محمد هادی قلندر بن سید
 مظفر الدین علوی از اولاد محمد بن حنفیه است ولادت او بجاه رمضان سن هزار و هشتاد و هجری در دارالم
 شیراز شد و در سن یازده صد و یازده هجری بمندامه دریای قلعه ساره بملازمت عالمگیر بادشاه
 به خلعت و منصب سرفراز گردیده بخدمت شاهزاده محمد اعظم تعیین گردید و در عهد شاه عالم بهادر شاه
 ب خطاب علویان و اصنافه منصب جاگیرتیار یافت و محمد شاه بادشاه را معالجات خوب کرده
 بادشاه موصوف در باره نقره بنجیده به منصب شش هزار و هشتاد و هجری و نقدی سه هزار و هشتاد و هجری ب خطاب
 معتمد الملوک سرفراز فرمود تا در شاه باغ از تمام همراه خود و برادران و انجانبه رج بیت الله رفته در سن
 یازده صد و پنجاه و شش هجری به شاهجهان آباد و ایس آباد از تصنیفات او کتابی است جامع الجوامع
 و علم طب کاسم باسمی است بتاریخ بست و پنجم جب سن یازده صد و شصت هجری در شاهجهان آباد
 بعض استقاوت شده و بر حسب وصیتش در حوالی درگاه حضرت نظام الدین اولیاء دفن کردند
 ملا عماد الدین عثمانی لبکنی عالم متبحر و بابت جلی و ذکوات طبعی داشت شاگرد رشید
 ملا عبد علی بحر العلوم بود هرگاه ملا موصوف بخرمین شریفین رفت ملا عماد الدین بقیه شرح چمنه
 پیش ملا محمد حسن خواننده از تصانیف او عقده و وثیقه در بیان چند مباحث معقولیه غیره و عشره کامل
 و بحث علم معنیه آن و رساله مقوله عشره در شرح ابیات محقق طوسی متضمن بیان مقولات عشره
 بر سر راه علمی او گواه اند لیکن بقیه لام و سکون بای موحده و کاف عربی مفتوح و لون نام و هی است
 در ضلع بانس ریلی ملک رویل کنند

مولانا عماد الدین غوری ازا کا بر مشایخ دیار نار نول و از اولاد مولانا عماد است که در عهد
 محمد تغلق بود و آباد اجدادی از عرب بغداد آمدند و از آنجا بعض از بزرگان نش همراه سلطان شهاب الدین
 غوری به هند وستان رسید میگویند که وی در عقوبان شباب در کسب علم نگو شیده بود و بسیار روز باز
 داشت و در هنگام بابلهواتان کشتی گرفتاری روزی پهلوانی مشهور که از دی قوی تر بود بزمین آورده بود
 مست و مغرور بکند می کرد که از علمای محضر در این حالت دیده تا سفت خود و او را بدین حال

طعنہ نہ جیتی وغیرہ بحال اداہ یافت و انان وضع کہ داشت پشیمان شد و خواست کہ تحصیل علم کن
 اما چون در خردی اینکار نکرده بود سعی وی درین باب بے فائده نمودنا چار ملازمت روضہ شیخ محمد
 ترک ناروے اختیار کرد و شب و روز در آنجا با طهارت افتادہ بودے و نوافل خواندی و ذکر و
 تلاوت قرآن کردے و از طهارت بدر نیامدی و از روحانیت شیخ برای حصول علم استدعا کردی و
 دوازده سال ہمہ رن منوال گذرانید تا شبی براسے طهارت بدری آمد شخصی پیدا شد و او را از عقب
 در گرفت و گفت بخواد ہر چہ خواہی و بے طالب طریقہ اجداد خود بود علم و تقویٰ و درخواست آن مرد
 گفت بر کتاب خانہ بزرگان خود پیش گیر و بروم درس بگیر حق سبحانہ تعالیٰ ایواب علوم دینیہ بروی
 فتح کردے و رحمتہ اللہ علیہ مردے بزرگ بود کمال اتباع داشت کہ بیچ سنتی از سنن
 سید المرسلین صلعم ترک نمی کرد و فقر و فقر را بسیار دوست مے داشت رحمتہ اللہ علیہ
 شیخ عماد الدین رفیقی کشمیری بن عبدالرسول بن اسلم بن عیسیٰ رفیقی کشمیری دود وازدہ
 صد و چهل و نہ ہجری ولادت یافتہ علوم متعارفہ انا ساتھ وقت حاصل کرد و صحیح بخاری پیش شیخ
 واعظ گذرانیدہ مرید شیخ احمد تایلپی بود و بہرزم زیارت بیت اللہ سفر اختیار کردہ و اکثر بلاد را سیہ
 سیاحت نمودہ حج بیت اللہ مشرف گشت شیخ نظام الدین و شیخ حمزہ غنی اعوام ادا و مستفید
 شدند بروز جمعہ وقت عصر ششم رمضان سال سیزدہ صد ہجری جان بجان آفرین سپردہ
 عمر غزنوی بن اسحاق بن محمد ہندی غزنوی کنیت او ابو حفص و لقب سراج الدین بود علم فقہ را
 از امام زاہد و حمیہ الدین و بلوی شمس الدین خطیب دہلوی و ملک العلماء سراج الدین ثقفی دہلوی
 و رکن الدین بلایونی اغرہ تلامذہ او القاسم تنوخی شاگو حمید الدین ضریرہ حاصل کردہ و بمصر رفتہ
 قاضی القضاۃ شد بسیاری از تصانیف عمدہ و مقبرہ یادگار رفیند انا بخلہ تو شیخ شرح ہدایہ
 و تہذیبہ الاحکام فی اختلاف ائمہ الاعلام و شامل در فقہ و شرح بیع الاصول و شرح مغنی و تہذیبہ
 فی ترجیح مذہب ابی حنیفہ و شرح زیادات و شرح جامع صغیر و شرح جامع کبیر نا کمل و شرح مائتہ ابن
 الفارض و کتاب الخلاف و کتاب التصوف و شرح منار و شرح المختار و التوارخ الانوار و لطائف
 الاسرار و صفة الناسک فی الناسک و شرح عقیدۃ الطحاوی و اللوامع فی شرح جمع الجوامع
 مشہور اند بقول کفوسے در سال ہفت صد و شصت و سہ ہجری و بقول سیوطی و صاحب

کشف الظنون در سال هفتصد و هفتاد و سه هجری وفات یافته و الله اعلم بالصواب -
عنایت الله قادری لاهوری تصویری ثم الاهی الشطاری کنیت وی ابوالمعارف
 جامع علوم ظاهر و باطن بود غایت الحواشی حاشیه شرح دقایق در دو جلد متضمن فروع کثیره و ملقط الحقائق
 شرح کنز الدقائق که در آن سنونیت اشاره سبابه را ترجیح داده از تصانیف او یادگار اند وفاتش
 بسال یازده صد و چهل و یک هجری ظهور کرده

ملاعنایت الله سال کشمیری از علمای کشمیر فقیه و محدث و متقی و متورع بود اکتساب علوم
 از مولوی ابوالفتح و ملا عبدالرشید زرگر و فرزندان خواجه حیدر چرخ کرده باندک زمانی فائق الاقران شد
 سی و شش مرتبه مذاکره صحیح بخاری از اول تا آخر نمود و شنوی مولانا روم کمال ذوق و شوق میخورد
 و از مثل غزوات خرقه خلافت یافته و تمام عمر گرامی بندگی و تذکیر بسیر و طبع موزون داشت اشعار
 صوفیانه میگفت بحر شصت و هشت سالگی آرمه شعبان سال یازده صد و سی و پنج هجری حلت فرمود
مولوی عنایت رسول چریا کوئی از علمای فنول ماهر عقول و نقول واقف اسرار نفوس
 و عقول نافذالظار فرغ و حصول ابن قاضی علی اکبر ابن قاضی عطاء رسول است بسال چهل و چهارم
 از صدی سیزدهم هجرت در مرز بوم یوسف آباد چریا کوٹ بدائله بنی عباس متولد شده و در سفر سن
 رسائل ابتدائی از صرف و نحو مجتهد و والد بزرگوار خود و دیگر اکابر گذرانید چون بکافیة این حاجب
 رسید بذیل تعلیم مولوی احمد علی چریا کوئی متمسک گردید وی بحکم صلح رحم مهر و گرم تمام تعلیمش میکوشید
 و در سفر و حضر با پوگنمین مولوی غم الدین بسلاک مراقبت می کشید باجماع چون از تکمیل تحصیل مند سه
 حساب و مناظره و بیانات و دیگر علوم ریاضیه و حکمیة فراغت پیوست آرد و در بجانب احادیث
 بنی علیہ السلام کرده کلامت مولوی حیدر علی مرحوم بریاست محمد آباد لونک پیوسته و در اینجا تحقیقات
 مسائل عقلیه و هم عقلیه طریقی بست و بطن باز آرد و زکی چند بطن مالوف مقیم شده بشوق
 آموختن زبان عبری به کلکته رفته و در اینجا سالی چند پابند اقامت گشته اناحبار بیود زبان عبری
 را جمیع الوجوه آموخت و از آیات تورات دزبور و غیره زبیر و لین بشادات و نبیثین گوهرها
 نسبت حضرت سید المرسلین پیایه اثبات رسانید و بسال هفتاد و یکم از صدی سیزدهم هجرت
 انسان دیار مراجهت وطن فرمود باز قدم به نور و کس بجایست نفرسود و به تعلیم مستحق چند از طلبه

علوم میکوشید کثرت و هجوم طلبه گاهی ناپسندید با این همه انزاد و شغفنا آوازه کمالش بگوش سید احمد خان
نجم الهند رسید که وی همه تن بدیدارش کوشید و دست بدامن استفاده داد و نیت و موصوفات الرحمة
جرعه افاده خود بجام طلبش ریخت و راز پوشیده کتب قدیمه در کیسه خیالش نهاد نجم الهند غنی الله عنه داد
گوهر شناسی داد مولوی مرقوم از چند سال به تہذیب و تسبیل علوم متعارفہ بدل متوجہ است نخستین
علم صرف را به تہذیب لطیف و تحقیق دقیق درسی جزوت بہ خود برگزید و مفصل آتش بناخن فکریت کشت و بعد
اذان بہ تحریر تنقیح ہندسہ و حساب و مساحت پرداخت و جملہ اشکال و مسائل فنون مذکورہ بدلائل
سلیقہ و انکلا لاحقہ مرتب ساخت و اعمال حسابیہ و ہندسیہ و مسائل مناظر و انعکاس با سلوب
خوب و طریق مرغوب از پرده السنہ غیر بزبان مروجہ ہند جلوه ظهور و بروز داد و این کتاب را
تجددست والی حیدر آباد فرستاد کہ مہرہ عنوان بچشم قبول دیدند و مرتبہ نہایت پسندیدند سلمہ اللہ تعالیٰ
ملا عیاض رام پوری تلمیذ مفتی شرف الدین رام پوری مدرسے بھاٹ بود کہ از ہر کسی بحث
و مناظرہ میکرد و اورا کتابے است موسوم دستور المفتی در صرف کہ مقابلہ دستور المبتدی تالیف کردہ
بجائے سوال و جواب لفظ شک فک و ران اختیار کردہ

شاہ عیسیٰ جند اللہ برہانپوری انکا برعلای و اعلا خیم عرقای برہان پور دوانوار الاسرار تفسیر
قرآن مجید بزبان عرب و ہمار مجلد از تصانیف شہیرہ اوست بر دالہ مطبعہ

حرف الثمین المعجۃ

مولوی غلام اللہ لاہوری فاضل اجل عالم اکمل از علمای لاہور و فیض علمی از ذات
بایر کاتش شقا و غرہا رسیدہ مفتی غلام سرور لاہوری مصنف کتب تاریخ و غیرہ از تلامذہ اوست
احمد دین و حمید دین و دو عقب گذاشتہ در سال دوازده صد و ہفتاد و دو ہجری و رگزدشت
مولوی غلام حسنین قنوجی ابن مولوی حسین علی بن مولوی رستم علی قنوجی در سال دوازده صد
و بست و یک ہجری متولد شدہ غلام علیم نامش تاریخی است شاگرد مولوی محمد سعادت خان
فرخ آبادی و مولوی ولی اللہ فرخ آبادی بود در سال دوازده صد و ہجده و پنج ہجری از حج بیت اللہ
الحرام مشرف شدہ بمدینہ منورہ از شیخ محمد غایب سندھی اجازت کتب صحاح و سنن یافت
طالع کتب تصوف اکثر اوقات خودش صرف نمود حاشیہ کتاب المنازل الاثن عشر مؤلف

مولوی رستم علی جدش از تالیفات ادست در اواخر عمر مرتبه دوم که سفیوتی است اختیار کرده بعضی از
 ج همگام مراجعت در بند ربیبی سفر آخرت اختیار نموده داعی اجل را بیک اجابت گفت و با همه
 العلوم مطبوعه در سال وفاتش حرف هندی دوازده نوشته از صفر هم صفر است ندانم کدام سال وفات یافت
 مفتی غلام حضرت لکهنوی علامه زمان فقیه دوران فقی عدالت بلده لکهنو بود سال دوازده
 صدوسی و چهار هجری وفات یافته شاعری تاریخ و نظم گفته و در هند صوفی غلام حضرت
 افسوس که بود بشیر لکهنو حاکم شرع در سال تاریخ رحلت آن مرحوم در فرمود که بود او حاکم شرع -
 مولوی غلام رسول لاهوری از عمده ترین فاضل لاهور شاگرد و پسر مولوی غلام فرید
 لاهوری بود علمای پنجاب به تلمذ وی فخر میکردند بسال دوازده صد و پنجاه وفات یافت -
 مولوی غلام رسول پنجابی از علمای پنجاب در فقه و حدیث و تفسیر فاضل کامل اکثر اوقات
 و عطا میگفت مرید شیخ محمد نصیر مجددی بود بسیاری از تصانیف او بزبان پنجابی اندر سال
 دوازده صد و دویک هجری درگذشت

حسان الهند سید غلام علی آنا و بلگرامی ابن سید روح حسینی بنبلو واسطی همدان حنفی
 از سادات پیشینی مشرک و بلگرامی مولانا و نشاء تاریخ بست و پنجم صفر و زیگشبه سال یکتر از یکصد و شانزده
 هجری در بلگرام متولد شده کتب درسیه از اول تا آخر از سید طفیل محمد آنر لوی خوانده لغت و سینه نویه صلح
 و سدا حدیث شریفه و اشعار عربیه و فارسیه از جد مادری خود سید عبد الجلیل بلگرامی گرفته و عروض و
 توانی و بر بن فنون ادبیه انغال نمود سید محمد بن سید عبد الجلیل استفاده نمود و مرید سید لطیف الله
 بلگرامی بود زیارت حرمین شریفین فائز گشته و صحیح بخاری از شیخ محمد حیات سندیه در مدینه منوره در آن
 کرد و اجازت صحاح سه از گرفت و هندوستان واپس آمده بمصاحبت لواب نظام الدوله
 ناصر جنگ ابن لواب نظام الملک آصف جاه حیدر آبادی رسید بمجله تصانیف عربیه
 او فنون الداری فخر صحیح بخاری تا کتاب الذکر و تسلیه الفوائد و قصاید خود و تراجم علماء هند و دیوان
 عربی که در هر دو دیوان سه هزار اشعار اند و هفت صد اشعار عربی که در کتاب سجع المرحان بطور
 مثال درج کرده و سجع المرحان فی آثار هندوستان و از تصانیف فارسیه او بیضا و سواد و
 خزانه عامه و دیگره شعر او در قضا و ادبها تذکره بعضی ملولیا و ما شا کرام تاریخ بلگرام در ذکر ادیب

و فضلا و شعرائے بگرام و سدا السادات فی حسن خامتہ السادات و دیوان فارسی و منظر البرکات و سببہ
سیارہ و غیرہ از یادگار ساند در سال یکتر بعد صد ہجری ازین جهان رحلت نمود و راقیہ فرحب
حافظ غلام علی چریا کوٹی ابن شیخ نجابت اللہ عباسی از سلاطین مولوی محمد احسن عباسی است
فدا و اہل حال یکے از سلطنتوران عساکر و دروزی یکے از بزرگان گانش فرمودای کاش در خاندان ماکسی
بودی کہ بجای فن تیغ و تبر سر نایہ علم و ہنر بدست آوردی و بجای دشتہ و سپہر کسب حادث و جز کردی
بسماع ابن کلام نبض غیرتش در حرکت آمد تا آنکہ روای و ہنر روی بر ناکمل بہتہ و بطلب گوہر علم
بر لعلہ تجل نشستہ از یاد و دیار بریدہ آستانہ فیض کاشانہ مولانا شاہ عبدالغفور دہلوی پیوستہ و در انجا
تا دیر باز قیام و زریذہ از علم و رسینہ فراغت بدست آورده و وطن رسید و بتعلیم برادران قوم کوشید
طرز تعلیم مفید و پسندیدہ داشت و در صرف و نحو و مسائل لغز و دلکش دارد صاحب ثروت و اخلاق
کہ بہ بود در سال چہل و ششم صدی سیز و ہم چہلانی را و دای نمود

مولانا غلام علی دہلوی از سادات علوی و در بیان مرزا مظہر جانجانا عارف بود کامل
جامع علوم ظاہر و باطن و لادش درس یازده صد و چہار و شش ہجری بوقوع آمدہ چنانچہ شاعری
تاریخ میلاد و شرفوش چنین یافتہ ۵۰ چہم چرخ ہدی حضرت غلام علی ہندہ ظہور فلک در جہان جہان
بشگفت ہسن و لاد شرفوش چو جست رفت دل بہ ہمہ سپہر ہدایت شدہ طلوع بگفت ۶۰ و بتاریخ بہت
دوم صفر سن و دوازده صد و چہل ہجری ازین جہان فانی رحلت فرمودہ در پہلوی مرشد خود مدفون
گشت از عبارت نور اللہ مضجہ سال وفاتش برمی آید مسودہ اوراق کتاب تاریخ جلالتش تخریج منظوم ساخته
اینست ۵۰ چہامہ چرخ ہدی حضرت غلام علی بن بخت کشید ز بر عدم نقاب و نہفت ۶۰ گزیدہ
پیر غول بجزرت و فوس ہمہ سپہر ہدایت نہفت سال گفت

قاضی غلام غوث گویا موی فاضل فضل و فقیہ اکمل از حقان قاضی مبارک شایخ سلم بود
بخدمت ارغوان علی خان اکتساب علوم نمودہ مدام بدرس و تدریس مشغول بودی چندی در صنایع گفتہ
ملک مدراس ہر سادہ قضای آبخار و لوق بخش بودہ و دو جلد فتاوی از تصانیف و سہ مشہور اندر
سال دوازده صد و دو ہجری بچید را با درخت ہستی بسوی عدم برستہ ہمدرا انجا مدفون شدہ
مولوی غلام فرید لاہوری سہروردی عالم اجل فاضل اکمل جامع کمالات ظاہر و باطن

عابد زاهد ذاکر شاغل بود تمام عمر بتدریس و تعلیم طلبه علوم بسر برده و از دنیا و اهل آن سر و کار نداشت
تقریب و تفرید بر طبع گردیدش غالب بود بسال دوازده صد و شانزده هجری جان بجان آفرین سپید
شاه غلام قطب الدین آله آبادی مصیب **تخلص** ابن شاه محمد قلندر ابن شیخ
خوب الله آله آبادی مرید و خلیفه پدر خود بود تولد او بفره حرم سال یکتر و یکصد و سی و هشت هجری
تاریخ ولادتش از نیک بخت ازلی آبادی بر آید تکمیل علوم ظاهر و باطن مولوی برکت الله آله آبادی
در ایام حدیث سن هنگامیکه والد ماجدش بکله معظنه رفت مستند آری خلافت شریف از تصانیف او
دیوان فارسی که نهایت موطوط مضبوط است و ششوی نان و قلعه درجاب نان و حلوا و بستان حقیقه
یادگار علم و بند در آخر عمر خوجست حج بیت الله رفته بتاریخ سلخ ذیقعه سال یکتر از یک صد
هشتاد و هفت هجری در بلد الحرام وفات یافته و رقبه ام المؤمنین علیها السلام کبری جانب راست مدفون
گشت تاریخ و نشانی جوی گل کشور شاگردش به نهمیه گفته و بهیذا **هـ** وفات پاک غلام قطب الدین
درخت بر بستان زمین جهان افسوس بول سخندان من سوال نمود به سالین عمر زوجه خوان افسوس

بادل نامه سوخته گفتم به قطب الدین رفیت زمین جهان افسوس

مفتی غلام محمد لاهوری از اولاد و انجاد شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی وید مفتی غلام سرور لاهوری
جامع علوم و فنون بود در ام یگانه رئیس و طبابت سرگرم می ماند و قوت حلال از کتاب قرآن مجید
حاصل میکرد در سال دوازده صد و هفتاد و شش هجری وفات یافت

مولوی غلام محمد خان ساکن کوٹ و در حجت خان عرف خان محمد ادره که کوکمران ساکن
کوٹ بخیرت بابرکت امولانا محمد سلامت الله کشفی کانپوری رسیده اکتساب علوم متعارفه کرده
در معنای شعاری و آثار خود ساخته و تنهائینی مطبوع طبع شریفش بود بعد فراغ علمی اعزه و اکابر
موضع مذکور مستعدی قدش بدان قریه شدند وی گفت تا وقتیکه بمقام مازک سود خواری و حجاب
ننان از آن خرمای اختیار خواهند کرد بدان موضع قدم نخواهم نهاد هرگاه مردم بمقام او در و شرط را
تلقی بقبول کردند وی بوطن آمده تا حیات خود همه را بپابندی شریعت و اخلاصات نمود و مسجدی
در آن موضع تعمیر کرده آخر کار بحکم کل نفس ذالقه الموت واقع چهارم ربیع الاول روز یکشنبه
سال اول صدی چهارم هجرت رحلت فرموده بمسکن خود دفن گشت علیه الرحمة و الغفران

کهو که رکات تازی مضموم مخلوط بهاد و ساکن و فتح کاف تازی مخلوط بهاد و ای موله ساکنه گویا است
از اهل اسلام که لقب خانی دارند وصل شان اینچا است چنانکه از تاریخ فرشته و غیره مستنبط میشود و ایشان خود
شیخ میدانند و لفظ خان بر خود خطا بای انکارند و همه سنی ندیدند که کوٹ بضم کاف تازی وادیا کن مجمل
و تازی هندی ویی است در وادیه گنگ جمن متصل جانب چپ دریای جمن اکنون بطنع قنچو رسیده قلعی سوار
قاضی غلام مخدوم چیرا کوٹی ابن قاضی عبد الصمد عباسی بلفظان و ذکا چون پدر مشهور بود و
اکرم و سماحت بالسه مردم مذکور بعد تکمیل علوم متداوله شوق تعلم زبان سنسکرت و درش پدید آمد
تا آنکه در تحصیل زبان مذکور حظی وافی برگرفت و بمقام بنارس که معدن مهره زبان مقوم است
میان ما بران این فن انشای کافی یافت طبعی سخن رنج داشت بزبان فارسی دیوانی ترتیب داد
چون زمان و دورع دنیا نزولیش رسید همه را بجهت سیه ده آتش سوزان نهاد و اشعارش که بر صفحه اینست مردم
لفظی بودند اندکی از اینجمله اینست **ب** باغ دهر نه گل نهدونی سمن باقیست بهر عنایب پری
چند چمن باقیست بهر دلم بهوخت تتم سوخت و استخوان هم سوخت بهر کام سوخت و ذوق سوختن باقیست
فیض خان کرم خوشم نیم محتاج به درون سیننه دل حسرت وطن باقیست بهر صدیقی الصدوق مولوی
محمد فاروق چیرا کوٹی که سلسله شبتش بدو واسطه بصاحب ترجمه میرسد غزلی بجواب غزل مذکور
الشارف موده برای ترتیب ناظرین بخنور بزبان نظم سپرده می آید **غزل** نه آن چیلانه آن می نه آن
چمن باقیست بهر گریه و دیم قصه کمن باقیست بهر چنان گداخته ام من که غیر یاد تو نیست بهرین هر آنچه
مداغوش پیرین باقیست بهر چه داد خداوند شاد و لیکن به درون دل بهوس طائف وین باقیست
نخل زمنت دشنام تو شدم ای جان بهر که بر زبان تو زین حیله یاد من باقیست بهر الغرض موصوف
الترجمه بجای پدر بزرگوارش بعد از قضا نامور بوده بسان نجم از حدی سین و هم هجرت به عمر نجا و ساگی
جهان فانی را پدر و فرمود **محمدا الله تعالی** -

مولوی غلام محی الدین بگویی ابن حافظ نور حیات بن حافظ محمد شفا بن حافظ نور محمد بگویی
عالم اجل فاضل اکمل بقیه و محدث جامع کمالات صوری و معنوی بود و روز دوشنبه ماه محرم سال
و ما در ده صد و سه هجری متولد شده قرآن شریف از حافظ حسن نظر آقرات کرده بعد به ماه
مبارک رمضان یک یک پاره روزانه حفظ کرده به شب در تراویح بخواند تا اینکه در یکماه حامل

قرآن گشت و تحصیل علوم متوجه شد چونکه ذهن و ذکای کامل داشت بملک پنجاب کسی او را تعلیم دادن نتوانست بالاخر او مع برادر خود مولوی احمد الدین که هشت ساله بود بدبلی قدم آورده از علماء دہلی علوم معقول و منقول خوانده علم حدیث بخدمت مولوی محمد اسحاق تحصیل نموده سه آن از مولانا شاه عبدالعزیز یافته هرگاه فارغ تحصیل گشت بلاهور رسیده در لال مسجد تاسی سال بتدریس طلبه علوم اشتغال داشت پس بوجبهامای استرخابسکن خود موضع بگامتعلقه بهیرامضاف لاہور آمد تا چارده سال بیمار ماند و ہم در اخالت باب تدریس تعلیم مفتوح داشت و شب و شنبه ماه شوال سال دوازده صد و هفتاد و سه هجری وفات یافته در موضع بگام دفون شد و دو فرزند خلف الصدق عقب خود گذاشت یکی حاجی مولوی غلام محمد که امام جامع مسجد لاہور است دوم مولوی عبدالغفور که امام جامع مسجد بهیر است سلمه الله تعالی

حافظ سید غلام میر سنیل بن سید قلندر بخش بن مولوی عبداللہ ابن سید زین العابدین مخدوم زاده سندیلہ بخدمت مولوی حیدر علی سنیل و مولوی ظہور اللہ لکھنوی و مولوی عبد الواجد خیر آبادی تحصیل علوم کرده اکثر بنواح کلکتہ تا جرانہ بسری برد باز بسندیلہ مراجعت نموده بدرس طلبہ پرداخت سوم ذیقعدہ سال دوازده صد و شصت و چهار هجری وفات یافته بمقابر امرہ واقع قصبہ سندیلہ مدفون گشت

مولوی غلام نجف حقانی سنیل ولد احمد شاه ولد حافظ عنایت اللہ حقانی از شیوخ قصبہ سندیلہ دانشمند کثیر الدرس و حامل قرآن میراج السداۃ بود اکثر گماہ رمضان المبارک بیک شب ختم نمودی در سال دوازده صد و پانزده هجری رحلت نمود

شیخ غلام نقشبند لکھنوی ابن شیخ عطاء اللہ یگانہ روزگار جامع شریعت و طریقت بودوی رحمۃ اللہ علیہ تلید میر محمد شفیع دہلوی شاگرد شیخ عطاء اللہ مذکور است و شیخ عطاء اللہ شاگرد شیخ میر محمد لکھنوی بود لکن شیخ غلام نقشبند فاتحہ فراغ بردست شیخ میر محمد لکھنوی که استاد پدرش بود خوانده و تمام عمر گرای خود باقاده و تدریس طلبہ علوم بسر برده جمعی کثیر از فاضل مدارس سائیتو متیش برادر خود رسیدند و سلسلہ تعلیم اکثر علمای ہندوستان بدو پیوند شاه عالم ابن اورنگ زیب عالمگیر بادشاہ ضمرہ کنانش اصحا کرده اورانجو طلبید و با غرازا کرام تمام پیش آمدہ بخلہ تلامذہ

استاد سید عبد الجلیل بلگرامی است که ذکرش گذشت تفسیر ربع قرآن مجید مع حاشیه آن و نیز تفسیر
چند سوره قرآنی و فرقان الانوار و رساله لامع عرشیه در وحدت وجود و شرح قصیده خندجیه و غیره
از تصانیف معتبره دستنیده و نیند واقع سلخ رجب سال یکزار و یکصد و بیست و شش هجری
این جهان بی بود را پدر و فرمود و به لکھنؤ مدفون گشت و در آنجا مرده

مولوی غلام محیی بهاری مسقط راس و موضع الکرمتصل قصبه نگر نرسه از توابع بهار است
که از بهار بفاصله شصت کرده مابین پهنه و بهار واقع شده و دانشمند شعر و سرآمد علمای روزگار بود و
در فہانت و منطق دانی گوی سبقت بر اناث و اقران خود بر بوده از تصانیف او حاشیه بر میرزا بد
رساله متداول علمای زمان است در سال یازده صد و بیست و ہشت ہجری وفات یافته و بہا
بیرون اعظم در گاہ مخدوم شرف الدین قدس سرہ مدفون گشت رحمۃ اللہ علیہ۔ اکبر بکر اول
فتح کاف عربی و سکون یابی تحتانی معروف درای ہندی در آخر نگر نرسہ بفتح لون و کاف فارسی
و سکون را و لون مضموم و ہای ساکنہ و سین مفتوحہ در آخر ہای مخفی

میر غیاث الدین قزوینی ابن میر عبد اللطیف قزوینی از مدہ ترین افاضل علم جلال الدین محمد
اکبر بادشاہ بود در علم سیر و تواریخ و اسما و الرجال و سایر محاضرات آیتی بود از آیات پروردگار و
برکتی بود از برکات روزگار و رقت حافظہ ویراثانی لوح محفوظ باید شمرد در خدمت بادشاہ
بخواندن علم تاریخ و سایر کتب نظم و نثر شبانہ روز اشتغال داشت بخطاب تقیب خان ممتاز بود

حرف الفاء

ملاح انداودہی در اوائل حال از علمای نامور دہلی بود ساہمادری جامع دہلی کہ پائین
منار شمس است بر سند درس دافادہ جاداشت و در آخر میرد خلیفہ شیخ صدر الدین حکیم شد
و بسوگ این طریق مشغول گشت گویند کہ وی ریاضات بسیار کشید ولیکن نفاذ ان ہشام حالش
نرسید شکایت این حال پیش پیر خود برد فرمود کہ ترک درس کن و کتب از ملک خود بدر کن او
ہچنان کرد مگر کتابی چند کہ بہت لطافت و لطافت موسوم بودند نزد خود نگاہداشت هنوز
فتح باب معرفت در توقف بود تا بقیہ کتب را نیز از خود جدا کرد او را دیدند کہ بر لب آبی نشسته
بجزا و دای شست و آب از چشم او میرفت تا لوح ضمیرش از نقش ماسوی اللہ پاک شستہ شد

بل آن علم باطن ثبت یافت شیخ قاسم اودھی دہلوی از مردیان اوست رسالہ فاروس
بآداب السالکین رحمۃ اللہ علیہما

میر فتح اللہ شیرازی شیعی مذہب از سادات شیراز عالم العلمای زمان بود جمیع علوم عقلی
و نقلی و حکمت و ہیئت و ہندسہ و نجوم و درمل و حساب و طلسمات و نیز خجالت و جرات قال نیکو میدانست
و لیاقت رصد بندگی داشت و در علوم عربیت و حدیث و تفسیر و کلام نیز نسبت اوست
است شاگرد غیاث الحکماء و دو تصانیف خوب دارد میر مصوف اگرچہ در مجالس بغایت
خلیق و متواضع نیک نفس بود لیکن آن ساعت کہ بدرس اشتغال داشتی بشاگردان غیر از
نحش و الفاظ رکیکہ و ہجویر زبانش رفتی ازین جہت کم مردم بدرس او میرفتند و شاگردے رشید
ہم از او برخواستہ چند سال در دکن پیش علول خان حاکم آنجا بود چون درس نہد و نو دہجری
بلازمت اکبر شاہی آمد بعد الملک مخاطب گردیدہ بملک کشمیر نہد و بود و ہفت ہجری
وفات یافتہ بمقام تخت سلیمان مدفون شد

از مصنوعات او آسیائی بود کہ خود حرکت میکرد و آرد سائیدہ می شد و آئینہ کما ز دور
و نزدیک اشکال غریبہ در و مرئی میگشت و بند و قیکہ بیک گردش دوازده آوازے دادہ

باب فتح محمد بر ہانپوری عالم علوم عقلیہ و نقلیہ محدث و عارف باشد مدام در بر ہانپور درس
دادی علم فقہ حدیث و تفسیر از والد ماجد خود مولانا عین العرفا شاہ محمد علی حینہ اللہ بر ہانپوری

اكتساب نموده جدا و شیخ محمد قاسم سندھی بہ لقب رئیس المحدثین شہرت داشت و قدس بکہ عظمت
مولوی فخر الدین زراوی بننگ بود جامع علوم و تقوی و در امر دین صلابتی تمام و عظمتی

وافر داشت و دادا نکل حال پیش مولانا فخر الدین ہالنوی در شہر دہلی تعلیم میکرد و بخوش طبع
وقت سخن و فصاحت عبارت از ممتازان اہل شہر بود عاقبت مرید و خلیفہ سلطان المشائخ

حضرت نظام الدین اولیا قدس سرہ شدہ از میان ستمان برآمد و در سلک درویشان
منسلک گشت و بیشتر احوال در سفر بودی و در صحاری و بیابانہا عبادت خدا کردی و صوم

نالحم داشتی و ہمانیکہ در عند محمد تغلق شاہ باو شاہ دہلی مردم دہلی را بدیوگر میفرستادند و نیز زینت
از آنجا زیارت خانہ کعبہ رفت و از آنجا بہ ہند ادرفتہ علم حدیث بحث کرد و ہنگام بازگشت مرکب پیچ

غرق آب شد و مولانا بدرجه شهادت رسید در صرف کتابی از و مشهور است رحمة الله علیه
مولوی فخرالدین احمد که آبادی از اولاد امجد شاه رفیع المازان مرحوم الله آبادی که یک اثر
منجمله و او را زده گانه الله آباد بنام نامی شان به محله یحیی پوشه شهر است رکنی بود از شرفای شهر الله آباد
بشهر لکنئو در خدمت علمای عصر یعنی مفتی محمد یوسف و مولوی نعمت الله مفتی محمد صخر و مولوی حسین احمد
محدث لکنئو و فرنگی محلی و آخون شیر محمد ولایتی تحصیل علم متعارف نموده بودند بعد فراغ علمی مراجعت
به الله آباد و وطن خود فرموده و ساده آرای مسند از فلاسفه خاندان خود گردیده و مجمع بیت اسد الحرام
شرف اندوز شده علاوه آن افاده درس بطلبه و افتاحه معالجه پزشکی نیز میفرمود و بوجه حدیث و شهرت مساجد
ملقب بحکیم بادشاه شد اکثر از خلفای طریقت و ملازمه معلوم به برکت فیض شان نامی و گرامی شدند
مثل مولوی سیح الدین باحمد خاں و خلیفه موصوف الذکر و مولوی محمد عبدالسبحان ساکن احمد آباد ناره
و برادر زاده شان مولوی حافظ عبدالکافی و غیر هم منجمله تصانیف ممدوح الذکر رساله تفرقه البدعه
والسنه و کف الالبسه عن تکفیر الفرقه الرفعه و رساله بتخیر و نذیر و رساله مولد قمریت و رساله مناسک الحج
و رساله از الاله الشوک و الاو باهم بحواب تقویة الایمان و فاتحه فی جواز الفاتحه مشهور اند باجماع بمصدق
آیه کریمه کل من علیها فان بعمره فتا و در وسایل تباریح بست و سوم ربیع الثانی یوم جمعه سال کهنه را و
سه صد و سه هجری از دار فنا بهار بقار حلت فرموده به محله یحیی پوشه محلات شهر الله آباد دفن شد علیه الرحمه و انظر
فرید واحد العین از شاگردان سید شاه میر سامانه بود و او را چنان نشان میدهند که با آنکه تحصیل
چندان نکرده بود اما هر مسأله مشکل و بحث و دقیق و غامض را از هر کتاب مستفیان که از وی پرسیدند
در لحظه قلم دوات گرفته در سلاک تحریر کشیده حل می ساخت اما قویا بقرینة قرات آنچه خود می نوشت نه داشت
مولوی فرید الدین احمد بن سید محمد راجی بن مولوی سید علی مشهدی کروی ذهن و فکای
جلی دار و با داکل در خدمت مولانا محمد سلامت الله کشفی کانهوری و دیگر علمای وقت اکتساب علوم
متداوله نموده متوجه به تعلیم قوانین انگریزی شد و در قانون دانی و معاملات فنی مشارالیه مایل و اتران
و مورد عنایات حکام و الا نشان گشت چندی بوکالت بائی کوٹ زبان بعد بعد سبج اتماز
داشت الحق اگر بعد تحصیل علوم چند مدت علمی کمربستی کم از ملاحسن سنا لوی و ملاحسن لکنئو نبوده
در بنیانت هم متاع و عقار که وی دارد و دیگر بهیشان را کم داده اند باین همه اغره و اقر با پروری

شعار حاصل دست بقریب جیو ملی مکه انگلستان و قیصر هند و نیز خطاب خان بهادر امتیاز یافته
سلمه الله تعالی

مولوی فضل مام خیر آبادی شیخ فاروقی شاگرد رشید مولوی سید عبدالواحد خیر آبادی منصب
صدر الصدوری شاهجهان آباد از سرکار انگریزی عزت و امتیاز داشت بر میرزا بدر ساله
و میرزا هد ملا جلال خواشانی متبینه نوشته و در علوم عقلیه گوی سبقت ر بوده آید نامه که در آن
قواعد فارسی بیان کرده و نیز ترجمه چند علمای جوار لکهنو تحریر فرموده پس مفید مبتدیان است پنجم
ذیقعه سال دوازده صد و پهل و سه هجری داعی اجل را البیک اجابت گفته بفرمودس برین شش
مولوی فضل الله سندیلی ابن سید شاه غلام علار الدین مخدوم زاده سندیه در اوائل از
مولوی زین العابدین سندیلی تحصیل علوم کرده تکمیل آن در قصبه گوپامو بخدمت علمای عصر آنجا
نموده مرید و سجاده نشین والد خود بود و هدایت و ارشاد طالبین میب و اخست با و آخر صدی
دوازدهم وفات یافته بمقبره کریم باغ اندرون روضه پدر خود واقع قصبه سندیه مدفون گشت
مولوی فقیه الله سندیلی بن سید صالح الله بن سید غلام علار الدین مخدوم زاده سندیه سال
دوازده صد و سه هجری متولد شده بخدمت مولوی احمد بخش سندیلی و مولوی بادی ساکن دیوا و
مولوی غلام حسین بنگالی و مولوی اسلم بگرامی و مولوی نور الحق لکنوی و مولوی محمد حمید
فرنگی محلی لکنوی و مولوی سراج الحق فرنگی محلی لکنوی و مفتی محمد صفر فرنگی محلی و مولوی محمد جعفر ساکن
کسمندی اکتساب علوم نموده و بیعت ارادت از والد خود حاصل کرده همواره درس میداد و وعظ
میفرومود بتایخ بست و دوم صفر سال دوازده صد و پنجاه و نه هجری وفات کرد و بجن مسجد مخدوم صاحب
واقع قصبه سندیه مدفون گردید

شاه فضل الله پوری به لقب نائب رسول الله شہرت داشت اصلش از چنوبهرت
و بر پانپور وطن اقامت اوست که در آنجا متوطن شده مدرسه بنیاد نهاد و مدام بدرس فقه تفسیر
و حدیث و تصوف مشغول می بود و مصائب مدرسه و طلبه با و شاه وقت خود میداد وفات دی

در سن هزار و پنچ هجری در بر پانپور وقوع یافته بجهاد انجا مدفون گشت

مولانا فضل الرحمن اوصاف حمیده و خصائص پسندیده شان بچند اندک که قلم مقصر ع انسان

شبه ازان بر صفحه قرطاس بی اساس بر نگار و انسان ضعیف البنیان را چه یا ناکه عشره عشر آن بمعرض بیان آرد **۵** لایدرک اوصاف المطری خصائصه و آن یک سابقانی کل و صفاته با الجملة نام والد ماجد شان اهل الله بن محمد فیاض متوطن قدیم قصبه ملاوان ضلع اونا نام ممالک اوده انا و ملا اجماد محمدوم شیخ محمد ملاوان مصباح العاشقین است حضرت شان بنات خود قصبه مراد آباد ضلع اونا نام را که از ملاوان سه کروی فاصله دارد بقدم سکونت رونق بخشیده اند و بعضی اولاد شان هنوز بقصبه ملاوان میقیم اند حضرت موصوف الالاقاب در سال دوازده صد و هشت هجری ولادت یافتند چنانچه فضل رحمن بدون اله و لام معروف هالف بعدیم نام تاریخی ایشان است بدین حساب عمر شریف تا سال سیزده صد و پنج هجری که زمانه تالیف مجموعۀ هذاست نود و هفت سال می شود اللهم متع المسلمین بطول بقاء تحصیل علوم دینیہ رسمیه بخیر دست اسانده وقت کثرت ترین آنهاب امیرانا شاه عبدالغفور دهلوی و مرزا حسن علی کبیر محدث لکنوی و مولوی محمد اسحاق دهلوی فرمودند و سع و تقوی و اتباع فقه و حدیث شعارد و تارادشان است اسوات بیعت و اجازت خلافت از حضرت شاه محمد آفاق دهلوی و نیز از حضرت شاه غلام علی دهلوی قدس الله سرهما دارند چون از بدو سن شعور طبع گرمی بشغل باطن مجبول شده اتفاق تدریس و تصنیف یافتند و در اوائل حال گاهی به تذکیر و مواعظ می پرداختند احوال بوجه ضعف جسمی که لازمه این عمر است اکتهم نمی شود مگر تا هم فی زمانه نامرج خلایق اند صغیر و کبیر و توانگر و فقیر مشهور و غیر مشهور از نزدیک و دور می آیند و بشرف بیعت بهره یاب می شوند مقام الله فیضه علی رؤس المسترشدین مؤلف اوراق باه فیحی سال سیزده صد هجری از وطن باوٹ باراده استلام سد کینفہ تابا کاپور رفته و انجا بدریافت آمد که از اونا نام نامراد آبا و آب باران سر بطغیانی دارد که عبور بسواری عرابه و بالکی و غیره و شمار است ناچار بزبان حال شعر مشهور آورده بر یوان و الیس آمد **۵** تنی ستان قسمت را چه سود از هر سبک کامل بیکه خطر آب حیوان آشنی آمد سکندرا

مولوی فضل رسول بدایونی ابن مولوی شاه عبدالحمید قدس سرهما بامه صفر سن دوازده صد و سیزده هجری متولد شده نام تاریخی وی ظہور محمد است تکمیل تحصیل کتب در سیه متعارفه بخیرت مولوی تورالحی فرنگی محلی خلف مولوی انوار الحق شاگرد ملک العلماء بجا العلوم ملا عبدالعلی

توجه به تصدیق و دلی پشتگاه مزید الوار خدیم شاه عبدالحق قدس سره و اکابر علمای وقت مثل
مولوی عبدالواسع و مولوی عبدالواحد خیر آبادی و مولوی ظهیر الله قرطبی محلی و غیرهم رسم دستار بندی
او فرمودند از آن بعد علم طب از حکیم سید بر علی خان موهای و علم حدیث و تفسیر از شیخ الملک عبداللہ
سراج و شیخ المحدث شیخ غلام مدنی و علم تصوف از والد ماجد خودش حاصل نموده و نیز بیعت و
خلافت در سلسله تکریم و جیشیه از والد خود یافته چند بار بحرین شریفین رفته از حج و زیارت
مشرف گشت یکبار از دلی احرام بسته پیاده تا بمبئی رسیده و از آنجا بسواری جناز بجهه فرود آمد
و از جده بمدینه پیاده رفته همچنین به کمال هذب و ادب و بی بند و غیر البالد رفته سجاده نشین و سادہ
نوشیه حضرت سید علی هم از خود اجازت خاص بوی عطا فرموده با جمله موارد هدایت و تعلیم خلایق
و تدریس می پرداخت و در پنج کنی و دایره کوشش بلخی می نمود بسیاری از علمای فضیلتی بسیاری
تر بیتش نشوونما یافتند از آنجا مولوی فیض محمد بدایونی و مولوی سخاوت علی جوینوری و مفتی اسد
آلہ آبادی و مولوی شاہ احمد سعید ماموری و مولوی عنایت رسول چریا کوٹی هستند سوم
جمادی الثانی سال دوازده صد و شصت و نه هجری روز پنجشنبه بعد نماز ظهر بفرغت و وفات سالکی
جهان فانی را پدر و فرمود و در بدایون مدفون گشت بر دانه مضجع مولوی عبدالسلام مراد آبادی
تاریخ وفاتش در تقریر انا فضل الرسول یافته تصانیف مشهوره بوارق محمدیه - تصحیح المسائل -
مستند منقذ سیف الجبار - فوز المؤمنین تلخیص الحق - احقاق الحق شرح فصول الحکم - رساله طریقت

حاشیه میرزا بدر حاشیه ملا جلال طب لغوی و رسال و دیگر مسائل شتی

مولوی فضل حق خیر آبادی عمری تنفی تا تربیتی شتی در سال دوازده صد و دوازده هجری
ولادت یافته شاگرد پدر خود مولوی فضل امام است حدیث از مولانا عبدالقادر دہلوی ماخذ کرده و
قرآن مجید در چهار ماه یاد گرفته و فرائض علمی عمر سیزده سالگی حاصل نمود و پدرشاه دہو من دہلوی
بود در علوم منطق و حکمت و فلسفه و ادب و کلام و اصول و شعر فائق الاقران و استحضار
فوق البیان داشت فلش را در چهار هزار اشعار خواهد بود از یاد بعیدہ طلبہ علوم آمده از و
ستفیدی شدند بسال دوازده صد و شصت و چهار هجری مؤلف بچیدان بمقام کهنه بخدمتش
رسیده دید که در معین حق کشی و شطرنج بازی تلمیزی را سبق افق المبین میداد و مطالب کتاب را

به معلم احسن ریائی دول نشین می نمود تألیفات رائقه و اسعاف نگیزان او را بر زمانه فساد هند قید کرده
 بجزیره رنگون فرستادند همداختار تاریخ دوازدهم صفر سال دوازده صد و هفتاد و هشت هجری
 وفات یافتند تصانیف الجنس الغالی فی شرح الجواهر الغالی حاشیه شرح سلم قاضی مبارک حاشیه
 افق البین حاشیه تلخیص الشفا - الهدیه السعیدیه و حکمت طبعی - رساله تحقیق العلم و المعلوم - الروض
 المجمود فی تحقیق حقیقه الوجود - رساله تحقیق الاجسام - رساله تحقیق کلی طبعی و تشکیک در مایات
 و تاریخ قدر هندوستان خلف رشید وی مولوی عبدالحق که آئینه کمال پدریست بریاست را پیوسته
 شیخ فضیل کاپوری پسر کلان شیخ جلال و اصل کاپوری در وادی عربیت دستگیری غریب
 داشت اشعار و قصائد عربیه بفصاحت تامه از دست این مطلع قصیده و لیست که در جواب معین الدین
 طنطرائی گفته **یا جمیل اوج و جی عن قدیم الحال حال** : راج روحی بالنوی والدمع کالسلال
 سال به مطلع قصیده طنطرائی اینست **یا خلی البال قد یلبس بالبلبال بال** : بالنوی ندولت
 قلبی فموبالزلزال نال به شیخ فضیل موصوف کوفع نثر و نظم عربی که بر تفسیر ششم فیضی نوشته و لالت
 بر کمال او دارد

مولوی فقیر محمد جملی بن حافظ محمد سفارش بموضع چشن که از شهر جلم بفاصله دو میل جانب
 غرب است بروز پنجشنبه در وادوه صد و شصت هجری متولد شده تحصیل علوم عربی و در ستم
 هجری سیان قطب الدین ساکن نالیان داله و میان غلام محمد ساکن موضع بادیه و مولوی
 نور احمد ساکن موضع کهانی کوٹلی و غیره علمای عمده تحصیل کرده رفته رفته بسنگ تلمذه مفتی صدر الدین
 خان صدر الصدور و هلی نسک گشته باندک زمانی فارغ التحصیل گشت و بطون مانوف واپس آمد
 و در مذہب نصاری کوشش بلینج دارد و الحال مالک مربی مطیع سراج المطالع واقع جلم است
 ترجمه تصدیق المسیح و حاشیه فسیاته الانسان عن و سوسه الشیطان و صالق الخفیه در تذکره عنای
 حنفی و زید الاقاویل فی ترجیح القرآن علی الاناجیل و رساله افتاب محمدی و تصانیف و تالیفات الله تعالی
مولوی فیض احمد بدایونی بن حافظ غلام احمد بن مولوی شمس الدین ابن مولانا محمد علی
 بدایونی ولادت وی در حدود دوازده صد و شصت و سه هجری در وادوه جلم علوم عقلی و نقلی مجتهد است
 حال خود مولوی شاه فضل رسول بدایونی بکمال تحقیق و تدقیق تحصیل نموده مرید مولانا شاه

عبد المجید مادری خود بود و تشریح کمالات علمی و حالات قدسیه وی درین مختصر نگارش ندارد و منجمه
تالیف او حاشیه صدر او حاشی فصوص فارابی و دو اوین نثبه عربی و فارسی دارد و در مناقب
حضرت غوث الاعظم قدس سره بودند که اکثر از آنها در فتنه عالمه هند ضائع شدند و رحمة الله علیه
در حد و دو سال دوازده صد و هفتاد و چهار و هجری رحلت فرمود

ملا فیروز کشمیری معروف به پچا گنای والد بابا نوئی گنای بغنقوان شباب از زیارت
حرمین شریفین مشرف شده و سپس به هندوستان آمده در بدایون با کتساب علوم کوشش نمود
و کسب سود بود و آخر بر بنه نوئی طالع بخضر علیه السلام دو چار گشت از و استعدای علم کرده وی او را
تعلیم علوم نمود صاحب ترجمه بقره و حدیث و تفسیر و غیره فائق اقران گشته بعد از افتای کشمیر عز
استیاز یافت و مرید میر حمزه کشمیری شده در عهد حسین شاه دلی کشمیر بسال نصد و هفتاد و سه هجری
بعمر هفتاد سالگی از دست اهل تشیع کشته شد شیخ یعقوب صیرفی در تاریخ فوت او فرمود **س**
ان بے تاریخ در دین و حیدر گفت شہزاد بہر دین ملا شہید بن از فرزندانش ملا عبد الوہاب الشہیدی
صاحب تالیف بود بر حاشیه نوئی شرح مواقف و شرح شمسیه حوشی ثلثه

حرف القاف

قاضی خان ظفر آبادی نامش یوسف زاد بوم ظفر آباد مرید خلیفہ شیخ حسن ابن طاہر جوہری
برای علوم ظاہر و باطن و بصفت قناعت موصوف بود نصیر الدین محمد ہمایون شاہ ہر چند از وی
اتماس قبول نداری کرد وی قبول نکرد و گفت **س** از خدا خواہم و از غیر نخواہم بجز آنکہ کہ نیم ہن
غیر از خدای دیگر است بہ چون فرمان معافی پیش شیخ عبد اللہ کہ اکبر اولاد او بود بردند و **س**
نیز قبول نکرد و گفت پسر باید کہ بر متابعت پدر رود و وفات قاضی خان پانزدہم صفر سال
نصد و ہفتاد بود و مرقدش در ظفر آباد سواد جوہر است

قاضی قاضی بکرمی ابن قاضی ابوسعید بن قاضی زین الدین بہکری سرآمد علمائے وقت
ابن اربعہ فضائل جعفر قرآن و علم قرأت نگاہ آراستہ بود و در فقہ و تفسیر و حدیث و تصوف و عریضت
انشاء مبارکی کافی داشت و در ادای سلوک بسے ریاضات کشیدہ و بز زیارت حرمین شریفین
رسیدہ سیر و سفر بسیار کردہ بالآخر در سلک مریدان سید محمد جوہری مدعی مہدویت مسلک گردید **س**

لهذا علمای وقت بروطن داشتند از مرزا شاه حسن حاکم سند قضای بهمکه یافته بجای موروثی نشست
و یکبر سن از او استغفاجسته برادرش قاضی نصر الله سپردندی بسال نصد و پنجاه و هشت هجری در
گذشت بهمکه ربای موحده مفتوح مخلوطها و کاف عربی مشد و مفتوح مخلوطهای بهوز و رای ممل
نام شهر یست از مضافات سند

ملا قاسم کاهی تخلص از علم تفسیر و بیات و کلام تصوف ویرا بهره تمام بود و بهم در مسمعی تصنیف
دارد اگر چه صحبت مشایخ متقدمین و زمانه مولانا جامی قدس سره السامی و غیر ایشان از دریافته اما تمام
بالحا و وزنده صرف کرده مع ذلک صفت و آراستگی و آزادگی و بدل و ایشار بر وجه اتم دشت دیوان
اشعار از و مشهور است و گل نشان نام شتوی در جواب بدستان سعدی قافیه بقافیه گفته مطلع شت
جهان آفرین راجان آفرین بیجان آفرین صد جهان آفرین از محمد بهایون شاه تاج محمد که شاه
زنده بود تاریخ فوئتش بدریافت نرسید

سید قطب الدین محمد بن الحسنی الکرومی ابن سید رشید الدین محمد بن انغزوی که سلسله
پدری وی بحضرت امام حسن بن امیر المومنین علی رضی الله عنهما می پیوند عالم شجره فقیه تحمیر صاحب
ولایت و مجاهد فی سبیل الله بود در پانصد و هشتاد و یک هجری متولد شده بعد سلطان قطب الدین
التمش از غزنی بدلی قدم آورده و از آنجا بموضع گرا بضم کاف عربی و رای ممل شده مفتوحه در آخر است
که قریب قصبه هوسه بمسافت نیم فرسنگ واقع است و به گرا سادات شهرت دارد و تحت اقامت انداخت
پس از آن به نیت غز و جهاد بجهت گرا بفتح کاف عربی و رای هندی و ایت که مقایست بر لب گنگ
مخاوی مانک پور رونق افروز شده باراجه جی چند غزافرموده غالب آمد و بمر نود و شش سالگی بمقام
گرا سوم رمضان سال شصده و هفتاد و هفت هجری رحلت فرموده پس بر عقب خود گذاشت سید
نظام الدین سید قوام الدین مقیم بدلی سید تاج الدین قاضی بهایون اولاد اجداد سید موصوف الرحمة
در قصبات گرا و نصیر آباد و ردولی و کوندین پٹی و اجواد و رسول پور و کروی و نعم آباد و بلا جو پور و گوالیا
و کرتی و جین و اودبلی و بدایون و هوسه و غیره سکونت دارند بسادات قطبیه مشهور اند -

ملا قطب الدین شهید سها لوی از شیوخ انصاری است که نسبش سید نالیوب انصاری
رضی الله عنه صاحب رسول الله صلی الله علیه و سلم می پیوند یکی از بزرگان نشانی از مدینه طیبه بهرات آمده

متوطن شد و اولاد و مجادش خواجہ علی اللہ انصاری مشہور و معروف در ہرات مدفون است از
 اخفاء خواجہ موصوف شیخ علاء الدین انصاری بہند آمدہ بخوار دہلی سکونت و زیدہ وفات یافت
 از اخفاء علاء الدین صدر الزکریا نظام الدین یقصبہ سہالی مضافات اودھ رخت آقامت انداخت
 دی بہ پشت ہشتم از ملا قطب الدین شہید بود ملای صاحب ترجمہ امام الہیہ و مقلام الہیہ از ہند
 علوم عقلیہ مخزن فنون نقلیہ بود از اخذ علوم از ملا دانیال جورسی شاگرد ملا عبد السلام ساکن دیوہ و
 از قاضی گھاسی شاگرد شیخ محب اللہ کہ آبادی کردہ عمر عزیزش بشغل درس بسر و گوی ریاست
 علی بخوار لکھنؤ و ختم شد و سلسلہ تلمذ اکثر علمای ہند بدو ملتبی می شود و در قصبہ سہالی دو فریق از شیوخ
 یکے عثمانی دوم انصاری مقیم و فاضل بودند ہر دو فریق بوجہ مشارکت زمینداری قصبہ سہالی با ہم نزاع
 موروثی داشتند و در سہال یازدہ صد و سہ ہجری شیوخ عثمانی وقت شب بخانہ ملا قطب الدین انصاری
 ہجوم کردہ اورا زنجان گشتند و مکانش سوختند و سودہ حاشیہ شرح عقائد دوائی مصنفہ دی بہمان
 ہنگامہ تلف شد و کتاب تلویحات از تصانیف اوست و او چہار فرزند از ہند عقب خود گذشت
 کہ اولاد آن ہر چہ از تأخیر کتاب ہند و فرنگی محل واقع لکھنؤ و ضلع بنارس و مرزا پور موجود اند الباقی
 ابے ما شاء اولاد ہر یکے از فرزندان صاحب علم و عمل پودہ اند بقول شخصی مع لیکانہ تمام
 آفتاب است بدور تمامی ہند وستان پنجین خانہ کہ دران علم موردی اباعن جد با شیدا فتنہ نمی شود
 بچہ خاندان ملای شہید برخی اناخفاء و مجادش کہ بوفور علم و کثرت درس و تصانیف خود شہرہ آفاق
 بودند ذکر شان درین اوراق ثبت کردہ شدہ سہالی بکسر سین مہملہ و ہای ہوز و الف و لام بکسر
 و یای تحتانی معروف قصبہ ایست از توابع لکھنؤ چہوراس بقعہ الجیم الفارسی و سکون الواو و رای
 مہملہ مفتوحہ و الف و سین مہملہ قصبہ ایست از قصبات ملک اودھ و دیوہ بکسر دال مہملہ و
 سکون یای تحتانی مفتوحہ وادوہای ہوز در آخر قصبہ ایست از قصبات ملک اودھ و فرنگی محل
 اکنون محل ایست از محلات شہر لکھنؤ دارالامارہ صوبہ اودھ سابق قطعہ زمین بود کہ دران تاجری
 از فرنگستان سکونت داشت ازین وجہ آن قطعہ زمین بفرنگی محل شہرت گرفت بعد مرایا
 بوجہ نمائند اعقاب تاجر فرنگی زمین مذکورہ در نزول شاہی درآمد بعد قتل ملا سہ شہید
 اولاد و شان جہت قیام خود ہاے مذکور معاف یافتند و در انجا ہنوز اولاد و شریفش قیام پذیر اند

و آن موقع به فرنگی محل شهرت دارد

مولوی قطب الدین شمس آبادی اصلش از سادات ایشی است از آنجا شمس آباد آمده
اقامت در زید اعلم علای زمان بود و اولاً از علای زمانه خود اکتساب علوم کرده بعد بزمه تلامذه
ملا قطب الدین سہالوی داخل شده فراغ علمی حاصل کرد و تمام عمر شمس آباد بر مسند فادہ و درس متکی
بوده بمر هفتاد سالگی در سال یکہزار و یکصد و بست و یک ہجری درگذشت نور اللہ مرقدہ ایشی
فتح ہمزہ و کسریم و یای تحتانی ساکن مجہول و تہائی ہندی مخلوط ہمای ہوزو یای تحتانی معروفند
قصبہ است از قصبات کھنڈ شمس آباد قصبہ از توابع قنوج

نواب قطب الدین خان بہادر محدث دہلوی در دوازده صد و نوزده ہجری ولادت یافتہ
فقہ و محدث و مفسر قانع شرک و بدعت بود علوم دینیہ خصوصاً حدیث و اصولش از مولوی محمد اسحاق
دہلوی حاصل نمود و نیز از فیض علای حرمین شریفین مشرف گشت در دوازده صد و ہفتاد و نہ ہجری
بکلمہ معظمہ وفات یافتہ **تصانیف** مظاہر حق ترجمہ آرد و شرح آرد و مشکوٰۃ بیامع **تفاسیر** ظفر جلیل ترجمہ
آرد و حصن حصین - مظہر جلیل - مجمع الخیر - بیامع الحسانات - خلاصہ جامع صغیر - یادی السانظیرین - فقہ
سلطان - معین الجواہر - وظیفہ مسنونہ - نعمۃ الزوجین - احکام الضعیف - فلاح دارین - تنویر الحق -
توقیر الحق - تحفۃ العرب - العجم - احکام العیدین - رسالہ مناسک - خلاصۃ النصل - گلزار جنست
تبئہ النساء - حقیقۃ الایمان - مراد المعاد - تذکرۃ الصیام - تذکرۃ الربا و غیر ذلک

مولوی قطب الدین ساکن رامی ہریلی بن سید محمد واضح بن سید محمد صاحبین سید
آیہ الدین سید شاہ علم اللہ قدس اللہ سرہم از اکابر علای وقت بشرع و متدین بود و کتب درسیہ
افاضل کھنڈ خواندہ و حدیث و تفسیر و جزآن از دینیات بخد مت مولانا شاہ عبدالغفر دہلوی
برادران ایشان از شاہ عبدالقادر مصنف موضح القرآن قرأت و سند کردہ دستگا بہ ہر عالی
درین علوم حاصل فرمود و اخذ معارف و لطائف بخد مت شاہ غلام علی دہلوی نمودہ بعد از تکمیل
تحصیل معاودت بوطن مالوف گوشہ عزلت اختیار کردہ و در تدریس دینیات و تربیت طالبان
مولی تعالی بی پرواخت و قاتش در چہل سالگی بتاریخ نوزدہم ربیع الآخر سن دوازده صد و بست
و شش ہجری واقع شدہ از تصانیف وی رحمہ اللہ غیر از سالہ موسومہ بکائنات الشرفی فی اثبات کفر

فرعون الغریب یافته نه شد

سید قمر الدین حسین اورنگ آبادی بن سید نبیب الدین سید عنایت الله اصل او
از سادات نجف است در سال یک هزار و یکصد و بیست و سه هجری متولد شده علوم عقلیه و نقلیه از علما
نامداران دیار حاصل کرده بحفظ قرآن مجید توفیق یافت و غرقه نقشبندیه از پدر خود پوشیده عالم باطن
و فاضل اجل بود تا پنج و شصت جمادی الاولی سال یک هزار و یکصد و هفتاد و چهار هجری باراده زیارت
حرمین شریفین از اورنگ آباد مع دو فرزند از خود میر نور الهدی و میر نور العلی روانه شده اولاً بمدرسه
طیبه ازجده متوجه شده هفتدهم و بیست و یک سال مذکور بمدرسه سکنه داخل گردید و زیارت نبوی صلعم
شرف یاب گشت و تاریخ چهارم ذیحجه سن مذکور بمکه معظمه رسیده مناسک حج ادا کرده بوطن خود
اورنگ آباد پس آمده کتاب منظر النور و سمیث وجود از تصانیف اوست که در سال یک هزار و
یکصد و شصت و چهار هجری تصنیف کرده تا پنج و دوم ربیع الاول یک هزار و یکصد و نود و سه هجری
رحلت فرموده در اورنگ آباد مدفون گردید غلام علی آناد تاریخ وفاتش در لفظ موت العلماء اتمته یافته
سید قوام الدین دهلوی ابن اوسط سید قطب الدین محمد بن الحسنی عالم عامل و فاضل
متدین و کامل بود به خیر سلطان التمش که خدا شد و بدین اقامت و زید و لادش بسال ششصد و
بست و هفت هجری ببلخ و سیپوستان و بمرهشتاد و سه سالگی در سال هفتصد و ده هجری رحلت فرمود
از تلامذه او سید رکن الدین بن سید نظام الدین بن سید قطب الدین محمد بن الحسنی بود

مفتی قوام الدین محمد کشمیری بن مولوی سعد الدین صادق ابن مولوی معسر الدین بن
امان الله شهید بن مولوی خیر الدین چهارم شعبان سال دوازده صد و پنجاه و دو هجری ولادت
یافته محدث و فقیه جامع کمالات ظاهر و باطن بود بعد ختم قرآن مجید بخدمت شیخ رحمه الله و ملا
مقیم لسته توبیکرد بصغری کسب علوم و فنون کرده محسود اقران گشت و اجازت حدیث از
میر قاری تلمیذ شیخ القراء و حاجی خلدولی طرخانی تلمیذ شیخ ابوالحسن سنهری مدنی و حاجی نعمت الله
نوشهری و بابا محمد محسن پلچری تلمیذ مولوی امان الله شهید یافته بخانقاه سید محمد امین اویسی هنگامه
درس و تدریس گرم ساخت و رفقه رفقه بقضای کشمیر و شیخ الاسلامی آندیاده سیده و بصحبت شاه
زین العابدین قادری و میان ذکر یا لا هوری و شیخ الاسلام احمد اکبرلی و خواجه عبد الرحمن بچکان و مدام

مستفید و مستفیض شده کتاب صحائف سلطانی که مشتمل بر بیان شخصیت علوم از تصانیف
اوست نهم ماه ذیقعد سن دوازده صد و نوزده این جهان را پدرود فرمود.

حرف الکاف

مولوی کریمت اللہ حیریا کوٹی ابن احمد طبع عباسی از ماہران علوم و نام آوران آن مرزبوم
بود بصفہ سن بعد از مرگ پدر وطن را و دارع نمود و بطلب علوم بجنپور و رود فرمود و آنجا
بخدمت ملا محمد عسکری شیعی تہذیبی از کتب درسیہ با تمام رسانید بعد از آن پیش ملا احمد نقشبندی رسید
از کسب علوم و معارف ہر تلید و طارف فارغ گردید و خواست تا برسم دستار بندی پر دازد و غلام
شہرت خود با طرف ملک و چار سوی گیتی اندازد گویند مجلسی آراستہ شد و قریب سی صد از علمائے
امصار و طلبہ ہر دیار گرد آمدند و ہر کسی از ان ابواء مسئلہ از سایل علوم مختلفہ ہمی پرسید آن فاضل
عالی پایگاہ بجواب ہر یکی از ان تحسین بیکران مآفرین بی پایان می شنید بعد تحصیل علوم بطلب دنیا
کو شیدہ از بعض امراء لکھنؤ بوجہ کفایت نیند کہ محاصلش دو ہزار روپیہ بود و موقوف گشت و تمام عمر
بجاء و جلالت تمام و برجست خواص و عوام بسر بردہ در سال پنجاہ و یک از صدی سیزدہم ہجرت
بصد سالگی جهان فانی را پدرود فرمود

مولوی کریمت علی جنپوری صدیقی تشرع و متورع و اعظ کثیر التصانیف و الدرس
مرید سید احمد بریلوی و رہایت دارشاد خلایق بغایت می کوشید خصوصاً مردم ممالک دھاکہ و بنگالہ
از مستفیض و استفادہ شد و در ان دیار طریق اسلام ازین و برکت ادنیہ یافتہ بتابعی سوم رسید تا آخر
روز جمعہ وقت صبح صادق سن یک ہزار و دو صد و نو و ہجری وفات فرمودہ بمقام رنگ پور مدفون
گشت شکر اللہ سعیدہ مولوی حافظ احمد فرزند ارجمند آن ہدایت مآب و مولوی محمد محسن برادر زادہ
شان یادگار دیند سلمہ اللہ تعالیٰ تصانیف مفیدہ مفتاح الحجۃ رزنیہ المصلی - دعوات مسنونہ
قرۃ العیون - تزکیۃ نسوان - زاد التقوی - راحت روح - نور علی نور - فیض عام - تزکیۃ العقاید -
مراد المریدین - قوۃ الایمان - نسیم الحرمین - احقاق الحق - تنویر القلوب - حق الیقین - قول الحق -
مرآۃ الحق - رفیق السالکین - عکازۃ المومنین بطر المعانیدین - برایمن قطعہ فی مولد خیر البریہ کہارتہ
الحرمین فی ازالۃ شبہۃ الفرقین - ملخص القول الامین - اطمینان القلوب - ہدایۃ الرافقین -

برهان الاخوان قایم الحروف - دینیه القاری - شرح هندی جزئی - شرح شاطبی ترجمه مشکوة جلد اول - ترجمه شامل ترمذی - فتح باب صبیان - کوب وری - نورالمدی - حجب قاطعه مکاشفات رحمت - دفع الوسواس - مصباح الظلام - رساله بیعت - قانع المبتدعین - استقامت - رد البیعه - قوت روح - سبیل الرشاد - القول الثابت - رساله محمودیه و غیره

مولوی کریم اللہ محدث دہلوی پدرش از ہنود بود بدست مولانا شاہ عبدالعزیز دہلوی خلعت اسلام پوشیدہ وی بعد تحصیل علوم ظاہر از شاہ غلام علی دہلوی فرقه خلافت یافتہ اکثری از اہل ملی اقصا قرأت شاگردش بودند یک مرتبہ پنج مشرف شدہ بوطن الہرل مدبر وایسی خود تاسفہا کردہ باز بنیکار ترین بشرین شتافت و در اثنای راه بسال دوازده صد و پنجاہ و ہشت ہجری وفات یافتہ مولوی آئیہ کریمہ و من یخرج من بیتہ مہاجرالی اللہ الکیہ گشت روح اللہ و رحمہ

مولوی کریم اللہ دہلوی ابن مولوی لطف اللہ فاروقی بدست مولانا شاہ عبدالعزیز دہلوی و مولانا رشید الدین خان دہلوی و مولوی محمد کاظم دہلوی اکتساب علوم رسمی نمودہ دست ارادت بدست سید اکبر احمد نام ہر دی عرف اچھے میان دادہ نقد خلافت بدست آورده کثیر الدرس و تصانیف بود چہارم شوال سال نود و یکم صدی سیزدہم ہجرت بعمر نود سالگی از دار فناء ہجرت فرمود مولوی کریم الزمان سندیللی ابن خواجہ جمال الدین از خواجہ زادگان قصبہ سندیلکہ نسب دی حضرت ہمید اللہ احرار علیہ الرحمہ می پیوند بامہ صفر سال دوازده صد و سی ہجری ولادت یافتہ بدست علمای عصر ہجری مولوی تراب علی لکھنوی و مولوی سعد اللہ مراد آبادی تحصیل نمودہ بدرل فادر طلبہ علوم بسری برد و بتاریخ بسست و نهم ربیع الثانی سال دوازده صد و دو ہجرت ہجری بر غفلت وفات یافتہ مولوی کلیم اللہ چمان آبادی دانشندی متبحر بد شیخ یحیی مدنی بود کتب معتبرہ و علوم مختلفہ و علمای تصنیف کردہ سواء البسیل و کشلول و مرقع از تصنیفات بدیعہ اوست در سن ہزار و یکصد و چهل ہجری جان بجان آفرین سپرد نمود اللہ مرقدہ

ملا کمال الدین سہالومی از اجل تلامذہ مولانا نظام الدین ابن ملا قطب الدین شہید السہاوی جامع معقول و منقول حاوی فرج و وصول افضل ترین اذکیای عصر بود تصانیف این قہ بسیار دارد از اہل عدوۃ الوثقی - تخریج کربیت احمد و حاشیہ کمالیہ بر شرح عقاید جلالیہ بسو ط و مشوراند و تعلیقات

حاشیه ناهیدیه که بر شرح تہذیب جلالی هست نوشته وفات وی سنہ دوم محرم الحرام سال یغداد و پنجم صدی و دوازدهم ہجرت وقوع یافتہ فقرہ بردار و دود مضجعہ مادہ تاریخ رحلتش یافتہ اندانمہ اللہ بکمالہ۔

کمال الدین علامہ دہلوی خواہر زادہ شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی و خلیفہ او بود سلسلہ

نسبتش بہ سیدنا حسن بن علی رضی اللہ عنہما می پیوندید و چونکہ وی بحدیث و تفسیر وفقہ و حصول یگانہ روزگار بود ویرا علامہ می گفتند با حمد آباد گجرات قدم آورده و مدتی بہ ہدایت و افادہ خلافتی بر بردہ

بسال ہفت صد و پنجاہ و شش ہجری وفات یافتہ در دہلی مدفون گشت نور اللہ مرقدہ

مولانا کمال الدین ناہد دہلوی دانشمند تبحر بکمال و مع تقوی و دیانت موصوف بود

شیخ نظام الدین اولیا مشارق الانوار کتاب حدیث را پیش او سند کرده و ادبش مولانا بران الدین

بلخی و ادبش مصنف کتاب سلطان غیاث الدین بلبن آئندہ کردہ کہ مولانا کمال الدین ناہد سا

امام خود فرماید مولانا انکار فرمود رحمۃ اللہ علیہ

ملا کمال الدین لاہوری برادر مولانا جمال الدین جامع علم و عمل و زہد و تقوی بود مدتی مدیر

در لاہور و سیالکوٹ بر سید مدرس و تلقین ممکن بودہ افادہ و افادہ خلایق می نمود شیخ احمد محمد

الف ثانی و ملا عبدالحکیم سیالکوٹی از ارشدہ ثلاثہ وینہ بسال ہزار و ہفتہ ہجری و مدبلدہ لاہور و قلات

یافتہ مگر فی زمانہ قبرش مفقود است تاریخ فوتش چنین است مصرعہ طبع حق قطب تاج اولیا ملا کمال

حرف اللام

مولوی لال محمد ساکن ہسودہ از سادات قطبیہ قصبہ ہسودہ ضلع فتحپور عالم تبحر جامع علوم

عقلیہ و نقلیہ کثیر التصانیف بود براکثر تہذیب شروح و حواشی نوشتہ کتابی در نسب نامہ سادات عرب

بحکم تحریر کردہ و تمام عمر بقصبہ ہسودہ بافادہ علوم عقلی و نقلی بسر بردہ لا ولد و وفات یافت ملفوظات

قطبیہ از تالیفات و دست نسب پدری وی بہ سید قطب الدین محمد بن الحسنی کہ ذکرش بجزوف ثانی

زیب تحریر یافتہ بدین منہج می پیوندید سید لال محمد بن فیض اللہ بن سید بلوک بن سید علی بن سید جان

بن سید طاہر بن سید رکن الدین بن سید قطب الدین بن سید اخوند بن سید بڑا بن سید غلام الدین

بن سید صدر الدین بن رکن الدین بن سید نظام الدین بن سید قطب الدین محمد بن الحسنی المظاہر

الغزوی الدہلوی الکرلوی -

شاه لطف الله انبالوی مرید شاه بهکیمه جیشی لاهوری صاحب علم و عمل بود ثمره الفوائد و ذکر کرامات و خرق عادات مرشد خود تالیف کرده در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و شش هجری دفات یافت نور الله مضجع

حرف المیم

قاضی مبارک گوپاموی مرید و شاگرد شیخ نظام الدین ایٹھوی قدس سره بود کسب علوم و تهذیب اخلاق در خدمت شیخ موصوف نموده علمی به وجه اتم و دیانتی و امامتی بمنصب تصفاداشت و تا آخر عمر معز و محترم و مکرم زیست و همچنان بجانب آخرت رحلت گزیدند از نشاندن او میان خدمت و به این میان ابوالفتح خراسانی است که اکثر شیخ در سیه رادرسی میفرمود و دیگر سید محی الدین است که همین است داشت کذا فی منتخب التواریخ للملای عبدالقادر البدری

شیخ مبارک ناگوری از فحول علمای روزگار بود در مبادی احوال پیشین خطیب بود بفضل کار و زدی بود لایزال عماد طارمی در کجرات کسب علوم نموده پیوسته بدرس علوم دینی اشتغال داشت و فن شعر و نحو و غیره سایر فضائل خصوصاً علم تصوف را خوب ورزیده و شاطبی را یاد گرفته درس می گفت و قرآن مجید را بقرات عشره حفظ کرده در آخر عمر تفسیر قرآن مجید چهار مجلد موسوم به منبع العلوم نوشته و جزآن نیز مؤلف شریفیه دارد و قریب پنجاه سال در آگره با فاده و فاضله طلبه علوم گذرانیده فرزندانش شیخ ابوالفضل علمای و ملک الشعراء شیخ ابوالفیض فیضی فیاضی و شیخ ابوالخیر و غیره فرزندان بودند هفتصد و بیست و یک سال

یک هجری در لاهور رحمت حق پیوست

سید مبارک بلگرامی حسینی واسطی شاگرد شیخ نورالحق فرزند و تلمیذ شیخ الحدیث شیخ عبدالحق محدث دہلوی بود عمر غنیش و با فاده علوم دینی خاصه فن حدیث و درس طلبه صرف نموده بسال یازده صد و پانزده هجری طاری و حش از قفس عنصری پریده بشاخسار رده و رضوان نشین گرفت ضی الله عنه **قاضی مبارک گوپاموی** شارح سلم العلوم ابن شیخ محمد داکم و می فاروقی که بنطقیت و شرح گواه عدیل است معاصر مولوی حمد الله سنیل و مولوی قاضی احمد علی سنیل بودند و هر دو قاضی مناظره و مباحثه علمی بطور آمده بسال یازده صد و شصت و دو هجری رحلت فرموده کذا فی بحر خارقاضی بجامه شرح خود عبارتیکه نوشته است بجنبه منقول می شود قد تم الشرح بفضل من الله تعالی و تبارک من عباده

محمد مبارک فی ستمه الف و مائه و اربعین و ثلث من الهجرة النبویه فی سابع شهر ربیع الاول یوم الخمس
 فی بلدة شاهجهان آباد و الحمد لله رب العالمین حمداً کثیراً طیبها مبارکاً فیہ و الصلوة علی نبینا محمد خیر البریه
 و علی آله و ازواجه و اصحابه المؤمنین و المؤمنات برحمتک یا ارحم الراحمین

مولانا شیخ محب الله آبادی دانشمند شجر از مشاییر علمای صوفیه در علوم ظاهر و باطن
 سرخیل امثال و اقربان خود بود و وطن اصلی او قصبه صید پور تالوچ خیر آباد و نمضافات او ده ست نسبتش
 بحضرت عمر فاروق رضی الله عنه بواسطه شیخ فرید شکر گنج می پیوند و دست ارادت بشیخ ابوسعید گنگوہی
 داده خرقة خلافت حاصل فرمود تحقیقات و تدقیقاتش در علم تصوف بر مرتبه اجتهاد رسیده بلکمی سرفراز
 که شیخ محی الدین عربی را شیخ اکبر و دیر شیخ کبیر گویند و اراتصا نیفت عمده در تحقیق و توحید بسیار اند که آن را
 خزینة دقائق و گنجینه حقائق اسرار الکی توان شمرد از جمله تصانیف او که مشهور اند بنیل مذکور می شوند
 تشریح فصوص عربی - شرح فصوص فارسی - رساله هفت احکام - غایة الغایات - مغالط عامه -
 سر الخیاض - عبادة الخواص - طرق الخواص - عبادة اخصل الخواص - مناظر خصل الخواص - رساله تسویه
 رساله تدریسی - رساله وجود مطلق - نیم جیب سال هزار و پنجاه و هشت هجری قریب غریب آفتاب
 آن آفتاب عالم تاب در پرده عدم متواری گشت مزار شریفش در آله آباد زیارت گاه ارباب
 بصیرت است و اولاد اجدادش بدائرہ شاه حجتہ الله قدس سره رونق افروز اند از جمله مولانی و مرشد
 مولانا حافظ حکیم حاج الحرمین الشرفین مولوی محمد حسین سلمه الله رب الشرفین چراغ این دو دمان
 عالی هستند از ارشد تلامذه و خلفای شیخ محب الله قدس سره قاضی کھاسی آله آبادی میر سید کبیر قنوجی
 و میر سید محمدی فیاضی امر وہبی بودند رحمۃ الله علیہم و علی اسلافہ و اخلافہ

قاضی محب الله بهاری ابن عبد الشکور بموضع کڑا متعلقه محب علی پور مصنف بہار در قبیلہ
 ملک متولد شد ہجری بود از بجا علوم و ہدیری بود بین النجوم و افاضل کتب درسیہ از علمای عصر خوانده
 آخر ہزمرہ تلامذہ ملاقطب الدین شمس آبادی منسلک شدہ فراغ حال کرد و بعدہ بدرکن رفتہ بملازمت
 عالمگیر بادشاہ بعد ہای قضای لکنؤ و حیدر آباد از یکی بعد دیگری مہابی گشت بعدہ بتعلیم نیرہ بادشاہ
 موصوف یعنی رفیع القدر بن شانزادہ محمد معظم ملقب بشاہ عالم مامور گردید و در عہد معظم شاہ عالم
 بعدہ صدارت مالک ہند و خطاب فاضل خان ممتاز شد آخر کار در سال یازدہ صد و نوزدہ

هجری وفات یافته اندرون احاطه مراد شاه فریدالدین طویل بخش به محله چاند پوره نمحلات شهر بهار
مدفون شد تاریخ فوت ادا مصرعه قاضی مولوی محب الله و نیز از مصرعه رفته سوی امام محب الله
برمی آید سلم العلوم و افادات در منطق و مسلم الثبوت در اصول فقه مع ضمیمه آن و الجواهر الفرد در بیان
جزو لا تجزى در سائر لمخاطبه عامه الورد و التصانيف و مقبول و متداول علماء انداز لفظ مسلم الثبوت
تاریخ تالیفش برمی آید یعنی یازده صد و نه هجری بهمار یکسریای موحده و های هوز مفتوح و الف ای
همه شهر نیست در مالک شرقی هندوستان بعد شایان عالمه تمیز و به نام صوبه بهار مشهور بود که
فتح کاف عربی و رای همه و الف مقصوره نام و می هست از توابع محب علی پور علاقه بهار

انتباه

سید غلام علی آزاد بلگرامی در سحیح المرجان نوشته که محب الله بهاری شاگرد ملا قطب الدین حسن آبادی
بود و مولوی عبدالحلیم لکهنوی در حاشیه شرح ملا حسن نسبت تلمذ او به ملا قطب الدین شهید بهاولوی
بیان کرده اند و الله اعلم بحقیقه الحال

مولوی محمد حسن عباسی چیریا کوٹی از عمده ترین اذکیای دهر و گرانمایگان عصر بود و بر
تمکله علوم عقلیه و فنون نقلیه بخدمت جامع علوم اولین و آخرین ملا نظام الدین لکهنوی فخری محلی
شافعه و در اینجا از معارف عقلیه و دقائق نقلیه نصیبی دانی یافته فوت حافظه و صفاتی ذهنش
بر مرتبه بود که هر کتابیکه می خواند عبارت آن بجمیع الفاظ و معانی هنگام مطالعه بلوح حافظه وی محفوظ
می بود و گره همه نکات و دقائق متعلقه سبق ناخن فکرش می کشود و لاجرم پیش او سلسله سبق خود هر روز
کتاب ناکشوده می خواند و در بحث و دقائق و کشف مضامین دقیقه در نظرش مخفی نمی ماند همه دانستند
که کتاب ناخوانده نمی خواند بلکه مضامین با جمله اجاث دقیقه و تحقیقات اینقه از پیشتر می داند لطیفه
روزی شارح سلم العلوم ملا محمد حسن مرحوم بدو گفت که از تو غنی تر کیست که کتاب خوانده میخوانی وی
بجوابش گفت که توئی کمزیر که من نادانی خود را دانستم تا با صلاحش کوشیدم و تو این هم ندانستی که من تا دم
لاجرم همچنان در تیرگی نادانی ماندم با جمله وی بعد تکمیل علوم بهرلی در آمده بخدمت اکان دولت
شاهی عزت عظیم و قدره عظیم بدست آورد علمای شهر باو طرح جدال انداختند و علم
مناعت افرختند عاقبت همه سپردند و به خجالت و ندم ساختند از آنجا که ذات والایش

اعجوبه روزگار دنا دوده مصار بود امانه بواجبش بوالی شهر رسید و آن قهرمان حدیث کما الشرا یلکوش
دل بشنید نهماست تا بجزش خواند و از خاک بدلتش برگرفت بر کرسی دولتش نشاند چون حاسدان
شینید و بدلتش کوشیدند خون جگر خوردند و زهر در لجامش کردند که کارش تمام گردید مصر عنه
ای روشنی طبع تو بر من بلا شدی بی میگویند هرگاه زب قاتل مرگ دپی آن مظلوم سر کشید نامه از وطنش
رسید وی دمان کشاکش سوج پیر فتوح و جوابش باین شعر کفایت در زید و برید روش بیای رضا
و تسلیم بجز غزت سرمدی و دولت ابدی دید قمر و از حیاتم رقی بود که یادم کردی بهر شخص
نفس آئینه شد نامه تو

مولوی محمد احمد فرنگی محلی ابرو هاشمین مولوی احمد انوار الحق هر چند تمام تحصیل کتب در سیم
چنانکه باید نگردیده لکن کسب افکار و ادراکات و ادله خود نموده مدام بعبادت الهی مشغول بود و پانزدهم
صفر روز یکشنبه سال دوازده صد و شصت و ده هجری بجلد برین شتافت مصرعه نور انواریت
از دنیا به ماده کاسخ وفات اوست

مولوی محمد ادریس نگرانی ابن مولوی حافظ عبد علی نگرانی شاگرد خلیفه پدر خود است
بحکم الولد سر لایه بهجو والد ماجد تدریس و هدایت و ارشاد مردمان می کند خداوند کریم او را
بجفظ و امان خود نگار داشته بر جاوده استقامت و هدایت مستقیم دارد کتب مفصله ذیل از تصانیف
رافقه وی اند - ابرار الکتمان من تکمیل الایمان - تحفه النبلی فی آداب الخلفاء - القول المستقیم فی التائین
الکلام الموطانی تحقیق الصلوة الوسطی - هاهنا بلفظ قدوس فی احکام المجلوس طریق الفلاح الی
الاضطیاع بعد رقتی الصلح - تحصیل العلوم بتیویب مسند الامام ربیعین من مرویات النعمان سید ابته
الکلام نفیس فی ترجمه محمد ادریس تحفه الجویب فی تفتیحات العذوة و الکلام بین یدی الخطیب
الکلام المبین فی تحقیق مجددی الالین باحوال اسیات باقامه العمولات قریعون عن مدعیان فنون
ملا محمد سعد سهاروی خاتم اکبر ملا قطب الدین الشیخ السهاروی شاگرد پدر خود علامه عصر
از حین حیات پدر پیشگاه نعمی الدین ادرنگ ریب عالمگیر بادشاه حاضر بوده خدمت صدر اعظم
بر مایه نور حاصل نموده سر بلند و بهر ان نا شایسته فیض است مدعی ملا قطب الدین راشیوخ عثمانی
سکنه شمالی از جان کشتند وی رحمة الله علیه در کتب ذات یافته

مولانا شیخ محمد سعد حنفی علیہ الرحمۃ شیعہ تاج الدین مالکی نزیل آرکات علامہ وقت ہومانہ
ملکہ مظفر ہندوستان آمدہ زمانی برفاقت نواب نظام الدولہ ناصر جنگ بسیرہ نواب موصوف تعظیم
و تکریم او میکرو بعد قتل نظام الدولہ ناصر جنگ ہمشیرہ نادہ او مظفر جنگ مالک ملک شد شیخ
محمد سعد بزمہ رفقای مظفر جنگ مسلک گردید پس انان و صیان مظفر جنگ و افغانہ قائلین
ناصر جنگ نفاق پیدا شدہ نوبت بجنگ طرفین رسید مظفر جنگ درو سائی افغانہ مقتول شد
ہمدان معرکہ شیخ محمد سعد تباہی ہفتدہم ربیع الاول روز یکشنبہ وقت ظہر سال یکہ زو یکصد
شصت و چہار ہجری بقتل رسیدہ بمیدان جنگ سرزمین کریت مدفون شد غلام علی آزاد بلکاری
کہ دران معرکہ حاضر بود تاریخ فوٹش چنین گفتہ مضی خیر نا سعد الاثقیاء الا لایری مثله واحدہ

لقد اہم اللہ تاریخہ فی قضی نخبہ عالم ماجدہ

مولانا محمد اسحاق دہلوی کنیش ابوسلیمان دختر زادہ مولانا شاہ عبد الغفور دہلوی شاگرد
جانشین جد مادری خود بود در حدیث و تفسیر وفقہ مہارتی تام داشت مولفائے چند مجموع مسائل
اربعین و افتای ہندی از ویادگار انداز ہند بکہ معظمہ ہجرت فرمودہ ہمدانجا بسال دوازده
صد و شصت و دو ہجری بر حمت حق پیوستہ رحمہ اللہ علیہ

قاضی محمد اسلم ہروی از احفاد ملا خواجہ کوہی خراسانی است بہرات متولد شدہ در کابل نشوونہ
یافت و کتساب علوم متعارفہ بخدمت شیخ بہلول لاہوری نمودہ بعد از فراغ علمی پیش
نوالدین محمد جمالگیر بادشاہ آمدہ چون قاضی از اقربای میر کلان محدث استاد جمالگیر بود بادشاہ
یاغرازش پیش آمدہ ویرا بمنصب قضای کابل نامزد فرمود قاضی عمدہ خود را بامانت و دیانت
تمام انجام داد جمالگیر اورا بحضور خود طلبیدہ و قضای اردوی علی بد و سپرد و در عہد شاہجہان ابن
جمالگیر نیز بہمان منصب مستقل بودہ بمنصب ہزاری سرفراز گردید و تا سی سال بخدمت قضا
شکر سرفراز ماندہ مورد مہراحم سلطانی بود روزی شاہجہان ویرا بروپیہ و زن فرمود شش ہزار
روپا نصدر روپیہ کہ ہم پلہ قاضی شدند بدو بخشید قاضی علاوہ علوفہ قضا جاگیر دہ ہزار روپیہ سالانہ
از بارگاہ سلطانی می یافت و بسال شصت و یکم صدی یازدہم ہجری بلاہور وفات یافت
پسرش محمد ناہد صاحب زادہ پرتلاش است

محمد اسماعیل محدث لاهوری از سادات عظام بخارا است در عهد سلطان مسعود غزنوی
 با آخر سال سه صد و نو و پنج هجری بلاهور آمده متوطن شد ما هر علوم فقه و حدیث و تفسیر و جمیع
 ظاهرو باطن بودوی اول واعظان اسلام است که در لاهور به تذکیر و موعظت لب کشاده دارا شد
 و عظامی هزار با کفار مشرف با سلام شدند در سال چهار صد و چهل و هشت هجری وفات یافت
 بیرون بلده لاهور جانب جنوب مدفون گشت

مولوی محمد اسماعیل دیلمی ابن مولوی عبد نفی بن مولانا شاه ولی الله در ریانت و رسائی
 فکر یگانه نورگار و مشارالیه علمای کبار بود همراه سید احمد مجاهد ساکن رای در ملی رحمت الله علیه تمام غزا
 فی سبیل الله بدست گرفته سماعی جمیل به نظر آورده بتاریخ بست و چهارم ذیقعه سال دو و ازده
 صد و چهل و شش هجری متصل بالاکوٹ ملک پنجاب شربت شهادت چشیده بریاض صفوان
 خرامید رساله اصول فقه و رساله توحید و صراط مستقیم و تفسیر بعین و تقویم الايمان از مصنفات مشهوره
 اوست طاب الله شاه

مولوی محمد اسماعیل بلندی ساکن قنیم مراد آباد از چندی سکونت کشتوا اختیار کرده مردی ذہین
 و ذکی لطیف بود خصوصاً در علم ادب استعداد کامل داشت مولوی تراجمی لکھنوی ز تلامذہ او است
 حجه شہرتش بلندی اینست که نصیر الدین حیدر فرمان روای لکھنوبرسم سفارت ادا پریشگاه شاه
 لندن فرستاده بود و در لندن با زنی عیسائی که آنرا افسس دوت می گفتند نکاح کرده ب لکھنو باز آمد
 چونکه طبع آزاد داشت هرگاه بعدن رسید زوجه عیسائیش گفت ب زیارت بیت الله که از اینجا
 قریب است چنانی روی بوجهش گفت مرا بدو راهی سنگین اعتقادی نیست اعوذ بالله من
 سوء الاعتقاد منجله تصانیفش حاشیه شرح تہذیب یزدی و حاشیه بیبذی مشهور است بهجدهم
 ربیع الاول سن دو و ازده صد و پنجاه و سه هجری فوت شده تجاوز از حد غنہ

ملا محمد اشرف تنو کشمیری حلف خواجہ محمد طیب از احفاد خواجہ حیدر کشمیری ذہین و ذکی
 بود اطفال از بزرگان خود اکتساب کمالات نموده بخدمت ملا محمد حسن فقه و غیره تعلیم کرده دانشمند
 بنی گشت تصانیف رائقہ در علم قرأت و در شیعہ و دیگر فنون ادبیادگار اند کتاب جواهر الحکم
 منجله آن شہرت دارد بسال یازده صد و بست و سه هجری وفات یافت

مولانا محمد اشرف لکهنوی این قاضی نعمت الله خوشنویس ولد محمد معظم و ولد محمد علی صدیقی بزرگی از اسلافش از اهل سوره آمده مقیم لکهنو شدند و رحمة الله شاکر و مولوی نور الحق لکهنوی فرنگی محلی و مولوی سید محمد لکهنوی و مرید سید محمد مجاهد بریلوی بود بدین پس تصنیف عمر غزنویش بسرموده در تالیف تاج الفات که حکم دانی لکهنو مؤلف شده او هم شرکت داشت اصولی را شرح و شرح دو و شش و تسطیس الهی و تفسیر قرآن مجید عربی و تاریخ علماء و شایخ و سلاطین هند تا تمام که مسوده آن بخط شریفش بنظر مؤلف کتاب نگاه داشته از تصانیف او هستند مولانا ثابت علی مرحوم ساکن مرهه بکام ضلع آله آباد از تلامذه او و از اساتذہ جامع الادرار اند صاحب ترجمه تاریخ بغداد هم مفسرین دو و از ده صد و چهل چهار هجری برض بیضا رحلت فرموده در حجره مسجد خود واقع قبوئی از تکه نمحلات لکهنو دفن گردید شریفه الله به تشریف انفسران **مولوی محمد اصغر فرنگی محلی** ابن مفتی احمد الازهر ابن مفتی محمد یعقوب عالم و حافظ قرآن و بدریس طلبه اشتغال داشت و منصب اقامی عدالت دیوانی شهر لکهنو سرافراز بود تاریخ نو و نیم رجب بسال دوازده صد و پنجاه و پنج هجری وفات فرمود

مولوی محمد اعظم سندیلجی قاضی زاده قصبه سندیلج از اولاد عمر فاروق رضی الله عنه و ملا علی بن ابی طالب بود و از فرارغ خدمت مولوی محمد الله سندیلجی خوانده بدریس تصنیف مشغول گشت از شایسته تلامذه او مولوی سید عبدالواحد خیر آبادی به شیر نادش و مولوی محمد مستدان کاکر و دی اند حاشیه دایره شرح مناره سه عاشر بر صدر اصغر و کبیر و دیگر در رساله تشکیک از تصانیف او مشهور هستند با دوازده صدی دوازدهم رحلت فرموده محلکانه نمحلات قصبه سندیلج مرثون گشت

خواجه محمد اعظم دومری ابن خیر الزمان کشمیری مجددی از علمای نامدار و شایخ کبار کشمیر بود از ملا عبدالله شکیه و مراد بیگ کامل بیگ میراثم و غیر هم کسب علوم کرده و دوست ازادت است شیخ محمد اوجیدی داده در شعر گوی و تاریخ نویسی مهارت کامل داشت تاریخ اعظمی معروف به تاریخ دومری در حالات بادشاهان و شایخ و علماء و شعرا کشمیر بسال یازده صد و چهل و هشت هجری تالیف نمود و اقوات کشمیر نام تاریخی آن کتاب است و نیز کتاب فیض مراد و حالات و مقالات پیر خنده و نواند المشاخ و بیان فقر و رساله اثبات الجبر و تجربه اطفالین اشجار و الحک و ثمرات الاشجار

و شرح کبریت احمر از ویادگار اند در سن یازده صد و هشتاد و پنج هجری رحلت فرمود
مولوی محمد عظیم عباسی ابن مولوی نجم الدین عباسی چریاکوٹی دلاوت با سعادت و بی رسالت
 و فاعده صد و شصت و شش هجری بظهور پیوسته اکثر کتب در سیه رسمیه از عمود مولوی محمد غاروق
 عباسی چریاکوٹی و نیز از مولوی علی عباس عباسی خوانده و بقیه از مقامات مختلفه با تمام رسانیده
 اکنون بخدشی معتد بهما مجید رآباد و کن مامورست سلمه الله و رفاہ الی بایتمناه
مولانا شیخ افضل چونیوری افضل انفضای عصر و علم العلامی و در جامع علوم عقلیه و نقلیه
 تشرع و فقهی خوش خاق سلیم المراج بود اوقات عزیزش و ایام خدمت علم صرف میکرد چون ملا محمد
 چونیوری که ارشد تلامذہ او بود رحلت عالم بقا کرد مولانا را در گرش حونی عظیم داند و بی بحسب
 و امنگی شد که تا چهل روز در آن غم تبسم نفرمود و بعد چهل روز بزمان ریخ و عالم در سال هزار و شصت
 و دو هجری جان بجان آفرین سپرد و انشاء الله رب العالمین
شیخ محمد فضل که آبادی ولادت او شب دهم بیج الاول سال سی و ششم از صدی یازدهم
 بوطن اصلش قصبه سید پور قلعہ غازی پور زمانیه بظهور پیوسته و ما ذیل حال بحدود آورده و از طلا
 نورالدین تحصیل علوم متعارف را با انجام رسانیده کاشش ماه بدین تدریس علوم اشتغال داشت
 و دقت جذبه عشق الهی بر و غالب آمد و ترک آن دادی نموده بکاپی رفت و بخدمت میر سید محمد قدس سره
 مشرف شده ثمرت بیعت و اجازت سلسله چشتیه و قادریه و سهروردیه و مداریه و نقشبندیہ یافته
 با این همه بچو شیخ خود تمام عمر متبع سنت نبویہ علی صاحبها التحیہ و پیرو طریق نقشبندیہ ماند حسب یاری
 مرشد خود در حل قاست با که آبادان مآخذ بکمال توکل بر مسند هدایت و ارشاد شسته مرجع انانگشت
 در سال هزار و هشتاد و پنج هجری سجدی بآباد تعمیر فرموده تاریخ آن بقعه افضل یافته اند و تاریخ بنایه
 خانقاہش که در سن هزار و نو و دو و بنایانده مقام افضل است با وجود مشاغل هدایت و ارشاد
 بسیار از تصانیف عمده بعبارت عربی و فارسی دارد از انجمله شرح گلستان - شرح بوستان - شرح
 زیخا - تذکیر و لیلیه - شرح نصوص الحکم سلسلی شرح نصوص علی وفق النصوص - فتح الاغلاق - رساله عربیه
 و فارسیه در بحث ایمان و فرعون - شرح تصاویر خاقانی - سیر منظوم شرح شتوی معنوی و غیره اند که از
 پنجاه جلد تجاوز با شد و بی رحمت الله علیه بمرشد و هفت یا نود و دو سالگی یا نزدیک روز جمعه

سال یازده صد و بیست و چهار هجری جان بشا بهد جانان تسلیم نموده این جهان بی بنیان را پرود فرمود
سال وفاتش از کان الشیخ قطابرمی آید مدفنش با کآباد است یزاد و تبرک بعدش شیخ محمد مجیدی عرف
شاه خوب الله برادر زاده اوزنیت بخش و شاده در شاد گردید

شیخ محمد آفاق لکهنوی عاملی مجرب و محقق بلند همت و فضیلت علوم ظاهر باطن آراسته و در هر وقت
و محابلات صادق دم و راسخ قدم بود و وی از اکابر زادگان صدیه بهار ساکن موضع تلاوه مضامین پنه بود
و او اهل کتب متداوله خدمت شیخ وجه الدین گویا موی گذرانید و بعد از آن قدم بکوی فقر و فنا نهاد
اسم در رسم سودوزیان بیاد فنا بر یاد داده و بصحبت شریف شیخ پیر محمد لکهنوی مشرف شده دست
ارادت بدست وی داده بسیاری از مشایخ وقت را دریافته و از خدمت شاه مجاهر پوری پیر استفاد
علوم طریقت نموده و رساله مصباح الطالبین شیخ عبدالرسول کهبندی که خلیفه شاه مجاهد بود که کبیر
خود تعریف نموده و در آن رساله جمیع ادکار و افکار مشرب علیه قلندریه مندرج است همه شیخ محمد آفاق
بعمل آورده بود و انقض بعد وفات شیخ پیر محمد قدس سره چند سال جانشین او بوده و او را تکلفات
رسم و عادات میرا بود و از تعلیق تزویج معارفش در لکهنویا بین پیر خود است یزاد و تبرک به
حاجی محمد فضل سهرندی ابن شیخ محمد معصوم بن شیخ احمد محمد و سهرندی دانشمند متبحر و محدث بود
بعد تحصیل علوم ظاهر مرید شیخ حمزه الله نقشبندی شد و از شیخ عبدالاحه خلیفه شیخ احمد سعید مستفید
و بزیارت حرمین شریفین مستفیض شده از انجا با فیوضات و برکات بی شمار و پس آمد به تدریس علوم
دینی و تلقین اسلام را بطنی می برداخت مولانا شاه ولی الله دهلوی سند حدیث از وی یافته هر چه از فتوحات
بوی میرسد از آن کتب هر فن خرید کرده و وقف می نمود و وفاتش یازده صد و چهل و شش هجری بظهر بود و پسر
مولوی محمد اکبر کشمیری از اکابر علمای وقت بود تا سی سال در مدرسه محمدیه متعلقه جامع مسجد
بیبی درس میداد بسیار از تلامذه وی بملاک کوکن هنوز موجود اند اما تاجله مولوی سید عبدالفتاح گلشن آبادی
و مولوی سید غلام الدین مفتی عبداللطیف نامی و گرامی هستند و رسال و دوازده صد و هفتاد و دو هجری
رحلت فرموده به بندر بمبئی مدفون شد

ملا محمد امین کشمیری دانشمند متبحر کثیر الدرس و تصنیف بود و ملا عنایت الله مثال ملا حسن و غیره
علمای کشمیر از تلامذه و نیز بر شرح تهذیب و غیره کتب متداوله حواشی و شروح دارد و یک ماه رمضان

بروز لیله القدر سال نهم از صدی دوازدهم وفات یافته اند

مولوی محمد امجد قنوجی از اکابر فضلا و عظم علمای قنوج شاگرد رشید مولوی علی صفر قنوجی کثیر الدرس و التألیف بود حاشیه صدر علم حکمت از تالیف شهره اوست تاریخ وفاتش معلوم نه شد
محمد پیرم خان خانان از اولاد مزاجان شاه است یوفور دانش و سخا و صدق و حسن نطق و نیاز و انکسار گوی سبقت از بهنگنان برده در ابتدای حال بخدمت بابر شاه و در وسط بهلازمت همایون شاه نشو و نمایافته بختاب خانخانانان سر فرازی یافت و در اخیر جلال الدین محمد کبر شاه بایام سلطنت خود در آقا بشافروزی بنفسه در ویش دوست علم و صاحب حال نیک اندیش بود زمین سعی و جهلادت و حسن تدبیرش هندوستان در مرتبه ثانی مفتوح شد و فضلالی جهان از اطراف و اکناف رو به رگه آورده از کف بحر شانش شادابی رفتند و بارگاه آسمان جایش قبله باب فضل و کمال زمانه را بوجود شریفش تغاخر بود لکن ارباب نفاق مزاج بادشاه از دستگیر ساخته بودند ناچار دوی بقصد زیارت حرمین شریفین با توابع از راه ناگور روانه گجرات گردیده برای که در آن انبوهی از درخت میخلان بود میگشت ناگاه گوشه دستارش بخاری بند شده از سر افتاد چون این را بشگون بدی شمارند خانخانان لانی با جملہ قبیله دیشره هندو حاجی محمد خان در بدیهه خوانند در سیلابان چون رشوق کعبه خواهی ند قدم به سر نشمار کنند خار میخلان غم مخورند آن قبض به بسط مبدل گشت چون بیژن گجرات رسید روزی در عرض هس لنگ در کشتی نشسته سیر میکرد ناگاه مبارک خان افغان نامبارک که دوا بهندای فتح هندوستان خانخانان حکم به قتل پدرا و فرموده بود موقع انتقام خیال کرده بوقت نماز شام که خانخانان از کشتی فرود می آمد با جمعی از ادو باش به بهانه ملاقات آمده بیک ضربت خنجر آبدار شربت شهادتش چشاند این واقع در سال نصد و شصت و هشت هجری بظهور پیوسته عظام او را حسب و میتش بشهد بر دند تاریخش چنین یافته اند رباعی
 پیرم بطواف کعبه چون بست احرام به در راه شمشید گشت
 تا یافته کام به تاریخ شهادتش ز دل پرسیدم گفتا که شمشید شد محمد پیرم به خانخانان رقیق القلب و سخنان
 اکابر مشایخ رضی الله عنهم معتقد بود و همیشه در مجلس شریفش سخن از قال الله و قال الرسول می اندید
 روزی در سیکر بدیدن در ویشی گوشه نشین رفت و از منی آیه کریمه تفسیر تشار و قندل من تشار
 پرسید چون در ویش تفسیر ناخوانده بود جواب تدا و خانخانان خود گفت تعز من تشار با لقناعه

وتمل من گشاہ باسوال نماز جمعہ و جماعت از خاندان فوت نمی شد لیکن بہ تفصیل مائل بود و بجا فظ
محمد امین خطیب میگفت کہ در القاب حضرت امیر کرم اللہ وجہہ کلمہ چند بیشتر از دیگر اصحاب بیغرائے
لطیفہ شبے ہمایون شاہ مخاطبہ بابیرم خان داشت و اورا بطاہر غنودگی دست داد و بادشاہ اورا
مبنہ فرمودند کہ ہاں بریم با تو میگویم دی گفت بل با دشام حاضر ما چون شنیدہ ام کہ بکازمت بادشاہان
محافظت چشم پیش درویشان نگاہ داشت دل دوز و عالمان حفظ زبان باید کرد بنابران دین فکر بود کہ
چون حضرت ہم بادشاہ و ہم درویش و ہم عالمند کدام کدام را نگاہ خواہم داشت بادشاہ را این و ادا
از خوش آمد و تحسین فرمود و یاد یوان اشعار بزبان فارسی در کیست و در منقبت حضرت امیر
کرم اللہ وجہہ قصیدہ گفتہ کہ مطلعش اینست **س** شمی کہ بگذرد از نہ سپہر افسر اوہ اگر غلام علی
خاک بر سر او نہ محبت شد مردان مجوز بی پیری جاکہ دست غیر گرفتست پای در او نہ

مولوی محمد جعفر سندیلی ابن شاہ ولی اللہ بن شاہ غلام علاء الدین بن سید روح اللہ محمد دوم
زادہ سندیلہ خدمت مولوی اعظم علی سندیلی و مولوی دار ثعلی سندیلی و مولوی فقیہ اللہ سندیلی و مولوی
انعام اللہ سندیلی و مولوی ثراب علی لکھنوی تلمذ نمودہ بہ نوبت تدریس و تصنیف برسیدہ تاریخ
سینہ و ہم رمضان سن دوازده صد و شصت و یک ہجری در لکھنؤ رحلت فرمود غسل و بقصبہ سندیلہ
آوردہ در کریم باغ دفن کردند

مولوی محمد جوہنوری خلف اکبر مولوی سخاوت علی عمری جوہنوری مہاجر و مقیم کہ معظمہ
بآبجاری تعلیم پر خود سر و علمش بالیدگی و تانگی یافتہ در علم فضل زہد و تقوی و دیر و دخط و افتاد
بدیہہ گوی و حاضر جوانی و تحریر و لپذیر و تقریر پر تاثیر لگانہ آوان و ممتاز بین الامثال و الاقران بود
تخریمیکہ در تعریف بیچ المانودہ یاد از قابلیتش میدہد در عین شباب ازین عالم اسباب بحیات بہ
سابق الاقباب تاریخ دوم شوال سال دوازده صد و ہفتاد و سہ ہجری رخت ہستی بسوی دھنہ
رضوان کشید اللہم اغفر لہ و لوا لہ

مولوی حکیم محمد جنید جوہنوری خلف دوم مولوی سخاوت علی عمری جوہنوری ہمراہ والد
بزرگوار بلک حجاز اشرف فرما شدہ و تاحیات پیران فیضان علم علی و علی مستفیض بود بعد رحلت
پد بچہ پنور آمدہ خدمت مولوی عبدالحکیم فرنگی محلی کہ مدرس مدرسہ حاجی امام بخش جوہنوری بود

بعض کتب درسیه خوانده بخدمت مفتی محمد یوسف فرنگی محلی فراغ علمی حاصل نموده متوجه تحصیل فن طبابت گشت همیشه حکیم و لاداعی گامش مطب کرده در آن فن مهابتی و عنداقتی اکتساب نمود و همزمان بدین تذکره اندام طلبه و افتادند ادوی مرضی مشغول می بود در عین جوانی ازین جهان فانی بسال دوازده صد و هشتاد و یک هجری بعالم جاودانی شتافت خلفی بنام مولوی محمد معروف گذاشت وی بخدمت مولوی عبداللہ ساکن چمبر اکتب درسیه گذرانیده فارغ است سلمه رب

قاضی محمد جمیل برهانپوری عالم کامل و فاضل باجل مدرس در سی و سه سال و در آن کن بود در سال دوازده صد و هشتاد و چهار هجری وفات یافته غفر الله له

مولوی محمد حامد فرنگی محلی پسر و جانشین مولوی احمد در ماه ربیع سال دوازده صد و هشتاد و سه هجری رحلت فرموده بجایش مولوی لمعان الحق پسر مولوی برهان الحق سجاده نشین گردید شیخ محمد حسن جوینپوری بن شیخ محسن بن طاهر جوینپوری از غفای روزگار جامع بود میان حال اقل و بمظاهر صوریہ نیز تعلقی داشت اصل نسبتش بجانب پدر بسلسله حقیقیه بود لیکن از جانب مادر بسلسله علیہ قادریه برهمه غالب آمد سالها در حرم مدینه منوره علی صاحبها الصلوٰۃ و التہنید بخاورت کرده از شاخ قادریہ بین بیعت و اجازت یافته از خوارق ادمشہ و رست که چون از خلوت می برآمد ہند و مسلمان ہر کرا نظر بر روی او افتاد و بیساختہ صدای تکبیر برآوردی و تعجب کردی و اورا مکتوبات و رسائل مریدان بسیار اندک داشت جوینپور و آقا شش باگرہ بود تا پنج بست و ہفتم رجب سال نصد و چهل و چہار ہجری وفات یافتہ و در دہلی زینبچی منڈل برابر مرقدہ والد ماجد خود مدفون گشت قدس سرہ

علامہ محمد حسن بن قاضی غلام مصطفی بن ملا محمد سعد خاں اکبر ملا قطب الدین شہید السہالوی کمینہ نظام الدین بن ملا قطب الدین شہید در زوہن و ذکا بر برادران خود سبقت برده و تحقیقات معقول و منقول نظیر و شیل خود نداشت کثیر الدرس و التصانیف بود شرح مسلم الثبوت تامبادی الاحکام و خارج العلوم و منطق و فایۃ العلوم و طبعی و حاشیہ بر شرح ہدایا الحکمۃ صمد الدین شیرازی حاشیہ شمس بازفہ و حواشی زواید ثلثہ و شرح سلم العادیم از تصانیف اینقدیمی مشہور اند بعد مراجعت از دہلی بفرنگی محل استقامت در زیدہ مدرس علوم سیکر و دیگر بوجہ بعضی طوارق کہ قصہ غفرم داده قیام وطن مالوت مناسب ندانستہ جانب دہلی گھنڈخت غربت بیست و دہ روز فانی فضل

برام پور رفته در محله موسوم به مدرسه اقامت گزید و در اینجا کلاخ ثانی بنی غیر کف کرده از بطن او مولوی
عبدالله و عبدالرزاق بوجود آمدند چنانچه اولادشان از نوجبه ثانیه رام پور موجود اند نوجبه سوم دختر
صفی پور بود از وی پسری موسوم غلام دوست محمد متولد شده که پسرانش مولوی غلام محیی مولوی غلام
و مولوی غلام زکریا مقیم بنارس بسکرا انگیزی بر عهد های جلیله ممتاز بودند با حمله ملا حسن در رام پور
وفات یافته هاجاه فون است تاریخ وفاتش به دریافت نرسیده از شاگردانش مولوی محمد حسین لکهنوی
و مولوی حماد الدین لکینی مشهور اند

مولوی محمد حمید لکهنوی بن ملا محمد حسین بن ملا عبید الله فرنگی محلی تحصیل علم خدمت پدر بزرگوار
خود نموده بتدریس مشغول بود و بتذکره هدایت خلق اشتغال در زبیده داز شاه غایت الله مرحوم
بیعت نموده همچو والد خود مقبول خلایق بود از سرکار نواب سعاد علیخان سه رویه یومیه کفایت
می یافت بزم حج بیت الله روانه شده بعد قطع کالیف سفر بتاریخ دوم جمادی الاول سال دوازده
صد و چهل هجری بکله معظمه رسیده از سیدیوسف بطاح حنفی و شیخ عمر کی تحصیل معین کرده بمآه جمادی الثانی
سوی مدینه طیبه رخت سفر بسته در اینجا از علمای وقت سند حدیث حاصل نمود در آخر ماه شعبان باز
بکله آمد و قرآن شریف که وراثت راه حفظ نموده بود بمآه رمضان در بیت الله خواند و بعد ادای رکعات
حج بتاریخ بیست و هفتم ذیحجه سن مذکور از کله معظمه روانه شده بهزار خرابی بعد نوزده روز بمبئی رسیده
قصد وطن نمود چون حمید را آباد بقریبی داخل شد بهزار رویه ماهوار از سرکار نواب نظام برای می
مقرر شده اتفاقاً او مولوی ظهیر حسن مولوی فضل حسن همنوز در حمید را آباد و کن موجود بودند و جاگیر
چهار هزار رویه سالانه از سرکار نظام می یابند کذا فی الاخصان الاربعه

شیخ محمد حیات سندھی از علمای ربانین عظمای محدثین عالم با عمل بود نام پدرش ملا فلاح
از قبیله چاچر ساکن اطراف عادل پور محروسه ملک سندھ شیخ محمد حیات از وطن خود بحرین شرفین
و عنفوان شباب رفته مناسک بیت حرام دریافت و بمدینه طیبه رخت اقامت انداخت و سوا
توکل اسباب معیشت ذخیره نساخت و همان حالت موجوده تحصیل علوم پرورخت و بایشان گردید
مولانا ابوالحسن سندھی مقیم مدینه سکینه بروشت و علم علوم در سیه میامن او برافراخت و اجازت
حدیث از مولانا عبداللہ بن سالم بھری یافت و تمام سرائیه عمر خود بدرس حدیث نبوی در بخت

برود چهارشنبه تاریخ بست و ششم صفر سال یک هزار و یکصد و شصت و سه هجری خست هستی از دنیا رفت
 بدار نقاره داشت و طائر و خوش جلد پاکش را بخته البقیع سپرده بر دهنه رضوان لشین ساخت
 اعطاه الله الحسانات - فلاریه بقای مفتوح اسم سندی است چاپر بدو حیم فارسی مفتوح در میان
 آن الف و در آخر ای مهمل تو نیست در ملک سنده عادل پور شهر نیست خرد از تولد به کمر
 مولوی محمد رضا لکهنوی خلف صغر مولوی عبدالقادر لکهنوی در اوایل حال بخدمت شیخ میر محمد
 لکهنوی و نیز برادر کلان خود قاضی محمد وارث تلنگر کرده و بعد فراغ تحصیل علم ضروری بتصفیه قلبه
 مشغول شد و ریاضتهای شاقه از اربعین نشینی و اسفار بعیده بر خود گوار فرموده از مشلح و فقرای
 وقت مستفید میشد در صحرا و بیابانها بعبادت مولی پرداختی و آخر تقدیم تجرد و توفد بره خشکی بزیارت
 حرمین شریفین مشرف شده در بلده مهر بست و دوم رمضان سن یازده صد و هفت هجری
 رحلت نموده بجا نهد فون گردید -

علامه محمد رضا سها لوی پسر چهارم ملا قطب الدین الشیخ عبدوالله خود بخدمت ملا نظام الدین
 برادر کلان خود تعلیم و تربیت یافته فراغ حاصل نموده در جنب برادر خود تدیس طلبه میکرد از حضرت
 سید شاه عبدالرزاق بالنسوی بیعت کرده روانه مدینه منوره گشت و بعد زیارت روضه شریفه
 پنج بیت الله مشرف شده بغداد آمد و هم در آنجا جان بجان فرین سپرد

شیخ محمد رفیعی کشمیری بن مصطفی بن معین الدین رفیعی کنیت دی بوار رضا بود بسال دوازده
 صد و پنجاه و چهارم هجری متولد شده فقیه و محدث و مفسر صوفی مشرب بود و هم مقول مقتول از چهارم
 خود مقیم السنه ثوبیگر و خال خود علامه نور الهدی ثوبیگر و اخذ نمود و حدیث از عم و پسر بزرگوار شنیده
 و کتاب عوارف به پیش نعمت الله بن رضا ثوبیگر و آنگذاریده و بسبب مردمان بخدمت تر مستفید
 شدند در تصوف رسائل متعدد از وی یادگار اند بر روز چهارم شنبه شانزدهم محادی از آخری
 سال بست و ششم از صدی سیزدهم وفات یافت

میر محمد زاهد هروی ابن قاضی محمد اسلم هروی کابلی در سنه متولد شده تربیت یافته اندر پدر خود
 دیگر علمای هند و ستان اکتساب علوم کرده ذهن ثاقب و فکر صائب داشت در تحقیق و تدقیق
 کوی سبقت از سابقین ر بوده و در حاضرین و لاحقین متفرد بود شاگردان با دشا و اولاد به منصب

و قتل کاسه کابل منصوب فرمود در عهد عالمگیر بادشاه متسبب آمدوی معطی شد زمان بعد
عالمگیر بادشاه حسب خواهش او مشارالیه را بصدارت کابل مقرر گردانیده در آنجا علاوه منصب
نمود افاده علوم میداد تصانیف غرا دارانرا تخطی شرح مواقف و حاشیه شرح تنزیب علامه دوانی
و حاشیه رساله تصور و تصدیق مصنف ملا قطب الدین رازی و حاشیه شرح البیاض اندیشهر سال
یازده صد و یک هجری بکابل وفات یافت

مولوی محمد باقر مدرسی تخلص باگه هاشمیان زیجا پورست بسال پنجاه و هشتم از صد
دوازدهم هجرت در دیلو متولد شده به مدراس نشو و نما یافته پیش مولانا سید ابوالحسن قرنی علوم ظاهر
اکتساب نموده عالم علوم عجیبه باهرفنون غریبه گشت در شعر گوئی و ادب عرب بدیلولی و دشت گوئی
شافعی المذهب بود مالک مدراس و کرناٹک بفیوض ظاهر و باطن و ربست بست و چهارم و پنجم
سال دوازده صد و بست هجری رحلت فرموده بخاک مدراس مدفون گشت تصانیف آلام
تنویر البصیر نفایس النکات القول لمبین الدرنفیس دیوان اشعار عسکری و الفتوحه الهی
کشف الغطاءات اسالک جلا و البصائر تبیین الانصاف القول البدیقه الحجج البدیقه
ریاض الجنان روضه الاسلام و غیره

مولوی محمد زمان خان شاهجهان پوری جامع الفضائل الکملات عامل الاما و فی الاما
محی السنن الحسانت ماحی الشک و البدعات ابو رحمة محمد زمان خان نعمه الله بالرحمة و القفران
مدرس مدرسه حیدرآباد و استاد سید محبوب علیخان نظام الملک رئیس حال بود بافرقه مهدیه عصوبتی
داشت فرقه مهدیه پیروی سید محمد چنوری مدعی مهدویت میکنند و بهلک و هوندها و کورات
و حیدرآباد و کن اکثری ازین فرقه ضاله سکونت ورزیده بفرق دیگر اسلام تعصب دارند تا اینکه
مرتکب خونریزیهای مسلمانان شدند القصه مسی سید عیسی عرف عالم میان مهدوی حیدرآبادی
سرگروه آن فرقه رساله کشف الحجب و دلیل متین و ثلاثیه بر سه رسائل مؤلفه خود سال دوازده صد
هشتاد و دو هجری در ساله روشنهاات الفتاوی در رد فتوی ابن حجر کی و غیره ائمه مذاهب از جم
در ساله معارضه الروایات بعد از یکسال طبع کنانیده باطراف و اقطار هندوستان مشهور و مشرک و
بر آنهم قانع نماند رسائل مذکوره در ساله دیگر متضمن معقدمات و محمولات خود تالیف نموده

مع رقعہ بخدمت قاضی دلاور علی حاکم دارالقضای حیدرآباد اندوست خود پیش کردہ مضمون رقعہ
 اینست کہ اس سائل مذکورہ محض بنا بر دریافت حق باطراف بلاد منتشر کردیم و بخدمت علمای آفاق
 رسانیدیم و مدتی انتظار کشیدیم لیکن هنوز علمای وقت از جواب ساکت اند لذا بخدمت سامی پیش
 نموده اگر خطای بنظر آید حسبہ شدہ ما را مطلع باید فرمود کہ مایان رجوع بحق نمایم ورنہ اعانت ہما داد تصدیق
 و اقرار مایان نمایند فقط قاضی موصوف رقعہ در سائل مذکورہ بہ معیت عالم میان مسطور پیش مولوی
 محمد زمان خان فرستاد ہر چند کہ وی علیہ الرحمۃ و العقبان از مجموعہ نزاعات و مناقشات کنارہ کشی
 میکرد تا ہم نظریہ ہمیت اسلامی و غیرت ایانی اشیب کلم حقیقت رقم را در میدان رد و قبح رسائل
 مذکورہ جولان داد و نیز از احوال مسلمہ آن فرقہ دعادی باطلہ او شان را مردود و مطرد فرمود کہ محمدان
 آن فرقہ بجا لبش سر بنزدای سگ تہ نہادہ غیثی پتہ نہامت شد نہ نام آن رسالہ ہدیہ ہدیہ است
 ہر گاہ رسالہ مذکور بعالم میان جہتہ ہدیہ و مصنف رسائل مردودہ رسید بچواریان خود گفتہ ہر سیکہ
 مولوی محمد زمان خان را قتل خواہ کرد و اورا دو مکان مروارید و چار درخت خرا و رہشت خواہم داد
 بشنیدن کلام ابلہ فریب جوانی بست و دو سال از آن فرقہ منتظر موقع بود ہر گاہ نواب مختار الملک
 بتقریب ملاقات پرنس آف ویلر و انہ کلکتہ شد بدان بی مغزشہر حیدرآباد را از حاکم بیدار مغر و مجبور باغ
 خود خالی یافتہ ہر گاہ وقت سنام روز سہ شنبہ ششم ذیحجہ سال دوازده صد و نو و دو ہجری
 مولوی صدرالذکر حسب معمول خود مسجد تشریف آوردند و بعد ادای نماز مغربہ و زانو نشستہ
 آغاز تلاوت قرآن مجید کردند آن شقی مہدوح الذکر اسلام کردہ از پس پشت بفرہ کنار مجروح
 ساخت کہ آن مرحوم سر بہ مصحف مجید نہادہ شربت شہادت چشید و خون آن جانباز راہ خدا
 بر آئہ کریمہ فافز کیف کان عاقبۃ المفسدین چکیدہ بہ چند جس نمودند سرخ قاتل ز رسیدہ رخیل ہمدیا
 بکوشک سفارت انگریزی خزیدہ و بر جنازہ آن مہر و انبوی کشیدہ مسلمانان و جم غفیر از دینداران
 گرد آمدند کہ چارہ جماعت متفرق نماز جنازہ ادا کردہ بھمن مدرسہ و مجید را آباد مدفون کردند و بعد
 وقت قطعات تواریخ این واقعہ بنعم آوردند نمازان جملہ قطعہ تاریخ نوک ریز خلمہ مکر
 محمد عبد الرحمن خان شاگرد تخلص و مالک مطبع نظامی زیب تر قیمی یابد و ہو ہذا محمد زمان خان
 رحکم قضایہ بھر شہادت جو شد آشنا بہین مصرعہ سال شاکر نوشت بہ عبا شہادت حق شد عطا

ایضا لکھنؤ علی شہید شہید از منشی عنایت حسین ہرون رفت از جسم چون جان جان
عنایت بگو شد جو عثمان شہید

سرنندی

شیخ محمد سعید سہرندی ابن مولانا شیخ احمد مجد الف ثانی ابن عبدالاحد سہرندی لقب دی
خازن الرحمۃ دانشمند متبحر فقیہ و محدث بود علوم ظاہر و باطن از والد ماجد خود آموختہ حاشیہ
بر مشکوٰۃ المصابیح نوشتہ در یکزار و ہفتاد ہجری رحلت فرمود

ملا محمد سعید سہالوی پسر دوم ملا قطب الدین شہید بعد شہادت پدر خود با محضر مظلومی حبیب
استغاثہ و دادری بحضور محی الدین اورنگ زیب عالمگیر یا شاہ بہلک کنفتہ از بارگاہ شاہ موصوف
فرمان معافی فرنگی محل کازانکنہ مشورہ شدہ لکھنؤ بود حاصل نمودہ مراجعت بوطن کرد و بذریعہ اہالیان
نزول تمیل فرمان مذکور بر فرنگی محل قبضہ نمودہ ہمہ فرزندان ملای شہید را در آنجا مقیم ساخت بعد
چندی مرثیہ بعد اولی بنرض اشکام فرمان معافی فرنگی محل وغیرہ بخدمت بادشاہ روانہ شدہ بحصول
اسناد دیگر کامیاب شدہ از روانہ وطن کردہ بملکہ معظمہ رفتہ بطریق عواض جسمانی ازین عالم فانی بملکات و دوائے
خرامیدہ نزول اکمنہ لا وارث و منقبضہ را بہ محاورہ اہل فکر لکھنؤ گویند

مولانا محمد سعید بدایونی ابن محمد شریف بن محمد شفیع بدایونی دی از اجلہ علمائے قس و اکابر
اولیای بدایون بعد رحلت بخدمت شاہ کلیم اللہ جہان آبادی کہ فرار پر انوارش در وہلی است داشت
و از فیض ظاہر و باطن دی عالمی کامیاب بود چہارم ذیقعدہ سن یازدہ صد و پنجاہ و ہفت ہجری
رحلت فرمود از دود خلف احمدق مولوی محمد حبیب مولوی عبدالحمد عقبابندہ قدس اللہ سرہ السانی
حکیم محمد سرور ساکن احمد آباد نارہ تخلص خود را بن حکیم حضور احمد طبع سلیم و ذہن مستقیم داشت
تعلیم رسمی پیش مولف اوراق یافتہ اکثر اشعار نعتیہ میگفت قصہ اویس قرنی رحمۃ اللہ علیہ مظلوم از د
یادگار است فتوح الشام را بہ بحر تقارب می نوشت کہ پیغام جہش در رسید و بفقو ان شباب
بسال دوازده صد و نو و چہار ہجری ازین جہان در گذشت چند اشعار نعتیہ تضمین کلام سعدی
کہ خاتمہ منظومات اوست بطور یادگار حوالہ قلم شونہ در حقیقت نام و نشان خود بکسر عشق
بنوی صلعم دیگر نگذاشت

وہو ہذا		
ای نور خدا عجب حسینی	رحمت زبراے عالمینی	
محبوب زمان وہم زینی	اللہ اللہ چہ مہم جینی	
گر بر سر چشم من نشینی نازت بکشم کہ نازینی		
اگر زعلوم اوسینے	واقف زر موز آسیرنی	
کحل از پے دیدہ یقینے	اے بعت کی و مدہنی	
گر بر سر چشم من نشینی نازت بکشم کہ نازینی		
واللیل زگیسوے تو تعبیر	والشمس زروی تست تفسیر	
نون از پے ابروی تو تقریر	ای مہر سپہر عزد تو قیر	
گر بر سر چشم من نشینی نازت بکشم کہ نازینی		
ای باعث خلقت دو عالم	وی موجب فخر نوح و آدم	
منظور نگاہ رب اکرم	ہستی پے ریش سینہ مراہم	
گر بر سر چشم من نشینی نازت بکشم کہ نازینی		
ای سرمہ دیدہ تو لایب	ای غازہ چہرہ تمناہ	
بر روی تو دیدہ تماشا	باز است تو نیز دیدہ بکشا	
گر بر سر چشم من نشینی نازت بکشم کہ نازینی		
ای جملہ نشین محل نور	ای شمع ضیاء شعلہ طور	
از نور تو عالم است معمور	ای مردک دودیدہ حور	

گر بر سر و چشم من نشینی نازت بکشم کہ ناز نینی	
زلفت پی عاشقان جان باز	ز بھر بلاست اے ہمہ ناز
بیشیت ہمہ دلبران طناز	ہستند برین ترانہ دمساز
گر بر سر و چشم من نشینی نازت بکشم کہ ناز نینی	
زلف تو بلاے جان سرور	درد تو دواے جان سرور
عشقت نام و نشان سرور	نامست درد زبان سرور
گر بر سر و چشم من نشینی نازت بکشم کہ ناز نینی	
<p>اوستادی مولانا محمد شکوہ نجلی شہری ابن شیخ امانت علی جعفری در علوم عقلیہ و ادبیہ شاگرد مولانا رشید الدین خان دہلوی و در حدیث و تفسیر مستفید خدمت مولانا شاہ عبدالغفر دہلوی بودند ہموارہ بمناسب جلیلہ از سرکار انگریزی عز امتیاز داشتند ہنگامیکہ بفتح پور ہنسودہ رونق افروز عمدہ صدر الصدور بودند مولف ایچچان بنعال برداری تلامذہ مولانا کامیاب حاصل کرد بسال شصتم از صدی سیزدہم مولانا ی ممدوح حق تقاعد قبول فرمودہ بوطن مالوف مراجعت فرمودند ابن حقیق نیز ہمراہ رکاب نجلی شہر رفتہ کتب متوسطہ درسیہ بخدمت فیضہ رحمت می گذرانید مولانا ممدوح تمام عمر شریف بدرس علوم صرف فرمودند کتب درسیہ بلا معائنہ کتابی بجالت چہل قدمی درس میدادند بتالیف و تصنیف توجہ نہ داشتند و مرتبہ بزیارت حسین شریفین مشرف شدہ بست و یکم ذیحجہ یوم سہ شنبہ سال سیزدہ صد ہجری از دار فنا بدر بقا شتافتند نامشدا وانا لہ راجعون ولادت ممدوح بسال دوازده صد و یازده ہجری بطور چہرستہ از لفظ تاریخ سال ولادت برمی آید ازین حساب عمر شریف بہ نزد نہ سال رسیدہ ہاست غفر اللہ لہ نجلی شہر قصبہ الیست از توابع جونپور</p>	
مولوی محمد شبلی اعظم گدھی مصنف رسالہ اسکات المعتمدی فی انصاف المقصدی	

و محل انعام و غیره است که کتب درسیه متداوله پیش مولوی محمد فاروق عباسی طبرکاتی گذرانیده
 اکنون به درسته العلوم علی گڑه منصب مدرس اول قیام دارد و سلمه الله تعالی تصانیفه المأمون
 تا پنج زمانه مأمون الرشید خلیفه عباسیه بنی امیاد آنجزیه در بیان حقیقه جزیه گذشته تعلیم و راظر
 کتب و تدوین علوم مسلمانان سلف و اسامی مدارس قدیمه شان صحیح میدید بر بیان حالت موجود

اسلام سیره النعمان توابع عمری امام ابوحنیفه تصانیف و نظایات عربی فارسی

مولوی محمد شبلی جوینوری غلام سوم مولوی سجاد علی عمری جوینوری بست و نجم شعبان
 سیال دوازده صد و شصت و سنه هجری تولد یافته هنگام هجرت فرمودن پدر بزرگوار خود نه سال
 صغیر السن بود بدینوجه از رفتن مکه معظمه قاصر ماند پیش جد مادری خود قاضی ضیاء الله صدر الصدور
 مرحوم بنابر ولایت تعلیم و تربیت یافته بمقام جوینوار حافظت نامه ساکن سرای میر حفظ قرآن مجید
 نموده کتب درسیه فارسیه از بعضی اعیان جوینوار خوانده تحصیل علوم عربیه عنان عربیت یافته مختصرات
 صرف و نحو و غیره از تلامذه مفتی محمد یوسف فرنگی علی تحصیل کرده بآنک زمانه بدست
 مفتی موصوف الذکر قاضی کتب درسیه متداوله خاندان نظامیه به تحقیق و تدقیق تمام کرده و سنه
 فضیلت مفتی محمد یوسف از دست خاص دیوبند عطا فرموده و علم باطن خدمت مولوی سید
 خواجہ احمد نصیر آبادی کاز تلامذه پدر بزرگوار وی بود آموخته و اجازت کتب احادیث از مولوی
 سید نذیر حسین تمیز مولانا محمد اسحاق دہلوی یافته بمحصل سند ممتاز گشت و بسال دوازده صد و
 هشتاد و شش هجری بهجت جد مادری در بی خود قاضی ضیاء الله از زیارت حرمین شریفین
 مشرف گشته بطن بالون معاودت فرموده جانشین پدر خود است و بواسطه مدرسه قرآنیہ جامعہ جوینوار
 و تذکر خلافت می یزدانند سلمه الله و ابقاء و اوصال الی مایتمناه -

مولوی محمد شفیع بدایونی از اجله علمای عهد سلطنت محی الدین محمد درنگ نیک عالمگروادشاه
 سلسله نبش به امیر المومنین سیدنا عثمان ابن عفان رضی الله عنه منتسب میشود و مولوی محمد شفیع
 ابن شیخ مصطفی بن عبد الغفور بن علی بن محمد بن کریم الدین بن قاضی محمد بن شیخ مودت بن شیخ
 دود و بن عبد الشکور بن محمد راجی بن قاضی سعد الدین بن قاضی انصافه قاضی رکن الدین الحسب
 به شمس الحق بن قاضی دانیال ابن شیخ شہید بن شیخ ابراهیم بن شیخ اسحاق ابن عبد الکرم بن

شیخ شریف بن نور الدین بن عبدالحی بن شیخ محمد فردوس بن شیخ انیس بن شیخ رافع بن شیخ عبدالحکیم
بن عبد الرحمن بن عبد الرحمن بن ابان بن سیدنا عثمان بن عفان الاموی القرشی رضوان اللہ علیہ
سن اربع المدی ششم قاضی دانیال از عراق ہند قدم آورده بقضای بدایون سباہات یافتہ ہند راجا
سکونت پذیرفتہ از اولاد اجدادش شیخ مصطفیٰ است کہ در علم تصوف یگانہ روزگار خصوصاً در حل
غویصات کتب شیخ محی الدین عربی مشارالہ علمای کرام ہند سرش مولوی محمد شفیع انارشد تلامذہ
وہست کہ عمر گرانمایہ خود بدرس و تدریس بسرودہ بعمر ہفتاد و نہ سالگی روز جمعہ بست دوم شوال
اد اکثر صدی یازدہم یا اواخر صدی دوازدهم ہجری رحلت فرمود و دخلف الصدق عقب خود
گذاشت یکے مولوی محمد شریف دوم خطیب عبد اللطیف

محمد صدیق لاہوری ابن محمد حنیف بن محمد لطیف نقیہ و محدث و ادیب بود و الدہاجہ وی از
کابل بلاہور آمدہ امامت مسجد وزیرخان میگرد صاحب ترجمہ بروز و شنبہ تاریخ بست و نهم محرم
سال یازدہ صد بست و ہشت ہجری در لاہور متولد شدہ چون بی پنج سالگی رسید مولانا محمد عابد
صاحب تعلیقات تفسیر بیضاوی رسم تسمیہ خوانی وی ادا کرد و بعد حفظ قرآن مجید بخدمت مولانا
محمد عابد و مرزا امیر احمد و ملا حفیظ احمد و مولوی عبد اللہ و ملا شہر یار و غیر ہم علوم متداولہ
تحصیل کردہ و سند حدیث از شیخ یحیی ابن صالح لکی مدرس مسجد الحرام و شیخ ابوالحسن سندھی مدنی
مدرس مدینہ منورہ بسال یازدہ صد و ہفتاد یافتہ تصانیف بسیار فارودہ و یازدہ صد و نو و دو
ہجری رحلت نمود۔ تصانیفہ۔ سلک الدار ربیعۃ اہمال در سیرت نبویہ علیہ الصلوٰۃ
والتحیۃ۔ مدار الاسلام فی علم الکلام۔ شرط الایمان۔ القول الحق فی بیان ترک الشور و الخلق۔
دور النصف۔ ہدم الطغوت فی فقہ ہاروت و ماروت۔ نور حدیث الثقلین فی مثالی التعلین۔
شرح النفحات الباہرہ فی جواز القول بالخمسة الطاہرہ۔ اذاتہ الفسادات فی شرح مناقبہ اساداتہ
تبیض الرق فی تبیین الحق جامع الوظائف۔ نقطۃ الخطب۔ منزل الاحزان۔ زبدۃ الفرح۔
جامع طب جمعی ترجمہ فقر محمدی۔ ہدیۃ انام و غیرہ

محمد صدیق برہانپوری از علمای دکن کنیتش ابیک لقب وی محی الدین بن حبیب اللہ
البرہانپوری است از تصانیف او رسالہ فقہ کلمات است کہ در ان یک تبیہ مذکور و در

و خاتمه ترتیب داده مسائل مختصار و تجزیه و تکفیر و غیره متعلقات حیات بیان کرده دیده شده که خالی از زوائد نیست زمانه وفاتش پدربیاقت نرسید

شیخ محمد طاهر طوسی نامش جمال الدین محمد ابن طاهر است و به محمد طاهر شهرت دارد بسال هشتصد و چهارماده هجری در بلده نهرانه گجرات متولد شده اولاً از مولانا مٹه و مولانا شیخ ناگوری و مولانا بربان الدین سموی و مولانا دین الله سموی اکتساب علوم کرده فارغ التحصیل شدن بعد در سن هشتصد و چهل و چهار هجری بسوی حجاز رخت سفر بست و بشرف زیارت حرمین شریفین زادگاه الله شریفاً و عظیماً مساباات اندوخته در آن دیار پیرانوار شیخ عبد الله زبیدی و سید عبد الله عدنی و شیخ عبید الله حضرمی و شیخ جارا مدنی و شیخ ابن حجر مصری ثم الملکی صاحب هوا عن محرقه و شیخ علی مدنی و شیخ برنوردار سندی و شیخ علی بن حسام الدین المتقی و شیخ ابوالحسن بکری بکی و غیره تحقیقات و استنادن حدیث نموده دست ارادت به دست شیخ علی متقی داده در فضل و کمال کامل و مکمل گشت و انا بخا نیر و کت بطن مالوف باز آمده با فاده و تدریس مرجع طلبه علوم شد چون ذات شریفش امر بالمعروف و ناهی عن المنکر بود در قلع و قمع بدعت و منکرات عموماً بغایت مے کوشید خصوصاً در ازاله بدعات هم قوم خود که همه پوره بودند مذہب مہمدیہ اسمعیلیہ داشتند همه تن مستعد بود و نیز محمد کرده تا وقتیکه نقش بدعت و ضلالت از قوم خود زایل نگرداند عمامه بر سر خود نه بند و حسب و عصیت مرشد خود شیخ علی متقی بداد از دست خود حل کرده با بداد کتب نویسی طلبه را میداد بحالت درس نیز و شش از حل نمون سیاهی باز می ماند چون جلال الدین محمد کبر بادشاه بسال شتصد و هشتاد و چهار هجری مرز بوم گجرات را تخیم سرودقات خود ساخت شیخ هم بشمول علمای وقت بهارگاه شاہی تقرب یافت بادشاه بسبب ترک عمامه بپوشن پرسید وی رتبه آمد علیہ بسبب آنچنانکه گشت بیان نمود که بادشاه از دست خاص علمه بر سرش بست و فرمود که نصرت دین متین بزمه من است شهادت ازاله بدعت کوشید خان اعظم مرزا غزنه کو که برادر رضاعی اکبر شاه که حاکم گجرات بود تا ایام حکومت خود همه تن مددگار شیخ بود هرگاه مرزا غزنه کو که مغرول شده بجایش عبدالحییم خان خانان شیعی منصوب گردید فرقه ابوابیر اسمعیلیه که بجانب بل تشیع دارند قوی باز و شد مد شیخ مایوس شده عمامه از سر خود جدا کرده جنت عرض حال پیشگاه بادشاه جانب گره مدانه شد گردی از ابوابیر

اسمعلیه در پناه اور و لان شد ندیر گاه شیخ بنعلح او حین بمنزلی که با بن او حین و سارنگ بود و هجرت
رسیده کرده اشقیافروست یافته و او را شنید که ونداین ساخته بسال نصد و هشتاد و شش هجری قمری
یافته همراهیان شیخ لعش دیر به پشن آورده در مقابل درگاهش نماز سجده و شکر آمد سعید و جزاه
جزای شیخ علیه الرحمه در فن حدیث تالیف مفیده دارد و از آن جمله کتاب مجمع بحار الانوار است در لغت
حدیث که فی الحقیقه بجای خود شرح صحاح سه می تواند شد دیگر معنی در تصحیح اسماء الرجال بلا تفرع بیان
احوال بخایه مختصر نوشته و تذکره الموضوعات در بیان احادیث موضوعه و قانون الموضوعات فی
ذکر الضعفاء و ادوات ضاعین نیز از تصانیف و چند بوهره و یوزن جوهره لفظ هندی یعنی تاجر مشتق از
یوزن و ربای موعده لکسوره و یای شتاه تمثالی مجمله ساکن مخلوط با و و های هوز و الف و رای و رای
بعضی تجارت قومی است در دکن که همه تجارت پیشه اند با خود را با بط معاضدت و اتحاد دارند و غنیان
شان فقرای خود را اعانت کنند رئیس شان و بیعی فی زمانه ملا نجم الدین است که شفقت پدرانه
بر جمیع بجا سیر مرعی دارد و این گروه مهدویه اسمعلیه اند و خود را پیر و محمد بن المهدی بن عهد الله بن احمد
بن محمد بن اسمعیل بن جعفر صادق دانند و محمد بن عبد الله را مهدی آخر الزمان گویند و بغایت تعصب
فرسبی دارند و اسمعلیه چند فرقه هستند و او دویه و اسحاقیه که سوات و کن هندوستان در مالک
بین و الموت و مغرب و ایران و قستان یافته می شوند و گویا پیر اسمعلیه با مخصوص بکن هند
سکونت دارند فرقه مهدویه که خود را پیر و محمد جو پوری گویند اکثر اهل این مذهب بمالک می بود
حیدر آباد کن قیام پذیر اند و فرقی در میان مهدویه اسمعلیه و مهدویه جو پوریه نیست که مهدویه
اسمعلیه میلان به کشیج دارند و مهدویه جو پور اهل به گویب اند و شهر و الهم عرف النملواره
نام سابق شهر پشن است پشن بفتح بای فارسی و تازی هندی مفتوح مشدود و آخر زین ملک
گجرات دکن شهر است که بزبان پاستان مفر حکومت را جگان هند بود
مولوی محمد ظاهر بن سید غلام جیلانی بن سید محمد و اخو بن سید محمد صابری بن سید محمد آیت الله
بن سید شاه محمد علم احمد حسنی الحسینی اقبلی انقشبنی از اولاد امام همام حسن پاشی بن سبط الاکبر الملام
حسن ابن علی ابن ابی طالب عم رسول مد صلی الله علیه و علی آله و سلم اصل کلبای کر اش از خیره طیب
مولد و سکنتش بمکه شاه علم اند نکلات رای بریل ملک دوه است و ولادت با سعادت بسال یازدهم

صدوق ہشت بھری طاق شدہ دینی رشتہ افشا علیہ کتب و درسیاں علم ہنگام خود مولوی سید
 قطب الدی تلمیذ رشید مولانا شاہ عبدالغفور محدث دہلوی خواندہ تکمیل علوم مجتہد مولوی
 عبدالحامد سید پوری نمودہ جامع کمالات گشت و معیت طریقہ ہر دست سید احمد مجاہد و دیگر
 پیش ازین ثبت اوراق شدہ و نیز با تحصیل خرقہ خلافت طریقہ چشتیہ و قادریہ و نقشبندیہ مجددہ
 و محمدیہ مستفیض گردید و از ہدایت بارشاد و تعلیم طریقہ و تصنیف و تالیف عالمی را متورن نمود
 تصانیف شریف او در تصوف و عقائد و حکامات سنت و بدعت مثل خیال سالک تحف المومنین
 و قاطع البدعہ و رسالہ در بیان وحدت وجود و وحدت شہود و کتابی در بیان فتوحات شام
 و غیر فلک بزبان فارسی دارد و کمال ستانت و سلامت نافع و مفید بہ ترتیب حسن ملایق شدہ اند
 حضرت ایشان با وجود مشغلہ تصنیف و تالیف و افتاء و تدریس و وعظ و ہدایت و مواظبت و
 طائف گاہ گاہ بہ نظم نیز می پرداختند شعر ایشان در ہر زبان فارسی و اردو و ہندی خیلی خوب و
 ذوقی مرغوب دارد ہنگامیکہ صاحب ترجمہ علیہ الرحمۃ بنا بر تعلیم پسران پانڈی دین بندہ بسا در
 دیوان ریاست ریوان بہقام ریوان ردوق افروید و سودا و راق اکثر اوقات شرف
 قدمبوسیش می یافت در حقیقہ حضرت ایشان یادگار سلف صالحین بودند چندی از سکنہ
 ریوان دست اداوت بدامن بعیش دادہ اند و برخی از ثمری و ہولی طبع نداشت با ایست بعض
 سرود سرایان ریوان محفوظ است مولوی سید فخر الدین احمد سلمہ ربہ ابن البنت حضرت
 ایشان در کتاب مہر جہانتاب اکثری ازان نقل فرمودہ و باقی حالات شان مولوی سید محمد علی
 خلف الصدق مولوی سید فخر الدین احمد صدر الذکر و در نہتہ الناظر مشرعا تحریر فرمودہ مولوی
 ولی الدین نصیر آبادی مرید ایشان بودند و مولوی محمد صادق غازی پوری و مولوی لطف احمد
 مناظر صاحب تفسیر منظر العجائب و مولوی فخر الدین احمد ابن البنت حضرت ایشان انا ایشان
 اخذ علوم کردہ اند و قات شریفش درس دوازده صد و ہشتاد و ہشت بھری بعارضہ فلج
 در رای بریلی وقوع یافته آہ سید محمد ظاہر بادہ تاریخ و فائش یافتہ اند رضوان اللہ علیہ و علی ہلالہ
 محمد جو پوری مدعی ہدویت و ریادت و شیختش از باب تواریخ اختلاف کردہ اند و
 سیر المتاخرین ناقل است کہ سید محمد جو پوری ابن سید بدہ اولیسی از فراوان روحانیت

فیض برگرفته بر صورتی و مثنوی علوم حاوی بود از شوریدگی و دعوی مهدویت کرد بسیاری مردم
 بمکر و دیند و بساخار ق اندر گزارند انتی مکر و عزیزان شاهجهان پوری در دهیه مهدیه از
 مطلع الولايت و شواهد الولايت و پنج فضائل و تذکرة الصالحين و غیره کتب مقبوه فرقه مهدویه نقل
 کرده شیخ جونپور که دیر امد و یان میران سید محمد مهدی موعود میگونی ابتداء الشجین است که در بلده
 جونپور شخصی سید خان نام داشت از دو فرزند بوجود آمدند یکی احمد دوم محمد بهمان شیخ جونپور است
 اکیسال مستصد و چهل و هفت هجری متولد شده نام مادرش بی بی آخا ملک بود مهدویان بحسب
 ادعای مهدویت نام والدین او را میان عبداللہ و بی بی آمنه مقرر کردند چون عمرش بچهار سال چهار
 ماه و چهار روز رسید سید خان پدرش اشرف داعیان جونپور را به تکلف تمام ضیافت کرده از
 زبان شیخ دانیال جونپوری که از مشایخ وقت بود رسم تسمیه خوانی ادا کنا نیده ویراجت تعلیم بشیخ دانیال
 مرقوم بمر شیخ جونپور و برادر کلانش احمد بنده شد شیخ دانیال حاضر بوده با کتساب علوم می برد
 چون شیخ جونپور طبع بلند و ذهن دلی پسند داشت بعمر هفت سالگی از حفظ قرآن مجید و بدو از ده سالگی
 از علوم درسیه فراغ حاصل کرده و از آنجا که در مشگانی و قائل علییه و لیر و در مباحثه همچو شیر بود شیخ
 دانیال جونپوری و علمای دانا پور ویرا بقب اسد العلماء یاد میکردند شیخ جونپور اولاً بسلسله چشتیه و
 ارادت بشیخ دانیال داده هنگام شباب قدم در ساحت فقر نهاد مردم زمانه با اعتقاد تمام بوی
 آوردند سلطان حسین حاکم دانا پور که باج گزار و لیپ راؤمر زبان گوڑ بود برالطه اعتقاد بدو پیوسته
 و در هر مہمی ویرا به خودی برد با جملہ شیخ جونپور سلطان حسین را از اطاعت و لیپ را و باز
 و اشته مستعد جنگ و جدال گردانید سلطان حسین بحسبیت سی هزار سوار جنگی مع شیخ جونپور و غا
 جانب گوڑ شد و یکتر از دپانصد سواران خود که بفوج برگیان نامزد بودند در کاب شیخ در شته
 و لیپ راؤم و شینیدن خبر خروج سلطان حسین مقابل گشت سلطان حسین بوجه کمی فوج خود
 منظم شده پس پاگردید لیکن شیخ جونپور قدم استقلال از انجا بغبانید و پانزده صد سواران برگیان
 بر و لیپ راؤم حمله آورده بیک تیغ او را دوپاره کرد و دش از تنوره بدن بد افتاد میگونی که بردش
 صورت تبی که او را و لیپ راؤمی پرستید منقوش بود این واقعہ موجب از دیاد و خیر بشیخ گشت
 کہ ہر گاہ عبود باطل را انجمنین اثر است مبدوحق را چو خواهد بود شیخ جونپور تا دوازده سال دران

چند به پیش و مانند چون آنان افاقه یافت ترک وطن کرده مع زن و فرزند و مریدان چند از هندوستان
 داتا پور بهمان گودی روهنا و درین سفر بی بی اله دینی زوجہ شیخ و سید محمود و فرزندش و شیخ بیگ
 و میان دلاور نو مسلم ہشیر زادہ ولیپ را و مقتول ہماہ شیخ بودند ہمدان یستان المامات
 مہدویت خود مرتبہ اول ظاہر کردہ کہ رفقاییش تصدیق آن کردند رفتہ رفتہ بشہر چند پری رسید
 در انجا مردم آن مرز بوم تذکیر و بیانش هجوم آوردند و مشایخ آن دیار بر وحسب بردند و جہرا از انجا
 اورا بدر کردند شیخ بابتعہ خود بشہر مندو دار السلطنت مالوہ آمدہ غلغلہ و عطا و گوش زد عالمیان گشت
 سلطان غیاث الدین بادشاہ مالوہ کہ در ان ہنگام بحکم پسر خود سلطان نصیر الدین بجلانہ زرین
 مقید بود شیخ را بطای الفام کشید و فرما حال ساخت و یکی از امرای سلطان غیاث الدین الہداد
 نام کہ بفضیلت علمی و شعر گوئی شہرت داشت ترک دنیا کردہ ہماہ شیخ گشت مہدیان اورا
 خلیفہ ششم میدانند فرشیہ شیخ جو پوری و دیوان محل در سالہ بارامات و رسالہ نبوت مہدویت
 از تصانیف اوست و صاحب دیوان مہری ابن خواجہ طہ شاگرد ہمین الہداد است بالحلہ شیخ
 جو پور از مندو و تھگاہ مالوہ بشہر جاپانیر عاضمہ گجرات دکن آمدہ بمسجد جامع فرداد شہرہ و عطا و ترک
 و تجروش آفاق را برگرفت سلطان محمود بیگ تھیبای موحہ لکسور و یای تختانی ببول و کاف
 فارسی و دال ہندی مخلوط بہا لقب سلطان محمود گجراتی است و در نقب سلطان مذکور بدین
 لقب دو وجہ بیان کردہ اند یکے آنکہ بروہمای سلطان مانند و شلخ کا و سبط و پیرا پروردند
 بزبان گجراتی این چنین کا و را بیگ تھگویند دوم بی بزبان گجرات عدد دو را گویند و گتھ قلعہ را چون
 فتح قلعہ جو ناگ تھو جاپانیر بدست سلطان روی نمود بنابران ویدیا بیگ تھمی گفتند مرات احمدی
 مرزبان گجرات خواست کہ حاضر مجلس شیخ شود مگر بہ مانعت علمای وقت از ان اسادہ باز ماند
 میان نظام کہ بمسجد اسلام خان طالبعلی بود جلالت میرانش آمدہ ہماہش گردید و ہماہجانی بی الہدینی
 زوجہ کلان شیخ مذکور وفات یافتہ زیر قلعہ مدفون گشت شیخ جو پور از انجا براہ بریانچہ و دولت آباد
 بشہر حمد نگر مطیع سفر خود نشانند احمد نظام الملک بادشاہ آن دیار با عتقاد تمام پیش آمدہ زن بعد
 برمانہ شاہی ملک برید بشہر رسید سید شیخ من و ملاضیاد قاضی علا الدین دست ارادت
 تہودادند شیخ جو پور از انجا بگلبرگہ رسیدہ بعد زیارت سید گیسو در از قدس سترہ براہ رای پاک

برخی فاعول رسید بسواری مرکب تیری غایتی بهیست اسب شصت و نه گاه بهوم موسم رسید بنیادش آمد که
 در میان بکن و مقام ابراهیم طلائق بر دست مهدی موعودیت خواهد کرد زبان خود را به کلمه من تفتی
 موعودین گویا ساخت میان نظام و قاضی علاء الدین آمنه گفته دست پیشش داده گفت که دو گاه
 پسند این واقعه بسال نصد و یک هجری بطور پیوسته و بعد معاودت از مکه معظمه و مسجد تاج خان
 سالار قلع اجماعاً و گجرات رخت اقامت انداخت بنزد و دعوت پرداخت ملک پیران الهی
 ملک گوهر داخل جرگه میرانش شدند و بدرین سالی نصد و سه هجری مجمع عام و دعوی
 مهدیت کرده این دعوی دوم است علماء و مشایخ گجرات سلطان محمود گفتند که شیخ جوهر پور عظم
 خود حقایق و معارف خلاف شرع شریف بیان می نماید سلطان حکم اخراجش صادر فرمود شیخ
 از آنجا به سیه سولا سنگ منزل گزین گشت میان نعمت که رهنی سفاک بود بهرم قتل یک
 جشی گرفته بدو پیوسته دست ابادت بدست شیخ داده بجز که رفقاییش درآمد با جمله شیخ
 جوهر از سولا سنگ بشهر نرواله گجرات که آنرا پین هم گویند برب عوض خان سرور فرود آمده
 میان خوند میر و اقربایش در آن مقام بسکک ارادت نسکک شدند و از آنجا نیز همان آس بکاس
 پیش آمد یعنی فرمان ثانی از بارگاه سلطانی جهت اخراج او صادر یافته شیخ مع قلابین بقصبه
 بدلی کار پین سه کوهی فاصله داشت رخت اقامت انداخت میان خوند میر که وزیر امیر الماک
 بود به عقیدگی محبوس نموده بود از محبس گرفته شیخ پیوسته بمقام بدلی مذکور حمله میرانش دست
 استبداد و پادشاهی زدند که باز دعوی مهدیت کنند شیخ زبان خود بدین کلمه گویا ساخت انهدی
 حسین جلال الله و پیوسته جسم خود بدو انگشت گرفته گفت هر کاز مهدویت این ذات منکر شود
 کافر است دمن از غذا بیوا سطر احکام میگیرم خدا میفرماید که علم اولین آخرین و بیان معنی قرآن
 کلید خزاین ایمان بود ادم پیر نه ناس و منکر کو کافر است خوند میر و قاضی پارانیش که سه صد
 پونده صدای آمتا و صدقنا در داد نمایان دعوی سوم است که در سال نصد و پنج هجری
 از بطون روم برادر آورده و تادم مرگ بهمان دعوی قائم ماندا این دعوی را سید و پان
 دعوی نو کدی نامند بشیندن این دعوی تنی چند از علماء شهر نرواله بقصبه بدلی آمده باشت
 بهو پیوسته مگر شیخ الرضیالات خود باز نیاید علمای وقت سلطان گجرات بلا اطلاع کردند سلطان

حکم اخراج وی صادر فرمود شیخ بامریان خود بسوی ملک سنده نفست نمود و راه جاوور و ناگور و نصیب
 بشهر شند دارالحکومت سنده فرود آمد و راغما هم چند کسان مصدق مهدویت او پیدا شدند چون
 اهل اسلام سنده بر عقاید شیخ آگاه شدند شاه سنده حکم قتل شیخ مع مریدانش صادر فرمود
 و در بنیان صاحب شاه سنده بسعی تمام حکم قتل ملتوی گنایند از عروسه سنده وی را بدر کرد
 شیخ بامریان خود که هشت صد مردم بودند بخراسان شتافت بمحله مردم همراهی شیخ سه صد و شصت
 نفر ملقب باصحاب و مهاجرین بودند چون بقنده حار رسید حاکم قنده حار از شاه بیگ بعدا گاهی
 بر حالات شیخ فرمود که برو جمعه هندی را بمسجد جامع پیش علمای اسلام حاضر کنند ملازمان با مثال
 امر حاکم شیخ را گرفتار کرده پیش علمای اسلام بمسجد جامع حاضر آوردند علمای وقت بسجی کلام بدو پیش
 آمدند شیخ تحمل بکار برده و عظم قرآنی آغاز نمود و شاه بیگ که نوجوان بود بر سخنرانی فریفته شد
 که آن گری بسوی مبدل گشت شیخ از آن مهلکه نجات یافته بعد طے منازل بشهر فراه رسید ناگاه
 یکی از عمده داران آن شهر آمده اسلم شیخ و زفقایش گرفته ریگان را از گوشه کمان خود شمار کرد و گفت
 فرود احمه بزندان خواهیم رفت بعد از امیر فدالنون حاکم فراه بنا بر دریافت ماجرا بذات خاص
 نزد شیخ جوینور سیده گردیده او شد و علمای وقت را فرمود تا امتحانش در مهدویت بگیرند علما
 باب مباحثه و مناظره و نمودند امیر فدالنون صورت حال پیشگاه مرز حسین بادشاه خراسان
 معروض داشت با انتظار جواب تا نه ماه بشهر فراه قیام در زبیده بقرشت و سه سال درس
 نصددوده بجزی یوم پنجشنبه داعی اجل را لبیکل جابت گفته سفر آخرت اختیار کرد و در میان فراه
 وزیر دجون گشت آمد ادب جنید که ذکرش گذشت مرثیه شیخ بر قیامش خواند از جمله اشعار مرثیه
 اینست **ه** فضلش که بر جمیع پیمبر شد از خدا با و ابرو ز حشر شفاعت گرا ز خدا **و**
 اعوذ بالله من سوء الاعتقاد

مولانا محمد عابد لاهوری / اولاد ابوبکر صدیق رضی الله عنه فقیه مفسر زودمان علم
 کثیر العباد بود در حلقه مجلسی روزانه قریب دو صد علما و صلحامی نشستن ملاهوس پیاده
 بحرین شریفین رفته و بعد ادای مناسک حج و زیارت روضه منوره بلاهور مراجعت فرموده
 بتایخ بیزوهم رمضان سال یازده صد و شصت بجزی ازین جهان رحلت فرمود

تصانیفہ حاشیہ تفسیر یضادی ناتمام شرح خلاصہ کیدانی بزبان فارسی شرح قصیدہ بانٹ
سوار سالہ وجوہ اعجاز قرآن رسالہ فی الاربعۃ الاحتیاطیۃ بعد صلوة الجمعة - العشرۃ المبشرۃ فی
فضائل الامۃ المرجمہ

شیخ محمد عابد سندھی ابن احمد علی بن یعقوب سندھی فقیہ و محدث جامع علوم عقلیہ و نقلیہ
حامی مذہب حنفیہ بود در شہر سیون کہ متصل شہر بوبک بر کنارہ شمالی نہر حیدر آباد سندھ واقع است
متولد شدہ وی در بید ملک میں از علمای وقت مستفید شدہ و از انجا بصنعای میں رسیدہ و بہتر
وزیر کتبہ گشت و بجانب امام صنعاء بطور سفیر مبعوث رفتہ و از انجا بوطن مالوف معاودت کردہ و بقصبہ
نواطی کہ بملک سندھ قریب کراچی بندر است رخت اقامت انداخت باز بہ مدینہ طیبہ آمدہ والی
مصر وی رئیس العلمای مدینہ منورہ مقرر فرمود کتاب مواہب اللطیف علی سند الامام ابی حنیفہ
و طولی الاثر علی الدائم و تخریج تیسیر الوصول الی احادیث الرسول و شرح بلوغ المرام
و تصانیف وی مشہور اند بروز و شنبہ ماہ ربیع الاول سال دوازده صد و پنجاہ و ہفت
ہجری وفات یافتہ در بقیع مدفون گشت -

میر محمد عسکری جوہوری از سادات عظام بلوچ جوہر شیعہ مذہب بود ہر چند تحصیل کتب
متداولہ چنانکہ معمول علمای ہندوستان است نکرده مگر بزرگای طبعی و زور کتب بینی بجمع فنون مقول
و منقول و فروع و اصول تبحر تام داشت و در حسن بیانی و طلاقت لسانی مشارایہ اقران بود
تا مدتی افادہ علوم می داد و بر قلیل معاش قانع ماند مؤلف سیر المتاخرین می نویسد کہ بر شیخ
صدر جہان عرف انگنون میان کہ سنی المذہب از فضلاے وقت بود بمسلک فضیلت
ابوبکر صدیق و علی امین ابی طالب رضی اللہ عنہما چہرہ دست آمد و اللہ اعلم بالصواب و
بمہربتا و سالکی بسال یازدہ صد و نو در حلت فرمود

حافظ محمد عظیم پشاور میگویند کہ دی در اوائل نہایت غبی بود بہ دعای خضر علیہ السلام
ذہین گشت و در اندک زمانی علوم عقلیہ و نقلیہ فرا گرفتہ عالم نبیل فاضل جلیل و اعظاہ علیل
گشت و غطوی نہایت پرتاثیر و بانداق بود بزبان عربی و فارسی و پشتو و پنجابی ماہر و مقرب بدینی
طالب العلم یا سامع و غظ ہر زبانے کہ از زبانہای مذکور می فہمیدہ آنرا بہمان زبان تعلیم مے داد

و بوعظت میکرد و بشارت ظاهرش مفقود شده بود. مگر بسبب نور باطن وی را احتیاج بینائی ظاهر نبود و روانده صد و هفتاد و پنج هجری وفات یافته

مولوی سید محمد علی دوکوی بیروت امام علی بن سید غلام محی الدین ساکن دوکو به ضلع جالندهر خدمت مولوی لطف الله ساکن علی گڑھ و مولوی حافظ محمد شوکت علی سندیل و مولوی محمد کمال عظیم آبادی و مولوی محمد حسن پنجابی مدرس کانپور و مولوی عبد الحمید عظیم آبادی تحصیل علوم متعارفه کرده با فعل مقام عظیم آباد مطب میکنند سلام الله تعالی

مولوی محمد علی بدایونی بن خطیب محمد ظیف بن خطیب عبداللطیف بن ملا محمد شفیع عثمانی همدان عبداللطیف خطیب مسجد جامع بدایون بود که آنرا سلطان شمس الدین اتمش در سن ششصد و بیست هجری تعمیر کرده و ولادت مولوی محمد علی در سال سی و چهارم صد و دوازدهم هجری بظهور پیوسته از بدو سن شعور شوق تحصیل کمال ظاهر و باطن در سرش افتاد خدمت کلاس عمده که مشهور اکثاف عالم بودند در یافته مستفیض می شد لیکن اکثر علوم متعارفه پیش قاضی مبارک گوپاموی و قاضی مستعد خان دهلوی تحصیل و تکمیل فرموده و دست ارادت بلمان هدایت میر عبداللہ دهلوی بسلسله علیہ قادریہ زده مریدش گشت شرح کمالانش بنچند است که درین مختصر تعجب بالآخر بمرخصت و سه سالگی تاریخ بست و بمحرم بیع الثانی سال یازده صد و نود و هفت هجری مولوی شمس الدین راعقب خود گذاشته رحلت فرمود شاعری تاریخ و فائش چنین یافته ۵ از وفات مولوی معنوی بگشت تیر و پنج شب و ز جهان از روز و جمعه چو تاریخ گشت

که در رحلت زمین جهان قطب زمان

مولوی محمد علی صدر پوری ابن شیخ رمضان علی متوطن موضع صدر پور برکنه بلخ آباد مضاف شهر لکنهو عالم ربانی شاعر حقانے انخلص به محمد و اوائل عشره ثانیہ صدی سیزدهم از هجرت متولد شده پیش مرزا حسن علی محدث لکنوی شافعی المذهب کتب تفسیر و حدیث سمائه و قمره اندانید و خدمت مولوی شاه بشارت الله بهرائی مجددی شرف بیعت طریقہ نقشبندیہ مجددیه یافته مستفیض گشت در اشاعت سنت و احسانت بدعت بغایت می کرد شید و خود هم شعار و دثار تقوی می پوشید اکثر مصفااتش از تصاویر و شنوات مشتمل بر معانی و مضامین اند و در لغت

نیز چند تصانیف بطرز نصاب دارد بسال دوازده صد و پنجاه و ہشت ہجری بہ ٹونک قدم آورد
 ہجر کہ ملازمان وزیر الدولہ امیر الملک نواب وزیر محمد خان بہادر نصرت جنگ مسلک گردیدہ بمقتضای
 و مجاہدست فرزندان رئیس موصوف مخصوص گشت و تا عمر اخیر ملازمت یمین الدولہ وزیر الملک
 نواب محمد علی خان بہادر صولت جنگ خلف نواب سابق الالقاب بسر بردہ بتاریخ پانزدہم
 رجب سال دوازده صد و ہشتاد و نہ ہجری ہنگام نیم شب پنجشنبہ از عالم فانی بکلیت دولی
 روان گردید مولو کے محمد حسن تاریخ رحلتش صوری و معنوی این چنین گفتہ **ہ** درینا کہ آن
 عالم حق پرست بہ محمد علی فضل و دانش نیس بہ زعیش جہان دل بہ برداختہ بگردید با ملا را علی علیہ السلام
 محمد حسن صوری و معنوی بہ رقم کرد تاریخ طرز نفیس بہ فردوس رفت آن معلی جناب بہ زماہ حبیب
 نصف لیل الخیر بہ تصانیفہ آثار عشر در احوال قیامت - دلبر و غظین - تسلسل ناظرین در کلاہ
 بیوگان - مینو نظیر در قصص بزرگان - ہدیۃ الاخیار قصہ عادات اولی و عادات آخری - دقائق التہذیب
 در حالات سید احمد مجاہد رای بریلی - ترجمہ حقیقۃ الاسلام مصنفہ قاضی شہداء اللہ پانی پتی - نصاب
 گوہر منظوم - نصاب سلک گہر - نصاب مصدر الفیوض - نصاب مقتل الخاندن - نصاب
 درج جواہر - نصاب عنایقہ الاثمار - نصاب کنز المصادر - مثنوی تحفۃ الاخیار - مثنوی تحفۃ الامحافل
 تصانیف در حمد و نعت - رکاز المداہیت در فقہ - مثنوی عبرت افزا قصہ
 زن دیندار عابدہ

مولوی شاہ محمد علی ساکن بہیرا بن شاہ عبدالعلیم ابن شاہ ابوالخوش کرم دیوان ساکن
 موضع بہیرا ضلع اعظم گڑھ و برادر زادہ حافظ شاہ ابوالسحاق قدس سرہ بشوق تحصیل علوم
 پای ارادت در جادہ غربت نہادہ بعد طے منازل و قطع مراحل در مدراس بخدمت ابوالعباس
 ملا عبدالعلی بحر العلوم فرنگی محلی پیوستہ در ان مرز بوم مدتی قیام ورزیدہ از تحصیل علوم درسیہ
 متداولہ نقد فراغ بدست آوردہ بدیار عرب روانہ و تا سہ سال بدین طیبہ علی صاحبہا اصولوفا
 و نتیجہ رخت اقامت انداختہ علم حدیث و اسماء الرجال و اسانید را بہ تکمیل رسانید و بعد در
 بست و سہ سال بوطن مالوف مراجعت فرمود و بوخطیفہ دولت مدراس کہ باو میر سید قانع
 بودہ روز کے چند بوطن بسر بردہ همان فانی را پدید فرمود انا اللہ وانا الیہ راجعون

ملا محمد غفران رام پوری ابن ملا محمد غفران رام پوری شاگرد والد ماجد خود نیز خدمت مولوی
حیدر علی رام پوری مستفید شدہ و رفقاہت مشارالہ اقران خود بود و تمام عمر شریفش در افادہ تعلیم
طلبہ علوم بسر بردہ رسالہ تجنیز و تکفین میت از مصنفاتش مشہور و مطبوع است ہنگامیکہ بحیث
والد خود سمت کلکتہ تشریف لے بر و بمقام فتح پور سہوہ فقیر حقیر خدمت ہر دو بزرگوار دریافتہ
پدر و پسر نہایت سن بودند کہ شخص ناواقف ہر دو را برادر یکدیگر لکھے شمر و بھر ہفتاد و دو سالہ
بسال ہفتاد و یکم از صدی سیزدہم داعی اجل بالیک اجابت گفتہ بریاض رضوان پیوست
مولوی محمد عمر رام پوری دانشمند تبحر جامع معقول و منقول ذکی الطبع مناظر غالب شاعر فصیح
واعظ طلیق اللسان مخلص صولت میگرد حاشیہ عینی شرح ہدایہ در سالہ ططنہ صولت در باب
سماع از یادگار اند سقالات عشو کہ مولوی محمد حسین لاہوری سرخیل غیر مقلدین مشتبہ کردہ بود
بجواب ہر یک سوال اجوبہ متعددہ تحریر فرمودہ ناشی عشرہ بشمرہ نہاد آن رسالہ نیز از تصانیف
شرفیش شہرتی دارد وی رحمۃ اللہ علیہ بہر پیست و شش سالگی واقع سیزدہم رمضان المبارک
سال دوازده صد و نو و پنج ہجری رحلت فرمود

شیخ محمد عیسیٰ جوہر پوری ابن شیخ احمد عیسیٰ دہلوی در قراتیکہ از آمدن امیر تیمور ب صوب دہلی افتاد
اکثری اناکارہ جوہر در فتنہ شیخ احمد عیسیٰ نیز در ان میان بود و محمد عیسیٰ در ان زمان ہفت یا ہشت
سالہ بود و ہم در صغیر سن بمقتضای سعادت ازلی واستعداد جبلی ہمہ پر شیخ فتح اللہ اودہی شد
و باشارت پیر دینی پیش ملک العلماء قاضی شہاب الدین دولت آبادی تلمذ کردہ شرح اصول
برودوی کہ قاضی موصوف تاجت امر دار و بتقریب وی نوشتہ است وی بعد فراغ تحصیل علم
ظاہر در خدمت شیخ فتح اللہ تصفیہ باطن مشغول شد تا آنکہ از کبار مشائخ جوہر شہرت پذیرفت
و ہمہ را بجا مدنون است

ملا محمد غفران رام پوری ابن ملا تائب آخون ابن حافظ سعد اللہ خان رام پوری از افغانہ
ترابی خیل مرید و تلمیذ ملا فقیر آخون ولایتی بود و نیز خدمت بعض علمای وقت مستفید شدہ فتاوا
فقہہ در صد جزو نوشتہ کہ بچنگ موسوم و بکتب خانہ رئیس بامپور موجود است علمائے نامور
از سایہ دامن تربیت و تعلیم او برخاستہ اند بجز صد سالہ بسال شصتم از صدی سیزدہم ہجری

رحلت فرمود مصنف اجداد العلوم دی را بقلب روایت کش یاد کرده العلم عند اللہ تائب برونن
صائب بادل تابی شہانہ فوقانیہ بعد شرف بعدش ہر مہلہ مکسورہ دما خرباے محسدہ
بعضی تو بکنندہ آخون بالفت ممدودہ و خای ہجہ مضمومہ و واد معدولہ و لون ساکن بمعنی استاد و
علم جنگ بحیم تازی مضموم و سکون لون و کاف فارسی بیاض بزرگ را گویند

شیخ محمد غوث گوالیاری بسلسلہ شطاریہ مرید حاجی حمید است در ابتدای حال تا دوازده سال
در دامن کوه چنار ریاضت شافہ کشیدہ در غار ہاسکن از برگ اشجار غذا میداشت و علم دعوت
رہنما و مقتدا و صاحب تصرف بود ہمایون بادشاہ باو عقیدت کامل داشت بعد انہم ہمایون شہ
شاہ افغان دسپے آزار شیخ کردید شیخ سفر و کن اختیار کرد سلاطین آن دیار بجلعہ اعتقادش
در آمدند شیخ وجہ الدین گجراتی کہ عالم ربانی فاضل تبحر و مطیع و متقا و شگشت بسال نہصد و
شصت و شش ہجری شیخ از گجرات با گروہ آمدہ اکبر بادشاہ را در سلک اداوت خود کشیدہ مگر بادشاہ
زود منحرف شد و نیز صحبتش بر بیرم خان و شیخ کردی راست نہ آمد بخیرہ بگوالیار رفت و خانقاہی
تعمیر کرد یک کرد تگہ معاش داشت و نہایت منکسر مزاج بود ہر کرا میدید تعظیما قیام مے نمود
رسالہ سراج نامہ در عروج حال خود و جہاں خمسہ و او را دو غوثیہ و تبحر احویات از تصانیف او یادگار
ہرگز لفظ من بزبان او نگذشتی ہموارہ تعبیر از خود بنقیر کردی تا اینکه دقت تقسیم غلہ سیگفت کہ انقدر
سیم و لون غلہ بفلان بدہید ہر ہشتاد سالگی در سال نہصد و ہفتاد ہجری رحلت فرمودہ رحمۃ اللہ علیہ
شاہ محمد فاخر آلہ آبادی از ایتھخلص بن شاہ خوب اللہ آلہ آبادی جامع علوم ظاہر و باطن بود
اکتساب علوم ظاہر بخدمت برادر کلان خود شیخ محمد ظاہر کردہ ہی سبحانہ تعالی شانہ اورا شانہ
عظیم دادہ بود ہر بیت و یک سالگی بجای پدر بزرگوار و سادہ آرای خلافت شدہ بقریبست
و ہشت سالہ زیارت بیت آمد مشرف گشت و بدینہ طیبہ سند حدیث از شیخ محمد حیات سندہی
مدنی حاصل نمود چون مرتبہ سوم غم حج کردہ در برہان پور داعی اجل را لبیک گفتہ بتاریخ یازدہم ذیحجہ
روز یکشنبہ سال یازدہ صد و شصت و چہار ہجری جان بجان آفرین سپرد تاریخ ولادتش
خورشید و تاریخ فوتش زوال خورشید یافتہ اند مزارش در برہانپور بہ پہلوی شاہ عبداللطیف
برہانپوری است یزار دیر برگ دیر اوصانیف بسیار اندازہ جملہ قرۃ العینین نے رفع الیدین

نورالسنه و دره التحقيق و غيره مشهور مستند شکر الله عليه

مولوی محمد فاروق چریا کوٹی فرزند خرد قاضی علی اکبر ابن قاضی عطاء رسول عباسی است
که بفضل کمال و ماقران و امثال گوی سبقت ربوده و ساحت علوم عقلیه و نقلیه را با کمال تحقیق و
تدقیق فرسوده کتب درسیه فارسیه و صرف نحو عربیه و علوم عقلیه و نقلیه از همین برادر خود مولو
عنایت رسول اکتساب نموده و علم هیات از مولوی رحمت الله فرنگی علی و هدایه وصول فقره
از مفتی محمد یوسف فرنگی محلی و عاشیه را هدیه بر شرح ملا جلال از مولوی ابوالحسن منطقی آموخته
با کمال هر دانه کمال از خرمن اساتذہ نامی اندوخته مطیع سفر و ملک حجاز کشید و زیارت حرمین شریفین
بهره اندوز گردید و پدیدار علمای اسلام و اکتساب فیوض از فقرای اہل اسلام بحد عا و ولی رسید
در علوم ادبیہ فارسیہ و عربیہ ید طولی دارد و بتعلیم طلبہ علوم می پردازد و دی رارسایل علوم مختلفہ و
اشعار عرب و مکاتیب و خطبہ اندازا بکمال اندکے از بسیار دشتی از خرداری نگارم از قصائد فارسی
داور او هر شناسا اینکم در بزم توبه بحر معنی در دل و گنج سخن در آستین باطلس فلک را دانم چو نقش
بود یا بنجامہ عرب یا نیم رود دارد از دیباچہ چین بہ ہستم از گنج قناعت نایہ دار خرمی بہ نیتم در یوزہ گروی
بر در تاش و نگین بہ تشنوی کہ بہج استاد خود مفتی محمد یوسف فرنگی محلی در سال دوازده صد و
ہشتاد و شش ہجری بسلاک نظم کشید و بسمع قبول مدوح رسید بنندی اذان نیست ۵ و لم
و رشوق زلفش نالہ ساز است بہ چہ می نالم غم زلفش دراز است بہ بدل چون دیگ منم گرم چشم بہ صورت
صورت بخش غموشم نہ دلی دارم مشعبد شیشہ بازی بہ زبانی جادوی افسون طرازی بہ حدیث
من فسون جان گذار نیست بہ دو چشم صورت خون نالہ ساز نیست بہ نوای من صفر ہر نشیمن بہ
حدیث قصہ ہر کوی و برزن بہ بسے این خامہ سحر اور زلف بہ برآرد جادو ہیا از تہ حرف بہ گمی شب
آورد کہ روز بیرون بہ گمی قائم نماید گاہ اکسون بہ گمی این خامہ در لبہای ناشاد بہ افسون خنجرہ
جوش طرب نالد بہ گمی از دیدہ دلہای خرم بہ برآرد چشمہای اشک داتم بہ صفا شمع است در بزم
خیالم بہ سخن یک نغمہ ساز کمال بہ نمی بینی کہ طرفہ بلبل من بہ کوین اعجب بہ ہر عظم من بہ ہر میدان نمودم
ترکمانی بہ بخوانم نامہ ترکی و تازی بہ گمی از لوح رازی خواندہ ام حرف بہ گمی از حرف تازی است
ام طرف بہ گمی اندر مقام سخن شیراز بہ شدم با اہل و سعدی ہم آواز بہ گمی در بزم گاہ نغمہ سازی بہ

سخن راندم باهنگ حجازی به مسود آن فروزان گوهر من به که شمع من بهر بنده است روشن
 قلم چون در لغات و حرف راندم به سخن برکری اعلی نشاندم به به خود تم بلاغت خامه من به بے
 شمع معانی کرد روشن به ز موجودات عالم حتم اسرار بخواندم و فتراعد و مقدار به بسی خار عناور
 با شکستم به زسانجید و لطم طرب بستم به چو کردم راز ستر حجب ظاهر به سخن راندم ز اعراض و جواهر به رخ
 معلول و علت و نمودم به گره از وحدت و کثرت کشودم به با حکام عقول و بحث ارجوح به بدست
 شرع احمد کردم اصلاح به ز طاب نور آن مهر دل افروز به بے شبهای ظلمت کرده ام نوز به
 سوی آبابی علوی یافتم راه به شدم از انقلمات سفلی آگاه به بنور دیدار اهل بصائر به نظر کردم بگلزار
 عناصر به بے بگماشتم ناظور دل را به تماشای بهار آب و گل به فنا را دست در هر صورتی دیدم به
 زهر یک لاجرم رخ بانجید به ز فکر این و آن خود را تهمی کرد به بسوی ملت به چون رخ آورد به غیام
 رفت از مه تا ماهی به پی اسرار آیات الهی به بسا جمد طلب آورد در کار به بودم از شکر
 گنج اسرار به چو گردیدم ز راز شرع آگاه به ندیدم در میان جز نقش الله به مجدح ممدوح
 می پر و از د - چو بر اوج کمال خود رسیدم به ز سنگ ستانی بوسه چیدم به چو سنگی سنگ لیوان
 شدین به که دار و از شریعت ملک و آئین به جناب اوستا و کعبه جابه به دلیل راه مردان حق آگاه به
 سحاب ساکت بود النوال به تمام صائط و الکمال به کلمی فی الوعالیث الاعادی به کریم فی الندی
 غیث الایادی به کلمی یوسف مصر معانی به غزال مرتع فضلش غزالی به چو یوسف مصر معنی لغزینی
 نیز زو ملک جم پیشش به چیزی به بصورت شمع بزم یوسف آمد به بعضی غیرت بویوسف آمد
 بگیتی در کمال همسرش نیست به جبینی خالی از خاک درش نیست به بشوق مکتب در شمش
 فلما طون بولی دارد و جام باده به خون به ادب گیر به بستانش اسطوخ به پیشش بولی به کرد و زانو به
 الی آخره بقیه اشعار ابدارش به بجز تحریریه آوردم که بحر زخار را بکوزه آوردن کاره دارد وی را
 ماسوای تصانیف رائقه و خطبه ادبیه زبان عربیه اند که داد فصاحت میدهند و بر کمال بلاش
 و لیل اندامح یک عنوان خطب جمعه که کتابیست مشتمل بر خطب منظومه و منثور صورتهما
 الحمد لله القاسم الالآ به الحاسم الملا و به المعلی الاسماء به والصلوة والسلام علی سید الانبیاء
 محمد منقذ الاسراء به المخصوصین لاسرار و علی آل الطاهرين بالباسا به واصحابه القاهرين للاعداد

اما بعد فيقول العبد الخاطي الناسي في محمد فاروق الخفي العباسي بجعله المدين من حماة دار دينه وعطى
 كتابه بهيمية في انه قد سألني بعض من يعني واجبه واستعيدني ووده وتيمني حبه في ان انشي خطها اديبيه في
 واجلي للعيون عربا عوبيه في ومع ذلك استسقى زلالا في مغز جابا بعسل الفكري في من كاس اوارها
 ابن بناتية المصري في لكن لم يسعني الاجابة بل اعان بي هموم ناصبه في وكان لي يد عن الاعمال خائبة في
 ورصل للبلبل اجسابيه في ونفس من موافرة العنا في ثابته في لا كذوب كُتب ادر كذا اللاظ في اود لفت طال
 به الجواظ في اوبر دمه اشواظ في حتى علمت ان الارض منزل كل هول وغنا في وصب كل زرع و
 انكبار في ورأيت العلم قد نصب اليوم مائه في وخن بالامكار نوانه في وخفيت من النواظر اضواءه في
 ونسيت من الضائر رسما في والجمل قد طي للناس انا في وورفع في العراض لوانه في داروس
 المجموم اروايه في وعفى الرسوم نكبا في حتى غدا خما لمة فاديه في ومنار له على عرو شهما خاويه في
 فاناس ينكرون ما لم يسع اذ بانهم في ويكرهون ما لم يسع اذ بانهم في فمن صمت فقد ربح في هذه البلاد في
 ومن نطق وقع مسأله في الكساد في ثم بعد ما خفي من الايام والليال في بلح لحي في في السؤال في
 وكثر الحاحه وطال في حتى لم يسعني الا الا تجلح في فاجبت دعوتيه متوكلا على المولى المنار في ووم
 خطبه تكاح مشر محمود في هايكورت ممالك مغربي وشمالى خلف الصدق سر سيد احمد خان نجم الهند في
 بصنعت اجمال زيب ترقيم فرموده وهي هذه الحمد لله الصمد الودود في الحكم العدل محمود في مالک
 العهد الموعود في موسع العطا الحمد لله ومر ربه ط هو في و امر آل داود في ولا عدد عا و عطا في ولا
 احد جاد لا في لا اله الا الله ولا مالوه لا اله الا الله صل سلا في وكلمها واما الرسولك
 محمد اكرم الرسل في كل الملل مأك الا بل في مومل المرل والار بل في وهو سمك اللوا في وساند
 الاسراء في وصعد السماء في وساد الرسل الكرام في واعلى محل آدم وحواء في ورحم الله آل الصلحاه في
 داود ابنة الرحمة في ما هم السما في واولم الهاء في اعلموا اهل الاسلام في رحكم الله السلام في عمل
 الكرام في اعلموا امر دامه الحما في دامه اهدام في دامه احلام في مراحل آسام في در و احلام لام في و
 صراط كذا الحسام في صلوا لدية داود الموعود في واعبدوا العدد الامر الموعود في وصلوا امور الابل والال
 در اعوا محل العرش المولود في كما امركم رسولكم المكرم المستود في وهو رسول الله في الله لا واه في
 كما احكم امور المعاد في وديم امر لا صلاح الابل والاولاد في وحكم وهدد ام رصاصه بالاحرار في

علیه الرحمه علی رؤس الاشهاد ابطال تملیث و شرک و اثبات توحید بنوی بیان فرموده که حاضر در مجلس
 چه موافق و چه مخالف همه مهر سکوت برد بان خود با ثبت کردند و بسال دوازده صد و نو و چهار
 هجری با پندت زیانند سستی مباحثه وجود و توحید و با عیسایان گفتگوی تحریف کرده پندت
 مذکور سر بحیب سکوت فرو برد و پادریان عیسائی کتب خود گذاشته فرار بر قرار ترجیع دادند
 رساله حجه الاسلام در نیاب مشهور است و همدین سال کرت ثالث بنیارت بیت المدح
 شرف اندوز شده مراجعت فرمود مرض شب بتلا گشت در عین بیماری پندت دیانند مذکور
 در باب استقبال قبله بر مسلمانان اعراض کرده بجوابش رساله قبله نما تحریر فرمودند و بر پنجشنبه
 وقت ظهر چهارم جمادی الاولی سال دوازده صد و نو و هفت هجری مرض شب و عشر
 ذات الجنب رحلت فرموده بقصبه نانوته مدفون گردید از تلامذه و مولوی محمود حسن
 دیوبندی و مولوی فخر الحسن گنگوہی و مولوی احمد حسن امر و ہوی مشہور اند و از تصانیف شریفہ
 او کتب ذیل مطبوع شدہ شائع اند۔ مجموعہ رسائل قاسم العلوم۔ مصابح الترویج۔ آب حیات
 تقریر پذیر۔ مباحثہ شاہچان پور۔ ہدیۃ الشیخ۔ قبلہ نما دیوبند و نانوته و قصبہ شاہچان پور اند
 مولوی محمد حبیب بدایونی ابن مولوی محمد سعید بدایونی علوم متداولہ از پدر بزرگوار خود
 تحصیل تکمیل نموده جامع العلوم بود خصوصاً در فقہ و فرائض مہارت کامل داشت بعمر ہفتاد
 و چہار سالگی باہ محرم سال دوازده صد و پنج ہجری رحلت فرمودہ بدار الجنان پیوست
 رحمۃ اللہ علیہ و علی اسلافہ

مولانا محمد حسین لکھنوی ابن ملا محب الدین ملا احمد عبد الحق ابن ملا محمد سعید پیر دوم
 ملا قطب الدین شہید سہالوی شاگرد رسید ملا حسن شایخ سلم علوم عالم علوم عقلی و نقلی و فقہ
 رموز خفی و جلی و وجودت ذہن و ذکا و طلاقت معروف بہ تصانیف لطیف دارد از انجمل
 شرح سلم و شرح مسلم الثبوت و حاشیہ میرزا ہر سالہ و حاشیہ میرزا ہدایا جلال و حاشیہ میرزا ہدایا شرح
 موافق و وسیلۃ النجاة و در حالات اہل بیت نبوی صلعم و ترجمہ حکایات الصالحین و شرح
 اسماء حسنی و شرح تبصرہ در تصوف و زبدۃ الفوائد در بیان سحر رمضان و کنز الحسنات فی
 ایثار الزکوۃ و غیر ذلک اند تبست و دوم ربیع الثانی سال ہزار و صد و بست و پنج ہجری

رحلتش سوی روضہ بنفوان وقوع یافتہ دربلغ مولانا احمد الوار الحق واقع بلکہ کفوف مدفون گشت
 علیہ الرحمۃ والنفراں مصرعہ ماہ برج علوم پنهان گشت : مادہ تاریخ فوت اوست
 ملا محمد محسن گشتوار علمای کبار خط کشمیر شاگرد ملا محمد امین کافی کشمیری بود در علوم عقلیہ
 دستگاہی کامل داشت امتعلمانش کسی بی برہ نماند برہادیہ و مطول حواشی و تعلیقات نوشتہ
 و بلا تازک دست ارادت دادہ بسال یازدہ صد و نوزدہ ہجری وفات یافتہ بمقبرہ سید محمد
 کرمانی واقع تاشون مدفون شد

حافظ محمد محسن دہلوی مجددی نقشبندی از احفاد شیخ عبدالحق محدث دہلوی خلفای شیخ
 محمد معصوم مجددی است جامع علوم عقلیہ و نقلیہ بود بسال یازدہ صد و چہل و ہفت ہجری وفات یافتہ
 خواجہ محمد معصوم سہرندی حضرت عوۃ الوثقی خواجہ محمد الدین محمد معصوم خلف الصدق و
 خلیفہ اعظم حضرت فیوم ربانی محبوب صمدانی شیخ احمد فاروقی سہرندی مجدد الف ثانی رضی اللہ
 تعالیٰ عنہما ولادت آن جناب در سن ہزار و نہ ہجری واقع شدہ بمر شازدہ سالگی بحضور پدربزرگوار
 فارغ التحصیل گشتند آنحضرت جامع علوم عقلی و نقلی و مخزن کمالات صوری و معنوی بودند
 بہ بشارت مقام قطبیت و منصب قیومیت از پدربزرگوار خود مشرف شدند نسبت
 طریقہ احمدیہ مجددیہ توجہات ایشان در اطراف عالم شایع گردید و عالمی باحوال بلند و مقامات
 ارجمند رسیدہ کشف مقامات الکیہ آنچنان بود کہ از ولایات بعیدہ منتسبان خود را اعلام میفرمودند
 کہ فلانی بولایت موسویہ رسیدہ و فلانی بولایت محمدیہ مشرف گردیدہ نہ صد ہزار کس بردست
 ایشان مرید شدند و ہفت ہزار کس را آنجناب خلافت دادہ اند و خدمت ایشان طالب
 یک ہفتہ بمرتبہ فنا و بہ یک ماہ بکمال ولایت میرسید و بعضی را در یک توجہ بجمع مقامات
 میرسانیدند و همچنین فرزندان آنجناب اقطاب وقت بودند و ہفت اقلیم را منور ساختند
 نیم ربیع الاول سال ہفتاد از صدی یازدہم ہجرت بریاض رضوان پیوستند

سید معصوم نقشبندی بالاپوری زنبہ امثال اقران عمدہ مشائخ دوران بقصبہ بالاپور
 مضاف صوبہ برار سکونت پذیرد و ہر چند دیدہ معاف عطیہ نظام حیدر آباد قابض بود شیوع
 علوم ظاہرہ در آن ممالک بہ توفیض و سیست و اکثری از اسلاف او علمای کرام و فضلا

ذوی الاحترام گذشتہ اند و فائش در سال نوزدہم صدی سینوہم ہجری بطوریت پوسستہ در قصیبہ
بالاپور مدفون گشت

مولوی محمد معظم ساکن بمنہ ابن احمد صدیقی جد امجد مولوی محمد اشرف لکھنوی در بنہ تولد
یافتہ از والد خود و ملا عبدالحکیم سیالکوٹی اخذ علوم کردہ و قرآن مجید مع تفسیر بیضیادی حفظ گرفتہ در علوم
دینیہ فائق اقران گشت بہادر شاہ بن عالمگیر بادشاہ عمدہ قضای بنہ بدو از زانی فرمودہ چند
دیہہ بجاگیرش داد مولوی مرقوم بقضا و تدریس مشغول بود از تصانیف او تفسیر قرآن بود کہ
در استیلامی سکمان سوختہ شد و نیز شرح شتوی مولانا روم از وست درس یکتر و یکصد پنجاہ
و ہشت ہجری وفات یافتہ در بنہ مدفون شد

مولانا محمد مفتی از اکابر علمای عمد جلال الدین محمد اکبر بادشاہ صاحب کمالات منجملہ مدرسین
بلدہ لاہور عمدہ اقتاسر بلندی داشت دہر باری کہ ختم صحیح بخاری و مشکوٰۃ المصابیح میکرد
مجلسی عظیم ترتیب دادی و طبع بغیر از حلویات میفرمود و بلعلمای و صلحا خورانییدی غرض منزل وی
جمع اعیان افاضل زمان بود چون نبود ساگی رسیدہ و منحنی و ضعیف گشتہ اندرس باز ماند
پسرانش ہمہ صاحب کمالات و فضائل همچو پدر بودند رحمہم اللہ

مولوی محمد علی جوہر پوری خلف چہارم مولوی سخاوت علی عمری جوہر پوری کنیت و
ابوالخیر است در بہت و نہم جمادی الثانی سال دوازده صد و ہفتاد و چہار ہجری بکہ معظمہ
ولادت یافتہ زیر دامن پرورش والدہ خود یعنی صبیہ قاضی ضیاء اللہ مرحوم بہرامی برادر علانی
خود مولوی محمد جنید بوطن واپس آمدند و بانکہ مدتی از حفظ قرآن مجید فراغ یافتہ بعد
تحصیل کتب رسمیه فارسیہ اکتساب علوم عربیہ بخد مت برادر خود مولوی محمد شبلی آغاز نمودہ بخد
مولوے عبدالمد ساکن موضع کوپاضلع چھپر تلمیز مولوی مفتی محمد یوسف فرنکی محلی و نیز بخد مت
مولوے سعادت حسین عظیم آبادی و مولوی علی اکرم آروی و مولوی محمد عبدالحی فرنکی محلی
تکمیل نمودہ بدرس و تذکیر طلبہ دعائمہ خلایق و انتظام مدرسہ ربانیہ قرآنیہ جامع جوہر کہ قائم
کردہ والد ماجد شان است بسری برزند سلمہ آمد و رقاہ الی ہاتمینا

شیخ محمد مودود لاری مرید بابا نظام ابدال نزد مولانا عبد الغفور لاہوری مخفی سعی انشا اندخت

دانشروان در دایره گری نموده مراتب عیانی و بیانی نیکو میدانست و بر غرائب علوم چون
 کیمیا و غیره آگاهی داشت شاه نعمت العدولی و شاه قاسم انوار را در یافته با جمل از ماہران علم
 توحید و مبعان مشرب تجرید و تغرید بود در سال نصد و هفت هجری بهندوستان قدم آورده شیخ
 امان یانی بپیش وی استفاده علم توحید و تحقیق کتاب فصوص الحکم و غیره میکرد وی در حق شیخ
 امان گفتی جوهری قابل یافتن لیکن چیست که یک چشم دارد و در مخاطبات نیز او را بلفظ کورک بخوانی
 متمادی اگره اقامت داشت بعد از آن بعلاقه محبت شیخ امان در رابطه خدمت او در پانی پت
 سکونت اختیار نمود و در ماه رمضان سنین نصد و هفت هجری و اسپین خواش در گرفت

خوابگاه او هم پهلوی شیخ امان است

شیخ محمد احمد آبادی شیخ حسن محمد حبشی احمد آبادی گجراتی شهرت دارد و کینتش ابوالحسن فرزند احمد
 شیخ احمد المعروف شیخ میاخی ابن شیخ نصیر الدین در علوم ظاهری و باطن یگانه روزگار بود و در صغر سن
 اکتساب کمالات نموده بحضور پدر شریف آفاق گشت دولت و ثروت ظاهری هم داشت
 خرج اعزاس بزرگان و طعام درویشان بوجه استیفا میکرد و مسجدی کلان اندرون شهر احمد آباد
 یک کمره پیچیده صرف نموده بنا فرمود که بنای شیخ تاج است تفسیر محمدی و حاشیه تفسیر بیضاوی
 و غیره از وی یادگارند چهل و یک سال بر مسند ارشاد متمکن بود بعد از پنجاه و نه سال بتاریخ بخت و شتم
 ذی قعد یوم شنبه سیال نصد و هشتاد و دو هجری رحلت فرموده

سید محمد جعفر پدر عالم احمد آبادی گجراتی ابن سید جلال مقصود عالم قدس سر بحداد و از دهم
 شعبان سال هزار و بیست و سه متولد شده ارادت و خلافت از پدر بزرگوار خود وارند در علوم
 ظاهری و باطن با کمال خصوصاً در حدیث و تفسیر فائق الاقران بودند از ایشان مصنفات کثیر
 یادگارند از آن جمله روضات شاهی که مشتمل بر بیست و چهار مجلد است متضمن احوال بزرگان و در
 احادیث و تفسیر و غیره دیگر مصنفات بسیارند نیم و پنجاه سال هزار و هشتاد و پنج هجری
 رحلت فرموده در احمد آباد پهلوی پدر خود مدفون اند

سید محمد ابوالحسن محبوب عالم ابن سید جعفر پدر عالم احمد آبادی گجراتی دوم بیج الاول سال هزار و
 چهل و هفت هجری متولد شده از بدو فطرت و صل جبلت جاذبه خدا طلبی و ماده اکتساب علمی

در سر داشت از شلخ و علمای صوفیه احمد آباد گجرات است تصانیف کثیره دارد از جمله تفسیر
ملکی فارسی بروایت اهل بیت دوم عربی بطور جلالین و در حدیث زینیه النکافه فی شرح مشکوٰۃ
به بیان تمسک هر مذهب یادگار و پند علاوه تدریس مطالعه کتب علمی بسی ریاضتها و عبادتها میکرد
نوزدهم حمادی الاخری سال هزار و یکصد و یازده هجری رحلت فرموده در احمد آباد مدفون گشت
سید محمد پشینی گجراتی سرفراز بخش بن سید حسین از بلتان به پشین قدم آورده و اکتساب
علوم صوری و معنوی از خدمت والد بزرگوار کرده فقیه کامل و محدث عامل و ارادت خانواده
چشتیه بخدمت برهان الدین قطب العالم داشت بتاریخ پنجم حمادی الثانی سال شصت و چهل
هفت هجری رحلت فرمود قبرش در پشین یزار و تبرک به

شیخ محمد صالح احمد آبادی گجراتی عرف پیر بابا ابن شیخ نور الدین بن شیخ محمد گجراتی صالح
باز از اصحاب علم و علم و تقوی و سخا و ید و شاکر و دو جانشین والد ماجد خود بود از ابتدا تا انتها
پیش پدر خود تحصیل علوم ظاهری و باطنی نمود در عمر هفت سالگی تمام قرآن مجید با تجوید یاد گرفته
محمد اعظم شاه هنگام صوبه داری گجرات ویران حضور خود طلبیده سوره الرحمن شنیده خلعت و نقد و خراج
تا جیور عمه پرگنه بیرم گام از جای خود مرحت فرمود و فرمان از حضور اورنگ زیب طلبیده داد
و در عهد فرخ سیر و محمد شاه بادشاه بدلی مطلوب شده رفته از بهر یک شاه دو هزار روپیه زاد و راه
یافته و اغزاز و اکرام و ملازمت با اختیار حاصل کرده مورد عنایات شاهانه گردیده نقد و خلعت
وفیل یافته اکثر اموال و فضیلت گجرات دکن بر فضیلت و قابلیت شان مقرر و معروف بودند و
بر امثال و اقربان مقدم میدانستند بالجملة بتاریخ شانزدهم حمادی الثانی سال یک هزار و یکصد و چهل
و هفت هجری در شاهجهان آباد بجایات پدر بزرگوار سفر آخرت اختیار کرده نعش او از
شاهجهان آباد آورده در مقبره جد بزرگوارش مدفون کردند تا بیخ وفات او از مراد بخش برمی آید
میر سید محمد قنوجی، همواره بدرس علوم دینی و نشر معارف یقینی اشتغال داشت شاهجهان
بادشاه در آخر ایام سلطنت بخواهش و اغزاز تمام طلبیده بقربت خویش اختصاص داد بدش
حاکمیکه بکمال نیاز از اکبر آباد طلبیده بشرف تخصیص اعزاز مختص فرمود مصنفات حجه الاسلام
غزالی خصوص احیاء العلوم پیش و دیده در هفته سه روز بذاکره علوم در خدمت

شاهی مجلس افاده گرم داشتی دور تالیف فتاوی عالمگیری مساعی جمیله بکار برد -
 حاجی محمد قاسم سندھی عالم الکمل فاضل الفضل مجموعه علم معقول و منقول مہبط فیوض مکتبی
 و وہی شاگرد مخدوم رحمہ اللہ سندھی قرن حاجی ہاشم بود ویرا با علما در مباحث علمی صحبتہا
 واقع شدہ بحدت ذہن بہ اکثر اقران خود فائق برآمد ہر روز وقت عصر بیان حدیث بنوی
 علیہ السلام کردی و بسا اہل توفیق را بسبیل ہدایت سلوک دادی یکبارہ پنج رفتہ مراجعت نمود
 کرت ثانی مع اہل دعیال رفتہ آنجا متوطن شد و بدرس حدیث دران مکان میمون مشارالیم
 سائر علما گزیدہ بسال ہزار و صد و پنجاہ و ہفت ہجری در گذشت از تلامذہ وی ملا محمد باقر و اعظ
 و مخدوم نور محمد مشہور وقت بودند -

سید جلال مقصود عالم احمد آبادی گجراتی ابن سید محمد مقبول عالم قدس سرہا
 شب شنبہ پانزدہم شہر جمادی الثانی سال ہزار و سہ ہجری ولادت یافتہ کلمہ وارث رسول لایح
 ولادتش یافتہ اندر یازدہ سالگی قرآن مجید حفظ نمودہ بہ تحصیل علوم مشغول گشت و ابتدا سہ
 تحصیلش بیش مولانا حسین بیستانی بود و تمام آن نزد شیخ عبدالعزیز مرید و شاگرد پدر خود کردہ و
 تحصیل علوم باطن از خدمت پدر بزرگوار نمودہ منصب شش ہزاری و خدمت صدارت
 از حضور شاہجہان بادشاہ داشت با اینصورت خلوت بر ریاضت و مجاہدہ میکوشید و تمام شب
 بہ بیداری و مناجات می بود ہشتم ربیع الثانی سال ہزار و پنجاہ و نہ ہجری در لاہور حلت فرمود
 نقش وی باحمد آباد آویزدہ در مقبرہ پدرش مدفون گردند

سید محمد مقبول عالم احمد آبادی گجراتی بن سید جلال الدین ابو محمد ماہ عالم قدس سرہا از
 مشایخ و علماء صوفیہ گجرات دکن است پچہار دہم رجب سال نہصد و ہشتاد و نہ ہجری
 متولد شدہ جامع کمالات صوری و معنوی حاوی علوم ظاہری و باطنی بود خرقہ خلافت سلسلہ
 مغربیہ از پدر بزرگوار خود یافتہ بار شاہ و ہدایت عالم را منور فرمود توالیف و تصانیف بسیار
 دارد از اجملہ حجات شاہی شملبر اوراد شبانہ روزی مشہور است و او دہم رجب سال
 ہزار و چہل و پنج ہجری رحلت فرمودہ مرقدش در احمد آباد یزار و میرک

مخدوم محمد معین سندھی ولد مخدوم محمد امین بن مخدوم طالب اللہ سندھی شاگرد مخدوم

عنایت الله جامع جمیع فنون حاوی معقول و منقول تحریر عصر علامه دهری و با وجود کمالات علمی
آشنا بمرسوفت شده بصحبت بسیاری از بزرگان دین رسیده بخدمت میان ابوالقاسم
نقشبندی ارادت اتم یافت و در اواخر ایام بخدمت سید عبداللطیف تارک ارادتمندانه خلاص
پیدا کرد میان وی و حاجی محمد هاشم همواره مواد قال و مقال میرفته تصانیف کثیره دارد حکام وقت
بدین نش کمال تعظیم میرسیدند وی نیز بایشان ملاقات مینیکو کردی چون سماع دوست بود در همین سماع
رحلت فرمود اشعار محققانه گفتی در فارسی تسلیم دور هندی بپیراگی تخلص گرفتی بسال هزار و صد
و شصت و یک هجری بحالت سماع رحلت فرمود -

میرک محمود سبزواری ^{طوسی} از بزرگانی فیض و تقوی و سخاوته موصوف بود سالها با لوازم منصب
جلیل شیخ الاسلامی علم نیکنامی برافراخته بسیاری از طلبه علوم رافض وانی بخشیده و در خطاطی
بسیار نمودی و فائش در محرم سن نهصد و شصت و دو هجری و تورع یافته رفت میرک آه آه
تاریخ رحلتش یافته اند پسرش میرک عبدالباقی در جمیع علوم کامل بود و تخصیص علم ایت و حکمت
چنانچه عبدالخالق گیلانی را که قرین مرزا جان و عدیل شاه فتح الله بود بعضی دقائق علمی از وی
شدی و راقیدس دستگاهی پیدا کرده اکثر اشکال از خود ایجاد نمود که پسند طبلع اوفتاد
میرک محمد ^{طوسی} پسر میرک محمود بعضا نیک انسانیت منصب در سال نهصد و هفتاد هجری
درگذشت فتادای تورانی از وی یادگار است -

مخدوم میران ^{طوسی} ابن مولانا یعقوب جامع علوم معقول و منقول بود مرزا شاه حسن را
چندگاه درس و افاده داده و اکثر طلبه علوم اقتباس از علم از شکوه طبع منیرش میکردند و فائش
در سال نهصد و چهل و نه هجری و تورع یافته علامه دارش الانبیا تاریخ و فائش یافته اند
مدفنش کوه منگلی است

شاه محمد ناصر آله آبادی پسر دوم شاه خوب الله آله آبادی سرید شاه محمد فضل آله آبادی
تلقین یافته پدر خود او هم مثل برادر خود علم ظاهر از برادر کلان محمد طاهر و ملاکمال الدین خال خود
تحصیل نموده از تصانیف او کتاب منتخب الاعمال و جواهر نفیسه و از کار عشو مشهور اند تاریخ
بست و یکم جمادی الاولی وقت مغرب روز پنجشنبه سال یک هزار و یکصد و شصت و سه هجری

از عالم فناء عالم بقا رخت رحلت پر بست فقر ماه آله آباد ویرانه شده تاریخ وفات او ست
 مولوی محمد نافع فرنگی محلی خاں اوسط مولانا عبد العلی بحر العلوم کتب مختصرت بخدمت والد
 خود بشا بهمان پور استفاده نمود در بخشی در پدر و پسر پیدا شده به کتب آمده بقیه کتب بخدمت مولوی
 محمد ولی و مولوی محمد یعقوب تحصیل کرده و حسن رسا داشت لیکن او چه ناموافقت پدر بی موافقت
 داشت نوبت تدریس ز سیده همواره تنه اش معاش و دادش خودی بجانب ثوبک باشکوه
 نواب امیر خان رفت از ناموافقت آب و هوای آنجا باستقامت بنا شده بقی الدم منجر گزید
 و هشتم شعبان سال دوازده صد و بیست و دو هجری رحلت نمود شاعری تاریخ نوشتن گفته
 ۵ مولوی نافع آنکه لیل و نهار به بود مشغول طاعت یزدان به با جیب خودش چو شد
 حاصل به بزمه بست و هشتم شعبان به بادل چاک سال رحلت گفت به محفلات آله با تف اذان
 مولوی محمد نعیم فرنگی محلی پسر خرد مولوی عبد حکیم بن مولوی عبد الرب بن مولوی عبد العلی
 بحر العلوم بعد حفظ قرآن مجید کتب درسیه بخدمت والد ماجد خود تحصیل فرموده بطریق آباء و اجداد
 خود درس و تدریس میکند و نامی بر آورد و زیارت حرمین شریفین مشرف شده عابد و زاهد
 صاحب تصنیف است راقم حرف و ریاضات تحصیل پیش والد وی دیده بود در آن عمر هم از
 حسن اخلاق و شائستگی خالی نبود و تألیف کتاب بنام امداد که از وی بمن رسیده مشر
 گزارد سلمه الله تعالی و ابقا

مولانا محمد وارث رسول خاں بنارسی وطن قدیم وی غازی پور است و لادنش در سال
 یک هزار و هشتاد و هفت هجری واقع شده تاریخ آن خلیف رسول الله است پدرش در عهد
 عالمگیر بادشاه خدمت قضای بنارس داشت اکثر اتفاق اقامت او باید رنهر گوار در بنارس
 معی نمود وی از سید رفیع الدین به خود پیوست بسلسله قادریه داشت و علوم ظاهری تمیز
 ملا ابراهیم شاگرد مولوی محمد علی تلخیص میز با هر بود و در سال از کتب علوم فقه و اصول و تفسیر و
 حدیث و منطق و حکمت و هندسه و دیگر علوم مروج فرارغ حاصل ساخته در بنارس بلباس علما
 بسری برد و طلبه علوم ساورس می داد و بهدایت و تلقین باطن می کوشید تصانیف رائقه دارد با کمال
 ذات پاکش منبع افاده ظاهر و باطن بود تاریخ یازدهم ربیع الثانی سال یک هزار و یک صد و

شخصت و شش بجزی رحلت فرموده به محله تیلیانا انجملات بنارس مدفون گردید
 ملا محمد ولی فرنگی محلی ابن قاضی غلام مصطفی ابن ملا محمد اسعد برادر خرد ملا محمد حسن مرحوم شاگرد
 ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین سمالوی بمنصب قضای برگشته ملا دوان مضاف لکنو ممتاز
 بود از آن منصب مستعفی شده پای استقامت بخانه خود نموده بتدریس علوم تا آخر عمر
 اوقات بسر برده عالمی بخدمت وی تعلیم یافته بدرجه تکمیل رسیدند شرح سلم و حوشی زواید نشسته
 از تصانیف او متداول و معروف اند سال فائش بدریافت نرسید

سید محمد بهمدانی فرزند ارجمند امیر کبیر سید علی بهمدانی بوفور علم و زهد و تقوی موصوف بود و عمر
 بست و دو سالگی باششده کس از رفقا و خدمه در عهد سلطان سکندربست شکن یکشمیر
 قدم آورده سلطان بی تراخی و تر و دست ارادت بامن رشادش رسانیده بجلقه مریدانش
 درآمد و ستمی بنسبت هندی که در یروسیه سالار سلطان بود با جمعی از خاص و عام مشرف
 با سلام شده بلکه سیف الدین ملقب گشت و دختر خود بجایه نکاح سید موصوف داد و
 رحمة الله علیه تا دوازده سال یکشمیر رخت اقامت انداخته برقع بدعات و ترویج حسن
 اسلام می کوشید رساله در علم تصوف و تشریح شمسیه و منطق از تصانیف او است سید
 محمد حصاری معاصر و معارض او بود سلطان سکندربست شکن برای سید محمد بهمدانی خانقاهی عالی
 در سن هفتصد و نود و هشت بجزی بنانهاد که در نود و نه با تمام رسیده و زیارات بنا بر بصارت خانقاه
 مذکور مقرر فرمود سید موصوف بعد از تمام خانقاه بقصد ادای مناسک حج سفر حج را اختیار فرموده
 بهمدانی حج بکولاب معاودت نموده رحلت فرموده بجوار سید علی بهمدانی برآسود -
 ملا محمد هروی از ارشد ملائذ ملا زاجان در علوم عقلیه ممتاز از قرآن بود و علم تواریخ و تیکو دانستی
 در سن نهصد و هشتاد و چهار بجزی هند آمده مورد مرام و عنایات جلال الدین محمد اکبر
 بادشاه گشت و بسال نهصد و نود و هجری رخت سفر بآفرست برد

سید محمد یوسف بلگرامی ابن سید محمد اشرف الحسینی بواسطی بلگرامی دختر زاده سید عبدالخلیل
 بلگرامی و برادر خاله زاد حسان الهند میر غلام علی آنرا جامع علوم عقلی و نقلی حمای فروع و اصول
 بود بست و یکم سوال یوم الاثنین سال شانزدهم از صدی دوازدهم و لاوتش بظهور ریویسته

کتب درسیہ پیش سید طفیل محمد بلگرامی تدریسی گذرانیدہ و لغت و سیر نبویہ صلی اللہ علیہ وسلم از جمہادری خود سید عبد الجلیل و علوم ریاضیہ خدمت بعض اساتذہ دہلی خواندہ کامل و مکمل گشت و عمدت بدست سید لطف اللہ بلگرامی بست طبع موزن داشت اشعار عربی و فارسی میگفت کتاب الفرع الثابت من الاصل الثابت در اثبات توحید شہودی از تصانیف رائفہ اوست کہ بسال شصت و دوم صدی دوازدهم تصنیف فرمود و سید غلام علی آناد بلگرامی در تاریخ آن چنین گفته ۵۵ میر یوسف عزیز مہر کمال از خرم معرفت کشید ریحی بکرد و دعت شہود رقم بنسخہ تازہ بفکر عمیق از احادیث و کلام اللہ بکرد اثبات حق زہی توفیق بہ ہست این نسخہ دلنشین الحق بیا دگاری زخامہ توفیق بہ سال تاریخ این کتاب خرو بہ گفت شمع نجاس تحقیق بہ دیر تاریخی طویل در عربی نظم کردہ در نجاصت ببادہ تاریخ اکتفا میروند و ہو مطلق من ریاض القدس الہنی بہ مورخا ہو فرغ شمر بہدی بہ سید موصوف ترجمہ تاریخ دوم جمادی الآخریوم النخیس سال بہقتاد و دوم از صدی دوازدهم در بلگرام رحلت نمودہ بباع محمود زیر زمین آسود میراد لا و محمد تخلص ذکا تاریخ رحلتش یافتہ قطعہ طرانا ان غیر جہارغ دودہ حیدرہ محیط علم و عقل و نقل صاحب فطرت دوران بہ ذکا تاریخ فوت او عزیز می گفت در گوشتم بہ زقید ہستی موہوم آمد یوسفی بیرون بہ حسان اللہ آناد بلگرامی تاریخ فوتش در عربی انشا فرمود و ہو مات خیر الزمان یوسفنا بہ دلہ راحت و ریحان بہ از قاضیت مام رحلتہ بہ قال

قلبی علیہ رضوان بہ

مفتی محمد یعقوب فرنگی محلی بن ملا عبدالعزیز بن ملا محمد سعید بن ملا قطب الدین شہید سہانوی وی تحصیل کتب درسیہ خدمت ملا نظام الدین بن ملا محمد حسن نمود و بیابہ تدیس علوم رسیدہ و بہ جادہ اسلاف خود قیام کردہ درس علوم دینی میداد و بدیات و امانت نامے برآورد و تا انیکہ خدمت انتای شہر کھنوزیر الممالک صفدر جنگل بوالمنصور خان باد دادند بہر شہر خدمت و سہ سالگی بعارضہ استسقا ازین عالم در گذشت

مفتی محمد یوسف فرنگی محلی ابن مفتی محمد اصغر ابن مفتی احمد ابوالرحم فاضل اجل و مدرس اکمل شب و روز بہ تعلیم طلبہ علوم مشغول بود و بدونات والد خود بعمدہ افتاق عدالت

دیوانی شهر کشتیو مامور گردید و بکمال امانت و دیانت انجام عمده مفوضه خود تا انقراض سلطنت
کشتیو بسود و تقوی و زهد بجدی داشت بعد بمدرسه جوینور مدرس مقرر گشت و چند سال در آنجا
بدرس اشتغال داشت درین اثنا ولوله شوق زیارت حسین شریفین بدش پیدا شده و اقامت
بیت آمد شد و زیارت روضه منوره بمدینه طیبه رفت و در آنجا علیل شده بتایخ نوزد بهم
زیقعه سال دوازده صد و هشتاد و شش هجری مسافر ملک بقا گردید و بجوار قبه امام حسن رضی الله
عنه مدفون گشت آنرا شد تلامذه او مولوی محمد فاروق چیرا کوٹی است

ملا محمود جوینوری ابن شیخ محمد بن شاه محمد فاروقی در علوم حکمیه و ادبیه پایه بلند داشت اگر
بوجودش سرزمین جوینور بجز بوم شیراز تفاخری جست روا بودی ملا ابتدا از جد خود مولانا شاه محمد
احمد علوم کرده بعد بخدمت مولانا محمد فضل جوینوری بعمر هفده سالگی تکمیل درس نموده
از جوینور با کبریا درفته از آصف خان وزیر شاهجهان ملاتی شده بچوینور مراجعت فرمود و با فاداه
و درس علوم پرداخت تا یخ خرم بیج الاول سال یکتر و شصت و دو هجری بحیات استاذ خود
مولانا محمد فضل فات یافته استادش ازین ساخته بجدی اندو بگین شده که تا چهل روز تسم نکرد
بعد چهل روز ادهم حلت فرمود و رجمها الله کتاب شمس باز غنچه در حکمت و فرائد فی شرح الفوائد
در معانی و بیان که سال تصنیف آن از لفظ بلخج برمی آید مع حاشیه آن در ساله مختصر چهار روزی
بنیان فارسی در بیان اقسام زمان از تصانیف او مشهور اند

قاضی محی الدین کاشانی از مریدان شیخ نظام الدین اولیا قدس سره است بوفور علم و زهد و
تقوی موصوف و از دو دمان علم و کرامت اوستاد شهر دہلی مشهور بود در ابتدای ارادت از
تعلقات دنیاوی دست برداشت و فقر و مجاهده پیش گرفت شیخ کاغذی بدست خود نوشت
که نسخه آن اینست می باید که تارک دنیا باشی بسوی دنیا دار باب دنیا مایل نشوی و ده قبول
کنی وصله بادشاهان بگری و اگر مسافران بر تو رسند و بر تو چیزی نباشد این را نعمتی شمری از
نعمتهای الهی فان فعلت ما امرتک ظنی بک ان تفعل لک فانت خلیفتی وان لم تفعل فاشد
خلیفتی چون شدت فقر و فاقه بروی و بر اتباعش که کثیر بودند غلبه کرد این مثنوی را یکی از اشنایان
او بدرگاه سلطان علاء الدین شاه دہلی رسانید سلطان قضای او ده که مورد وثوی بود

بدو مفوض داشت قاضی بخدمت شیخ آمد و عرض کرد که این معنی بغیر خواست چنین واقع شده است
حکم خدمت چه باشد شیخ فرمود البته مثل این معنی بخاطر تو گذشته است الگه انیمنی برای تو پیش آورده اند
قاضی را بدین سبب تشویشی پیش آمد شیخ آن کاغذ نوشته خود از قاضی باز طلبید و تا سالی فراخ شیخ
بر دستگیر ماند بعد از آن قاضی تجدید ارادت مشرف شده و هم در حیات شیخ در سال هفتصد و
نوزده هجری رحلت کرد رحمه الله علیه

مولوی محی الدین بدایونی فرزند اکبر مولوی شاه فضل رسول بن مولوی عبد المجید بدایونی
ولادتش در سال دوازده صد و چهل و سه هجری بظهور پیوسته در مظهر محمود تاریخ میلادش بیست و نه
کتب متداوله رسمی از معقول و منقول بخدمت پدر بزرگوار خود تحصیل نموده فائق الاقران
گشت و بیعت ارادت بحضرت جد امجد خود کرد و تصانیف لطیفه دار و از آنجمله حاشیه میرزا به
رساله و حاشیه کلیات قانون بوعلی سینا و رساله شمس الایمان در روایات و غیره رسائل
مشهور اند بششم و یقعه سال دوازده صد و هفتاد هجری در بلده سهارنپور به نور عالم قدس گوشت
سید شاه محی الدین دیوری در سال دوازده صد و هفت هجری متولد شده عارف
بزرگ و عالم سرگ حافظ قرآن بود و رفقه و حدیث و تفسیر مهارت تامه داشت در دیلور
در سه تعمیر نموده مدام بتدریس و تعلیم طلبه علوم مشغول بودی الحال که بکلیک مدراس نور علم
سالم و لامع است بر توفیق عام اوست تصانیف کثیره را لایق دارد از آنجمله جواهر الحقائق و
فصل الخطاب و جواهر السلوک و غیره مشهور و متعارف اند سوم محرم الحرام سن دوازده صد و
هشتاد و نه هجری بمدرینه طیبیه علی صاحبها الصلوٰه و التیمه رحلت فرموده فرزند اکبر و

مولوی سید رکن الدین سلمه الله تعالی جانشین اوست

مخدوم مشهور مٹھوی ناسر رکن الدین است از خلفای مخدوم بلال ساکن تلٹی مالک سند
همواره همت بند بر ادای وظائف طاعات و عبادات می گماشت و در علم حدیث غایت
مهارت داشت شرح اربعین و شرح گیلانی و رسائل دیگر از مصنفات او مشهور اند بلال
نصد و چهل و نه هجری به مٹھ در گذشت بدقتش هر کوه مکی است

مخدوم اشرف بساوری از افاضل روزگار و جدادری ملا عبد تقار بدایونی بود بتاریخ ۱۹

بسم رمضان سال نصد و هفتاد و هجری وفات یافته ملائی موصوف فاضل جهان تاریخ و تفسیر یافته
 مولوی مخدوم لکهنوی ابن حافظ محمد نواز بن مولوی عبدالسمیع بن سید محمد الدین المشهدی
 همدش از مشهد مقدس بدلی آمد و از آنجا به لکهنو رخت اقامت انداخت تلذذ بحسن دست
 ملا نظام الدین بن ملا قطب الدین السهالوی دارو ملا عبدالعلی بحر العلوم و دی سماعه و قرآه
 هر دو هم تاش بودند و نیز بحضرت شاه ولی الله محدث دهلوی مستفید شده مدام پدرش تدریس
 طلبه علوم صاف الاوقات بوده که بسبب مردمان از وفیضیاب شدند و عمر آخری که فقدان بصارت
 بوی رفته و ترک تدریس معقولات کرده با فاده کتب دینی میبرد و کتب گلستان بوستان
 تصحیح نموده در سن دوازده صد و بیست و نه هجری بمقام لکهنو رحلت فرمود شیخ امام بخش
 ناسخ تاریخ وفاتش چنین گفته **س** سید مخدوم از جهان رفت با گفتند بزرگ و خرد صد حیف
 تاریخ وفات گفت ناسخ مخدوم زمانه مرد صد حیف **۱۶۲۹**

مولوی مخصوص الله ابن مولانا رفیع الدین دهلوی بعد وفات والد خود در عطا مولانا
 عبد الغزیز عم خود مقری بود در سال دوازده صد و هفتاد و سه هجری وفات یافته خصصه مدو طفر
 مولوی مراد الله تهرانی ناصبی نساب و الحمدی المظهری مشربا خلیفه و جانشین مولوی
 نعم الله بهر لکھی بودند و در بلده لکهنو نایب از چهل سال ترویج طریقه مجددیه مظهریه فرموده عالمی را از
 ظلمات شرک و بدعت نجات بخشیدند و بر ترک و تخرید و اتباع سنت سنیه و تزکیه نفس و تهذیب
 باطن و نمونی فرمود که عرفای زمان و صلحای دقت بجلالت منزلت شان متفق بودند و هر شتاد
 دو و سالگی در دوازده صد و چهل و هشت هجری ازین سرای فانی رحلت فرمود و از اجل خلقت
 شان مولوی ابوالحسن نصیر آبادی بودند قدس سر را هم

میر مرتضی شریفی شیرازی بنیره میر سید شریف جرجانی است فاضل فضل مشیخ طبع شعرا
 و در اشعار بخلص شریفی میکرد و در علوم ریاضی و حکمت و منطق و کلام فائق بر اقران بود از شیراز
 بکه معظمه رفته علم حدیث پیش این حجره اخذ کرده اجازت تدریس یافت و از آنجا بدکن و از
 دکن در سال نصد و هفتاد و دو هجری با کبر آباد آمده در بارگاه جلال الدین محمد اکبر شاه بر اکثری
 و علما و فضلاء سابق و لاحق تقدم یافت و بتدریس علوم حکمیه اشتغال داشت تا در سن

نصد هفتاد و چهار هجری وفات یافته اولاً ویراده بلی بچار مرقد امیر خسرو علیه الرحمه مدفون
گردد و ثانیاً چون صدور وقاضی شیخ الاسلام بعرض رسانیدند که امیر خسرو هندی است
و سنی و میر تقی عراقی است و شیعه درینکه روح هر دو را صحبت یکدیگر متاوی باشد مثل نیست
روح را صحبت نا جنس غذا نیست الیم پس بموجب حکم عالی نعتش از آنجا کشیده به مشهد
بروند میر حسن رضوی تاریخ فوتش چنین گفته قطعه رفت تا میر مرتضی از هر دو عالم گویا نسل
آدم رفت بهر تاریخ رحلتش حسن گفته علامه ز عالم رفت :

سید مرتضی حسینی زبیدی / قادی حنفی نانش سید عبدالرزاق و لقب وی محی الدین
و کنیت او ابوالفیض است محدث و فقیه و لغوی و ادیب جامع علوم عقلیه و نقلیه بود در
یازده صد و چهل و پنج هجری بقصبه بگرام متولد گشته و در اوایل عمر بنیادت حسین شریفین شرف
شده و هم در آن دیار بزم تحصیل علوم کرامت بستار مشایخ و علمای زبیدی و مصر و حجاز و غیره
کسب کمالات ظاهر و باطن کرده چنانچه شیخ احمد علوی و عبدالحق زبیدی و ابوالعباس
احمد بن علی شینی و مشقی حنفی و جمال محمد بن احمد حنبلی و ابوعبدالله محمد بن احمد عربانی و علمانی
بن محمد بحرانی نزیل نقاد محمد بن زین با سمیط علوی حضرمی و محمد بن ابراهیم طرابلسی نزیل حلب
و عبدالقادر بن احمد شکعادی و عمر بن عبد الله بن عمر قاضی و عیسی ابن سلیمان و سید عبدالقادر
بن احمد حسینی و غیر هم وی را اجازت حدیث و فقه و غیره علوم دادند چونکه وی بعد تحصیل
علوم تادیت دراز بزبیدی مقیم بود بزبیدی شهرت یافت تا اینکه او را کسی هندی نمی دانست
و از زبیدی بهر قدم آورده افاضه و افاده علوم میداد و علاوه دیگر مترشدان عبدالحمید خان سلطان
روم و محمد با شا صدر الوزارت از اجازت حدیث یافتند بالجمله بوفور علم و نشر علوم توسط
کثرت تلامذه و تصانیف کتب که بحیاتش صیبت وی اکناف عالم را در گرفته اگر وی را
مجدد صدی سیزدهم گویند رواست میگویند هرگاه شهرتش بغایت رسید و از اقطار بلاد و امصار
مردمان کثیر بهر مجوم آوردند و بگوشه عزلت نشسته باب ملاقات یاران بسد و کرد
و بگاه شعبان بسال دوازده صد و پنج هجری بمض طاعن وفات یافته بدرجه شهادت
فنا گشت و بزار سیده رقیه رضی الله عنهما مدفون گردید تصانیفه عقود الجواهر المنیفة فی اوله

امام ابی حنیفہؒ آثار المتناثرہ فی الاحادیث المتواترہ و تراجمہ فی حدیث ام زرع لغۃ الغریب
 مصطلح آثار الحییب تحریر حدیث شنبی ہودا الموائسہ الجلیہ فیما تعلق بحدیث الاولیہ المرأة الجلیہ
 فی شرح الحدیث المسلسل بالاولیہ العروس الجلیہ فی طرق حدیث الاولیہ القول الصحیح فی
 مراتب التعدیل والتجریح والتجیر فی الحدیث المسلسل بالتکبیر رسالہ اصول حدیث مناقب
 اہل الحدیث تاج العروس فی شرح القاموس تملک القاموس تحریر حدیث نعم الامام الخلی
 حدیثہ الصفانی والدی المصطفیٰ الانتصار لوالدی البنی المختار الفیہ السند امانی منیفہ مجاہس
 الشیخونیا فیصلح المدارک فی الانصاح عن الخوانیک عقد الجمان فی بیان شعب الایمان
 القول المسموع فی الفرق بین الکوع والکرسوع النجوة القدسیۃ بواسطۃ البضعة العیدروسیہ
 العقد الثمین فی طرق الالباس والتلقین حکمۃ الاشراف الی کتاب الافاق شرح اصدرفی شرح
 اسماء اہل بدر تفتیش فی معنی لفظ درویش رفع نقاب الخفا عن منہی الی وفاء الی الوفاء الی الامام
 المشتق عن جویب الامام بشرح صیغۃ سیدی عبد السلام رشفۃ المدام المحمود البکری من صفوة
 دلال صنیع القطب لبکری رشفۃ سلف الی حق فی نسب حضرة الصدیق شینق کما یدل من
 فی تحقیق کلام المنن النواضح المسکیۃ علی الفوارج الکشکیہ ہدیۃ الاخوان فی حکم شرب الدخان
 فتح المفیوضات الوافیۃ فیما فی سورۃ الرحمن من اسرار الالہیۃ ربجوزۃ فی الفقہ طبقات الحفاظ
 اسعاف الاشراف اتحات السادۃ المتقین فی احیاء علوم الدین رفع الثقل عن العنل شرح
 خرب الکبیر المسمی تنبیہ العارف البصیر علی اسرار الحرب الکبیر مالہ المنی فی سرالکلی القول مشہور
 فی تحقیق لفظ التابوت حسن المحاضرہ فی آداب البحث والمناظرہ رسالہ فی اصول المعجمات
 کشف النظار عن الصلوة الوسطی الاحتفال بجوم الست من شوال اقرار العین بذکر من
 نسب الی الحسن والحسین الابنہما ج بذکر الحاج التعریف بضروریات علم التصریف
 اتحات الاصفیا بسلاسل الاولیا اتحات نبی الزمن فی حکم قوۃ الیمین المعاندۃ اعتدیہ فی
 المشاہدۃ التقشیدیۃ الدرۃ المظنیۃ فی الوصیۃ المرضیۃ ارشاد الاخوان الی الاخلاق الحسن
 شرح الفتیۃ السند شرح صیغۃ ابن مشیش شرح صیغۃ السید البدوی شرح ثلاث صنیع لالی
 الحسن البکری شرح سبع صنیع مسمی بدلائل القرب تحفۃ العبد تفسیر سورہ یونس لقطۃ العجلمان

تعالیسی فی الامکان ابداع مما کان الممخ العلیه فی الطریقه النقشبندیه کشف الثام عن

آداب الایمان والاسلام

مسعود بیگ از تربای سلطان فیروز نام اصلی وی شیرخان است از علمای صوفیه کرام بود در فی و لباس اغنیا و اهل دول بسرود ناگاه جذب حق گریبان گیر حاش گشت وی مرید شیخ رکن الدین بن شیخ شهاب الدین شد بغایت حالت سکر داشت در علم تصوف و توحید تصنیفات بسیار داد آنا جمله کتاب تمهیدات است که بر طبق تمهیدات عین القضاة بهمانی بسیاری از حقائق و دقائق در آن نوشته و دیوان اشعارش قصائد و غزل و سایر اقسام سخن را شامل است و اکثر اشعار و قصاید بحواله امیر خسرو علیه الرحمه گفته مگر در بعض مقامات طبعی شاعری تلوی مانده و نیز تصنیف فارسی بهر آه اعرافین و بیان حقائق و معارف تشریح در مرقه پیراوست قریب مقام خواجه قطب الدین در لاد و سر قدس الله سره

مولانا مسعود لاهوری بن سعد بن سلیمان لاهوری اصل او از بهمان است پدرش سعد ابن سلیمان از بهمان در عهد سلاطین غزنویه بلامور آمده سکونت اختیار کرده ملازم سلطان ابراهیم شده رفته رفته بر تبه عالی فائز گشت پدرش مولانا مسعود از علمای وقت با کتب علوم فائق و لائق شریع موزون داشت اشعار آید ریگفت و همنشین سیف الدین محمود ابن ابراهیم بوده تا سال پانصد و پانزده هجری زنده بود او صاحب دیوان عربی و فارسی و هندی است بلکن فاسی در هند و ایران یافته می شود مگر دیوان عربی و هندی نایاب گردید

شیخ مصطفی رفیقی ابن طیب بن احمد بن مصطفی رفیقی کشمیری کنیت او ابو احمد است در دوازده صد و بیست و شش هجری پیدائیده عالم عامل فاضل کامل فقیه و محدث حسن المحافره بلینغ العبادت شاعر و مورخ بود صحاح سه دکتب تصوف از فالدها خود خوانده و علوم دیگر عقلی و نقلی از علمای وقت استفاده کرده و مدام بطاعت الکی مشغول می بود شیخ بهاء الدین و شیخ احمد و شیخ احسن و شیخ عبدالشکور رفیقی انا شهر تالانده ویند بروز جمعه چهاردهم ربیع الاول سن دوازده صد و نود و چهار هجری وفات یافت

مولانا مرزا مظهر جانجانا شمس الدین لقب علوی نسب خفی مذہب مجددی شری المحدث

به مرزا منظر حاجان ابن مرزا جان نسب شان بنوده واسطه بتوسط محمد بن خفیه بنجاب
 ولایت آک علی رضی اللہ تعالیٰ عنہ می پیوند و والد ماجد وی مرزا جان از منصبداران محمی الدین
 اورنگ زیب عالمگیر بود اندکن ترک منصب نموده متوجه اکبر آباد شد و راشای راه فخر الکلا باغ
 حدود مالوه شب جمعه یازدهم رمضان سال یازده صد و یازده حضرت مولانا بوجو دآند چون آنحضرت
 بعالمگیر رسید فرمود که پسر جان پدری باشد ازین وجه نامش جان جانان مقبره کریم بدین تقریب
 و رحمة الله علیه باین اسم موسوم گشت و منظر مخلص ولیست دانشمند تبحر جامع فصاحت
 صوری و معنوی بود اکتساب علوم از علمای وقت نموده و حدیث از حاجی محمد افضل سیالکوٹی
 اخذ کرده و شرف ارادت و خلافت از حضرت سید نور محمد بدایونی مرید و خلیفه شیخ سیف الدین
 مرید و خلیفه شیخ محمد معصوم عرودة الوثقی مرید و خلیفه شیخ احمد سهرندی مجدد الف ثانی یافته قدس سره
 اسرارهم اشعار بدیعه مرکاتب نافعه از ویادگار اند این مختصر گنجانش تفصیل اوصاف حمیده
 او ندارد هفتم محرم الحرام سال یازده صد و نود و پنج هجری از دست یکی شیعی زخم بنده طنبی پر سینه
 مبارکش رسید شام شب دهم محرم سال مذکور شربت شهادت چشید در مصرعه عاش جمیلا
 مات شهیداً تاریخ رحلتش برمی آید۔

مولانا سید معز الدین خلیف الکبر سید شاه خیر اعلیٰ مشهدی کرّوی متوطن احمد آباد ناره بخت
 علمای کلمه اکتساب علوم فرموده فراغ حاصل نمود دهن ثاقب دهن کامل داشت در عین
 جوانی سال دوازده صد و پنجاه و پنج هجری ازین جهان فانی بعالم جاوداتی رحلت فرمود و عقبه
 بجز اعمال حسنه نگذاشت مرقد شریفش در احمد آباد ناره بمقابر بزرگاناش زیارتیبرک شاعری
 در تاریخ فوت او قطعه ذیل گفته قطعه شفقی مولوی معز الدین بکرد رحلت چو زین همان بجهان ب
 سال فوتش چنین رقم کردم بآه او بود بی نظیر جهان ب

مولوی معشوق علی جوینوری دانشمند مستعد از تلامذه مولوی فتح علی جوینوری بود تصانیف
 اینقه و رشقه نظم و نثر از ویادگار اند مرقد شریفش با وجود تعلی عمده نصفی بدین و دیگر گذرانیده
 بسال دوازده صد و شصت و هشت هجری بمقام باندا رحلت فرمود شاگردش شیخ خادم علی
 سند علی مولف تاریخ جدولیه تاریخ فوت او چنین یافته و هو هذا عاشق الله معشوق علی ب ذکر حق

ہر لحظہ نقل محفلش بشد ازین دار فنا بزار و بست و پیر سید ملک عقیقی غمکش از دوی بگذشت
گم شد و ریکی بود و وحدت بسکہ در آب و گلش بزین سبب ہاتف یکے کم کرد و گفت :

جنت الفہم دوس باد امنزش

مولانا محمد معین لکھنوی ابن مولانا محمد حسین لکھنوی الکتاب علوم درسیہ از مولوی
محمد حیدر برادر کلان خود و مولوی ولی اللہ و مولانا اظہار اللہ لکھنوی کردہ و سند حدیث
از مولانا عبد الحفیظ علی حنفی علیہ الرحمۃ حاصل نمودہ اشتغال بآن داشت تصنیفات اینقدر دارد
انجام غایۃ البیان فیما یعلق بالحوان و شرح رسالہ امام نووی وغایۃ الکلام فی القراءۃ
خلف الامام ذہب و از الکونز فی احوال ارباب الرموز در بیان حالات اصحاب رموز کتاب
حصن حصین نا تمام و حاشیہ صدر انا بحث ہیولی و نیز بر اکثر کتب درسیہ تعلیقات نوشتہ
بتاریخ دوم جمادی الثانی سال ہزار و دصد و پنجاہ و ہشت ہجری از کتب دار فانی بدرسیہ
ملک جاودانی شتافتہ در باغ مولانا احمد انوار الحق مرحوم واقع لکھنؤ بجا کش سپردند داخلہ اند بخجوتہ لکھنؤ
شیخ معین نسیرہ مولانا حسین واعظ صاحب معارج النبوت است ملکی بود بصورت ہشتری
چندی حسب فرمان اکبر بادشاہ بامر قضای بلدہ لاہور اشتغال داشت در آن مدت ہر گو حکم از
خفصی نگردہ مدعیان را با حلح تمام ہدایت بر مصالحہ میکرد و می گفت کہ شما ہر دو دانا ہند و تنہا
نادان را باد و دانا کا افتادہ پس مرا شرمندہ در گاہ خداے تعالی می سازید و ہموارہ کتب
نفیسہ قیمتی می نویساند و از مقابلہ نمودہ و مجلد ساختہ بطالب علمان مے بخشید و مدت
عمرش درین کار بسر شد و ہزار ہا مجلد ازین قبیل بر دم بخشیدہ در سن ہصد و نود و پنج ہجری
از سرای محنت آباد دنیا بروضہ عقیقی خواہد نور اللہ مرقدہ

مولانا معین الدین عمرانی دہلوی در عہد سلطان محمد بن تغلق شاہ دانشمندی عظیم مدرس
شہر دہلی بود خواشی کنز و حسامی و مقتل از تصانیف اوست میگویند وی را محمد ابن تغلق
شاہ دہلی بطلب قاضی محمد بشیر انفرستادہ بود چون پادشاہ شیراز را باہر ادا افت گشت
بجائی قاضی راضی نشد بلکہ از جمیع املاک سلطنت برآمدہ بخدمت قاضی آمدہ التماس نمود کہ شما
بر تخت سلطنت نشینید من خدمت شما کنم جز منکو خود ہر چہ دارم از آن شماست قاضی

چون ابن ہمدروت دہشت اندوی پدید فرسخ غنیمت دیار ہند نمود مولانا واپس ہندوستان آمد
مولانا خواجگی مرید و خلیفہ شیخ نصیر الدین محمود از کلام مذہ مولانا است و انکار مولانا شیخ نصیر الدین
محمود قدس سرہ و زوال سرفہ مولانا از خوردن برنج و جغرات حسب فرمودہ شیخ و تبدیل لکار
مولانا با اعتقاد شیخ در اخبار االخیار مذکور است

خواجہ معین الدین کشمیری ابن خواجہ محمود نقشبندی کشمیری از علمای کبار و مشائخ ناہار
خطہ کشمیر شیعہ شریعت و مروج سنت و قلمع البدعت بود و در زہد و تقوی و ورع بی نظیر
مقبول علمای و صلی ای وقت بود بچہ ملا محمد طاہر خلف ملا حیدر و ملا ابوالفتح گلو و ملا یوسف
مدرس و مفتی محمد طاہر و مولانا عبد الغنی و مفتی شیخ احمد و غیر ہم علمای کشمیر بد و گردیدگی داشتند
فتاویٰ نقشبندیہ و کنز السعادت در علم شریعت و طریقت در سالہ رضوانی در خوارق والد
بزرگوارش از تصانیف وی یادگار اند و سال ہزار و ستاد پنچ ہجری حلیت نمود

مولانا سید معین الدین خلف اوسط سید شاہ خیرات علی مشہدی کڑوی متوطن ب سجادہ نشین
احمد آباد نارہ کنیت شریفیش ابوالخیر است تحصیل علوم متعارفہ ب خدمت مرزا حسن علی محدث لکھنوی
و مولوی ظہور اللہ فرنگی محلی و دیگر علمائے دقت نمودہ جامع علوم عقلیہ و نقلیہ خصوصاً در فن
ریاضی شہرہ آفاق بود تا م عمر شریفیش بہ تدریس و افتادہ بسر برد و بسیاری علمای نامدار از زیر
دام تعلیمش برخاستند با واسطہ عمر خود با وجود کثرت درس حفظ قرآن مجید کردہ و بزیارت
حرمین شریفین مشرف شدہ سند کتب احادیث از علمائے آن دیار یافتہ مسودہ اوراق
اجازت دلائل الخیرات و حصن حصین از ان جناب حاصل است سوم ربیع الاول سال سیزدہ
صد و چہار ہجری با حمد آباد نارہ رحلت فرمودہ ہمداران جا بمرقد بزرگان خود مدفون گشت
روح اللہ روحہ شاعری تاریخ رحلتش چنین یافتہ **۵** معین جہان کرد چون انتقال
فلک در غم ادگر بہان در دیدہ فرشتہ خصال و حید الزمان بچنین عالمی کس ندید و شنیدہ
نصیر الدین بگو مصرعہ سال فوت بہر خوش بود رحمت حق پدیدہ از دود فرزند بوجہ آمدنہ یکے
مولوی سید شاہ قیام الدین کہ بعد فراغ تحصیل بحضور پدر رحلت فرمود دوم مولوی و حکیم
سید شاہ صد الدین فارغ العلم موجود اند سلمہ اللہ تعالیٰ از مولانای موصوف الرحمہ تصانیف

ذیل مشهور احمد تبیان فی شرب الدخان - هدایه المومنین الی سلسله الصالحین - آداب معین -
 مرآة الاذبان فی علم المیزان - هدایه الکونین فی شهادة المحسنین - رموز القرآن - شانه بالکری حاشیه
 صدر - رساله علم باری تعالی - رساله علم هیئت - قرابادین - طب مفردات - طب رساله طهر تخیل -
 مرزا مفلس اوزبک از شاگردان ملا احمد جندبلائی مستعد و مستحضر در علوم جلدی مناظره بود
 اما تقریر فصیح نداشت و در آشنای درس ادابهای مضحک از او سر میر و مروی بقیانه و کوسه بود
 صلح و تقوی داشت از او راء النهر بنده آمده در اگره مسیحی جامع خواجه معین الدین فرغیدی درس
 میگفت و توفیق زیارت حرمین شریفین یافته در که معظمه عمر بفقار سالکی حلت نمود -
 مولوی مقیم الدین ساکن ٹانک ابن سلطان محمد ڈبال تپی سوخیل بن احمد ابن گل محمد
 ساکن علاقہ ٹانک یعنی موضع کوٹ مریز بنده از مولوی دین محمد ساکن ٹانک از میزان اهرن
 تابیندی خوانده پس از آن بخدمت علمای وقت اخی مولوی محمد مظهر نانوئی و مولوی عبدالحق
 شمس العلماء آبادی و مولوی احمد حسن پنجابی مدرس مدرسه دارالعلوم کانپور تکمیل دیکر در سیم
 نموده بالفعل که عمر شریفش سی سال رسیده مدرس عربی درجه اول بدرسه شوکت الاسلام
 سندیده مقروند سلمه الله تعالی

ملوک شاه بدایوسے از فاضل وقت مرید شیخ بیچو سنجلی بود تاریخ بست و نفوس حجب
 سال نصد و شصت و نه هجری بعرضه اسمال کبدی وفات یافته و تقصیه بساور مدفون گردید
 پسرش ملا عبد القادر مؤلف منتخب التواریخ تاریخ وفاتش چنین یافته قطع سر و فقر
 افاضل دوران ملک شاه بن آن بحر علم و معدن احسان و کان فضل چون بود در زمانه جهانی
 بفضل کان بتاریخ سال فوت وی آمد جهان فضل به

مولانا میر کلان محدث اکبر آبادی بنیره خواجه کوی خراسانی حاج الحرمین الشریفین
 مرید شیخ جلال الدین بروی صاحب کمالات ظاهر و باطن و دانشمند متبحر بود خصوصاً در علم
 حدیث که اجازت آن از سید میرک شاه شیرازی داشت و میرک شاه از داله خود سید
 جمال الدین محدث مصنف روضه الاحباب و او از عم خود سید اصیل الدین شیرازی مجاز بود
 بالجملة صلاحیت میر کلان مادر زاد و دانش مظهر سهای حسنی بود جلال الدین محمد اکبر بادشاه

اور بتعلیم شانزادہ نورالدین محمد جہانگیر مقرر فرمودہ بتعظیم و توقیر تمام پیش می آمد میری موصوف بہر
صد سالہ در سال ہند و ہشتاد و سہ ہجری ہاکبر آباد رحلت فرمودہ ہمدرا بخامد فون گشت یکن
از شاگردانش ملا علی قاریست کہ از مصنفاتش اکثر طلبہ علم ہندوستان استفیدی شوند پس
خواستم کہ این کتاب از ترجمہ شریفش بی بہرہ نباشد ملا علی قاری بن سلطان محمد ہروی حنفی در
ہرات متولد شدہ علوم رسمہ از علمائے وقت و بعض احادیث مشکوٰۃ از مولانا میر کلان
محدث اکبر آبادی خواندہ بکہ معظمہ رسید و ہما بخا اقامت گزید و از ابو الحسن بکری و سید زکریا
حسینی و شہاب احمد بن حجر شیبی و شیخ عبداللہ سندری و قطب الدین بلی و غیر ہم علمای آن دیار
اخذ علوم نمودہ جامع علوم عقائہ و فہمیت متبع سنت نبویہ یکتای زمانہ گشت در سال چہار دہم
از صدی یازدہم بکہ معظمہ رحلت فرمودہ کتب ذیل مصنفہ او از ویادگار اند تفسیر قرآن مجید
مرقاۃ شرح مشکوٰۃ شرح الشفاء شرح الشامل شرح النخبہ شرح الشاطبیہ شرح الجزیریہ
ناموس شخص قاسوس الآثار الجنیسی فی اسماء الحنفیہ شرح ثلاثیات بخاری - نزہۃ الخاطر الفاطمہ القاتر
فی ترجمۃ الشیخ عبدالقادر - شرح فقہ اکبر رضو المعالی - شرح قصیدہ امالی - مخترع احادیث
شرح عقائد نسفی - رسالہ تکفیر فرعون - رسالہ در بیان احوال والدین رسول الثقلین صلعم
المنہاج العلوی فی المعراج النبوی - الایہتدانی الاقتدار - شرح قصیدہ بردہ - نور القاری
شرح صحیح بخاری شرح صحیح مسلم حاشیہ تفسیر جلالین مسمی بحالین - شرح شفای قاضی بیاض -
جمع الرسائل شرح شامل شرح جامع صغیر حرز الیقین شرح حصن حصین شرح اربعین نووے -
شرح الوتریۃ و الجزیریہ شرح الشرح علی نخبۃ الفکر شرح موطای امام محمد - سند اللہام فی شرح
سند الامام - شرح مناسک الحج - ترمیم العبارة تحسین الاشارۃ - الخط الاوفی فی الحج الاکبر رسالہ
عامہ - رسالہ فی حجت التہ - رسالہ عصا - اربعین حدیث در نکاح - چہل حدیث فضائل القرآن
رسالہ ترکیب لا الہ الا اللہ - رسالہ قراۃ بسم اللہ اول سورۃ البراءۃ المصنوع فی معرفۃ الموضوع
کشف الخد عن امر المحضر معدن العدنی فضائل اویس قرنی - رسالہ در احکام سب دشمنین
اسم الفواض فی دم الروافض - فتح باب العناۃ فی شرح النقایہ - الاحادیث القدسیہ
والکلمات الانسیہ - اعواب القاری - تذکرۃ الموضوعات بتعید العلماء عن تقریب الامرا -

حرب الاعظم - حاشیه مواهب لدنیہ شرح عین العلم وغیرہا

میان مخدوم احمد آبادی نامش مولانا شیخ احمد بن شیخ برهان بن ابو محمد بن ابراهیم بن محمد خان غوری است محمد خان از اولاد سلطان معزالدین محمد مشهور بسطان شهاب الدین محمد غوری بود بکومت ناگوارتیا انداشت مولانا احمد بدعی استجاب شیخ احمد لکھنؤ احمد آبادی متولد شده بایمای شیخ موصوف بنام احمد موسوم گشت وی از علمای صوفیه دیار گجرات است علوم ظاہر از مولانا صدر جہان گجراتی اکتساب نموده و دو دوازده سالگی بہ شرف ارادت حضرت سراج الدین ابوالبرکات سید محمد المشهور بشاہ عالم قدس سرہ شرف گشته و دو دوازده سال و در خدمت ایشان صرف نمود و دوازده سال دیگر با مورتاظر و باطن مشغول بوده بتاریخ بہت و دوم ربیع الثانی سال ہشتصد و ہشتاد ہجری بعد طی نمودن شخصت و چہارم حلہ زندگانے بعالم جاودانی ارتحال فرمودہ و بہ محلہ تلج پور بمحلات احمد آباد گجرات مدفون شد در لفظاً خوالاویہ تاریخ رحلتش یافتہ اند

حرف النون

مولوی سید ناصر الدین محمد ابوالمنصور دہلوی امام فن مناظرہ اہل کتاب بن سید محمد علی ابن سید فایز علی از علمای اعلام ہندوستان در فن مناظرہ مہی دستگاہی کامل دارد و بر مانتش در فن مناظرہ علمای دقت متفق اند کہ تصدیق این بیان از سالہ عین الیقین شدن می تواند باقیسیان نصاری بارہادر مناظرہ غالب آمدہ وی از اولاد سید عبد الغفور قاضی سکت پور کہ وطن قدیمش قصبہ سید آباد عرف وای پور مضاف قنوج است پدرش سید محمد علی ہیریشی زریڈیشی ناگپور بود ہمداران جاسید ناصر الدین محمد ابوالمنصور متولد شدہ اکتساب علوم از والد ماجد و جدا مجد خور نمودہ توراۃ و انجیل با تفسیر عربی و یونانی از علمائے اہل کتاب خواندہ بسیاری کتب بجواب علمای اہل کتاب تالیف فرمودہ گاہی ملازمت کسی نکردہ مگر چندی بہ صاحبست نواب جہانگیر محمد خان رئیس بھویال امتیازی داشت اکنون عمر شریفش شصت و چہار سال رسیدہ تفسیر قرآن مجید بزبان فارسی می نویسد و تفسیر آیہ کریمہ با حدیث صحیحہ مطابق می نماید و شہادتش از توراۃ و انجیل آرد در حقیقت

اکا لیسٹ اہم اللہ تمہ سید موصوف الاقاب بدختر مولوی محمد مہدی نزیل کا پور کہ بعلم و فضل خود
 شہرہ آفاق ہو کہ خدا شدہ دو فرزند نامی و گرامی دار و دیکے مولوی سید نصرت علی دوم سید
 ناصر علی و با فضل بابل و عمال در مدلی قیام پذیرست سلمہ و اولادہ تصانیفہ العالمیہ
 نوید جاوید بحواب سوالات مختلفہ عیسائیہ دولت فاروقی در تاریخ بیت المقدس عقوبۃ الضالین
 جواب ہدایۃ المسلمین مصنفہ پادری عماد الدین استیصال جواب رسالہ مسیح الدجال مصنفہ
 ماسٹر ام چندر رقیمۃ الاولاد جواب نیازنامہ پادری صفدر علی بھٹو داؤدی جواب لغہ
 طنبوری عماد الدین پادری العام عام جواب آئینہ اسلام ساخت پادری یونس انجم انصام
 جواب تفتیش الاسلام مصنفہ پادری راجس تصحیح التاویل جواب تفسیر مکاشفات پادری عماد الدین
 اعجاز قرآن جواب اعجاز قرآن مصنفہ ماسٹر ام چندر میزان المیزان جواب میزان الحق پادری فتنہ
 مجموعہ وعظیادداشت شلاق فی روتہذیب الاخلاق حرر جان جواب رسالہ اہلیت
 قرآن مصنفہ عبد اللہ ارتعم عیسائی بنیان جواب سوالات و دوازدہ گانہ نصاری مصباح الابارہ
 فی رد فتاح الاسرار مصنفہ پادری فتنہ تادیب عونہ تحریف تشویش اقصیس محاکمہ
 عقوبۃ الضالین و ہدایۃ المسلمین تصحیح التاویل تصحیح البیان در جواب تفسیر القرآن مصنفہ
 سید احمد خان رسالہ الحق ترجمیل النزیل تفسیر قرآن زیر تالیف تنترہ لکھنوی انکشاف تریاق
 مولوی شاہ تھن غازی پوری نامش شاہ محمود ابن مولانا شاہ حسام الدین مانک پوری
 جامع علوم ظاہر و باطن بود بعد وفات والد ماجد خود در سال ہشت صد و پنجاہ و سہ ہجری
 بطور سیاحت انانکپہ لغا زیور زمانیہ قدم آورده نصیر خان لوحانی حاکم غازی پور بمعانیہ
 کمالات ظاہر و باطن وی معتقد شدہ دست ارادت بدامن بعیش زندہ داز بارگاہ دہلی ویرا
 بعد میر عدل غازی پور مامور کنانید تمامی عمرش بغازی پور بسر گشت و در سال ہشت صد و پنجاہ ہجری
 رحلت فرمودہ بغازی پور مدفون گردید اولادش بجلہ قاضی ثولہ منحللات غازی پور موجود اند۔
 مولوی نجم الدین خان کوری بن مولوی حمید الدین از خاندان ملکزادگان علویہ قصبہ
 کاکوریسٹ عالم یگانہ جامع فضائل چارگانہ منصب قضی القضاۃ کلکتہ ممتاز بود و معہذا بتد ریس
 افادہ طلبہ علوم لغایت می کوشید تصانیف و تالیف جلیلہ از دیادگان نامتوذجی از سرمایہ

علمی دوست کردی رحمہ اللہ تاریخ بیلج در وفات شاہ غلام قطب الدین الہ آبادی الکتبہ کریمہ دکن
 یخرج من بیتہ الکتبہ بنعمیہ و تخرجه برآورده خالی از لطافت نیست تقریش بلفظ عبارت عربی
 تفویض قلم سونخ نگار میشو و کما نقل المولوی رضا حسن خان الکا کوردی فی رسالہ مطرح الاذکیا و هو
 حامد و صلیا و سلم اتونی الادیب المحقق والاریب المدقق و حید و ہرہ و فرید عصرہ سند الشعر و البلیغ
 الفصحا و صالفا صوغ الثبر الاحمر الشائہ الفائق المنیع و ناظما نظم الدر و الجواہر شعرہ الرائی الیچ
 تاشترک من یخبرہ فی السوادی بذل الی اشعارہ باللسان الفارسی و الفصادی بذل الشیخ غلام قطب الدین
 العباسی الالہ آبادی بذل سلخ و لقیعة المنسلکة فی شہور السنۃ السابغہ و الثمانین الواقعہ فی المائۃ
 الثانیۃ من الالف الثانی من الهجرة النبویۃ علی صاحبہا الالف الصلوۃ و التحیۃ بعد ما خرج من
 وطنہ المالوف مرید الادراک حج بیت اللہ و زیارۃ قبر نبیہ و مصطفاه فی رفقہ صلیا و تبعہ اتقیاد
 و طی مراحل البری ان قعد غارب مرکب البحر فلما وصل الی بلاد الحجاز و نزل من نحر ذلک الجواز
 و لم یکن جیندہ اذ ان الحج و اداء نسک الحج و الحج فی المکۃ المعظمہ لیمت فاقام فیہ شہور ثم سار فی الطیبۃ الطیبۃ
 نادبا اللہ تعالی بہا و ذورا حتی تشرف بتقبیل عقبۃ النبی علیہ الصلوۃ و السلام و زیارۃ قبور بعض
 صحابہ و اہل بیتہ المدفونین فی ذلک المقام فاذا قرب الموسم فرمی معاودا الی ام القری فلحقہ
 فی بعض منازل المرض الویل و ضرب علیہ طبل الرحیل لے ان المائۃ اللہ فی تلک البقعة المبارکۃ
 و دفن ہناک اللہ مرض غنہ شفی کریم و رضاک و مددہ و علیہ سجانہ اجرہ حیث وعت الکتبہ الکریمۃ
 و من یخرج من بیتہ مما جاز الی اللہ و رسولہ ثم یدرکہ الموت فقد وقع علیہ اجرہ علی اللہ و کان اللہ غفورا
 رحیما التی نزلت فی جندب ابن حمزہ حملہ بنوہ علی سریرہ متوجہا الی المدینۃ فلما بلغ التیم شرف علی الموت
 فصفق بینه علی شمالہ فقال اللہ ہرہ لک و ہذہ لرسولک ابالغک علی ما یابج علیہ رسولک فمات حمید
 کما ذکر فی البیضاوی و غیرہ من کتب التفاسیر مناسبتہ نشان ذلک العالم الہام و الحبس
 المقام بل یخرج منها تاریخ عام و وفاتہ بصفتہ غریبہ معجۃ الانعام و طریقہ ان یقال فی معنی قولہ
 تعالی و من یخرج من بیتہ ان لفظ من باعتبار عدوہ الذی ہو تسعون و یخرج من عدو لفظ بیتہ
 اربع مائۃ و سبعۃ عشر فی ثلثمائۃ و سبعۃ و عشرون مما جاز الی اللہ و رسولہ و الحال انہا جرمجوع
 ذلک الی اللہ و رسولہ من جہۃ اعداہ التی ہی اربع مائۃ و اربعۃ عشر لے تلک الاعداد الباقیۃ

بعد الاخراج فقصر سبعاً وواحداً وربعین ثم یدرکہ الموت ای یصلہ عدد لفظ الموت وهو اربعاً و ستہ واربعون فالجموع الف و مایہ و سبعمائۃ وثمانون الذی ہی ستہ ارتحال ذلک العلام اسے دارالسلام دلیعلم ان ذلک تقدیر الغزیر العظیم حیث ودع رکاز ہذا البدیع فی زوایا کلامہ القدیم لیستخرج المعصم بحبلہ المبین عبدہ محمد نجم الدین غفر اللہ لہ ولا یوبیہ و احسن الیہما والیہ انتہی نجم الدین خان قاضی القضاۃ بروزسہ شنبہ سیزدہم ربیع الثانی سال یکترارود و صد و بست و نہ ہجری مولوی حکیم الدین صدر الصدور مولوی علیم الدین صدر الصدور مولوی خلیل الدین سفیر شاہ او دعوسہ اعقاب سمواللقاب گذاشتہ رحلت فرمود مولوی فتح علی جوہری جیند پٹنہ تاریخ فوٹش بسک نظم کشیدہ اناجملہ نیست قطعہ بحر حکمت شمس ملت نجم دین قاضی قضاۃ چونکہ در بارغ جہان با حور علین ہمدوش گشت بے سرفرو بردم بی تاریخ و در گوشم رسید علم و فضل و درس و زہد و دین ہمہ رو پوش گشت

میر نجم الدین بہکرمی ابن میر محمد رفیع رضوان شاگرد و ہمیشہ زادہ مخدوم محمد معین جامع فضائل و کمالات بودہ در حیات استاد و مدرسہ علمی نجو شایستہ کداستہ جمعی طلبہ را کمال رسانیدہ تصانیف غریبہ دار و منجملہ آن در تنج رسالہ منطقہ موسومہ یک روزی رسالہ بہ از دو بزرگتر مشتمل غام شستہ و ریکرد تصنیف کردہ و در فارسی طوطی نامہ را بہ از بخشی بقیہ نشر کشیدہ اشعار نیکو می گفت و غزلت تخلص میکرد در سال ہزار صد و شصت و رکشت

مولوی نجم الدین چریاکوٹی ابن مولوی احمد علی ابن شیخ غلام حسین ابن شیخ سعد اللہ عباسی چریاکوٹی تمام کتب درسیہ را با استدلال و کمالی و مهارت تمام از پدر بزرگوار آموخت و در تکمیل تحصیل را بداشت ضامین کتب و توسیع دائرہ بحث مسائل و اقامت حج و دلائل لفظ نبود و را بتدا شغل تعلیم داشت کنون بہ ان وادی توحی ندارد ایشان نظم و شعر فارسی را بطبع و الالیش رجائی رودادہ چنانچہ نشر یگانہ و بنظم نادر زمانہ است از تصانیف اینقم و س رسالہ ہفت اقسام حسینی در صرف و اعراب اربعہ و در نحو متداول و متعارف آمداہ است شتوی فیض الہی ہم پلہ نیرنگ عشق و شتوی چار ضرب بحالات مختلفہ و کتابے در غرض و قافیہ و قسانہ سیلاب تاریخ طغیان آب کہ بسال ہشتاد و ہشتم صدے

سین و هم بجزت بمقام اعظم گذران جوش و دیای تونس پدید آمده بود و خمسة محمدیه در بیان مسلام
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز از طبع زاد وین مطلع شنوی فیض الهی انیست خداوند
 بچولان معانی بکمیت خامه ام داده روانی بیهم دران شنوی بتوصف تصبه چیا کوٹ گفته
 چریا کوٹ خاتندش عوامش بدلیکن یوسف آباد است تاش بد فلک تا طرح این باباد بنهاد
 ز خاک پاک جنت کرد بنیاد بد چراغ آسمان روشن زد و دوش بد جنت میرسد هر دم در دوش بد
 و له از شنوی چهار ضرب سنی محمد زیم بکام قلم بد بردش در آورده جام قلم و له چنان تنگ شد
 عرصه زمگاه بد که از دیده بیرون نمی شد نگاه و له زجا بجنبه و در گردش است قبله نما بد بجای
 خویش غریب در وطن بی تو و له اگر نام من بی نشان جوی برسی بد همین پس است که آواره
 خاتمان استم بد سلمه الله

مولوی نجف علی ججری سلمه الله الخاطب تاج العلماء محمد نجف علی خان ابن محمد عظیم الدین قاضی
 تصبه جهم از اکابر فضلاء روزگار ببارگاه نواب عین الدوله وزیر الملک محمد علی خان بنسادر
 صولت جنگ فرمانروای محمد آباد ٹونک بسک ملانان منسلک و در قابلیت و استعداد
 علمی مشا الیه اقران است ذہن و قادی طبع شاعرانه و تصانیف کثیره دارد از بخله کافل الاسعاد و
 شرح قصیده ہانت سعاد و تکلمه صولت فاروقی زائد از پنجاه ہزار شعر بہ بحر ستقارب و سحر الکلام
 شرح مقامات حریری بزبان عربی بصنعت اہل و تفسیر غریب و شرح دیوان متنبی و شرح حماس
 و حاشیہ مطول و تیسر شرح و سائر یازندی رمان و سفرنگ شرح دیگر و سائر دری زبان
 و علاوہ ازین پنجاه رسائل بالسنہ خمسہ کردی و یازندی و عربی و فارسی دارد و عبارات ازان
 مصنفات مکملہ وی ہستند و بسال دعانہ صد و نود و پنج ہجری از بارگاہ آقاے نامدار
 مامور شدہ است کہ تصانیف ثلاثہ یعنی ہانت سعاد و قصیدہ برمدہ و قصیدہ امالی بین الطول
 و الاختصار ہر قصیدہ ساسہ سہ شرح بزبان عربی و فارسی وارد و برنگار و تا عموم افادہ را
 ضمین و کفیل باشد اللهم لیسر ولا تعسر

مولوی نجف علی سندیلی ابن بدوش علی بن چودھری نصرت اللہ شاگرد مولوی حمید علی
 سندیلی بود مذہب شیعہ و پیشہ لکری داشت کتابی در تاریخ خاتمان سنانای و حول پور تصنیف

منوہ بتایخ بست و ششم دیکھ سال دوازده صد و پنجاه و پنج هجری برض فلج وفات یافته -
مولوی نصر اللہ خان ساکن خوجا قبیلہ فاغنہ خویشگی نامش عبد الحلیم بود و جدت مولو
 احمد علی چرباکوٹی وغیرہ علمای عصر اکتساب علوم متداولہ رسمیه کرده استعداد کامل حاصل نمود
 و مدام بمزاولت علمی می پرداخت در سرکار انگریزی بعدہ دہلی کلکتری معزز بوده بعد استحصال
 حق تقاعد از ان سرکار بر کار نظام حیدرآباد بمنصب صدر تعلقہ دار سر فزائی یافته کتاب
 ارشاد البلید فی اثبات التقلید و شرح رباعیات یوسفی در طب و شرح خلاصہ کیدانی در فقه
 وغیرہ رسائل از تالیف وی اندک سال دوازده صد و نود و نہ هجری وفات یافته

مولوی نصرت علی خان دہلوی قیصر مخلص ابن مولوی ناصر الدین محمد ابو منصور
 امام فن مناظرہ اہل کتاب بن سید محمد علی ہفتم شوال سال دوازده صد و شصت و چہا و ہجری
 متولد شدہ علوم رسمی با استعداد حاصل نمود ماہر زبان فارسی و عربی و ترکی و انگریزی و ہندوستان
 مطبعی بنام نصرت المطالع اجرا فرمود کہ از ان نصرت الاخبار و ناصر الاسلام و مہر درخشان
 جو اہل ہند و عربیہ و فارسیہ شائع می شوند با ترجمہ صاحب ترجمہ بلیاقت ذاتی خود شہرت تمام
 در ممالک ہند و ایران و روم و مصر و فرنگستان پیدا کردہ و از بارگاہ سلطان روم عطاے
 تمغای مجیدیہ فی زمانہ بنام الاقران ممتاز است تصانیف مشہورہ فقید عام و تعلیم زبان اردو
 و فارسی و عربی و انگریزی نصرت اللغات در لغات اردو و فارسی و عربی و انگریزی مرآت
 السلاطین در بیان حالات تاریخی سلاطین روی زمین مع تصویر ہر یک نقشہ عمارات مشہورہ
 جو اہرہ بی بہار سالہ خوشنویسی مشتمل بر خط نسخ و تعلیق و تعلیق و کوفی و شکست و شفیعہ و جہی و طغرا
 و گلزار و غیرہ سراب عالم اسباب در ذکوئی ثبات بودن دنیا وافیہا تبصرہ تاریخ سلطنت
 روم چہا ہز و اہر مشتمل بر قطعات مختلفہ ریختہ قلم خوشنویسان نامور احسن الدلیل فی معلومات
 التوراة والا انجیل بطور فرہنگ ہر دو گلدستہ شاداب در مناظرہ اہل کتاب کلمہ الحق قصہ حضرت
 منصور بہ تطابق حالات عیسی علیہ السلام رحمت عظیم در ذکر ادبیات کرام گلدستہ رؤسای
 حالات تاریخی نوابان و راجگان ذخیرہ حسنات مشتمل بر غزلیات شعرائ عربی و فارسی و اردو
 و در مدح سرور انبیاء علیہم السلام تاریخ انگلستان صلاح فلاح در ترغیب کمال ایامی تاریخ

مدینه منوره و مکه معظمه تالیف و تعلیم زبان ترکی اردو فارسی عربی انگریزی انشاء نصرت بزبان فارسی اردو عربی تعلیم بلا معلم معلم چیل زبان تحریف الخیل ضیاء النورین تحطیه معیار ذخیره نصرت نصرت العلوم والفنون -

قاضی نصیر الدین گنبدی دانشمند تبحر و درویش کامل بود و چیزی از دنیا نداشت و باریا دنیا التفاتی نمی کرد و گویند که طلبه علوم ایشان در بخیر و رخصت افتاده می ایستادند تا بسبب ضعف فائز بر زمین نیفتند منقول است و قتی که قاضی شهاب الدین حاشیه کافیه نوشته بخیر است او فرستاده التماس نمود که ایشان این حاشیه را درس گویند تا قبول دیگر یابد وی بجهت علیه اشغال باطن ما برای سد باب بحث و نزاع نظر اجمالی بر آن انداخت و گفت خوب نوشته اند احتیاج درس گفتن نیست تبرش در جوینور است

مولانا نصیر الدین محمود اودهی ابن یحیی بن عبداللطیف یزدی در خطه اوده ولادت یافته اولاً پیش مولانا عبدالکریم شروانی که از دانشمندان وقت بود تا به پایه و بزودی تحصیل نموده بعد از آن پیش مولانا افتخار الدین محمد کیلانی از بهر علی نقیسی بمولود شده در سبست پنج سالگی ترک دنیا نموده بخرید اختیار کرده بر ریاضت و عبادت پرداخت و بعد چهل سالگی از دیار اوده بدلی آمد بسعادت ارادت حضرت شیخ نظام الدین اولیا مشرف شده اشهر و اعظم خلفای حضرت موصوف و صاحب ولایت و بی گشت چنانچه حالات شگرف وی و اخبار را لا اختیا و تذکره الاصفیا تفصیلاً مذکور اند تاریخ هجری دهم رمضان سن هفتصد و پنجاه و هفت هجری رحلت فرمود رحمه الله علیه

قاضی نصیر الدین برهانپوری دلتا قاضی سره الدین از مشاهیر فضلاء عصر است در هیزده سالگی شکر الله خان مخاطب افضل خان شیرازی را از موم کرد و شیخ علم الله که علم علمای آن وقت و نیز خسرش بود با و بر نیامدی چون قاضی بهر قسم حدیث را ترجیح میداد و انکار قیاس می نمود و حدیث علمای استی کانیار بنی اسرائیل را موضوع میگفت شیخ علم الله با وجود نسبت دامادیش فتوی بسوختن و شستنش داده محضری نوشت غیر از شیخ محمد فاضل الله و شیخ عیسی که از اعظم مشایخ آنجا بودند همه علماء بر آن مهر کردند چون خان خانان محمد قاضی بود و آن دو عالم

مہر نکرہ و مفرتش زرسیدہ پس وقتیکہ جہانگیر بادشاہ برخانخانان اعتراض فرمودہ و مدعیان آن ماجرا
 بعرض رسانیدند فرمان بطلب قاضی نصیر الدین و شیخ علم آمد رسید شیخ نزد ابراہیم عماد الشاہ
 بہ بیجا پور رفت و قاضی بہرستان شافعی بطوف حسین و زیارت اکنہ شریفہ فائز شدہ
 بعد پنج سال غم وطن نمود جہاز بدست فرنگیان رفت فرنگیان کمالات قاضی شنیدہ نزد شاہ
 خود بردند و ادبیکدی بالیست بجانیاورد گفتندش چہ خدمت سلطان نکردی گفت آدابیکہ شاہجا
 می آرید از ما می آید از انجا رہائی یافتہ بہ بیجا پور رسیدہ ابراہیم عماد الشاہ دوسہ کردہ استقبالش کردہ
 با خود برد جہانگیر بادشاہ این ماجرا شنیدہ فرمان طلب فرستاد حکیم خوشحال سپہر حکیم ہمام را تاکید
 فرمود کہ ویرا روانہ اردو کند بطوکار با انجا روانہ شدہ بہ برہانپور وطن خود رسید و عزم ہاجریم کرد کہ
 از خانہ بیرون نیاید و خلل این حال شاہجہان از طرف والد خود بصوبگی کن مہر فرزند گشتہ دارد و برہانپور
 شدہ قاضی را طلب فرمود قاضی از ان امانت نمود آخر بحیلہ حوالہ نزد شاہزادہ شاہجہان آمد و آداب
 بجانیاورد شاہزادہ از انجا طر نسجیدہ فرمودہ قاضی مشتاق تو بودیم گفت بحیثیت فرمود کمالات
 ترا شنیدہ قاضی گفت آن حالت در من نماندہ با جملہ صحبت بدلال کشید قاضی را جبرار و ازہر گاہ
 نمودند چون بمستقر الخلافہ اگرہ رسیدہ در راہ کہ سواری بادشاہ از باغ سوئی دولتخانہ میرفت ملازمت
 نمودارادہ تسلیم کرد بادشاہ دستش گرفتہ با نحو شش کشید پس از چند روز رخصت برہانپور یافتہ
 بقیہ عمر در مضیات آبی بسر بردہ درس ہزاروسی و یک ہجری در گذشت

مولوی سید نصیر الدین برہانپوری الملقب بحیدر اللہ علیہ رحمۃ اللہ جامع کمالات دینی و دنیوی
 ماہر علوم صوری و معنوی فاضل فضل محمد شاہ اجل فقیہ اکمل خلف و تلمیذ سید جلال الدین عرف
 اللہ دالی صاحب برہانپور سیت و سید جلال الدین از اکابر عرفای عہد و اعظم زہاد شاگرد رشید
 مولانا شاہ عبد الغرید دہلوی بود سید نصیر الدین فقہ و حدیث و تفسیر از والدیابہ خواہ ذکر کردہ کامل
 کمل گشت تصانیف کثیرہ دارد از انجملہ کتب ذیل مشہور اند ذریعۃ الاستشفاع فی سیر
 سید المطلاع مستوفی المحقوق فی ذم العقوق - روضۃ الرحمان فی فضائل رمضان - صاعقہ الزاہم
 علی الفرقة الوہابیۃ الکذابیہ - ایضاح الامتداد - ساطع الاتواہین - کلام سیدالابرار تیسیر فی مہمات
 التفسیر - برہان الہدی فی تفسیر الرحمن علی العرش استوی - لباب النقل - برہین ساطعہ

تنبیه الاهیاء کشف المعضلات رفالیه مقامتین - و غیره بافتاش بسال دوازده صد و دود
و دوجری دربریا بنور وقوع یافته رحمة الله علیه

مولانا نظام الدین محمد بدایونی قدس سره نام نایبش محمد بن احمد بن علی البخاری نقیب
ادسلطان المشایخ و نظام الدین اولیا است وی خلیفه شیخ فریدالدین گنج شکر از محبوبان مقربان
درگاه الکی بود اوصاف حمیده او بدفاتر گنجایش ندارد جدا و علی بخاری و جدا مادریش خواجه عرب
هر دو از نجاران آمده مدتی بلاهور بودند بعد در بدایون سکونت اختیار کردند پدر وی خواجه احمد در
صفر سن از سرش رفت مولانا چون بزرگ شد والده ماجده او را در کتب سپرد و کلام الله خواندن
دیگر کتب خواندن آغاز کرد در صفر سن که عمرش به دوازده سال رسیده بود کتب لغت می خواند
بعده انان بقصد تعلیم بدلی آمد و تحصیل علم کرد و پیش شمس الملک که صدر ولایت بود تلمذ کرده علم ادب
و حدیث خواند طلبه علوم ویران نظام الدین بجای می گفتند زان بعد بشوق ارادت شیخ فریدالدین
گنج شکر با جود حسن رفت و وی در آن زمان بست ساله بود شش میبایه قرآن مجید پیش شیخ
فریدالدین تجوید و کوشش باب از عوارف نیز سز کرد و تمهید البشکور سلمی و فیض کتب دیگر نیز پیش شیخ
خواند بعد بانعت خلافت مشرف شده بدلی آمد و قبولیتی که دیر دست و او اظهر من الشمس است از
تفضل آن کتب سیر اولیا و ملفوظات و مکتوبات مشایخ کرام مملو اند بتایخ سیزدهم ربیع الآخر
سن هفتصد و بست و پنج جری رحلت فرموده بدلی مدفون گشت یزار و تیرک

شیخ نظام الدین میٹھوی در ابتدای حال تحصیل علوم بکتبہ مروجہ دست شیخ معروف
چشتی چونپوری نموده که مرید مولانا آمد و شارح کافیه و غیره بود چونکه فطرت عالی داشت همواره
چشم پر ورق بسته و دل بحق پیوسته بود سلوک و جذب در وی بهم پیوسته از ملازمت ذکر و
شغل یا من غافل نبود آخر مرید خلیفه شیخ معروف موصوف گشت و از شیخ رخصت ارشاد
و تکمیل یافته بقصبه ایٹھی پاداسن قناعت کشید جز بمسجد جامع جی جای رفتی مگر گاه گاهی
بخیر آباد بنا بر زیارت فرار مخدوم شیخ سعد و ملاقات شیخ اللہ یاخیر آبادی یا به گو یا مو بتقریب
آشنای قاضی مبارک گو یا موی قدم رنج فرمودی وی از سماع پر بهن کردی و مریدان را نیز
انان منع نمودی و فرمودی که در اختلاف پرا یا یافتاد اگر تقلید کنند باید که تقلید او اعلی و

کھان تھان کنندہ مادی در عبادات و معاملات بر کتاب احیاء العلوم و عوارف و رسالہ مکبہ و
آفتاب المریدین و امثال آن بود و پیش از نماز جمعہ نماز ظہر را بجماعت میگذارد و بعد از آن
نماز جمعہ خواندی و در خطبہ اصلاح پادشاہان بنودی مرید ہم بر سبیل بندت گرفتگی و شغل ننگی
و تلقین نکردی ملا عبد القادر بدایونی رحلت وی در سن نصد و ہفتاد و نہ و شیخ عبدالحی محدث
دہلوی وفاتش در ستہ احدی و ثمانین و تسعمائہ نوشتہ با آنکہ ہر دو معاصرند و اللہ اعلم بالصواب
شیخ نظام الدین تہانیسری بن شیخ عبد الشکور عمری تہانیسری جامع علوم ظاہری و باطنی
حاوی کمالات صوری و معنوی واقف رموز شریعت و طریقت و معرفت و حقیقت مرید
خلیفہ شیخ جلال الدین تہانیسری بود و غرائب علوم ہجو کیمیا و غیرہ می دانست چونکہ مصارف
اودا آمدنی نذیر بود بسعایت حاسدان اکبر شاہ ویراد و بارانہند جلای وطن کردہ و در اخراج اول
بحرین شریفین رفتہ بعد شرف زیارت ہند واپس آمد چون بہ برہانپور رسید شیخ عیسیٰ سندھی
مع اعیان خود یا برہنہ استقبال او کرد و از مستفید و مستفیض گشت و در اخراج دوم ہجرت رفتہ والی
انجام میداد و شد شرح سوانح امام غزالی و شرح لمعات و تفسیر نظامی و رسالہ حقیقت و رسالہ بلخ و غیرہ
از تصانیف وی یادگار اند بسال ہزار و بست و چہا ہجری رحلت فرمودہ و مرقدش بخارج
ملا نظام الدین سہالوی فرزند سوم ملا قطب الدین شہید سہالوی است تحصیل علوم متعارفہ
بعد شہادت والد ماجد خود از حافظان اللہ بناسی و مولوی قطب الدین شمس آبادی نمودہ
فاتحہ فرغ پیش مولوی غلام نقشبند لکھنوی خواند بالجلہ وی در فرزندان مولانا شہید و حیدر عمر
و فرید و ہر جامع علوم ظاہر و باطن بود کہ بمقابلہ تدریس او گرمی تدریس ہمہ مدرسین و فضلاء دیار
فر و نشست مردمان اقطار و ہمار بعبیدہ از اطراف و جوانب مشارق و مغارب بروانندہ ہمیش
مستفید و بہرہ اندوز شدند تا اینکہ در تمام ہند وستان کسی باشد کہ از احاطہ تلمذ وی و فرزندان
مشاگردانش بیرون افتد و در معقولات و منقولات کتب مبسوطہ تصنیف فرمودہ و بخدمت سید
شاہ عبدالرزاق بالنوی قدس سرہ شرف بیعت حاصل کردہ استفادہ کامل برداشت حضرت
سید قدس سرہ و دیگر یکی از افراد ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات می شود عالمی از علوم و معارف
باطن خود مستفید گردانید و خلقی کثیر بجلالت بیعت او درآمدند و بجز غیر از علما و فضلاء نامدار

از دامن تربیت و تعلیم وی برخاستند و همزاد وی رحمه الله تعالی بنفوس و بلی نفسی نظیری نداشت
 و خود را تا چیز محض می انگاشت و شب و روز بعبادت و ریاضت می پرداخت و نیم مجاهدی ملاطفت
 سال شصت و یکم بعد صدی یازدهم ازین جهان فانی بعالم جاودانی شتافت اگر چه احد بنعمیم الجنات
 تصانیفہ الرالیقات حاشیه شرح ہدایہ الحکمۃ مصنفہ علامہ صدر الدین شیرازی شرح مسلم الثبوت
 صبح صادق شرح منار شرح میا زریہ - حاشیہ شمس بازغہ - حاشیہ شرح عقاید دولی بلغوظات
 بشاہ عبدالرزاق بالنسوی قدس سرہ

قاضی نظام الدین احمد آبادی کجراتی ابن مولانا نور الدین بن شیخ محمد حافظ قرآن فاضل
 محقق و مدقق در فن ریاضی دست رس او شصت و ہجہ و ہجہ لائق در انشا و شعر از ہجہ فائق بود و بصحبت
 سلاطین و امار رسیدہ از حصول خلاصہ فافزہ و فیل مبانی شدہ در سال یک ہزار و یکصد و پنجاہ و یک
 ہجری بمنصب قضای احمد آباد از پیشگاہ شاہ دہلی سردازی یافتہ راجع وطن گردیدہ و ارجا سے
 احکام شریعہ بدل جہ نمودہ در سن ہزار و یکصد و شصت و سہ ہجری تجمانہ کفار کہ اندرون شہر
 بحاکم شاہ پور متصل مسجد احداث کردہ بودند و ہنگام نماز و اذان نا قوس سے فواعتند و مسلمانان را
 از بیت می رسانیدند با وجود غلبہ کفار بلا اعانت صوبہ دار با جماعت مسلمین بران تجمانہ تاختہ
 سمار ساخت از استماع این خبر احمد شاہ بادشاہ دہلی خوش گردیدہ خلعت خاصہ و فیل مادہ
 فرستاد و دوازدهم ذیقعدہ سال یک ہزار و یکصد و شصت و پنج ہجری از عالم فانی بسری جاودانی
 رحلت فرمودہ و در پہلوی بہر طرف شرقی مدفون شد در سالہ الفیضیلت عالم و رسالہ میزان الساعۃ
 و تفصیل الفصول در سالہ کتموہ و رسائل و دیگر انایشان یادگار ماندہ

شیخ نظام برہان پوری تلمیذ تاسفہ نصیر الدین برہان پوری بہرتیہ اعلیٰ کہ عالمگیر نظم صوبہ دکن
 بعالم شہزادگی ستین بود شیخ را با خود ملازم گرفتہ شیخ قریب چہل سال بخدمتیش ماندہ بمنصب ہزار و
 پانصدی سرفرازی یافتہ و رفتاری عالمگیری سعی فرادان نمود و از کورش و دیگر کالیف معفو بود
 بانگہ بنین عمرش از تمانین تجاوز کردہ و در قوی تفاوت نہشت

قاضی نظام بدخشی شہساز از بدخشانست شاگرد ملا عصام الدین نیز از ملا سعید مستفید شدہ
 عالم غنی و بدخشان و ماوراء النہر بود در تصوف و سہرہ دانی داشت و بخدمت شیخ حسین خوارزمی

بیست نموده نهم محمادی الثانی سال نصد و هشتاد و دو و هجری بمقام خان پور مضافات جوینور بکلاست
جلال الدین محمد اکبر بادشاه باریاب شده رعایت بی اندازه یافت ویرا دلا قاضی خان و ثانیاً
غازی خان خطاب داد و فصیح زبان و خوش بیان بود قصایف معتبره دارد و آنرا بجمعه رساله در علم
کلام و بیان ایمان تحقیقی و تصدیقی است و بر شرح عقاید حاشیه نوشته و در تصوف رسایل متعدده
تصنیف و تالیف کرده وی اول کسی است که سجده تحیت پیش بادشاه در فتح پور داد و نمود و اعوذ
با الله من شرور انفسا و بسن هفتاد و سیالگی سال نصد و نود و دو و هجری در او دعوایات یافت -
مولوی نعمت الله فرنگی محلی بن ملا نور الله بن ملا محمد علی بنده قاضی غلام مصطفیٰ کھیل
علوم رسمیه بخدمت والد ماجد و عم خود ملا ظهور الله نموده در ابنای جنس سر پر آورده بقانون عقلی و
عقلی خصوصاً در حل ریاضیات ید طولی داشت وی از بس خفیف الجمله و نازک دماغ بود با کسی
تمام تکلم می فرمود که جلیس قرینش سخن او بدقت می فهمید ابتدا بعد شاهی منصب عدالت فیض آباد
داشت بعد برای چندی بمقتضای اتحاد حکیم کاظم علی خان موہانی وزیر با سدهای رئیس سمت
بروده ملک کجرات تشریف برده در سن هزار و دصد و نود و دو و هجری جهان بے بود را پدر و دهنسر مود

رضوان الله علیه

مولوی نعیم الله پیرایگی علوی نسباً خفی مذہباً مجددی مشرباً بکمال علوم ظاہری بقصد اکتساب
طریق باطن کمر همت بسته بر آستانه فیض آشیانه حضرت مرزا مظہر جان جاناں قدس سرہ جمین
نیاز سووده در مدت چهار سال اکتساب برکات طریقه علیہ مظهریہ نمودند و بمرتبه کمال رسیدہ
اجازت مطلقہ یافتہ بوطن مالوت مراجعت فرمودند و سرع و توکل و قناعت شعارشان بود و در
بلدہ لکھنؤ محلہ بنگالی ٹولہ برخی از ایام اقامت فرمودند و مسجدی بنا کردند و ہدایت طالبان حق
می برداختند از تالیفات او شان کتاب معمولات مظهریہ مشہورست و ذات شان در بلدہ براج
بسال دوازده صد و ہجده ہجری اتفاق افتادہ بعد از آنجا مدفون شدند رحمۃ الله علیہ -
مولوی نعیم الله فرنگی محلی ابن ملا حبیب الله ابن ملا محمد علی محلی برادر فرزند مولوی
ولی الله تحصیل کتب و رسم بہ تکمیل رسانیدہ بعد نشی بسر برودہ در علم حساب و فرائض مبارقی
کامل داشت شانزدہم شوال شب شنبہ سال دوازده صد و ہشتاد و دو و ہجری داعی اہل را

لبیک اجابت گفتہ بجلد برین شتافت مولوی لطف اللہ مادہ تاریخ و فائش چنین یافتہ
مصرعہ بقصر جنت المیا ویش دیدم

حاجی نعمت اللہ نوشہری انا ولد ملا مہدی علی کڑوی است شاگرد شیخ الاسلام
امان اللہ شہید صاحب ریع و تقویٰ بود بسال یازدہ صد و ہشتاد و دہم بمی وفات یافت
مولوی تقی علیخان بریلوی ابن مولوی رضا علیخان ساکن بریلی رسیدیل کھنڈ غرہ رجب
سال چیل و ششم صدی سیزدہم ہجرت متولد شدہ بخدمت والد ماجد خود تعلیم و تربیت یافتہ از استفادہ
علوم درسیہ فراغ حاصل کردہ ذہن ثاقب و رای صائب و ہشت خالق تعالیٰ دیدہ بعقل معاش
و معاد ممتاز اقران آفریدہ بود علاوہ شجاعت جبلی بصفت سخاوت و تواضع و استفادہ موصوف بود
و عمر گرانمایہ خود با شاعت سنت و اناکہ بدعت بسر بردہ اعلان مناظرہ دینی ستمی بنام تاریخی
اصلاح ذات بین بتاریخ بخت و ششم شعبان سال دوازدہ صد و نو و دسہ ہجری شائع فرمودہ
و در مسئلہ امتناع مماثلت رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم سعی موفورہ بکار بردہ کہ رسالہ تنبیہ الجمال
بآن خبر میدہد و بسال نو و چہارم صدی سیزدہم بخدمت سید آل رسول ماریہ وی بیعت نمودہ
مثال خلافت و اجازت جمیع سلاسل جدیدہ و قدیمہ و سند حدیث حاصل کرد و بسال نو و پنجم صدی
سیزدہم بزیارت حسین شریفین شرف اندوز شدہ از سید احمد زین دحلان و غیرہ علمای مکہ معظمہ
مکرراً علم حدیث را استناد کردہ سلخ زلفقہہ سال نو و ہفتم صدی سیزدہم ہجرت داعی اجل لبیک
اجابت گفتہ بروضہ رضوان پیوست روح اللہ روحہ و نور ضریحہ تصانیفہ الفائزۃ الکلام الاوضح
فی تفسیر الم نشرح مجلدیست ضخیم و سبلۃ النجاة در سیر سید عالم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
سرور القلوب فی ذکر المحبوب خلاصہ و سبلۃ النجاست چہا ہر البیان فی اسرار الارکان در بیان
صوم و صلوة و غیرہ ارکان دین اصول ارشاد و تصحیح مبانی الفساد در ابطال بدعت نجدی ہدایت
الہیہ الی الشریعۃ الاحمدیہ در در فرق متعددہ کہ درین زمان بفساد انگیزی انگشت نمائند
اذانہ الاثم لما نعی عمل المولد و القیام اذانہ الاوہام ہر فرقہ نجدیہ ترکیتہ الایقان فی رو
تقویۃ الایمان فضیل العلم و علما الکواکب الزہراء فی فضائل العلم و آداب العلما الروایۃ الرویہ فی
الاخلاق النبویۃ التقادۃ التقویۃ فی المحضات النبویۃ لکۃ انبراس فی آداب الاکل و

اللہاس التملکین فی تحقیق مسائل الترتین ^{۱۴} حسن الادب الادب الحاخاطبہ فی المحاسبۃ والمراقبہ۔
 ہدایۃ المشائق الی سیر الانفس والافاق ارشاد الاحباب اس کے آداب الاحساب ^{۱۵} اجمال الفکر
 فی مباحث النکر عین المشاہدہ ^{۱۶} حسن المجاہدہ تشوق الاداۃ الی طرق محبتہ اللہ نہایت السعاده
 فی تحقیق الممتہ والارادہ اقوی الذریعہ الی تحقیق الطريقہ ^{۱۷} ترویج الارواح فی تفسیر سورۃ الانشراح
 قاضی نور اللہ شوستری شیعی مذہب بصفہ عدالت و نیک نفسی و حیا و تقوی و حلم
 و عفاف موصوف و بعلم وجودت فہم وحدت طبع و صفای قرینہ معروف بود صاحب تصانیف
 لائقہ انما نجلہ کتاب مجالس المؤمنین است توثیقی بر تفسیر محل شیخ فیضی نوشتہ کہ از خیر تعریف
 و توصیف بیرون است طبع نظمی داشت بوسیلہ حکیم ابوالفتح ہمازمت اکبر بادشاہ بیہو است
 شیخ معین قاضی لاہور کہ بوجہ ضعف پیرانہ سالی مغول شدہ بجائش قاضی نور اللہ بعدہ تصنائے
 لاہور از حضور اکبری منصوب گردید و انصرام آن عمدہ بدیانت و ملائمت کردہ دین ہزار و نو زدہ
 ہجری وفات یافت

اخوند نور المدی کشمیری ابن اخوند عبد اللہ مقیم السنۃ ملقب بعلامۃ الوری در یازدہ
 صد و بست و نہ ہجری ولادت یافتہ از والد خود ملا سعد الدین صادق و شیخ رحمۃ اللہ تحصیل علوم
 کردہ بمرتبہ افادت رسید و مدام بنشر علوم و افادۃ طلاب بسری ہر ملا مقصود متودیر نظام الدین
 و بابا اسد اللہ و ملا محمد ولی و شیخ الاسلام مولوی قوام الدین محمد و غیرہ علمای کشمیر از تلامذہ و
 مینوی رحمہ اللہ ملا عبد اللہ و ملا محمد انور کہ ہر دو صاحب علم و فضیلت بودند عقب خود
 گذاشتہ بہ ماہ جمادی الثانی سال یازدہ صد و نو و نہ ہجری رحلت کرد

مولوی نور احمد بدایونی ابن مولوی محمد شفیع ابن مولوی عبد المجید بدایونی از اکابر علماء
 صلحای بدایون است بسال سی و دوم صدی سیزدہم ہجرت متولد شدہ تحصیل تکمیل علوم عقلیہ
 و نقلیہ بخدمت مولوی فیض احمد بدایونی نمودہ مرید شاہ عبد المجید بدایونی بود غیر از تدریس و تعلیم
 طلبہ کاری دیگر نہ داشت شمار تلامذہ وی بالوف رسیدہ باشند وی صاحب برکت بود کسیکہ
 سبقی از او برگرفتہ از علم محروم نمائد امروز در بدایون و اطرافش کسی کم یافتہ مے شود کہ از سلسلہ
 تلمذ وی بیرون رود بہ ماہ جمادی الاول سال دوم صدی چہار دہم ہجرت بجلد برین شتافت

اوله السید مجبوتہ الجنان -

میر نور الہدی اورنگ آبادی ابن سید قمر الدین اورنگ آبادی تلخ ہستم بیچ لال
سال یکتراند یکصد و پنجاہ دسہ ہجری در اورنگ آباد متولد شدہ شاگرد و مرید پدر خود بمسرتزہ
سالگی از تحصیل علوم در سیفرغ حاصل کردہ قرآن مجید حفظ نمود و ہمراہ پدر بزرگوار بزیارت حرمین
شریفین کامیاب شدہ بوطن مالوف واپس آمد عمر گرانمایہ با فادہ و تدلیس گذرانیدہ و بر کتاب
مظہر النور مصنفہ والد خود شرحی نوشتہ سال وفاتش معلوم نیست احسن اللہ الیہ والی والدہ
مولانا نور الحق دہلوی ابن مولانا الشیخ عبدالحق محدث دہلوی شاگرد والد خود و مرید خواجہ
محمد مصمم نجدی است در عہد شاہجہان بادشاہ رونق بخش منصب قضای اکبر آباد بود و
تصانیف بسیار اندازہ بجمہ تیسر القاری فی شرح صحیح البخاری و شرح صحیح مسلم مشہور اند و مرید سالی
در سن ہزار و ہفتاد و سہ ہجری رحلت فرمودہ اناللہ وانا الیہ راجعون

ملا نور الحق فرنگی محلی خلف اکبر ملا احمد انوار الحق بن ملا احمد عبدالحق عالم ظاہر و باطن خلیفہ
خاص والد ماجد خود بود بتدلیس علوم و یاد الہی مشغول می ماند و بیاسداری خاطر بندگان خدا
و انکسار نفس شہرتی داشت بست و سوم ربیع الاول شب یکشنبہ سال دوازده صد
سی و ہشت ہجری رحلت فرمودہ شعرای دقت تاریخ فوتش بسکک نظم کشیدند از ان حلقہ
بسل گفتہ قطعہ پئے تاریخ تحلیش چوبہل و در معنی بہ ملک فکری سفت بہ سروش غیب ناگہ
بادل ناز بسوی حق برفہ نور حق گفت بہ دیگری انجین گفتہ قطعہ آن نور کہ بود نور انوار بہ
در نور چو آن ظہور پیوست بہ دل کرد خیز نور پاکش بہ در جلوہ نور نور پیوست بہ شاعرے دیگر
گفت قطعہ علامہ معصوموی نور الحق بہ جاز باجل سپردیہات ایوای بہ تاریخ وفات او
نمودم مرقوم بہ نور الانوار مرید دیہات ایوای بہ

نور الدین محمد ترخان سفیدونی نوری تخلص جامع اقسام ہند سہ در ریاضی و نجوم و حکمت
و کلام از جملہ مصاحبان ہما از نصیر الدین محمد ہمایون شاہ بود بذل وجود و نثار دایثار و خوش صحبتی
داشت بنا بر ان بخطاب ترخان مفاخرت یافت در اشعار دیوانی ترتیب دادہ
چونکہ جایگاہ دار بکنہ سفیدون از تواریخ سر ہند بود ہندادی را سفیدونی می گفتند در او اہل عہد

جلال الدین محمد اکبر شاہ سال ہنصد و ہفتاد و شش ہجری جوئی بی اندریای چین کنندہ زائد پنجاب کوہ بجانب کرنال بردہ کہ مردم ازان آب زراعت کردند و باعث رفاه عامہ رعایا گردید چون آن نہر بقرب ہمان ایام کہ شاہزادہ سلیم بجان شیخ سلیم چشتی تولد یافتہ با تمام رسیدہ و اکبر شاہ شاہزادہ سلیم با شیخو بابا میگفت آن نہر را باسم شیخونی موسوم کردند کہ ازان سال با تمامش نہر بری آید و بی بکسر نون ویای شناتہ تھانی معروف بزبان ہندی جوئی را گویند زانیکہ اکبر شاہ بر سر حکیم مرزا حسن ہنصد و ہشتاد و نہ ہجری لشکر کشید خان مذکور مختلف نمودہ از پنجاب باز گشتہ بجاکیر خود رفت این معنی موجب بدگمانی بروشد بعد از مراجعت بفتح پور رسیدہ ویرای پای حساب کتاب کشیدہ چند سال زارش کردند آخر شکستگی تمام از درنگنا درست بحال و راہ یافتہ چون اکبر شاہ بسال ہنصد و نود و چہار ہجری جانب اکمل تشریف فرما شد وی را بتولیت مقبرہ ہمایون نامزد فرمود ہما بجا ہمان سیال دفات یافت

مولانا شیخ نور الدین احمد آبادی کجراتی ابن حاج الحرمین الشریفین شیخ محمد قدس سرہا ولادت ایشان دہم جمادی الاولی سال یکزار و شصت و سہ ہجری وقوع یافتہ از بدو فطرت واصل جبلت داعیہ خدا طلبی و طلب علمی در سر داشتہ چنانچہ کتاب گلستان سعدی علیہ الرحمۃ و صغریٰ بامعانی پیش والدہ ماجدہ خود در ہفت روز خواندہ بود و تحصیل اکثر علوم ظاہری از اخوند مولانا احمد بن اخوند مولانا سلیمان نمودہ و علم باطنی و قرأت و حدیث در خدمت سید محمد ابوالمجد محبوب عالم با تمام رسانیدہ خلافت و ارادت سلسلہ شہروردیہ و جمیع سلاسل از آنجناب داشتند و در علم عربیت یگانہ آفاق بودند شہرہ علم مولانا در تمام اطراف و کناف عالم رسید و مردمان دور و نزدیک از اطراف رسیدہ در مدرسہ موسومہ ہدایت بخش سکونت و زندہ تحصیل علم از مولانا مے نمودند و فرخور خود موقوف مے بودند ہزار ہا مردم از صحبت کثیر البرکت ایشان بہ تربت کمال رسیدند با جملہ ذات شریفش نمونہ بزرگان پیشین بود و علاوہ اود و وظائف مقررہ روزانہ یک ختم قرآن مجید میکرد و ہر شب دو بار صلوٰۃ اللیل میگذازد و ہر بار کہ پہلو میگردد ایند نہار بارہ روز شریف مے خواندند و از عمر یازدہ سالگی تا آخر اربعین اعتکاف فوت نہ شدہ در ہزار و چہل و سہ ہجری بزیارت حرمین شریفین زاد ہما اللہ شرفا

و تعظیماً مشرف شده ب وطن خود مراجعت نمودند چون عمر گرامی نبود و یک سال کامل رسیده
 بنصف النهار یوم سه شنبه نهم شعبان سال هزار و یکصد و پنجاه و پنج هجری بوصال دعا لجلال
 پیوستند و بجانفاه خود متصل مدرسہ ہدایت بخش زیر زمین آسودند اعظم الاقطاب تاریخ وفاتش
 یافته اند و انشاء اللہ مرقدہ تصانیف و تالیف در ہر علم دارند کہ شمارش یکصد و ہفتاد و چند کتب
 رسیده از آنجملہ تفسیر مختصر کلام اللہ و التفسیر النورانی للسیع المثانی دوازده ہزار بیت و تفسیر
 سورہ بقرہ سیمی بہ تفسیر ربانی سی ہزار بیت و حاشیہ بر اوایل تفسیر بیضاوی و تورقاری شرح صحیح
 بخاری و حاشیہ قومیہ بر حاشیہ قدیمیہ و حاشیہ شرح مواقف و حل المعادکہ حاشیہ شرح المقاصد و
 حاشیہ شرح مطالع و حاشیہ تلویح و حاشیہ عنندی و متول حاشیہ مطول و حاشیہ شرح وقایہ
 و حاشیہ شرح طای جامی بر کافیہ و حاشیہ منہل حاشیہ شمسہ در منطق و حاشیہ تہذیب المنطق
 و طویق الامم شرح فصوص الحکم لابن العزلی مدرسہ ہدایت بخش محمد اکرم الدین مخاطب
 شیخ الاسلام خان صدر صوبہ احمد آباد کہ مرید و شاگرد مولانا بود بصرف یک لکہ و چند ہزار روپیہ
 برای مولانا موصوف درس یک ہزار و یکصد و دو ہجری بنا نمادہ و در سال یک ہزار و یکصد و نہ ہجری تلم رسیده
 شیخ نور الدین رفیق کشمیری بن عبد اللہ بن مصطفیٰ رفیق کشمیری بسال دوازده صد و
 پنج ہجری متولد شدہ و از عم زاد خود شیخ طیب بن احمد بن مصطفیٰ علوم معارف اخذ کردہ و
 اکتساب دیگر علوم متعارفہ بخدمت مولوی محمد حسن بن نظام الدین نمود و با کثر بلاد سیر و
 سیاحت کردہ بصحبت مشایخ وقت رسیده مستفید گشت و تمام عمر مجرماندہ و طبع موزون
 داشت اشعار لطیفہ و لریات نیفہ از یادگار اندنم رجب سال دوازده صد و ہفتاد
 و ہشت ہجری رحلت کرد

ملا نور محمد کشمیری المشہور بنور بابا پتلو شاگرد ملا عبد الستار کشمیری بود و در وہلی از مولوی
 حسام الدین محمد وقاضی مستعد خان و قاضی مبارک تحصیل علوم کردہ کشمیر آمدہ با فادہ و افاضہ
 طلبہ علوم بسر می برد و در مطول و خیالی تعلیقات نوشتہ چہارم ربیع الاول سال یازده صد و
 نود و پنج ہجری رحلت فرمودہ در مقبرہ داتا گنج بخش واقع کشمیر مدفون گشت

حرف الواو

مولوی وارث علی سندیلی ابن شاه امین امشد بن شاه وصف العبد بن مولوی فضل
 بن شاه غلام علاء الدین مخدوم زاده سندیلہ بسال دوازده صد و چار ہجری متولد شدہ ابتداءً
 از مولوی احمد بخش سندیلی تعلیم نموده زان بعد بخدمت مولوی نورالحق لکھنوی و مولوی سراج الحق
 لکھنوی و مولوی جعفر علی ساکن کسمندی و مولوی مظہر علی سوداگر لکھنوی و حکیم سید زید حسین
 فرخ آبادی تلمذ کردہ ہرہ وافی برداشت و بتدریس طلبہ و مطب مرضی کوشش بلیغ داشت
 مرید و خلیفہ ہر خود و سجادہ نشین درگاہ مخدوم صاحب بود دہم رمضان سال دوازده صد و
 چہل و ہفت ہجری رحلت فرمودہ اندرون احاطہ درگاہ مخدوم صاحب بقع قصبہ سندیلہ بخاک سپرد
شیخ وجیہ الدین علوی گجراتی بہ ماہ محرم نہ صد و یازده ہجری در جاپانیر مضاف گجرات
 متولد شدہ اکتساب علوم ظاہری بخدمت ملا عماد طاری کردہ بملقہ ارادت شیخ فاضل در آمدہ
 جامع کمالات ظاہر و باطن گردید حق سبحانہ و تعالیٰ ویرا مظهر اسم شانی گردانیدہ بود ہر روز جمعہ
 کثیر و جی غفر مرضی بآستانہ او آمدہ التماس دعائی نمودند و اثران زود می یافتند بالجلہ خلایق را
 پیوستہ از انفاس تبرکات فیض میر رسید و منزل او مقصد اقصی اکابر و اختیار روزگار بود باین ہمہ
 مداومت تدریس و شغل زمام تصنیف از دست نمی داد و در وضع و لباس امتیاز از احاد التماس
 نداشتہ بجامہ درشت اکتفا میکرد و ہر چہ از فتوحات بدو میر رسید بذل و ایثار می نمود چون بعد
 سلطان محمود گجراتی شیخ محمد غوث گویاری معنف جوہر خمسہ گجرات وارد شدہ شیخ علی متقی
 کہ از مشائخ کبار و علمای بزرگوار آن دیار بود فتوی بقتل شیخ محمد غوث نوشت سلطان محمود
 گجراتی نفاذ آن موقوف بر امضای شیخ وجیہ الدین فرمودہ شیخ وجیہ الدین گفت تا کہ اورا نمی بینم
 در باب این فتوی حرفی منہم ہر گاہ شیخ وجیہ الدین با شیخ محمد غوث دوچار شدہ دفعۃً شیفتہ
 جمال کمالش گردید و استفتا را بارہ بارہ کرد شیخ محمد غوث از ان مملکت نجات یافتہ مرجع انام و
 معتقد علیہ حکام آن دیار گشت شیخ وجیہ الدین تاریخ بلبست و نہم صفر روز یکشنبہ سن نہ صد و
 نود و ہشت ہجری رحلت فرمودہ با حمد آباد گجرات مدفون گردید در آئہ کریمہ و لم جناس
 اندر دوس نزلات تاریخ فوتش یافتہ تصانیفہ العالیہ حاشیہ تفسیر بیضادی شرح انجمنہ در اصول

حدیث - شرح عضدی - حاشیه تلویح - حاشیه بزودی - حاشیه هدایت الفقه - حاشیه شرح وقایع
 حاشیه بمطول - حاشیه مختصر - حاشیه تجرید - حاشیه صفهانی - حاشیه شرح عقاید نقاشانی - حاشیه بر حاشیه
 قدیمی محقق دوانی - حاشیه شرح موافق - حاشیه شرح چغنی - شرح تحفه شاهیه - شرح رساله
 ملا علی قوشچی - حاشیه فواید ضیائییه - شرح ارشاد قاضی شهاب الدین دولت آبادی - شرح
 ابیات منسل - شرح جام جهان نادر تصوف - شرح کلید مخازن - رساله تفتیحه محمدیه صلعم جابانیر
 بانیه جیم معجم عربی و بای فارسی مفتوحه بین الفین و کسرون و یای تحتانی جمول و در آخرای مهمل
 شهر لیست از بلاد گجرات و دکن -

مولانا وجیه الدین پاملی دانشمند متبحر و استاد وقت در زهد و ورع ممتاز بود و در آخر مرید
 شیخ نظام الدین اولیا قدس سره شد و کمال اعتقاد باو داشت قبرش بر سر حوض شمس دہلی
 است بنظیر قاضی کمال الدین حیدر خان و قلع خان که نسبت تلمذ بمولانا داشتند رحمه الله علیه
 مولوی وزیر علی سندیلی ابن مولوی انواری ابن مولوی اکبر علی ابن مولوی حمد الله سندیلی
 بمقام مکتبه تحصیل علوم خصوصاً ادب عربی را کما حقہ بتکلیل رسانیده و دستگاهی پیدا کرد و چند دیوان
 اشعار عربی دارد و در مکتبه دوصد و پنجاه روپیہ مشاہیرہ می یافت و تدریس بود و زبانیکہ فی الدین
 حسب ادب فرمان روای لکھنؤ بود بکلمتہ رحلت نمود

سید شاه ولی دہلوی ابن سید ابوالقاسم متصف بصفات بزرگی و فضیلت و حالت
 نیک شاگرد محمد رحمت الله ششوی بود و را ملا دانشا و شعر طبع صافی و کافی داشت از نتایج
 طبع و قادش نسخ جامع حقه المجاہد متضمن چند علوم یادگار است در هزار و یک صد و پنجاه
 ہجری بموضع جلالت پور در گذشت

مولانا شاه ولی الله دہلوی نام نایش و لقب گرایش ولی الله بن عبد الرحیم العمری الخنفی
 النقشبندی المحدث الدہلوی بروز چہار شنبہ وقت طلوع آفتاب تاریخ چہارم شوال سال
 یازدہ صد و چہار ہجری متولد شدہ اسم تاریخی وی عظیم الدین قرار داده اند لکن اعدادش
 یازدہ صد و یازدہ می شوند بہ تیج سالگی بکتاب نشین شدہ بہفت سالگی قرآن شریف ختم نمود
 و ہمین سال والد ماجدش ویرانجا ایستادہ کرد و ہجرت نمود و بعد از آن افرمود باجمہ کتب فارسیہ

و مختصرات عربیه خواند و بمردم سالکی شرح جامی آغاز کرده در چهارده سالگی مشروح شده و به پانزده سالگی شرف بیعت بسلسله نقشبندیه و خرقة صوفیه صافییه و فراغ علمی از خدمت والدین یافته مجاز درس گردید و والد ماجدش بدین تقریب سامان ضیافت هر خاص و عام اهل اسلام نموده طعام بسیر چشمی تمام خورانید و بهفته سالگی وی والد بزرگوارش ازین جهان رحلت فرمود بعد وفاتش سالی چند بدرس و ارشاد بسربرد که فضائل ظاهر و باطن و یرادست داد و طریق نقمائی محدثین اختیار فرموده در سن یازده صد و چهل و سه هجری بزیارت حسین شریفین مشرف شده نباتی در آن دیار فیض آثار رخت اقامت انداخته از تلمذ شیخ ابوطاهر بدست و غیره علماء و مشایخ حسین شریفین حظی وافر برداشته در سال یازده صد و چهل و پنج هجری بعد از ای مناسک حج از خیر البلدان بهندوستان مراجعت فرمود و هدایت و ارشاد خلایق شباروزی خود صرف می نمود که در سال یازده صد و هفتاد و شش هجری چار فرزند از جنمده هندی لولد سر لایتم بودند عقب خود گذاشته رحلت فرمود رحمه الله علیه و علی اسلافه

اولاده اعظام مولانا شاه عبدالغفر مولانا رفیع الدین مولانا غلام قادر مولانا عابد الغنی قدس الله اسرارهم **تصانیف الشریفه** فتح الرحمن ترجمه فارسی قرآن الفوز الکبیری فی التفسیر المسوی شرح الموطا عربی - المصنفی شرح الموطا فارسی - اقول الجلیل فیوض الحرمین انسان لعین فی مشایخ الحرمین عقد الجمید فی احکام الاجتهاد و التقليد بهجات - الطواف القدس - مقاله ضمیمه فی النصیحه والوصیة - الانصاف فی بیان سبب الاختلاف - لمعات - سطحات - المقدمه السنیه فی انتصار الفرقه السنیه - انفاس العارفين - شفاء القلوب - قره العینین - فی تفضیل الشیخین - البهادر البازغه - زهر الدین - الخیر الکثیر - الانتباه - الدر الثمین - حجه الله بالافه ازاله الخفا عن خلافة الخلفاء نفیحات - الجزر اللطیف فی ترجمه العبد الضعیف - وصیت نامه - رساله دانشمندی - الفتح الجبیه لایمن حفظه فی علم التفسیر سرور المحزون - مکتوبات المعارف - الاعتقاد الصحیح و غیره - وی رحمه الله علیه در رساله دانشمندی استناد علم خود باین عبارت تحریر فرمود اما بعد فقیر ولی الله ابن عبد الرحیم فن دانشمندی از والد خود کسب نموده و ایشان از میر محمد زاهد بن قاضی اسلم هر دی و ایشان از ملا محمد فاضل بن ایشان از میرزا جان و ایشان از

ملا محمد مشہور یوسف کونج شیرازی دایستان از ملا جلال الدین دوانی دایستان از والد خود ملا
اسعد بن عبد الرحیم و از ملا مظہر الدین گارونی دایستان ہر دو از ملا سعد الدین تفتازانی
و از سید شریف جرجانی دایستان از قطب الدین رازی دایستان و ملا سعد الدین تفتازانی ہر دو
از قاضی عضد الدین از ملا زین الدین دایستان از قاضی بیضاوی دایستان راستہ سیت
تا ابو الحسن اشعری در کتب تواریخ مشہور و معروف انتہی بلفظہ

مولوی ولی اللہ برہانپوری ابن مولوی غلام محمد ابتدا الکتاب علوم متعارفہ از
والد ماجد خود کردہ و استناد کتب احادیث بکلمہ معظمہ از شیخ ابو الحسن آفندی محدث نمود باز بوطن
خود برہانپور معاودت نمودہ تاحیات والد ہمدراختا بتدریس و افادہ طلاب مشغول بودہ بعد
وفات پدر بہ بندرسورت قدم رنجہ فرمودہ متوطن گشت و باقادہ طالبین عمر گرانمایہ صرف
کردہ در سن دوازده صد و ہفت ہجری رحلت فرمودہ بحملہ سید پور منجملات بلدہ سورت
صورت تدفین یافت

مولوی ولی اللہ فرخ آبادی ابن سید احمد علی عالم باعمل فاضل اجل تفسیر نظم الجاہر در
سال دوازده صد و سی و شش ہجری تصنیف فرمودہ فی الحقیقہ نظم جاہرست و از دانش
تاریخ تصنیف مفہومی شود بسال چہل و نهم صدی سیزدہم رحلت فرمودہ والد اللہ مضجعہ
مولوی ولی اللہ لکھنوی ابن ملا حبیب اللہ ابن ملا عجب اللہ فرنگی محلی مختصات مجتہد
والد ماجد خودش و از متوسطات تاسلم الثبوت از عم بزرگوار ملا محمد حسین تحصیل نمودہ بعد فراغ
از تحصیل تکمیل و تحقیق سعی بلیغ بکار بردہ و عمر گرانمایہ بتدریس طلبہ علوم بسر بردہ کہ عالی ازو
نیضیاب شدی جامع علوم عقلی و نقلی و حاوی فنون فرعی و اصلی بود تصانیف کثیرہ لائقہ
از یادگار اند ہم صفر سال دوازده صد و ہفتاد ہجری از دارفانی بجام جاودانی بمرہشتاود
ہشت سالگی رحلت فرمود حکیم ظہیر الدین تخلص جواد تجوری تاریخ وفاتش چنین گفتہ
کہ وفاتش شد ندبی سرو پایہ درع و شرع و فضل علم و عمل با تصانیف نفائس الملکوت شرح
سلم الثبوت - تفسیر معدن الجواہر - حاشیہ ہدایۃ الفقہ بر عبادات و معاملات - حاشیہ
بر حاشیہ کمالیہ شرح عقاید جلالیہ - حواشی زواید ثلثہ - حاشیہ صدر - شرح غایۃ العلوم و معارج العلوم

تذکرۃ المیزان - تکرار شرح سلم ملا احمد علی الحق - تکرار شرح سلم ملا حسن - رسالہ تشکیک کشف الاسرار
فی خصائص سید البرار مرآۃ المؤمنین و تنبیہ الغافلین فی مناقب آل سید المرسلین
آداب السلاطین - رسالہ عمدۃ الوسائل - رسالہ اغصان اربلہ

حافظ ولی اللہ لاہوری دانشمند تبحر فقہ و مناظر و اعظام مقبرہ در عقاید نصاریٰ یطوی لیلا
علوم متداولہ از مولوی غلام رسول قلندہ والا و مولوی نور احمد ساکن کہای کوٹلی و مولوی احمد الدین
بکوی حاصل کردہ مرجع مستفتیان لاہور بود و جامع مسجد لاہور بہر آوینہ و عظیم سیکنٹ مباحثہ نبی
و قصیائے الانسان من و سوسۃ الشیطان و اباحت ضروری از تصانیف وی یادگار اندر ہر ترجمہ
وقت نظر بہست و چہارم جمادی الاولی سال دوازدہ صد و نود و شش ہجری بمصر اہمال حلت فی ہمد

حرف الما و

ہمایون شاہ نامش نصیر الدین محمد بن بابر بادشاہ موسس بنیان سلطنت تیموریہ در ہندوستان
بادشاہی بود بہ ملکی ملکات پیراستہ و جمیع فضائل کمالات صوری و معنوی آراستہ و در علوم
ہیأت و نجوم و سائر علوم عربیہ بی نظیر و مربی اہل فضل و کمال و مرجع اہل تقویٰ و صلاح یکدم
بی وضو نبود و نام خدا و رسول صلعم بی طہارت بر زبان نراند و فحش و دشنام بر زبان
نگذشت و بحالت نہایت خشم مقرب را بگفتن ای سفیہ کفایت کردی در خانہ و مسجد گریز نہاد
پای چپ بہقت نکردی حیا و مروت تمام داشت الغرض تاریخ ہفتم ربیع الاول سال ہنصد و
شصت و سہ ہجری شاہ دین پناہ بالائی بام کتب خانہ برآمد و در عین فردا آمدن موزن مانگ
نماز برزد و بخت تعظیم اذان بادشاہ بنشست و بوقت برخاستن عصا خطا کردہ پائش بلغزید
و از چندینہ پا غلطیدہ بزین افتاد و میانزدہم ماہ مذکور این عالم یوفا را پدید و فرمود مولانا قاسم
کاہی تاریخ حلتش چنین گفتہ قطعہ ہمایون بادشاہی ملک معنی بنہار دکنس چو ادشاہنشی بادشاہ
نبام قصر خود افتاد ناگاہ بہ وزان عمر عزیزش رفت بر باد و بی تاریخ او کاہی رقم زد بہ ہمایون بادشاہ
از بام افتاد بہ سنین عمرش پنجاہ و یک سال و مدت سلطنت بہست و پنج سال و کسری بود

انار اللہ مرقدہ بہ

حاجی ہاشم سندھی ولد عبد الغفور شاگرد محمد ضیا الدین اقدم و شہر علم برآمدہ بر اکثر علما

باقبال و نسق فائق گردیده هر چند بعلمای عصر مثل مخدوم محمد معین و غیره در مخالفت میزد اما در تقویت دین سنت و جماعت و احیای سنن نادره زمان بود کارهای قوی که موجب پشتیبانی مبین باشد و زمانش بسعی جسته شد با بخل میرسید برمشکین و معاندین عملش خوب جریانی داشت بزمانش صد هارم از کرده میان بشارت ایمان رسیدند و با سلاطین وقت مثل نادر شاه و احمد شاه راه رسل رسائل مفتوح داشته احکام تقویت دین با استدعائش حسب دلخواه میرسیدند حسن نفاذی یافتند با کجمله ذاتش استغاثات بود در هر علوم تصانیف کثیره دارد بسال هزار و صد و هفتاد و چهار هجری جهان فانی را بدرود فرمود

مولوی **هادی علی لکهنوی** ابن شیخ حسین علی ولد شیخ حمید الدین خلف شیخ غلام قادر از شیوخ لکهنو که به بجنوریان شهرت دارند وی بغایت ذهین و زکی فارغ تحصیل بود و بکار تصحیح کتب در مطابع لکهنو امتیازی وافر داشت نسخی که منظوم که اسم تاریخی است در بیان خواص ابواب صرفیه و دیگر رسائل از تالیف اوست در سال شصت و چهارم صدی هجری بهجری جامع الاوراق بخدش رسیده رساله فوائد جلالیه منظومه خود پیش کرد مستحسن اوست و افتاد

حرف الیاء التختانیہ

سید یاسین گجراتی از بنی اعمام سید شاه میر اکثر کتب متداوله در گجرات خدمت میبان و حبیب الدین خوانده مرید شان گشت و بزیارت حج اسلام مشرف گردید و علم حدیث در آنجا حاصل کرد و اجازت یافت و باز گشته بهندوستان آمد و چندگاه در لاهور مانده پس بپسوند در لباس مشیخت گذرانیده خادمان کبود پوش خود را تربیت میکرد و باز بجانب بنگاله رفت مولانا **یعقوب شافعی سنجری** جامع معقول و منقول صاحب تصانیف بود و ولایت سنجره الف خان سنجره و نروال گجرات تشریف آورده متوطن شد تفصیل این اجمال آنکه چون سلطان سنجره الف خان سنجریا با هفتاد هزار سوار و پیاده برای تسخیر پٹن نروال در زمان حکومت راجه بیردهول با گھیلہ فرستاد و تا مدت پنج سال و یازده ماه مقابله و محاصره با او ماند الف خان درین مدت مقابل قلعه ارک مسجد سنگین ساخت هنوز کار با تمام نرسیده بود که خبر وفات سلطان سنجره رسید الف خان از راجه مبلغا گرفته بولایت خویش مراجعت نمود

مولانا یعقوب کہ راہ الف خان تشریف آوردہ بودند ہمیشہ درین مسجد درس فرمودند
الف خان وقت رخصت ده ہزار تنگہ بخدمت مولانا گذرانید و این مسجد شیخ در سال

ششصد و پنجاہ و پنج ہجری باہ ذیقعدہ اتمام یافت

مولانا یعقوب پٹنی بن خواجگی علوی مرید و خلیفہ قاضی زین الدین دولت آبادی حنبلی
بود کسب علوم ظاہر و باطن نمودہ و از برکت شیخ جب فیض حاصل کردہ بتاریخ سیزدہم
جمادی الثانی سال ہشتصد ہجری رحلت فرمود۔

قاضی یعقوب مانک پوری خویش قاضی فضیلت علم فقہ و اصول فقہ را خوب میدا
خوش طبع و شگفتہ بود اشعار عربی در بحر ہندی میگفت کہ خالی از کلمہ نبود در عہد محمد اکبر بادشاہ
قاضی القضاۃ ہند بود بعدہ علی سبیل التتمیل بمنصب قضای بنگالہ مامور شدہ در مخالفت
با معصوم کابلی شریک بودہ بدین وجہ اورا از بنگالہ طلبیدہ حکم جس قلعہ گوالیار صادر شد
در اثنای راہ گوالیار فوت گردید۔

شیخ یعقوب صری تخلص کشمیری خلف شیخ حسن گنامی عالمی از اکابر کشمیر بود در سن
نصد و ہفتاد و ہشت ہجری ولادت یافتہ در حداثت سن آثار فطانت و تیز فہمی و بزرگی از
پیشانی او ظاہر بود در ہفت سالگی فضیلت حفظ قرآن مجید در یافتہ علوم متعارفہ بخدمت
مولانا محمد شاہ آکی تلمیذ مولانا عبد الرحمن جامی و نیز بخدمت ملا نصیر اکسب نمودہ و بزیارت
حرمین شریفین شرف اندوز شدہ از شیخ حسین خوارزمی تعلیم باطن و سند حدیث از شیخ
ابن حجر کلبی گرفتہ و در لباس شیخت سفر بکر کردہ و اکثری از عظامی مشائخ عرب و عجم را ملازمت
نمودہ فوائد کثیر اندوختہ رخصت ارشاد و ہدایت یافت مریدان وی بسیار بودند شب بخشنہ
دوازدهم ذیقعدہ سال یکہزار و سہ ہجری رحلت فرمود تصانیفہ تفسیر قرآن مجید نا تمام۔
مسکک الاخبار۔ شنوی دامق و عذرا۔ شنوی لیلی مجنون۔ مغازی النبوت۔ مقامات مرشد۔
این ہر پنج کتب مقابل خمسہ مولانا جامی گفتہ۔ مناسک حج۔ شرح صحیح بخاری۔ حاشیہ توضیح

تلوچ۔ حاشیہ رواج۔ حاشیہ رباعیات۔ رسالہ افکار و غیرہا

مفتی یعقوب علی ساکن راجمندی ابن مولوی فضل علی خان در سن دوازده

صد و ہفت ہجری متولد شدہ بخدمت قاضی ارتضا علی خان و مولوی تراب علی خیر آبادی علوم معقول و منقول اخذ کردہ چندی بعد افتا از سرکار انگلشیہ نامور ہو بعدہ ترک ملازمت نمودہ بشہراجمندری محروسہ مدراس متوطن شدہ بافادہ طلبہ علوم می پرداخت اکثری از طلبہ مدراس بفیوض وی مستفیض شدند بستم رمضان سن دوازده صد و ہشتاد و سہ ہجری وفات یافتہ ببلدہ راجمندری مدفون گردید۔

شیخ یوسف دہلوی خلیفہ شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی عالم ربانی و ماہر حدیث و تفسیر قرآنی بود کتابے موسوم بہ تحفۃ النصائح مشتمل بر احکام فرائض و سنن و آداب نظم کردہ کہ حرف بروی اورای مہملہ است بسال ہفتصد و ہفتاد و چہار ہجری وفات یافتہ غریب رحمت گشت **سید یوسف ملتانی** ابن سید جمال حسینی جامع معقول و منقول شاگرد مولانا جمال الدین رومی ملی از اجداد وی از شہد ملتان آمدہ متوطن شد وی در عہد سلطان فیروز بلباس سپاہی از ملتان بدہلی قدم آورده سلطان مذکور قابلیت و استعداد او ملاحظہ کردہ ویرا مدرس مدرسہ خود کہ برجہوض تعمیر کردہ بود مقرر ساخت وی تا چند سال بر مسند درس و افادہ ممکن بودہ عوام و خواص را مستفید گردانید و بر لب الالباب فی علم الاعراب مصنفہ قاضی ناصر الدین بیضاوی کہ مثنی است بس مثنی در نحو شری بسیط بنام یوسفی نوشتہ و توجیہ الکلام شرح سنار در علم اصول ہم از تصانیف ویست بسال ہفتصد و نود ہجری وفات یافتہ برجہوض مذکور مدفون گشت

شیخ یوسف بدہ ایرچی آبای کرام وی از خواندم پوسا لک بعض حوادث روزگار بمالک ہند و سان آمدہ در خط ایرج متوطن شدند وی شاگرد مرید و خلیفہ خواجہ اختیار الدین است و از خدمت سید جمال بخاری و شیخ راجو قتال نیز بہ نعمت خلافت و اجازت مشرف گشتہ وی تالیفات اینفہ مثل ترجمہ منہاج العابدین مؤلفہ غزالی و اشعار نیز دارد صاحب تاریخ عجری کہ از مریدان اوست می نویسد کہ روزی در خانقاہ خود سماع می کرد ہمہ ران حالت جان بحق تسلیم نمود این واقعہ در سن ہشتصد و سی و چہار ہجری بوقوع پیوستہ و صحن خانقاہ خود مدفون گشت سلطان علاء الدین محمدی گنبدی عالی بر مرقدہ شعلہ

تعمیر کردہ رحمۃ اللہ علیہ

مفتی یوسف چچک کشمیری و نقاہت بی ہمتا بود کہ ملا فاضل و ملا عبد الرزاق کشمیر
بکمال دے مقربوند وی اکثر بخدمت خواجہ محمود کشمیری حاضر آمدہ و قایق فقہ و تفسیر حل می کرد

خاتمة الكتاب

در اسمائے کتب ماخذ کتاب ہذا و اسمای معاونین شکر اللہ تعالیٰ و احوال مؤلف

الکتب المأخوذ

سبحۃ المرجان فی آثار ہندوستان مصنفہ حسان الہند سید غلام علی آزاد بلگرامی منتخب التواریخ
ملا عبد القادر بدایونی اخبار الاخیار شیخ عبد الحق محدث دہلوی تاریخ جد ولیہ منشی خادم علی سندیلی
مفتاح التواریخ مسٹر بیل انگریز حدیقۃ الاقالیم اندیار عثمانی بلگرامی طبقات اکبری ملا نظام الدین
احمد ہروی تاریخ فرشتہ محمد قاسم ہند و شاہ خزانہ عامرہ غلام علی آزاد بلگرامی طرب الامثال فی
تراجم الاناضل مولوی عبدالحی لکھنوی الاغصان الاربعۃ مولوی ولی اللہ لکھنوی آمد نامہ مولوی
فضل امام خیر آبادی خزینۃ الاصفیا مفتی غلام سرور لاہوری تاریخ الاولیا مولوی سید اشرف علی
عرب مفتی عبد الفتاح ساکن گلشن آباد ناسک سفینۃ الاولیا سلطان دارا شکوہ گورگانے
تاریخ مفتی غلام سرور لاہوری تاریخ فیروز شاہی خواجہ ضیاء الدین برنی مسودہ مولوی محمد اشرف
لکھنوی از کتب خانہ حافظ محمد شوکت علی رئیس سندیلۃ العجائب العلوم مولوی سید صدیق حسن خان
قنوجی بھوپالی تذکرۃ الکرام ابوالحسنات پہلواروی بجز خار مولوی وجیہ الدین لکھنوی تذکرۃ الاصفیا
شیخ رحمت اللہ عرف شیخ بری لکھنوی القول الجلی فی تذکرۃ المولوی سخاوت علی مؤلف مولوی
محمد محفوظ ساکن بلیا حسرت العالم فی وفات مرجع العالم مؤلف مولوی عبدالحی لکھنوی
کنز الہکات مولانا ابی الحسنات مؤلف مولوی حفیظ اللہ عظیم کدھی سیر المتأخرین غلام حسین
طباطبائی حسنی حدائق الحنفیہ مولوی فقیر محمد جملی لاہوری واقعات کشمیر المعروف بتاریخ عظمی
مؤلفہ خواجہ محمد عظیم ابن خیر الزمان انوار الصفی مولوی حسین علی رودلوی آئینہ اودھ مؤلفہ
سید شاہ ابوالحسن مانک پوری ہدیہ مہدویہ مؤلفہ مولوی محمد زمان خان شاہجہان پوری
نجوم اسماء فی تراجم العلماء از اہل تشیع النموذج الکمال و مطارج الاذکیا مصنفہ مولوی آغا حسن خان

کا کوروی عماد السعادت ^{رحمۃ اللہ علیہ} الخیر اللطیف فی ترجمہ العبد الضعیف مصنفہ شاہ ولی اللہ دہلوی
 القول الجلیٰ تذکرہ اناروالی مولفہ شیخ محمد عاشق بارہوی مرآت احمدی تاریخ گجرات محققہ الکرام تاریخ سنہ
 اسمای گرامی کسانیکہ حسین تالیف کتاب بذریعہ ہجویر اسلالت تحیر فادہ وادادہ فرمودہ شکر اللہ علیہ
 مولوی حافظ محمد شوکت علی رئیس اعظم قصبہ سندیلہ ضلع ہردوی۔ مفتی سید محمد الفتح حوت مولوی
 اشرف علی ساکن گلشن آباد ناسک۔ مولوی محمد ادریس نگرانی۔ مولوی شاہ عبدالقادر بن شاہ فضل رسول
 بدایوںے۔ مولوی محمد نعیم ابن مولانا عبدالحکیم فرنگی محلی۔ مولوی عبدالباقی فرنگی محلی مولوی
 محمد شبلی ابن مولانا سخاوت علی جونپوری۔ سید شاہ ابوالہرکات چشتی بہاری مولوی حافظ
 عبدالکافی احمد آبادی۔ مولوی سید شاہ صدر الدین کاظمی کڑوی احمد آبادی۔ مولوی محمد فاروق
 عباسی چڑیا کوٹی۔ مولوی سید محمد عبدالحی ابن مولوی سید فخر الدین احمد ساکن تکیہ رای بریلی
 مولوی شاہ محمد عادل شاگرد و جانشین مولانا محمد سلامت اللہ

احوال مؤلف

أَحِبُّ الصَّالِحِينَ وَاسْتَنْصَحُهُمْ | لَعَلَّ الشَّيْرَ زَقْنُهُ صَلَاحًا

فقیر حقیر راجہ یار اکہ از صف نعال ارباب علم تجاوز کردہ بہ پہلوی علما و فضلا نشینہ و خود را در حرکت
 مؤلفین و مصنفین برگزیدہ لیکن باتثال امانتہ ربک محدث تحریک قلم تولیدہ نگار لازم آمد
 پس مخفی مباد کہ مؤلف اوراق محمد عبد لشکور عرف رحمان علی تجاوز اللہ عنہ ذنبہ الخفی و الجلی بن حکیم
 الحکما حکیم شیر علی غفر اللہ لہ بروز جمعہ دوم ذی الحجہ سال چہل و چہارم از صدائی سیزدہم ہجرت
 از کتب عدم بعرضہ وجود قدم نہادہ و بکنار رافت والدہ غفران بآب پرورش یافتہ بعد رسم تسمیہ خوانی
 کہ معمول مسلمانان ہندوستان است قرآن مجید ناظرانہ خواندہ کتب ابتدائے فارسی
 آغاز کردہ تا نصاب ابوالنصر فرہابی رسیدہ بود کہ سایہ پدری از سرش رفت حکیم احسان علی خان
 کہ از برادران اعیانی کلان تر بودند بہ تربیت و تادیب من ہوجکارہ آمادہ شدہ بفتح پور مقرر خود بودند
 در آنجا از ضروریات فارسی فارغ گشتہ بخدمت مولانا محمد لشکور پچلی شہرے صدر الصدور
 ضلع فتحپور و مولانا ثابت علی بہکوی و مولوی سید حسین علی فتحپوری و مولانا عبداللہ زید پوری و
 مولانا شاہ محمد سلامت اللہ بدایونی کانپوری و مولانا قاری عبدالرحمن پانی پتی استفادہ

کتاب درسیہ منوہ تاریخ ہجری بم سال دوازده صد و شصت و ہفت ہجری بدستگیری
 برادر کلان خود مولوی حکیم امان علی خان مرحوم ریاست ریوان رسید چون بدبدر با پور گھوڑا راج سنگھ
 خلف الصدق و ولی عہد مہاراجہ بشتاٹھ سنگھ والی ریوان آدم معری الیہ مستفسر نام شدند
 عرض کردم عبد لشکور فرمودند این لفظ بر زبان ما ثقیل می آید نام شمار گمان علی ہونین نام برادر
 شہابہرست تسلیمات بجا آوردم ازان روز بہمین نام مشہور شدم و درین ریاست بکار
 سفارت جی پور و منصر می فوج تعینہ تا دیب باغیان کہ شاہراہ دکن را مسدود کردہ بودند و
 پیشی دیوان ریاست و منظمی ریست و دہشتی مجسٹری و سول جی و مجسٹری درجہ اول وقتاً فوقتاً
 مامور بودم در سال ہیزدہ صد و ہشتاد و چہار عیسوی ممبر کونسل ریاست باختیارات سکرتری
 مقرر شدہ بہمان عہدہ ممتازام شانزدہم فروری سال ہیزدہ صد و ہشتاد و ہفت عیسوی بمقرر
 جیوبلی قیصر ہند خطاب خان بہادر از پارک گاہ گورنمنٹ ہند عطاشدہ میجر ڈی ڈبلیو کی بار صاحب
 بہادر پوٹیکل اجنٹ و سپرنٹنڈنٹ ریاست بمقام ریوان بتاریخ بہست و دوم اپریل ۱۸۸۵ء
 دربار عام منعقد فرمودہ بعد خواندن اسپچ سند خطاب مہری گورنر جنرل بہادر ہند از طرف
 گورنمنٹ ہند و عصا کے نقرہ مع چوبدار و خلعت اند ریاست بدست خاص عنایت فرمودہ
 درین قبل بسال دوازده صد و ہفتاد و ہشت ہجری بمقام ریوان از سنگ بنا کردم کہ
 مصارف آن از معائنہ مسجد ظاہر است دید معافی دوائے کہ از ریاست یافتہ بودم بمنابر صرف
 مسجد مذکور وقف کردم از آمدنی آن موضع بخوادہ مؤذن و پیش امام و صرفہ مرمت و جاناہ
 وغیرہ متعلقہ مسجد می شود چند قطعات تواریخ بنای این مسجد کہ جناب مولانا ابوالخیر سعیدین لدین
 کاظمی منظومہ شعرا کے لکھنؤ فرستادہ بودند بنابر ملاحظہ ناظرین زیب ترنیمے یابند و ہونہا

قطرہ تاریخ

ہرستونش ساق عرش کبریا یا ساق حور	ہرستونش ساق عرش کبریا یا ساق حور
بہر تاریخ بنائش نشی منکر سیا	بہر تاریخ بنائش نشی منکر سیا

دیگر در عربی

اس العبد مسجد الفرق	اس العبد مسجد الفرق
مجزاہ المیمن المطلق	مجزاہ المیمن المطلق

ازخ الفکر ذاک مصراعاً	ذلک المسجد الحرام بحق
-----------------------	-----------------------

دربصرد روزگار مسجد این آیه کریمہ کتہہ است کہ ازان تاریخ بنا نش می برآید۔ لیعبود اللہ
 تخلصین لہ الدین جنفا و اجازت بیعت و خلافت ہر چہ چار خاندان بسلسلہ چشتیہ صابرہ از
 حضرت مولائی و شیخی مولانا حافظ حاجی محمد حسین عمری عجب اللہی الہ آبادی یا قلم تألیفات خود
 را عطا انظار اہل علم نمودن اتحاف موزہ و زینبیل است پیش خاقان بقول **ہ** نم چشم تو سلم
 شرم دارم ہا کہ سوی چشمہ حیوان فرستم ہا تا ہم انچہ از بضاعت مزجات با خود دارم **مے** نگارم

کتاب مطبوعہ

فوائد جلالیہ منظومہ فارسی در اصول نحو و ہموزن و قافیہ ماتہ عامل مطبوعہ دہلی تحفہ مقبول در
 فضائل رسول صلعم بزبان اردو مطبوعہ مطبع نظامی سطریقہ محسنہ در ابیات مولد و قیام بزبان
 اردو مطبوعہ لکھنؤ۔ آداب احمدی در بیان سخن زوائد عبارت اردو مطبوعہ بنارس۔ ریاض اللہ
 تاریخ امیران اندرونی دہرانی ہند کہ از گورنمنٹ ہند سلامی اتواپ می یابند اردو مطبوعہ لکھنؤ
 نخبۃ البحرین در بیان حفظ صحت مشتمل بر قواعد سلمہ اطباء یونان و ہندوستان اردو مطبوعہ لکھنؤ
 انبیۃ الاسلام عبارت عربی در بیان انبیہ خمسہ اسلام بطور شرح حدیث نبی الاسلام علی خمس الحدیث
 کہ بار الخلافۃ قسطنطنیہ مطبوع شدہ بحرین شریفین و بغداد و مصر و بصرہ و شام و تونس و غیرہ
 تقسیم گشت۔ طب رحمانی عبارت فارسی مشتمل بر محالجات قلیل الاجزاء مطبوعہ اگرہ۔ تحت
 جسمانی عبارت اردو مشتمل بر بیان اصول سگاہ و خواص ماکول و مشروب مطبوعہ نظامی۔
 ہرہفت در بیان اشیای ہفتگانہ عبارت اردو مطبوعہ میلان۔ کفارۃ الذنوب و بیان ادا
 کفارہ روزہ و نماز میت و طریق اسقاط فدیہ مطبوعہ اگرہ۔ عجالہ نافعہ متضمن اقوال نصیحت آمیز
 عبارت اردو مطبوعہ دہلی تحفہ خان بہادر بدیسلم گرشی نامہ قوم بگیل مطبوعہ الہ آباد

کتاب غیر مطبوعہ

نیتہ اللیبیب فیما یسر بہ الادیب شرعی۔ دریائے لطافت لطائف و ظرائف اردو آفتاب
 حکمت اقوال حکمای سلف اردو۔ تواریخ بگیل کھنڈاردو

کتاب زیر تالیف اللہ تمہا

تاریخ التواریخ - میزان الموائین - جغرافیہ عرب - تعلیم رحمانی - ندیم الاطبا

تکملہ الکتاب

آنگاہ جلوہ ظہور پذیر کہ تراجم کامل اعیان افاضل ذیل بخیر تحریر و رأین اسامی شریفہ انہما مجمعی دیگر کہ بعد ازین قدم برزدر ساحت وجود ہند حوالہ نمودہ سے آید تا کسی موافق بہ تکمیل آن گردد و باندہ التوفیق و بیدہ از متہ تحقیق قاضی ابراہیم سندی ساکن در بیله مضاف سوسنان ملک سندزاکا بر علما بود قاضی ابراہیم ٹھوی نبیرہ مخدوم فیروز جامع کمالات صور سے و معنوی برآمدہ در عمد شاہجہان بادشاہ افغانی شاہجہان آباد و قضاے عسکر داشت میر ابو البقا صاحب تصانیف کثیرہ معاصر نصیر الدین محمد ہمایون شاہ = ابو جعفر عمر لاہوری ابن اسحاق لاہوری بفضل و دانش طاق دوزر بہر تقوی شہرہ آفاق بود = مولوی ابوالحسن ساکن کاندہلہ = ملا ابوالحسن کشمیری معروف بشاہجہم بابا معاصر شہاب الدین محمد شاہجہان بادشاہ بود = قاضی ابوالخیر بکری = محمد ابوالخیر ٹھوی در قنادای عالمگیری شریک استباط مسائل بود قاضی ابوسعید بکری ولد قاضی زین الدین بوفور فضیلت و حضور قریمت از ممتازان روزگار بود = ابوالفتح ولد شیخ الہدایہ خیر آبادی معاصر سلیم شاہ ابن شیر شاہ سور = قاضی ابوالقاسم بن ملا جمال الدین سیالکوٹی معاصر نور الدین محمد جہانگیر شاہ = امیر ابو المعالی برادر امیر علدار الملک تفسیر سورہ اخلاص و رسالہ عدالت و انونج العلم از مصنفات اوست در سال ہزار و چہل و شش ہجری بملک بنگالہ وفات یافتہ = ملا احمد پٹنی گجراتی = ملا احمد ٹھوی شاگرد شاہ فتح اللہ در عمد جلال الدین محمد اکبر بادشاہ بود = مولوی احمد حسن مصنف صراط الایمان وغیرہ = مولوی احمد گل نائب مفتی بھوپال = مولوی احمد شاہ سندی = مولوی احمد کبیر ساکن قصبہ بھلواری = مولوی سید ارشاد حسین ساکن پٹنہ = مولوی ارشاد حسین رام پوری = ملا اسحاق رامپوری ولد ملا احمد ولایتی = ملا اسحاق بکری = مولوی اسد اللہ ساکن پٹنہ = قاضی اسمعیل صفہانی گجراتی معاصر سلطان محمود بیک گڑھ = قاضی اشرف حسین ساکن ہونہ سنات = مولوی اعجاز الدین سندیلہ ابن سید غلام اولیا مخدوم زادہ قصبہ سندیلہ شاگرد مولوی حمید علی سندیلہ میہیہ مخدوم صفہ

سال دوازدہ صد و پنجاہ و شش ہجری فوت شد۔ مولانا افتخار الدین بنی معاصر علماء الدین علمی
مولانا افتخار الدین گیلانی معاصر غیاث الدین تغلق۔ ملا افضل نٹنوشمیری بن ملا حیدر چرخ
در عہد محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر بادشاہ بود۔ مولوی اکبر علی پشاوروی۔ مولوی آل محمد
ساکن قصبہ پھلواری ضلع پٹنہ۔ مولوی آل حسن موہانی مصنف رسالہ استفسار در رد عقاید
نصاری۔ مولوی الفت حسین شیعی مصنف معجزہ فرقان وغیرہ۔ ملا الہداد سہرندی معاصر
بہلول لودی۔ مولوی الہداد ساکن کلکتہ۔ مولوی الہی بخش فیض آبادی مصنف عمدۃ المرام
فی تحقیق الحجۃ والکلام۔ آلیاس نجم آر دیلی استاد ہمایون بادشاہ جاگیر دار پر گنہ موہان مضاف
لکھنؤ۔ ملا امام الدین دہلوی دراصل لاہوری است سیاضی دان بود کہ بدلی وطن گرفتہ مشرقی
مختصر تشریح الافلاک مصنف بہاء الدین آملی در سالانہ صد و سہ ہجری نوشتہ کہ بنام انصریح
فی شرح التشریح شہرت دارد۔ مولوی امام الدین ساکن ٹونک۔ سید امان تنوچی معاصر
بہلول لودی۔ مولوی امین اللہ سالن پھلواری۔ مولوی امین اللہ مدرس کلکتہ کہ قصیدہ
غزادر لغت رسول مکرم صلعم از مشہور است۔ مولوی امین احمد بہاری۔ سید امیر احمد نقوی
سہسوانی۔ مولوی امیر حسن سہسوانی۔ مولوی امیر الدین ساکن کاری ضلع گیا۔ مولوی
انوار الحق بنگلوری۔ مولوی انور علی لکھنوی مصنف انوار الخواشی۔ بابا خواجہ قاضی اوجین در
در عہد اکبر شاہ بود۔ مولوی باب الحد جوہوری۔ ملا باقر صباغ کشمیری شاگرد ملا باقر داناہ۔
ملا باقر لکھنوی کشمیری شاگرد ملا باقر صباغ۔ شیخ بایزید بہان پوری عالم متون و فاضل تشریح بود
خرقہ خلافت از شیخ محمد معصوم سہرندی قدس سرہ داشت۔ مولانا بایزید مفتی لاہور در عہد
اکبر شاہ بود۔ مولوی بدر الدین ساکن قصبہ پھلواری۔ مولانا بدر الدین واعظ در عہد علماء الدین
خلجی ازادہ بہرہ ملی آندی و تذکیر لغتی زاہد و مفتی بود و تذکیر اوجہیت بسیار شدی و وعظ او در
ولہا کار کردی و از بکا و رقت تذکیر او گرم شدی۔ بدر الدین بن شیخ ابراہیم سہرندی شارح
خلاصہ کیدانی۔ بدر قوام نہروالی بہرہ جی۔ شیخ عبدہ ساکن لکھنوی کہ از او تذکیر ابراہیم گویند معاصر
بہلول لودی۔ مولوی برکت اللہ آبادی۔ مولانا برہان الدین بہاری در عہد علماء الدین علمی بود
مولانا برہان الدین بزاز حاکم سلطان غیاث الدین بلبن بود۔ مولوی بشارت حسین مدرس

مدرسہ رام پور۔ مولوی بشیر الدین قنوجی = مولوی بشیر الدین دہلوی حکیم نقباء اللہ خان سندیل
 شاگرد حکیم ہر علی خان موہانی ہفتہ ہم شوال سال دوازده صد و شصت و چہار و ہجری قات یافت
 طبیب عاذق و نباض صادق بود۔ مخدوم بلال سندھی ساکن تلی از مصنفات سوستان
 ملک سندھ و علم ظاہر شانی عظیم داشت۔ سید بندگی حسن بلگرامی از سادات ترندی بلگرام
 در عرفی و فارسی و ہندی استعداد کلی داشت ایمان تخلص میکرد شاگرد میر عظمت اللہ بخت بود۔
 ملا بدھن ایٹھوی برادر ملا جیون۔ قاضی پیارہ ساکن لکھنوی معاصر بہلول لودی۔ ملک
 تاج الدین گرامی در عمد جلال الدین خلجی بود۔ تاج الدین کلاہی و سید تاج الدین قاضی اودھ
 در عمد جلال الدین خلجی بودند۔ شیخ تاج الدین دہلوی در عمد اکبر شاہ بود۔ ملا تقی از فضلا عصر بود
 در تاریخ مہارتی کامل داشت کتابی در ہیئت از مصنفات اوست ادلا نام عبد الرحیم خان
 بود بعد ازان منظور نظر اکبر بادشاہ شدہ در عمد جہانگیر ترقی نمودہ بصدارت رسید و مورخ خان
 خطاب یافت در سال ہزار و بست ہجری در گذشت۔ تقی الدین واعظ معاصر فرزند شاہ بود۔
 میر جان محمد بلگرامی عالم و فاضل و حافظ و قاری بی نظیر صاحب فکر و نگین بود و سال ہزار و یکصد و
 چہل زیارت حرمین شریفین و عتبات عالیہ شتافت۔ مولوی جعفر علی ساکن کسمندے ناظم
 نظم الفرائض۔ مولوی جعفر علی رام پوری۔ ملا جلال الدین معاصر سلطان شمس الدین التمش۔
 قاضی جلال الدین کاشانی ولد قاضی قطب معاصر سلطان غیاث الدین بلبن۔ خواجہ جلال الدین
 امیر چوہ و نائب وزیر۔ و مولانا جلال الدین بہکری در عمد جلال الدین خلجی بودند۔ مولانا جلال حسام
 درویش واعظ و عمد علماء الدین خلجی تذکرش مزبور خوف و خشیت بودی و ہم سخنہای ظریف گفتی۔
 قاضی جلال الدین دلواری در عمد علماء الدین خلجی قاضی ممالک بود۔ مولوی جلال الدین رام پوری
 مولانا جمال الدین ساطعی از علمای قرأت در عمد علماء الدین خلجی بود۔ مولوی جمال الدین مونگیری
 مولوی جمال الدین مدراسی۔ ملا جمال ملتانی و دانشمند مستعد معاصر جلال الدین محمد اکبر شاہ
 ملا جمال لاہوری بسی مردم نیک در شاگردی دی بکمال رسیدند۔ مولوی جمال شاہ صرنی راسو
 مولوی جمیل حمد سسوانی۔ مولوی جمیل حمد بلگرامی۔ ملا حاجی بانڈی کشمیری شاگرد یعقوب صرنی
 و عمد نور الدین محمد جہانگیر شاہ بود۔ ملا حاجی گنای کشمیری عزت المارضوی و اگر علم بود۔

چون بایام شاهزادگی عالمگیر قصد خروج بر شاهجهان نمود فتوای آن از علمای اردوی معلی خواست
همه تصدیق خروج کردند مگر ملا حاجی مذکور کناره کشی نموده گفت هر چند فسق و فجور از سلطان بظهور آید
خروج که باعث فتنه است خاصه بمقابلیه پدجائز نیست - ملا حامد جوپوری اکثر کتب متداوله نزد
محمد نیا دیده و بعضی علم در خدمت دانشمند خان استفاده نموده در عهد شاهجهان بسکک
روزی به این سبک بود در عهد عالمگیر داخل مؤلفین فتاوی شده بتعلیم شاهزاده محمد کبر سر فرازی یافت
ملا حبیب در عهد جلال الدین محمد اکبر شاه مدرس بود - ملا حبیب کشمیری در عهد نور الدین محمد جهانگیر شاه
میر عدل بود - مولانا محبت ملتانی معاصر علماء الدین خلجی - ملا حسام الدین سرخ لاهوری معاصر
جلال الدین محمد اکبر شاه - مولانا حسام الدین اندریتی معاصر غیاث الدین بلبن - مولانا حسام الدین
سرخ و مولانا حسام الدین شادی معاصر علماء الدین خلجی بودند - مولانا حسام الدین متقی ملتانی
از اجله وزگاریه و کلمه اندیار در پاس آواب شرع نهایت اہتمام می و در یک کثرت قاتلش در عبادت
دافاده طلبه مصروف بود و مقدش بقبر حسام پور مصفا ملتان واقع است - مولوی حسن جان
سندی پیش علمای سندیه و نیز خدمت حافظ محمد شوکت علی تقصرت - مطولات گذرانیده
قریب الفراغ است اللهم بلغالی یا مولی - شیخ حسین تبریزی در عهد جلال الدین محمد اکبر شاه مدرس
دہلی بود - مولانا حمید الدین مخلص و مولانا حمید مقری از علمای قرأت معاصر علماء الدین خلجی بودند -
مولانا حمید مفسر سنبل معاصر نصیر الدین محمد ہمالیون شاه - شیخ حمید احمد آبادی معاصر جلال الدین محمد
اکبر شاه - شیخ حمید سندی برادر شیخ رحمت اللہ ولد قاضی عبداللہ بن قاضی ابراہیم ساکن در سیلہ
بحمد والاموصوف و در علوم عقلی و نقلی حظوانی و در حدیث و تفسیر بطولی داشت همراه خان عظم کولہ
بسکک معظم رفتہ مقتدای اہل حدیث شد - قاضی حماد عباسی ٹھٹوی در فضیلت و کمال ائم
و در تقوی و توسع اکرم بود - حمید الدین مسعود لاهوری ابن سعد لاهوری حمید دہر و فرید عصر بود
مولوی خادم حسین سندی عارف بوعلی ابن حکیم بقا اللہ خان سندی بپشتانزدہم ذیقعدہ سال
دوازده صد و شصت و پنج ہجری بمقام بھوپال رحلت کرد - مولوی خدا بخش پنجابی - مولوی
خلیل الرحمن راجپوری محشی دائر الاصول - خواجہ علی دانشمند از ماوراء النہر در عهد جلال الدین محمد
اکبر شاه بہ ہندوستان قدم آورده مورد مرام خسروانہ شد - مولوی سید خواجہ احمد نصیر آبادی

از تلامذہ مولوی سخاوت علی در صورت و سیرت یادگار صلحای سلف پیر و سواد باغدادیدم
 رحمت اللہ علیہما و خواجہ میر مورخ مصنف تاریخ حبیب السیر و خلاصۃ الاخبار و دستورالوند و عماد
 تظہیر الدین محمد بابر شاہ بود و مخدوم خیر الدین برہانپوری و مولوی خیر الدین مدرسی و ملا داؤد مستلی
 صاحب فضل و علم بود و ملا داؤد مشکوئی کشمیری شاگرد خواجہ حیدر چرخ معاصر محی الدین محمد
 اورنگ زیب عالمگیر بود و ملا دانیال جوہر سی شاگرد ملا عبد السلام ساکن دیوہ بود و شیخ دانیال
 جوہر پوری و ملا دراز پشاور سی قاضی و ناسوستانی ولد قاضی شرف الدین المشہور مخدوم راہوار
 علمای نامدار قاضی القضاۃ بود بصحبت بسیاری از علمای باطن رسیدہ نظر فیض طیف و مدتی
 بخدمت پدر کسب فضائل نمودہ علم حدیث از مخدوم بلال موختہ و اکثر علوم از خدمت مخدوم
 محمود فخر پورہ و مخدوم عبد العزیز پوری یافتہ بیشترہ تفسیر قرآن مجید بطالعہ آورده معانی و دقائق
 این مستوفی ساخته و از علم جفر و غیرہ علوم عربیہ نصیبی کامل اندوختہ حافظ چندان داشت لکن اکثر کتب
 ظہر الغیب خواندی مرزا حسن شاہ از دقایقہا یافتہ و مخدوم عثمان ویرا استاد لقب داده بعد
 وفات بقرہ بانیمان مدفون گشت و سوستان از تالیع سندست ملا دوست محمد کابلی ابن
 ملا محمد امیر مؤلف رسالہ عین الاصابہ فی رفع السبابہ و مولوی ذوالفقار علی ساکن دیوہ و مولوی
 ذوالفقار علی ساکن کلکتہ و مولوی ذوالفقار احمد ساکن بھوپال و ملا حبیب گنای کشمیری در عمد
 محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر بود و شیخ رحمۃ اللہ سندی ولد قاضی عبد اللہ ولد قاضی ابراہیم
 ساکن در بیلہ بھونون فضل و کمال آراستہ بی نظیر وقت بود نہ رسالہ مناسک حج از یادگار اند
 مولوی رحمت اللہ کراچی مناظر پادری و تذکرہ مصنف انانہ الادب ہام و اعجاز عیسوی و انوار الحق
 و غیرہ تزیل مکہ معظمہ نادہا اللہ شرفاد تعظیما و مولوی رستم علی رامپوری محشی میر شاہ رسالہ مولوی
 رشید احمد گنگوہی و مولوی رضی الدین الکاآبادی ابن مولوی برکت و رحیمی الدین احمد ساکن
 پھلوار سی و مولانا رفیع الدین گارونی معاصر سلطان غیاث الدین بلبن و قاضی رکن الدین
 سامانہ معاصر سلطان غیاث الدین بلبن و مولانا رکن الدین سنہی معاصر علماء الدین خلجی
 سید رکن الدین قاضی کرا و محمد سلطان علماء الدین خلجی بود و مخدوم سراج اللہ بکر سی
 ملا بہنورد لاہوری از علمای اعلام وقت خود گذشتہ و مولوی ریاضت حسین مؤلف

تذکرہ
علمای
ہند

تذکرہ
علمای
ہند

تذکرہ
علمای
ہند

ریاض العرفان = شیخ زین الدین حوالی معاصر ظہیر الدین محمد بابر شاہ = مولوی زین العابدین قاضی
 بھوپال = مولانا سراج الدین بھجری معاصر غیاث الدین بلبن = مولوی سراج الدین لکھنوی
 شارجہ زبدۃ الصرف = قاضی سراج الدین علی خان اقصی القضاۃ کلکتہ بسال دوازدہ صد
 ہست بھجری کتاب جامع التفہیمات بزبان عربی تالیف کردہ باز بہ ترجمہ آن بزبان فارسی
 برداختہ نامش جواہر زواہر نہاد = مولوی سراج احمد سہارنپوری شارح ترمذی =
 مولوی سراج احمد سہسوانی = قاضی سدید الدین معاصر غیاث الدین بلبن = مولوی
 سدید الدین دہلوی = مولوی سعاد علی سہارنپوری = مولوی سعاد علی بہاری = ملا سعد احمد
 لاہوری باوجود فضیلت موفورہ روش ملائمہ داشت = ملا سعد سندی در فضیلت اتم
 دور کمالات مزج ام بود ملک سعد الدین منطقی در عمدہ علاء الدین خلجی صاحب طبل و
 نقارہ بود = ملا سلطان از شاہیر مدرسین عمد اکبر شاہ بادشاہ بود = شیخ سلیمان بگلگامی از
 علمائے عمد اکبر بادشاہ صاحب استعداد بود = میران سید اخی قنوجی عالم مستعد معاصر بہلول
 لودی = سید محمد بن سعید خان دہلوی دانشمند مستعد معاصر بہلول لودی = مولوی سید محمد
 کالیپوی مدرس سیہور مخروسہ بھوپال = مولوی سید میان ساکن سورت از اساتذہ مولوی
 سید عبدالفتاح گلشن آبادی بود = مولوی سیف الدین مدرس مدرسہ رامپور = ملا
 شاہ محمد شاہ اہلبی ماہر ریاضی و نجوم معاصر اکبر شاہ = مولوی شاہ محمد خان رامپوری = شاہ امیر
 از علمای صوفیہ اگرہ معاصر اکبر شاہ بود = قاضی شایندہ سوستانی از اجلہ علمای اقصیہ
 روزگار بود شریعت ریا را بر طریقت و طریقت را توامان حقیقت داشتہ خلف ارشدش
 شیخ میر محمد مشہور بہ میان میر لاہوریست کہ بسال ہزار و چہل و پنج ہجری رحلت فرمودہ
 مولانا شرف الدین دلواجمی معاصر غیاث الدین بلبن = قاضی شرف الدین سراہی معاصر
 علاء الدین خلجی = مولانا شہاب الدین خلیل در عمدہ علاء الدین خلجی بود در تذکرہ طریقہ خوف
 و خشیہ را مراعات کردی و نظم خواندی و بیشتر تفسیر قرآن مجید بیان فرمودی و قصص و حکایات
 سلوک و آثار علمای آخرت گفتی و در تذکرہ جمعیت بسیار رشدی و سامعان را رقتی تمام بودی
 مولانا شہاب الدین ملتانی معاصر علاء الدین خلجی = مولوی شہاب الدین احمد ساکن ہنسہ

تذکرہ علمائے ہند

تذکرہ علمائے ہند

تذکرہ علمائے ہند

خلع پٹنہ خواجہ شمس الدین خوارزمی استاد مولانا نظام الدین اولیا قدس سرہ معاصر غیاث الدین بلبن و مولوی شمس الدین بدایونی بن مولوی محمد علی عثمانی بدایونی عثمی شرح وقایہ قاضی شمس الدین مزاجی عالم تبحر معاصر غیاث الدین بلبن و مولانا شمس الدین نعم معاصر علماء الدین خلجی و قاضی شمس الدین گازیونی معاصر علماء الدین خلجی و شیخ شمس الدین جوہوری برادر خرد شیخ محمد ماہ جوہوری در عہد عالمگیر بدیس علوم و سلوک در جوہور اشتغال داشت و مولانا شمس الدین باختری معاصر سلطان فیروز شاہ و شمس خان لاہوری ملای صاحب استعداد معاصر اکبر شاہ و مولوی شمس الاسلام بدایونی عالم مستعد بود و ملا شیر علی لاہوری ابن قاضی عبدالحی ساکن قصبہ کوکال من اعمال پنجاب فاضل مستعد بود و ملا صالح سہرندی در عہد سلطان بہلول لودی بود و خواجہ صادق کشمیری معاصر جہانگیر بادشاہ و مولانا صدر جہان از اجلہ علماء گجرات است بوز و تقوی متصف ہمارہ بطلبہ علوم درس میداد مولانا شیخ احمد بن شیخ برہان از تلامذہ دیست و بہضرت سید محمد المشہور شاہ عالم گجراتی انکاری داشت کہ آخرش مبدل بہ اعتقاد گشت و صدر جہان تقوی از سادات رفیع الشان بامرتوے در عہد عالمگیر ممتاز بود و مولانا صدر الدین گندھک معاصر علماء الدین خلجی و مولانا صدر الدین ہماری معاصر علماء الدین خلجی و قاضی صدر الدین عارف و محمد علماء الدین خلجی صدر جہان بود شیخ صدر الدین ٹھوڑی اجل علماء و فضل اقیام معاصر نظام الدین شاہ سند بود جامعیت علوم بدان غایت داشت کہ بزرگ شاگردان بر تہکمال علمی رسانید و لاہور و دسید محمد جوہوری مدعی ہمدویت بہ مخالفتش پیش آمدہ آخر بدین سید محمد داخل زمرہ مریدان راسخ گردیدہ و سید صدر الدین تقوی ازا عالم علمای بلند قنون بعد سلطان سکندری در سال شش صد و چہر ہجری بودہ مدام ملازم رکاب سلطان می بود قاضی صدر الدین لاہوری در علوم عقلیہ و نقلیہ مہارت کامل داشت و سید صفای بہکری صاحب علم و عمل سر آمد فضلاء اجل و شیخ الاسلام بہکری در سال نصد و نود و یک ہجری در گذشت و بہکری شہر یست از مضافات سند و مولانا صلاح الدین سترکی معاصر علماء الدین خلجی از مدرسین نامور بود و قاضی صوفی در عہد اکبر شاہ قاضی لاہور بود و مولانا ضیاء الدین بیہارہ در عہد علماء الدین خلجی صدر جہان بود و قاضی ضیاء الدین النجاشی بقاضی خان معاصر

قطب الدین مبارک شاہ بود۔ خواجہ ضیاء الدین واعظ مصنف مناقب ابراہم وغیرہ۔ قاضی
ظہیر الدین معاصر سلطان غیاث الدین بلبن۔ مولانا ظہیر الدین لنگ۔ مولانا ظہیر الدین
بھکری معاصر علاء الدین خلجی بودند۔ ملا عالم بھکری عالم علوم ظاہر و باطن بود۔ قاضی عباس
برہانچری ولد قاضی نصیر الدین دانشمند تہجد شاہجہان بادشاہ بفرمان اعزازش طلبید و
بغایات شاہی مباہی شدہ بوطن مراجعت نموده درگذشت۔ شیخ عبداللہ متقی ابن مولانا سعد اللہ
ساکن در بیلہ نواک سند در علم تفسیر وحدیث بی نظیر وقت بود در سال ہند و چل و ہفت ہجری
ہجرات رفتہ اناخا بر فاققت قاضی عبداللہ ساکن در بیلہ بحرین قمر لغین رفتہ اوقات غریبہ
رسانیدہ در ہمہ علوم تصانیف و رسائل خوب دارد خواجہ عبداللہ غازی کشمیری ملا عبداللہ
ملارانی کشمیری در عہد شاہ بہمان از علمای نامور بودند۔ بابا عبداللہ بن مسعود کشمیری معاصر
جہانگیر بادشاہ بود۔ مولوی عبداللہ مصنف تحفۃ المند۔ قاضی عبداللہ سندھی ولد قاضی ابراہم
ساکن در بیلہ فضائل از خدمت مخدوم عبدالغفور لاہری آموختہ تقوی کامل و ورع شامل دہشت
بعد فتح شاہ بیک اندر بیلہ بر باغیان نقل نموده در سن ہند و سی و چہا ہجری ہجرات دکن آمدہ
وانا خا بدینہ طیبہ رفت و سکونت در اہم اختیار فرمودہ در گذشت۔ ملا عبداللہ سیالکوٹی بن ملا
عبدالحکیم گرواوری علوم از پدہ فائق برآندہ۔ مولوی عبداللہ ساکن موضع بہکرا سواہون ہلالک
بنجاب مصنف رسالہ کشف الحال عن التفریہ بالمال۔ مولوی عبداللہ شہینی۔ مولوی عبداللہ
دہلوی۔ مولوی عبداللہ رامپوری۔ مولوی عبداللہ سہارنپوری۔ مولوی عبداللہ محمد آبادی
مصنف عرفان الغرفان۔ مولوی عبید اللہ رامپوری۔ مولوی عبید اللہ مدرس جامع مسجد بنی
مولوی عبدالباری مصنف اعلام الاخبار وغیرہ۔ مولوی عبدالباری ساکن کلکتہ۔ مولوی
عبدالباری ساکن بردوان۔ ملا عبدالباری بنگالی شاگرد ملا محمود جوہنپوری کہ بمن مجتہد دانشمند
برگہ بعد حلتش در جوہنپور ماند در اکثر علوم خصوصاً در معقولات یگانہ بود و از علمای آنجا گوے
سبقت مے ربود بدگر گاہ عالمگیر رسیدہ موضعی بمینج ہند رعیہ سیدغال یافتہ مراجعت نمود
در آنجا بدس طلبہ علوم عمر غیش بسر فرمودہ ملا عبدالجلیل در عہد اکبر شاہ نقی لاہور بود۔ مخدوم
عبدالجلیل ششوی در فضیلت اشہر ایام اصلش از بند لاہری است در عہد شاہجہان بود۔

پسرانش ابو الفتح و محمد شریف و محمد شفیع هر یک در نصیحت و قابلیت نامور بودند. مولوی عبدالحق
 کانپوری شمس العلماء مولوی عبدالحق پنجابی مولوی عبدالحق سهارنپوری ملا عبدالحکیم بن ملا عبدالحکیم
 کشمیری در عهد عالمگیری بود مولوی عبدالحکیم واعظ مصنف عشره کامله و غیره مولوی عبدالحکیم
 سهارنپوری مولوی عبدالحمید رام پوری شیخ عبدالحی و شیخ جمال کنبوه دہلوی معاصر سلطان
 سلیم بود تیر عبدالحی خراسانی در عهد اکبر شاه صدالافاضل بود مولوی عبدالحق دیوبندی
 ملا عبد الرحمن ساکن سیکری معاصر بهلول لودی مولانا عبد الرحمن طشوی در علوم عقلیه و نقلیه
 بنی نظیر بود با فادہ دینی می پرداخت معاصر مرزا عیسیٰ و مرزا باقی ملا عبد الرحمن بوہرہ احمد آبادی
 و ملا عبد الرحمن لاہوری معاصر اکبر شاه بودند قاضی عبد الرحمن سندی از اجل علماء و فضل فضلا
 از عهد شاہجهان تا عهد عالمگیر متولی نند رحیمین شریفین بوده جایگزین مشروطا تخت داشت
 بہرینہ طیبہ رحلت فرمودہ و بقبر محمد حیات سندی مدفون گردیدہ مولوی عبد الرحمن سیکن بھپلاری
 مولانا قاری عبد الرحمن بانی تپی ملا عبد الرحیم کشمیری در عهد عالمگیری بود مولوی عبد الرحیم بامپوری
 مولوی عبد الرحیم چوپوری ملا عبد الرزاق پانڈی کشمیری ملا عبد الرزاق محشی تھمسریدہ
 و مصنف رد محاکمات در عهد شاہجهان از علمای نامدار کشمیر بودند ملا عبد الرزاق کشمیری شاگرد
 خواجہ حمید چرخنی در عهد عالمگیری بود مولوی عبد الرسول سهارنپوری مصنف تن متین و غیره
 ملا عبد الرشید زندگ کشمیری شاگرد محمد افضل چرخنی در عهد عالمگیری بود مخدوم عبد الرشید ساکن
 بالہ کنڈی مالک سہ از اجل علماء و اکمل تقیاء و مجمع کلان از بواسفادہ کمال علمی عملی رشید و کار
 شدہ مولوی عبد البھمان پشاوری ملا عبد السلام ساکن یوہ شلاح تہذیب منطق شمس الاول
 شاگرد ملا عبد السلام لاہوری بود مولوی عبد السلام آروی مولوی عبد السلام بانی تپی
 ملا عبد الشکور لاہوری در عهد اکبر شاه قاضی چوپور بود مولوی عبد الشکور فیض آبادی مولوی
 عبد الصمد پشاوری مولوی عبد الصمد سہوانی مخدوم عبد الغفر کا بانی ساکن کاہان مضاف
 سوستان ملک سند محدث اہر عزیز مصر تہذیب و تدقیق و برگزیدہ کشور تحقیق باد و سپر والا گرسر
 سلم و ہزار عینی مولانا اثیر الدین و مولانا یار محمد بزبان جام فیروز بہ سبب خروج شاہ اسمعیل باضی
 ادہارت بموضع کاہان قدم آورده آن سرزمین را بشعر علوم سنور ساخته ہمدان چار حل قاضی

انداختن و پانچا پشتم از مطالعہ نسخہ حیات پوشیدند تصانیف عربیہ چون شرح مشکوٰۃ و حواشی
 اکثر کتب متداولہ انا نہا یادگارند مولوی عبدالغفر زریا بادی = مولوی عبدالغفر لکھنوی مؤلف
 بیغام محمدی وغیرہ = حافظ عبدالعلی رام پوری بن ملا محمد عمران بن ملا محمد غفران در سال دوازدہ
 صد و نو دہفت ہجری وفات یافتہ = مولوی عبدالعلی بن مولوی فضل الرحمن رامپوری
 مولوی عبدالعلی ساکن ڈومری ضلعہ پٹنہ = مولوی عبدالعلی ساکن جالپس = سید عبدالفتاح
 گجراتی معاصر محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر = ملا عبدالقادر اخوند معاصر نصیر الدین محمد
 بہایون شاہ = مولوی عبدالقادر سیدی از اولاد امجد مولوی حمد اللہ شارح سلم فوردہم ذیحجہ سال
 دوازدہ صد و ہفتاد و دو ہجری رحلت کرد = مولوی عبدالقادر رامپوری = مولوی عبدالقادر
 با عسکظہ ساکن بمبئی = مولوی عبدالقادر ساکن تھانہ ضلعہ بمبئی = مولوی عبدالقادر ساکن
 ہوگلی عالم با عمل صاحب تصانیف وہم ذیقعدہ سال سیزدہ صد و ہفت ہجری عبدالطاہر را
 عقب خود گذاشتہ رحلت کرد = مولوی عبدالقدوس بنگلوری = میر عبدالقدوس ٹھٹوی ابن
 سید عابد انشمنہ کامل تحریر دقت صاحب شان دستثنی در ابنکے جنس برآمدہ
 دہ ہزار و صد و چهل شش ہجری وفات یافتہ آیہ کریمہ مکرمون فی جنات النعیم مطابق واقعہ است
 ملا عبدالقوی احمد آبادی برہانپوری عالمگیر ویرا مخاطب با اعتماد خان کرد و اکثر دی را بلفظ اخوند خواندے
 مولانا عبدالکریم شروانی معاصر غیاث الدین تغلق = سید عبدالکریم قنوجی ابن سید محمد قنوبے
 در عمد عالمگیر مشغول بدرس متداولات بود = قاضی عبدالکریم کشمیری شاگرد ملا ابوالفتح در عمد
 عالمگیر بود = مولوی عبدالکریم ساکن ٹوناک ناظم رسالہ سبیل الرسول فی التناسخ و المنسوخ = مولوی
 عبدالکریم رامپوری = ملا عبداللطیف ساکن در بیلہ مالک سند عالم بلین بود حاشیہ بر شرح ملای جانی
 دارد و در بحث الکلام التضمن کلمتین حقیقہ او حکما ای کیوں کلا واحدہ نہما فی ضمنہ فالتضمن اسم فاعل
 ہو المجموع و التضمن اسم مفعول کل واحد من التضمنین فلا یلزم اتحادہما دین و دہیت درج کردہ
 قام زید بیست مجموعہش بہ اسم فاعل التضمن می شمرند و بخوابی اسم مفعولی از وہ بیست افرادیش
 را کن نظر پیش شیخ عبداللطیف برہان پوری معاصر محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر بود = مولوی
 عبداللطیف دیلوری = مولوی عبداللطیف فقیہ رامپوری = مولوی عبدالحمید برہان پوری =

ملا علی بنی کشمیری در عهد عالمگیر بود و مولوی عبدالوهاب ساکن سوات بنیر قاضی عبدالوهاب
 کنی ساکن قصبه مونگی که در علم فقه و اصول مهارت کامل داشته در عهد عالمگیر قاضی عسکر بوده ملا
 عثمان گجراتی از علمای قرأت و ملا عثمان سامانه و ملا عثمان بنگالی سنبھلی از علمای نامور و در عهد اکبر شاه
 بودند و خواجہ عزیز الدین صوفی مؤلف تحفۃ الابرار فی کرامۃ الاخیار معاصر غیاث الدین تغلق بود
 عزیز الدین خالد خانی مؤلف دلائل فیروزی در علم نجوم معاصر سلطان فیروز بود ملا عصام الدین
 معاصر نصیر الدین محمد ہمایون شاہ ملا کاالدین تاج و ملا کاالدین کرک و ملا کاالدین صدر الشریعہ و
 ملا کاالدین مقری علمای نامور در عهد علاء الدین خلجی بودند مولانا علاء الدین اصولی بدایونی
 سید علاء الدین ادہبی امیر علاء الملک مرعشی در عهد شانزادہ شجاع بود کتاب مہذب در منطق
 و الوار الہدی در انہیات و ضراط الوسیط وراثیات واجب از تصانیف و یادگار اند
 مولانا علم الدین بنیرہ شیخ بہار الدین نکر بلتانی در عهد علاء الدین خلجی بود مولوی علی اعظم
 ساکن بھلوار مولوی علی اکبر اکبادی مصنف فصول اکبری و اصول اکبری ملا علی الماس
 کشمیری شاگرد ملا جوہر ناتھ در عهد شاہجہان بود علی بن احمد غوری ساکن کرگاہ متصل لانک پست
 از میدان شیخ رکن الدین قدس سرہ بود از تصانیف اوست کثر العباد فی شرح الاوراد مصنف
 بہار الدین قدس سرہ خواجہ علی بن کشمیری شاگرد ملا شمس پال در عهد جہانگیر شاہ بود ملا علی پستک
 کشمیری معقولی میانہ قدو دجہانگیر شاہ اوراپستک میگفت بہمان شہرت یافت چنانچہ سال فوش
 ہم در مصر عہدای پست دہلہ ہمت کوہ یافتہ اند مولوی علی حبیب سجادہ نشین بھلوار
 مولانا علی شاہ جاندارازاکا بر علمای وقت و مرید شیخ نظام الدین اولیا قدس سرہ بود کتاب
 خلاصۃ اللطائف در تصوف از تصانیف اوست ملا علی قاری ٹھوپی در فضیلت افضل و
 در قرأت اکمل بعد مرزا جانی بود ملا علی گروملای مستعد معاصر اکبر شاہ بود ملا عماد الدین معاصر
 شمس الدین التمش بود مولانا عماد الدین شہنشاہ تہجد در زمان سلطان محمد تغلق شاہ دہلی مردی
 بزرگ و راست گو و حق شناس بود میگوی کہ محمد تغلق در ایام غور سلطنت خود گفتہ بود کہ فیض خدا
 منقطع نیست چرا باید کہ فیض نبوت منقطع شود اگر کسی حال ادعوی پیگیری کند و مجرہ ناید تصدیق میکند
 یا نہ مولانا عماد بر فور گفت کہ بخورچہ میگوئی محمد تغلق حکم کرد کہ او را فوج کنند و زبانش بر آرد رحمت اللہ علیہ

مولانا عطاء الدین حسام در علماء الدین خلی تا بست سال تنگیر غنتہ مذکور و مقبران و دانشمندان
 دکانان و فاضلان و شاعران حاضری شدہ مولانا عطاء الدین محمد طامی طامی در حوالی شیراز است
 اناخا کجرات آمدہ بخدمت ملک قطب الدین کہ خلیفہ خاص حضرت سید محمد المشہور شاہ عالم بودند
 مدیہ گشت چنانچہ در علوم ظاہری نظیر آفاق بود و در علم باطن ہم طاق گردید و بارشاد و ہدایت خلق
 مشغول شد میان وجیہ الدین کجراتی انا رشد تلامذہ دیند سید عنایت اللہ محمدی بالا پوری
 عامل کامل فاضل لاثانی مشہور و معروف وقت خود بود در سال یازدہ صد ہفتہ ہجری
 رحلت فرمودہ مولوی عنایت احمد ساکن پٹنہ مولوی عنایت اللہ ساکن بردوان مولوی
 عنایت حسین ساکن مولگیر قاضی غضنفر سمقندی در علم جلال الدین محمد اکبر شاہ ہندوستان
 قدم آورده منصب اتفی القضاۃ ولایت کجرات یافتہ انصرام عہد خود بدیانت میگردید
 علوم متعارفہ یگانہ بود سید غضنفر ابن سید جعفر نردالی منسوب بہ والدہ کجرات مولوی غلام
 اکبر خان مصنف ہدایۃ المنکرین وغیرہ غلام علی کورازا چلہ افاضل محمد اکبر شاہ بود مولوی
 غلام حسین بنگالی مولوی غلام سبحان قاضی القضاۃ کلکتہ مولوی غلام نبی شاہ جہانپوری
 محشی میرزا بدر سالہ مولوی غلام علی ساکن مہری احاطہ بمبئی مولوی غلام احمد نصیر آبادی مولوی
 غلام محمد ہوشیار پوری ملا غوثی کجراتی مولانا غیاث بہرچی سید فاضل معاصر اکبر شاہ بادشاہ
 بود حکیم فتح اللہ گیلانی از اطباء محمد اکبر شاہ بادشاہ بود کتب طبیہ تحقیقات نام
 خواندہ و در ہیئت نیز ماہر بود و شرح قانون شیخ الرئیس بغارسی نوشتہ قاضی فتح علی قنوجی شاگرد
 مولوی علی اصغر قنوجی در ہر علوم متداولہ مناسبتی داشت حاشیہ شرح تہذیب اللی شرح مقالات حمیری
 از تالیفات ایمنہ اوست مولوی فتح علی بردوانی مولوی فتح علی جہانپوری عالم متعدد
 عم مولوی مشتوق علی جہانپوری طبع موزون داشت خصوصاً در بدیہ گوئی تا بیخ شہرہ آفاق بود
 قاضی فخر الدین در علم جلال الدین ظہری علامہ عصر بود مولانا فخر الدین ہانسوی مولانا فخر الدین
 مقابل معاصر علماء الدین خلی بودند مولوی فخر الدین لکھنوی مولوی فخر الدین علی خان
 شافعی المذہب قاضی جینا پٹنہ مولوی فدا حسین ساکن ضلع پٹنہ فرید بنگالی دانشمند تاجر
 و محدث معاصر جلال الدین محمد اکبر شاہ بود ملا فضل ملتان از اکابر علماء عصر خود بود محمد دم

چون

ان

فضل الله شصتی غریب وقت جامع فضائل قدسیه حاوی معارف النسیه محلی حلیه وربع و تقوی
 همواره بدرس علوم اشتغال داشت معاصر مزناهیسی و در ناباتی مولوی فضل الله لکهنوی
 مولوی سید فضیلت حسین ساکن ضلع پٹنہ مولوی فضل الله بنگوری مولوی فصیح الدین
 از علمای کاملین بلده قنوج بود و عمر شریفش بدرس و عبادت بسربرد مولوی فیض الحسن لاهوری
 که بدریس علم ادب یگانہ روزگار بود بتاریخ دوازدهم جمادی الاول سال یک هزار و صد و پنجاه
 هجری از بجمان رحلت فرمود مولوی فیض الله پنجابی مولوی فیض الحسن سهارنپوری مصنف
 تحفه صدیقیه در شرح حدیث ام زرع میان قادن پسر شیخ جو نو و الشمنه معتبره در عمده معلول بودی
 بود سید قادری بلگرامی ابن حافظ ضیاء الدین بلگرامی حاج الحرمین الشریفین فاضل و حافظ
 و قاری قرآن بوده در وطن گوشه گرفته بعبادت معبود حقیقی اشتغال داشت بسال هزار و
 یکصد و چهل و چهار هجری در گذشت قاسم ترمذی کشمیری در عمده عالمگیر از علمای نامدار و وقت
 ملا قاسم واحد العین قدس هاری در عمده جلال الدین محمد اکبر بادشاہ از عمده ترین مدرّسین علوم عقلیه
 و نقلیه بود مولوی قاسم علی سندیلی ابن مولوی محمد الله سندیلی شاگرد پدر خود مولوی فاضل و کامل
 کثیر الدرس بود و زیارت بیت الحرام مشرف گشته مولوی قدرت الله بر بانه پوری مولانا
 قطب الدین نافله معاصر غیاث الدین بلبن ملک قطب الدین سهرزندی در عمده معلول بودی
 بود شیخ قطب برهان پور سے فاضل متوجع حافظ جید تیر انداز مقرر بود شعاع عرب بسیار بخاطر او
 و خوب می خواند و با وجود وفور فضائل و سبکت و سبکت مفرط داشته بماه رمضان به پیش امامی
 عالمگیر بادشاہ مغزنی بود و نیز بتعلیم شاہزاده منظم مغزی بود در پنجم سال جلوس عالمگیر بدینار خلافت
 شاہجهان آباد بر حمت حق پیوست مولوی سید کاظم علی دریابادی بن سید قاسم علی چهاردهم
 بیج الاول سال سیزده صد و پنچ هجری رحلت کرد ملا اکبر الدین مورخ در عمده علماء الدین خلمی بود
 مولوی کبیر خان قاضی محمد پور احاطه بمبئی شیخ کبیر ناگوری از اولاد شیخ فرید بن عبد الغزیز بن شیخ
 حمید الدین صوفی ناگوری است بزرگ صاحب مقامات جامع علم ظاهر و باطن کتاب ذہن کاشف
 فو شرح مصباح است از تصانیف ویست بجهت تفرقه که در ناگور از دست کفار آن دیار واقع
 شده بود بجانب گجرات رفت و بمانجا وطن پذیرفت رحمة الله علیه شیخ کبیر ولد ملا منور و صفر سن

لکمال رسیدہ و از پیران درگنڈا یندہ اکثری کتب متداولہ در لہذا مت پد و خسر بزرگوار خویش کہ سعادت
 بنی اسرائیل بود تحصیل نموده طریق صحبت و اختلاط را نیکو در زیدہ حکم جمال الدین محمد اکبر شاہ
 بہر اہی پد و پر گنہ بجوارہ و دامن کوہ شمالی رفتہ بضبط و ربط آن فواجی مشغول بود۔ مولانا کریم الدین
 در عہد علاء الدین خلجی تذکرہ گشتی و دوران تحمید و نعت نظم جدید و مناسب آوردی چونکہ از خوش ہنر
 سخنمای اور عوام نینقتادی و جمیعت کثیر ہم نبودی۔ مولانا کریم الدین ٹھٹوی جامع فضائل و کمالات
 قانع زریل مضلالت بزہد و تقوی نامور معاصر ملا عبدالرحمن ٹھٹوی بود۔ مولانا کریم الدین جوہری
 در عہد علاء الدین خلجی بود۔ ملا کمال راہپوری بس نامور زلیست۔ مولانا کمال الدین کولی در عہد
 علاء الدین خلجی بود۔ مولانا کمال الدین اودھی و کمال الدین ساماتہ در عہد فیروز شاہ از علمای نامور
 بودند۔ قاضی گھاسی آلہ آبادی شاگرد و خلیفہ شیخ محب اللہ آلہ آبادی۔ شاہ گدای کشمیری در
 جہانگیر شاہ از علمای نامور بود۔ مولوی گلزار علی پھلوا ری را بس موزون است۔ مولوی لطف حق
 ساکن تھاپور گجرات۔ مولوی لطف علی ساکن ضلعہ پٹنہ۔ مولانا لطیف مقرر از علمای فرات
 در عہد علاء الدین خلجی بود۔ مولانا میران مار بیکہ معاصر علاء الدین خلجی۔ مبارز خان سلطانپوری
 معاصر ملا نظام الدین سہالوی رسالہ مبارزیہ در علم کلام از مولفات اوقنی است بس متین۔
 ملاجنون کشمیری معاصر شاہجہان بود شیخ محمد اشرف شطاری لاہوری بصلاح و فضیلت نامور
 معاصر عالمگیر بود۔ مولوی محمد ادریس سلہٹی محشی جمع الجوامع سیوطی۔ مولوی محمد اسرائیل سلہٹی محشی تفسیر
 بیضادی و صدرا۔ مولوی محمد علی ساکن خانہ مؤلف کشاف اصطلاحات الفنون۔
 قاضی محمد افضل بہکری۔ ملا محمد افضل کشمیری معاصر جہانگیر شاہ بود۔ ملا محمد اکرم لاہوری متداول
 را بار بار درس گفتہ مجمل و بردباری و صلاح و پیرہیز گاری موصوف علم شاہزادہ کام بخش بود۔
 قاضی محمد احمد آبادی مرید حضرت قطب العالم احمد آبادی قدس سرہ بود ویراسہ پسر اندکی قاضی حمید
 کہ بقاضی چالیندہ شہرت دارد پد قاضی محمود دریای دوم قاضی العالم شاہ حماد سوم قاضی حامد
 ہر سہ برادران مرید و خلیفہ حضرت شاہ عالم احمد آبادی قدس سرہ بودند۔ قاضی العالم شاہ حماد
 دوازده سال در طلب علم پیش مولانا میاخی گبرانی صرف کردند و دوازده سال بجا و کفرہ دیباک
 سپاہیان بہر بردند و دوازده سال ترک ہمہ کردہ بخدمت مشغول شدند از بد و شورا کل صلاح صدق

در
 نظام
 الدین
 خلجی

مقال لازم حال خیر کمال شان بود تا اینکه تقوی شان در مرکب شان ہماثر گردہ بود ہرگز گاہ ودانہ
 حرام نمی خورد و شب خواب کمتر میکرد و از بس کہ مظهر جلال بودند کسی را مجال تبرک نہ بہ نظر شان بیاید
 اغلب اوقات در پردہ جادداشتند خادم طومار حاجات ارباب احتیاج انہیں پردہ بخواند ایشان
 در جواب بعضی میفرمودند کہ میرہم و برای بعضی نمیدہم فرمودند لہذا علماء وقت فتویٰ قبیلش دادند
 حاجی محمد افضل سیالکوٹی خواجہ محمد امین ولی اللہی ملا محمد اسین کشمیری معاصر عالمگیر بود۔ ملا محمد باقر
 کشمیری معاصر شاہجہان بود۔ شیخ محمد بروچی۔ ملا خواجہ محمد لوہیگر کشمیری معاصر عالمگیر بود۔
 مولوی محمد جیلانی رام پوری مصنف ہنگنامہ۔ قاضی محمد حسین جونپوری از علم و فضل نصیبی افروخت
 در عہد شاہ جہان قاضی جونپور بود و در اوائل عہد عالمگیر بقضای آلہ آباد ممتاز شدہ درس ہفتم
 جلوس عالمگیر بحضور آمدہ باضافہ منصب و احتساب لشکر سر فراز گردید و در تالیف فتاویٰ
 عالمگیری بسی سعی نمودہ۔ مولوی محمد حسین مصنف اشاعت السنہ وغیرہ۔ مولوی محمد حسین مصنف
 تیغ فقیر و حربہ فقیر وغیرہ۔ مولوی محمد حسن اردوہوی مؤلف تفسیر معاملات الاسرار فی مکاشفات
 الاخبار معروف بتفسیر حضرت شاہی۔ مولوی محمد حسن اسرار علی سنبھلی۔ ملا محمد داغی ٹھٹوی
 در عہد شاہزادگی پیش امام شاہجہان بادشاہ بود۔ شیخ محمد سعید سہرندی ابن حضرت شیخ احمد
 محمد الف ثانی خلیفہ پدر خود بود و فاضل تشریع و عالم متورع پیوستہ ہار شاد طالبان حسد
 و درس علوم اشتغال داشتہ عاشیہ بر عاشیہ خیالے نوشتہ بصحبت عالمگیر رسیدہ رعایت کلی یافتہ
 مولوی محمد شاہ مصنف مدار الحق۔ ملا محمد صادق ٹھٹوی۔ ملا محمد صالح معاصر جہانگیر شاہ بود۔
 ملا محمد صلاح گجراتی۔ مولوی محمد صدیق اصولی پشاور سی۔ مولانا محمد صدیقی ملتانی گجراتی مولوی
 محمد عادل از ابتدائات تہا کتب درسیہ خدمت مولانا محمد سلامت اللہ گزیدہ الحال جانشین
 مولانا موصوف بکا جونپور ہستند و ہدایت و ارشاد و تلاوت صبارت الادوات اند سلمہ اللہ تعالیٰ۔
 شاہ محمد عاشق پہلی بابا محمد عثمان کشمیری ابن شیخ محمد فاروقی لہذا ملا محمد الدین صادق وغیرہ
 علمای کشمیر بود و نیز خدمت مولانا شاہ ولی اللہ دہلوی رسیدہ اجازت حدیث و فقہ یافتہ
 مولوی محمد عمر دہلوی ابن مولوی اکرم اللہ دہلوی بود و از وہ صد و شصت و ہشت ہجری
 متولد شدہ و پیشی والد ماجد خود تربیت و تعلیم علوم رسمی یافتہ بدرس و در پس اشتغال دارد

سلمه الله تعالی، مولوی محمد علی ابن مفتی یا محمد و کنی مولف کو اکبر لوفان فی تحقیق السیاح، مولوی
 محمد علی نصیه آبادی مولف جلال العیون نظم سرور المخرن، مولوی محمد فصیح غازی پوری و اعظم فصیح قانع
 رسم قبیح، ملا محمد قاسم استرآبادی بلقب هند و شاه شهرت داشت گلزار ابراهیمی مشهور بتاریخ فرشته
 از تالیفات ویست، ملا محمد لاهوری از اکابر علمای لاهور است، مرزا محمد صادق مولف صبح صادق
 نسبت تلمذ با و دارد در عهد شاه جهان قضای بنگاله داشت، شیخ محمد لاهوری ابن عبد الملک
 از فضلمای نامور پیش علمای مجاز تفسیر و حدیث و فقه آموخته بوطن مراجعت نمود و بتدریس روزگار
 گذرانید، محمد حبیب کشمیری معاصر جهانگیر شاه، شیخ نیرماه جوینوری با علم صوری و معنوی آراسته بود
 مولوی محمد مصطفی پنجابی، مولوی محمد موسی ابن مولانا رفیع الدین دهلوی، شیخ محمد و اعظم لاهوری
 از مشاهیر و اعظمین لاهور بود، مولوی محمد حبیب ساکن بجلواری، شیخ محمد علی سهرندی ابن حضرت
 شیخ احمد محمد دلف ثانی قدس سره بصلاح و تقوی موصوف اکثر اوقات خود بدرس علوم متداوله
 صرف میکرد و مشمول عواطف عالمگیر بادشاه بود، ملا محمد یزدی قاضی القضاة جوینور مجرم افتا
 خروج بر اکبر شاه بادشاه از عروج منصب خود بفرقاب فتنارسیه، مولوی محمد یعقوب دهلوی
 ابن کوکم الله دهلوی برادر کلان مولوی محمد عمر پیش پدر خود کتساب علوم کرده با فاداه طلبه اشتغال
 دارد سلمه الله تعالی، ملا محمود ثانی جوینوری تلمذ دانشمند خان در اواخر عهد شاه جهان
 در گذشت، شیخ محمود بهکری از اجله علمای روزگار بود، قاضی محمود علامه عباسی طحوی معاصر
 مرزا عیسی و مرزا جانی حکام سند در حقیقت و کمال از نوادر و در جامعیت علوم بغرائب اظهر
 صاحب تصانیف کثیره بود و بمجملة آن تذکره الاولیاء حواشی متین بر کتب متداوله است =
 قاضی محمود ریای ولد قاضی چایلینده بزرگی و خوارق ایشان عالم با فرد گرفت و خدمت
 عالم آب هم بایشان تعلق داشت اکثر در تباہی کشتیها که یاد ایشان می نمودند بساحل مراد
 می رسیدند ازین سبب دریای لقب خاص مقرر گشت چون به شخصت و هفت سال سی
 بتاریخ سیزدهم شهر ربیع الثانی سال نهصد و چهل یک جان بحق تسلیم نمود و مرقدش در بهیر پور
 مضافات گجرات واقع است، قاضی محی الدین کاشانی معاصر علامه الدین خلجی، محمد و جهان
 سندی در عهد اکبر شاه از علمای نامور بود، نسید مرئی بگرامی عالم عارف بود خلایق از او نفع

می شد نہ ہزار یکصد و ہفتصد ہجری وفات یافت سید رضی سوسانی و فضیلت اتم شاکر
 حسان اللہ سید غلام علی آزاد بلگرامی بود مولوی رضی حسن ساکن پچلوا دی۔ ملاحظہ ساکن کرا
 معاصر فرور شاہ قاضی محار الدین در عصر غیاث الدین تغلق مجدد قضاے دہلی سر بلند بود۔
 قاضی معروف بہ مری معروف و مشہور زمان قاضی شہر بہکرو بود و نور علم و فضیلت و صلاح و تقوی
 و لطف طبع و طیب مزاج انصاف داشت بسج جام نغمہ زبان سند سانیدند کہ قاضی اندک
 و مدعا علیہ اخذ اجر میکنہ جام اورا طلبیدہ پرسید قاضی گفت بلی اکثر بخاطر مکنزد کہ از گواہان ہم پیچہ
 گرفتہ شود اما پیش از ان انفصال دعوی بخانہ خود میروند جام ازین حرف بغایت منبسط شد چون جام را
 خوش یافت گفت تمام روز با انفصال دعاوی می پردازم و گواہ کثیرین بفاہ می کنند اندامین
 حال کی روا باشد جام ہری او اورا ری لائق مقرر فرمود۔ مولانا معز الدین اندینی معاصر علماء الدین
 خلجی۔ مولانا معین الدین لونی معاصر علماء الدین خلجی۔ قاضی مغیث الدین بیانہ۔ سید غیاث الدین
 ساکن کیتل در عمدہ علماء الدین خلجی بودند۔ مولوی مقبول احمد گویا موی مولف رسالہ تہیہ الانسان
 در بیان حلت و حرمت حیوان۔ ملا مقیم در عمدہ کبر شاہ مدرس دہلی بود۔ سید منتخب الدین ساکن
 کیتل برادر سید مغیث الدین معاصر علماء الدین۔ شیخ منصور لاہوری از شاگردان شیخ اسحاق
 کا کو است و بیشتر تحصیل علوم و ملازمت ملا سعد اللہ نمودہ و مصاہرت باو داشت و دشمن
 تہ بود و در ہمہ علوم عقلی کد بہت و ستان متعارف انداختہ صاری تام مرجعیت انام داشت
 از عمدہ کبر شاہ چند گاہ قاضی القضاۃ ملک ماوہ بود بعدہ بخدمت ضبط در بطرہ گنہ کور و حدود
 دامن کوہ مامور شد۔ ملا منور تلمیذ شیخ اسحاق کا کو در عمدہ کبر شاہ بود۔ مولانا منہاج الدین جرجانی
 در عمدہ غیاث الدین بلبن بود۔ مولانا منہاج الدین تلمنی معاصر علماء الدین خلجی۔ ملا موسیٰ
 احمد آبادی در عصر کبر شاہ بود۔ ملا موسیٰ جیل کشمیری معاصر عالمگیر بود۔ ملک موید جاجری در عصر
 جلال الدین خلجی بود۔ شاہ مہدی عطا ابن شاہ حسین عطا ابن شاہ بناہ عطا سلونی کرمی اشرفی
 اڑھنی اتاد لاد ماجا شیخ اڑھن جو نپوری قدس سرہ بسال دوازده صد و شصت و شش ہجری
 ولادت یافتہ علوم باطن از جد و پدر و خود آموختہ غرقہ پیشانیہ در بر کشید و در علوم ظاہر شاگرد مولوی نور احمد
 پنجابی بغایت علم دوست و شاعر و تدریس طلبہ رونق بخش سجاولہ سلون اند سلمہ اللہ تعالیٰ ملا میر شاہ

دین

کشمیری معاصر عالمگیر بوده ملا نامور در عهد اکبر شاه قاضی اگره بوده مولوی ناصر علی غیاثپوری مؤلف
 مناصر الحسنة و عناصر البرکات و غیره ملا نازک کشمیری در عهد عالمگیر بوده مولوی نجف حسین
 سندیل نوزدهم محرم سال دوازده صد و پنجاه و پنج هجری بمقام احمیر رحلت کرد - مولانا نجم الدین
 و شقی شاگرد مولانا فخر الدین رانی معاصر غیاث الدین طبرستان - مولانا نجم الدین انتشار معاصر
 علامه الدین خلجی - مولانا نجیب الدین شادی معاصر علامه الدین خلجی - مولوی نذیر حسین محدث
 مصنف معیار الحق و غیره ملا نسیم منطقی رام پوری - مولانا نصیر الدین غنی و مولانا نصیر الدین
 ساکن کراره مولانا نصیر الدین صابونی در عهد علامه الدین خلجی علمای نامور بودند سید نظام الدین
 در فقه اذنی انام و در علوم اعلم کرام برآمده بجزیه طبع گراییده سوی شاهجهان آباد شتافت و در تالیف
 فتاوی عالمگیری بسی مشکلات حل کرده بیست شهر نیست از توابع سند - مولانا نظام الدین کلانی
 معاصر علامه الدین خلجی - مولانا نظام الدین علی معاصر بابر بادشاه - ملا نظام الدین هرودی مصنف
 طبقات اکبری - شیخ نظام تھانگیری ابن شیخ عبدالشکور باوجودیکه تتبع متداولات نموده و از کتب
 صوفیه مطالعه نکرده بودند در تصوف تصنیف فرموده که جمله پسند عارفان است و نیز تفسیری
 املا کرده که معنی آن همه در قالب تصوف ریخته - قاضی نعمت الله عباسی تھنوی نسبش بآل عباس
 رضی الله عنه منتهی می شود وی از اخفاد و اماندگان عهد گاشنگان خلفای عباسیه در عهد جام
 صلاح الدین بن جام تھاجی بادشاه سنداقم علما و اکرم اقلیای بوده مولوی نعیم الدین ابن مولوی
 نصیح الدین گنجی تلمیذ مولوی عبدالباسط گنجی شرح تصدیقات سلم العلوم و حاشیه صدر از تصنیف
 اوست - شیخ نور الدین کنبوه لاهوری ملا سید در عهد اکبر شاه بوده مولوی نور کریم دریابادی
 ملا نور محمد همکری - مولوی واجد علی مؤلف رساله معروف العرفان - مولانا وجیه الدین مله و مولانا
 وجیه الدین پانلی و مولانا وجیه الدین رازی علمای عهد جلال الدین خلجی اند - مولوی وحید الحق بهاری
 بست بهارم صفر سال هزار و دو صد هجری وفات یافته کتاب زاد الاخرت او شرح کلمه طیبه
 ذکر الصلوة و قره العاشقین فی حلیة سید المرسلین و رساله تحقیق الایمان از ویادگار اندر رحمة الله علیه
 مولوی وحید الزمان بن مولوی سیح الزمان کھنوی مؤلف نور الهدایه ترجمه شرح و قایه - مولوی
 وکیل احمد مؤلف رساله حد العرفان - قاضی ولی الله خان ساکن بروده - ملا هاشم کنبوه معاصر

دین

دین

جلال الدین

جلال الدین محمد اکبر شاہ - تیسرا ششم منور آبادی شاگرد ملا حیدر کشمیری معاصر عالمگیر مولوی سید یار علی
مشہدی کرڈی فقیہ وقت بود مولوی سید یار علی مصنف ہادی المضلین مفتی یار محمد طیبی
دکنی محشی شرح تہذیب یزدی - ملا یار محمد بکری مشہور بکلیا یاری شیخ یاسین قنوجی اناعیان
فضلائی بلده قنوج کامل مکمل بود خلق کثیر فیضان تلمذ او باستانی فضائل سید نانا نجلہ سید
مرتب بلگرامی دلا فیضی اردہی از شاہیر فضلا هستند مولوی یعقوب علیخان رامپوری - ملا یوسف
کادو کشمیری و ملا یوسف چچک کشمیری در عمد شاہجہان نامی بودند مولوی یوسف علی سندیل
الاصل گویا مولی مولد الکھنوی وطنًا شارح نظم الفرائض -

بعد ختم کتاب محبی محمد ابراہیم خان رسالہ دار سترل انڈیا ہارس کہ مرد متدین محب اسلام اولین نذر ترجمہ
مولوی شاہ محمد رمضان شہید بفضل ندرج کتابچہ پچران اذند چونکہ صاحب ترجمہ بن نامور و عالم باطل بود و بحالت
اشاعت دین متین شرف شہادت یافتہ ذکرش درین کتاب خالی ازین و برکت خواہد بود و ہوندا

مولوی شاہ محمد رمضان مہمی

از شیوخ قصبہ مہیم عالم عامل اعظا کامل فخر سرزمین ہریانہ بخصایل حمیدہ و شمایل جیدہ شہرت عام
کالبد راتمام داد کا فہم را حیوتان مسلم کہ بنام رانگردر ملک ہریانہ مشہور اندانفت با برکات آیتش
براہ راست قدم اتباع شریعت نہادہ مشائرا لہ تبعان سنت و جماعت هستند تذکرش عجیب
اثری داشت کہ سامعین ہزار جان مطیع و منقاد می شدند و عہدہ اصنام تار زنا را بچہ بار و دوش
افگندہ حلقہ بگوش باسلام میگرددیند با جملہ دی رحمۃ اللہ تعالیٰ بعد زیارت حسین شریفین نادہما
اللہ شرفا و تعظیما براہ بند رہیبی مراجعت وطن فرمودہ بہر مقامی کہ میرسد حسب عادت خود
لب و عظ و تذکیر می کشود و ہدایت اتباع شریعت باہائے آن مقام می نمود تا انیکہ بمقام مند سور
رونق افزودہ بہ سجد آن بلکہ محفل و عظا گرم کرد قوم بپورہ کہ خلاف مذہب اہل سنت اندوین
گرمی تذکیر بسر کردن بنادیق بر دھلہ آوردہ تا بضررت بندہ آن فرقه ضالہ بر تہ شہادت فاگیرشت
این واقعہ در سال دوازده صد و چہل و چہری بظہر پیوستہ رفقای آن مہر و نعش مغفور را بھران
ہما بنہین سپردند بعد از شش ماہ برادر عینی و سہ تابوتش بقصبہ مہیم آوردہ مدفون نمود و شاعر
تاریخ شہادتش چنین یافتہ

	قطعہ تاریخ	
سراپا معرفت عرفان مآبے خردگفتہ خسوف آفتابے	جناب شاہ رمضان طب آفاق ظہور از بہر تاریخ شہادت	
	دیگرے گفتہ	
وے شیخ شہید گفت رضوان	در خلد چورنت شاہ رمضان	
تصانیف المفیدہ - آخرت - بلبیل باغ عقاید عظیم - رنگیلے - منہ سور بہیم مفتوح دلون ساکن وہال مہملہ موقوف و سین مفتوح و او مجبول و رای مہملہ شہر سیست بسر زمین مالوالمہیم بہیم مفتوح وہای ہوز کسورہ بعدش یای تختانی جہولہ دیم موقوف قصبہ سیست بزر بوم ہریانہ متعلقہ ضلع ریتک		
	مولوی امام الدین کالوڈی	
ولدہ رادخان عالم با عمل بوسع و تقوی موصوف بودیم غیر از خلاق بہدایت و ارشادش ہر سستی بیوستندی رحمۃ اللہ علیہ بسال دوازده صدوی و ہفت ہجری ولادت یافتہ در سال سیزده صد ہجری چہار عقب گذشتہ رحلت فرمود از ان جملہ حافظ غریب اللہ را دیدہ ام بدیانت و تقوی مصدق الولد سرلابیہ است کالوڈ قصبہ سیست محروسہ ریاست پٹیا لکہ فی الحال بنلم ہند گڑھ شہرت دارد		
	العجوبۃ الزمان	
	مولوی بہر دہلوی و مولوی دہومن سہارنپوری	
ہر و حرف شناس لوح و انبش ملازم صحبت مولانا شاہ عبدلعزیز دہلوی قدس سرہ بودند قوت حافظ چندان داشتند کہ نچہ از مولانا می شنیدند بلفظ یا دیگر قبتہ بکرات و مرآت و عظم قرآن مجید از زبان مولانا موصوف از ذکر شنیدہ بودند ہر گاہ کسی می گفت چیزے بفرمایند می گفتند آیت از قرآن بخوان اگر قاری غلط خواندی انا لہ غلط نمودہ ترجمہ و تفسیر آن مالہ و ما علیہ مشح و مفصل بیان میکردند مفتی محمد اسد اللہ اکہ آبادی مرحوم میفرمودند باری بہی نتم و در ان زمان مولوی بیرزندہ بود بشنیدن آوازہ او صاحب نش مشاقق نقاسے او شدم و نماز مجوسہ مسجد شاہجہانی کنار دم بعد نماز مجلس تذکرہ منعقد گشت بعض مردم گفتند ہمین مولوی بہر اند کہ و غلط میگویند توجہ تمام بیان شان اصفا کردم از انچہ شنیدہ بودم ناگہ یافتہ		

بعد فرغ از وعظ با مولوی بهر سلام گفته مصافحه کردم و آنکه کریمه وزینا السماء الدنیا بنیت ان الکوکب خوانده
 پرسیدم با سواد سبده سیاره جمله کوکب بر فلک لافلاک ثبت اندک ثبوت آن باز حدیث نبویه میشود
 پس تزئین سما و دنیا به کوکب چه معنی دارد مولوی بنحو اجم گفت شنیده باشید مردمان بے گویند
 اگر فلان بکان از شیشه آلات و غیره چه خوش آراسته است حال آنکه شیشه آلات بسفت و حیطان
 آن مکان چسبان و آویزان می باشند و آنان در حقیقت تزئین مکان مقصود است همچنین کوکب گو
 بفلك لافلاک منوط و مربوط اند لکن در حقیقت ازان کوکب سمای دینار از نیت و روشنی حاصل
 بدین وجه وزینا السماء الدنیا فرموده اند رخ صحبت صلح ترا صلح کند

خاتمه الطبع از جانب کارپردازان مطبع

بعد حمد و نعت بر سالکان مسالک تحقیق و در هر دان منازل تدقیق مخفی محبوب مبارک از بدو آفرینش عالم
 تا ایندم وقتی از اوقات زمانه از وجود باجود انبیاء و مرسلین و اوصیاء کالین علمای شریعت متین حاسیان
 دین مبین خالی نمانده تا گویان بودی ضلالت از بدرقه هدایت و ارشاد آفرینا بمنزل مقصود رسند و تشنگان
 سرب غوایت از سر چشمه مواعظ شان نلاست چشند همچنین هر یکی از خلفاء جانشین اسلام شده در کائنات
 و اطراف عالم هدایت خلق مشغول ماندند و نیز ابدال اقطاب اطیاب هم برین منوال از جانب حق
 مامور شدند چون زمانه رسالت بعد حضرت خاتم النبیین سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم سپری شد و خلفا
 راشدین و ائمه طاهرین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین در ترویج دین و هدایت کافه مسلمین سیهام و افرو
 دجه های تشکافیه فرمودند و چنانکه باید و تلقین احکام و تعلیم انام و توفیق از وقایع فرد گزاشت نمودند و بعد از آن
 جوق جوق علمای اعلام و کلمه تمام به نیابت آنها برخاستند و بکلی همت و الا نمت خود را با برهمن کار خیر
 بر گماشتند تا اینکه خلاق عالم نظر بجاییت دین خویش در تکیه خلقت ایشان چنان بکلی عطا فرمود که در هر
 بقعه زمین نجم افاضات ایشان طلوع نمود چنانچه اکثر کتب از حالات سنییه و مقامات علیه این خلیل ربانی
 مملو و شحون است و هم بجز طبع و داده در هر دیار و امصار اشاعت پذیر لیکن عجب اتفاق که هم این قسم
 کتب را دیدیم مگر از کوائف و سوغ غری مشائخ و علمای هند وستان معلوم یافتیم آری اگر باین کار شرک
 کسی همت نمی گماشت و در تدوین اسامی و حالات این اصحاب خیار برهمن طریق نهادن و تکامل
 ماه می یافت چه عجب که در صفحه روز گز نام نامی این حضرات بر در و هر حک می شد و از آنجا که در بعد بقیه

حصه بر یک جدا گانه بهم میرسد انعام این امر از هم خالق اکرم از فضل آن تم موقوف بر ذات بابکات عالم
 عظیم انظر فاضل خیر عسود اقران و امثال محقق با کمال این هر روز غنی و جلی جناب مولانا حضرت مولوی
 رحمان علی صاحب عم فیض ممبر کونسل مقام دیوان داشته بود که ایدون بطور رسید و شاه پهلوان بر نه
 شهود جلوه گر دید که حضرت مصنف مدوح کتابی نایاب و مخزنی کیاب متضمن حالات و اسامی
 علمای هندوستان تالیف و تصنیف فرمودند و نامش اسم با سنی تذکره علمای هند گذاشتند
 حضرت شائقین را مرده باد که درین ایام برکت انجام نهایت اتمام صحیفه مسبوقی التکر حسب
 تحریک حضرت مصنف در مطبع نامی و گرامی مشهور نزدیک دورشی نو لکشور واقع گشت
 بحسن انتظام با یوم نو بهر لال بهار گو. ماه نومبر ۱۳۳۷ مطابق ماه ذی الحجه ۱۳۳۷ م بار دوم
 نقش لطباع پذیرفت ایرد منان قبول عالم و عالمیان کناد بکرته النون اصدا فقط

اعلان حق تالیف و تصنیف کتاب هذا بجانب مصنف مدوح بحق نو لکشور پوس محفوظ و دست

